

نهج الفصاحه

گفتار محمد از گفتار آسمانی فروتر و از گفتار انسانی فراتر است.

نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم «ص»

حرف الف

۱ آفة الشّجاعة البغى و آفة الحسب الافتخار و آفة السّماحة المنّ و
 آفة الجمال الخيلاء و آفة الحديث الكذب و آفة العلم النّسيان و
 آفة الحلم السّفه و آفة الجود السّرّف و آفة الدّين الهوى.
 سرکشی آفت شجاعت است، تفاخر آفت شرافت است، منت آفت
 سماحت است، خود پسندی آفت جمال است، دروغ آفت سخن
 است فراموشی آفت دانش است، سفاهت آفت بردباری است،
 اسراف آفت بخشش است، هوس آفت دین است.

۲ إئتوا الدّعوة إذا دعيتم.

وقتی شما را دعوت کردند بپذیرید.

۳ إئت المعروف و اجتنب المنکر و انظر ما يعجب أذنک أن يقول
لک القوم إذا قمت من عندهم فآته و انظر الّذی تکره أن يقول لک
القوم إذا قمت من عندهم فاجتنبه.

نیک کردار باش و از کار بد پرهیز بین میل داری دیگران درباره
تو چه بگویند همانطور رفتار کن و از آنچه نمی خواهی درباره تو
بگویند برکنار باش.

۴ آفة الدّین ثلاثة فقیه فاجر و إمام جائر و مجتهد جاهل
آفت دین سه چیز است، دانای بد کار و پیشوای ستم کار و مجتهد
نادان

۵ آفة العلم النّسیان و إضاعته أن تحدّث به غیر أهله.
آفت دانش فراموشیست و دانشی که بنا اهل سپاری تلف میشود.

۶ آكل كما يأكل العبد و أجلس كما يجلس العبد.

مانند بندگان غذا میخورم و مانند آنها بر زمین می نشینم.

۷ آمروا النساء فی بناتهنّ. آیه المنافق ثلاث، إذا حدّث كذب و

إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان.

با زنان درباره دخترانشان شور کنید . نشان منافق سه چیز است، سخن بدروغ گوید، از وعده تخلف کند و در امانت خیانت نماید.

۸ أبی الله أن يجعل لقاتل المؤمن توبة.

خداوند از گناه قاتل مؤمن نمیگذرد و توبه او را نمی پذیرد.

۹ أبی الله أن یقبل عمل صاحب بدعة حتی یدع بدعته.

خداوند عمل بدعتگذار را نمی پذیرد تا از بدعت خویش دست بردارد

۱۰ إبتغوا الرّفعة عند الله تحلم عمّن جهل علیک و تعطی من

حرمک.

اگر میخواهید پیش خداوند منزلتی بلند یابید خشونت را به
بردباری و محرومیت را به عطا تلافی کنید.

۱۱ أبد المودّة لمن وادّك فإنها أثبت.

آنکه با تو در دوستی میزند با وی ره دوستی گیر که این گونه
دوستی پایدارتر است.

۱۲ إبدء بنفسك فتصدّق عليها فإن فضل شيء فلاهلك فإن فضل

شيء عن أهلك فلذی قرابتك فإن فضل عن ذی قرابتك شيء
فهكذا و هكذا إبدء بمن تعول.

صدقه را از خویشتن آغاز کن اگر چیزی فزون آمد بکسان خود
ده اگر از کسان تو چیزی فزون آمد بخویشان ده و اگر از
خویشان نیز چیزی فزون آمد به دیگران ده و همچنین صدقه را از
عیال خویش آغاز کن.

۱۳ أبی الله أن یرزق عبده المؤمن إلا من حیث لا یحتسب.

خدا روزی بنده مؤمن خویش را از جایی که انتظار ندارد میرساند

۱۴_ إبدؤا بما بدأ الله به.

صدقه را از آنچه خداوند آغاز کرده است آغاز کنید.

۱۵_ أبشروا و بشروا من وراءكم أنه من شهد أن لا إله إلا الله صادقا

لها دخل الجنة.

شما را مژده میدهم و شما ب دیگران مژده دهید که هر کس شهادت

دهد که خدائی جز خدای یگانه نیست و بدان معتقد باشد وارد

بهشت میشود

۱۶_ أبغض الحلال إلى الله الطلاق.

منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است.

۱۷_ أبغض الخلق إلى الله من آمن ثم كفر.

منفورترین مردم پیش خدا آن کس است که ایمان آورد و سپس

کافر شود.

۱۸ أبغض الرجال إلى الله ألدّ الخصم.

منفورترین مردان در پیش خدا مرد لجوج و ستیزه جوست.

۱۹ أبغض العباد إلى الله من كان ثوباه خيرا من عمله: أن تكون

ثیابه ثیاب الأنبياء و عمله عمل الجبارين.

منفورترین بندگان در پیش خدا کسی است که جامه وی از کارش بهتر باشد، یعنی جامه او جامه پیمبران باشد و کار وی کار ستمگران.

۲۰ أبغوني الضّعفاء فإنما ترزقون و تنصرون بضعفاء كم.

ناتوان را پیش من آرید زیرا شما ببرکت ناتوانان خود روزی می خورید و یاری می شوید.

۲۱ أبلغوا حاجة من لا يستطيع إبلاغ حاجته. فمن أبلغ سلطانا حاجة

من لا يستطيع إبلاغها ثبت الله قدميه على الصراط يوم القيامة.
حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوانست بزرگان برسانید زیرا هر

کس حاجت درمانده ای را بزرگی برساند روز رستاخیز خداوند
پاهای وی را بر صراط استوار میسازد.

۲۲ ابن آدم أطلع ربك تسمي عاقلا و لا تعصه فتسمي جاهلا.

فرزند آدم! پروردگار خویش را فرمانبردار باش تا ترا خردمند
خوانند و از فرمان وی بیرون مباش که ترا نادان شمارند.

۲۳ ابن آدم إذا أصبحت معافي في جسدك آمنا في سربك

عندك قوت يومك فعلى الدنيا العفاء .

فرزند آدم وقتی تن تو سالم است و خاطرت آسوده است و قوت
یکروز خویش را داری جهان گو مباش.

۲۴ ابن آدم عندك ما يكفيك و تطلب ما يطغيك ابن آدم لا

بقليل تقنع و لا بكثير تشبع

فرزند آدم، آنچه حاجت ترا رفع کند در دسترس خود داری و در
پی آنچه ترا بطغیان وامیدارد روز میگذاری، باندک قناعت نمیکنی
و از بسیار سیر نمیشوی.

۲۵ أتانی جبریل فقال یا محمدّ عش ما شئت فإنّک میّت و أحب
 ما شئت فإنّک مفارقه و اعمل ما شئت فإنّک مجزیّ به. و اعلم أنّ
 شرف المؤمن قیامه باللیل و عزّه إستغناؤه عن الناس .

جبریل پیش من آمد و گفت ای محمد هر چه میخواهی زنده بمان
 که عاقبت خواهی مرد، هر چه را میخواهی دوست بدار زیرا از
 آن جدا خواهی شد و هر چه میخواهی بکن که پاداش آن را
 خواهی دید و بدان که شرف مؤمن بپا خاستن شب است و عزت
 وی بی نیازی از مردم

۲۶ أتانی جبریل فقال بشر أمّک إنّہ. من مات لا یشرک باللّٰہ شیئا
 دخل الجنّۃ قلت یا جبریل و إنّ سرق و إنّ زنی قال نعم قلت و إنّ
 سرق و إنّ زنی قال نعم قلت و إنّ سرق و إنّ زنی قال نعم و إنّ
 شرب الخمر.

جبریل پیش من آمد و گفت امت خود را بشارت بده که هر کس
 بمیرد و چیزی را با خدا شریک نسازد به بهشت میرود گفتم ای
 جبرئیل و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری

گفتم و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری
 گفتم و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد گفت آری و
 اگر هم شراب خورده باشد

۲۷_ أَتَحِبُّ أَنْ يَلِينَ قَلْبُكَ وَ تَدْرِكَ حَاجَتَكَ؟ إِرْحَمِ الْيَتِيمَ وَ امْسَحْ رَأْسَهُ وَ أَطْعِمِهِ مِنْ طَعَامِكَ يَلِينُ قَلْبُكَ وَ تَدْرِكَ حَاجَتَكَ.

آیا دوست داری دلت نرم شود و حاجت خود بیابی بر یتیم رحمت
 آوروی را بنواز و از غذای خویش بدو بخوران تا دلت نرم شود و
 حاجت خود بیابی.

۲۸_ أَتَحْسِبُونَ الشَّدَّةَ فِي حَمْلِ الْحِجَارَةِ إِنَّمَا الشَّدَّةُ أَنْ يَمْتَلَى أَحَدُكُمْ غِيظًا ثُمَّ يَغْلِبُهُ.

آیا گمان میکنید نیرومندی در بردن سنگ است، نیرومند حقیقی
 آنست که خشمگین شود و بر خشم خود غالب گردد.

۲۹_ إِتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيَْادِي فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
 با فقرا دوستی کنید زیرا در روز رستاخیز دولتی بزرگ دارند.

۳۰ أتدرون ما العضة؟. . نقل الحديث من بعض الناس إلى بعض
لیفسدوا بینهم.

آیا میدانید سخن چینی چیست؟ سخن چینی آنست که سخنی را از
 کسان پیش دیگران نقل کنند و میان آنها را بهم بزنند

۳۱ أترك فضول الكلام و حسبك من الكلام ما تبلغ به حاجتك
 از سخنان بیهوده چشم پیوش سخنی که رفع حاجت کند ترا
 کفایت کند.

۳۲ أتركوا الدنيا لأهلها فإنه من أخذ منه فوق ما يكفيه أخذ من
حتفه و هو لا يشعر.

دنیا را بمردم دنیا واگذارید زیرا هر کس از دنیا بیش از حد
 کفایت بر گیرد در هلاک خویش میکوشد اما نمیداند.

۳۳ إتق الله في عسرک و يسرک.

در سختی و سستی از خدا بترس

۳۴ إِتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا وَ لَوْ أَنَّ تَفَرَّغَ مِنْ دُلُوكَ فِي إِنَاءِ الْمُسْتَسْقَى وَ أَنَّ تَلْقَى أَخَاكَ وَ وَجْهَكَ إِلَيْهِ مُنْبَسِطًا.

از خدا بترس و هیچ کار نیکی را حقیر مشمار گر چه کار نیک منحصر باین باشد که دلو خویش را در ظرف تشنه‌ای بریزی و برادر خود را با روی گشاده ملاقات کنی.

۳۵ إِتَّقِ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّمَا يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى حَقَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَمْنَعُ ذَا حَقٍّ حَقَّهُ.

از دعای مظلوم بپرهیز زیرا وی بدعا حق خویش را از خدا میخواهد و خدا حق را از حق دار دریغ نمیدارد.

۳۶ إِتَّقُوا اللَّهَ وَاعِدُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تَحِبُّونَ أَنْ يَبْرَوْكُمْ.

از خدا بترسید و میان فرزندان خود بعدالت رفتار کنید همانطور که میخواهید با شما بنیکی رفتار کنند.

۳۷ إِتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَحْمِلُ عَلَى الْغَمَامِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى وَ
عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا نَصْرَ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ.

از نفرین مظلوم بترسید زیرا نفرین وی بر ابرها می‌رود و خداوند
 می‌گوید بعزت و جلال من سوگند که ترا یاری می‌کنم اگر چه
 پس از مدتی باشد.

۳۸ إِتَّقُوا الْحَجَرَ الْحَرَامَ فِي الْبَنِيَانِ فَإِنَّهُ أَسَاسُ الْخَرَابِ.
 از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید که مایه ویرانی
 است.

۳۹ إِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عِزٍّ وَ جَلٍّ.
 از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدا مینگرد.

۴۰ إِتَّقُوا الشَّحَّ فَإِنَّ الشَّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ حَمَلَهُمْ عَلَى أَنْ
سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَ اسْتَحَلَّوْا مُحَارِمَهُمْ.

از بخل بپرهیزید زیرا که بخل پیشینیان را هلاک کرد و آنها را
 وادار کرد که بخون یکدیگر دست بیالایند و محارم خویش را

حلال شمارند.

۴۱ إِتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَبِكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ.

از آتش پرهیزید و گر چه بوسیله یک پاره خرما باشد و اگر ندارید بوسیله سخنی نیک.

۴۲ إِتَّقِ الْمُحَارِمَ تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ وَ أَرْضُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ.

از چیزهای حرام پرهیز تا از همه کس عابدتر باشی و بقسمت خویش راضی باش تا از همه کس ثروتمندتر باشی.

۴۳ أَتَقَى النَّاسَ مِنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَ عَلَيْهِ.

از همه مردم پرهیزگارتر آنکس است که حق را بر نفع و ضرر خویش بگوید.

۴۴ إِتَّقُوا الدُّنْيَا فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا لِأَسْحَرُ مِنْ هَارُوتَ وَ

ماروت.

از دنیا پرهیزید، قسم به آنکس که جان من در کف اوست که دنیا
از هاروت و ماروت سحرتر است.

۴۵ إِتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَان.

درباره زنان از خدا بترسید که آنها پیش شما اسیرند.

۴۶ إِتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَ أَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا وَ خَالِقِ النَّاسِ
بِخَلْقِ حَسَن.

هر کجا هستی از خدا بترس؛ به دنبال گناه کار نیک انجام بده تا
آن را محو کند و با مردم خوش اخلاق و نیکو رفتار باش.

۴۷ إِتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شِرَارَةٌ.

از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان میرود.

۴۸ إِتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ وَ إِن كَانَ كَافِرًا فَإِنَّهَا لَيْسَ دُونَهَا حِجَاب.

از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد، زیرا در برابر نفرین
مظلوم پرده و مانعی نیست.

۴۹ إِتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ.

از خدا بترسید و میان خویش را اصلاح کنید.

۵۰ إِتَّقُوا الدُّنْيَا وَ اتَّقُوا النِّسَاءَ فَإِنَّ إِبْلِسَ طَلَّاعَ رَصَادٍ وَ مَا هُوَ

بشییء من فخوخه بأوثق لصيده فى الأتقياء من النساء.

از دنیا بترسید و از زنان پرهیزید زیرا شیطان نگران و در کمین است و هیچیک از دامهای وی برای صید پرهیزکاران مانند زنان مورد اطمینان نیست.

۵۱ إِتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظِلْمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ستمگری پرهیزید که ستمگری مایه تاریکی روز رستاخیز است.

۵۲ إِتَّقُوا صَاحِبَ الْجَذَامِ كَمَا يَتَّقَى السَّبْعُ إِذَا هَبَطَ وَادِيَا فَاهِبَطُوا

غیره.

از بیماری که بخوره مبتلا است پرهیزید چنانکه از شیر میگریزد

اگر در دره‌ای فرود آمد شما در دره دیگر فرود آئید.

۵۳ إْتَقُوا زَلَّةَ الْعَالَمِ وَ انْتَظِرُوا فَيْئَتَهُ.

از لغزش دانا بترسید و منتظر باز گشت وی باشید.

۵۴ إِنْثَانٌ لَا تَجَاوِزُ صَلَاتَهُمَا رُؤُسَهُمَا عَبْدُ أَبِقٍ مِنْ مَوَالِيهِ حَتَّى يَرْجِعَ

وَ امْرَأَةٌ عَصَتْ زَوْجَهَا حَتَّى تَرْجِعَ.

دو کسند که نمازشان از سرشان بالاتر نمی‌رود بنده‌ایکه از آقایان خود گریخته باشد تا هنگامی که باز گردد و زنیکه شوهر خود را نافرمانی کرده باشد تا باز گردد.

۵۵ إِنْثَانٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَاطِعُ الرَّحْمِ وَ جَارُ السَّوَاءِ.

دو کس را خداوند روز قیامت بنظر رحمت نمی‌نگرد، آنکه با خویشان ببرد و آنکه با همسایه بدی کند.

۵۶ إثنان خير من واحد و ثلاثة خير من اثنين و أربعة خير من ثلاثة فعليكم بالجماعة.

دو تن از یکی بهتر و سه تن از دو تن برتر و چهار تن از سه تن نیکوتر است، همیشه با جماعت باشید.

۵۷ إثنان يكرههما ابن آدم ألموت و الموت خير له من الفتنة و يكره قلّة المال و قلّة المال أقلّ للحساب.

فرزند آدم از دو چیز بیزار است یکی مرگ در صورتیکه مرگ برای او از فتنه بهتر است و کمی مال در صورتی که هر چه مال کمتر باشد حساب آن آسانتر است.

۵۸ إثنان يعجلّهما الله في الدّنيا ألبغى و عقوق الوالدين.

دو چیز را خداوند در این جهان کیفر می دهد تعدی و ناسپاسی پدر و مادر.

۵۹ إجتنبوا الخمر فإنّها مفتاح كلّ شرّ.

از شراب بگریزید که کلید همه بدیهاست.

۶۰ اجتنبوا التَّكَبَّرَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَزَالُ يَتَكَبَّرُ حَتَّى يَقُولَ اللَّهُ تَعَالَى

أَكْتُبُوا عَبْدِي هَذَا فِي الْجَبَّارِينَ.

از تکبر پرهیزید زیرا بنده همینکه بتکبر خو گرفت خداوند می گوید این بنده را در شمار گردن کشان بشمار آرید.

۶۱ اجتنبوا كُلَّ مُسْكِرٍ.

از هر چه مست میکند پرهیزید.

۶۲ اجتنب الغضب.

از خشم پرهیز.

۶۳ اجتنبوا دعوات المظلوم ما بينها و بين الله حجاب.

از نفرین های مظلوم بترسید که میان آن و خدا حجابی نیست.

۶۴ أَجْرُكُمْ عَلَى قَسَمِ الْجَدِّ أَجْرُكُمْ عَلَى النَّارِ.

هر کس از شما در خوردن قسم جدی جری تر است بجهنم نزدیکتر

است

۶۵ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى وَ إِنَّ حِمًى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ مُحَارَمَةٌ.

هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خدا در زمین محرمات اوست.

۶۶ أَجَلُّوا اللَّهَ يَغْفِرْ لَكُمْ.

خدا را ستایش کنید تا شما را بپامرزد

۶۷ أَجْمَلُوا فِي طَلَبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كَلَّامَ مَيْسَرٍ لَمَّا كُتِبَ لَهُ مِنْهَا.

در طلب دنیا معتدل باشید زیرا بهر کس هر چه قسمت اوست می
رسد

۶۸ أَجْوَعُ النَّاسِ طَالِبُ الْعِلْمِ وَ أَشْبَعُهُمُ الَّذِي لَا يَبْتَغِيهِ.

از همه مردم گرسنه تر آنکس است که در پی دانش میرود و از
همه مردم سیرتر آنکس است که طالب آن نیست.

۶۹ أَجِيبُوا الدَّاعِيَ وَ لَا تَرُدُّوا الْهَدِيَّةَ وَ لَا تَضْرِبُوا الْمُسْلِمِينَ.

دعوت را بپذیرید، هدیه را رد مکنید و مسلمانانرا نزنید.

۷۰ أحبّ الأعمال إلى الله الصّلاة لوقتها ثمّ برّ الوالدین ثمّ الجهاد
فی سبیل الله .

بهترین کارها در نزد خدا نماز بوقت است آنگاه نیکی با پدر و
 مادر آنگاه جنگ در راه خدا .

۷۱ أحبّ البلاد إلى الله مساجدها و أبغض البلاد إلى الله أسواقها.
 محبوبترین جای شهرها در پیش خدا مسجدهاست و منفورترین
 جای شهرها در پیش خدا بازارهاست .

۷۲ أحبّ العباد إلى الله الأتقیاء الأخفیاء.
 محبوبترین بندگان در پیش خدا پرهیزکاران گمنامند.

۷۳ أحبّ الأعمال إلى الله أدومها و إن قلّ.
 محبوبترین کارها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر است
 اگر چه اندک باشد.

۷۴ أحب حبيب هونا ما عسى أن يكون بغضك يوما ما و أبغض
بغضك هونا ما عسى أن يكون حبيبك يوما ما.

در دوستی میانه نگهدار که شاید دوست روزی دشمن تو شود و
 در دشمنی راه افراط مسپار که شاید دشمن روزی دوست گردد.

۷۵ أحب للناس ما تحبّ لنفسك تكن مؤمنا و أحسن مجاورة من
جاورک تکن مسلما.

آنچه برای خود می خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن باشی و با
 همسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی.

۷۶ أحبّ الأعمال إلى الله من أطمع من جوع أو دفع عنه مغرما أو
كشف عنه كربا

بهترین کارها در پیش خدا آنست که بینوائی را سیر کنند، یا
 قرض او را بپردازند یا زحمتی را از او دفع نمایند

۷۷ أحبّ الأعمال إلى الله بعد الفرائض إدخال السرور على المسلم.

بهترین کارها در پیش خدا بعد از ادای واجبات خوشحال کردن
مرد مسلمان است.

۷۸ أحبّ الأعمال إلى الله حفظ اللسان.

بهترین کارها در پیش خدا نگه داری زبان است.

۷۹ أحبّ الأعمال إلى الله الحبّ في الله و البغض في الله

بهترین کارها در پیش خدا دوستی و دشمنی در راه خداست.

۸۰ أحبّ الجهاد إلى الله كلمة حقّ تقال لإمام جائر.

بهترین جهادها در پیش خدا سخن حقی است که به پیشوای ستم
کار گویند.

۸۱ أحبّ الحديث إلى صدقه

در نظر من بهترین سخنان آنست که راست تر باشد.

۸۲ أحبّ الطّعام إلى الله ما كثر عليه الأيدي.

بهترین غذاها در پیش خدا آن است که گروهی بسیار بر آن

بنشینند.

۸۳ أحبّ الله إلى الله تعالى إجرء الخيل و الرّمي.

بهترین بازی‌ها در پیش خدا اسب دوانی و تیر اندازی است.

۸۴ أحبّ عباد الله إلى الله أحسنهم خلقا.

بهترین بندگان در پیش خدا کسی است که خلقش نیکتر باشد.

۸۵ أحبّ الله تعالى عبدا سمحا إذا باع و سمحا إذا اشترى و سمحا

إذا قضى و سمحا إذا اقتضى.

خداوند بنده‌ای را که بهنگام خرید و هنگام فروش و هنگام پرداخت و هنگام دریافت سهل انگار است دوست دارد.

۸۶ أحبّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده.

از جمله بندگان آنکس پیش خدا محبوبتر است که برای بندگان خدا سودمندتر است.

۸۷ أحب للنّاس ما تحبّ لنفسك.

آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواه

۸۸ أحبّ یوتکم إلى الله بیت فیہ یتیم مکرم.

محبوبترین خانه های شما در نظر خدا خانه ایست که در آن یتیمی
محترم باشد.

۸۹ إحترسوا من النّاس بسوء الظّنّ.

بوسیله بدگمانی از مردم در امان باشید.

۹۰ إحتکار الطّعام بمکّة إلحاد

احتکار خوردنیها در مکه کفر است.

۹۱ أحثوا التّراب فی وجوه المدّاحین.

بر چهره ستایشگران خاک بپاشانید.

۹۲ إحذر أن یری علیک آثار المحسنین و أنت تخلو من ذلک

فتحشر مع المرائین.

مبادا آثار نیکان در تو نمودار باشد و نیک نباشی که در اینصورت
با ریا کاران محشور خواهی شد.

۹۳ إحدروا الشهوة الخفیة: ألعالم یحبّ أن یجلس إلیه.

از شهوت مخفی پرهیزید شهوت مخفی آنست که دانشمند دوست
دارد کسان در محضر وی بنشینند

۹۴ أحدروا البغی فإنه لیس من عقوبة هی أضر من عقوبة البغی.

از ستمگری پرهیزید زیرا کیفری از کیفر ستمکاری آماده تر
نیست.

۹۵ أحزم الناس أکظمهم للغیظ.

آنکه در فرو بردن خشم از دیگران پیشتر است از همه کس دور
اندیش تر است.

۹۶ أحدروا زلة العالم فإن زلته تکبکبه فی النار.

از لغزش عالم پرهیزید که لغزش او در آتش نگون سارش خواهد کرد

۹۷ أحسنوا جوار نعم الله لا تنفروها فقلما زالت عن قوم فعادة إلیهم.

قدر نعمتهای خدا را بدانید و آن را از خود مرانید زیرا کمتر ممکن است نعمتی از قومی زایل شود و پس آنان باز گردد.

۹۸ أحسنوا إذا ولّیتم و اعفوا عما ملکتکم.

وقتی فرمان روائی یافتید به نیکی گرائید و زیر دستان خود را ببخشید

۹۹ إْحْفِظِ اللَّهَ تَجْدَهُ أَمَامَكَ.

جانب خدا را نگهدار تا همیشه وی را روبرو بینی.

۱۰۰ إْحْفِظِ لِسَانَكَ.

زبان خویش را نگهدار.

۱۰۱ إَحْفَظْ مَا بَيْنَ لِحْيَيْكَ وَ مَا بَيْنَ رِجْلَيْكَ.

دهان و فرج خویش را نگهدار.

۱۰۲ إَحْفَظْ وَدَّأَيْكَ لَا تَقْطَعْهُ فَيُطْفِئَ اللَّهُ نَوْرَكَ.

دوستی پدر خویش را حفظ کن و رشته آن را مبر که خداوند نور تو را خاموش میکند.

۱۰۳ إَحْفَظْ عَوْرَتَكَ إِلَّا مِنْ زَوْجَتِكَ أَوْ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ.

قِيلَ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَرِيَنَّهَا أَحَدٌ فَلَا يَرِيَنَّهَا قِيلَ إِذَا كَانَ أَحَدُنَا خَالِيَا قَالَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ يَسْتَحْيِيَ مِنْهُ مِنَ النَّاسِ.

عورت خویش را جز از همسر و کنیز خود مستور دار گفتند اگر کسان خویشاوندان یکدیگر باشند؟ گفت اگر توانستی که هیچ کس آن را نبیند بهتر است که نه بیند گفتند اگر یکی از ما تنها باشد گفت از خداوند بیش از مردم باید شرم کند.

۱۰۴ أحلّ الذهب و الحرير لاناث أمتی و حرّم علی ذکورها.

طلا و ابریشم بر زنان امت من حلال است و بر مردانشان حرام

۱۰۵ أخاف علی أمتی من بعدی ثلاثا: ضلالة الأهواء و اتباع

الشّهوات فی البطون و الفروج و الغفلة بعد المعرفة.

پس از خودم بر اتم از سه چیزیم دارم، گمراهی هوسها و پیروی خواهشهای شکمها و فرجها و غفلت پس از معرفت.

۱۰۶ إختبروا الناس بأخدانهم فإنّ الرّجل یخادن من یعجبه.

مردم را از معاشرانشان بشناسید زیرا کند هم جنس با هم جنس پرواز.

۱۰۷ أخذ الأمير الهدیّة سحت و قبول القاضی الرّشوة کفر.

هدیه گرفتن امیر نارواست و رشوه گرفتن قاضی کفر است

۱۰۸ أخسر الناس صفقة رجل أخلق یدیه فی آماله و لم یساعده

الأَيَّامَ عَلَى أَمْنِيَّتِهِ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بَغِيرَ زَادٍ وَ قَدَمَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى
بَغِيرَ حِجَّةٍ.

زیانکارترین مردم آن کس است که عمری به آرزو گذارند و
 روزگار وی را بمنظور نرساند و از دنیا بی توشه برون رود و در
 پیشگاه خداوند دلیلی نداشته باشد.

۱۰۹ أَخْشَى مَا خَشِيتَ عَلَى أُمَّتِي كِبَرَ الْبَطْنِ وَ مَدَاوِمَةَ النَّوْمِ وَ
الْكُسْلِ وَ ضَعْفَ الْيَقِينِ.

بر امت خویش، بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی و پر خوابی و
 بیکارگی و بی ایمانی بیمناکم.

۱۱۰ أَخْلَصَ دِينَكَ يَكْفِكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ.

ایمان خویش را خالص کن که اندکی عبادت ترا کفایت کند.

۱۱۱ أَخْلَصُوا أَعْمَالَكُمْ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خَلَصَ لَهُ.

اعمال خویش را برای خداوند از روی اخلاص انجام دهید، زیرا
 خدا فقط کارهائی را میپذیرد که از روی اخلاص برای او انجام

گرفته باشد

۱۱۲_ أخوف ما أخاف على أمتي كلّ منافق عليم اللسان.

بیش از هر چیز از منافقان دانا بر امت خود بیم دارم.

۱۱۳_ إخوانكم خولكم جعلهم الله فنيّة تحت أيدكم فمن كان أخوه

تحت يده فليطعمه من طعامه و ليلبسه من لباسه و لا يكلفه ما يغبه

فإن كلفه ما يغلبه فليعنه.

بندگان شما برادران شما هستند که خداوند آنها را زیر دست شما قرار داده هر کسی برادر وی زیر دستش باشد باید از غذای خود بدو بخوراند و از لباس خویش بر او بپوشاند و کاریکه بیش از طاقت وی باشد بدو رجوع نکند و اگر کار سختی بدو رجوع کرد یاریش کند

۱۱۴_ أخوف ما أخاف على أمتي ألهوى و طول الأمل.

بر امت خویش بیش از هر چیز از هوس و آرزوی دراز بیم دارم.

۱۱۵ أَدِّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ وَ اجْتَنِبْ
 مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ تَكُنْ مِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ وَارِضْ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَكَ
تَكُنْ مِنْ أَغْنَى النَّاسِ

واجبات خدا را بجای آر تا عابد ترین مردم باشی، و از محرمات
 خدا پرهیز تا پارسا ترین مردم باشی به قسمتی که خدا برای تو
 تعیین کرده راضی باش تا بی نیاز ترین مردم باشی.

۱۱۶ أَدْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُؤْمِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ
دَعَاءَ مَنْ قَلْبٌ غَافِلٌ لَاهٍ.

خدا را بخوانید و باجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که
 خداوند دعا را از قلب غافل بی خبر نمیپذیرد.

۱۱۷ أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكَ وَ لَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ.

با کسیکه تو را امین میداند به امانت رفتار کن و با کسیکه بتو

خیانت کرده است خیانت مکن

۱۱۸_ أَدْبَنِي رَبِّي فَأَحْسِن تَأْدِيبِي.

خداوند مرا ادب آموخت و نیک آموخت.

۱۱۹_ إِدْرُوا الْحُدُودَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَأَنْ يَخْطِي

فِي الْعَفْوِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَخْطِي فِي الْعُقُوبَةِ.

تا آنجا که می توانید مجازات ها را از مسلمانان باز دارید زیرا اگر پیشوائی در بخشش خطا کند بهتر از آن است که در مجازات خطا کند.

۱۲۰_ إِدْرُوا الْحُدُودَ بِالشَّبَّهَاتِ وَ أَقِيلُوا الْكِرَامَ عَثْرَاتِهِمْ إِلَّا فِي حَدٍّ

مِنْ حُدُودِ اللَّهِ.

وقتی تردید پیش آمد مجازاتها را باز دارید و لغزشهای بزرگان را ببخشید مگر در کار حد و مجازات

۱۲۱_ أَدْنَى أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا يَنْتَعِلُ بِنَعْلَيْنِ مِنْ نَارٍ يَغْلِي دِمَاغَهُ مِنْ

حراره نعلیه .

از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است دو کفش آتشین
پیا دارد که مغز وی از حرارت کفشهایش بجوش میآید.

۱۲۲ أدنی جذات الموت بمنزله مأه ضربه بالسيف.

آسانترین کفشهای مرگ مانند صد ضربت شمشیر است.

۱۲۳ إذا أبردتم إلىّ بریدا فابعثوه حسن الوجه حسن الاسم

وقتی قاصدی پیش من میفرستید نیک صورت و نیک اسم
بفرستید.

۱۲۴ إذا ابتغيت المعروف فاطلبوه عند حسان الوجوه.

اگر نیکی میخواهید آن را پیش نیکصورتان بجوئید.

۱۲۵ إذا ابتلى أحدكم بالقضاء بين المسلمين فلا يقض و هو غضبان

و ليسو بينهم فى النظر و المجلس و الإشارة.

اگر یکی از شما بکار قضاوت میان مسلمانان دچار شود باید به

هنگام غضب از قضاوت خودداری کند و میان ارباب دعوی در نگاه و نشیمنگاه و اشاره تفاوتی نگذارد

۱۲۶ إذا أتى على يوم لا أزداد فيه علما يقربني إلى الله تعالى فلا
بورک لی فی طلوع الشمس ذلک اليوم.

اگر روزی بر من بگذرد و در آن روز دانشی نیاموزم که مرا بخداوند نزدیک کند، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.

۱۲۷ إذا أتى أحدكم خادمه بطعامه قد كفاه علاجه و دخانه
فليجلسه معه فإن لم يجلسه معه فليناوله أكله أو أكلتين.

وقتی خادم شما غذائی می آورد که آن را تهیه کرده و دود آن را خورده باید وی را با خویشتن بنشاند و اگر او را نشانند یک یا دو لقمه باو بدهد.

۱۲۸ إذا أتى أحدكم أهله فليستتر و لا يتجردان تجرد العيرين.
وقتی یکی از شما پیش کسان خود میرود خود را بپوشاند و مانند شتران برهنه نباشند.

۱۲۹ إذا آتاك الله مالا فلير أثر نعمة الله عليك و كرامته.

اگر خداوند چیزی بتو داد باید نشان نعمت و کرم وی در تو پدیدار شود.

۱۳۰ إذا أتاكم من ترضون خلقه و دینه فزوّجوه إن لا تفعلوا تکن

فتنة فی الأرض و فساد عریض.

وقتی کسی که خلق و دین وی مایه رضایت است بخواستگاری می آید بوی زن بدهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد.

۱۳۱ إذا أتاكم السائل فضعوا فی یده و لو ظلما محرقا.

وقتی سائلی پیش شما آمد چیزی بدو بدهید اگر چه یک قطعه سم سوخته باشد.

۱۳۲ إذا أتاكم کریم قوم فأکرموه.

وقتی بزرگ طایفه های پیش شما آمد او را بزرگ شمارید.

۱۳۳ إذا أثنى عليك جيرانك أنك محسن فأنت محسن و إذا أثنى

عليك جيرانك أنك مسيء فأنت مسيء.

اگر همسایگان ترا نیکو کار دانستند نیکو کاری و اگر همسایه

گانت ترا بد کار شمردند بد کاری

۱۳۴ إذا اجتمع العالم و العابد على الصراط قيل للعابد أدخل الجنة

و تنعم بعبادتک و قيل للعالم قف هنا فاشفع لمن أحببت فإنک لا

تشفع لأحد إلا شفعت فقام مقام الأنبياء .

وقتی عالم و عابد بر صراط اجتماع کنند بعباد گویند ببهشت

در آی و از عبادت خویش بهرمند شو و بعالم گویند اینجا بایست و

برای هر که میخواهی شفاعت کن زیرا هر که را شفاعت کنی

شفاعت تو پذیرفته خواهد شد آنگاه عالم در صف پیغمبران

میايستند.

۱۳۵ إذا اجتمع الدّاعیان فأجب أقربهما بابا فإنّ أقربهما بابا أقربهما

جوارا و إن سبق أحدهما فأجب الذى سبق.

وقتی دو کس ترا با هم دعوت کردند دعوت کسی را که خانه اش نزدیکتر است بپذیر زیرا آنکه خانه اش نزدیکتر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است دعوت او را بپذیر.

۱۳۶ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ وَ إِذَا أَحَبَّهُ الْحَبَّ الْبَالِغُ إِقْتَنَاهُ قَالُوا مَا اقْتَنَاهُ قَالَ لَا يَتْرُكُ لَهُ مَالًا وَلَا وَلَدًا.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد وی را مبتلا سازد و وقتی وی را کاملاً دوست دارد او را خاص خود سازد گفتند چگونه او را خاص خود میسازد گفت مال و فرزندی برای او باقی نمیگذارد

۱۳۷ إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَمَاهُ الدِّيَا كَمَا يَظَلُّ أَحَدُكُمْ يَحْمِي سَقِيمَهُ الْمَاءِ.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد دنیا را از او منع میکند چنانکه شما مریض خویش را از نوشیدن آب منع میکنید.

۱۳۸ إذا أحبّ الله عبداً ابتلاه لیسْمَع تضرّعه.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد وی را مبتلا سازد تا تضرع او را بشنود.

۱۳۹ إذا أحبّ الله عبداً قذف حبّه فی قلوب الملائکة و إذا أبغض

الله عبداً قذف بغضه فی قلوب الملائکة ثمّ یقذفه فی قلوب

الآدمیین.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد دوستی وی را در دل فرشتگان جای میدهد و وقتی بنده ای را دشمن دارد دشمنی او را در دل فرشتگان اندازد سپس آنرا در دل آدمیان جای دهد،

۱۴۰ إذا أحبّ أحدکم أخاه فلیعلمه فإنّه أبقی فی الالفه و أثبت فی

المودّة.

وقتی کسی آشنای خود را دوست دارد بدو خبر دهد که این کار موجب بقای الفت و دوام مودت است.

۱۴۱ إذا أحببت رجلاً فلا تماره و لا تجاره و لا تشارّه و لا تسئل

عنه أحدا فعسى أن توافي له عدواً فيخبرك بما ليس فيه فيفرق ما بينك و بينه.

وقتی با کسی دوست شدی با او مجادله و رقابت مکن و بر او برتری مجو و از هیچکس درباره او چیزی میپرس چه ممکن است به یکی از دشمنان او بر خوری و درباره وی سخن بخطا گوید و میان شما را تفرقه اندازد.

١٤٢ إذا أحببتم أن تعلموا ما للبعد عند ربّه فانظروا ما يتبعه من الثناء.

وقتی بخواهید مقام بنده را در نظر خدا بدانید بنگرید که پشت سر او چه میگویند.

١٤٣ إذا أراد الله بعد خيرا فقهه في الدين و زهده في الدنيا و بصّره عيوبه.

وقتی خداوند برای بندهای نیکی خواهد ویرا در کار دین دانا و بدنیا بی اعتنا سازد و عیوب وی را بدو بنمایاند.

۱۴۴ إذا أراد الله بعبد خيرا صير حوايج الناس إليه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد حاجت‌های مردم را در دست او قرار می‌دهد.

۱۴۵ إذا أراد الله بعبد الخیر عجل له العقوبة في الدنيا و إذا أراد

الله بعبد الشرّ أمسك عنه بذنبه حتى يوافي به يوم القيامة.

وقتی خداوند برای بنده خویش نیکی خواهد کیفر او را در دنیا می‌دهد و وقتی برای او بد خواهد گناه وی را می‌گذارد که در روز رستاخیز کیفر دهد.

۱۴۶ إذا أراد الله بعبد خيرا فتح له قفل قلبه و جعل فيه اليقين و

الصّدق و جعل قلبه واعيا لما سلك فيه و جعل قلبه سليما و لسانه

صادقا و خليقته مستقيمة و جعل أذنه سمیعة و عينه بصيرة.

وقتی خداوند برای بنده‌ای خوبی خواهد قفل دل وی را می‌گشاید و در آن ایمان و راستی قرار می‌دهد و قلب وی را نسبت برفتار او هوشیار می‌سازد دل وی را سلیم و زبانش را راستگو و اخلاقش را مستقیم و گوش ویرا شنوا و چشمش را بینا می‌سازد.

۱۴۷ إذا أراد الله بأهل بيت خيرا فقههم في الدين و وقر صغيرهم
 كبيرهم و رزقهم الرّفق في معيشتهم و القصد في نفقاتهم و بصرهم
 عيوبهم فيتوبوا منها و إذا أراد بهم غير ذلك تركهم هملا

وقتی خداوند برای مردم خانه ای نیکی خواهد آنان را در کار
 دین دانا سازد و خوردسالانشان سال خوردگانیشان را محترم دارند.
 مدارا در معیشت و اعتدال در خرج را نصیب آنها سازد و عیوبشان
 را به آنها بنمایاند تا از آن باز گردند و اگر برای آنها جز این
 خواهد بخودشان واگذارشان کند.

۱۴۸ إذا أراد الله بقوم خيرا أمدّ لهم في العمر و ألهمهم الشكر.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد عمرشان را دراز و زبانشان
 را بشکر باز کند.

۱۴۹ إذا أراد الله بقوم نماء رزقهم السّماحة و العفاف و إذا أراد
 بقوم إنقطاعا فتح عليهم باب الخيانة.

وقتی خدا بخواد قومی را بزرگ کند آنها را صاحب عفت و
 گذشت میکند و وقتی بخواد قومی را منقرض سازد در خیانت را

برویشان می‌گشاید.

۱۵۰ إذا أراد الله بقوم خيراً ولى عليهم حلماهم و قضى بينهم علمائهم و جعل المال فى سمحائهم و إذا أراد بقوم شراً ولى عليهم سفهائهم و قضى بينهم جهّالهم و جعل المال فى بخلائهم.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد خردمندانشان را بر آنها فرمانروا سازد و دانشمندانشان میان آنها قضاوت کند و مال را بدست بخشنده‌گان دهد و وقتی برای قومی بدی خواهد سفیهانشان را بر آنها فرمانروا سازد و نادانان میان آنها قضاوت کنند و مال را بدست بخیلانشان دهد.

۱۵۱ إذا أراد الله بأهل بيت خيراً أدخل عليهم الرفق.

وقتی خدا برای مردم خانه‌ای نیکی خواهد آنها را با مدارا قرین سازد

۱۵۲ إذا أراد الله بقوم سوء جعل أمرهم إلى مترفيهم.

وقتی خداوند برای مردمی بدی خواهد کارشان را بدست تجمل پرستان آنها می سپارد.

۱۵۳ إذا أراد الله بقرية هلاكاً أظهر فيهم الزنا.

وقتی خدا بخواهد مردم قریه ای را نابود سازد زنا را در میان آنها پدید می آورد.

۱۵۴ إذا أراد الله بعد خيراً جعل له واعظاً من نفسه يأمره و ينهاه.

وقتی خدا برای بنده ای نیکی خواهد واعظی از نفس وی بر او گمارد که او را بکار نیک و از کار بد باز دارد.

۱۵۵ إذا أراد الله بعد خيراً طهره قبل موته قالوا و ما طهور العبد

قال عمل صالح يلهمه إياه حتى يقبضه عليه.

وقتی خدا برای بنده ای نیکی خواهد او را پیش از مرگش پاک میکند گفتند پاکی بنده چگونه است گفت کار نیکی بدو الهام می کند تا جان وی را در اثنای انجام آن بگیرد.

۱۵۶ إذا أراد الله بعد خيراً عاتبه في منامه.

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را در خواب عتاب

کند

۱۵۷ إذا أراد الله بعد خيرا عسّله قيل و ما عسّله قال يفتح له

عملا صالحا قبل موته ثم يقبضه عليه.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد او را شیرین کند گفتند شیرینی او چگونه است گفت پیش از مرگش کار نیکی را پیش پای او میگذارد و در اثنای انجام آن جانش را میگیرد.

۱۵۸ إذا أراد الله بعد خيرا إستعمله قيل و ما إستعمله؟ قال يفتح له

عملا صالحا بين يدي موته حتى يرضى عنه من حوله.

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی خواهد او را بکار گیرد گفتند بکار گرفتن او چگونه است گفت نزدیک مرگ وی کار نیکی را پیش پایش میگذارد تا اطرافیان را از او خشنود کند.

۱۵۹ إذا أراد الله بعد خيرا رزقهم الرّفق في معائشهم و إذا أراد

بهم شراً رزقهم الخرق في معائشهم.

وقتی خداوند برای بندگان نیکی خواهد آنها را در کارهای

زندگیشان با مدارا قرین سازد و هنگامیکه برایشان بدی خواهد
آنها را با زیاده روی همراه کند.

۱۶۰ إذا أراد الله بالأمر خيراً جعل له وزير صدق إن نسي ذكره و
إن ذكر أعانه و إذا أراد به غير ذلك جعل له وزير سوء إن نسي لم
يذكره و إن ذكر لم يعنه.

وقتی خداوند برای امیر نیکی خواهد برای او وزیری راست و
درست قرار میدهد که اگر چیزی را فراموش کرد یاد آوریش
کند و اگر بیاد آورد در انجام آن یاریش کند و اگر برای او جز
این خواهد برای او وزیر بدی قرار دهد که اگر چیزی را فراموش
کرد یاد آوریش نکند و اگر بیاد آورد یاریش نکند.

۱۶۱ إذا أراد الله بعبد خيراً جعل صنائعه و معروفه في أهل الحفاظ
و إذا أراد الله بعبد شراً جعل صنائعه و معروفه في غير أهل
الحفاظ.

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد سر و کار او با مردم حق
شناس میافتد و موقعیکه برای کسی بدی خواهد سر و کار او با

مردم حق ناشناس میافتد.

۱۶۲ إذا أراد الله بعد خيرا جعل غناه في نفسه و تقاه في قلبه و

إذا أراد بعد شراً جعل فقره بين عينيه.

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد ثروتش را در روحش و تقوایش را در قلبش قرار میدهد و وقتی برای کسی بدی خواهد فقر را پیش چشم او جای میدهد.

۱۶۳ إذا أراد الله بقوم خيرا كثر فقهاءهم و أقلّ جهالهم فإذا تكلم

الفقيه وجد أعوانا و إذا تكلم الجاهل قهر و إذا أراد الله بقوم شراً

كثر جهالهم و أقلّ فقهاءهم فإذا تكلم الجاهل وجد أعوانا و إذا

تكلم الفقيه قهر.

وقتی خدا برای قومی نیکی خواهد دانایان آنها را زیاد و نادانها -

یشان را کم کند تا هنگامیکه دانا سخن گوید یاریش کند و

موقعی که نادان لب گشاید مغلوب گردد و وقتی برای قومی بد

خواهد نادان هایشان را زیاد و دانایان آنها را کم کند تا هنگامیکه

نادان لب گشاید یاریش کند و وقتی دانا سخن گوید مغلوب

گردد.

۱۶۴ إذا أراد الله أن يوقع عبدا أعمى عليه الحيل.

وقتی خداوند خواهد بنده‌ای را از پا درآرد راههای چاره را بر او ببندد.

۱۶۵ إذا أراد الله خلق شيء لم يمنعه شيء.

وقتی خدا بنخواهد چیزی را بیافریند چیزی مانع او نمیشود.

۱۶۶ إذا أراد الله قبض عبد بأرض جعل له فيها حاجة.

وقتی خداوند بنخواهد بنده‌ای را در سرزمینی بمیراند برای وی در آنجا حاجتی پدید می‌آورد.

۱۶۷ إذا أراد الله تعالى إنفاذ قضائه و قدره سلب ذوى العقول

عقولهم حتى ينفذ فيهم قضاؤه و قدره فإذا قضى أمره ردّ إليهم

عقولهم و وقعت الندامة.

وقتی خدا بنخواهد قضا و قدر خویش را اجرا کند عقل صاحب

خردان را میگیرد و قضای خویش را درباره آنها جاری میسازد،
وقتی فرمان وی انجام گرفت عقولشان را باز پس میدهد و
پشیمانی رخ میدهد.

۱۶۸ إذا أراد أحدكم أن يبيع عقاره فليعرضه على جاره.
وقتی کسی بخواهد خانه یا ملک خویش را بفروشد باید نخست به
همسایه خویش پیشنهاد کند.

۱۶۹ إذا أردت أمرا فعليك بالتؤدة حتى يريك الله منه المخرج.
وقتی خواستی کاری را انجام دهی تأمل کن تا خدا راه آنرا بتو
نشان دهد.

۱۷۰ إذا أردت أن يحببك الله فابغض الدنيا و إذا أردت أن يحببك
الناس فما كان عندك من فضولها فانبذه إليهم.

اگر میخواهی خدا ترا دوست دارد دنیا را دشمن دار و اگر می
خواهی مردم ترا دوست دارند آنچه از زواید دنیا داری پیش آنها
بریز.

۱۷۱ إذا أردت أن تفعل أمرا فتدبر عاقبته فإن كان خيرا فأمضه و
إن كان شرا فأنته.

وقتی در کاری تصمیم میگیری در نتیجه آن بیندیش اگر نتیجه
نیک است آن کار را انجام بده و اگر بد است از آن در گذر.

۱۷۲ إذا أردت أن تذكر عيوب غيرك فاذكر عيوب نفسك.
وقتی میخواهی عیوب دیگرانرا یاد کنی عیوب خویش را بیاد آر.

۱۷۳ إذا أسأت فأحسن.
وقتی بدی کردی، بدی را بنیکی محو کن.

۱۷۴ إذا استأجر أحدكم أجيرا فليعلمه أجره.
وقتی یکی از شما کسی را مزدور می کند مزدش را به او بگوید.

۱۷۵ إذا استشار أحدكم أخاه فليشر عليه.
وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند وی باید رأی خود

را صریح بگوید.

۱۷۶ إذا استشاط السلطان تسلط الشيطان.

وقتی سلطان بغضب آید شیطان تسلط یابد.

۱۷۷ إذا استعطرت المرأة فمرت على القوم ليجدوا ريحها فهي

زانية.

اگر زنی خود را معطر کند و بر مردمی بگذرد که بوی او را
دریابند زناکار است.

۱۷۸ إذا استكتم فاستاكوا عرضا.

وقتی مسواک می کنید مسواک را بعرض دهان بکشید.

۱۷۹ إذا أسأت فأحسن فإن الحسنات يذهبن السيئات.

وقتی بدی کردی بدنبال آن نیکی کن که نیکی ها بدیها را محو
می کند.

۱۸۰ إذا اشتدّ كلب الجوع فعليك برغيف و جرّ من ماء القراح و
قل على الدّنيا و أهلها منّي الدّمار.

وقتی گرسنگی سخت شد نانی و جرعه آبی برگیر و جهان و هر
 چه در آنست گو مباش.

۱۸۱ إذا اشتكى المؤمن أخلصه من الذّنوب كما يخلص الكير
خبث الحديد.

مصیبتی که بر مؤمن وارد میشود او را از گناهان پاک می کند
 چنانکه کوره کثافت آهن را پاک میسازد.

۱۸۲ إذا أصبح ابن آدم فإنّ الأعضاء كلّها تكفّر اللّسان فتقول اتّق
الله فينا فإنّما نحن بك فإن استقمت استقمنا و إن إعوججت
 إعوججنا.

وقتی صبح فرا رسد همه اعضای تن در مقابل زبان تعظیم کنند و
 گویند دربارہ ما از خدا بترس زیرا صلاح کار ما بتو وابسته است،
 اگر باستقامت گرائیدی ما نیز باستقامت گرائیم و اگر به کجی
 متمایل شدی ما نیز کج شویم.

۱۸۳ إذا أعطى الله أحدكم خيرا فليبدأ بنفسه و أهل بيته

وقتی خدا بیکى از شما چیزی داد در صرف آن از خود و کسان خود آغاز کند،

۱۸۴ إذا التقى المسلمان بسيفيهما فقتل أحدهما صاحبه فالقاتل و

المقتول فى النار قيل يا رسول الله هذا القاتل فما بال المقتول قال
إنه كان حريصا على قتل صاحبه.

وقتی دو مسلمان شمشیر بدست با یکدیگر روبرو شوند و یکی از آنها دیگری را بکشد قاتل و مقتول به جهنم میروند، گفتند ای پیغمبر خدا قاتل بجای خود مقتول چرا؟ گفت برای آنکه او نیز بکشتن دیگری راغب بود.

۱۸۵ إذا ألقى الله فى قلب امرء خطبة امرأة فلا بأس أن ينظر إليها.

وقتی خداوند خواستگاری زنی را بدل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد.

۱۸۶ إذا أمّ أحدكم الناس فليخفف فإنّ فيهم الصّغير و الكبير و

الضعيف و المريض و ذا الحاجة و إذا صَلَّى لنفسه فليطول ما يشاء.
 وقتی کسی در نماز پیشوای مردم شد نماز را سبک گیرد که در
 میان کسان کوچک و بزرگ و بیمار و ناتوان و حاجتمند هست و
 هر وقت برای خود نماز گذارد هر چه خواهد طول دهد.

۱۸۷ إذا باتت المرأة هاجرة فراش زوجها لعنتها الملائكة حتى
تصبح.

وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را بروز آورد فرشتگان تا
 صبح او را لعنت کنند.

۱۸۸ إذا تطيّبت المرأة لغير زوجها فإنما هو نار و شنار.
 وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش بکار برد مایه
 آتش و عار است.

۱۸۹ إذا تقارب الزمان أنقى الموت خيار أمتي كما ينتقى أحدكم
خيار الرطب من الطبق .

وقتی آخر زمان فرا رسد مرگ نیکان امت مرا گلچین می کند

چنانکه شما خرماهای خوب را از طبق انتخاب می کنید.

۱۹۰ إذا تمنى أحدكم فلينظر ما تمنى فإنه لا يدري ما كتب له من
أمنيته.

وقتی کسی آرزوئی میکند مراقب باشد که چه آرزو می کند زیرا
نمیداند که از آرزوی وی در نامه اعمال چه مینویسند.

۱۹۱ إذا تم فجور العبد ملك عينيه فبكي بهما متي شاء.
وقتی بد کاری بنده کمال یابد چشمانش در اختیار او باشد و هر
وقت بخواهد گریه آغاز کند.

۱۹۲ إذا جاءكم الزائر فأكرموه.
وقتی کسی بملاقات شما آمد وی را گرامی دارید.

۱۹۳ إذا جاءكم الأكفاء فأنكحوهنّ ولا تربصوا بهنّ الحدّثان.
وقتی اشخاص همشأن بخواستگاری پیش شما آمدند دختران خود
را بشوهر بدهید و در کار آنها منتظر حوادث مباشید.

۱۹۴ إذا جاء الموت بطالب العلم مات و هو شهيد.

وقتی مرگ طالب علم فرا رسد شهید میمیرد.

۱۹۵ إذا جامع أحدكم زوجته أو جاريتها فلا ينظر إلى فرجها فإنّ

ذلك يورث العمى.

وقتی یکی از شما با همسر یا مملوک خویش نزدیک شود بفرج او
نگردد که مایه کوری است.

۱۹۶ إذا حاك في نفسك شيء فدهه.

وقتی دل تو از کاری چرکین است از آن چشم بپوش.

۱۹۷ إذا حدث الرجل بحديث ثم التفت فهي أمانة.

وقتی مردی سخنی گفت و به اطراف خود نگریست آن سخن در
پیش شما امانت است.

۱۹۸ إذا حجّ الرجل بمال من غير حلّه فقال لبّيك اللهم لبّيك قال

اللّٰه لا لبّیک و لا سعدیک هذا مردود علیک.

وقتی کسی با مالی که حلال نیست بحدج رود هنگامی که گوید
لبیک خدا یا لبیک، خدا گوید نه لبیک و نه سعدیک اینها به تو
باز میگردد.

۱۹۹ إذا حسدتم فلا تبغوا و إذا ظننتم فلا تحقّقوا و إذا وزنتم

فارجحوا.

وقتی دچار حسد شدید تعدی نکنید و وقتی گمان بردید آن را
حقیقت مپندارید و وقتی چیزی را وزن میکنید چیزی بر آن
بیفزائید.

۲۰۰ إذا حکمتם فاعدلوا و إذا قلتم فأحسنوا فإنّ اللّٰه محسن یحبّ

المحسنین.

وقتی حکم می کنید به عدل رفتار کنید و وقتی سخن میگوئید
نیک گوئید زیرا خدا نیک است و نیکوکاران را دوست دارد.

۲۰۱ إذا خاف اللّٰه العبد أخاف اللّٰه منه کلّ شیء و إذا لم یخف

العبد الله أخافه الله من كل شيء.

وقتی بنده از خدای بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند
و اگر بنده از خدای نترسد خداوند او را از همه چیز بترساند.

٢٠٢ إذا خطب أحدكم المرأة و هو يخضب بالسّواد فليعلمها أنّه

يخضب.

اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ میبندد
باید بدو خبر دهد که موی خود را رنگ می بندد.

٢٠٣ إذا خفيت الخطيئة لا يضرّ إلاّ صاحبها و إذا ظهرت فلم تغيّر

ضرّت العامّة.

وقتی گناهی مخفی بماند بجز گنهکار کسی را ضرر نمیرساند و
اگر آشکار شود و از آن جلوگیری نکنند برای همه مردم زیان
دارد.

٢٠٤ إذا دخل الضّيف على القوم دخل برزقه و إذا خرج خرج

بمغفرة ذنوبهم.

وقتی میهمانی بر کسان در آید روزی خود را همراه می آورد و
وقتی برون رود با آمرزش گناهان آنها برون رود.

۲۰۵ إذا رأيت من أخيك ثلاث خصال فارجه: الحياء و الأمانة و
الصّدق و إذا لم ترها فلا ترجمه.

وقتی در برادر خود سه صفت دیدی بدو امیدوار باش، حیا و
امانت و راستی و اگر این صفات را ندارد از او امیدی نداشته
باش.

۲۰۶ إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو من أخيه ما يعجبه فليدع
له بالبركة فإنّ العين حقّ.

وقتی یکی از شما از خود یا مال خود یا برادر خود چیز جالب
توجهی دید برای وی بدعا برکت خواهد زیرا چشم حق است

۲۰۷ إذا رأيت الناس قد مرجت عهدهم و خفت أماناتهم و
كانوا هكذا و شبك بين أنامله فالزم بيتك و املك عليك لسانك
و خذ ما تعرف ودع ما تنكر و عليك بخاصّة أمر نفسك ودع

عنک أمر العامّة.

وقتی دیدی که مردم پیمان هایشان سست شده و امانتشان سبکی گرفته و چنین شده اند و انگشتان خود را از هم باز کرد در خانه خود بنشین و زبان خویش را نگهدار و آنچه را میشناسی بگیر و آنچه را نمی‌شناسی رها کن؛ بکار خویش مشغول باش و از کار مردم کناره گیر.

۲۰۸ إذا رأيتم الأمر لا تستطيعون تغييره فاصبروا حتى يكون الله هو الذي يغيره.

وقتی دیدید نمی‌توانید چیزی را تغییر دهید صبر کنید تا خدا آن را تغییر دهد.

۲۰۹ إذا رأيتم أهل الجوع و التّفكّر فادنوا منهم فإنّ الحكمة تجري على ألسنتهم.

وقتی اهل گرسنگی و تفکر را دیدید بآنها نزدیک شوید زیرا حکمت بر زبان آنها جاری میشود

۲۱۰ إذا رأيتم أهل البلاء فاسألوا الله العافية.

وقتی اهل بلا را دیدید از خداوند طلب عافیت کنید.

۲۱۱ إذا رأيتم العبد ألم الله به الفقر و المرض فإن الله يريد أن

يصافيه.

وقتی دیدید خداوند فقر و مرض را بر بنده ای فرود آورد
میخواهد او را تصفیه کند.

۲۱۲ إذا زنى العبد خرج منه الإيمان فكان على رأسه كالظلة فإذا

أقلع رجع إليه.

وقتی بنده ای زنا کند ایمان از او بیرون رود و چون سایه ای بر
سرش بایستد و هنگامی که از آن دست بردارد باز میگردد.

۲۱۳ إذا سبّك رجل بما يعلم منك فلا تسبه بما تعلم منه فيكون

أجر ذلک لك و وباله عليه .

اگر کسی ترا بدانیچه از تو می داند دشنام گوید تو بدانیچه از او
میدانی وی را دشنام مگوی تا اجر این کار نصیب تو شود و وبال

آن بدو باز گردد.

۲۱۴ إذا سرتك حسنتك و ساءتك سيئتك فانت مؤمن.

اگر از کار نیک خود خوشحال و از کار بد خود دلگیر میشوی
مؤمن هستی.

۲۱۵ إذا سمعتم بجبل زال عن مكانه فصدقوا و إذا سمعتم برجل

زال عن خلقه فلا تصدقوا فإنه يصبر إلى ما جبل عليه.

اگر شنیدید کوهی از جای خود تکان خورده باور کنید و اگر
شنیدید کسی از خوی خویش دست برد داشته باور نکنید زیرا
عاقبت به فطرت خویش باز میگردد.

۲۱۶ إذا شهر المسلم على أخيه سلاحا فلا تزال ملائكة الله تعالى

تلعنه حتى يشيمه عنه .

وقتی مسلمانی بروی برادر خود شمشیر کشد فرشتگان او را لعنت
کنند تا هنگامی که شمشیر را در غلاف کند.

۲۱۷ إذا طلب أحدكم من أخيه حاجة فلا يبدأ بالمدحة فيقطع
ظهره.

اگر کسی از برادر خویش حاجتی میخواهد گفتار خود را با مدح
آغاز نکند و پشت او را گران بار نکند.

۲۱۸ إذا ظهر الزنا و الربا في قرية فقد أحلوا بانفسهم عذاب الله.
وقتی زنا کاری و ربا خواری در دهکده‌ای آشکار شود مردم آن
عذاب خدا را بخود خریده اند

۲۱۹ إذا ظهرت الفاحشة كانت الرّجفة و إذا جار الحکّام قلّ المطر
و إذا غدر بأهل الذّمّة ظهر العدو.

وقتی زنا رواج گیرد زلزله پیدا شود، وقتی حاکمان ستم کنند
باران کم شود و وقتی که باذ میان خیانت شود دشمنان چیره
شوند.

۲۲۰ إذا علم العالم فلم يعمل كان كالمصباح يضيء للناس و يحرق
نفسه.

دانشمندی که بداند و بکار نبندد مانند چراغ است که مردم را روشن کند و خود را بسوزد.

۲۲۱ إذا عمل أحدكم عملاً فليتقنه

هر کس کاری میکند باید آن را خوب انجام دهد.

۲۲۲ إذا عملت سيئة فأحدث عندها توبة، ألسرّ بالسرّ و العلانية

بالعلانية.

وقتی کار بدی از تو سر زد از آن توبه کن برای گناه نهانی توبه نهانی و برای گناه آشکار توبه آشکار.

۲۲۳ إذا عملت الخطيئة في الأرض كان من شهدها فكرها كمن

غاب عنها و من غاب عنها فرضيها كان كمن شهدها.

وقتی گناهی در زمین رخ دهد کسی که آن را دیده ولی از آن متنفر است، مانند کسیست که آن را ندیده و کسی که آن را ندیده ولی از آن راضیست مانند کسیست که آن را دیده باشد.

۲۲۴ إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ وَكَانَ قَائِمًا فَلْيَقْعِدْ وَ إِنْ كَانَ قَاعِدًا

فليضطجع.

وقتی یکی از شما خشمگین شود اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است بخوابد.

۲۲۵ إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ.

وقتی خشمگین شدی خاموش باش

۲۲۶ إِذَا قَالَتِ الْمَرْأَةُ لَزَوْجِهَا مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطٍّ فَقَدْ حَبَطَ

عملها.

وقتی زنی بشوهر خود گوید از تو خیری ندیدم اعمال نیکش بی اثر میشود.

۲۲۷ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

وقتی بر دشمن خود قدرت یافتی بشکرانه قدرت از او در گذر

۲۲۸ إِذَا قَدِمَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدِمْ مَعَهُ بَهْدِيَّةٌ وَ لَوْ يَلْقَى فِي

مخلاته حجرا.

وقتی کسی از سفری می آید ارمغانی با خود بیاورد اگر چه سنگی در توبره خود بیندازد.

۲۲۹ إذا قصر العبد في العمل ابتلاه الله تعالى بالهمّ.

وقتی بنده ای در عمل کوتاهی کند خداوند او را بغم مبتلا سازد.

۲۳۰ إذا كان اثنان يتناحيان فلا تدخل بينهما.

وقتی دو تن آهسته سخن می گویند میان آنها داخل مشو.

۲۳۱ إذا كان عندك ما يكفيك فلا تطلب ما يطغيك.

اگر چیزی که مایه کفایت باشد در دسترس داری در جستجوی آنچه ترا بطغیان وامیدارد مباش

۲۳۲ إذا كانت أمراؤكم خياركم وأغنياؤكم سمحاءكم و

أموركم شوري بينكم فظهر الأرض خير لكم من بطنها و إذا كانت

أمراؤكم أشراركم وأغنياؤكم بخلاءكم و أموركم إلى نساءكم

فبطن الأرض خير لكم من ظهرها .

وقتی امرای شما نیکان شما باشند و ثروت مندان شما بخشنندگان باشند و کارها میان شما بمشورت انجام گیرد پشت زمین از شکم آن برای شما بهتر است و وقتی امرای شما اشرار شما و ثروتمندان شما بخیلان باشند و کارهای شما به دست زنان افتد شکم زمین برای شما بهتر از پشت آنست.

۲۳۳ إذا كان يوم القيامة نادی مناد من عمل عملا لغير الله فليطلب ثوابه ممّن عمله له .

وقتی روز رستاخیز در آید بانگ زنی بانگ میزند که هر کس کاری برای غیر خدا انجام داده پاداش خود را از آنکس که برای او کار کرده بگیرد.

۲۳۴ إذا كانت عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة و شقّه ساقط.

وقتی مردی دو زن داشته باشد و میان آنها بعدالت رفتار نکند روز

رستاخیز یک نیمه او افتاده است

۲۳۵ إِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَىٰ إِثْنَانِ دُونَ الثَّالِثِ.

وقتی سه تن باهمند دوتاشان آهسته با هم سخن نگویند.

۲۳۶ إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَىٰ رَجُلَانِ دُونَ الْآخِرِ حَتَّىٰ تَخْتَلِطُوا

بِالنَّاسِ فَإِنْ ذَلِكْ يَحْزَنُ.

وقتی سه تن باهمید دو تن از شما با هم آهسته سخن نگویند، تا با دیگران مخلوط شوید زیرا این کار وی را غمگین می کند.

۲۳۷ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعَبْدِ فَلَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا تَكْفِّرُهَا إِبْتِلَاهُ

اللَّهُ بِالْحَزَنِ لِيَكْفِّرَ عَنْهُ.

وقتی گناهان بنده فزونی گیرد و کار نیک آنقدر نداشته باشد که گناهان را جبران کند خداوند او را بغم مبتلا سازد تا گناهانش را جبران کند.

۲۳۸ إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ.

وقتی حیا نداری هر کار می خواهی بکن.

۲۳۹ إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث صدقة جاریه أو علم
 ینتفع به أو ولد صالح یدعو له.

وقتی انسان بمیرد دنباله کارهای نیک او بریده شود جز سه چیز
 صدقه جاری و دانشی که کسان از آن بهره ور شوند و فرزند
 درست کاریکه برای او دعا کند.

۲۴۰ إذا مات ولد العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد
 عبدي؟ فيقولون نعم فيقول ماذا قال عبدي؟ فيقولون حمدك و
 استرجع فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة و سموه بيت الحمد.

وقتی فرزند بنده ای بمیرد خداوند بفرشتگان گوید فرزند بنده مرا
 گرفتید؟ گویند آری گوید بنده من چه گفت؟ گویند ترا سپاس
 گذاشت و گفت همه ما متعلق به خدا هستیم و بسوی او باز
 میگردیم خداوند گوید برای بنده من خانه ای در بهشت بسازید و
 آنرا «خانه سپاسگزاری نام» نهید.

۲۴۱ إذا مات صاحبكم فدعوه لا تقعوا فيه

وقتی کسی بمیرد وی را بگذارید و از او بد نگوئید .

۲۴۲ إذا مات العبد قال الناس ما خلف و قالت الملائكة ما قدم

وقتی بنده‌ای بمیرد مردم گویند چه بجا گذاشت و فرشتگان
گویند چه همراه آورد؟

۲۴۳ إذا نظر أحدكم إلى من فضلّ عليه في المال و الخلق فلينظر
إلى من هو أسفل منه.

وقتی کسی را که در مال و جمال از شما پیش است مینگرید
بکسی که از شما پست تر است نیز نظری بیفکنید.

۲۴۴ إذا هممت بأمر فاستخر ربك فيه سبع مرّات ثمّ انظر إلى
الذي يسبق إلى قلبك فإنّ الخيرة فيه.

وقتی بکاری تصمیم گرفتی هفت بار استخاره کن سپس بنگر دل
تو به کدام طرف نگران است زیرا نیکی در آن است.

۲۴۵ إذا وجد أحدكم لأخيه نصحا في نفسه فليذكره له.

اگر کسی نصیحتی برای برادر خود در خاطر می‌باید باو یاد آوری کند.

۲۴۶ إذا وسد الأمر إلى غير أهله فانتظر الساعة.

وقتی کار را بدست نا اهلان سپارند منتظر رستاخیز باش.

۲۴۷ إذا وقع في الرجل و أنت في ملاء فكن للرجل ناصرا و للقوم

زاجرا و قم عنهم.

وقتی در انجمنی که تو هستی در باره مردی بد میگویند آن مرد را یاری کن و آن گروه را از بد گوئی باز دار و از آنجا برخیز.

۲۴۸ أذكر الله فإنه عون لك على ما تطلب.

خداوند را یاد کن زیرا او در کارها یاور تو است.

۲۴۹ أذكروا محاسن موتاكم و كفّوا عن مساوئهم.

نیکی‌های مردگان خود را یاد کنید و از بدیهایشان چشم‌پوشید.

۲۵۰ أَذِلَّ النَّاسُ مِنْ أَهَانَ النَّاسِ.

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

۲۵۱ أَرْبَعٌ إِذَا كُنَّ فَيْكٍ فَلَا عَلَيْكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا صَدَقَ

الْحَدِيثُ وَحِفْظُ الْأَمَانَةِ وَحَسَنُ الْخُلُقِ وَ عِفَّةٌ مَطْعَمٌ.

چهار چیز است که اگر داری بر آنچه نداری غم‌مخور: راستی
گفتار و حفظ امانت و نیکی خلق و عفت در کار خوراک.

۲۵۲ أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجَعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ.

چهار چیز است که اندک آن بسیار است بینوائی و درد و دشمنی
و آتش.

۲۵۳ أَرْبَعَةٌ يَبْغِضُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى: أَلْبَيَّاعُ الْحَلَّافِ وَالْفَقِيرُ الْمَخْتَالُ وَ

الشَّيْخُ الزَّانِي وَالْإِمَامُ الْجَائِرُ.

چهار کس را خداوند دشمن دارد، فروشنده قسم‌خور، فقیر متکبر

و پیر زنا کار و پیشوای ستمگر .

۲۵۴ أربع حقّ على الله تعالى أن لا يدخلهم الجنّة و لا يذيقهم
نعيمها: مدمن خمر و آكل الرّبا و آكل مال اليتيم بغير حقّ و العاقّ
لوالديه.

چهار کس را خداوند بهشت درنیارد و از نعيم آن نچشانند،
 شرابخوار و رباخوار و آنکس که مال یتیم بناحق خورد و آنکس
 که پدر و مادر از او ناخشنود باشند.

۲۵۵ أربع خصال من الشّقاء: جمود العين و قساوة القلب و بعد
الأمل و حبّ البقاء.

چهار چیز نشان بدبختی است خشکی چشم و سختی دل و آرزوی
 دراز و حب بقا (بیش از حد لزوم)

۲۵۶ أربع لا يدخل بيتا واحدة منها إلا خرب و لم يعمر بالبركة:
الخیانة و السرقة و شرب الخمر و الزنا.

چهار چیز است که هر یک از آنها در خانه‌ای در آید خراب شود
و ببرکت آباد نگردد، خیانت و دزدی و شرابخواری و زنا.

۲۵۷ أربع من سعادة المرء أن تكون زوجته صالحة و أولاده أبرارا
و خلطاؤه صالحين و أن يكون رزقه في بلده.

چهار چیز نشان خوشبختی مرد است، زنش پارسا باشد و فرزندان
نیکوکار باشند، و معاشرانش صالح باشند و روزی خویش را در
شهر خود بدست آورد.

۲۵۸ أربع من كنّ فيه حرّمه الله تعالى على النار و عصمه من
الشيطان من ملك نفسه حين يرغب و حين يرهّب و حين يشتهي و
حين يغضب.

چهار چیز است که هر که دارد خدایش بر آتش حرام و از شیطان
حراست کند آنکه بهنگام رغبت و هنگام بیم و وقت شهوت و
موقع غضب عنان خویش از کف نگذارد.

۲۵۹ أربع من أعطيهنّ فقد أعطى خير الدّنيا و الآخرة لسان ذاكر و

قلب شاكر و بدن على البلاء صابر و زوجة لا تبغیه خونا فى نفسها
و لا ماله.

چهار چیز است که هر کس از آن بهره دارد. از نیکی دو جهان
بهره ور است، زبانی که یاد خدا کند و قلبی که سپاس پروردگار
گذارد و تنی که بر بلا صبور باشد و زنی که بناموس و مال وی
خیانت نکند

۲۶۰ أربى الربا شتم الأعراض و أشدّ الشتم الهجاء و الراوية أحد
الشّاتمين.

بدترین رباها ناسزائی است که درباره عرض کسان گویند و سخت
ترین ناسزاها هجو است و کسیکه هجا را نقل کند یکی از ناسزا
گویان است.

۲۶۱ إرحم من فى الأرض يرحمك من فى السماء.
به آنها که در زمینند رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم
کند.

۲۶۲ إرحموا عزیزا ذلّ و غنیّا افتقر و عالما ضاع بین جهّال.

بر سه کس رحم کنید، عزیزی که خوار شده و ثروتمندی که فقیر گشته و دانشمندی که میان جاهلان گمنام مانده.

۲۶۳ إرحموا ترحموا و اغفروا یغفر لکم

کسان را رحم کنید تا به شما رحم کنند دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید.

۲۶۴ إرفعوا ألسنتکم عن المسلمین و إذا مات أحد منهم فقولوا فیه

خیرا

زبان خود را از بد گوئی مسلمانان باز دارید، اگر کسی مرد درباره او بنیکی سخن گوئید.

۲۶۵ أرقّاءکم أرقّاءکم فأطعموهم ممّا تأکلون و ألبسوهم ممّا

تلبسون و إن جاؤا بذنب لا تریدون أن تغفروه فبیعوا عباد الله و لا

تعذبوهم.

بندگان خود را رعایت کنید هر چه میخورید بآنها بخورانید و هر

چه می پوشید بآن ها بیوشانید و اگر گناهی کردند که نمیخواهید
بخشید آنها را بفروشید و عذابشان ندهید.

۲۶۶ أَرْقَاؤُكُمْ إِخْوَانُكُمْ فَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ إَسْتَعِينُوهُمْ عَلَى مَا غَلَبَكُمْ وَ
أَعِينُوهُمْ عَلَى مَا غَلَبَهُمْ .

بندگان شما برادران شما هستند با آنها نیکی کنید آنها را در
کارهای مشکل خود بکمک گیرید و آنها را در کارهای مشکل
کمک کنید.

۲۶۷ إِرْمُوا وَ ارْكَبُوا وَ أَنْ تَرْمُوا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا كُلَّ
شَيْءٍ يَلْهُو بِهِ الرَّجُلُ بَاطِلٌ إِلَّا رَمَى الرَّجُلُ بِقَوْسِهِ أَوْ تَأْدِيبِهِ فَرَسَهُ أَوْ
مَلَاعِبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ مِنَ الْحَقِّ وَ مِنْ تَرْكِ الرَّمْيِ بَعْدَ مَا عَلِمَهُ فَقَدْ
كَفَرَ الَّذِي عَلَّمَهُ.

تیر اندازی کنید و سواری کنید اگر تیراندازی کنید بیشتر دوست
دارم که سواری کنید هر چیزی که مرد بدان سر گرم شود بیهوده
است جز آنکه مردی با کمان خود تیر اندازد یا اسب خود را
تربیت کند یا با زن خود بازی کند همه اینها حق است و هر کس

تیراندازی آموزد و آن را ترک کند حق معلم خود را ادا نکرده است.

۲۶۸ إزهد فی الدّٰیّا یحبّک الله و ازهد فیما فی أیدی النّاس
یحبّک النّاس.

از دنیا چشم بپوش تا خدا ترا دوست دارد. و از آنچه در دست مردم است چشم بپوش تا مردم ترا دوست دارند.

۲۶۹ أزهّد النّاس فی العالم أهله و جیرانه.
کسان و همسایگان مرد دانشمند از همه مردم نسبت به او بی رغبت ترند.

۲۷۰ أزهّد النّاس من لم ینس القبر و البلاء و ترک أفضل زینة
الدّیّا و أثر ما یبقی علی ما یفنی و لم یعدّ غدا من آیّامه و عدّ نفسه
فی الموتی.

زاهدترین مردم آنکس است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم بپوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی

ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در ردیف مردگان شمارد.

۲۷۱ إستمَامُ الْمَعْرُوفِ خَيْرٌ مِنْ إِبْتِدَائِهِ.

انجام دادن کار نیک بهتر از آغاز کردن آنست.

۲۷۲ إِسْتَحْيَ مِنَ اللَّهِ إِسْتِحْيَاءَكَ مِنْ رَجُلَيْنِ مِنْ صَالِحِي عَشِيرَتِكَ

از خدا مانند دو تن از خویشان صالح خود شرمگین باش.

۲۷۳ إِسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى حَقَّ الْحَيَاءِ فَإِنَّ اللَّهَ قَسَمَ بَيْنَكُمْ أَخْلَاقَكُمْ

کما قسم بینکم أرزاقکم.

از خداوند چنانکه باید آزرم داشته باشید زیرا خداوند اخلاق شما را نیز مانند روزیتان میان شما تقسیم کرده است.

۲۷۴ إِسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ مِنْ اسْتَحْيَى مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ

فَلِيَحْفَظَ الرَّأْسَ وَ مَا وَعَى وَ لِيَحْفَظَ الْبَطْنَ وَ مَا حَوَى وَ لِيَذْكَرَ

الْمَوْتَ وَ الْبَلَاءَ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ فَعَلَ

ذلک فقد استحیا من اللّٰه حقّ الحیاء.

از خداوند چنانکه شایسته است شرم کنید، هر که از خدا چنانکه شاید شرم کند سر و اعضای آن را از گناه نگهدارد و شکم و متعلقات آن را از ناروا حفظ کند و مرگ و بلا را بخاطر داشته باشد و هر که نعیم آن جهان را خواهد زینت این جهان را ترک کند و هر که چنین کند از خدا چنانکه باید شرم کرده است.

۲۷۵ إسترشدوا العاقل ترشدوا و لا تعصوه فتندموا.

از خردمند رهبری جوئید تا براه راست برسید و وی را نافرمانی نکنید که پشیمانی برید.

۲۷۶ إستعدّ للموت قبل نزول الموت.

پیش از آنکه مرگ درآید برای آن آماده باش.

۲۷۷ إستعیدوا باللّٰه من شرّ جار المقام فإنّ جار المسافر إذا شاء أن

یزایل زایل.

از شر همسایه مقیم، بخدا پناه برید زیرا همسایه مسافر اگر خواهد

از او بر کنار شود، بر کنار شود.

۲۷۸ إِستَعِذُوا بِاللّٰهِ مِنَ الْفَقْرِ وَالْعِيْلَةِ وَ مِنْ أَنْ تَظْلَمُوا أَوْ تَظْلَمُوا.

بخدا پناه برید از فقر و عیالمندی و اینکه ظلم کنید یا تحمل ظلم کنید.

۲۷۹ إِستَعِذُوا بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ الرَّائِسَاتِ وَ كُنُوزٍ مِنْ خِيَارِهِنَّ فِي حَذَرٍ

از زنان بد بخدا پناه ببرید و از نیکانیشان پرهیزید.

۲۸۰ إِستَعِذُوا بِاللّٰهِ مِنَ الْعَيْنِ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ.

از چشم بد بخدا پناه ببرید زیرا چشم حق است.

۲۸۱ إِستَعِينُوا عَلَى أُمُورِكُمْ بِالْكَتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مُحْشُودٌ.

بوسیله پرده پوشی بر انجام کارهای خود یاری جوئید زیرا هر که نعمتی دارد محسود کسانست .

۲۸۲ إِستَعِينُوا عَلَى النَّسَاءِ بِالْعَرَى فَإِنَّ إِحْدَاهُنَّ إِذَا كَثُرَتْ ثِيَابُهَا وَ

أَحْسَنُ زِينَتِهَا أَعْجَبُهَا الْخُرُوجُ.

از بی‌لباسی برای نگهداری زنان کمک جوئید زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد مایل به بیرون رفتن است.

٢٨٣ إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السَّوَاكِ.

از مردم بی‌نیاز باشید و یک قطعه چوب مسواک هم از آنها نخواهید.

٢٨٤ إِسْتَفْتِ نَفْسَكَ وَ إِنْ أَفْتَاكَ الْمَفْتُونُ.

نیکی و بدی چیزها را از دل خویش پیرس، دیگران هر چه میخواهند بگویند

٢٨٥ إِسْتَقِمْ وَ لِيَحْسِنْ خَلْقَكَ لِلنَّاسِ

استوار باش و رفتار خویش را درباره مردم نیک ساز.

٢٨٦ إِسْتَقِيمُوا وَ نَعْمَا إِنْ إِسْتَقَمْتُمْ.

استوار باشید و چه نیکست که استوار باشید.

۲۸۷ إستوصوا بالنساء خيرا فإن المرأة خلقت من ضلع أعوج و إنَّ
أعوج شيء في الضلع أعلاه فإن ذهبت تقيمه كسرته و إن تركته
لم يزل أعوج فاستوصوا بالنساء خيرا.

با زنان بنیکی رفتار کنید زیرا زن از دنده کج خلق شده است و در
 دنده آنچه کج تر است بالاتر است و اگر بخواهید راستش کنید
 آنرا می شکنید و اگر رهایش کنید کج میماند. پس با زنان بنیکی
 رفتار کنید.

۲۸۸ إستووا و لا تختلفوا فتختلف قلوبكم.
 با یکدیگر برابر شوید و مختلف مشوید تا دلهایتان مختلف نشود.

۲۸۹ إستووا تستو قلوبكم و تماصوا تراحموا.
 با یکدیگر برابر شوید تا دل هایتان برابر شود و با یکدیگر آمیزش

کنید تا بهم رحم کنید .

۲۹۰ أسدّ الأعمال ثلاثة ذكر الله على كلّ حال و الإنصاف من

نفسك و مواساة الأخ في المال

استوارترین کارها سه چیز است یاد خداوند در همه حال و رعایت انصاف بر ضرر خویش و تقسیم مال با برادر دینی.

۲۹۱ أسرع الخير ثوابا البرّ و صلة الرّحم و أسرع الشرّ عقوبةً ألبغى

و قطيعةً الرّحم .

پاداش نیکوکاری و پیوند خویشاوندان از نیکی‌های دیگر زودتر میرسد و کیفر ستمکاری و بریدن از خویشاوندان از بدی‌های دیگر سریعتر میرسد

۲۹۲ أسرع الدّعاء إجابة دعاء غائب لغائب .

دعائی که غائبی برای غائبی دیگر کند از همه دعاها زودتر مستجاب می‌شود.

۲۹۳ إسمح یسمح لك.

با کسان سهل انگاری کن تا با تو سهل انگاری کنند.

۲۹۴ إشتدّ غضب الله على من زعم أنّه ملك الأملاك لا ملك إلاّ الله.

خشم خدا بر آنکه گمان می کند ملک ملکان است بسیار سخت است ملکی جز خدا نیست.

۲۹۵ إشتدّ غضب الله على الزّناة.

خشم خدا نسبت بزناکاران بسیار سخت است.

۲۹۶ إشتدّی أزمّة تنفرجی.

وقتی کار بنهایت سختی رسید راه چاره پیدا می شود.

۲۹۷ إشتدّ غضب الله على امرأة أدخلت على قوم ولدا ليس منهم يطلع على عوراتهم و يشركهم في أموالهم.

زنی که فرزندی «بخطا پدید آورد» و بر خانواده ای در آورد که

بناحق محارم آنها را ببیند و در اموالشان شرکت کند خشم خدا نسبت بوی بسیار سخت است.

۲۹۸ إشتدّ غضب الله على من ظلم من لا يجد ناصرا غير الله.

آنکس که بر بینوائی که بجز خدا پناهی ندارد ستم میکند خشم خدا نسبت باو بسیار سخت است

۲۹۹ أشجع الناس من غلب هواه.

شجاعت‌ترین مردم آنکس است که بر هوس خویش تسلط یابد.

۳۰۰ أشدّ الناس عذابا يوم القيامة إمام جائر.

روز رستاخیز عذاب پیشوای ستمگر از همه کس سخت‌تر است

۳۰۱ أشدّ الناس بلاء الأنبياء ثمّ الأمثل فالأمثل يبتلى الرجل على

حسب دينه فإن كان في دينه صلبا إشتدّ بلاؤه و إن كان في دينه

رقّة إبتلى على قدر دينه فما يبرح البلاء بالعبد حتى يتركه يمشي

على الأرض و ما عليه خطيئة.

ابتلای پیغمبران از همه مردم سخت تر است و پس از آن هر که
 بآنها نزدیکتر باشد، مرد باندازه قوت دین خود بلا می بیند اگر
 دین او محکم باشد ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد
 باندازه دین خود بلا می بیند بلا بر بنده فرو می آید تا همه گناهان
 او را پاک کند.

۳۰۲ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا لِلنَّاسِ فِي الدُّنْيَا أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

آنکه در دنیا مردم را بیشتر آزار کند در روز رستاخیز پیش خدا از
 همه مردم عذاب وی سخت تر است.

۳۰۳ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ يَرَى النَّاسَ أَنْ فِيهِ خَيْرًا وَلَا خَيْرَ فِيهِ.

در روز رستاخیز از همه مردم عذاب آنکس سخت تر است که
 مردم گمان میکنند خیری در او هست ولی خیری در او نیست.

۳۰۴ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعَهُ عِلْمُهُ.

روز رستاخیز عذاب دانشمندی که از دانش خود بهره نمی‌برد از همه مردم سخت‌تر است.

۳۰۵ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَمَكَنَهُ طَلَبُ الْعِلْمِ فِي الدُّنْيَا فَلَمْ يَطْلُبْهُ وَ رَجُلٌ عَلَّمَ عِلْمًا فَانْتَفَعَ بِهِ مِنْ سَمْعِهِ مِنْهُ دُونَهُ.

دو کس روز رستاخیز از همه مردم بیشتر حسرت می‌خورند یکی مردی که در دنیا برای طلب دانش فرصت داشته ولی به جستجوی آن برنخاسته است یکی دیگر مردی که دانشی بدیگری آموخته و شاگرد وی از آن بهره‌مند شده ولی او بی بهره مانده است.

۳۰۶ أَشَدَّكُمْ مِنْ مَلِكٍ نَفْسُهُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَأَحْلَمَكُمْ مِنْ عَفَى بَعْدِ الْمَقْدَرَةِ.

نیرومندترین شما کسی است که هنگام غضب بر خود تسلط داشته باشد و بردبارترین شما کسی است که پس از قدرت از گناه‌کسان درگذرد.

۳۰۷ أشرف الإيمان أن يأمنك الناس و أشرف الإسلام أن يسلم
الناس من لسانك و يدك.

بهترین ایمان آنست که مردم از تو در امان باشند و بهترین اسلام
آنست که مردم از دست و زبان تو سلامت مانند.

۳۰۸ أشرف الزهد أن يسكن قلبك على ما رزقت و إن أشرف ما
تسأل من الله عزّ و جلّ العافية في الدين و الدّنيا.

بهترین زهدها آنست که از آنچه داری خشنود باشی و بهترین
چیزی که از خدا توان خواست عافیت دین و دنیا است.

۳۰۹ أشعر كلمة تكلم بها العرب كلمة لبید: ألا كل شيء ما خلا
الله باطل.

بهترین شعری که عرب گفته سخن لبید است که گوید بجز خدا
همه چیز باطل است.

۳۱۰ إشفقوا تحمدوا و تؤجروا.

مهربان باشید تا شما را ستایش کنند و پاداش یابید.

۳۱۱ أشقى الأتقىاء من اجتماع عليه فقر الدّنيا و عذاب الآخرة

از همه بدبختان بدبخت تر کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

۳۱۲ أشكر الناس أشكرهم للناس.

از همه مردم سپاسگزارتر آن کس است که بهتر سپاس مردم را می‌گزارد.

۳۱۳ أشيدوا النّكاح و أعلنوه.

عقد نکاح را محکم کنید و آنرا علنی سازید.

۳۱۴ أصابتكم فتنة الضّراء فصبرتم و إنّ أخوف ما أخاف عليكم

فتنة السّراء من قبل النّساء إذا تسوّرن الذهب و لبسن ربط الشّام و

عصب الیمن و أتعبن الغنىّ و كلّفن الفقير ما لا يجد.

فتنه سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه ای سخت تر بر

شما یم دارم که از طرف زنان می آید هنگامی که انگوی طلا بدست و پارچه های فاخر ببر کنند و توانگران را بزحمت اندازند و از فقیر چیزی که بدان دسترس ندارد بخواهند.

۳۱۵ أصدق الرؤيا بالأسحار.

راست ترین خوابها را در سحر گاه توان دید،

۳۱۶ أصرم الأحمق.

با احمق آمیزش مکن.

۳۱۷ أصلح الناس أصلحهم للناس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر است.

۳۱۸ أصلح بين الناس ولو تعنى الكذب.

میان مردم را باصلاح آراگر چه با دروغ باشد.

۳۱۹ أصلحوا دنياكم و اعملوا لآخرتكم كأنكم تموتون غدا.

دنیای خویش را اصلاح کنید و برای آخرت خویش بکوشید
چنانکه گوئی فردا خواهید مرد،

۳۲۰ إِصْنَعِ الْمَعْرُوفَ إِلَىٰ مَنْ هُوَ أَهْلُهُ وَ إِلَىٰ غَيْرِ أَهْلِهِ فَإِنْ أَصَبْتَ أَهْلَهُ أَصَبْتَ أَهْلَهُ وَ إِنْ لَمْ تَصِبْ أَهْلَهُ كُنْتَ أَنْتَ أَهْلَهُ.

با آنکس که سزاوار نیکی است و آنکس که سزاوار آن نیست
نیکی کن، اگر نیکی تو باهل آن رسید چه بهتر و گرنه تو خود
اهل آن هستی.

۳۲۱ إِضْمِنُوا لِي سَتًّا مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَضْمِنْ لَكُمْ الْجَنَّةَ أَصْدَقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ وَ أَوْفُوا إِذَا وَعَدْتُمْ وَ أَدُّوا إِذَا أَتَمَنْتُمْ وَ احْفَظُوا فِرَاجَكُمْ وَ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ.

شش چیز را از طرف خود برای من تعهد کنید تا من بهشت را
برای شماها تعهد کنم وقتی سخنی می گوئید راست گوئید و
وقتی وعده می دهید وفا کنید. وقتی امانت به شما سپردند رد کنید،
خوشتن را از آمیزشهای ناپاک حفظ کنید، چشمهای خود را «از

نگاههای نا روا» ببندید و دست خویش را «از اعمال ناپسند»
نگهدارید.

۳۲۲ إضمنوا لی ستّ خصال أضمن لكم الجنّة لا تظالموا عند قسمة
مواریثکم و أنصفوا النّاس من أنفسکم و لا تجبنوا عند قتال عدوکم
و لا تغلوا غنائمکم و امنعوا ظالمکم من مظلومکم .

شش صفت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم،
هنگام تقسیم ارث بیکدیگر ستم نکنید؛ با مردم به انصاف رفتار
کنید و هنگام جنگ با دشمن ترسان مباشید و در غنائم خیانت
نکنید و ظالم را از مظلوم دفع کنید.

۳۲۳ أطلبوا الرّزق فی خبايا الأرض.
روزی را در نهانگاههای زمین بجوئید.

۳۲۴ أطلبوا العلم و لو بالصّین فإنّ طلب العلم فريضة علی کلّ مسلم
إنّ الملائكة تضع أجنحتها لطالب العلم رضا بما يطلب.
دانش را بجوئید اگر چه در چین باشد زیرا طلب دانش بر هر

مسلمانی واجب است و فرشتگان بال خویش را برای طالب علم پهن می کنند زیرا از آنچه وی در طلب آنست خشنود هستند.

۳۲۵ أطلبوا الحوائج بعزّة الأنفس فإنّ الامور تجري بالمقادير.

حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید زیرا کارها جریان مقدر دارد،

۳۲۶ أطلب العافية لغيرك ترزقها في نفسك.

عافیت را برای دیگران بخواه تا نصیب تو شود.

۳۲۷ أطلبوا العلم من المهد إلى اللحد.

از گهواره تا گور دانش بجوئید.

۳۲۸ أطعموا طعامكم الأتقياء و أولوا معروفكم المؤمنين.

غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید و نیکیهای خود را در باره مؤمنان انجام دهید.

۳۲۹ أطلبوا الفضل عند الرّحماء من أمّتی تعیشوا فی أکنافهم و لا
تطلبوه من القاسیة قلوبهم .

بزرگواری را در پیش رحیمان امت من بجوئید و در پناه آنها
زندگی کنید و آن را از سنگ دلان مجوئید.

۳۳۰ إطلع فی القبور و اعتبر بالتشور .
در قبرها بنگر و از رستاخیز پند آموز

۳۳۱ إطلعت فی الجنّة فرأیت أكثر أهلها الفقراء و اطلعت فی النار
فرأیت أكثر أهلها النساء .

در بهشت نگریستم و دیدم که بیشتر مردم آن فقیرانند و در جهنم
نگریستم و دیدم که بیشتر مردم آن زنانند.

۳۳۲ أطیب کسب عمل الرّجل بیده .

بهترین کسبها آنست که مرد با دست خود کار کند.

۳۳۳ أطیب کسب الرّجل المسلم سهمه فی سبیل الله .

بهترین کسب مرد مسلمان تیری است که در راه خدا میاندازد

۳۳۴ أَطِيب الطَّيِّب الْمَسْك.

بهترین بوهای خوش مشک است.

۳۳۵ أَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ.

خدای را چنان پرستش کن که گوئی او را می‌بینی اگر تو او را نمی‌بینی او ترا میبیند.

۳۳۶ إِيْتَبَرُوا الصَّاحِبَ بِالصَّاحِبِ.

یار را بیار توان سنجید

۳۳۷ أَعْجِزَ النَّاسُ مِنْ عَجْزِ عَنِ الدُّنْيَا وَ أُبْخَلَ النَّاسُ مِنْ بَخْلِ بِالسَّلَامِ

عاجزترین مردم آنکس است که از کار دنیا عاجز ماند و
بخیل‌ترین مردم آنکس است که در ادای سلام بخل ورزد.

۳۳۸ أعدی عدوِّک نفسک الّتی بین جنبیک.

خطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو است.

۳۳۹ أعدی عدوِّک زوجتک الّتی تضاجعک و ما ملکت یمینک.

خطرناکترین دشمن تو همسر تو است که با تو همخوابه است و مملوک تو.

۳۴۰ أعدل النَّاس من رضى للنَّاس ما یرضى لنفسه و کره لهم ما

کره لنفسه.

عادل تر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندد برای مردم نیز پسندد و آنچه بر خود روا ندارد بر مردم روا ندارد

۳۴۱ إعدلوا بین أولادکم بالنَّحل کما تحبّون أن یعدلوا بینکم فی

البرّ و اللّطف.

شما که میخواهید فرزندانان در نیکی و محبت با شما بعدالت رفتار کنند در کار بخشش با آنها بعدالت رفتار کنید.

۳۴۲ أعذر الله إلى امرئ آخر أجله حتى بلغ ستين سنه.

هر کس را خداوند تا شصت سال زنده نگاهدارد در عذر را به روی او بسته است.

۳۴۳ أعروا النساء يلزمن الحجال.

زنان را بی لباس بگذارید تا در خانه بمانند.

۳۴۴ أعزّ أمر الله يعزّك الله.

کار خدا را عزیز دار تا خدایت عزیز کند.

۳۴۵ أعزل الأذى عن طريق المسلمين.

مانع از راه مسلمانان دور کن.

۳۴۶ أعطى و لا توکئى فيوكأ عليك.

بخش و تنگ مگیر که بر تو تنگ گیرند.

۳۴۷ أعط السائل و لو جاءك على فرس و أعط الأجير حقه قبل

أَنْ يَجِفَّ عِرْقُهُ.

بگذا چیزی بده و گرچه بر اسب بنزد تو آمد و مزد اجیر را پیش
از آنکه عرقش خشک شود پرداز.

۳۴۸ أعطیت جوامع الکلم و اختصر لی الکلام اختصاراً.

کلمات جامع و پر معنی را بمن بخشیدند و سخن برای من پیچیده
و مختصر شد.

۳۴۹ أعظم العبادۀ أجراً أخفیهَا.

پراجرترین عبادت‌ها آنست که نهانتر باشد.

۳۵۰ أعظم النَّاسِ همّا المؤمن یهتمّ بأمر دنیاہ و أمر آخرتہ.

مؤمن از همه مردم گرفتارتر است زیرا باید بکار دنیا و آخرت هر
دو برسد

۳۵۱ أعظم النَّاسِ حقّاً علی المرأة زوجها و أعظم النَّاسِ حقّاً علی

الرجل أمّه.

شوهر از همه کس بیشتر بر زن حق دارد و مادر از همه کس بیشتر
بر مرد حق دارد.

۳۵۲ أعظم الخطايا اللسان الكذوب.

سر گناهان، زبان دروغ پرداز است.

۳۵۳ أعظم الظلم ذراع من الأرض ينتقصه المرء من حق أخيه ليست

حصاء أخذها إلا طوقها يوم القيامة.

بزرگترین ستمها آنست که مردی یک ذراع زمین از حق برادر
خویش بگیرد، هر ریگی که بدین طریق در تصرف او در آید روز
رستاخیز در گردن او طوقی میشود

۳۵۴ أعظم الناس في الدنيا خطرا من لم يجعل للدنيا عنده خطرا.

در دنیا قدر کسی بیشتر است که دنیا در نظرش قدر ندارد

۳۵۵ أعظم الناس قدرا من ترك ما لا يعنيه.

عالیقدر از همه مردم کسیست که در آنچه بدو مربوط نیست
مداخله نکند.

۳۵۶ أعظم النساء أحسنهنّ وجوها و أرخصهنّ مهورا.

بهترین زنان آن است که رویش خوبتر و مهرش کمتر است

۳۵۷ أعظم النساء برکة أقلهنّ مؤنة.

از همه زنان پربرکت تر آنست که خرجش کمتر باشد.

۳۵۸ أعقل الناس أشدهم مداراة للناس.

عاقلتر از همه مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

۳۵۹ إعتقلها و توکل.

زانوی شتر را ببند و توکل کن

۳۶۰ أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه.

دانشمندتر از همه مردم کسی است که دانش دیگران را بدانش

خود بیفزاید.

۳۶۱ إعلم أنّ الخلائق لو اجتمعوا على أن يعطوك شيئاً و لم یرد
 الله أن يعطیک لم یقدروا علیه أو یصرفوا عنک شيئاً أراد الله أن
 یصیبک به لم یقدروا على ذلك فإذا سئلت فاسأل الله و إذا
 استعنت فاستعن بالله.

بدانکه اگر جهانیان بخواهند چیزی بتو بدهند و خداوند نخواهد
 نمیتوانند و اگر جهانیان بخواهند چیزی را که خداوند برای تو
 خواسته از تو منع کنند نمیتوانند بنابراین وقتی چیزی میخواهی از
 خدا بخواه و وقتی کمک می جوئی از خدا بجوی

۳۶۲ إعلم أنّ ما أصابک لم یکن لیخطأك و ما أخطأك لم یکن
 لیصیبک.

بدانکه آنچه بتو رسیده ناچار میرسید و آنچه از تو فوت شده
 بناچار فوت میشد.

۳۶۳ إعلم أنّ النصر مع الصّبر و أنّ الفرج مع الكرب و أنّ مع

العسر يسرا.

بدانکه ظفر قرین صبر است و کشایش قرین رنج و بدنبال سختی
سستی ای هست.

۳۶۴ إعلم أنّ القلم قد جرى بما هو كائن.

بدان که قلم تقدیر، بر همه شدنیا رفتہ است.

۳۶۵ إعلم أنّه ليس منكم من أحد إلاّ مال وارثه أحبّ إليه من ماله.

مالک ما قدّمت و مال وارثک ما أخرت.

بدانید که همه شما مال وارث خویش را از مال خویش بیشتر
دوست دارید. مال تو آنست که از پیش میفرستی و مال وارث
آنست که بجا میگذاری.

۳۶۶ أعمار أمتی ما بین السّتين إلى السّبعين.

عمرهای امت من میان شصت و هفتاد سال است.

۳۶۷ إعمل عمل امریء یظنّ أنّه لن یموت أبدا و احذر حذر

امریء یخشی أن یموت غدا.

چنان کار کن که گوئی هیچ وقت نخواهی مرد و چنان بیمناک باش که گوئی فردا خواهی مرد.

۳۶۸ إعملوا فكلّ میسرّ لما خلق له.

کار کنید زیرا هر کسی آنچه را برای آن ساخته شده بدست می آورد.

۳۶۹ الأعمال بالنیّة.

کارها وابسته به نیت است

۳۷۰ أعینوا أولادکم علی البرّ من شاء إستخرج العقوق من ولده.

فرزندان خود را در خوب شدن کمک کنید زیرا هر که بخواهد می تواند نافرمانی را از فرزند خود بیرون آورد.

۳۷۱ أغبط الناس عندی مؤمن خفیف الحاذّ ذو حظّ من صلاة و

کان رزقه کفافا فصبر علیہ حتّی یلقى الله و أحسن عبادة ربّه و

كان غامضا في الناس عجلت منيته و قلّ تراثه و قلّت بواكبه.

خوشبخت ترین مردم در نظر من مؤمنی است که متعلقاتش کم و از نماز بهره ور باشد، روزی او بحد کفاف باشد و با آن بسازد تا بخدای خویش برسد، خدای را به خوبی پرستش کند و در میان مردم گمنام باشد، وقتی مرگش برسد ارثش کم باشد و گریندگانش انگشت شمار باشند.

۳۷۲ إغتئم خمسا قبل خمس شبابك قبل هرمك و صحتك قبل سقمك و غناك قبل فقرك و فراغك قبل شغلک و حیوتك قبل موتك.

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و ثروت پیش از نیازمندی و فراغت پیش از اشتغال و زندگی پیش از مرگ

۳۷۳ إغتئموا الدّعاء عند الرّقّة فإنّها رحمة.

بهنگام رقت دعا را غنیمت شمارید که رقت مایه رحمت است

۳۷۴ إغتتموا دعوة المؤمن المبتلى .

دعای مؤمن مبتلا را غنیمت شمارید.

۳۷۵ أغد عالما أو متعلّما أو مستمعا أو محبّا و لا تكن الخامسة

فتهلك.

دانشمند باش یا دانش آموز یا مستمع یا دوستدار علم و پنجمی
مباش که هلاک خواهی شد.

۳۷۶ أغدوا فی طلب العلم فإنّ - الغدوّ برکة و نجاح.

در طلب علم زود خیز باشید زیرا زود خیزی مایه برکت و کام
یابی است.

۳۷۷ إغسلوا ثيابکم و خذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و

تنظّفوا فإنّ بنی اسرائیل لم یكونوا یفعلون ذلک فزنت نساؤهم

لباسهای خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید، مسواک
بزنید و آراسته و پاکیزه باشید زیرا یهودان چنین نکردند و زنان
شان زناکار شدند .

۳۷۸ إغفر، فإن عاقبت فعاقب بقدر الذنب و اتق الوجه.

گناه کسان را ببخش و اگر مجازات میکنی بقدر گناه مجازات کن
و صورت را میازار.

۳۷۹ أغفل الناس من لم يتعظ بتغير الدنيا من حال إلى حال.

غافلتر از همه مردم کسی است که از تغیر احوال جهان پند نگیرد

۳۸۰ أغنى الناس من لم يكن للحرص أسيرا.

بی نیازتر از همه مردم کسی است که در بند آرز نباشد.

۳۸۱ أفشوا السلام بينكم تحابوا.

سلام را آشکار کنید تا رشته دوستی شما استوار شود.

۳۸۲ أفشوا السلام تسلموا.

سلام را آشکار سازید تا سلامت مانید.

۳۸۳ أفشوا السّلام و أطعموا الطّعام و صلّوا الأرحام و صلّوا باللیل و
النّاس نيام تدخلوا الجنّة بسلام.

سلام را فاش کنید و طعام بخورانید، با خویشاوندان الفت گیرید و
هنگام شب که مردم در خوابند نماز بخوانید تا وارد بهشت شوید.

۳۸۴ أفضل الأصحاب من إذا ذكرت أعانک و إذا نسيت ذکرک.
بهترین دوستان کسی است که وقتی یاد کردی ترا یاری کند و
وقتی فراموش کردی ترا بیاد آرد.

۳۸۵ أفضل الأعمال ثلاثة: -التّواضع عند الدّولة و العفو عند القدرة
و العطيّة بغير المنّة.

بهترین کارها سه چیز است، -تواضع بهنگام دولت و عفو بهنگام
قدرت و بخشش بدون منت.

۳۸۶ أفضل الأعمال أن تدخل على أخیک المؤمن سرورا أو تقضى
عنه دینا.

بهترین کارها آنستکه برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا

قرض او را بپردازى.

۳۸۷ أفضل الأعمال بعد الإيمان بالله التّودّد إلى الناس.

بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است.

۳۸۸ أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

بهترین کارها کسب حلال است.

۳۸۹ أفضل الأعمال العلم بالله إنّ العلم ينفعك معه قليل العمل و

كثيره و إنّ الجهل لا ينفعك معه قليل العمل و لا كثيره.

بهترین کارها خدانشناسی است کاری که با دانش قرینست اندک و بسیار آن سودمند است و کاری که با نادانی قرینست نه اندک آن سود میدهد و نه بسیار.

۳۹۰ أفضل الأعمال الحبّ في الله و البغض في الله.

بهترین کارها دوستی و دشمنی در راه خداست.

۳۹۱ أفضل الإيمان أن تعلم أن الله معك حيثما كنت.

بهترین اقسام ایمان آنست که بدانی هر جا هستی خدا با تست.

۳۹۲ أفضل الإيمان أن تحبّ لله و تبغض لله و تعمل لسانك في

ذكر الله و أن تحبّ للناس ما تحبّ لنفسك و تكره لهم ما تكره

لنفسك و أن تقول خيرا أو تصمت.

بهترین اقسام ایمان اینست که برای خدا دوست بداری و برای خدا

دشمن بداری و آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواهی و

آنچه برای خود نمیخواهی برای دیگران نخواهی و سخن نیک

بگوئی یا خاموش مانی.

۳۹۳ أفضل الإيمان الصبر و السّماحة

بهترین خصال ایمان صبر و گذشت است.

۳۹۴ أفضل الجهاد كلمة حقّ عند سلطان جائر.

بهترین جهاد سخن حقیست که پیش پادشاه ستمکار گویند

۳۹۵ أفضل الجهاد من أصبح و لم يهّم بظلم أحد.

بهترین اقسام جهاد آنست که کسی روز آغاز کند و در اندیشه ظلم کسی نباشد.

۳۹۶ أفضل الحسنات تکرمة الجلساء.

بهترین کارهای نیک آنست که جلسان را عزیز داری.

۳۹۷ أفضل الجهاد أن يجاهد الرجل نفسه و هواه.

بهترین جهاد آنستکه انسان با نفس و هوس خود پیکار کند.

۳۹۸ أفضل الدعاء دعاء المرء لنفسه.

بهترین دعاها دعائست که انسان برای خود میکند

۳۹۹ أفضل الدّانیر دینار ینفقه الرجل علی عیاله.

بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوران خود خرج میکند.

۴۰۰ أفضل الصدقة ما كان عن ظهر غنى و اليد العليا خير من اليد

السفلى و ابدء بمن تعول .

بهترین صدقه ها اینست که در حال بی نیازی صورت گیرد و دست دهنده بهتر از دست گیرنده است .

۴۰۱ أفضل الصدقة أن يتعلم المرء المسلم علما ثم يعلمه أخاه

المسلم.

بهترین صدقه ها آن است که مرد مسلمان دانشی بیاموزد و به برادر مسلمان خود تعلیم دهد .

۴۰۲ أفضل صدقة اللسان الشفاعة تفك بها الأسير و تحقن بها الدم

و تجرّ بها المعروف و الإحسان إلى أخيك و تدفع عنه الكريهة.

بهترین صدقه زبان، شفاعتی است که بوسیله آن اسیر را آزاد سازی و از ریختن خون جلوگیری کنی و نیکی و احسان را به سوی برادر خویش بکشانی و بدی را از او دفع کنی.

۴۰۳ أفضل الأعمال أن تشبع كبدًا جائعًا.

بهترین کارها آنست که گرسنه را سیر کنی.

۴۰۴ أفضل الصدقة حفظ اللسان.

بهترین صدقه ها، نگهداری زبانست.

۴۰۵ أفضل الصدقة صدقة اللسان.

بهترین صدقه ها، صدقه زبان است.

۴۰۶ أفضل الصدقة أن تصدق و أنت صحيح شحيح تأمل الغنى و

تخشى الفقر و لا تمهل حتى إذا بلغت الحلقوم قلت لفلان كذا و

لفلان كذا، ألا و قد كان لفلان.

بهترین صدقه ها آنست که هنگامی که سالم و تنگدستی و امید
ثروت و بیم فقر داری صدقه بدهی نه آنکه بگذاری تا وقتی جان
بگلو رسید گوئی؛ این مال فلانی و این مال فلانی، زیرا آنها متعلق
بفلانی شده است.

۴۰۷ أفضل الصدقة إصلاح ذات البين.

بهترین اقسام صدقه آنستکه میان دو کس را اصلاح دهی.

۴۰۸ أفضل الصدقة الصدقة على ذي الرحم الكاشح.

بهترین صدقه ها آنست که به خویشاوندی که دشمن توست چیزی بدهی.

۴۰۹ أفضل العبادة انتظار الفرج.

بهترین اقسام عبادت انتظار گشایش است.

۴۱۰ أفضل العمل أدومه و إن قلّ.

بهترین کارها آن است که دوامش بیشتر است اگر چه اندک باشد.

۴۱۱ أفضل العمل النية الصادقة.

بهترین کارها نیت پاک است

۴۱۲ أفضل العبادة أجرا سرعة القيام من عند المريض.

از همه عبادت‌ها بهتر و پر اجرتر آن است که زودتر از پیش
مریض برخیزی.

۴۱۳ أفضل الفضائل أن تصل من قطعك و تعطي من حرمك و
تصفح عمن ظلمك.

بهترین فضایل اینست که با آنکه از تو ببرد پیوند گیری و بکسی
که تو را محروم میکند عطا کنی و از آنکه بر تو ستم کند
درگذری

۴۱۴ أفضل الكسب بيع مبرور و عمل الرجل بيده.

بهترین کسبها معامله ای است که نادرستی در آن نباشد و کاری
است که مرد با دست خود انجام دهد.

۴۱۵ أفضل المؤمنين إسلاما من سلم المسلمون من لسانه و يده و
أفضل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً.

از همه مؤمنان اسلام آنکس بهتر است که مسلمانان از دست و
زبان‌ش در امان باشند و از همه مؤمنان ایمان آنکس بهتر است که

اخلاق وی نیکتر است.

۴۱۶ أفضل المؤمنين إيماناً أَلَدَى إِذَا سئلَ أُعْطِيَ وَ إِذَا لمْ يُعْطَ
استغنى.

از همه مؤمنان ایمان آنکس بهتر است که وقتی از او چیزی
بخواهند بدهد و اگر چیزی باو ندهند راه بی نیازی سپرد.

۴۱۷ أفضل الناس رجل يعطى جهده
بهترین مردم آنست که همه کوشش خود را بکار میبرد.

۴۱۸ أفلح من رزق لبّا.
آنکه خرد دارد رستگار می شود.

۴۱۹ أفضل الناس من تواضع عن رفعة و زهد عن غنية و أنصف
عن قوة و حلم عن قدرة.

بهتر از همه مردم کسی است که در حال رفعت فروتنی کند و در
عین ثروت زاهد باشد و در عین قوت انصاف دهد و در حال

قدرت برد باری کند

۴۲۰ أَفْضَلُكُمْ إِيمَانًا أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا.

هر کس از شما اخلاقش نیکتر ایمانش بهتر است.

۴۲۱ أَفْقَرُ النَّاسِ الطَّامِعُ.

طمعکار از همه مردم فقیرتر است.

۴۲۲ أَفْلَحَ مَنْ هَدَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عِيشَهُ كِفَافًا وَ قَنَعَ بِهِ.

هر که باسلام راهبر شده و لوازم زندگی بقدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار شده است

۴۲۳ إِقْرَأُوا الْقُرْآنَ مَا اِئْتَلَفْتُمْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ فَإِذَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ

فَقُومُوا.

قرآن را تا هنگامیکه دلهای شما بر آن اتفاق دارد بخوانید و وقتی درباره آن اختلاف پیدا کردید برخیزید.

۴۲۴ إقرأ القرآن ما نهاك فإذا لم ينهك فليست تقرأه.

اگر خواندن قرآن ترا از کار بد منع میکند آنرا بخوان ولی اگر
ترا از کار بد وانمیدارد به حقیقت قرآن نمیخوانی.

۴۲۵ إقرأوا القرآن و اعملوا به و لا تجفوا عنه و لا تغلوا فيه و لا

تأكلوا به و لا تستكثروا به.

قرآن را بخوانید و بدان عمل کنید و از آن دور نشوید و در آن
غلو نکنید بوسیله قرآن نان نخورید و به کمک آن فزونی مجوئید.

۴۲۶ إقرأوا القرآن فإنّ الله تعالى لا يعذب قلبا وعى القرآن.

قرآن را بخوانید زیرا خداوند دلی را که قرآن را دریافته معذب
نمیکند.

۴۲۷ أقرب العمل إلى الله الجهاد في سبيل الله و لا يقاربه شيء.

نزدیکترین کارها بخدا جهاد در راه خداست و چیزی مانند آن
نیست

۴۲۸ إقبل الحقّ ممّن أتاك به من صغير أو كبير و إن كان بغیضا
بعیدا و اردد الباطل علی من جاءك به من صغير أو كبير و إن كان
حبیبا قریبا.

سخن حق را از هر که شنیدی به پذیر اگر چه دشمن و بیگانه باشد
و ناحق را از هر که شنیدی نپذیر اگر چه دوست و نزدیک باشد.

۴۲۹ إقتربت السّاعة و لا یزداد النّاس علی الدّیّا إلاّ حرصا و لا
ترداد منهم إلاّ بعدا .

رستاخیز نزدیک شده است و از مردم بدنیاء دائما بیشتر و دنیا از
آنها دورتر میشود.

۴۳۱ أقلّ النّاس راحة البخیل.

آسایش بخیل از همه کس کمتر است.

۴۳۰ أقلّ النّاس لذّة الحسود.

لذت حسود از همه کس کمتر است.

۴۳۲ أقلّ من الدّین تعش حرّاً.

قرض کمتر گیر تا آزاد باشی.

۴۳۳ أقلّ من الذّنوب یهن علیک الموت.

گناه کمتر کن تا مرگ بر تو آسان شود.

۴۳۴ أقلّوا الدّخول علی الأغنیاء فإنّه أحرى أن لا تردروا نعم الله

عزّ و جلّ.

پیش توانگران کمتر روید زیرا در این صورت نعمتهای خدا را

خوار نخواهید شمرد.

۴۳۵ أقبلو السّخیّ زلّته فإنّ الله آخذ بیده کلّما عثر.

از لغزش مرد سخاوتمند بگذرید زیرا هر دم بلغزد خدا دست او را

میگیرد.

۴۳۶ أقیموا حدود الله تعالی فی البعید و القریب و لا تأخذکم

فی الله لومة لائم.

مقررات خدا را درباره بیگانه و خویش اجرا کنید و در کار خدا
بسختن کسان گوش مدهید.

۴۳۷ أكبر أمتی الذین لم يعطوا فیبطروا و لم یقتر علیهم فیسألوا.

بزرگترین افراد امت من آنها هستند که نه چندان توانگرند که
خود را گم کنند و نه چندان فقیرند که دست بسؤال گشایند.

۴۳۸ أكبر الكبائر الإشراک بالله و قتل النفس و عقوق الوالدین و

شهادة الزور.

بزرگترین گناهان بزرگ شرک بخدا و قتل نفس و بد رفتاری با
پدر و مادر و شهادت دروغ است .

۴۳۹ أكبر الكبائر سوء الظن بالله

بدترین گناهان بزرگ بد گمانی بخداست.

۴۴۰ أكثر خطایا ابن آدم فی لسانه.

بیشتر گناهان فرزند آدم از زبان اوست.

۴۴۱ أكثر الناس ذنوبا يوم القيامة أكثرهم كلاما فيما لا يعنيه.

در روز رستاخیز از همه مردم گناه آن کس بیشتر است که بیشتر از همه در چیزهایی که بدو مربوط نیست سخن گوید.

۴۴۲ أكثر الناس قيمة أكثرهم علما.

هر که بدانش از دیگران پیش تر است، قیمتش از دیگران بیشتر است.

۴۴۳ أكثر ذكر الموت فإن ذكره يسّيك ممّا سواه.

مرگ را بسیار بخاطر بیاور زیرا یاد مرگ ترا از رنج‌های دیگر تسلیت می‌دهد.

۴۴۴ أكثروا ذكر الموت فإنه يمحصّ الذنوب و يزهد في الدنيا

فإن ذكرتموه عند الغنى هدمه و إن ذكرتموه عند الفقر أرضاكم

بعيشكم.

مرگ را بسیار به یاد آرید زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می‌کند

و حرص دنیا را کم می کند، اگر مرگ را بهنگام توانگری به یاد آرید اهمیت آن را کم میکند و اگر بهنگام تنگدستی یاد کنید، شما را از زندگی تان خشنود می سازد.

۴۴۵ أَكثَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يَعَذِّبَ عِبْدَهُ بَيْنَ إِخْوَانِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ .

دوست بسیار گیرید زیرا خدای شما با حیا و بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیز بنده خود را میان برادرانش عذاب کند.

۴۴۶ أَكْثَرُ مِنَ الدَّعَاءِ فَإِنَّ الدَّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ .
بسیار دعا کن که دعا قضا را دفع میکند

۴۴۷ أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ فِي كَثِيرٍ إِلَّا قَلِيلٌ وَ لَا فِي قَلِيلٍ إِلَّا أَجْزَلُهُ .

مرگ را بسیار بیاد آرید زیرا یاد مرگ بسیار را کم و کم را کافی جلوه می دهد.

۴۴۸ أَكْرَمُوا الشَّهَدَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ يَسْتَخْرِجُ بِهِمُ الْحَقَّ وَيُدْفَعُ بِهِمُ الظُّلْمَ.

شاهدان را گرامی شمارید زیرا خدا حقوق کسان را بوسیله آنان احقاق میکند و ستم را بوسیله آنها دفع می نماید.

۴۴۹ أَكْرَمُ النَّاسِ اتِّقَاهُمْ.

بزرگوارتر از همه مردم کسی است که پرهیزکارتر است

۴۵۰ أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیغمبرانند و هر که آنها را عزیز دارد خدا و پیغمبر را عزیز داشته است.

۴۵۱ أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسَنُوا آدَابَهُمْ.

فرزندان خود را گرامی شمارید و نیکو تربیتشان کنید.

۴۵۲ أَكْرَمُوا الْخَبْزَ فَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَهُ مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاءِ وَ أَخْرَجَهُ مِنْ

برکات الأرض.

نان را گرامی شمارید زیرا خداوند آن را از برکات آسمان فرو فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده است.

۴۵۳ إكلفوا من العمل ما تطيقون فإنّ الله لا يملّ حتى تملّوا و إنّ أحبّ العمل إلى الله تعالى أدومه و إنّ قلّ.

بقدر توانائی خود عبادت کنید زیرا وقتی شما ملول شدید خدا نیز ملول می شود، در نظر خدا بهترین کارها آنست که بادوامتر است اگر چه اندک باشد.

۴۵۴ أكمل المؤمنین إيماناً أحسنهم خلقاً و خياركم خياركم لنسائهم.

کامل ترین مؤمنان آن است که خلقتش نیک تر است و از همه شما نیک تر کسانی هستند که برای زنان خود نیکترند.

۴۵۵ ألا أخبرک بأهل النار؟ کلّ جعظریّ جوّاظ مستکبر جمّاع منوع.

می‌خواهی تو را از اهل جهنم خبر دهم؟ هر کس که خود پسند و خود خواه و متکبر و حریص و بخیل باشد

۴۵۶ ألا أخبرک بخیر ما یکنز المرء؟.. المرأة الصالحة إذا نظر إليها سرته و إذا أمرها أطاعته و إذا غاب عنها حفظته.

می‌خواهی ترا از بهترین گنجینه مرد خبر دهم؟ زن پارسا که وقتی بدو نگرد مسرور شود و همینکه بدو فرمان دهد اطاعت کند و هنگام غیبت امانت او را محفوظ دارد

۴۵۷ ألا أخبرک عن ملوک الجنة؟ رجل ضعیف مستضعف ذو طمرین لا یؤبه له لو أقسم علی الله لأبره.

می‌خواهی ترا از پادشاهان بهشت خبر دهم؟ مرد ضعیف و ناتوان و ژنده پوش که هیچکس بدو اعتنا نکند و اگر قسم خورد که چیزی واقع می‌شود خداوند قسم او را راست کند.

۴۵۸ ألا أخبرکم بأفضل من درجة الصیام و الصلوة و الصدقة؟ صلاح ذات البین فإن فساد ذات البین هی الحالقة.

میخواهید شما را از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است
خبر دهم؟ اصلاح میان کسان، زیرا فساد میان کسان مایه هلاک
است.

۴۵۹ ألا أخبرکم بمن یحرم علیہ النار غذا؟ علی کلّ هیّن لّین
قریب سهل.

میخواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کس حرام است؟
هر کس که ملایم و نرم و زودجوش و آسان گیر باشد.

۴۶۰ ألا أخبرکم بنسائکم من أهل الجنّة؟ ألودود الولود العئود الّتی
إذا ظلمت قالت هذه یدی فی یدک لا أذوق غمضا حتّی ترضی.

میخواهید شما را از زنانی که اهل بهشتند خبر دهم؟ زن وفاداری
که فرزند زیاد آورد و زود آشتی کند و همینکه بدی کرد گوید
این دست من در دست توست چشم بر هم نمی گذارم تا از من
راضی شوی.

۴۶۱ ألا أخبرکم بخیرکم من شرکم؟ خیرکم من یرجی خیره و

يؤمن شرّهُ و شرّكم من لا يرجي خيره و لا يؤمن شرّهُ.

می‌خواهید شما را از بدان و نیکان تان خبر دهم؟ بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از شرش امان نیست .

٤٦٢ ألا أخبركم بأيسر العبادة و أهونها على البدن؟ الصّمت و حسن الخلق.

می‌خواهید شما را بعبادتی که از همه عبادتها بر بدن آسانتر است خبر دهم؟ سکوت و نیکخوئی .

٤٦٣ ألا أدلّکم علی أشدّکم؟ أملكکم عند الغضب.

می‌خواهید شما را به آنکس که از همه زورمندتر است رهبری کنم؟ آنکه هنگام خشم بهتر خود را نگاه می‌دارد.

٤٦٤ ألا أنبئک بشرّ النّاس؟ من أکل وحده و منع رفده و سافر

وحده و ضرب عبده، ألا أنبئک بشرّ من هذا؟ من یخشی شرّهُ و لا

یرجی خیره ألا أنبئک بشرّ من هذا؟ من باع آخرته بدنيا غیره ألا

أنبئك بشرّ من هذا؟ من أكل الدّنيا بالدّين.

میخواهی ترا از کسی که از همه مردم بدتر است خبر دهم؟ ،
آنکس که تنها غذا خورد و بکسی چیزی ندهد و تنها سفر کند و
بنده خویش را بزند، میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر
دهم؟ آنکه از شر او بترسند و بخیرش امید نداشته باشند میخواهی
ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟ آنکه آخرت خویش را
بدنیای دیگری فروشد میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست
خبر دهم؟ آنکه بوسیله دین از دنیا بهره‌مند شود

٤٦٥ ألا أعلمك خصلات ينفعك الله تعالى بهن؟ عليك بالعلم
فإن العلم خليل المؤمن و الحلم و الزيره و العقل دليله و العمل قيمه و
الرفق أبوه و اللين أخوه و الصبر أمير جنوده.

می‌خواهی صفاتی بتو بیاموزم که خداوند ترا به آنها منتفع سازد؟
دانش آموز که دانش دوست مؤمن است و بردباری پشتیبان او و
عقل رهبر و عمل قیم و مدارا پدر و ملایمت برادر اوست و صبر
امیر سپاه وی بشمار میرود.

٤٦٦ ألا إنّ الغضب جمره توقد فى جوف ابن آدم ألا ترون إلى
حمره عينيه و إنتفاخ أوداجه فإذا وجد أحدكم شيئاً من ذلك
فالأرض الأرض.

بدانید که خشم آتشی است که در دل انسان مشتعل می شود؛ مگر
نمی بینید که بهنگام خشم چشمهای او سرخ و رگهایش متورم
می شود وقتی یکی از شما چنین شد روی زمین روی زمین!

٤٦٧ ألا إنّ الناس من آدم و آدم من تراب و أكرمهم عند الله
أتقاهم.

بدانید که مردم از آدم پدید آمده اند و آدم از خاک و بزرگوار
ترین مردم در نظر خدا پرهیزکار ترین آنهاست.

٤٦٨ ألا إنّ بنی آدم خلقوا علی طبقات شتى، منهم من یولد
مؤمناً و یحیا مؤمناً و یموت مؤمناً و منهم من یولد کافراً و یحیا
کافراً و یموت کافراً و منهم من یولد کافراً و یحیا کافراً و یموت
مؤمناً.

بدانید که مردم بر طبقات مختلف آفریده شده اند بعضی مؤمن

متولد می‌شوند و مؤمن زندگی میکنند و مؤمن می‌میرند. بعضی دیگر کافر متولد می‌شوند و کافر زندگی میکنند و کافر می‌میرند بعضی کافر متولد میشوند و کافر زندگی میکنند ولی مؤمن می‌میرند.

۴۶۹ ألا إن خير الرجال من كان بطيء الغضب سريع الرضا و شرّ الرجال من كان سريع الغضب بطيء الرضا، فإذا كان الرجل بطيء الغضب بطيء الفیء و سريع الغضب سريع الفیء فإنّها بها.
بدانید که بهترین مردان آنست که دیر بخشم آید و آسان خشنود شود و بدترین مردان آنست که زود بخشم آید و دیر خشنود شود، اگر مردی دیر بخشم آید و دیر خشنود شود یا زود بخشم آید و زود خشنود شود آن هم چیز است.

۴۷۰ ألا إن خير التجار من كان حسن القضاء حسن الطلب و شرّ التجار من كان سيّء القضاء سيّء الطلب فإذا كان الرجل حسن القضاء سيّء الطلب أو كان سيّء القضاء حسن الطلب فإنّها بها.
بدانید که بهترین تاجران کسی است که خوش پرداخت و خوش

طلب باشد و بدترین تاجران کسی است که بد پرداخت و بد طلب باشد اگر مردی خوش پرداخت و بد طلب یا بد پرداخت و خوش طلب باشد آن هم چیز است.

۴۷۱ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَزَنٌ بَرَبُوءٌ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ النَّارِ سَهْلٌ

بسهوة.

بدانید که کار اهل بهشت مانند آنست که از راه سختی بر تپه مرتفعی بالا روند و کار اهل جهنم مانند آنست که در سراشیب زمین همواری راه سپرند.

۴۷۲ أَلَا رَبِّ مَكْرَمٍ لِنَفْسِهِ وَ هُوَ لَهَا مَهِينٌ أَلَا رَبِّ مَهِينٍ لِنَفْسِهِ وَ هُوَ

لَهَا مَكْرَمٌ.

چه بسیار کسان که خود را عزیز میکنند و بحقیقت خوار می کنند و چه بسیار کسانی که خود را خوار میکنند و بحقیقت عزیز می کنند.

۴۷۳ أَلَا رَبِّ شَهْوَةٍ سَاعَةٌ أَوْ رِثْتٌ حَزَنًا طَوِيلًا.

چه بسیار که ساعتی شهوت باعث رنج طولانی شده است.

۴۷۴ ألا ربّ قائم ليس له من القيام إلا السّهر و ربّ صائم ليس له من صيامه إلا الجوع و العطش.

چه بسیار کسان که هنگام شب برای نماز بر می خیزند و از کار خود جز بیداری ثمری نمی برند و چه بسیار کسانی که روزه می گیرند و از روزه خویش جز گرسنگی و تشنگی سودی نمی برند.

۴۷۵ ألا و إنّ في الجسد مضغة إذا صلحت صلح الجسد كلّ و إذا فسدت فسد الجسد كلّ ألا و هي القلب.

بدانید که در تن قطعه گوشتی است که اگر صالح بود تمام تن بصلاح آید و اگر فاسد بود تمام تن بفساد گراید، بدانید که آن قلب است.

۴۷۶ ألا يا ربّ نفس طاعمة ناعمة في الدّنيا جائعة عارية يوم القيامة. ألا يا ربّ نفس جائعة عارية في الدّنيا طاعمة ناعمة يوم

القيامة.

چه بسیار کسان که در این جهان سیر و خوشند و در روز رستاخیز
گرسنه و برهنه اند و چه بسیار کسان که در این جهان گرسنه و
برهنه اند و روز رستاخیز سیر و خوشند.

۴۷۷ ألا لا يمتنعّ رجلا مخافة الناس أن يقول الحقّ إذا علمه.

کسی که سخن حقی می داند نباید از بیم مردم از گفتن آن
خودداری کند.

۴۷۸ ألا لا يخلونّ رجل بامرأة إلاّ كان ثالثهما الشيطان.

بدانید که هیچ مردی با زن نا محرم خلوت نمی کند جز آنکه
سومی آنها شیطان است.

۴۷۹ إلبس جدیداً و عش حمیداً.

لباس نو بپوش و نیک نام بزی.

۴۸۰ إلتمسوا الجار قبل شری الدّار و الرّفیق قبل الطّریق.

پیش از خریدن خانه همسایه بجوئید و پیش از سفر رفیق بیابید.

۴۸۱ إلتمسوا الرّزق بالنّكاح.

بوسیله زناشوئی روزی بجوئید

۴۸۲ إلتمس و لو خاتما من حدید.

انگشتی داشته باش اگر چه از آهن باشد.

۴۸۳ أَلْزَمُوا الْجِهَادَ تَصَحَّوْا وَ تَسْتَغْنَوْا.

جهاد کنید تا سالم باشید و بی نیاز شوید.

۴۸۴ اللَّهُ أَلَّهِ فِيمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ أَلْبَسُوا ظُهُورَهُمْ. وَ أَشْبَعُوا بَطُونَهُمْ

وَ أَلْبَسُوا لَهُمُ الْقَوْلَ .

در رفتار با بندگان خود خدا را در نظر داشته باشید، تنشان را
پیوشانید و شکمشان را سیر کنید و با آنها بملایمت سخن گوئید.

۴۸۵ اللَّهُ أَلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ إِلَّا اللَّهُ.

درباره کسی که جز خدا یاوری ندارد خدا را در نظر داشته باشید

۴۸۶ اللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ.

تا هنگامی که شخص بیاری برادر خویش می‌پردازد خداوند یاور اوست.

۴۸۷ اللَّهُ مَعَ الْقَاضِي مَا لَمْ يَجِرْ فَإِذَا جَارَ تَخَلَّى اللَّهُ عَنْهُ وَ لَزِمَهُ الشَّيْطَانُ.

خداوند یار قاضی است تا موقعی که ستم نکند، وقتی ستم کرد خدا او را رها میکند و شیطان قرین او می‌شود.

۴۸۸ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي وَ انْقِطَاعِ عُمُرِي.
خدا یا روزی مرا هنگام پیری و وا پسین زندگانی بیشتر از مواقع دیگر وسعت ببخش.

۴۸۹ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ اَخْشَاكَ حَتّٰى كَأَنِّيْ اُرَاكَ وَ اسْعِدْنِيْ بِتَقْوَاكَ وَ لَا تَشْقِنِيْ بِمَعْصِيَّتِكَ وَ خَرْلِيْ فِيْ قَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ قَدْرِكَ

حتّى لا أحبّ تعجيل ما أخرت و لا تأخير ما عجلت و اجعل غنای
فی نفسی.

خدایا مرا چنان از ذات خود ترسان کن که گوئی ترا می بینم و
مرا پرهیزکاری خود خوشبخت کن و بنافرمانی خود بدبخت مکن
قضای خود را برای من انتخاب کن و تقدیر خود را بر من مبارک
کن که نخواهم آنچه را مؤخر کرده ای مقدم کنی یا آنچه را
مقدم داشته ای مؤخر کنی و ثروت مرا در روحم مستقر کن.

۴۹۰ اَللّهُمَّ اجعلنى شکورا و اجعلنى صبورا و اجعلنى فى عینى
صغیرا و فى أعین الناس کبیرا.

خداوندا مرا شاکر و صابر کن و مرا در چشم خویش خوار و در
نظر مردم بزرگوار کن.

۴۹۱ اَللّهُمَّ اجعلنى من الذین إذا أحسنوا استبشروا و إذا أساؤا
استغفروا.

خدایا مرا از جمله کسانی قرار ده که وقتی نیکی کنند خوشحال
میشوند و وقتی بد کنند آمرزش می طلبند.

۴۹۲ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ وَ وَسَّعْ لِيْ فِيْ دَارِيْ وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ

رِزْقِيْ.

خدایا گناه مرا ببخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا افزون کن.

۴۹۳ اَللّٰهُمَّ احْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِيْ الْاُمُوْر كُلِّهَا وَ اَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ

عَذَابِ الْاٰخِرَةِ.

خدایا در همه کارها عاقبت ما را بخیر کن و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نگهدار.

۴۹۴ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ بِالْاِسْلَامِ قَائِمًا وَ احْفَظْنِيْ بِالْاِسْلَامِ قَاعِدًا وَ

احْفَظْنِيْ بِالْاِسْلَامِ رَاقِدًا وَ لَا تَشْمِتْ بِيْ عَدُوًّا وَ لَا حَاسِدًا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ

بِيَدِكَ.

خدایا مرا هنگام خفتن و ایستادن و نشستن بوسیله اسلام حفظ کن و مرا به سرزنش دشمن و حسود مبتلا مساز، خدایا همه نیکی هائی

که گنجینه آن را بدست داری از تو می‌خواهم و از همه بدیهائی
که گنجینه آن را بدست داری بتو پناه می‌برم.

۴۹۵ اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِيْ مَسْكِيْنَا وَ تَوَفَّنِيْ مَسْكِيْنَا وَ اَحْشِرْنِيْ فِيْ زَمْرَةِ
المساكين و اِنْ اَشْقَى الْاَشْقِيَاءَ مِنْ اِجْتَمَع عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ
الْآخِرَةِ.

خدایا مرا در زندگی فقیر دار و فقیر بمیران و در صف فقیران
محشور ساز، بدبخت تر از همه بدبختان کسی است که فقر دنیا و
عذاب آخرت را با هم داشته باشد.

۴۹۶ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ اَلْفَ بَيْنَ قُلُوْبِنَا وَ اِهْدِنَا سَبْلَ السَّلَامِ وَ
تَجَنَّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ وَ جَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ.
اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْ اَسْمَاعِنَا وَ اَبْصَارِنَا وَ قُلُوْبِنَا وَ اَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا وَ
تَبَّ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ.

خدایا میان ما را اصلاح ده و دلهای ما را متفق ساز و ما را به
آرامش هدایت کن و از تاریکی‌ها بسوی روشنی رهائی بخش و از
زشتی‌های آشکار و نهان دور ساز، خدایا گوشها و چشمها و دلها و

زنها و فرزندان ما را مبارک گردان و توبه ما را بپذیر زیرا تو توبه پذیر و مهربانی.

۴۹۷ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ عَيْنِيْنَ هَاطَلَتِيْنَ تَشْفِيَانِ الْقَلْبَ بِذُرُوفِ الدَّمْعِ مِنْ خَشِيَّتِكَ قَبْلَ اَنْ تَكُوْنَ الدَّمْعُ دِمَا وَ الْاَضْرَاسُ جَمْرًا.

خدایا مرا دو چشم اشکبار بخش که دل را از ریزش اشکهای که از بیم تو میریزد شفا بخشند پیش از آن که اشکها خون و دندان ها آتش شود.

۴۹۸ اَللّٰهُمَّ اَصْلَحْ لِيْ دِيْنِيْ الَّذِيْ هُوَ عَصْمَةُ اَمْرِيْ. وَ اَصْلَحْ لِيْ دُنْيَايَ الَّتِيْ فِيْهَا مَعَاشِيْ وَ اَصْلَحْ لِيْ اٰخِرَتِيْ الَّتِيْ فِيْهَا مَعَادِيْ وَ اجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِّيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً لِّيْ مِنْ كُلِّ شَرٍّ.

خدایا دین مرا که حافظ کار من است و دنیای مرا که زندگی من در آنست و آخرت مرا که باز گشتم بسوی آنست بصلاح آر زندگی را برای من مایه افزایش نیکیها ساز و مرگ را برای من مایه آسایش از بدیها کن.

۴۹۹ اَللّٰهُمَّ اَعْنِيْ عَلَى غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَ سَكْرَاتِ الْمَوْتِ.

خدایا مرا بر تحمل سختیها و رنجهای مرگ کمک کن.

۵۰۰ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذَنْبِيْ وَ وَسَّعْ لِيْ فِيْ دَارِيْ وَ بَارِكْ لِيْ فِيْ

رِزْقِيْ.

خدایا گناه مرا ببخش و خانه ام را وسعت بخش و روزی مرا

برکت ده.

۵۰۱ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ خَطِيئَتِيْ وَ جَهْلِيْ وَ اِسْرَافِيْ فِيْ اَمْرِيْ وَ مَا اَنْتَ

اَعْلَمُ بِهِ مِنِّيْ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ خَطْئِيْ وَ عَمْدِيْ وَ هَزْلِيْ وَ جَدِّيْ وَ كُلَّ

ذَلِكْ عِنْدِيْ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا اَخَّرْتُ وَ مَا اَسْرَرْتُ وَ مَا

اَعْلَنْتُ.

خدایا از گناه و جهالت و افراط کاری من و آنچه بهتر از من

میدانی در گذر خدایا خطا و عمد و شوخی و جدی من همه را

ببخش خدایا گناهان سابق و لاحق و نهان و عیان مرا عفو کن .

۵۰۲ اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِيْ بِالْعِلْمِ وَ زَيْنِيْ بِالْحِلْمِ وَ اَكْرَمْنِيْ بِالتَّقْوٰی وَ جَمِّلْنِيْ

بالعافیه.

خدایا مرا بعلم توانگر ساز و بحلم زینت بخش و بتقوی عزیز کن و
بعافیت زیبائی ده.

۵۰۳ اَللّٰهُمَّ اَقِمْ لَنَا مِنْ خَشِيَّتِكَ مَا تَحُولُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَعَاصِيكَ وَ مِنْ
طَاعَتِكَ مَا تَبْلُغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ وَ مِنْ الْيَقِيْنِ مَا يَهْوَنُ عَلَيْنَا مَصِيْبَاتِ
الدُّنْيَا. وَ مَتَّعْنَا بِاَسْمَاعِنَا وَ اَبْصَارِنَا وَ قُوَّتِنَا مَا اُحْيَيْتَنَا وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ
مَنَا وَ اجْعَلْ ثَارَنَا عَلٰى مَنْ ظَلَمْنَا وَ انصِرْنَا عَلٰى مَنْ عَادَانَا وَ لَا تَجْعَلْ
مَصِيْبَتَنَا فِى دِيْنِنَا وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَ لَا
تَسْلُطْ عَلَيْنَا مِنْ لَا يَرْحَمُنَا.

خدایا از ترس خود آنقدر نصیب ما ساز که میان ما و نافرمانی تو
حایل شود و از اطاعت خود آنقدر که ما را ببهشت برساند و از
یقین آنقدر که مصیبت‌های جهان را بر ما آسان کند و ما را تا
هنگامیکه زنده میداری از چشم و گوش و نیروی خود بهره ور
ساز و آن را تا آخرین لحظه برای ما محفوظ دار و انتقام ما را از
کسانی که بما ستم کرده اند بگیر و ما را بر کسانی که با ما دشمنی
میکنند پیروز ساز و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و کار دنیا

را بزرگترین غم ما و نهایت دانشمان مساز و کسی را که بر ما رحم
نمیکند بما مسلط مگردان.

۵۰۴ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِيْ وَ اَنْتَ تَوْفِيْهَا لَكَ مَمَاتُهَا وَ مَحِيَاها اِنْ
اَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا وَ اِنْ اَمَتَّهَا فَاغْفِرْ لَهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ.
خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را میگیری زندگی و مرگ آن
متعلق بتو است اگر زنده اش داشتی محفوظش دار و اگر دچار
مرگش ساختی بر او ببخش. خدایا من از تو عافیت میخواهم.

۵۰۵ اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنِيْ بِمَا عَلَّمْتَنِيْ وَ عَلَّمْنِيْ مَا يَنْفَعْنِيْ وَ زِدْنِيْ عِلْمًا.
خدایا مرا بآنچه تعلیم داده ای منتفع کن و آنچه را برای من نافع
است بمن بیاموز و دانش مرا فزون کن.

۵۰۶ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْهُدٰى وَ التَّقٰى وَ الْعِافٰى وَ الْغِنٰى.
خدایا من از تو هدایت و تقوی و عفت و بی نیازی میخواهم.

۵۰۷ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ صِحَّةً فِىْ اِيْمَانٍ وَ اِيْمَانًا فِىْ حَسَنِ خَلْقٍ وَ

نجاحا يتبعه فلاح.

خدایا من از تو صحتی میخواهم که قرین ایمان باشد و ایمانی که
با نیک خوئی همراه باشد و موفقیتی که رستگاری دنبال آن باشد.

۵۰۸ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنَ الْخَیْرِ کُلِّهِ مَا عَلِمْتَ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ وَ اَعُوْذُ
بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ مَا عَلِمْتَ مِنْهُ وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ.

خدایا من نیکی‌هایی را که می دانم و نمیدانم از تو میخواهم و از
بدیهائی که میدانم و نمی دانم بتو پناه میبرم.

۵۰۹ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُوْنِ وَ الْجَذَامِ وَ مِنَ
سَیِّئِ الْعَاقِبَاتِ.

خدایا من از برص و دیوانگی و خوره و امراض بد بتو پناه
می برم.

۵۱۰ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْعَجْزِ وَ الْکَسَلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبَخْلِ وَ
الْهَرَمِ وَ الْقَسْوَةِ وَ الْغَفْلَةِ وَ الْعِیْلَةِ وَ الذَّلَّةِ وَ الْمَسْکِنَةِ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ
الْفَقْرِ وَ الْکُفْرِ وَ الْفُسُوْقِ وَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ السَّمْعَةِ وَ الرِّیَاءِ وَ

أعوذ بك من الصَّمم و البکم و الجنون و الجذام و البرص و سيّء
الأسقام.

خدایا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری و سنگدلی و
غفلت و تنگدستی و ذلت و مستمندی بتو پناه میبرم و از فقر و
کفر و فسق و اختلاف و نفاق و ریا بتو پناه میبرم و از کری و
گنگی و دیوانگی و خوره و برص و امراض بد بتو پناه میبرم.

۵۱۱ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجَبْنِ وَالْبَخْلِ وَ
الْهَرَمِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ
أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ.

خدایا از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری بتو پناه میبرم و از
عذاب قبر بتو پناه میبرم و از عذاب جهنم بتو پناه میبرم و از
رسوائی در زندگی بتو پناه میبرم.

۵۱۲ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَ الذَّلَّةِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ
أَنْ أَظْلَمَ أَوْ أَظْلَمَ .

خدایا از فقر و تنگدستی و ذلت بتو پناه میبرم و از ستمکشی و

ستمگری بتو پناه می برم .

۵۱۳ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْکَسَلِ وَ الْهَرَمِ وَ الْمَآْثِمِ وَ الْمَغْرَمِ وَ
 مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنْ شَرِّ
 فِتْنَةِ الْغِنٰی وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَقْرِ .

خدایا از تنبلی و پیری و گناه و قرض و بلیه قبر و عذاب قبر و
 رسوائی جهنم و بلیه جهنم و عذاب جهنم و بلیه ثروت و بلیه فقر
 بتو پناه میبرم.

۵۱۴ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ جَارِ السَّوْءِ فِیْ دَارِ الْمَقَامَةِ اِنْ جَارِ
 الْبَادِیَةِ یَتَحَوَّلُ .

خدایا از همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه می برم زیرا همسایه
 صحرا بزودی تغییر می یابد .

۵۱۵ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ خَلِیْلِ مَآکِرِ عِیْنَاهِ تْرِیَانِیْ وَ قَلْبِهِ
 یِرْعَانِیْ اِنْ رَأٰی حَسَنَةً دَفَنَهَا وَ اِنْ رَأٰی سَیِّئَةً اَذَاعَهَا .
 خداوندا بتو پناه می برم از دوست حيله باز که دیدگانش مرا

میبیند و دلش مراقب منست، اگر نیکی به بیند مستور سازد و اگر بدی ببیند مشهور سازد.

۵۱۶ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِکَ وَ تَحَوُّلِ عَافِیَتِکَ وَ فِجَآءِ نِقْمَتِکَ وَ جَمِیْعِ سَخَطِکَ.

خدایا از زوال نعمت و تغییر عافیت و غضب ناگهانی و همه چیز هائی که مایه ناخشنودی تو است بتو پناه میبرم.

۵۱۷ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ وَ عَمَلٍ لَا یَرْفَعُ، وَ دَعَاءٍ لَا یَسْمَعُ.

خدایا از دانشی که سود ندهد و عملی که مقبول نیفتد و دعائی که شنیده نشود بتو پناه میبرم.

۵۱۸ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ عِلْمٍ لَا یَنْفَعُ وَ قَلْبٍ لَا یَخْشَعُ وَ دَعَاءٍ لَا یَسْمَعُ وَ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ اَعُوْذُ بِکَ اَللّٰهُمَّ مِنْ شَرِّ هَؤُلَاءِ الْاَرْبَعِ.

خدایا از دانشی که سود ندهد و دلی که سوز ندارد و دعائی که شنیده نشود و نفسی که سیری نپذیرد بتو پناه میبرم خدایا از این

چهار چیز بتو پناه میبرم.

۵۱۹ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ غَلْبَةِ الدِّیْنِ وَ غَلْبَةِ الْعَدُوِّ وَ شِمَاتَةِ
الْاَعْدَاءِ.

خدایا از چیرگی قرض و غلبه دشمن و سرزنش مخالفان بتو پناه
میبرم.

۵۲۰ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ فِتْنَةِ النِّسَاءِ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ
الْقَبْرِ.

خدایا از فتنه زنان بتو پناه میبرم و از عذاب قبر بتو پناه میبرم.

۵۲۱ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ مَنَکِرَاتِ الْاَخْلَاقِ وَ الْاَعْمَالِ وَ الْاَهْوَاءِ
وَ الْاَدْوَاءِ.

خدایا از اخلاق بد و اعمال بد و هوسهای بد و مرضهای بد بتو پناه
میبرم.

۵۲۲ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ یَوْمِ السَّوْءِ وَ مِنْ لَیْلَةِ السَّوْءِ وَ مِنْ

ساعة السّوء و من صاحب السّوء و من جار السّوء فى دار المقامة.

خدایا از روز بد و شب بد و ساعت بد و یار بد و همسایه بد در
خانه اقامت بتو پناه می برم .

۵۲۳ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَامَتِيْ فِىْ بَكُورِهَا.

خدایا سحر خیزی را بر امت من مبارک ساز.

۵۲۴ اَللّٰهُمَّ بَعْلَمَكَ الْغَيْبَ وَ قَدْرَتَكَ عَلَى الْخَلْقِ اَحْيِنِىْ مَا عَلِمْتَ

الْحَيَاةَ خَيْرًا لِّىْ وَ تَوَفَّنِىْ اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِّىْ، اَللّٰهُمَّ وَ اَسْأَلُكَ
خَشِيَّتَكَ فِى الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ اَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْاِخْلَاصِ فِى الرِّضَا وَ
الْغَضَبِ وَ اَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِى الْفَقْرِ وَ الْغِنَى.

خدایا ترا به غیب دانى و قدرتى که بر آفرینش دارى سوگند مى
دهم تا موقعی که زندگى را براى من بهتر میدانى مرا زنده نگهدار
و موقعی که مرگ را براى من بهتر میدانى مرا بمیران خدایا از تو
مى خواهم که ترس خود را در آشکار و نهان نصیب من کنی و
در حال خشنودى و خشم کلمه اخلاص را بزبان من جارى نمائى و
در حال فقر و توانگرى میانه روى را شعار من سازى.

۵۲۵ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

خدایا پروردگارا، در دنیا و آخرت بمانیکی بخش، و ما را از عذاب جهنم محفوظ دار.

۵۲۶ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا وَ لَا تَنْقُصْنَا وَ اَكْرِمْنَا وَ لَا تَهِنَّا، وَ اَعْطِنَا وَ لَا تَحْرِمْنَا وَ آثِرْنَا وَ لَا تَوَثِّرْ عَلَيْنَا وَ اَرْضِنَا وَ اَرْضِ عَنَّا.

خدایا ما را بیفزای و دچار نقص مساز ما را گرامی دار و خوار مکن ما را عطا ده و محروم مساز و ما را برتری ده و کسی را بر ما برتری مده ما را خشنود ساز و از ما خشنود باش .

۵۲۷ اَللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي. اَللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي. اَللّٰهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ .

خدایا تن مرا سالم دار خدایا گوش مرا سالم دار خدایا چشم مرا سالم دار خدایا از کفر و فقر بتو پناه می برم، خدایا از عذاب قبر

بتو پناه میبرم، خدائی جز تو نیست.

۵۲۸ اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِيْ فَحَسِّنْ خَلْقِيْ.

خدایا چنانکه صورت مرا نیک کردی سیرتم را نیز نیک کن.

۵۲۹ اَللّٰهُمَّ لَا تَکُنْ لِیْ نَفْسٍ طَرَفَةٌ عَیْنٍ وَ لَا تَنْزِعْ مِنْیْ صَالِحَ مَا
أَعْطَیْتَنِیْ.

خداوندا یک لحظه مرا بخودم وا مگذار و چیزهای خوبی که بمن
بخشیده‌ای از من باز مگیر.

۵۳۰ اَللّٰهُمَّ مِنْ وَلِیِّ مَنْ أَمَرَ أُمَّتِیْ شَيْئًا فَشَقَّ عَلَیْهِمْ فَاشْقُقْ عَلَیْهِ وَ مِنْ
وَلِیِّ مَنْ أَمَرَ أُمَّتِیْ شَيْئًا فَفَرَّقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ.

خدایا هر کس عهده دار کار امت من شد و بر آنها سخت گرفت
بر او سخت گیر و هر کس عهده دار کار امت من شد و با آنها
مدارا کرد با او مدارا کن.

۵۳۱ اَلْهَوَا وَ الْعَبَوَا فَإِنِّیْ أَكْرَهُ أَنْ یَرِیْ فِیْ دِیْنِكُمْ غُلْظَةً.

تفریح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما
خسوفی دیده شود.

۵۳۲ أما إنَّ العریف یدفع فی النار دفعا.

شخص غیب گو در جهنم رانده میشود.

۵۳۳ أما إنَّ ربَّک یرحبّ المدح.

پروردگار تو ستایش را دوست دارد.

۵۳۴ أما ترضی إحداکنَّ أنَّها إذا کانت حاملا من زوجها و هو عنها

راض أنَّ لها مثل أجر الصّائم القائم فی سبیل الله فإذا وضعت لم

یخرج من لبنها جرعة و لم یمصَّ من ثديها مصّة إلاَّ کان لها بكلّ

جرعة و بكلّ مصّة حسنة، فإن أسهرها لیلئ کان لها مثل أجر سبعین

رقبة تعتقهم فی سبیل الله.

آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبستن است

و شوهرش از او خشنود است ثواب کسی دارد که روز روزه

گیرد و شب برای عبادت خدای پیا خیزد و هنگامیکه بار گذارد

هر جرعه ای که از شیر او درآید و هر دفعه که پستان او مکیده شود برای هر جرعه شیر و هر مکیده شدن پستان ثوابی دارد، و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند پاداش او چنانست که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد.

۵۳۵ أما علمت أنّ الإسلام يهدم ما كان قبله و أنّ الهجرة تهدم ما كان قبلها و أنّ الحجّ يهدم ما كان قبله؟

آیا نمیدانی که اسلام آنچه را پیش از آن بوده محو میکند و هجرت آنچه را پیش از آن رخ داده از میان می برد و حج آنچه را پیش از آن بوده نابود میسازد.

۵۳۶ أما أهل النار الذين هم أهلها فإنهم لا يموتون فيها و لا يحيون و لكن ناس أصابتهم النار بذنوبهم فأما تتهم إِمَاتة حتى إذا كانوا فحما أذن بالشفاعة فجاء بهم ضبائر ضبائر فبثوا على أنهار الجنة ثم قيل يا أهل الجنة أفيضوا عليهم فينبتون نبات الحبة تكون في حميل السيل.

جهنمیان که در جهنم ماندنی هستند در آن مرگ و زندگی ندارند

ولی مردمی که بواسطه گناهان خود جهنمی شده اند در جهنم می
میرند و همینکه ذغال شدند اجازه شفاعت داده میشود و آنها را
گروه گروه می آورند و بکنار نهرهای بهشت میاندازند سپس به
بهشتیان گویند آب بر آنها بریزید و آنها چون دانه‌ایکه در
گذرگاه سیل باشد از نو میرویند.

۵۳۷ أَمَّا بَعْدُ أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُّوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي
فَاجِيبْ وَأَنَا تَارِكٌ فَيْكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوَّلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ
مَنْ اسْتَمْسَكَ بِهِ وَ أَخَذَ بِهِ كَانَ عَلَى الْهُدَى وَ مَنْ أَخْطَأَهُ ضَلَّ فَخَذُوا
بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ اسْتَمْسَكُوا بِهِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ
بَيْتِي. أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي.

اما بعد ای مردم من بشری هستم که نزدیکست فرستاده خدا پیش
من آید و دعوت او را اجابت کنم دو چیز سنگین میان شما
میگذارم یکی کتاب خداوند که در آن هدایت و نور است و هر
کس بدان چنگ زند و آن را بگیرد قرین هدایت است و هر کس
آن را رها کند گم راه میشود، کتاب خدا را بگیرید و بدان چنگ
زنید؛ و خانواده من، در باره خانوادهام خدا را بیاد شما می آورم

درباره خانواده‌ام خدا را بیاد شما می‌آورم.

۵۳۸ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُضْرَةٌ حُلُوهٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلَفُكُمْ فِيهَا فَنَظُرُ
كَيْفَ تَعْمَلُونَ فَاتَّقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النَّسَاءَ فَإِنَّ أَوَّلَ فِتْنَةٍ بَنَى إِسْرَائِيلَ
كَانَ فِي النِّسَاءِ.

اما بعد دنیا سبز و شیرین است و خداوند شما را در آن جای داده
و نگران است که چگونه رفتار میکنید، از دنیا بهره‌زید و از زنان
نیز بهره‌زید زیرا نخستین گمراهی یهودیان در خصوص زنان بود.

۵۳۹ أَمَّا بَعْدُ فَمَا بَالُ الْعَامِلِ نَسْتَعْمَلُهُ فَيَأْتِينَا فَيَقُولُ هَذَا مِنْ عَمَلِكُمْ وَ
هَذَا أَهْدَى إِلَيَّ، أَفَلَا قَعْدَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ فَيَنْظُرُ هَلْ يَهْدِي لَهُ أُمُّ
لَا؟

اما بعد چرا کسی که ما کاری بدو می‌سپاریم، وقتی از مأموریت
خود بیاید گوید اینها را برای شما وصول کردم و اینها را بمن
هدیه داده‌اند، چرا در خانه پدر و مادر خود نشست تا ببیند هدیه
ای باو میدهند یا نه؟

۵۴۰ إمرأة ولود أحبّ إلى الله تعالى من امرأة حسناء لا تلد إني
مكاثر بكم الامم يوم القيامة.

زنی که فرزند بسیار آرد در پیش خداوند از زن زیبائی که فرزند
 نمی آورد بهتر است من در روز قیامت بفزونی شما افتخار می کنم.

۵۴۱ أمر بين أمرين و خير الامور أوساطها.
 راهی میان افراط و تفریط است و بهترین کارها میانه رویست.

۵۴۲ أمر النساء إلى آبائهنّ و رضاهنّ السّكوت.
 کار زنان بدست پدرهایشانست و رضایت آنها سکوت است.

۵۴۳ أمرت بالسّواك حتّى خشيت أن يكتب عليّ.
 مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که ترسیدم مسواک زدن بر
 من واجب شود.

۵۴۴ أمرت بالسّواك حتّى خفت على أسناني.
 مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که بر دندانهای خود بیمناک

شدم .

۵۴۵ أمط الأذى عن طريق المسلمين تكثر حسناتك.

مانع از راه مسلمانان دور کن تا حسنات تو بسیار شود.

۵۴۶ أمّك، أمّك، ثمّ أمّك، ثمّ أباک، ثمّ الأقرب فالأقرب.

مادر خود، مادر خود، مادر خود را رعایت کن، سپس پدر خود را و پس از آن کسانی را که بتو نزدیکترند.

۵۴۷ إملک يدك.

دست خویش را نگهدار

۵۴۸ إملک علیک لسانك.

زبان خویش را نگهدار

۵۴۹ إملاء الخیر من السّکوت و السّکوت خیر من إملاء

الشرّ.

القای خیر از خاموشی بهتر و خاموشی از القای شر برتر است.

۵۵۰ أَمْنَك مِنْ عَتَبِكَ.

هر که ترا سرزنش کرد از کینه خویش ایمن ساخت.

۵۵۱ أَنَا أَفْصَحُ الْعَرَبِ.

من از همه مردم عرب فصیح ترم.

۵۵۲ أَنَا الشَّاهِدُ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَعْثُرُ عَاقِلٌ إِلَّا رَفَعَهُ ثُمَّ لَا يَعْثُرُ إِلَّا

رَفَعَهُ ثُمَّ لَا يَعْثُرُ إِلَّا رَفَعَهُ ثُمَّ لَا يَعْثُرُ إِلَّا رَفَعَهُ حَتَّىٰ يَجْعَلَ مَصِيرَهُ إِلَى الْجَنَّةِ.

من از طرف خدا تعهد میکنم که عاقلی نلغزد مگر آنکه خدا او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر آنکه او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر او را بلند کند تا سر انجام او را بیهشت بکشاند

۵۵۳ أَنَا النَّذِيرُ وَالْمَوْتُ الْمَغِيرُ وَالسَّاعَةُ الْمَوْعِدُ.

من یم دهنده ام و مرگ یغماگر است و رستاخیز وعده گاه.

۵۵۴ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ يَحَبَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَادُّوا إِذَا أَيْتَمَنْتُمْ وَاصْدُقُوا إِذَا حَدَّثْتُمْ وَأَحْسِنُوا جَوَارٍ مِنْ جَوَارِكُمْ.

اگر میخواهید که خدا و پیغمبر شما را دوست بدارند وقتی امانتی به شما سپردند رد کنید و همین که سخن می گوئید راست گوئید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید.

۵۵۵ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبَادَةٌ.

انتظار گشایش که با صبر قرین باشد عبادت است.

۵۵۶ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عِبَادَةٌ وَ مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ.

انتظار گشایش از جانب خداوند عبادتست و هر که بروزی اندک راضی باشد خداوند از او بعبادت اندک راضی میشود.

۵۵۷ أَنْتُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَظْهَرْ مِنْكُمْ سَكْرَتَانِ سَكْرَةُ الْجَهْلِ

و سكره حبّ الدنيا .

تا هنگامی که مستی نادانی و مستی دنیا پرستی از شما پدیدار
نشود بخداوند خویش اطمینان دارید.

۵۵۸ أنت و ما لك لأبيك.

تو و آنچه داری متعلق بپدرت هستی.

۵۵۹ أنزلوا الناس منازلهم من الخير و الشرّ.

مردم را در مقام خودشان از بدی و نیکی بشناسید.

۵۶۰ إن شئتم أنبأكم عن الإمارة و ما هي، أولها ملامه و ثانيها

ندامة و ثالثها عذاب يوم القيامة.

اگر بخواهید شما را از ریاست خبر می‌دهم که چیست، اولین
مرحله آن ملامت است و دومین مرحله آن ندامت و سومین مرحله
آن عذاب روز قیامت.

۵۶۱ أنصر أخاك ظالما أو مظلوما إن يك ظالما فاردده عن ظلمه و

إن یک مظلوما فانصره.

برادر خود را یاری کن چه ستمگر باشد و چه ستم دیده اگر
ستمگر است او را از ستم باز دار و اگر ستم دیده است او را یاری
کن.

۵۶۲ أنظر فإنک لست بخیر من أحمر و لا أسود إلا أن تفضله

بتقوی.

بنگر که تو از سرخ پوست و سیاه پوست بهتر نیستی جز آنکه در
پرهیزکاری از او برتر باشی

۵۶۳ أنظروا إلی من هو أسفل منکم و لا تنظروا إلی من هو

فوقکم فإنه أجدر أن لا تزدروا نعمه الله علیکم.

به آنکه از شما پائین تر است بنگرید و بآنکه از شما بالاتر است
منگرید زیرا بدینوسیله قدر نعمت خدا را بهتر می دانید.

۵۶۴ أنظر فی أيّ نصاب تضع ولدک فإن العرق دساس.

بنگر فرزند خود را در کجا قرار میدهی که خون تأثیر خود را

باقی میگذارد.

۵۶۵ أنعم على نفسك كما أنعم الله عليك.

نعمتی را که خدا بتو داده از آن بهره برگیر.

۵۶۶ أنفقى و لا تحصى فيحصى الله عليك و لا توعى فيوعى الله

عليك.

خرج کن و حساب مکن که خدا بر تو حساب کند و بخل موز
که خدا بر تو بخل ورزد.

۵۶۷ إن قامت الساعة و فى يد أحدكم فسيلة فإن استطاع أن لا

يقوم حتى يغرسها فليغرسها .

اگر رستاخیز باشد و نهالی در دست یکی از شماست اگر میتواند
آن را بکارد باید بکارد.

۵۶۸ أنكحوا فإنى مكاثر بكم.

زناشوئى كنید كه من از فزونى شما تفاخر میكنم.

۵۶۹ إِنَّ آدَمَ قَبْلَ أَنْ يَصِيبَ الذَّنْبَ كَانَ أَجَلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ أَمَلُهُ
خَلْفَهُ فَلَمَّا أَصَابَ الذَّنْبَ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَلَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ أَجَلَهُ خَلْفَهُ
فَلَا يَزَالُ يُؤَمِّلُ حَتَّى يَمُوتَ.

آدم پیش از آنکه مرتکب گناه شود مرگش جلو چشمش و
آرزویش پشت سرش بود و همینکه مرتکب گناه شد خداوند
آرزوی او را جلو چشمش و مرگش را پشت سرش قرار داد بدین
جهت پیوسته آرزو میکند تا بمیرد.

۵۷۰ إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ وَ أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ
الدَّعَاءِ.

بخیل ترین مردم آنکس است که از سلام دادن بخل ورزد و ناتوان
ترین مردم کسی است که از دعا ناتوان باشد.

۵۷۱ إِنَّ ابْنَ آدَمَ لِحَرِيصٍ عَلَى مَا مَنَعَ.
آدمیزاد بر چیزیکه از آن منع شده سخت حریص است.

۵۷۲ إِنَّ أَبْرَّ الْبِرِّ أَنْ يَصِلَ الرَّجُلُ أَهْلَ وَدِّ أَبِيهِ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ الْأَبَ.

بهترین نیکی آنست که مرد پس از مرگ پدر خویش با دوستان او دوستی کند.

۵۷۳ إِنَّ أَبْغَضَ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ الْعَفْرِيَّتَ النَّفْرِيَّتَ الَّتِي لَمْ يَرْزَأْ

فِي مَالٍ وَلَا وَلَدٍ.

منفورترین بندگان خدا بنزد وی شخص سرکشی است که در مال و فرزند مصیبت ندیده است.

۵۷۴ إِنَّ إِبْلِيسَ يَضَعُ عَرْشَهُ عَلَى الْمَاءِ، ثُمَّ يَبْعَثُ سَرَايَاهُ فَأَدْنَاهُمْ مِنْهُ

مَنْزِلَةً أَكْثَرَهُمْ فِتْنَةً يَجِيءُ أَحَدَهُمْ فَيَقُولُ فَعَلْتُ كَذَا وَفَعَلْتُ كَذَا

فَيَقُولُ مَا صَنَعْتُ شَيْئًا وَ يَجِيءُ أَحَدَهُمْ فَيَقُولُ مَا تَرَكْتُه حَتَّى فَرَّقَتْ

بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ فَيَدْنِيهِ مِنْهُ وَ يَقُولُ نَعَمْ أَنْتَ.

شیطان تخت خویش را بر آب می گذارد و دسته های خود را به

اطراف میفرستد و آنها که گمراهی بزرگتر پدید آرند منزلتشان

بدو نزدیک تر است، یکی از آنها بیاید و گوید چنین کردم و

چنان کردم ابلیس گوید کاری نکرده ای، یکی از آنها بیاید و

گوید وی را رها نکردم تا میان او و کسانش تفرقه انداختم، شیطان او را بخود نزدیک کند و گوید تو خوبی.

۵۷۵ إِنَّ إِبْلِيسَ يَبْغِثُ أَشَدَّ أَصْحَابِهِ وَ أَقْوَى أَصْحَابِهِ إِلَى شَيْطَانٍ مِنْ يَصْنَعُ الْمَعْرُوفَ فِي مَالِهِ.

محکمترین و نیرومندترین یاران خود را برای گمراهی کسی فرستد که با دارائی خود کار نیک انجام میدهد.

۵۷۶ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السَّيَوفِ.

درهای بهشت زیر سایه شمشیر هاست.

۵۷۷ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَدْنَاهُمْ مِنْهُ مَجْلِسُ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ أَبْعَدَهُمْ مِنْهُ إِمَامٌ جَائِرٌ.

محبوبترین مردم در نظر خدا روز قیامت و نزدیکتر از همه باو پیشوای دادگستر است و منفورترین مردم و دورتر از همه باو پیشوای ستمگر است.

۵۷۸ إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ.

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که با بندگان او
مهربانتر باشد.

۵۷۹ إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ مَنْ حَبَّبَ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ وَ حَبَّبَ
إِلَيْهِ فَعَالَهُ.

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که کار نیک را
محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است.

۵۸۰ إِنَّ أَحَدَكُمْ مَرَأَةٌ أَخِيهِ فَإِذَا رَأَى بِهِ أَذَى فَلْيَمِطْهُ عَنْهُ.

هر یک از شما آئینه برادر خویش است وقتی عیبی بر او دید باید
بزداید.

۵۸۱ إِنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بطنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَظْفَةً ثُمَّ

يَكُونُ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مَضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ

مَلَكًا وَ يُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ وَ يُقَالُ لَهُ: اكْتُبْ عَمَلَهُ وَ رِزْقَهُ وَ أَجَلَهُ وَ

شَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ، ثُمَّ يَنْفَخُ فِيهِ الرُّوحَ.

هر یک از شما در شکم مادر خود چهل روز نطفه است پس از آن
 چهل روز علقه است پس از آن چهل روز مضغه است پس از آن
 خداوند فرشته ای بسوی او میفرستد و او را بچهار کلمه مأمور
 می سازد و میگوید عمل و روزی و مرگ او را و اینکه
 خوشبختست یا بدبخت رقم بزن، پس از آن روح در او دمیده
 می شود.

۵۸۲ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ ليعْمَلُ بعمل أهل الجنة حتى ما يكون بينه و
بينها إلا ذراع فيسبق عليه الكتاب فيعمل بعمل أهل النار فيدخل النار
و إِنَّ الرَّجُلَ ليعْمَلُ بعمل أهل النار حتى ما يكون بينه و بينها إلا
ذراع فيسبق عليه الكتاب فيعمل بعمل أهل الجنة فيدخل الجنة.
 کسی از شما کار بهشتیان را انجام میدهد تا آنجا که میان او و
 بهشت ذراعی بیش نماند ولی سرنوشت بر او چیره شود و کار
 جهنمیان کند و به جهنم رود و نیز کسی کار جهنمیان کند تا آنجا
 که میان او و جهنم ذراعی بیش نیست ولی سرنوشت بر او چیره
 شود و کار بهشتیان کند و بهشت رود.

۵۸۳ إِنَّ أَحْسَابَ أَهْلِ الدُّنْيَا الَّذِينَ يَذْهَبُونَ إِلَيْهِ هَذَا الْمَالُ.

مایه افتخار مردم دنیا که بسوی آن میروند این مال است.

۵۸۴ إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخَلْقَ الْحَسَنَ.

بهترین نیکی‌ها سیرت نیک است.

۵۸۵ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمِ اللِّسَانِ.

بیش از هر چیز بر امت خود از منافق چرب زبان بیم دارم.

۵۸۶ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِشْرَاقَ بِاللَّهِ أَمَا إِنِّي لَسْتُ

أَقُولُ يَعْبُدُونَ شَمْسًا وَ لَا قَمَرًا وَ لَا وَثَنًا وَ لَكِنَّ أَعْمَالًا لِّغَيْرِ اللَّهِ وَ

شَهْوَةً خَفِيَّةً.

بیش از هر چیز بر امت خود از شرک بخدا بیم دارم، من نمیگویم

که خورشید و ماه یا بت میپرستند ولی کارهائی برای غیر خدا

انجام میدهند و دست خوش شهوت نهانی میشوند.

۵۸۷ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأُتْمَةَ الْمَضْلُونِ.

بیش از هر چیز بر امت خود از پیشوایان گمراه کننده بیم دارم.

۵۸۸ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي عَمَلُ قَوْمِ لُوطٍ.

بیشتر از هر چیز بر امت خود از کردار قوم لوط بیم دارم

۵۸۹ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نَدَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

پشیمانتر از همه مردم در روز قیامت، مردی است که آخرت خود را بدنای دیگری فروخته است.

۵۹۰ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَالِمٌ لَمْ يَنْفَعِهِ اللَّهُ بِعِلْمِهِ.

بروز رستاخیز عذاب دانشمندی که خداوند او را از دانشش منتفع نکرده از همه مردم سخت تر است.

۵۹۱ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَصَدِيقًا لِلنَّاسِ أَصْدَقُهُمْ حَدِيثًا وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ

تَكْذِيبًا أَكْذَبُهُمْ حَدِيثًا.

هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور میکند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو می‌شمارد.

۵۹۲ إِنَّ أَشْقَى الْأَشْقِيَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ.

بدبختترین بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

۵۹۳ إِنَّ أَشْكَرَ النَّاسِ أَشْكُرَهُمُ لِلنَّاسِ.

سپاسگزارتر از همه مردم کسی است که سپاس مردم را بیشتر می گذارد.

۵۹۴ إِنَّ أَطْيَبَ طَعَامِكُمْ مَا مَسَّتْهُ النَّارُ.

بهترین غذاهای شما آنست که بآتش پخته شود.

۵۹۵ إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التَّجَارِ الَّذِينَ إِذَا حَدَّثُوا لَمْ يَكْذِبُوا وَ

إِذَا ائْتَمَنُوا لَمْ يَخُونُوا وَ إِذَا وَعَدُوا لَمْ يَخْلَفُوا وَ إِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ دِينَ

لَمْ يَمْطَلُوا وَ إِذَا كَانَ لَهُمْ لَمْ يَعْسُرُوا وَ إِذَا بَاعُوا لَمْ يَطْرُوا وَ إِذَا

اشْتَرُوا لَمْ يَذْمُوا.

بهترین کسبها کسب تجاری است که بهنگام سخن دروغ نگویند

و در امانت خیانت نکنند و بوعده وفا کنند و در پرداخت قرض خود تعلل نکنند و در مطالبه سخت گیری نکنند و بهنگام فروش در ستایش جنس خود مبالغه نکنند و بهنگام خرید از جنس دیگران بد نگویند.

۵۹۶ إِنَّ أَطِيبَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ وَ إِنَّ أَوْلَادَكُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ.
بهترین روزی شما آنست که از کسب بدست آرید و فرزند شما جزو کسب شماست.

۵۹۷ إِنَّ أَنَاسًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَطَّلِعُونَ إِلَى أَنَاسٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ
فَيَقُولُونَ بِمَا دَخَلْتُمُ النَّارَ فَوَ اللَّهُ مَا دَخَلْنَا الْجَنَّةَ إِلَّا بِمَا تَعَلَّمْنَا مِنْكُمْ.
فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَقُولُ وَ لَا نَفْعَلُ.

مردمی از بهشتیان بسوی گروهی از جهنمیان نگران شوند و گویند
برای چه بجهنم رفتید؟ بخدا ما به کمک چیزهائی که از شما
آموختیم ببهشت در آمدیم جهنمیان گویند ما میگفتیم ولی عمل
نمیکردیم.

۵۹۸ إِنَّ أَكْثَرَ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَلْقَاهَا عَبْدٌ - بَعْدَ الْكِبَائِرِ الَّتِي

نَهَى اللَّهُ عَنْهَا - أَنْ يَمُوتَ الرَّجُلُ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ لَا يَدْعُ لَهُ قَضَاءً.

بعد از گناهان بزرگ که خداوند از آن نهی کرده بزرگتر از همه
گناهان آنست که مردی بمیرد و قرضی داشته باشد و محلی برای
پرداخت آن نگذارد.

۵۹۹ إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ خَطَايَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ خَوْضًا فِي الْبَاطِلِ.

بروز رستاخیز گناه آنکس از همه مردم بیشتر است که بیشتر از
همه گفتگوی بیهوده کرده باشد.

۶۰۰ إِنَّ أَجَلَ الطَّاعَةِ ثَوَابًا صَلَوةَ الرَّحْمَنِ

ثَوَابِ نِيكِي بِا خَوِشَاوَنَدَان رَا از همه کارهای نیک زودتر می
دهند.

۶۰۱ إِنَّ أَفْضَلَ عَمَلِ الْمُؤْمِنِ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

بهترین عمل مؤمن، جهاد در راه خداست.

۶۰۲ إِنْ أَفْوَاحَكُمْ طَرَقَ لِلْقُرْآنِ فَطَيَّبُوهَا بِالسَّوَاكِ.

دهانهای شما معبر قرآنست آن را با مسواک پاکیزه کنید.

۶۰۳ إِنْ أَقَلَّ سَاكِنَى الْجَنَّةِ النِّسَاءَ.

کمترین ساکنان بهشت زنانند

۶۰۴ إِنْ أَكْبَرَ الْإِثْمِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يَضِيعَ الرَّجُلُ مِنْ يَقْوَتِ.

بزرگترین گناهان در نظر خدا آن است که مردی نانخور خود را سرگردان گذارد.

۶۰۵ إِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا أَطْوَلَهُمْ جُوعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

آنکه در دنیا از همه مردم سیر تر است روز رستاخیز بیشتر از همه گرسنه خواهد ماند.

۶۰۶ إِنْ أَكْثَرَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْبَلَاءَ.

بیشتر بهشتیان ابلهانند.

٦٠٧ إِنَّ أَكْثَرَ مَا يَدْخُلُ النَّاسَ النَّارَ الْأَجُوفَانِ: أَلْفَمٌ وَ الْفَرَجُ.

مردم بیشتر از همه بواسطه دو چیز مجوف بجهنم میروند: دهان و عورت.

٦٠٨ إِنَّ أَكْثَرَ مَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ النَّاسُ تَقْوَى اللَّهِ وَ حَسَنَ الْخَلْقِ.

مردم بیشتر بواسطه ترس خدا و نیک خلقی بهشت میروند.

٦٠٩ إِنَّ الْأَحْمَقَ يَصِيبُ بِحِمَقِهِ أَعْظَمَ مِنْ فَجْورِ الْفَاجِرِ.

احمق بواسطه حماقت بیشتر از مردم بدکار گناه میکند.

٦١٠ إِنَّ الْأَرْضَ لَتَنَادِي كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً يَا بَنِي آدَمَ كُلُوا مَا

شْتُمُ وَ اسْتَهْتِمُ فَوَ اللَّهِ لَا كُلْنَ لِحُومِكُمْ وَ جُلُودَكُمْ.

زمین هر روز هفتاد بار بانک میزند، آدمیزادگان هر چه می خواهید و دوست دارید بخورید بخدا که گوشت و پوست شما را خواهیم خورد.

٦١١ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ.

اسلام در آغاز غریب بود و باز همچنانکه بود غریب خواهد شد
خوشا بحال غریبان

۶۱۲ إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظَّفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ.

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید که هر کس پاکیزه نیست
بیهشت نمی رود.

۶۱۳ إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَخْلُقَ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبَ

فاسألوا الله تعالى أن يجدد الإيمان في قلوبكم.

ایمان شما چون لباسی که به تن دارید کهنه می شود از خدا
بخواهید که ایمان را در دل شما تازه کند.

۶۱۴ إِنَّ الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ يَسْتَطِيلَانِ الْأَعْمَارَ وَيَعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَيَكْثُرَانِ

الْأَمْوَالِ وَلَوْ كَانَ الْقَوْمُ فَجَّارًا.

نیکی با کسان و مهربانی با خویشان عمرها را دراز و شهرها را آباد
و اموال را زیاد می کند اگر چه انجام دهندگان آن بد کاران
باشند.

۶۱۵ إِنَّ التَّوَّاضِعَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعَكُمْ اللَّهُ وَ إِنَّ
 الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَاعْفُوا يَعِزَّكُمْ اللَّهُ وَ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا يَزِيدُ
 الْمَالَ إِلَّا نَمَاءً فَتَصَدَّقُوا يَزِدَّكُمْ اللَّهُ.

تواضع مایه رفعت است تواضع کنید تا خدا شما را رفعت دهد.
 عفو مایه عزت است عفو کنید تا خدا شما را عزت بخشد. صدقه
 موجب فزونی مالست صدقه دهید تا خدا مالتان را زیاد کند.

۶۱۶ إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.
 حسد نیکی‌ها را میخورد چنانکه آتش هیزم را میخورد.

۶۱۷ إِنَّ الْحِكْمَةَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا.
 حکمت شرافت شریف را فزون می‌کند.

۶۱۸ إِنَّ الْحَيَاءَ وَ الْإِيمَانَ قَرْنَا جَمِيعًا فَإِذَا سَلَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ الْآخَرُ.
 حیا و ایمان قرین یکدیگرند وقتی یکی را گرفتند دیگری همراه
 آن میرود.

۶۱۹ إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوٌّ خَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلَفُكُمْ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ.

جهان شیرین و سبز است و خدا شما را در آن جای داده تا ببیند چه میکنید.

۶۲۰ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا رَضِيَ هَدَى الرَّجُلَ وَ عَمَلَهُ فَهُوَ مِثْلَهُ.
هر که از روش و کار دیگری راضی باشد مثل اوست.

۶۲۱ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ نَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ .

وقتی مرد بزن خود نگرد و زنش بدو نگرد خداوند بدیده رحمت بر آنها می نگرد.

۶۲۲ إِنَّ الرَّجُلَ لَا يَزَالُ فِي صَحَّةٍ رَأْيَهُ مَا نَصَحَ لِمُسْتَشِيرِهِ، فَإِذَا غَشَّ مُسْتَشِيرُهُ سَلَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى صَحَّةَ رَأْيِهِ.

مرد تا هنگامی که مشورت کنان خود را رهبری می کند از اصابت

رأى بهره ور است و همینکه با مشورت کنان خیانت کرد خدا
اصابت رأی را از او میگیرد.

۶۲۳ إِنَّ الرَّجُلَ لَتَرْفَعُ دَرَجَتَهُ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ أَنَّى لِي هَذَا؟ فَيَقَالُ
بِاسْتِغْفَارٍ وَلَدَكَ لَكَ.

مقام یکی را در بهشت بالا برند و گوید این مقام از کجا برای من
حاصل شد؟ گویند فرزندی برای تو آمرزش طلبید.

۶۲۴ إِنَّ الرَّجُلَ لِيَحْرُمَ الرِّزْقُ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ وَلَا يَرِدُّ الْقَدْرَ إِلَّا
الدَّعَاءَ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا الْبَرَّ.

انسان بسبب گناه از روزی محتوم محروم ماند و تقدیر جز بدعا
برنگردد و عمر جز به نیکوکاری دراز نشود.

۶۲۵ إِنَّ الرَّجُلَ لِيَطْلُبَ الْحَاجَةَ فَيَزُوِيهَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ لَمَّا هُوَ خَيْرُ لَهُ
فَيَتَّهِمُ النَّاسَ ظُلْمًا لَهُمْ فَيَقُولُ مِنْ سَبْعِنِي.

انسان حاجتی میخواهد و خدا برای مصلحتی حاجت او را بر نمی
آورد و او بستم مردم را متهم میکند که کی حق مرا برد.

٦٢٦ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ - أَوْ الْمَرْأَةُ - بِطَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى سِتِّينَ سَنَةً ثُمَّ يَحْضُرُهُمَا الْمَوْتُ فَيُضَارَّانِ فِي الْوَصِيَّةِ فَتَجِبُ لَهُمَا النَّارُ.

مرد یا زن شصت سال خدا را عبادت می کنند و هنگام مرگ در وصیت بحق رفتار نمی کنند و جهنم بر آنها واجب می شود.

٦٢٧ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلَ الْجَنَّةِ فَيَمَّا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ عَمَلَ النَّارِ فَيَمَّا يَبْدُو لِلنَّاسِ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

گاه می شود که انسان در نظر مردم کار بهشتیان می کند اما به حقیقت از جهنمیان است و گاه می شود که انسان در نظر مردم کار جهنمیان می کند و بحقیقت اهل بهشت است.

٦٢٨ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمْنَ الطَّوِيلَ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يَخْتَمُ لَهُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الزَّمْنَ الطَّوِيلَ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ ثُمَّ يَخْتَمُ عَمَلُهُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

گاه میشود که انسان مدتی دراز کار بهشتیان می کند پس از آنکار

وی به رفتار جهنمیان خاتمه می‌یابد و گاه می‌شود انسان مدتی
دراز کار جهنمیان میکند و پس از آنکار وی به رفتار بهشتیان
خاتمه می‌یابد

۶۲۹ إِنَّ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَىٰ قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمٍ.

مردمی که در میان آنها کسی از خویشاوندان بریده باشد، رحمت
خدا بر آنها فرود نمی‌آید.

۶۳۰ إِنَّ الرِّزْقَ لِيَطَالِبُ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ.

روزی بیشتر از اجل در جستجوی بنده است.

۶۳۱ إِنَّ الزَّانَةَ يَأْتُونُ تَسْتَعْلُ وَجُوهَهُمْ نَارًا.

روز قیامت چهره زناکاران از آتش مشتعل است.

۶۳۲ إِنَّ السَّعَادَةَ كُلَّ السَّعَادَةِ طَوْلُ الْعَمْرِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

سعادت کامل آنست که عمر دراز را در عبادت خداوند بپایان
برند.

۶۳۳ إِنَّ السَّعِيدَ لَمَنْ جَنَّبَ الْفِتْنَ وَ لَمَنْ ابْتَلَىٰ فَصَبَرَ.

خوشبخت آنست که از فتنه ها کناره گیرد و آنکه بزحمتی مبتلا شود و صبر کند.

۶۳۴ إِنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَ الْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَ الْجِبَالَ لِيلْعَنُ الشَّيْخُ

الزَّانِي وَ إِنَّ فُرُوجَ الزَّانَاةِ لِيُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ نَتْنَ رِيحِهَا.

هفت آسمان و هفت زمین و کوه ها پیر زنا کار را لعنت می کنند و تعفن عورت زنا کار جهنمیان را اذیت میکند.

۶۳۵ إِنَّ السَّيِّدَ لَا يَكُونُ بَخِيلًا.

آقا بخیل نمیشود.

۶۳۶ إِنَّ الشَّاهِدَ يَرِي مَا لَا يَرِي الْغَائِبَ.

حاضر چیزها بیند که غایب نبیند.

۶۳۷ إِنَّ الشَّيَاطِينَ تَغْدُوا بِرَايَاتِهَا إِلَى الْأَسْوَاقِ فَيَدْخُلُونَ مَعَ أَوَّلِ

داخل و یخرجون مع آخر خارج.

شیطانها صبحگاهان با بیرقهای خود ببازارها میروند و با هر که زودتر ببازار رود داخل می شوند و با هر که دیرتر در آید بیرون می آیند.

۶۳۸ إِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَ هُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ.

شیطان با یک تن است و از دو تن دورتر است.

۶۳۹ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْتِي أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ مَنْ خَلَقَكَ؟ فَيَقُولُ اللَّهُ فَيَقُولُ

فَمَنْ خَلَقَ اللَّهُ؟ فَإِذَا وَجَدَ أَحَدَكُمْ ذَلِكَ فَلْيَقُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ رَسُولَهُ

فَإِنَّ ذَلِكَ يَذْهَبُ عَنْهُ.

شیطان پیش یکی از شما آید و گوید کی ترا خلق کرد؟ جواب دهد خدا، گوید خدا را کی خلق کرد اگر یکی از شما چنین پنداری بنخاطر یافت گوید بخدا و پیغمبر او ایمان دارم و این پندار از خاطر او برود.

۶۴۰ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِّ

شیطان مانند خون در تن انسان جاریست

۶۴۱ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحِبُّ الْحَمْرَةَ فَإِيَّاكُمْ وَالْحَمْرَةَ وَ كُلَّ ثَوْبٍ ذِي

شَهْرَةٍ.

شیطان سرخی را دوست دارد از سرخی و هر لباسی که باعث انگشت نمائست بپرهیزید.

۶۴۲ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَالَ وَ عَزَّتْكَ يَا رَبِّ لَا أَبْرَحُ أُغْوِي عِبَادَكَ مَا
دَامَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ فَقَالَ الرَّبُّ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أَزَالُ
أَغْفِرُ لَهُمْ مَا اسْتَغْفَرُونِي.

شیطان گفت پروردگارا بعزت تو سوگند که تا وقتی که روح بندگان تو در تنشان است پیوسته آنها را گمراه میکنم، خداوند گفت بعزت و جلالم سوگند که تا وقتی از من بخشش طلبند پیوسته آنها را میبخشم.

۶۴۳ إِنَّ الصَّبْحَةَ تَمْنَعُ بَعْضَ الرِّزْقِ.
 خواب صبحگاهی مانع قسمتی از روزی میشود.

۶۴۴ إِنَّ الصَّبْرَ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى.

صبر حقیقی در صدمه نخستین است.

۶۴۵ إِنَّ الصَّدَقَةَ عَلَى ذِي قَرَابَةٍ يَضَعُفُ أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ.

صدقه ای که بخویشاوند دهند پاداش مکرر دارد.

۶۴۶ إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِئَ غَضَبَ الرَّبِّ وَتُدْفَعَ مِيتَهُ السَّوَاءِ.

صدقه خشم خداوند را فرو می نشاند و از مرگ بد جلوگیری میکند.

۶۴۷ إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِئَ عَنْ أَهْلِهَا حَرَّ الْقُبُورِ وَ إِنَّمَا يَسْتِظِلُّ الْمُؤْمِنُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ.

صدقه گرمای قبر صدقه دهندگان را تخفیف می دهد و مؤمن روز رستاخیز در سایه صدقه خویش قرار میگیرد.

إِنَّ الصَّفَا الزَّلَّالَ الَّذِي لَا تَثْبَتُ عَلَيْهِ أَقْدَامُ الْعُلَمَاءِ الطَّمَعِ.

طمع سنگ لغزانی است که پای دانشمندان بر آن استوار نمی ماند.

۶۴۸ إِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَ إِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ. وَ إِنَّ
الرَّجُلَ لِيَصْدُقَ حَتَّى يَكْتُبَ عِنْدَ اللَّهِ صَدِّيقًا وَ إِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى
الْفُجُورِ وَ إِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لِيَكْذِبَ حَتَّى
يَكْتُبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا.

راستی رهنمای نیکبختی و نیکی رهنمای بهشت است و مرد راست
 میگوید تا پیش خدا راستگو بقلم میرود. دروغ رهنمای بدبختی و
 بدی رهنمای جهنم است و مرد دروغ میگوید تا پیش خدا
 دروغگو بقلم میروند.

۶۴۹ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَزِيدُ الْمَالَ إِلَّا كَثْرَةً.
 صدقه مال را افزون میکند.

۶۵۰ إِنَّ الْعَارَ لِيلْزِمُ الْمَرْءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقُولَ يَا رَبِّ لِإِرْسَالِكِ
بِي إِلَى النَّارِ أَيْسَرَ عَلَىَّ مِمَّا أَلْقَى وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ مَا فِيهَا مِنْ شِدَّةِ الْعَذَابِ.
 در قیامت آن قدر ننگ گریبان گیر انسان می شود که میگوید

خدایا اگر مرا بجهنم بفرستی بهتر از این وضع است در صورتی
که از سختی عذاب جهنم خبر دارد.

۶۵۱ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَخْطَأَ خَطِيئَةً نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةً سَوْدَاءَ فَإِنْ هُوَ
نَزَعَ وَاسْتَغْفَرَ وَتَابَ صَقَلَ قَلْبَهُ وَ إِنْ عَادَ زِيدَ فِيهَا حَتَّى تَعْلُوَ عَلَى
قَلْبِهِ وَ هُوَ الرَّأْنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ».

بنده وقتی گناهی کند نقطه سیاهی در دل او پدید می آید اگر از
گناه دل بر کند و بخشش خواست و توبه کرد دلش صاف میشود
و اگر گناهی دیگر کرد نقطه سیاه افزون میشود تا دل را فرو
گیرد و این «چیرگی گناه» است که خداوند گوید: «نه بلکه
گناهشان بر دلهایشان چیره شد»

۶۵۲ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ هَمَّهُ الْآخِرَةُ كَفَّ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ ضِيعَتَهُ وَ
جَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ فَلَا يَصْبَحُ إِلَّا غَنِيًّا وَ إِذَا كَانَ هَمُّهُ الدُّنْيَا أَفْشَى اللَّهُ
تَعَالَى ضِيعَتَهُ وَ جَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ فَلَا يَمْسِي إِلَّا فَقِيرًا وَ لَا يَصْبَحُ
إِلَّا فَقِيرًا.

بنده اگر در آخرت دل بسته باشد خداوند دارائی او را بقدر کفاف
کند و ثروتش را در قلبش قرار دهد و پیوسته بی نیاز باشد و اگر
بدنیا دل بسته باشد خداوند دارائی او را فراوان کند و فقر را رو
برویش قرار دهد و پیوسته فقیر باشد.

۶۵۳ إِنَّ الْعَبْدَ لِيَتَصَدَّقَ بِالْكَسْرَةِ تَرَبُّو عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ أَحَدٍ.
بنده یکپاره نان صدقه می دهد و پیش خدا بزرگ میشود تا مثل
کوه احد میشود.

۶۵۴ إِنَّ الْعَبْدَ لِيَدْرِكَ بِحَسَنِ الْخَلْقِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.
بنده بوسیله خوش خلقی بمقام روزه دار و نماز گزار میرسد.

۶۵۵ إِنَّ الْعَبْدَ لِيَذْنبَ الذَّنْبَ فَيَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ يَكُونُ نَصَبٌ عَيْنِيهِ تَائِبًا
فَارًّا حَتَّى يَدْخُلَ بِهِ الْجَنَّةَ.

بنده گناهی میکند و بوسیله آن بهشت میرود زیرا گناه پیوسته در
خاطر اوست و وی توبه کنان و از گناه گریزان است.

۶۵۶ إِنَّ الْعَجَبَ لِيَحْبُطَ عَمَلُ سَبْعِينَ سَنَةً.

خود پسندی و غرور عبادت هفتاد ساله را نابود میکند.

۶۵۷ إِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِظِّ

وَأَفَرٍ.

دانشمندان وارث پیغمبرانند و دانش را از آنها میراث برده اند هر کس دانش فرا گیرد سهم فراوان از میراث پیغمبران گرفته است.

۶۵۸ إِنَّ الْعَيْنَ لَتَدْخُلَ الرَّجُلَ الْقَبْرَ وَ تَدْخُلُ الْجَمَلَ الْقَدْرَ.

چشم بد مرد را بقبر میرساند و شتر را بدیگ میکشاند.

۶۵۹ إِنَّ الْغَادِرَ يَنْصَبُ لَهُ لُؤَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ أَلَا هَذِهِ غَدْرَةُ فُلَانٍ

ابن فُلَانٍ.

روز رستاخیز برای پیمان شکن پرچمی برافرازند و گویند این پیمان شکنی فلان پسر فلان است.

۶۶۰ إِنَّ الْغَضَبَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ خَلَقَ مِنَ النَّارِ وَ إِنَّمَا

تطفأ النار بالماء فإذا غضب أحدكم فليتوضأ.

خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را بآب خاموش توان کرد وقتی یکی از شما خشمگین شود وضو گیرد.

٦٦١ إِنَّ الْفِتْنَةَ تَجِيءُ فَتَنْسِفُ الْعِبَادَ نَسْفًا وَ يَنْجُو الْعَالَمُ مِنْهَا بِعِلْمِهِ.

فتنه بیاید و بندگان را مغلوب کند و دانشمند بکمک دانش خود از آن رهایی یابد.

٦٦٢ إِنَّ الْفَحْشَ وَ التَّفَحُّشَ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ وَ إِنَّ أَحْسَنَ

النَّاسِ إِسْلَامًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا.

بدگوئی و بدزبانی از صفات اسلام نیست و از همه مردم اسلام آن کس بهتر است که اخلاقش نیکتر است.

٦٦٣ إِنَّ الْفَحْذَ عَوْرَةٌ.

ران جزو عورت است.

٦٦٤ إِنَّ الْقَاضِيَ الْعَدْلَ لِيَجَاءَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى مِنْ شِدَّةِ الْحِسَابِ

ما يتمنى أن لا يكون قضى بين اثنين فى تمرّة.

قاضى عادل را روز قیامت بحساب میکشند و از سختی حساب چیزها می بیند که آرزو می کند میان دو کس درباره یک خرما قضاوت نکرده بود.

٦٦٥ إنّ القلوب بين إصبعين من أصابع الله يقلبها.

دلها میان دو انگشت از انگشتان خداست و آن را زیر و رو همی کند.

٦٦٦ إنّ الله أبى علىّ فيمن قتل مؤمنا ثلاثا.

خداوند سه بار خواهش مرا درباره بخشش کسی که مؤمنی را کشته رد کرد.

٦٦٧ إنّ الله احتجز التّوبة علىّ كلّ صاحب بدعة.

خداوند توبه را بر بدعت گزار ممنوع ساخته است.

٦٦٨ إنّ الله إذا أجرى علىّ يد رجل خير الرّجل فلم يشكره فليس

لله بشاكر.

وقتی خداوند خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد و او را سپاس نگذارد سپاس خدا را نیز نداشته است.

۶۶۹ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ إِنْفَازَ أَمْرٍ سَلَبَ كُلَّ ذِي لَبٍّ لَبَّهُ.

خداوند وقتی بخواهد کاری را انجام دهد عقل خردمندان را بگیرد

۶۷۰. إِنَّ اللَّهَ إِذَا قَضَىٰ عَلَىٰ عَبْدٍ قَضَاءً لَمْ يَكُنْ لِقَضَائِهِ مَرْدٌ.

وقتی خداوند چیزی بر بنده خویش مقدر سازد تقدیر وی تغییر پذیر نیست.

۶۷۱ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَهْلِكَ عَبْدًا نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَإِذَا نَزَعَ مِنْهُ

الْحَيَاءَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا مَقِيَّتًا مَمْقُوتًا، فَإِذَا لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا مَقِيَّتًا مَمْقُوتًا نَزَعَتْ مِنْهُ

الْأَمَانَةَ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ الْأَمَانَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا خَائِنًا مَخْوًّٰنًا نَزَعَتْ مِنْهُ

الرَّحْمَةَ فَإِذَا نَزَعَتْ مِنْهُ الرَّحْمَةَ لَمْ تَلْقَهُ إِلَّا رَجِيمًا مَلْعُونًا نَزَعَتْ مِنْهُ

رَبْقَةَ الْإِسْلَامِ.

خداوند وقتی بخواهد بنده ای را هلاک سازد حیا را از او بگیرد

وقتی حیا از او گرفته شود متنفر و منفور شود. وقتی متنفر و منفور شد امانت از او گرفته شود و همینکه امانت از او گرفته شد راه خیانت پیش گیرد و کسان نیز بدو خیانت کنند و وقتی چنین شد رحم از او بر خیزد وقتی رحم از او برخاست مطرود و ملعون شود و طوق اسلام را از گردن او بردارند.

۶۷۲ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ خَيْرًا ابْتَلَاهُمْ.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد آنها را مبتلا سازد.

۶۷۳ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ إِمْضَاءَ أَمْرِ نَزَعَ عَقُولَ الرِّجَالِ حَتَّى يَمُضِيَ

أَمْرُهُ فَإِذَا أَمْضَاهُ رَدَّ إِلَيْهِمْ عَقُولَهُمْ وَوَقَعَتِ النَّدَامَةُ.

وقتی خداوند بخواهد کاری را انجام دهد عقل مردان را بگیرد تا کار خود را انجام دهد و قتیکه آن را انجام داد عقلشان را باز پس دهد و پشیمانی رخ نماید.

۶۷۴ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ تَرَى عَلَيْهِ.

وقتی خداوند نعمتی ببندد ای بدهد دوست دارد که آن را بر او

آشکار بیند.

۶۷۵ إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا عَذَابَ خَسْفٍ وَ لَا مَسْخِ

نَمَلَتْ أَسْعَارَهَا وَ يَحْبِسُ عَنْهَا أَمْطَارَهَا وَ يَلِي عَلَيْهَا أَشْرَارَهَا.

وقتی خداوند بر قومی خشمگین شود و آنها را بر زمین فرو نبرد

و مسخ نکند، قیمت‌هایشان گران شود و باران بر آنها کم بارد و

اشرارشان زمام کارشان را به دست گیرند.

۶۷۶ إِنَّ اللَّهَ اسْتَخْلَصَ هَذَا الدِّينَ لِنَفْسِهِ وَ لَا يَصْلَحُ لَدِينِكُمْ إِلَّا

السَّخَاءُ وَ حَسَنَ الْخَلْقِ أَلَا فَزَيَّنُوا دِينَكُمْ بِهِمَا.

خداوند این دین را خاص خود کرده است، با دین شما جز بخشش

و خوش خلقی سازگار نیست؛ دین خود را باین دو صفت آرایش

دهید.

۶۷۷ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمَدْرَأَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ.

خداوند بمن فرمان داده با مردم بمدارا رفتار کنم، همچنان که مرا

بادای واجبات مأمور ساخته است.

٦٧٨ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّىٰ لَا يَفْخَرُ أَحَدٌ عَلَىٰ أَحَدٍ وَ
لَا يَبْغَىٰ أَحَدٌ عَلَىٰ أَحَدٍ .

خداوند بمن وحی فرستاده که فروتنی کنید تا کسی بر کسی
افتخار نکند و کسی بر کسی تعدی نکند.

٦٧٩ إِنَّ اللَّهَ بِحِكْمَتِهِ وَ فَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَ الْفَرْحَ فِي الْيَقِينِ وَ
الرِّضَا وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطِ .

خداوند بحکمت و فضل خویش آسایش و شادی را در یقین و
رضا قرار داده و غم و اندوه را در تردید و غضب و دیعه نهاده
است.

٦٨٠ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا دَعَا جَبْرِيلَ فَقَالَ إِنِّي أَحِبُّ فَلَانَا
فَأَحَبَّهُ فَيَحِبُّهُ جَبْرِيلُ ثُمَّ يَنَادِي فِي السَّمَاءِ فَيَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ فَلَانَا
فَأَحْبَبُوهُ فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ ثُمَّ يَوْضَعُ لَهُ الْقَبُولَ فِي الْأَرْضِ وَ إِذَا
أَبْغَضَ عَبْدًا دَعَا جَبْرِيلَ فَيَقُولُ إِنِّي أَبْغُضُ فَلَانَا فَأَبْغُضُهُ فَيَبْغُضُهُ
جَبْرِيلُ ثُمَّ يَنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ يَبْغُضُ فَلَانَا فَأَبْغُضُوهُ

فیبغضونه ثمّ توضع له البغضاء فی الأرض.

خداوند وقتی بنده ای را دوست دارد جبرئیل را فرو خواند و گوید من فلانی را دوست دارم او را دوست بدار و جبرئیل او را دوست دارد سپس در آسمان ندا دهد و گوید خداوند فلان را دوست دارد او را دوست دارید و اهل آسمان نیز او را دوست دارند پس از آن در زمین نیز مقبول کسان شود. و همین که خدا بنده ای را دشمن داشت جبرئیل را فرو خواند و گوید من فلانی را دشمن دارم او را دشمن بدار و جبرئیل او را دشمن دارد، سپس در میان اهل آسمان بانگ زند که خداوند فلانی را دشمن دارد او را دشمن بدارید و او را دشمن دارند و در زمین نیز مبعوض کسان شود.

۶۸۱ إِنْ اللَّهُ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَ رِزْقَهُ كِفَافًا.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد روزی او را بقدر کفایت کند.

۶۸۲ إِنْ اللَّهُ تَعَالَى إِذَا أَنْزَلَ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

صرفت عن عمار المساجد.

خداوند وقتی مرضی را از آسمان بر مردم فرود آورد آنرا از
بانیان مساجد بگرداند.

۶۸۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً يَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ

عَلَيْهِ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ وَ يَبْغِضُ السَّائِلَ الْمَلْحَفَ وَ يَحِبُّ

الْحَيِّ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.

خداوند وقتی نعمتی ببنده ای دهد دوست دارد اثر نعمت بر او
دیده شود و تظاهر بتنگدستی را دوست ندارد و گدای پر رو را
دشمن دارد و شخص باحیای عقیف را که از محرّمات دوری
میگیرد دوست دارد.

۶۸۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ وَ قَالَ إِعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ

غُفِرَ لَكُمْ.

خداوند به بدریان نگریست و گفت هر چه میخواهید بکنید که
شما را بخشیدم.

۶۸۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَجَاوَزَ لَأَمَّتِي عَمَّا حَدَّثْتُ بِهِ أَنْفُسَهَا مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ أَوْ تَعْمَلْ بِهِ.

خداوند بر امت من چیزهایی را که در دلشان بگذرد اگر بگفتار و کردار منجر نشود بخشیده است.

۶۸۷ إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أَمَّتِي الْخَطَاءَ وَالنَّسِيَانَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.

خداوند اشتباه و فراموشی و کارهای اضطراری امت مرا بمن بخشیده است.

۶۸۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ وَجُوهًا مِنْ خَلْقِهِ حَبَّبَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَحَبَّبَ إِلَيْهِمْ فَعَالَهُ وَوَجَّهَ طَلَّابَ الْمَعْرُوفِ إِلَيْهِمْ وَيسَّرَ عَلَيْهِمْ إِعْطَاءَهُ كَمَا يَسَّرَ الْغَيْثَ إِلَى الْأَرْضِ الْجَدْبَةَ لِيَحْيِيَهَا وَيَحْيِيَ بِهَا أَهْلَهَا وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ أَعْدَاءَ مِنْ خَلْقِهِ بَغَّضَ إِلَيْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَخَطَرَ عَلَيْهِمْ إِعْطَاءَهُ كَمَا يَخْطُرُ الْغَيْثُ عَنِ الْأَرْضِ الْجَدْبَةَ لِيَهْلِكَ بِهَا أَهْلُهَا.

خداوند کسانی از خلق خود را برای نیکوکاری قرار داده و نیکی

را محبوب آنها ساخته و میل انجام آن را در دلشان انداخته و طالبان نیکی را بسویشان روان کرده و انجام نیکی را برای آنها آسان کرده است چنانکه باران را آسان بزمین بی آب میرساند تا آن را آباد و مردمش را منتفع سازد و خداوند کسانی از خلق خود را دشمن نیکوکاری قرار داده و نیکی را منفور آنها ساخته و انجام آن را بر آنها ممنوع گردانیده چنانکه باران را بر زمین بی آب ممنوع میکند تا آن را خراب و مردمش را هلاک کند.

۶۸۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ابْنِ آدَمَ مَثَلًا لِلدُّنْيَا.

خداوند چیزی را که از آدمی زاد بیرون می آید مثال دنیا قرار داده است.

۶۹۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ سَخِيٌّ يُحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ

يُحِبُّ النَّظَافَةَ

خداوند زیباست و زیبائی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.

۶۹۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَوَادٌ يُحِبُّ الْجُودَ وَ يُحِبُّ مَعَالَى الْأَخْلَاقِ وَ
يُكْرَهُ سَفْسَافَهَا.

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد و اخلاق عالی را
دوست دارد و اخلاق پست را دوست ندارد.

۶۹۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الدَّاءَ خَلَقَ الدَّوَاءَ فَتَدَاوُوا.
خداوند که درد را آفریده درمان را نیز آفریده پس دردهای
خویش را درمان کنید.

۶۹۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ مُرَاءٍ.
خداوند بهشت را بر ریا کار حرام کرده است.

۶۹۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيٌّ سَتِيرٌ يُحِبُّ الْحَيَاءَ وَ السَّتْرَ فَإِذَا اغْتَسَلَ
أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَتِرْ.

خداوند باحیا و پرده پوش است و حیا و پرده پوشی را دوست
دارد، پس هنگامیکه یکی از شما غسل میکند خود را مستور کند.

۶۹۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي إِذَا رَفَعَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ يَدَيْهِ أَنْ يَرَدَّهْمَا صَفْرًا خَائِبَتَيْنِ .

خداوند با حیا و بخشنده است وقتی مردی دست‌های خود را به سوی او بلند کرد شرم دارد که آن را خالی و نومید باز گرداند.

۶۹۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ حَتَّى إِذَا فَرَّغَ مِنْ خَلْقِهِ قَامَتِ الرَّحْمَةُ فَقَالَ مَهْ؟ فَقَالَتْ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بَكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ، قَالَ نَعَمْ أَمَّا تَرْضَيْنِ أَنْ أَصِلَ مِنْ وَصْلِكَ وَأَقْطَعَ مِنْ قِطْعِكَ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَذَلِكَ لَكَ.

خداوند خلق را بیافرید همینکه از خلقت فراغت یافت خویشاوندی بپا خاست، خدا گفت چیست؟ خویشاوندی گفت از قطع رشته خویش بتو پناه می‌برم، خداوند گفت خوب آیا راضی نیستی هر که ترا پیوند دهد با او پیوند گیرم و هر که ترا ببرد از او ببرم گفت چرا پروردگارا گفت چنین باشد.

۶۹۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الرَّحْمَةَ يَوْمَ خَلَقَهَا مَاءٌ رَحْمَةٌ فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تَسْعًا وَتَسْعِينَ رَحْمَةً وَأَرْسَلَ فِي خَلْقِهِ كُلِّهِمْ رَحْمَةً فَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ

بكلّ الذي عند الله من الرّحمة لم يئأس من الجنّة و لو يعلم المؤمن
بالذي عند الله من العذاب لم يأمن من النّار.

خداوند روزی که رحمت را آفرید صد قسمت آفرید نود و نه
 قسمت را پیش خود نگهداشت و یک قسمت را بهمه مخلوق داد
 اگر کافر میدانست چقدر رحمت پیش خدا است از بهشت مأیوس
 نمیشد و اگر مؤمن میدانست چقدر عذاب پیش خدا است از جهنم
 ایمن نبود.

۶۹۸ إنّ الله تعالى خلق الجنّة بيضاء و أحبّ شيء إلى الله البياض.
 خداوند بهشت را سفید آفریده و سفیدی از همه رنگها پیش خدا
 محبوبتر است.

۶۹۹ إنّ الله تعالى خلق خلقه في ظلمة فألقى عليهم من نوره فمن
أصابه من ذلك النّور يومئذ إهتدى و من أخطأه ضلّ.
 خداوند مخلوق خود را در تاریکی بیافرید و از نور خود بر آنها
 انداخت، هر کس در آن روز از آن نور بدو رسید هدایت یافت و
 هر کس از آن دور ماند گمراه گشت.

۷۰۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ الْيَسْرَ وَ كَرِهَ لَهَا الْعُسْرَ.

خداوند برای این امت آسانی را پسندیده و سختی را نپسندیده است.

۷۰۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَفِيقٌ يَحِبُّ الرَّفْقَ وَ يُعْطِي عَلَيْهِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى

الْعَنَفِ.

خداوند ملایمست و ملایمت را دوست دارد و بوسیله آن چیزها میدهد که بوسیله خشونت نمی دهد .

۷۰۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلُ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرَعَاهُ، أَحْفَظَ ذَلِكَ أَمْ

ضَيَّعَهُ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ.

خداوند از هر کس درباره زیر دستش می پرسد که آیا آن را نگهداشته یا ضایع گذاشته است تا آن جا که از مرد درباره اهل خانه اش پرسش میکند.

۷۰۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ يَحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يَحِبُّ النَّظَافَةَ، كَرِيمٌ

يحبّ الكرم، جواد يحبّ الجود فنظّفوا أفئيتكم و لا تشبّوها باليهود.

خداوند خوشبو است و بوی خوش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد بزرگوار است و بزرگواری را دوست دارد بخشنده است و بخشش را دوست دارد پس جلو خانه های خویش را پاکیزه سازید و مانند یهودان مباشید

٧٠٤ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَفْوٌ يَحِبُّ الْعَفْوَ

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد.

٧٠٥ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ لِسَانٍ كُلِّ قَائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدَهُ وَ لِيَنْظُرْ مَا

يَقُولُ.

خداوند مراقب زبان هر گوینده ایست بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه میگوید.

٧٠٦ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غِيورٌ يَحِبُّ الْغِيورَ.

خداوند غیرتمند است و مرد غیرتمند را دوست دارد.

۷۰۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَتَّبِعِي
بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ .

خداوند هر کسی را که بگوید لا اله الا الله و از این سخن جز
خدا منظوری نداشته باشد بجهنم حرام کرده است.

۷۰۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ ثُمَّ بَيَّنَ ذَلِكَ فَمَنْ هَمَّ
بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَإِنْ هَمَّ بِهَا
فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ إِلَى أَضْعَافٍ
كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً فَإِنْ
هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى سَيِّئَةً وَاحِدَةً وَلَا يَهْلِكُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا هَالِكٌ.

خداوند نیکی ها و بدیها و چیزهائی را که میان آنهاست رقم زد هر
کس انجام نیکی را در دل گیرد و انجام ندهد خداوند برای او یک
نیکی کامل رقم زند و اگر در دل گیرد و انجام دهد خداوند ده
نیکی تا هفتصد برابر و بیشتر رقم زند و اگر بدی ای را در دل
گیرد و انجام ندهد خداوند آن را نیکی کامل رقم زند و اگر در
دل گیرد و انجام دهد خداوند فقط یک بدی رقم میزند، بنابراین
هر که در پیشگاه خدا هلاک شود سزاوار هلاک است.

۷۰۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَيْكَ السَّعْيَ فَاسْعُوا.

خداوند کوشش را بر شما مقرر داشته است پس بکوشید.

۷۱۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ الْغَيْرَةَ عَلَى النِّسَاءِ وَ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ

فَمَنْ صَبَرَ مِنْهُنَّ إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا كَانَ لَهَا مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ.

خداوند رنج هووداری را نصیب زنان و جنگ را قسمت مردان قرار داد هر زنی از روی ایمان و در انتظار پاداش خدا بر رنج هوو داری صبر کند ثواب شهید دارد.

۷۱۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى ابْنِ آدَمَ حُظَّهُ مِنَ الزَّوْنِ أَدْرَكَ ذَلِكَ

لَا مُحَالَةً، فَرَزْنَا الْعَيْنَ النَّظْرَ، وَ زَنَا اللِّسَانَ الْمَنْطِقَ وَ النَّفْسَ تَمَنَّى وَ

تَشْتَهَى وَ الْفَرْجَ يَصَدِّقُ ذَلِكَ أَوْ يَكْذِبُهُ.

خداوند بر آدمی زاد قسمتی از زنا رقم زده است که ناچار مرتکب آن میشود، زنای چشم نگاه نا رواست و زنای زبان سخن بیجاست نفس آرزو میکند و میخواهد و عورت آن را راست یا دروغ میسازد

۷۱۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِيمٌ يُحِبُّ الْكَرَمَ.

خداوند بزرگوار است و بزرگواری را دوست دارد.

۷۱۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُحِبُّ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ وَلَا الصَّيَّاحَ فِي

الْأَسْوَاقِ.

خداوند مردم بد گو و بد زبان و بانگ زنان در بازار را دوست ندارد.

۷۱۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُحِبُّ الذَّوَاقِينَ وَلَا الذَّوَاقَاتِ.

خداوند مردانی را که مکرر زن بگیرند و زنانی را که مکرر شوهر کنند دوست ندارد.

۷۱۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَظْلِمُ الْمُؤْمِنَ حَسَنَةً يُعْطِي عَلَيْهَا فِي الدُّنْيَا وَ

يُثَابُ عَلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ وَأَمَّا الْكَافِرُ فَيُطْعَمُ بِحَسَنَاتِهِ فِي الدُّنْيَا حَتَّى

إِذَا أَفْضَى إِلَى الْآخِرَةِ لَمْ تُكُنْ لَهُ حَسَنَةٌ يُعْطَى بِهَا خَيْرًا.

خداوند هیچیک از کارهای نیک مومن را از قلم نمی‌اندازد و در

دنیا و آخرت پاداش آن را می‌دهد؛ ولی کافر در دنیا بوسیله کارهای نیک خود روزی می‌خورد و همینکه بآخرت رسید کار نیکی ندارد که بوسیله آن پاداش یابد.

۷۱۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَعْذِبُ مَنْ عِبَادَهُ إِلَّا الْمَارِدَ الْمُتَمَرِّدَ الَّذِي يَتَمَرَّدُ عَلَى اللَّهِ وَ أَبِي أَنْ يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

خداوند از بندگان خود جز سرکش مغروری را که از اطاعت خدا سرکشی کند و از گفتن لا اله الا الله امتناع دارد عذاب نمی‌کند.

۷۱۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا وَ ابْتِغَى بِهِ وَجْهَهُ.

خداوند از عبادت‌ها جز آنچه خاص او باشد و بخاطر او انجام گیرد نمی‌پذیرد.

۷۱۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْدِسُ أُمَّةً لَا يَعْطُونَ الضَّعِيفَ مِنْهُمْ حَقَّهُ.

خداوند ملتی را که حق ضعیفان خود را نمیدهند، تقدیس نمی‌کند.

۷۱۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ لَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ.

خداوند بصورت‌ها و اموال شما نمینگرد، بلکه بدلها و اعمال شما مینگرد.

۷۲۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنَامُ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفُضُ الْقَسْطُ وَ يَرْفَعُهُ، يَرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَ عَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابَهُ النَّورِ، لَوْ كَشَفَهُ لَأُحْرِقَتْ سَبْجَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ مِنْ خَلْقِهِ.

خداوند نميخوابد و خواب بر او روا نيست قسمت كسان را پائين ميآورد و بالا ميبرد عمل شب را پيش از عمل روز و عمل روز را پيش از عمل شب بسوي او بالا مي برند، پرده او نور است و اگر پرده بردارد جلوه روي او همه مخلوقاتي را كه چشم بر او ميگشايند خواهد سوخت.

۷۲۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَهْتِكُ سِتْرَ عَبْدٍ فِيهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ خَيْرٍ. خداوند وقتي پرده بنده اي را كه يك ذره نيكي در او باشد

نمیدرد.

۷۲۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الدُّنْيَا أَعْرَضَ عَنْهَا فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا مِنْ

هُوَانَهَا عَلَيْهِ.

خداوند وقتی دنیا را آفرید روی از آن بگردانید و چنان در نظر خدا ناچیز بود که بر آن ننگریست.

۷۲۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ كَتَبَ بَيِّدَةً عَلَى نَفْسِهِ أَنْ رَحِمَتِي

تَغْلِبُ غَضَبِي.

خداوند وقتی خلق را بیافرید بر خویش مقرر داشت که رحمت من بر خشم من غلبه خواهد یافت.

۷۲۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا هُوَ أَبْغَضُ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا نَظَرَ

إِلَيْهَا مِنْذُ خَلْقِهَا بَغْضًا لَهَا.

خداوند مخلوقی که در نظر او مبغوضتر از دنیا باشد نیافریده و از بس آن را دشمن دارد از هنگام آفرینش بر آن ننگریسته است.

۷۲۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ مَعْتًا وَ لَا مَتَعْتًا وَ لَكِنْ بَعَثَ مَعْلَمًا

میسترا.

خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش نفرستاده بلکه آموزگار و آسان گیر فرستاده است.

۷۲۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُؤَيِّدَ الْإِسْلَامَ بِرِجَالٍ مَا هُمْ مِنْ أَهْلِهِ.

خداوند اسلام را بمردانی که مسلمان نیستند یاری میکند.

۷۲۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَحْمِيَ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ مِنَ الدُّنْيَا وَ هُوَ يَحِبُّهُ كَمَا

تَحْمُونَ مَرِيضَكُمْ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ تَخَافُونَ عَلَيْهِ.

خداوند چون بنده مؤمن خود را دوست دارد او را از دنیا پرهیز میدهد چنانکه شما مریض خود را از بیم مرض از خوردن و نوشیدن پرهیز میدهید.

۷۲۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُدْفَعَ بِالْمُسْلِمِ الصَّالِحِ عَنْ مَائَةِ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ

جِيرَانِهِ الْبَلَاءِ.

خداوند بخاطر مسلمان پارسا بلا را از صد خانه همسایه او دفع

میکند.

۷۲۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَعْجَبَ مِنَ الشَّابِّ لَيْسَتْ لَهُ صَبَوَةٌ.

خداوند جوانی را که جوانی نمیکند بدیده تحسین مینگرد.

۷۳۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَنْفَعِ الْعَبْدَ بِالذَّنْبِ يَذْنِبُهُ.

گاه باشد خداوند بنده را به گناهی که میکند منتفع می‌سازد.

۷۳۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُحْسِنٌ فَأَحْسِنُوا.

خداوند نیکوکار است شما نیز نکوئی کنید.

۷۳۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ الْقَاضِي مَا لَمْ يَحْفَ عَمْدًا.

خداوند تا هنگامیکه قاضی از روی عمد ستم نکند یار اوست.

۷۳۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَعَ الدَّائِنِ حَتَّى يَقْضِيَ دَيْنَهُ مَا لَمْ يَكُنْ دَيْنَهُ فِيمَا

يَكْرَهُهُ اللَّهُ.

خداوند یار قرض‌دار است تا قرض خود را بپردازد بشرط آنکه

قرض وی بر خلاف رضای خداوند نباشد.

۷۳۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَضَعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَاءَ وَالنَّسِيَانَ وَ مَا -

استکرهوا علیه.

خداوند خطا و فراموشی و اضطرار را بر امت من بخشیده است.

۷۳۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَكَلَّ بِالرَّحْمِ مَلَكًا يَقُولُ أَيُّ رَبِّ نَظْفَةٍ، أَيُّ رَبِّ

عَلَقَةٍ، أَيُّ رَبِّ مَضْغَةٍ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَقْضِيَ خَلْقَهَا قَالَ أَيُّ رَبِّ

شَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ؟. . ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى؟ فَمَا الرِّزْقُ فَمَا الْأَجَلُ؟ فَيَكْتُبُ

كَذَلِكَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

خداوند بشکم مادر فرشته ای گماشته است که میگوید خدایا

اکنون نطفه است، خدایا اکنون علقه است، خدایا اکنون مضغه

است، وقتی خداوند خواست خلقت او را کامل کند گوید خدایا

بدبخت یا خوشبخت؟. . نر یا ماده؟ روزی و عمر او چیست؟ و

بهمین طریق در شکم مادر او رقم میزند.

۷۳۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ أَنْظُرُوا إِلَى

عبدی ترک شهوته من أجلی.

خدا بجوان عابد بر فرشتگان مباحات میکند و میگوید بنده من
بنگرید که بخاطر من از تمایلات خود چشم پوشیده است.

۷۳۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الطَّلَاقَ.

خداوند طلاق را دشمن دارد.

۷۳۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْغَنَى الظُّلُومَ وَالشَّيْخَ الْجَهُولَ وَالْعَائِلَ

الْمُخْتَالَ.

خداوند ثروتمند ستمگر و پیر نادان و فقیر متکبر را دشمن دارد.

۷۴۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْمَعْبَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ.

خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد دشمن
دارد.

۷۴۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْوَسْخَ وَالشَّعْثَ.

خداوند کثافت و ژولیدگی را دشمن دارد.

۷۴۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْبَخِيلَ فِي حَيَاتِهِ السَّخِيَّ عِنْدَ مَوْتِهِ.

خداوند کسی را که در زندگی بخیل باشد و هنگام مرگ بخشنده شود. دشمن دارد.

۷۴۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْمُؤْمِنَ الَّذِي لَا زَبَرَ لَهُ.

خداوند مؤمنی را که عقل ندارد دشمن دارد.

۷۴۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْفَاحِشَ الْمَتَفَحِّشَ.

خداوند شخص بد گو و بد زبان را دشمن دارد.

۷۴۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ ابْنَ السَّبْعِينَ فِي أَهْلِهِ ابْنَ عَشْرِينَ فِي

مَشِيَّتِهِ وَ مَنْظَرِهِ.

خداوند پیر هفتاد ساله را که نیت و رفتار وی چون جوانان بیست ساله باشد دشمن دارد.

۷۴۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ.

خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری میکند آن را کامل کند.

۷۴۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الرِّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ.

خداوند ملایمت را در همه چیز دوست دارد.

۷۴۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ السَّهْلَ الطَّلِيقَ.

خداوند شخص آسان گیر آزاده را دوست دارد.

۷۴۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ.

خداوند جوان توبه کار را دوست دارد.

۷۵۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ.

خداوند بنده مؤمن پیشه‌ور را دوست دارد.

۷۵۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْمَدَاوِمَةَ عَلَى الْإِخَاءِ الْقَدِيمِ فِدَاوَمُوا.

خداوند ادامه دوستی دیرینه را دوست دارد، بنابراین دوستی

دیرینه را ادامه دهید.

۷۵۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ مَنْ عِبَادَهُ الْغُيُورَ.

خداوند از بندگان خود شخص غیور را دوست دارد.

۷۵۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ الْمَتَعَفِّفَ أَبَا الْعِيَالِ.

خداوند بنده مؤمن فقیر عقیف عیالمند را دوست دارد.

۷۵۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ.

خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها
بعدالت رفتار کنید.

۷۵۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَزِيدُ فِي عَمْرِ الرَّجُلِ بِرَّهُ وَالدِّيَّةَ.

خداوند بوسیله نیکی با پدر و مادر عمر انسان را افزون میکند.

۷۵۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِغَاثَةَ الْلَهْفَانِ.

خداوند یاری کردن کسانی را که کمک می‌جویند دوست دارد.

۷۵۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْعَبْدَ التَّقَى الْغَنَى الْحَفَى.

خداوند بنده پرهیزکار ثروتمند مهربان را دوست دارد.

۷۵۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْخُلُ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ ثَلَاثَةَ أَلْجَنَّةِ: صَانِعُهُ يَحْتَسِبُ

فِي صِنْعَتِهِ الْخَيْرَ وَالرَّامِيَ بِهِ وَ مِنْبَلُهُ.

خداوند بوسیله یک تیر سه نفر را بهشت میبرد: آنکه تیر را میسازد و از ساختن آن منظور نیک دارد و آنکه تیر را می اندازد و آنکه تیر را به تیر انداز دهد.

۷۵۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْنِي الْمُؤْمِنَ فَيُضَعُ عَلَيْهِ كَنَفُهُ وَ سِتْرُهُ مِنَ النَّاسِ

وَ يَقَرُّرُهُ بِذُنُوبِهِ فَيَقُولُ أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ أَتَعْرِفُ ذَنْبَ كَذَا؟ فَيَقُولُ

نَعَمْ أَيْ رَبِّ حَتَّى إِذَا قَرَّرَهُ بِذُنُوبِهِ وَ رَأَى فِي نَفْسِهِ أَنَّهُ قَدْ هَلَكَ قَالَ

فَإِنِّي قَدْ سَتَرْتُهَا عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَغْفِرُهَا لَكَ الْيَوْمَ ثُمَّ يُعْطَى

كِتَابَ حَسَنَاتِهِ بِيَمِينِهِ وَ أَمَّا الْكَافِرُ وَ الْمُنَاقِ فَيَقُولُ الْأَشْهَادُ «هُؤُلَاءِ

الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»

خداوند مؤمن را پیش آرد و او را از مردم مستور و محفوظ دارد

و بگناهان خود معترف کند و گوید آیا فلان گناه را میشناسی؟
 آیا فلان گناه را می شناسی؟ و او جواب میدهد بله خدایا تا وقتی
 که او را بگناهانش معترف ساخت و در خاطرش گذشت که از
 کثرت گناهان هلاک شده است خدا گوید من گناهان تو را در
 دنیا مستور داشتم و امروز بر تو میبخشم سپس نامه کارهای نیک
 او را بدست راستش دهد ولی در باره کافر و منافق آشکارا گوید:
 «اینها کسانی هستند که بر خدای خود دروغ بستند لعنت خداوند
 بر گروه ستمکاران».

۷۶۰ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَدْخُلُ بِلَقْمَةِ الْخَبْزِ وَ قَبْضَةِ التَّمْرِ وَ مِثْلِهِ مِمَّا يَنْفَعُ
 الْمَسْكِينِ ثَلَاثَةَ أَلْجَنَّةِ، صَاحِبَ الْبَيْتِ الْأَمْرِ بِهِ وَ الزَّوْجَةَ الْمَصْلُحَةَ وَ
 الْخَادِمَ الَّذِي يَنَاولُ الْمَسْكِينِ.

خداوند بوسیله یک لقمه نان و یک مشت خرما و امثال آن که
 فقیر را سودمند افتد سه تن را بهشت میبرد صاحب خانه که بدادن
 آن فرمان دهد و زنی که آن را آماده کند و خادمی که آن را
 بفقیر دهد.

۷۶۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْ فَضْلِ عِلْمِهِ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنْ فَضْلِ مَالِهِ.

خداوند از بنده میپرسد که فزونی دانش خود را کجا صرف کرده
همچنانکه از فزونی مال می پرسد

۷۶۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يِعَافِي الْأَمِّيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا لَا يِعَافِي الْعُلَمَاءَ.

خداوند روز رستاخیز بر بیسوادان چیزهایی را می بخشد که بر
دانشمندان نمی بخشد.

۷۶۳ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعْذِّبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يَعْذَّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا.

خداوند روز رستاخیز کسانی را که در دنیا مردم را عذاب کرده
اند عذاب میکند.

۷۶۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغَارُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ وَ غَيْرُهُ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ.

خداوند غیرت میبرد و مؤمن غیرت میبرد غیرت خدا اینستکه

مؤمن مرتکب کاری شود که خدا حرام کرده است.

۷۶۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ الصَّدَقَةَ وَ يَأْخُذُهَا بِيَمِينِهِ فَيَرْبِّيَهَا لِأَحَدٍ كَمَا

يَرْبِّي أَحَدَكُمْ مَهْرَهُ، حَتَّىٰ إِنَّ اللَّقْمَةَ تُصِيرُ مِثْلَ أَحَدٍ.

خداوند صدقه را میپذیرد و آن را بدست راست خود میگیرد و برای شما بزرگ میکند همچنانکه کره اسب خود را بزرگ میکنید تا آنجا که یک لقمه باندازه کوه احد شود.

۷۶۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَغْرُرْ.

خداوند تا دم واپسین توبه بنده را را میپذیرد.

۷۶۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا ثَالِثُ الشَّرِيكِينَ مَا لَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا

صَاحِبَهُ فَإِذَا خَافَ خَرَجْتَ مِنْ بَيْنَهُمَا.

خداوند گوید تا هنگامی که یکی از دو شریک با دیگری خیانت نکند من سومی آنها هستم و همینکه خیانت بمیان آمد من از میان آنها میروم.

۷۶۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرْنِي وَ تَحَرَّكَتْ بِي

شفتاه.

خداوند گوید تا هنگامی که بنده ام مرا یاد میکند و لبهایش بنام من میجنبد با او هستم .

۷۶۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا خَيْرُ قَسِيمٍ لِمَنْ أَشْرَكَ بِي مِنْ أَشْرَكَ

بِي شَيْئًا فَإِنَّ عَمَلَهُ قَلِيلٌ وَ كَثِيرُهُ لَشَرِيكَهِ الَّذِي أَشْرَكَ بِي، أَنَا عَنْهُ

غنی.

خداوند گوید من عمل کسی را که برای من شریک قرار می دهد خوب تقسیم میکنم هر که چیزی را با من شریک کند عمل او از کم و زیاد متعلق بشریکست و من از آن بی نیازم.

۷۷۱ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَ إِنْ

شراً فشرّاً.

خداوند گوید من ناظر گمان بنده خویشم اگر گمان خوب بمن برد خوبی بیند و اگر گمان بد برد بدی بیند.

۷۷۲ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ إِنَّ الصَّوْمَ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ إِنَّ لِلصَّائِمِ

فَرَحَتَيْنِ، إِذَا أَفْطَرَ فَرَحٌ وَ إِذَا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى فَجَزَاهُ فَرَحٌ.

خداوند گوید روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم روزه دارد و خوشحالی دارد، وقتی افطار کند خوشحال می‌شود و همینکه خدا را دیدار کند و او را پاداش دهد باز خوشحال میشود.

۷۷۳ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِأَهْلُونَ أَهْلَ النَّارِ عَذَابًا لَوْ أَنَّ لَكَ مَا فِي الْأَرْضِ

مِنْ شَيْءٍ كُنْتَ تَفْتَدِي بِهِ؟ قَالَ نَعَمْ فَقَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْلُونَ مِنْ هَذَا وَ أَنْتَ فِي صُلْبِ آدَمَ أَنَّ لَا تَشْرَكَ بِي شَيْئًا فَأَيُّتَ إِلَّا الشَّرْكَ.

خداوند بآنکه از همه اهل جهنم عذابش آسان‌تر است گوید اگر همه دنیا مال تو بود میدادی که از عذاب رها شوی؟.. گوید بله خدا گوید هنگامی که در پشت آدم بودی از تو چیزی خواستم که از این آسان‌تر بود از تو خواستم کسی را با من شریک نسازی و دریغ کردی.

۷۷۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَا بَنَی آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلَاءُ صَدْرِكَ

غَنَى وَ أَسَدَّ فَقْرَكَ وَ إِلَّا تَفْعَلْ مَلَاتَ يَدَيْكَ شَغْلًا وَ لَمْ أَسَدَّ فَقْرَكَ.

خداوند گوید آدمیزاد وقت خود را صرف عبادت من کن تا سینه
ترا از بی نیازی پر کنم و فقر را از تو دور سازم و اگر چنین نکنی
ترا سخت دنیا مشغول سازم و فقر را از تو دور نکنم .

۷۷۵ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا بَنَ آدَمَ مَرَضْتَ فَلَمْ تَعْدْنِي،
قَالَ يَا رَبَّ كَيْفَ أَعُودُكَ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ
عَبْدِي فَلَانًا مَرَضَ فَلَمْ تَعُدْهُ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ عُدْتَهُ لَوَجَدْتَنِي
عِنْدَهُ؟ يَا بَنَ آدَمَ اسْتَطَعْتَكِ فَلَمْ تَطْعَمْنِي فَقَالَ يَا رَبَّ وَ كَيْفَ
أَطْعَمُكَ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ اسْتَطَعَمَكَ عَبْدِي
فَلَانٌ فَلَمْ تَطْعَمْهُ؟ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّكَ لَوْ أَطْعَمْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ
عِنْدِي؟ يَا بَنَ آدَمَ اسْتَسْقَيْتَكِ فَلَمْ تَسْقِنِي قَالَ يَا رَبَّ كَيْفَ أُسْقِيكَ وَ
أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؟ قَالَ اسْتَسْقَاكَ عَبْدِي فَلَانٌ فَلَمْ تَسْقِهِ أَمَا إِنَّكَ لَوْ
سَقَيْتَهُ لَوَجَدْتَ ذَلِكَ عِنْدِي.

خداوند روز رستاخیز گوید آدمی زاد! بیمار شدم مرا عیادت
نکردی، گوید خدایا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی عیادت
کنم گوید مگر نمی دانی که فلان بنده من بیمار بود و او را عیادت
نکردی مگر نمی دانی که اگر او را عیادت میکردی مرا پیش او

می یافتی؟ آدمیزاد! من از تو غذا خواستم بمن غذا ندادی! گوید
 پروردگارا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی غذا دهم؟ گوید مگر
 نمی دانی که فلان بنده من از تو غذا خواست و باو غذا ندادی! مگر
 نمی دانی که اگر او را غذا می دادی اکنون پاداش آن را پیش من
 می یافتی آدمی زاد از تو آب خواستم آب ندادی! گوید چگونه ترا
 که پروردگار جهانیانی آب بدهم؟ گوید فلان بنده من از تو آب
 خواست باو آب ندادی اگر باو آب داده بودی اکنون پاداش آن
 را پیش من می یافتی.

۷۷۶ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ وَ يَنْزِلُ الصَّبْرَ عَلَى
قَدْرِ الْبَلَاءِ.

خداوند کمک را بقدر احتیاج نازل میسازد و صبر را باندازه بلا
 می دهد.

۷۷۷ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْهَأُكُمْ أَنْ تَحْلِفُوا بِآبَاءِكُمْ.
 خداوند نهی کرده که پدران خود قسم بنخورید.

۷۷۸ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوْصِيْكُمْ بِأُمَّهَاتِكُمْ ثَلَاثًا، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوْصِيْكُمْ

بِآبَائِكُمْ مَرَّتَيْنِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوْصِيْكُمْ بِالْأَقْرَبِ فَلِأَقْرَبِ

خداوند شما را درباره مادرانتان سه بار سفارش میکند خداوند شما را درباره پدرانتان دوبار سفارش میکند خداوند شما را درباره نزدیکان بترتیب سفارش می کند.

۷۷۹ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُوْصِيْكُمْ بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّهِنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ

خَالَاتِكُمْ.

خداوند شما را درباره زنان به نیکی سفارش میکند، زیرا زنها مادران و دختران و خاله های شما هستند.

۷۸۰ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُّحِبُّ الْجَمَالَ.

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۷۸۱ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَائَةً رَّحْمَةً كُلَّ

رَّحْمَةً طَبَاقَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَجَعَلَ مِنْهَا فِي الْأَرْضِ رَحْمَةً

فَبِهَا تَعَطَّفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَلَدِهَا وَ الْوَحْشُ وَ الطَّيْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ

و آخر تسعا و تسعين فإذا كان يوم القيامة أكملها بهذه الرحمة.

خداوند روزی که آسمانها و زمین را آفرید صد رحمت بیافرید که هر یک از آنها میان زمین و آسمان را پر میکند و یکی را در زمین قرار داد که بوسیله آن مادر بفرزند مهربانست و وحش و طیر بیکدیگر مأنوسند و نود و نه رحمت را نگه داشته و همینکه روز قیامت شود این یک رحمت را نیز بر آن بیفزاید.

۷۸۲ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبُّ الْكَذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضُ الصَّدَقِ
فِي الْفُسَادِ.

خداوند دروغ مصلحت آمیز را دوست دارد و از راست فساد انگیز
بیزار است

۷۸۳ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا، وَ لِيَنْظُرْ مَا يَقُولُ.

خداوند ناظر زبان هر گوینده ایست بنده باید از خدا بترسد و ببیند
چه میگوید.

۷۸۴ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْخُذُ الْمَزَاحَ الصَّادِقَ فِي مَزَاحِهِ.

خداوند شوخی را که در شوخی خود راستگو باشد مؤاخذه
نمیکند

۷۸۵ إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ مَنْ عْبَادَهُ إِلَّا الرَّحْمَاءُ.

خداوند فقط بندگان رحیم خود رحم میکند.

۸۸۶ إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ عَمَلَ عَبْدٍ حَتَّى يَرْضَى قَوْلَهُ.

خداوند عمل بنده را نمیپذیرد مگر آنکه از گفتار وی خشنود باشد

۷۸۷ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ شِفَاءً.

خدا دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده
است.

۷۸۸ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً إِلَّا الْهَرَمَ.

خداوند دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده
بجز پیری.

۷۸۹ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً عِلْمُهُ مِنْ عِلْمِهِ وَ جَهْلُهُ مِنْ جَهْلِهِ، إِلَّا السَّامَ وَ هُوَ الْمَوْتُ.

خداوند دردی پدید نیاورده جز اینکه دوائی برای آن فرستاده هر که آن را بداند بداند و هر که نداند نداند بجز مرا

۷۹۰ إِنَّ اللَّهَ لِيُدرءَ بِالصَّدَقَةِ سَبْعِينَ مِئْتَةً مِنَ السَّوِّءِ
خداوند بوسیله صدقه هفتاد قسم مرگ بد را دفع میکند.

۷۹۱ إِنَّ اللَّهَ لِيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فِيحْمَدَهُ عَلَيْهَا أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فِيحْمَدَهُ عَلَيْهَا.

خداوند از بنده خشنود میشود باینکه غذا بخورد و خدا را سپاس گزارد، یا آب بیاشامد و خدا را سپاس گزارد.

۷۹۲ إِنَّ اللَّهَ لَيُؤَيِّدَ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ.
خداوند این دین را بمرد بدکار یاری میکند.

۷۹۳ إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالسَّقَمِ حَتَّى يَكْفُرَ عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ.

خداوند بنده مؤمن خود را بمرض مبتلا می کند تا همه گناهان او
بریزد.

۷۹۴ إِنَّ اللَّهَ يَبْغُضُ السَّائِلَ الْمَلْحِفَ

خداوند گدای سمج را دشمن دارد.

۷۹۵ إِنَّ اللَّهَ يَبْغُضُ الشَّيْخَ الزَّانِيَ وَ الْغَنَى الظَّلُومَ وَ الْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ

خداوند پیر زناکار و ثروتمند ستمکار و فقیر متکبر را دشمن
دارد.

۷۹۶ إِنَّ اللَّهَ يَبْغُضُ كُلَّ عَالَمٍ بِالْدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ.

خداوند هر کس را که بکار دنیا دانا و در کار آخرت نادان است
دشمن دارد.

۷۹۷ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَ

يَبْغُضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ .

خدا دوست دارد که وقتی به کسی نعمت داد اثر نعمتش بر او

آشکار دیده شود و از فقر و اظهار فقر بیزار است.

۷۹۸ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْأَبْرَارَ الْأَخْفَاءَ الْأَتْقِيَاءَ.

خدا نیکوکاران گمنام پرهیز کار را دوست دارد.

۷۹۹ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصَرَ النَّاقِدَ النَّافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ وَ

الْكَامِلَ عِنْدَ نَزُولِ الشَّبَهَاتِ يُحِبُّ السَّمَّاحَةَ وَ لَوْ عَلَى تَمَرَةٍ وَ يُحِبُّ
الشَّجَاعَةَ وَ لَوْ عَلَى قَتْلِ حَيَّةٍ.

خداوند چشمی را که بهنگام شهوت باریک بین و پیش بین و
بهنگام شبهه دقیق است دوست دارد و بخشش را اگر چه یک
خرما باشد و شجاعت را اگر چه بکشتن ماری باشد دوست دارد.

۸۰۰ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفْنَى شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا بسر میبرد
دوست دارد.

۸۰۱ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَلْحِينَ فِي الدَّعَاءِ.

خداوند کسانی را که در کار دعا اصرار میورزند دوست دارد.

۸۰۲ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ أَنْ تَوْتِيَ رَخْصَتَهُ كَمَا يَحِبُّ أَنْ تَتْرَكَ مَعْصِيَتَهُ.

خداوند دوست دارد کارهایی را که روا داشته انجام دهند
چنانکه دوست دارد از نافرمانی او چشم پوشند

۸۰۳ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ.

خداوند دل غمگین را دوست دارد.

۸۰۴ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مُعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سُفْسَافَهَا.

خداوند چیزهای بلند و شریف را دوست دارد و از چیزهای پست
بی زار است.

۸۰۵ إِنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يَحْيِي الْأَرْضَ

بِوَابِلِ السَّمَاءِ.

خداوند دل‌های مرده را بنور حکمت حیات میبخشد چنانکه زمین را
بباران آسمان زنده می سازد .

۸۰۶ إِنَّ اللَّهَ يَسْتَحْيِي مِنَ الْعَبْدِ أَنْ يَرْفَعَ إِلَيْهِ يَدَيْهِ فِيرُدَّهُمَا خَائِبِينَ.

خداوند از بنده شرم دارد که دستهای خود را بسوی او بلند کند و آن را نومید باز گرداند.

۸۰۷ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةٍ الْآخِرَةَ وَ أَبِي أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ

عَلَى نِيَّةٍ الدُّنْيَا.

خداوند دنیا را بنیت آخرت می دهد ولی آخرت را به نیت دنیا نمی دهد.

۸۰۸ إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ فَلْيَغْر.

خداوند برای مسلمانان غیرت میبرد، آنها نیز باید غیرت ببرند.

۸۰۹ إِنَّ اللَّهَ يَنْهَيْكُمْ عَنْ قِيلٍ وَ قَالَ.

خداوند شما را از گفتگوهای بیهوده نهی کرده است.

۸۱۰ إِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ أَوْ يَشْرَبُ فِي آتِيَةِ الْفَضَّةِ وَ الذَّهَبِ إِنَّمَا

يجرجر فی بطنه نار جهنّم .

کسی که در ظرف نقره و طلا میخورد و می آشامد آتش جهنم را در شکم خود فرو میبرد.

۸۱۱ إِنَّ الَّذِي يَجِرُّ الثَّوبَ خِيَلًا لَا يَنْظُرُ اللَّهَ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.

کسی که از روی تکبر جامه خود را میکشد خدا روز رستاخیز بدو نمینگرد.

۸۱۲ إِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ.

آب پاکست و چیزی آن را نجس نمیکند.

۸۱۳ إِنَّ الْمَاءَ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا غَلَبَ عَلَيْهِ رِيحُهُ وَ طَعْمُهُ وَ لَوْنُهُ.

آب را چیزی نجس نمیکند جز آنچه بو و مزه و رنگ آن را تغییر دهد

۸۱۴ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَدْرِكَ بِحَسَنِ الْخَلْقِ دَرَجَةً الْقَائِمِ الصَّائِمِ.

مؤمن بوسیله خوش خلقی به مقام نماز شب گزار و روزه دار

میرسد.

۸۱۵ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَحِيفُ عَلَى مَنْ يَبْغُضُ وَلَا يَأْتِمُ
فِي مَنْ يَحِبُّ وَلَا يَضِيعُ مَا - اسْتَوْدَعَ وَلَا يَحْسُدُ وَلَا يَطْعُنُ وَلَا يَلْعَنُ
وَيَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ وَإِنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ وَلَا يَتَنَابَزُ بِالْأَلْقَابِ فِي الصَّلَاةِ
مُتَخَشِّعًا إِلَى الزَّكَاةِ مُسْرِعًا فِي الزَّلَازِلِ وَقَوْرًا فِي الرِّخَاءِ شَكُورًا
قَانِعًا بِالَّذِي لَهُ لَا يَدَّعِي مَا لَيْسَ لَهُ وَلَا يَغْلِبُهُ الشَّحُّ عَنْ مَعْرُوفٍ
یریده، یخالط الناس کی یعلم و یناطق الناس کی یفهم و إن ظلم و
بغی علیه صبر حتی یكون الرحمن هو الذی ینتصر له.

بنده مؤمن بر دشمنان ستم نمی کند و برای رعایت دوستان
مرتکب گناه نمیشود. امانت را تلف نمی کند. حسود و بدگو و
لعنت گر نیست حق را میگوید اگر چه از او شهادت نخواهند.
بغهای بی جا به کار نمیرد. در نماز خاشع است و در کار زکوة
سریع است. در مصیبت موقر و بهنگام نعمت شاکر است بدانچه
دارد قانع است و آنچه ندارد نمی جوید بخل او را از کار نیک باز
نمی دارد با مردم آمیزش میکند تا چیز یاد گیرد و با آنها گفتگو
میکند تا چیز بفهمد اگر ستمی دید و بر او تجاوزی شد صبر

میکند تا خداوند ستم را از او دفع کند.

۸۱۶ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُوْجِرُ فِيْ نَفَقَتِهِ كُلَّهَا إِلَّا شَيْئًا جَعَلَهُ فِي التَّرَابِ أَوْ
الْبِنَاءِ.

مؤمن از مخارج خود ثواب میبرد جز آنچه بخاک سپارد یا
ساختمان کند.

۸۱۷ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْضِي شَيْطَانَهُ كَمَا يَنْضِي أَحَدُكُمْ بَعِيرَهُ فِي السَّفَرِ.
مؤمن شیطان خود را لاغر می کند چنانکه یکی از شما اشتر خود
را در سفر لاغر میکند.

۸۱۸ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَجَاهِدُ بِسَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ.
مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد میکند.

۸۱۹ إِنَّ الْمُتَحَابِّينَ فِي اللَّهِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ.
آنها که در راه خدا دوستی میکنند در سایه عرش جای دارند.

۸۲۰ إِنَّ الْمَرْءَ كَثِيرٌ بِأَخِيهِ وَابْنُ عَمِّهِ.

انسان با برادر و عموزاده خود بسیار می شود.

۸۲۱ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَقْبَلُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ وَتَدْبِرُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ
فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً فَأَعْجَبْتَهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَرُدُّ مَا فِي
نَفْسِهِ.

زن بصورت شیطان می آید و بصورت شیطان می رود وقتی یکی از
شما زنی دید که وی را بشگفت آورد پیش همسر خود رود زیرا
بدینوسیله آنچه در دل دارد از میان می رود.

۸۲۲ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَنْكَحُ لَدِينِهَا وَ مَالَهَا وَ جَمَالَهَا فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ
تَرَبُّتٍ يَدَاكَ.

زن برای دین و مال و جمالش گیرند زن دین دار بجوئید.

۸۲۳ إِنَّ الْمَرْءَ بَيْنَ يَوْمَيْنِ يَوْمٌ قَدْ مَضَى أَحْصَى فِيهِ عَمَلَهُ فَخْتَمَ عَلَيْهِ
و يَوْمٌ قَدْ بَقِيَ فَلَا يَدْرِي لَعَلَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ.

انسان میان دو روز است روزی که گذشته و اعمالش بحساب آمده

و مختوم گشته و روزی که باقی مانده ولی چه می داند شاید بآن
روز نرسد.

۸۲۴ إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضَلَعٍ لَنْ تَسْتَقِيمَ لَكَ عَلَى طَرِيقَةٍ فَإِنْ
اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَ بِهَا عَوْجٌ وَ إِنْ ذَهَبْتَ تَقِيمُهَا كَسَرْتَهَا وَ
كَسَرَهَا طَلَقَهَا.

زن از دنده ای خلق شده که به هیچوجه راستی پذیر نیست اگر با
کجی او بسازی ساخته ای و اگر خواهی براستیش باز آری او را
میشکنی و شکستنش طلاق دادن است.

۸۲۵ إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضَلَعٍ وَ إِنَّكَ إِنْ تَرَدَّ إِقَامَةُ الضَّلَعِ تَكْسُرُهَا
فِدَارَهَا تَعَشُّ بِهَا.

زن از دنده ای خلق شده اگر بخواهی دنده را راست کنی آن را
میشکنی پس با او مدارا کن او زندگی کنی.

۸۲۶ إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَمْ يَزَلْ فِي مَخْرَفَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى
يَرْجِعَ.

مسلمان وقتی بعبادت برادر مسلمان خود میرود تا هنگامی که که باز گردد در بهشت قدم میزند .

۸۲۷ إِنَّ الْمَصْلَى ليقْرَعُ بابَ الْمَلِكِ وَ إِنَّهُ مِنْ يَدَمِ قَرَعِ الْبَابِ
یوشک آن یفتح له.

نماز گزار در خداوند را می کوبد و هر که پیوسته دری را بکوبد عاقبت بروی او باز میشود .

۸۲۸ إِنَّ الْمَظْلُومِينَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
ستم دیدگان در روز رستاخیز رستگارانند.

۸۲۹ إِنَّ الْمَقْصُطِينَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِ الرَّحْمَنِ وَ كَلْتَا يَدَيْهِ يَمِينِ، الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَ أَهْلِيهِمْ وَ مَا وُلُّوا.

دادگران روز رستاخیز در پیشگاه خدا بر منبرهای نورند که طرف راست وی جای دارند و هر دو دست خدا راست است دادگران کسانی هستند که در حکم خود و درباره کسان و زیر دستان خود

بداد رفتار میکند.

۸۳۰ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنَحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِمَا يَطْلُبُ.

فرشتگان بالهای خود را برای طالب علم پهن میکنند زیرا از آنچه می‌جوید رضایت دارند.

۸۳۱ إِنَّ الْمَيِّتَ إِذَا دُفِنَ سَمِعَ خَفَقَ نَعَالِهِمْ إِذَا وَلَّوْا عَنْهُ مَنْصَرِفِينَ.

وقتی مرده را بن خاک سپارند، صدای کفش کسان را که از قبر وی باز می‌گردند خواهد شنید.

۸۳۲ إِنَّ الْمَيِّتَ يَعْرِفُ مَنْ يَحْمِلُهُ وَ مَنْ يَغْسِلُهُ وَ مَنْ يَدْفِنُهُ فِي قَبْرِهِ.

مرده کسی را که بلندش کند و کسی را که غسلش دهد و کسی را که در قبرش نهد می‌شناسد.

۸۳۳ إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدِيهِ أَوْشَكَ أَنَّ

يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ .

وقتی مردم ستمگر را دیدند و او را از ستم باز نداشتند بیم آن می‌

رود که خدا همه را بعد از خود مبتلا کند.

۸۳۴ إِنَّ النَّاسَ لَا يَرْفَعُونَ شَيْئًا إِلَّا وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى.

مردم چیزی را برتری ندهند جز آنکه خدا آن را تنزل دهد.

۸۳۵ إِنَّ النَّاسَ لَمْ يَعْطُوا شَيْئًا خَيْرًا مِنْ خَلْقِ حَسَنٍ.

بمردم چیزی بهتر از اخلاق نیک نداده اند.

۸۳۶ إِنَّ الْوَدَّ يورث و العداوة تورث.

دوستی موروثی است و دشمنی موروثی است.

۸۳۷ إِنَّ الْوَلَدَ مَبْخَلَةٌ مَجْبَنَةٌ مَجْهَلَةٌ مُحْزَنَةٌ.

فرزند موجب بخل و ترس و نادانی و غم است.

۸۳۸ إِنَّ أَنَسًا مِنْ أُمَّتِي يَسْتَفْقَهُونَ فِي الدِّينِ وَ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ وَ

يَقُولُونَ: نَأْتِي الْأَمْرَاءَ فَنُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَ نَعْتَزِلُهُمْ بِدِينِنَا وَ لَا يَكُونُ

ذَلِكَ، كَمَا لَا يَجْتَنِي مِنَ الْقِتَادِ إِلَّا الشَّوْكُ، لَا يَجْتَنِي مِنْ قُرْبِهِمْ إِلَّا

خطایا.

کسانی از امت من در کار دین دانش جویند و قرآن خوانند و
گویند پیش امیران رویم و از مقامشان بهره گیریم و دین خود را
از آنها برکنار نگه داریم ولی چنین چیزی نمی شود همان طور که
از درخت قتاد جز خار نمی توان چید از نزدیکی امیران نیز جز
گناه بهره نمیتوان برد.

۸۳۹ إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَأَوْنَ أَهْلَ الْغُرَفِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا تَرَأَوْنَ

الْكُوَاكِبِ فِي السَّمَاءِ.

اهل بهشت صاحبان غرفه های بالا را چنان می بینند که شما
ستارگان آسمان را می بینید.

۸۴۰ إِنَّ أَهْلَ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ وَ إِنَّ

أَهْلَ الْمُنْكَرِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الْآخِرَةِ وَ إِنَّ أَوَّلَ أَهْلِ

الْجَنَّةِ دَخُولَهُمْ أَهْلَ الْمَعْرُوفِ.

نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان
بدکاران آن جهانند و نیکوکاران پیش از همه مردم بهشت

درمی آیند.

۸۴۱ إِنَّ أَهْلَ الشَّعْبِ فِي الدِّيَاهِمِ أَهْلَ الْجُوعِ غَدَا فِي الْآخِرَةِ.

سیران این جهان گرسنگان آن جهانند.

۸۴۲ إِنَّ أَوْثَقَ عَرَى الْإِسْلَامِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَتُبْغِضَ فِي اللَّهِ.

محکمترین دستاویزهای اسلام این است که کسی را برای خدا دوست داری و کسی را برای خدا دشمن داری.

۸۴۳ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُجَازَى بِهِ الْمُؤْمِنُ بَعْدَ مَوْتِهِ أَنْ يُغْفَرَ لْجَمِيعِ مَنْ تَبَعَ

جَنَازَتِهِ.

نخستین پاداشی که پس از مرگ بمؤمن می دهند اینست که همه کسانی که دنبال جنازه او رفته اند آمرزیده شوند.

۸۴۴ إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ كَذَّابِينَ فَاحْذَرُوهُمْ.

پیش از رستاخیز دروغگویان پدیدار میشوند از آنها حذر کنید.

۸۴۵ إِنَّ حَسْنَ الْخَلْقِ لِيَذِيبَ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ.
خوش اخلاقی گناه را محو میکند چنانکه آفتاب یخ را آب می کند.

۸۴۶ إِنَّ حَسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ مِنْ حَسَنِ عِبَادَةِ اللَّهِ.
گمان خوب بخدا داشتن از خوب عبادت کردن اوست.

۸۴۷ إِنَّ حَسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ.
رعایت پیمان از لوازم ایمان است.

۸۴۸ إِنَّ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا وَضَعَهُ.
بر خدا لازم است که چیزی از دنیا را بالا نبرد جز اینکه آن را تنزل دهد.

۸۴۹ إِنَّ حَقًّا عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَتَوَجَّعَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كَمَا يَأْلَمُ الْجَسَدُ الرَّأْسَ.

مؤمنان باید از رنج یکدیگر متألم شوند چنانکه تن از رنج سر متأثر

می شود.

۸۵۰ إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُوفُونَ الْمُطِيبُونَ.

بهترین بندگان خدا آن‌ها هستند که بوعده وفا کنند و بوی خوش بکار برند.

۸۵۱ إِنَّ رَبَّكَ يُحِبُّ الْمُحَامِدَ.

خدای تو ستایش را دوست دارد

۸۵۲ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ يَكُونَ نَطْقِي ذِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا.

پروردگارم بمن فرمان داده که سخنم ذکر باشد و نظرم مایه عبرت.

۸۵۳ إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ نَفَثَ فِي رَوْعِي أَنْ نَفْسًا لَنْ تَمُوتَ حَتَّى

تُسَكَّمَلَ أَجْلُهَا وَتُسْتَوْعَبَ رِزْقُهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ وَ

لَا يَحْمِلَنَّ أَحَدُكُمْ إِسْتِبْطَاءَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ

تَعَالَى لَا يَنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ.

روح القدس این پندار را در خاطر من انداخت که هیچکس نمی
میرد جز آنکه روزش پایان برسد و روزی خود را تمام کند پس
از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید و اگر روزی یکی از شما
دیر رسید آن را بوسیله معصیت خدا نجوید زیرا آنچه پیش
خداست جز بوسیله اطاعت او بدست نمی آید.

۸۵۴ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْزِلُهُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَنْ يَخَافُ النَّاسَ مِنْ
شَرِّهِ.

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از شر
او بترسند.

۸۵۵ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ فَرَّقَهُ النَّاسُ إِتْقَاءَ فَحْشِهِ.
بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از بیم
بد زبانش از او حذر کنند.

۸۵۶ إِنَّ صَاحِبَ الدِّينِ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يَقْضِيَهُ.
طلبکار بر قرض دار تسلط دارد تا هنگامیکه قرض خود را

بپردازد.

۸۵۷ إِنَّ صَاحِبَ الْمَكْسِ فِي النَّارِ.

راهدار در جهنم است.

۸۵۸ إِنَّ صَدَقَةَ السَّرِّ تَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ إِنَّ صَلَّةَ الرَّحْمِ تَزِيدُ فِي

الْعَمْرِ وَ إِنَّ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السَّوْءِ.

صدقه نهان خشم خدا را فرو مینشانند و نیکی با خویشاوندان عمر را افزون میکند و کارهای نیک از مرگهای بد جلوگیری میکند.

۸۵۹ إِنَّ عَذَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ جَعَلَ فِي دُنْيَاهَا.

عذاب این امت را در دنیا قرار داده اند.

۸۶۰ إِنَّ عُلَمَاءَ لَا يَنْتَفِعُ مِنْهُ لَكِنْ لَا يَنْفِقُ مِنْهُ.

دانشی که از آن سود نبرند مثل گنجی است که از آن خرج نکنند.

۸۶۱ إِنَّ غَلَاءَ أَسْعَارِ كَمْ وَ رَخَصَهَا بِيَدِ اللَّهِ.

گرانی و ارزانی قیمتهای شما بدست خداست.

۸۶۲ إِنَّ فِي الْجَسَدِ مَضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ.

در تن پاره گوشتی است که وقتی بصلاح گراید تمام تن بصلاح آید و وقتی فاسد شود همه تن فاسد شود و آن قلبست.

۸۶۳ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَيْتًا يُقَالُ لَهُ بَيْتُ الْأَسْخِيَاءِ.

در بهشت خانه ای هست که آن را خانه سخاوتمندان نامند.

۸۶۴ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَارًا يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَجِ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَّحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ.

در بهشت خانه ای هست که آن را خانه خوشحالی نامند و جز کسانی که یتیمان مؤمنان را خوشحال کرده باشند، وارد آن نمیشوند.

۸۶۵ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا إِلَّا أَصْحَابُ الْهَمُومِ.

در بهشت درجه ای هست که جز غم دیدگان بدان نمیرسند.

۸۶۶ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ لَسُوقًا مَا فِيهَا شَرَاءٌ وَلَا يَبِيعُ إِلَّا الصُّورُ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ فَإِذَا اشْتَهَى الرَّجُلُ صُورَةَ دَخَلَ فِيهَا.

در بهشت بازاری هست که در آن جا چیزی برای خرید و فروش نیست جز تصویر مردان و زنان و وقتی کسی تصویری را پسندد مانند آن میشود.

۸۶۷ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَائَةً دَرَجَةً لَوْ أَنَّ الْعَالَمِينَ اجْتَمَعُوا فِي إِحْدَاهِنَّ لَوَسَّعَتْهُمْ.

در بهشت صد درجه هست که اگر جهانیان در یکی از آنها مجتمع شوند در آن جای گیرند.

۸۶۸ إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَا لَا عَيْنَ رَأَتْ وَلَا أُذُنَ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى
قَلْبِ أَحَدٍ.

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در خاطر کسی گذشته است.

۸۶۹ إِنَّ فِي الْحَجْمِ شِفَاءً.

حجامت مایه شفاست.

۸۷۰ إِنَّ فِي الْمَالِ حَقًّا سَوَى الزَّكَاةِ.

در مال بجز زکاه حقی هست.

۸۷۱ إِنَّ فِي الْمَعَارِضِ لَمَنْدُوحَةً عَنِ الْكَذِبِ.

سخنان گوشه دار وسیله رهائی از دروغ است.

۸۷۲ إِنَّ قَلْبَ ابْنِ آدَمَ مِثْلَ الْعَصْفُورِ يَنْقَلِبُ فِي الْيَوْمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ.

دل آدمیزاد چون گنجشک است و هر روز هفت بار دگرگون می شود.

۸۷۳ إِنَّ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ كَثِيرَ الْعَمَلِ مَعَ الْجَهْلِ قَلِيلٌ.

کار اندک که با بصیرت و دانش انجام گیرد بسیار است و کار بسیار که با نادانی صورت پذیرد اندک است.

۸۷۴ إِنَّ كَذِبًا عَلَىٰ لَيْسَ ككَذِبِ عَلَىٰ أَحَدٍ فَمَنْ كَذَبَ عَلَىٰ مُتَعَمِّدًا
فَلْيَتَبَوَّءْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

دروغ بستن بر من مثل دروغ بستن بر دیگری نیست هر که بعمد بر
من دروغ بندد در آتش جای گیرد.

۸۷۵ إِنَّكَ إِن تَتْرَكَ أَوْلَادَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَتْرَكَهُمْ عَالَةً.
اگر پس از تو اطفال بی نیاز باشند بهتر است که محتاج باشند

۸۷۶ إِنَّكَ لَا تَدَعُ شَيْئًا اتَّقَا اللَّهَ إِلَّا أَعْطَاكَ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهُ.
اگر از ترس خدا از چیزی در گذری خداوند بهتر از آن را بتو
خواهد داد.

۸۷۷ إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ وَلَكِنْ سَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ.
مال شما بهمه مردم نمی‌رسد پس با اخلاق خود همه را خرسند
کنید.

۸۷۸ إِنَّ لِلتَّوْبَةِ بَابًا عَرْضَ مَا بَيْنَ مِصْرَاعِيهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
لَا يَغْلُقُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا.

توبه دری دارد که پهنای آن مانند وسعت مشرق و مغرب است و تا خورشید از مغرب طلوع نکند بسته نمیشود.

۸۷۹ إِنَّ لْجَهَنَّمَ بَابًا لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ شَفَى غِيْظَهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ.
 جهنم دروازه ای دارد که فقط کسانی که خشم خود را بگناه خدا فرو نشانده باشند از آن داخل میشوند.

۸۸۰ إِنَّ لْجَوَابِ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدَ السَّلَامِ.
 جواب نامه مانند جواب سلام لازم است.

۸۸۱ إِنَّ لِلزَّوْجِ مِنَ الْمَرْأَةِ لَشُعْبَةً مَا هِيَ لَشَىءٌ.
 شوهر در پیش زن مقامی دارد که هیچ چیز ندارد.

۸۸۲ إِنَّ لِلشَّيْطَانِ مِصَالِي وَفُخُوحًا وَإِنَّ مِنْ مِصَالِيهِ وَفُخُوحِهِ الْبَطْرُ
بِنِعْمِ اللَّهِ تَعَالَى وَالفخر بعباء الله و الكبر على عباد الله و اتباع

الهوى فى غير ذات الله.

شیطان دامها و تله ها دارد و از جمله دامها و تله های وی اینست که از نعمتهای خدا مغرور شوند و به بخششهای او تفاخر کنند و با بندگان خدا تکبر کنند و خود در کار وی پیر و هوس شوند.

۸۸۳ إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَّةً بَابْنِ آدَمَ وَ لِلْمَلِكِ لَمَّةً فَأَمَّا لَمَّةُ الشَّيْطَانِ فإِيعَادُ

بِالشَّرِّ وَ تَكْذِيبُ بِالْحَقِّ وَ أَمَّا لَمَّةُ الْمَلِكِ فإِيعَادُ بِالْخَيْرِ وَ تَصْدِيقُ

بِالْحَقِّ فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَ مِنْ

وَجَدَ الْآخِرَى فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ.

شیطان به آدمیزاد نزدیکی ای دارد و خداوند نزدیکی ای، نزدیکی شیطان وعده به بدی و تکذیب حق است و نزدیکی خداوند وعده بنیکی و تصدیق حق است هر که چنین حالی در خود یافت بداند که از جانب خداوند است و او را سپاس گزارد و هر که حال دیگر را در خود یافت از شیطان بخدا پناه ببرد.

۸۸۴ إِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا.

آنکه حق دارد گفتاری مؤثر دارد.

۸۸۵ إِنْ لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَا لِلصَّائِمِ الصَّابِرِ.

پاداش آنکه غذا میخورد و شکر میگزارد مانند روزه دار صبور است

۸۸۶ إِنْ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ وَ إِنْ فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ

هر امتی را بلیه ای هست و بلیه امت من مال است.

۸۸۷ إِنْ لِكُلِّ دِينٍ خَلْقًا وَ إِنْ خَلْقَ هَذَا الدِّينِ الْحَيَاءُ

هر دینی خوی خاص دارد و خوی دین ما حیاست.

۸۸۸ إِنْ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةٌ وَ غَايَةُ ابْنِ آدَمَ الْمَوْتُ فَعَلَيْكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ

فَإِنَّهُ يَسْهَلُكُمْ وَ يَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ.

هر رهسپاری مقصدی دارد و مقصد آدمیزاد مرگ است از یاد خدا غافل مشوید که یاد خدا کارها را آسان و شما را به آن جهان راغب می کند.

۸۸۹ إِنَّ لِكُلِّ شَجَرَةٍ ثَمْرَةً وَ ثَمْرَةُ الْقَلْبِ الْوَلَدُ.

هر درختی میوه‌ای دارد و میوه دل فرزند است.

۸۹۰ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةً وَ دَعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ وَ لَفْقِيهِ وَاحِدٌ

أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

هر چیزی اساسی دارد و اساس این دین دانش است و یک دانشمند برای شیطان از هزار عابد بدتر است.

۸۹۱ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدَنًا وَ مَعْدَنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ.

هر چیزی معدنی دارد و معدن پرهیزکاری دل عارفانست.

۸۹۲ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ

مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَخْطِئْهُ وَ مَا أَخْطَاءَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَصِيبْهُ.

هر چیزی حقیقتی دارد و بنده بحقیقت ایمان نمیرسد مگر اینکه بداند که هر چه باو رسیده ممکن نبود نرسد و هر چه بدو نرسیده ممکن نبود برسد.

۸۹۳ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى أَقْوَامًا يَخْتَصِمُ بِهِمُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ وَ يَقْرَأُ فِيهِمْ

ما بذلوا فإذا منعوها نزعتها منهم فحولها إلى غيرهم.

خداوند را گروههاست که نعمتهای خویش خاص ایشان کند تا
بندگان را منتفع کنند و مادام که دهش کنند نعمت را بنزد ایشان
نگهدارد و چون امساک کنند از آنها بگیرد و بدیگران دهد.

۸۹۴ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِبَادًا اخْتَصَّاهُمْ بِحَوَائِجِ النَّاسِ، يَفْزَعُ النَّاسَ إِلَيْهِمْ
فِي حَوَائِجِهِمْ أَوْلَىٰكَ الْآمَنُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ.

خداوند را بندگانست که خاص حوائج مردمان کرده است و
کسان در حوائج خویش بایشان پناه برند آنها از عذاب خدا ایمنند.

۸۹۵ إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا خَلَقَهُمْ لِحَوَائِجِ النَّاسِ.

خداوند بندگان را دارد که آنها را برای رفع حاجات مردم خلق
کرده است.

۸۹۶ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ أَقْوَامٍ نِعْمًا يَقْرَأُ عَنْدهُمْ مَا دَامُوا فِي حَوَائِجِ النَّاسِ
مَا لَمْ يَمْلُوا فَإِذَا مَلَّوْا نَقَلَهَا اللَّهُ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ.

خداوند پیش بعضی مردم نعمت هائی دارد که تا وقتی از انجام

حوائج مردم باز نمیمانند نعمت خود را پیش آنها نگاه میدارد و همینکه از اینکار باز ماندند نعمت را به اشخاص دیگر منتقل میکند.

۸۹۷ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ تَنْطِقُ عَلَى أَلْسِنَةٍ بَنِي آدَمَ بِمَا فِي الْمَرْءِ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ.

خداوند در زمین فرشتگانی دارد که بزبان آدمی زادگان سخن می گویند و از بد و نیک کسان خبر دهند.

۸۹۸ إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَ يَنَادِي عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ: يَا بَنِي آدَمَ قُومُوا إِلَيَّ نِيرَانَكُمْ الَّتِي أَوْ قَدْ تَمَوْهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ فَأُطْفِئُهَا بِالصَّلَاةِ.

خداوند فرشته ای دارد که هنگام نماز بانگ میزند: آدمیزادگان برخیزید و آتشفانی را که بر خویشتن افروخته اید بنماز خاموش کنید.

۸۹۹ إِنَّ مَا قَدَّرَ فِي الرَّحْمِ سَيَكُونُ

آنچه در شکم مادر مقدر شده شدنی است.

۹۰۰ إِنَّ مَثَلَ الَّذِي يَعْمَلُ السَّيِّئَاتِ ثُمَّ يَعْمَلُ الْحَسَنَاتِ كَمَثَلِ رَجُلٍ

كَانَتْ عَلَيْهِ دَرَعٌ ضَيِّقَةٌ قَدْ خَنَقَتْهُ ثُمَّ عَمِلَ حَسَنَةً فَانْفَكَّتْ حَلَقُهُ ثُمَّ

عَمِلَ أُخْرَى فَانْفَكَّتِ الْآخَرَى حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى الْأَرْضِ.

آن کس که کارهای بد میکند سپس کارهای نیک میکند مانند
مردیست که زره تنگ بتن دارد و نفس او را تنگ میکند، کار
نیکی میکند و حلقه ای از آن گشوده می شود سپس کار نیک
دیگری می کند و حلقه دیگری گشوده می شود تا بزمین می افتد.

۹۰۱ إِنَّ مَثَلَ الَّذِي يَعُودُ فِي عَطِيَّتِهِ كَمَثَلِ الْكَلْبِ أَكَلَ حَتَّى إِذَا شَبِعَ

قَاءَ ثُمَّ عَادَ فِي قَيْئِهِ ثُمَّ أَكَلَهُ.

آنکه بخشش خود را پس میگیرد مانند سگ است که بخورد و
وقتی سیر شد قی کند و آنگاه به قی کرده خود باز گردد و آن را
بخورد.

۹۰۲ إِنَّ مُحَرَّمَ الْحَالِ كَمُحَلَّلِ الْحَرَامِ.

آنکه حلال را حرام میکند مانند کسی است که حرام را حلال

می کند.

۹۰۳ إِنَّ مَطْعَمَ ابْنِ آدَمَ قَدْ ضَرَبَ مِثْلًا لِلدُّنْيَا وَ إِنَّ قَرْحَهُ وَ مَلْحَهُ

فَانْظُرْ إِلَى مَا يَصِيرُ.

غذای آدمیزاد را نمونه دنیا قرار داده اند هر قدر آن را ادویه و نمک بزنند بنگر آخر چه می شود.

۹۰۴ إِنَّ مَعَاْفَاءَ اللَّهِ الْعَبْدَ فِي الدُّنْيَا أَنْ يَسْتَرْ عَلَيْهِ سَيِّئَاتِهِ.

بخشش خداوند نسبت ببنده در این جهان اینست که گناهان او را مستور دارد.

۹۰۵ إِنَّ مَغْيِرَ الْخَلْقِ كَمَغْيِرِ الْخَلْقِ إِنَّكَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَغْيِرَ خَلْقَهُ

حَتَّى تَغْيِرَ خَلْقَ

آنکه میخواهد سیرت را تغیر دهد مانند کسی است که میخواهد صورت را تغیر دهد اگر توانستی صورت را تغیر دهی سیرت را نیز تغیر توانی داد.

۹۰۶ إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا نَشَرَهُ وَ
وَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَ مَصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ
بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَ حَيَاتِهِ
تَلَحُّقَهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ.

از جمله اعمال و نیکیهای مؤمن که بعد از مرگ بدو میرسد دانشی
 است که منتشر کرده باشد و فرزند پارسائست که بجا گذاشته
 باشد و قرآنی است که به ارث گذاشته باشد یا مسجدی که بنا
 کرده باشد یا خانه ای که برای کاروانیان بپا کرده باشد یا نهری که
 بکمک او جریان یافته باشد یا مالی که در دوران صحت و حیات
 از مال خویش جدا کرده باشد همه اینها پس از مرگ بدو میرسد.

۹۰۷ إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا.

هر کس از شما خوش خلق تر است پیش من محبوب تر است.

۹۰۸ إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَرْفَعَ الْعِلْمُ وَ يَظْهَرَ الْجَهْلُ وَ يَفْشُو
الزَّانَا وَ يَشْرَبَ الْخَمْرُ وَ يَذْهَبَ الرِّجَالُ وَ يَبْقَى النِّسَاءُ حَتَّى يَكُونَ
لِخَمْسِينَ امْرَأَةً قِيمٌ وَاحِدٌ.

از علائم رستاخیز آنستکه دانش از میان بر خیزد و جهالت آشکار شود و زنا رواج گیرد و شراب نوشند، مردان بروند و زنان بمانند تا حدیکه پنجاه زن یک سر پرست داشته باشند.

۹۰۹ إِنَّ مِنْ أَكْظَمِ الْخَطَايَا مَنْ اقْتَطَعَ مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ بَغِيرِ حَقٍّ وَ إِنَّ
مِنْ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ.

از گناهان بزرگ اینست که مال دیگری را بدون حق تصرف کنند و عیادت مریض از کارهای نیک است.

۹۱۰ إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفَهُمْ بِأَهْلِهِ.
 از همه مؤمنان ایمان آن کس کاملتر است که اخلاقش نیکتر است و با کسان خود بهتر رفتار میکند.

۹۱۱ إِنَّ مِنْ تَمَامِ إِيمَانِ الْعَبْدِ أَنْ يَسْتَثْنِيَ فِي كُلِّ حَدِيثَةٍ.
 نشانه کمال ایمان مرد اینست که در همه سخن خود استثنائی بیاورد.

۹۱۲ إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَطُولَ عَمْرُهُ وَ يَرْزُقَهُ اللَّهُ الْإِنَابَةَ.

از لوازم سعادت مرد اینست که زندگانی او دراز شود و خداوند توبه را نصیب وی کند.

۹۱۵ إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدًا أَذْهَبَ آخِرَتَهُ
بَدْنِيَا غَيْرَهُ.

بدترین مردم در نظر خدا روز رستاخیز بنده ایست که آخرت خود را برای دنیای دیگری از دست داده باشد.

۹۱۶ إِنَّ مِنْ الْبَيَانِ لَسِحْرًا وَ إِنَّ مِنْ الشَّعْرِ لِحَكْمًا وَ إِنَّ مِنَ الْقَوْلِ عِيًّا
وَ إِنَّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ جَهْلًا.

بعضی بیانه‌ها سحر است و بعضی شعرها حکمت است و بعضی سخن‌ها الکنی است و بعضی دانشجوئی‌ها جهالت است.

۹۱۷ إِنَّ مِنَ الذَّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا الصَّلَاةُ وَ لَا الصِّيَامُ وَ لَا الْحَجُّ وَ
لَا الْعُمْرَةُ، يَكْفُرُهَا الْهَمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.

بعضی گناهان هست که نماز و روزه و حج و عمره آن را محو نمی

کند فقط گرفتاری در طلب معاش آن را نابود میکند.

۹۱۸ إِنَّ مِنَ السَّرَفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا أَشْتَهَيْتَ.

یکی از اقسام اسراف اینست که هر چه میخواهی بخوری.

۹۱۹ إِنَّ مِنَ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

خوبست که مرد با مهمان خود تا درِ خانه برود.

۹۲۰ إِنَّ مِنَ النَّاسِ نَاسًا مِفَاتِيحَ لِلْخَيْرِ مِغَالِيقَ لِلشَّرِّ وَ إِنَّ مِنَ النَّاسِ

نَاسًا مِفَاتِيحَ الشَّرِّ مِغَالِيقَ لِلْخَيْرِ فَطُوبَى لِمَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِفَاتِيحَ الْخَيْرِ

عَلَى يَدَيْهِ وَ وَيلَ لِمَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِفَاتِيحَ الشَّرِّ عَلَى يَدَيْهِ.

بعضی مردم کلید خیرند و قفل شر و بعض دیگر کلید شرند و

قفل خیر خوشا بحال آن کسکه خداوند کلید خیر را در دست او

قرار داده و بدا بحال آن کس که خدا کلید شر را بدست او سپرده

است.

۹۲۱ إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ لَا تَرْضَى أَحَدًا بِسَخَطِ اللَّهِ وَ لَا تَحْمَدُ أَحَدًا

على ما آتاك الله و لا تدمّ أحدا على ما لم يؤتك الله، فإنّ الرّزق
لا يجره حرص حريص و لا يصرفه كراهة كاره .

از لوازم ایمان اینست که برای خشنودی کسان خدا را خشمگین
نسازی و بر نعمتی که خدا داده کسی را سپاس نگزاری و برای
آنچه خدا نداده کسی را مذمت نکنی که روزی به از حریصان
فزونی نگیرد و به تنفر کسان نقصان نپذیرد.

۹۲۲ إنّ مثل العلماء فی الأرض کمثل النّجوم فی السّماء یهدی بها
فی ظلمات البرّ و البحر، فإذا انطمست النّجوم أوشک أن تضلّ
الهداة.

دانشمندان در زمین مانند ستارگان آسمانند که در ظلمات خشکی
و دریا بکمک آن راه جویند و همینکه ستارگان نهان شدند ممکن
است ره یافتگان نیز گمراه شوند.

۹۲۳ إنّ من حقّ الولد على والده أن یعلمه الكتابة و أن یحسن اسمه
و أن یزوّجه إذا بلغ .

از جمله حقوق فرزند بر پدر آنست که او را نوشتن آموزد و نام

او را خوب انتخاب کند و هنگام بلوغ به او زن بدهد.

۹۲۴ إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَةٍ.

بعضی بندگان خدا هستند که اگر قسم خورند که خدا چنین میکند چنان خواهد کرد.

۹۲۵ إِنَّ مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى يَغْضَبْ عَلَيْهِ.

هر که از خدا چیزی نخواهد خدا بر او خشمگین می‌شود.

۹۲۶ إِنَّ مِنْ مُعَادِنِ التَّقْوَى تَعَلَّمَكَ إِلَى مَا قَدْ عَلِمْتَ عِلْمَ مَا لَمْ تَعْلَمْ

وَالنَّقْصُ فِيمَا قَدْ عَلِمْتَ قَلَّةُ الزِّيَادَةِ فِيهِ وَ إِنَّمَا يَزْهَدُ الرَّجُلُ فِي عِلْمٍ

مَا لَمْ يَعْلَمْ قَلَّةُ الْإِنْتِفَاعِ بِمَا قَدْ عِلْمٍ .

از جمله منابع پرهیزکاری این است که ندانسته‌ها را بیاموزی و بدانسته‌ها ضمیمه کنی، اگر افزایش دانش کم شود مایه نقصان آن میشود و کسی که از دانسته‌های خود کمتر سود برد، در آموختن ندانسته‌ها سستی میکند.

۹۲۷ إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ إِدْخَالَ السَّرُورِ عَلَى أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ.

از جمله لوازم آمرزش اینست که برادر مؤمن خود را خرسند سازی.

۹۲۸ إِنَّ مِنْ مَوْجِبَاتِ الْمَغْفِرَةِ بَذْلَ السَّلَامِ وَحَسْنَ الْكَلَامِ.

از جمله لوازم آمرزش ادای سلام و نیکی کلام است.

۹۲۹ إِنَّ مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةُ تَيْسِيرَ خُطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا.

نشان میمنت زن اینست که خواستگاریش آسان و مهرش سبک باشد.

۹۳۰ إِنَّ نَارَ كَمِ هَذِهِ جُزْءٍ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءٍ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ وَ لَوْ لَا أَنَّهَا

أُطْفِئَتْ بِالْمَاءِ مَرَّتَيْنِ مَا انْتَفَعْتُمْ بِهَا وَ إِنَّهَا لَتَدْعُوا اللَّهَ أَنْ لَا يَعِيدَهَا

فِيهَا.

این آتش شما یک جزء از هفتاد جزء از آتش جهنم است و اگر دو بار آتش خاموش نشده بود از آن بهره مند نتوانستید شد آتش دنیا از خدا می خواهد که او را بجهنم باز نگرداند.

۹۳۱ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بَرَفَقٍ وَ لَا تَبْغُضْ إِلَى نَفْسِكَ
عِبَادَةَ اللَّهِ فَإِنَّ الْمُنْبِتَ لَا أَرْضًا قَطَعَ وَ لَا ظَهْرًا أَبْقَى.

این دین محکم است بملایمت در آن پیش برو و عبادت خدا را
منفور خود مکن زیرا رهرو عجول نه راهی سپرده و نه مرکوب
خود را حفظ کرده است.

۹۳۲ إِنَّ هَذَا الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ أَهْلَكَامِنْ قَبْلِكُمْ وَ هُمَا مَهْلَكَامَكُمْ.
این دینار و درهم پیشینیان شما را هلاک کرد و شما را نیز هلاک
خواهد کرد.

۹۳۳ إِنَّ هَذِهِ الْأَخْلَاقَ مِنَ اللَّهِ فَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ خَيْرًا مَنَحَهُ
خَلْقًا حَسَنًا وَ مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا مَنَحَهُ خَلْقًا سَيِّئًا.
این اخلاق از خداوند است و خدا برای هر که نیکی خواهد خلقی
نکو بدو دهد و برای هر که بدی خواهد خلق بدی بدو دهد.

۹۳۴ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَعُ كَمَا يَصْدَعُ الْحَدِيدُ قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا قَالَ

ذکر الموت و تلاوة القرآن .

دلها مانند آهن زنگ میزند گفتند صیقل آن چیست؟ گفت یاد
مرگ و خواندن قرآن.

۹۳۵ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا.

دلها مانند ظرف است و بهتر از همه دلیست که ظرفیت آن بیشتر
است.

۹۳۶ إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَا مَتَى، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمٌّ وَلَدًا

و لا غرس غارس شجرا.

امید رحمت خدا برای امت من است اگر امید نبود مادری فرزند
خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمی کاشت.

۹۳۷ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ الْخَوَاتِيمِ.

ارزش اعمال به نیت و سرانجام آنست.

۹۳۸ إِنَّمَا الْحَلْفُ حَنْثٌ أَوْ نَدَمٌ.

نتیجه قسم شکستن است یا ندامت.

۹۳۹ إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَ إِنَّمَا الْحِلْمُ بِالتَّحَلُّمِ وَ مَنْ يَتَحَرَّ الْخَيْرَ يُعْطَهُ وَ
مَنْ يَتَّقِ الشَّرَّ يُوقَهُ.

علم از تعلم و حلم از تظاهر به حلم حاصل میشود هر که جویای
 خیر باشد همانش دهند و هر که از شر بگریزد از آن بر کنار ماند.

۹۴۰ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِنْ دِينِكُمْ فَخُذُوا بِهِ وَ إِذَا
أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْيِي فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ.

من انسانی مانند شما هستم وقتی شما را بچیزی در کار دین دستور
 دادم بدان رفتار کنید و وقتی از پیش خود شما را بچیزی فرمان
 دادم من انسان هستم.

۹۴۱ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ إِنَّ الظَّنَّ يَظُنُّ وَ يَصِيبُ وَ لَكِنْ مَا قُلْتُ
لَكُمْ قَالَ اللَّهُ فُلَانٌ أَكْذَبَ عَلَى اللَّهِ.

من انسانی مثل شما هستم و گمان بخطا یا صواب میرود ولی هر
 چه را بگویم خدا گفته است بر خدا دروغ نمی‌بندم.

۹۴۲ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنَّكُمْ تَخْتَصِمُونَ إِلَيَّ، فَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ
الْحَنُّ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَأَقْضِي لَهُ عَلَى نَحْوِ مَا أَسْمَعُ فَمَنْ قَضَيْتَ لَهُ
بِحَقِّ مُسْلِمٍ فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ فَلْيَأْخُذْهَا أَوْ يَتْرُكْهَا .

من انسانی هستم و شما دعاوی خود را پیش من می آورید شاید
 بعضی از شما دلایل خود را بهتر از دیگری بیان کند و من مطابق
 مسموعات خود بنفع او قضاوت کنم هر کس بموجب قضاوت من
 حق مسلمانی را تصرف کند پاره‌ای از آتش را به دست خود
 آورده است خواهد نگهدارد و خواهد رها کند.

۹۴۳ إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ
تَرَكَوهُ وَ إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ.
 هَلَكَ بِشِينِيَانِ شِمَا از آنجا بود که دزد معتبر را رها میکردند و
 دزد ضعیف را مجازات میدادند .

۹۴۴ إِنَّمَا بَعَثْتُ لِاتِّمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.
 من مبعوث شدم تا فضائل اخلاق را بکمال رسانم.

۹۴۵ إِنَّمَا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا بَلَاءٌ وَفِتْنَةٌ.

از دنیا جز بلا و فتنه باقی نمانده است.

۹۴۶ إِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ.

علاج نادانی سؤال است.

۹۴۷ إِنَّمَا مِثْلُ الْقَلْبِ مِثْلُ رِيشَةٍ بِالْفَلَاءِ تَعَلَّقَتْ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ يَقْلَبُهَا

الرَّيْحُ ظَهْرًا لِبَطْنٍ .

دل مانند رشته ایست در بیابانی بدرختی آویخته که باد پیوسته آن را زیر و رو میکند.

۹۴۸ إِنَّمَا يَبْعَثُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ.

مردم مطابق پندارهای خود محشور میشوند.

۹۴۹ إِنَّمَا يَتَجَالَسُ الْمُتَجَالِسَانُ بِأَمَانَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدِهِمَا أَنْ

يَفْشَى عَلَى صَاحِبِهِ مَا يَخَافُ.

جلیسان نگهدار امانت یکدیگرند و روا نیست یکی از آنها راز
رفیق خود را آشکار سازد.

۹۵۰ إِنَّمَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ يَرْجُوها وَ إِنَّمَا يَجَنَّبُ النَّارَ مَنْ يَخَافُها وَ
إِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ يَرْحَمُ.

کسی بهشت میرود که امید آن دارد و کسی از جهنم دور می
ماند که از آن بیمناک باشد، خداوند فقط بکسی رحم میکند که
رحم کند.

۹۵۱ إِنَّمَا يَدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ.
همه خوبیها را بعقل می توان دریافت و هر که عقل ندارد دین
ندارد.

۹۵۲ إِنَّمَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ عَبَادَهُ الرَّحْمَاءُ
خداوند ببندهاگان رحیم خود رحم میکند.

۹۵۳ إِنَّمَا يَسَلِّطُ اللَّهُ عَلَى ابْنِ آدَمَ مَنْ خَافَهُ ابْنِ آدَمَ وَ لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ

لم يخف غير الله لم يسلط الله عليه أحدا و إنما و كل ابن آدم لمن
 رجا ابن آدم و لو أن ابن آدم لم يرج إلا الله لم يكله الله إلى غيره.
 خداوند کسی را که آدمیزاد از او می ترسد بر وی مسلط می کند
 اگر جز خدا از کسی نمی ترسید خدا کسی را بر او مسلط نمی کرد
 آدمیزاد بکسی که بدو امیدوار است واگذار می شود و اگر جز
 خدا بکسی امید نداشت خدا او را بدیگری وانمی گذاشت.

۹۵۴ إنما يكفي أحدكم ما كان في الدنيا مثل زاد الرّاكب.
 برای شما در دنیا چیزیکه به اندازه توشه مسافری باشد کافی است.

۹۵۵ إنه يعرف الفضل لأهل الفضل أهل الفضل.
 فضیلت اهل فضیلت را صاحب فضیلت می شناسد.

۹۵۶ إنني أخرج عليكم حقّ الضّعيفين: أيتيم و المرأة.
 شما را از حق دو ضعیف بسختی بر حذر میکنم: یتیم و زن.

۹۵۷ إنني أخاف على أمتي بعدى أعمالا ثلثة: زلّة عالم و حكم جائر

و هوی متبعا.

من پس از خودم بر امتم از سه چیز بیم دارم لغزش دانا و فرمانروائی ستمگر و پیروی هوس.

۹۵۸ إني فيما لم يوح إليّ كأحدكم.

من در چیزهائیکه بمن وحی نرسیده مانند یکی از شما هستم.

۹۵۹ إني لا أخاف عليكم فيما لا تعلمون و لكن أنظروا كيف

تعملون فيما تعلمون.

من از آنچه نمیدانید نگرانی ندارم ولی باید دید آنچه را می دانید چگونه بکار می بندید.

۹۶۰ إني لا بغض المرأة تخرج من بيتها تجرّ ذيلها تشكو زوجها.

من زنی را که از خانه خود دامن کشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود دشمن دارم.

۹۶۱ إني لم أومر أن أنقب على قلوب الناس و لا أشقّ بطونهم.

من مأمور نیستم بر دلهای مردم راه یابم یا باطن آنها را بشکافم.

۹۶۲ آنهاک عن ثلاث خصال: الحسد و الحرص و الک

از سه خصلت دور باش: حسد و حرص و تکبر

۹۶۳ آنهاکم عن الزور.

از شرک و دروغ پرهیزید.

۹۶۴ آنهاکم عن قليل ما أسکر كثيره.

هر چه زیادش مست میکند از کمش نیز اجتناب کنید.

۹۶۵ إهتبلوا العفو عن عشرات ذوی المروءات.

برای گناهان جوانمردان عذر تراشی کنید.

۹۶۶ أهل الجور و أعوانهم فی النار.

ستمگران و یارانشان در جهنمند.

۹۶۷ أهون الربّا كا الّذى ينكح أمّه و إنّ أربى الربّا استطالة المرء
فى عرض أخيه.

آسانترین رباها چنانست که کسی با مادر خود زنا کند و بدترین
رباها آنست که مرد درباره عرض برادر دینی خود زبان درازی
کند.

۹۶۸ أهون أهل النار عذابا يوم القيامة رجل يوضع فى أخص
قدميه جمرتان يغلى منهما دماغه .

روز رستاخیز از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است
مردی است که دو قطعه آتش بکف پایش نهند که از حرارت آن
مغز سرش بجوش می آید.

۹۶۹ أوتيت جوامع الكلم.
سخنان مختصر و جامع را بمن دادند.

۹۷۰ أوثق سلاح إبليس النساء.
محکمترین سلاح شیطان زنانند.

۹۷۱ أوصيك أن تستحي من اللهكما تستحي من الرجل الصّالح من قومك.

بتو سفارش میکنم از خدا چنان شرم کن که از مردی پارسا از کسان خود شرم میکنی.

۹۷۲ أوصيك بتقوى الله تعالى في سرّ أمرک و علانيته و إذا أسأت فأحسن و لا تسألنّ أحدا شيئا و لا تقبض أمانة و لا تقض بين اثنين.

بتو سفارش میکنم که در نهان و عیان پرهیزکار باشی وقتی بدی کردی نیکی کن و از کسی چیزی نخواه، امانت مگیر و میان دو کس قضاوت مکن.

۹۷۳ أوصيكم بالجار.

شما را درباره همسایه سفارش می‌کنم.

۹۷۴ أولى الناس بالعفو أقدرهم على العقوبة.

هر که را قدرت مجازات بیشتر است عفو از او پسندیده تر است.

۹۷۵ أولى الناس بالتهمة من جالس أهل التهمة

هر که با متهمان آمیزش کند بیشتر از همه مردم سزاوار تهمت است.

۹۷۶ أول العبادۃ الصّمت.

نخستین مرحله عبادت خاموشی است.

۹۷۷ أول ما تفقدون من دينكم الأمانة و آخر ما تفقدون الصلوة.

نخستین چیزی که از دین خود از دست می‌دهید امانت است و آخرین چیزی که از دست می‌دهد نماز است.

۹۷۸ أول ما نهانى عنه ربى بعد عبادة الأوثان شرب الخمر و ملاحاة

الرجال.

پس از بت پرستی نخستین چیزی که خدایم مرا از آن نهی کرد شراب خواری و بدگوئی مردان بیکدیگر است.

۹۷۹ أول ما يحاسب به الصلوة.

نخستین چیزی که بحساب آن میرسند نماز است.

۹۸۰ أول ما يرفع من هذه الامة الحياء و الأمانة.

نخستین چیزی که از میان این امت بر می خیزد حیا و امانت است.

۹۸۱ أول ما يقضى بين الناس يوم القيامة فى الدماء.

نخستین بار روز رستاخیز میان مردم درباره خونها دادرسی میکنند.

۹۸۲ أول ما يوزن فى الميزان الخلق الحسن.

نخستین چیزی که در ترازو گذاشته می شود خلق نیک است.

۹۸۳ أول ما يوضع فى ميزان العبد نفقته على أهل

نخستین چیزی که در ترازوی بنده میگذارند خرجی است که برای
کسان خود کرده است.

۹۸۴ أول من يدعى إلى الجنة الحمادون الذين يحمدون الله

نخستین کسانی که بهشت دعوت می‌شوند ستایشگراند که خدا را ستایش میکنند.

۹۸۵ إِيَّاكُمْ وَالتَّسْوِيفَ وَ طُولَ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ كَانَ سَبَبًا لِهَلَاكِ الْأُمَمِ.

از اهمال و طول امل پرهیزید که موجب هلاکت اقوام است.

۹۸۶ إِيَّاكُمْ وَ التَّعَمُّقَ فِي الدِّينِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ سَهْلًا، فَخَذُوا

مِنْهُ مَا تَطِيقُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَا دَامَ مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ وَ إِنْ كَانَ يَسِيرًا.

از کنجکاوی در کار دین به پرهیزید زیرا خداوند دین را آسان قرار داده است بنابراین از مسائل دین آنچه را طاقت دارید فرا گیرید زیرا خداوند کار نیک بادوام را دوست دارد اگر چه اندک باشد

۹۸۷_ إِيَّاكُمْ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا يَأْكُلُ النَّارُ

الْحَطَبِ.

از حسد پرهیزید زیرا حسد کارهای نیک را می‌خورد چنانکه آتش هیزم را می‌خورد.

۹۸۸ إِيَّاكُمْ وَ الْحَمْرَةَ فَإِنَّهَا أَحَبُّ الزَّيْنَةِ إِلَى الشَّيْطَانِ.

از سرخی پیرهیزید زیرا سرخی از همه زینتها بنزد شیطان محبوبتر است.

۹۸۹ إِيَّاكُمْ وَ الْخَمْرَ فَإِنَّ خَطِيئَتَهَا تَفْرَعُ الْخَطَايَا كَمَا أَنَّ شَجَرَتَهَا تَفْرَعُ الشَّجَرَ.

از شراب پیرهیزید که از گناه آن گناهان میزاید چنانکه از درخت آن درختان میروید.

۹۹۰ إِيَّاكُمْ وَ الدِّينَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ.

از قرض پیرهیزید که غم شب و ذلت روز است.

۹۹۱ إِيَّاكُمْ وَ الزَّوْنَةَ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَذْهَبُ الْبَهَاءَ عَنِ الْوَجْهِ وَ

تَقْطَعُ الرِّزْقَ وَ تَسْخَطُ الرَّحْمَنَ وَ الْخُلُودَ فِي النَّارِ.

از زنا پیرهیزید که در آن چهار خصلت است رونق از چهره ببرد و روزی را ببرد و خدا را خشمگین کند و مایه عذاب جاودان شود.

۹۹۲ إِيَّاكُمْ وَ الشَّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشَّحِّ أَمْرَهُمْ بِالْبَخْلِ

فَبَخَلُوا وَ أَمْرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا وَ أَمْرَهُمْ بِالْفَجْرِ فَفَجَرُوا.

از حرص پرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند،
حرص آنها را ببخل وادار کرد و بخیل شدند. به بریدن از
خویشاوندان وادار کرد و از خویشاوندان بریدند به بدکاری
وادارشان کرد و بدکار شدند.

۹۹۳ إِيَّاكُمْ وَ الطَّمَعُ فَإِنَّهُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.

از طمع پرهیزید که فقر آماده است.

۹۹۴ إِيَّاكُمْ وَ الْعِصَّةُ النَّمِيمَةُ الْقَالَةُ بَيْنَ النَّاسِ.

از سخن چینی مردم پرهیز کنید.

۹۹۵ إِيَّاكُمْ وَ الْغُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْغُلُوِّ فِي

الدِّينِ.

از افراط در کار دین پرهیزید که پیشینیان شما از افراط در کار

دین هلاک شدند.

۹۹۶ إِيَّاكُمْ وَ الْغِيْبَةُ فَإِنَّ الْغِيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا. إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَزْنِي وَ
يَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّ صَاحِبَ الْغِيْبَةِ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ
صَاحِبُهُ.

از غیبت پرهیزید که غیبت از زنا سختتر است کسی که زنا میکند
و توبه میکند خدا توبه او را میپذیرد ولی آنکه غیبت می کند
گناهش آمرزیده نمی شود تا آنکه غیبت او را کرده است از
گناهش بگذرد.

۹۹۷ إِيَّاكُمْ وَ الْكِبْرُ فَإِنَّ إِبْلِسَ حَمَلَهُ الْكِبْرُ عَلَى أَنْ لَا يَسْجُدَ لِآدَمَ وَ
إِيَّاكُمْ وَ الْحَرَصُ فَإِنَّ آدَمَ حَمَلَهُ الْحَرَصُ عَلَى أَنْ يَأْكُلَ مِنَ الشَّجَرَةِ
وَ إِيَّاكُمْ وَ الْحَسَدُ فَإِنَّ ابْنِي آدَمَ إِنَّمَا قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ حَسَدًا فَهَنْ
أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.

از تکبر پرهیز کنید که شیطان بواسطه تکبر از سجده آدم دریغ
کرد و از حرص بگریزد که آدم بواسطه حرص از میوه درخت
بنخورد و از حسد دور مانید که هابیل بواسطه حسد قابیل را کشت

بنابراین تکبر و حرص و حسد سر چشمه همه گناهان است.

۹۹۸ إِيَّاكُمْ وَ الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ.

از دروغ پرهیزید که دروغ با ایمان سازگار نیست.

۹۹۹ إِيَّاكُمْ وَ الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ لَا يَصْلَحُ لَا بِالْجَدِّ وَ لَا بِالْهَزْلِ وَ لَا

يَعْدُ الرَّجُلُ صَبِيَّةً لَا يَفِي لَهُ وَ إِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَ إِنَّ

الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَ إِنَّ الصَّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَ إِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي

إِلَى الْجَنَّةِ.

از دروغ پرهیزید زیرا دروغ نه جدی و نه شوخی روا نیست،
انسان نباید بطفل خود وعده دهد و وفا نکند، دروغ کسان را به
بدکاری می کشاند و بدکاری آنها را بجهنم می رساند، و راستی
کسان را به نیکوکاری میکشاند و نیکوکاری آنها را بهشت
میرساند.

۱۰۰۰ إِيَّاكُمْ وَ الْمَدْحَ فَإِنَّهُ الذَّبْحُ.

از مدح کردن پرهیزید که مانند سر بریدن است.

۱۰۰۱ ایّاکم و الهوی فإنّ الهوی یعمی و یصمّ.

از هوس پرهیزید که هوس انسان را کور و کر می کند.

۱۰۰۲ ایّاکم و خضراء الدّمن قیل و ما خضراء الدّمن؟ قال المرأة

الحسنة فی منبت سوء.

از سبزه مزبله پرهیزید گفتند سبزه مزبله چیست؟ گفت زن زیبا
در خانواده بد.

۱۰۰۳ ایّاکم و دعوة المظلوم و إنّ کان من کافر فإنّ له لیس لها

حجاب من دون الله عزّ و جلّ.

از نفرین مظلوم پرهیزید اگر چه کافر باشد زیرا میان آن و خدا
حجابی نیست.

۱۰۰۴ ایّاکم و محادثة النساء فإنّ له لا یخلو رجل بامرأة لیس لها

محرم إلّا همّ بها.

از گفتگو با زنان پرهیزید که هر وقت مردی با زنی خلوت کند،

قصد او میکند.

۱۰۰۵ إِيَّاكُمْ وَ مُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ فَإِنَّمَا مِثْلُ مُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ كَمِثْلِ

قَوْمٍ نَزَلُوا بِطْنِ وَادٍ فَجَاءَ ذَا بَعُودٍ وَ جَاءَ ذَا بَعُودٍ حَتَّى حَمَلُوا مَا

أَنْضَجُوا بِهِ خَبْزَهُمْ. وَ إِنَّ مُحَقَّرَاتِ الذَّنُوبِ مِثْلُ يَأْخُذُ بِهَا صَاحِبُهَا

تَهْلِكُهُ.

از گناهان کوچک پرهیزید، مثال گناهان کوچک مانند گروهی است که در دره فرود آیند یکی چوبی آرد و دیگری چوبی آرد و آنقدر هیزم بیاورند که با مجموع آن نان خود را بپزند، گناهان حقیر نیز وقتی از مرتکب آن باز خواست کنند مایه هلاک او می شود.

۱۰۰۶ إِيَّاكَ وَ التَّسْوِيفَ بِأَمَلِكِ فَإِنَّكَ لِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَ فَإِنْ

يَكُ غَدٌ لَكَ فَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ غَدٌ

لَكَ لَمْ تَنْدَمْ عَلَى مَا فَرَّطْتَ فِي الْيَوْمِ.

از اهمال پرهیز که تو برای امروز زنده ای نه برای فردا اگر فردائی بود فردا نیز مثل امروز باش و اگر فردائی نبود از اهمال و

سستی امروز پشیمان نخواهی بود.

۱۰۰۷ إِيَّاكَ وَ السَّوْآلَ فَإِنَّهُ ذَلَّ حَاضِرٌ وَ فَقَرٌ تَتَعَجَّلُهُ.

از سؤال و تقاضا بپرهیز که سؤال ذلت نقد است و فقریست که در رسیدن آن شتاب می‌کنی.

۱۰۰۸ إِيَّاكَ وَ اللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوَّلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرُهَا نِدَامَةٌ.

از لجاجت بپرهیز که آغازش جهالت است و انجامش ندامت.

۱۰۰۹ إِيَّاكَ وَ خَصْلَتَيْنِ الضَّجْرَ وَ الْكَسَلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ

تَصْبِرَ عَلَىٰ حَقٍّ وَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَوْدَّ حَقًّا.

از دو صفت بپرهیز: ملالت و تنبلی که اگر ملول باشی حق را تحمل نکنی و اگر تنبل باشی از ادای حق باز مانی.

۱۰۱۰ إِيَّاكَ وَ كُلَّ أَمْرٍ يَعْتَذِرُ مِنْهُ.

از هر کاری که عذر آن باید خواست بپرهیز.

۱۰۱۱ ایّاک و ما یسوء الاذن.

از هر چه بگوش بد آید پرهیز.

۱۰۱۲ ایّاک و قرین السّوء فإِنَّک به تعرف.

از یار بد پرهیز که ترا بدو شناسند.

۱۰۱۳ ایّاک و محقّرات الذّنوب فإِنَّ لها من الله طالبا.

از گناهان کوچک پرهیز که خدا از آن باز خواست میکند.

۱۰۱۴ ایّاک و مصاحبه الكذاب فإِنَّه کسرّاب یقرّب إلیک البعید و

یبعّد إلیک القریب.

از مصاحبت دروغگو پرهیز که دروغگو چون سراب است دور
را نزدیک می‌نماید و نزدیک را دور.

۱۰۱۵ ایّاک و مصاحبه الأحمق فإِنَّه یرید أن ینفعک فیضرّک.

از مصاحبت احمق بگریز که می‌خواهد بتو نفع رساند ضرر

می‌رساند.

۱۰۱۶ أَيْتَهَا الْأُمَّةُ إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَكِنْ أَنْظِرُوا
كَيْفَ تَعْمَلُونَ فِيمَا تَعْلَمُونَ.

ای امت من از آنچه نمی‌دانید بر شما بیم ندارم ولی بنگرید آنچه را
می‌دانید چگونه عمل می‌کنید.

۱۰۱۷ أَيَّ دَاءٍ أَدَوِي مِنَ الْبَخْلِ.
هیچ دردی بدتر از بخل نیست.

۱۰۱۸ أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَدْخَلْتُ عَلَى قَوْمٍ مِنْ لَيْسَ مِنْهُمْ فَلَيْسَتْ مِنَ اللَّهِ فِي
شَيْءٍ وَلَنْ يَدْخُلَهَا اللَّهُ جَنَّتهُ وَأَيُّمَا رَجُلٍ جَحَدَ وَلَدَهُ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ
اِحْتَجَبَ اللَّهُ مِنْهُ وَفَضَحَهُ عَلَى رَأْسِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هر زنی فرزندی را بناحق به کسانی ملحق کند خدا از او بیزار
باشد و او را بهشت نبرد و هر مردیکه فرزند خود را که بدو
نگران است انکار کند خدا از او دور شود و روز رستاخیز وی را
میان اولین و آخرین رسوا کند.

۱۰۱۹ أَيْمًا امْرَأَةٌ اسْتَعْطَرَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا رِيحَهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ وَ كُلَّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ .

هر زنی عطر بزند و بیرون رود و بر گروهی بگذرد که بوی او را دریابند زنا کار است و هر دیده زنا کار است.

۱۰۲۰ أَيْمًا امْرَأَةٌ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا كَانَتْ فِي سَخَطِ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا أَوْ يَرْضَى عَنْهَا زَوْجُهَا .

هر زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خود بیرون رود مورد خشم خداست تا بخانه بر گردد یا شوهرش از او راضی شود.

۱۰۲۱ أَيْمًا امْرَأَةٌ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ مِنْ غَيْرِ مَا بَأْسٍ فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ .

هر زنی که بدون جهت از شوهر خود طلاق خواهد بوی بهشت بر او حرام است.

۱۰۲۲ أَيْمًا امْرَأَةٌ مَاتَتْ وَ زَوْجُهَا عَنْهَا رَاضٍ دَخَلَتْ الْجَنَّةَ .

هر زنی که بمیرد و شوهرش از او خشنود باشد بهشت میرود.

۱۰۲۳ اَيِّمًا امْرَأَةٌ نَزَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِهَا خَرَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهَا

ستره.

هر زنی که لباس خود را جز در خانه خود بیرون آورد خدا پرده خویش را از او بر گیرد.

۱۰۲۴ اَيِّمًا امْرَأَةٌ وَضَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتَ سِتْرَ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

هر زنی که لباس خود را جز در خانه شوهر بیرون آورد پرده ای را که میان او و خدا است پاره کرده است.

۱۰۲۵ اَيِّمًا امْرَأٌ وَلِيٌّ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا لَمْ يَحْطَهُمْ بِمَا يَحُوطُ نَفْسَهُ لَمْ يَرْحَ رَائِحَةُ الْجَنَّةِ .

هر کس چیزی از کار مسلمانان را بدست گیرد و در کار آنها مانند کار خود دلسوزی نکند بوی بهشت بدو نخواهد رسید.

۱۰۲۶ اَيِّمًا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَاتَّبَعَ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ أَوْزَارِ مَنْ اتَّبَعَهُ وَ

لا ينقص من أوزارهم شيئا و أيّما داع دعا إلى هدى فاتّبع فإنّ له
مثل أجور من اتّبعه و لا ينقص من أجورهم شيئا.

هر که کسان را بسوی گمراهی بخواند و او را پیروی کنند نظیر گناهان پیروان خود را بدوش می برد بدون آنکه از گناهان آنها چیزی کم شود و هر که کسان را به سوی هدایت خواند و او را پیروی کنند نظیر ثواب پیروانش نصیب او می شود بدون اینکه از ثواب آنها چیزی کم شود .

۱۰۲۷ أيّما راع غشّ رعيّته فهو في النار.

هر که با زیر دستان خود به نیرنگ رفتار کند اهل جهنم است.

۱۰۲۸ أيّما راع لم يرحم رعيّته حرّم الله عليه الجنّة.

هر کس به زیر دستان خود رحم نکند خداوند بهشت را بر او حرام کند.

۱۰۲۹ أيّما رجل استعمل رجلا على عشرة أنفس علم أنّ في العشرة

أفضل ممّن استعمل فقد غشّ الله و غشّ رسوله و غشّ جماعة

المسلمین.

هر کس مردی را بر ده تن ریاست دهد و بداند که میان آنها کسی هست که از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است.

۱۰۳۰ أَيْمًا رَجُلٌ تَدِينُ دِينًا وَ هُوَ مُجْمَعٌ أَنْ لَا يُوَفِّيهِ إِيَّاهُ لَقَى اللَّهَ

سارقا.

هر کس قرضی بگیرد و در خاطر داشته باشد که آن را نپردازد مانند دزدان محشور شود.

۱۰۳۱ أَيْمًا رَجُلٌ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَنَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهَا مِنْ صَدَاقِهَا شَيْئًا

مَاتَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ هُوَ زَانٍ وَ أَيْمًا رَجُلٌ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ بَيْعًا فَنَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهُ مِنْ ثَمَنِهِ شَيْئًا مَاتَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ هُوَ خَائِنٌ وَ الْخَائِنُ فِي

النَّارِ.

هر که زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را نپردازد هنگام مرگ چون زناکاران بمیرد و هر کس چیزی از مردی بخرد و در خاطر داشته باشد که قیمت آن را نپردازد هنگام مرگ چون

خائن‌ان بمیرد و خائن در آتش است.

۱۰۳۲ أَيْمًا رَجُل ظَلَمَ شَبْرًا مِنَ الْأَرْضِ كَلَّفَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَحْفَرَهُ
حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ سَبْعِ أَرْضِينَ ثُمَّ يَطْوِقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ
النَّاسِ.

هر کس بقدر یک وجب زمین را بناحق تصرف کند روز رستاخیز
خدا وادارش میکند که آن را تا عمق زمین هفتم بکند و طوق
گردن کند تا رسیدگی میان مردم پایان رسد.

۱۰۳۳ أَيْمًا رَجُلٍ حَالَتِ شَفَاعَتُهُ دُونَ حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ تَعَالَى لَمْ
يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ .

هر کس شفاعت او مانع از اجرای حدی شود در معرض خشم
خداست تا از کار خود دست دارد.

۱۰۳۴ أَيْمًا شَابٌ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سَنَةٍ عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مَنِّي
دِينَهُ.

هر جوانی در آغاز جوانی زن بگیرد شیطان وی بانگ برآرد وای

بر او دین خود را از دستبرد من محفوظ داشت.

۱۰۳۵ أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْجَنَّةَ.

هر مسلمانی که چهار تن بنیکی او شهادت دهند خدا او را بهشت می‌برد.

۱۰۳۶ أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عَرَى كَسَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ

خَضِرِ الْجَنَّةِ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جَوْعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ

الْقِيَامَةِ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا عَلَى ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللَّهُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ.

هر مسلمانی که مسلمان برهنه را بپوشاند خداوند از پارچه های سبز

بهشت بدو بپوشاند و هر مسلمانی که مسلمان گرسنه را سیر کند

خداوند روز رستاخیز از میوه های بهشت بدو بچشاند و هر

مسلمانی که مسلمان تشنه ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از

شربت سر بمهر به او بنوشاند.

۱۰۳۷ أَيُّمَا نَاشِئٍ نَشَأَ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ حَتَّى يَكْبُرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ

یوم القيامة ثواب اثنين و سبعين صدّيقا.

هر طفلی که در طلب علم و عبادت بزرگ شود خداوند ثواب هفتاد و دو صدیق به او عطا کند .

۱۰۳۸ أَيْمًا رَاعِ اسْتَرْعِ رَعِيَّةَ فُلْمٍ يَحْطُهَا بِالْأَمَانَةِ وَالنَّصِيحَةِ ضَاقَتْ

عَلَيْهِ رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ.

هر کس سرپرستی گروهی را بعهده گیرد و در کار آنها به امانت و دلسوزی رفتار نکند رحمت خدا که شامل همه چیز است باو نمیرسد.

۱۰۳۹ أَيْمًا وَالِ وَلِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي فُلْمٍ يَنْصَحُ لَهُمْ وَ يَجْتَهِدُ لَهُمْ

كَنْصِيحَتِهِ وَ جَهْدَهُ لِنَفْسِهِ كَبَّهَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي

النَّارِ.

هر زمامداری چیزی از کار امت مرا بدست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دل سوزی و کوشش نکند روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد.

۱۰۴۰ أَيْمًا وَالِ وَلِي فَلَانٍ وَ رَفَقَ رَفَقَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هر کس بزماداری برسد و با مردم بملايـمت و مدارا رفتار کند
خداوند روز قیامت با او مدارا کند.

۱۰۴۱ أَيْمًا وَال وَلِي مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي بَعْدِي أَقِيمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نَشْرَتِ

المَلَائِكَةُ صَحِيفَتَهُ فَإِنْ كَانَ عَادِلًا نَجَّاهُ اللَّهُ بَعْدَهُ وَ إِنْ كَانَ جَائِرًا

انْتَفَضَ بِهِ الصِّرَاطُ انْتِفَاضَةً تَزَايِلُ بَيْنَ مَفَاصِلِهِ حَتَّى يَكُونَ بَيْنَ

عَضْوِينَ مِنْ أَعْضَائِهِ مَسِيرَةُ مِائَةِ عَامٍ ثُمَّ يَنْخَرِقُ بِهِ الصِّرَاطُ.

هر زماداری که پس از من کار امت مرا بدست گیرد روز
رستاخیز بر صراط متوقف شود و فرشتگان نامه اعمال او را
بکشایند اگر عادل باشد خداوند او را بوسیله عدلش نجات دهد و
اگر ستمگر باشد صراط زیر پای او چنان بلرزد که بندهای او را از
هم جدا کند چنانکه میان دو عضو او صد سال راه فاصله باشد
سپس از صراط بیفتد.

۱۰۴۲ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَوَ اللَّهِ لَا يَظْلِمُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنًا إِلَّا أَنْتَقِمَ اللَّهُ

تَعَالَى مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ای مردم از خدا بترسید بخدا مؤمنی مؤمنی را ستم نکند جز آنکه

روز رستاخیز خدا از او انتقام گیرد.

۱۰۴۳ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ فَإِنَّ نَفْسًا لَن تَمُوتَ حَتَّى تَسْتَوْفَى رِزْقَهَا وَ إِنْ أَبْطَأَ عَنْهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ.

ای مردم از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید زیرا هیچ کس نمیبرد تا روزی خود را پایان برد اگر چه روزی او دیر برسد از خدا بترسید و در کار طلب معتدل باشید.

۱۰۴۴ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كُلَّكُمْ لَأَدَمُ وَ آدَمُ مِنْ تَرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِيٍّ إِلَّا بِالتَّقْوَى.

ای مردم خدای شما یکی و پدر شما یکی است همه فرزندان آدمید و آدم از خاک است هر کس از شما پرهیزکارتر است پیش خدا بزرگواری است عربی بر عجمی جز پرهیزکاری امتیاز ندارد،

۱۰۴۵_ أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَمِلُّ حَتَّى تَمْلُوا .

ای مردم معتدل باشید زیرا خدا ملول نمی‌شود مگر هنگامی که شما ملول شوید.

۱۰۴۶ أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَقُوا عَلَىٰ بَوَاحِدَةٍ، مَا أَحَلَّتْ إِلَّا مَا أَحَلَّ اللَّهُ
تعالی و ما حرّمت إِلَّا ما حرّم الله.

ای مردم هیچ چیز را بمن مربوط نکنید من حلال نکردم مگر آنچه را خداوند حلال کرده است و حرام نکردم مگر آنچه را خداوند حرام کرده است.

۱۰۴۷ أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قَلْتُهُ وَ مَا
جَاءَكُمْ يَخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ.

ای مردم هر چه از من برای شما نقل کردند و موافق قرآنست من گفته‌ام و هر چه برای شما نقل کردند و مخالف قرآنست من نگفته‌ام.

۱۰۴۸ أَلَا مَرَّ بِالْمَعْرُوفِ كِفَاعُهُ.

آنکه بکار نیک فرمان دهد مانند کسی است که آن را انجام

می دهد.

۱۰۴۹ الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه فإن لم تكن تراه فإنه

یراک.

نیکی آن است که خدا را چنان پرستش کنی گوئی که او را
می بینی اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

۱۰۵۰ الآخذ و المعطى سواء فى الربا.

آنکه ربا می دهد و آنکه می گیرد در گناه برابرند.

۱۰۵۱ الأرض أرض الله، و العباد عباد الله، من أحيأ مواتا فهى له.

زمین زمین خداست و بندگان بندگان خدا هستند هر که زمین
مرده ای را آباد کند متعلق به اوست.

۱۰۵۲ الأرواح جنود مجندة فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها

اختلف.

ارواح مانند سپاهیان منظمند روحهای آشنا موتلفند و روحهای نا

آشنا مختلف.

۱۰۵۳ أَلِإِسْتِغْفَارُ مِمْحَاةٍ لِلذَّنُوبِ.

استغفار وسیله محو گناهانست

۱۰۵۴ أَلِإِسْلَامُ عَلَانِيَةً وَ الْإِيْمَانُ فِي الْقَلْبِ.

اسلام آشکار است و ایمان در دل نهفته است.

۱۰۵۵ أَلِإِسْلَامُ نَظِيفٌ فَتَنْظَّفُوا فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ.

اسلام پاکیزه است شما نیز پاکیزه باشید زیرا بجز پاکیزگان کسی به بهشت نمیرود.

۱۰۵۶ أَلِإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلَى عَلَيْهِ.

اسلام برتری می گیرد و چیزی بر آن برتری نگیرد.

۱۰۵۷ أَلِإِقْتِسَادُ فِي النِّفْقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ وَ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ

الْعَقْلِ وَ حَسَنُ السَّوْآلِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

میانه روی در خرج یک نیمه معیشت است و دوستی با مردم یک نیمه عقل است و خوب پرسیدن یک نیمه دانش است.

۱۰۵۸ الإقتصاد نصف العیش و حسن الخلق نصف الدّین.

میانه روی یک نیمه معیشت است و خوش خلقی یک نیمه دین است.

۱۰۵۹ الأكبر من الإخوة بمنزلة الأب.

برادر بزرگ بمنزله پدر است.

۱۰۶۰ الأكل فی السّوق دناءة.

غذا خوردن در بازار نشان پستی است.

۱۰۶۱ الأكل مع الخادم من التّواضع

چیز خوردن با خادم از فروتنی است.

۱۰۶۲ الأمانة تجلب الرّزق و الخيانة تجلب الفقر.

امانت موجب رزق است و خیانت باعث فقر.

۱۰۶۳ الأمن و العافیة نعمتان مغبون فیهما کثیر من الناس.

امنیت و سلامت دو نعمتست که بسیاری از مردم در آن مغبونند.

۱۰۶۴ الامور کلّها خیرها و شرّها من الله.

همه چیزها بد از بد و خوب از جانب خداوند است.

۱۰۶۵ الأناة من الله و العجلة من الشیطان.

تأنی از یزدان است و شتاب از شیطان.

۱۰۶۶ الأیدی ثلاثة فید الله العلیا و ید المعطى ألتی تلیها و ید

السائل السفلى فإعط الفضل و لا تعجز عن نفسک.

دستها سه گونه است دست خداوند بالا است و دست دهنده زیر

آنست و دست سائل پائین است پس بخشش کن و دست بسته

مباش.

۱۰۶۷ ایمان الصّبر و السّماحة.

ایمان صبر است و بخشش.

۱۰۶۸ ایمان بالقدر یذهب الهمّ و الحزن.

اعتقاد بتقدیر غم و اندوه را می برد.

۱۰۶۹ ایمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان.

ایمان معرفت قلب است و گفتار زبان و عمل اعضاء.

۱۰۷۰ ایمان نصفان نصف فی الصّبر و نصف فی الشّکر.

ایمان دو نیمه است نیمی صبر و نیمی شکر.

۱۰۷۱ ایمان و العمل قرینان لا یصلح کلّ واحد منهما إلّا مع

صاحبه.

ایمان و عمل قرین یکدیگرند و هیچیک از آنها بدون دیگری درست نیست.

۱۰۷۲ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَعْرِفُونَ النَّاسَ بِالتَّوَسُّمِ.

خداوند بندگان را دارد که مردم را بفراست شناسند.

حرف ب

۱۰۷۳ بَابَانِ مَعْجَلَانِ عَقُوبَتُهُمَا فِي الدُّنْيَا أَلْبَغَىٰ وَ الْعُقُوقِ.

دو چیز است که کیفر آن را در دنیا می دهند ظلم و بد رفتاری با پدر و مادر.

۱۰۷۴ بَادِرٌ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ: شَبَابِكُ قَبْلَ هَرْمِكَ وَ صَحَّتْكَ قَبْلَ

سَقَمِكَ وَ غَنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.

چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری
صحت پیش از بیماری و توانگری پیش از فقر و زندگی پیش از
مرگ

۱۰۷۵_ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ سِتًّا: إِمَارَةُ السَّفْهَاءِ وَ كَثْرَةُ الشَّرْطِ وَ بَيْعُ

الْحَكْمِ وَ اسْتِخْفَافًا بِالدِّمِّ وَ قَطِيعَةُ الرَّحْمِ وَ نِشَاءُ يَتَّخِذُونَ الْقُرْآنَ

مزامیر یقَدّمون أحدهم لیغنیهم و إن کان أقلّهم فقها.

فرصت را برای اعمال نیک پیش از آنکه شش چیز رخ دهد
 غنیمت شمارید، فرمانداری سفیهان و کثرت شرط در کار معامله و
 فروش منصبها و کوچک شمردن خونریزی و بریدن با
 خویشاوندان و تازه رسیدگانی که قرآن را به آواز خوانند و یکی
 را بامامت وادارند که برای آنها تغنی کند اگر چه دانش او کمتر
 باشد.

۱۰۷۶ بادروا بالأعمال فتنا كقطع الليل المظلم: یصبح الرجل مؤمنا
و یمسی كافرا، و یمسی مؤمنا و یصبح كافرا، یبیع أحدهم دینه
بعرض من الدّنيا قليل.

فرصت را برای اعمال نیک پیش از آنکه فتنه هائی مانند پاره های
 شب تاریک پدید آید غنیمت شمارید در آن هنگام انسان صبح
 مؤمن است و شب کافر می شود شب کافر است و روز مؤمن
 میشود و دین خود را به عرض ناچیز دنیا می فروشند.

۱۰۷۷ باکروا بالصّدقه فإنّ البلاء لا يتخطى الصّدقه.

بامداد خود را با صدقه آغاز کنید زیرا بلا از صدقه نمیگذرد.

۱۰۷۸ باکروا فی طلب الرّزق و الحوائج فإنّ الغدوّ برکة و نجاح.

صبح زود در طلب روزی و حاجتهای خود بروید، زیرا صبح خیزی مایه برکت و رستگاریست.

۱۰۷۹ بئس العبد المحتکر: إن أرخص الله تعالى الأسعار حزن و إن

أغلاها الله فرح.

چه بد است محتکر اگر خدا قیمتها را ارزان کند غمگین شود و اگر گران کند خوشحال گردد.

۱۰۸۰ بئس الطّعام طعام العرس يطعمه الأغنياء و يمنعهم المساکين.

چه بد است غذای عروسی که ثروتمندان از آن بخورند و فقیران محروم مانند.

۱۰۸۱ بئس القوم قوم لا ينزلون الضیف.

چه بدند مردمی که مهمان بخانه نمی آورند.

۱۰۸۲ بئس القوم قوم یمشی المؤمن فیهم بالتقیّة و الکتمان.

چه بدند مردمیکه مؤمن در میان آنها با تقیه و کتمان راه رود.

۱۰۸۳ بحسب المرء إذا رأى منكرا لا یستطیع له تغییرا أن یعلم الله

تعالی أنّه له منکر .

برای مرد کافست که وقتی نا روائی دید و نمی تواند آن را تغییر دهد خدا بداند که قلبا از آن بیزار است.

۱۰۸۴ بحسب امریء من الشرّ أن یشار إليه بالأصابع فی دین أو دنیا

إلا من عصمه الله .

برای مرد این بدی کافست که در کار دین یا دنیا انگشت نما باشد جز کسی که خدایش حفظ کند.

۱۰۸۵ بریء من الشّحّ من أدّى الزّکاة و قرى الضیف و أعطی فی

النّائبة.

هر که زکات خود را پردازد و مهمان بخانه ببرد و هنگام سختی
بخشش کند از بخل بر کنار است.

۱۰۸۶ برّ الوالدین یجزیء عن الجهاد.

نیکی با پدر و مادر جای جهاد را می گیرد.

۱۰۸۷ برّ الوالدین یزید فی العمر و الکذب ینقص الرّزق و الدّعاء
یردّ القضاء.

نیکی با پدر و مادر عمر را افزون کند و دروغ روزی را کاهش
دهد و دعا قضا را دفع کند.

۱۰۸۸ برّدوا طعامکم یبارک لکم فیه.

غذای خود را سرد کنید تا برکت یابد.

۱۰۸۹ برّوا آباءکم تبرّکم أبناءکم و عفوّا تعفّ نساؤکم.

با پدران خود نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند و عقیف
باشید تا زنان شما عقیف باشند.

۱۰۹۰ بشر المشائين فى ظلم الليل إلى المساجد بالنور التام يوم

القيامة.

به آنها که در ظلمات شب بسوی مسجدها میروند بشارت بده که
روز رستاخیز روشنی کامل دارند.

۱۰۹۱ بشرى الدنيا الرؤيا الصالحة.

بشارت این جهان رؤیای نیک است.

۱۰۹۲ بعثت بالحنيفية السمحة و من خالف سنتى فليس منى.

من دینی ساده و آسان آورده ام و هر که با روش من مخالفت کند
از من نیست.

۱۰۹۳ بعثت بمدارة الناس.

من بمدارا با مردم مبعوث شده ام.

۱۰۹۴ بلّوا أرحامكم و لو بالسّلام.

با خویشان نزدیکی جوئید اگر چه بوسیله سلام باشد.

۱۰۹۵ بنی الإسلام علی خمس: شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمدا

رسول الله و إقام الصلاة و إيتاء الزكاة و حج البيت و صوم

رمضان.

اسلام بر پنج چیز استوار شده: شهادت اینکه خدائی جز خدای

یگانه نیست و محمد پیغمبر خدا است و پیاداشتن نماز و ادای

زکوة و زیارت خانه و روزه رمضان.

۱۰۹۶ بیت لا صبیان فیہ لا برکة فیہ.

خانه که بچه در آن نیست برکت در آن نیست.

۱۰۹۷ بین العالم و العابد سبعون درجة.

میان عالم و عابد هفتاد درجه است.

۱۰۹۸ بین العبد و بین الکفر ترک الصلوة.

میان بنده و کفر ترک نماز فاصله است.

۱۰۹۹ بین العبد و الجنّة سبع عقاب أهونها الموت و أصعبها

الوقوف بين يدي الله تعالى إذا تعلّق المظلومون بالظّالمين.

میان بنده و بهشت هفت عقبه است که آسان تر از همه مرگ است
و سختتر از همه توقف در پیشگاه خداست هنگامیکه ستم کشان
دامن ستمگران را بگیرند.

۱۱۰۰ بین يدي السّاعة أيّام الهرج.

پیش از رستاخیز روزگاری آشفته است.

۱۱۰۱ بین يدي السّاعة فتن كقطع اللّيل.

پیش از رستاخیز فتنه ها پدید آید چون قطعات شب تاریک.

۱۱۰۲ ألبادیء بالسّلام بریء من الکبر.

آنکه سلام آغاز می کند از تکبر بر کنار است.

۱۱۰۳ ألبخیل من ذکره عنده فلم یصلّ علیّ.

بخیل آنست که مرا پیش او یاد کنند و بر من صلوات نفرستد.

۱۱۰۴ ألبذاء شؤم و سوء الملكة لؤم.

بدزبانی مایه شئامت است و بد سیرتی سرچشمه لئامت.

۱۱۰۵ ألبرّ حسن الخلق و الإثم ما حاك في الصدر و كرهت أن

يطلع عليه الناس.

نیکی خلق نیک است و گناه آنست که بر دل ننشیند و دوست
نداری که مردم از آن مطلع شوند .

۱۱۰۶ ألبرّ لا یبلی و الذنب لا ینسی و الدیان لا یموت إعمل ما

شئت فکما تدین تدان .

نیکی کهنگی نگیرد و بدی فراموشی نپذیرد و خدای عادل نمیرد
هر چه میخواهی بکن که هر چه کنی سزایت دهند.

۱۱۰۷ ألبرّ ما اطمأنّ إليه القلب و اطمأنت إليه النفس و الإثم ما

حاك في النفس و تردّد في الصدر و إن أفتاك المفتون.

نیکی آنست که دل بدان آرام گیرد و روح از آن اطمینان یابد و
بدی آنست که بر دل ننشیند و دوست نداری مردم از آن خبر دار
شوند دیگران هر چه می خواهند بگویند.

۱۱۰۸ أَلْبِرْكَةُ فِي أَكَابِرِنَا فَمَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ يَجَلَّ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ
مَنَا.

برکت در بزرگان ماست و هر کس بر کوچک ما رحم نکند و
بزرگ ما را محترم نشمارد از ما نیست .

۱۱۰۹ أَلْبِرْكَةُ فِي نَوَاصِي الْخَيْلِ.
برکت در پیشانی اسبانست.

۱۱۱۰ أَلْبِرْكَةُ مَعَ أَكَابِرِكُمْ.
برکت با بزرگان شماست.

۱۱۱۱ أَلْبَطَانَةُ تَقْسِي الْقَلْبَ.
پر خوری دل را سخت میکند.

۱۱۱۲ ألبغايا اللاتي ينكحن أنفسهنّ بغير بينة.

زنانی که بی حضور شاهد شوهر میکنند زنا کارند.

۱۱۱۳ ألبكاء من الرّحمه و الصّراخ من الشّيطان.

گریه از رحمت است و فریاد از شیطانست.

۱۱۱۴ ألبلاء موکل بالقول ما قال عبد لشيء: «لا والله لا أفعله

أبدا» إلاّ ترك الشّيطان كلّ عمل و ولع بذلك منه حتّى يؤثمه.

بلا به سخن وابسته است. وقتی بنده ای گوید بخدا هرگز این کار را نمی‌کنم شیطان همه کارها را بگذارد و سخت دلبستگی کند تا او را بگناه وا دارد.

۱۱۱۵ ألبلاء موکل بالمنطق فلو أنّ رجلا عيّر رجلا برضاع كلبه

لرضعها.

بلا به سخن وابسته است اگر کسی دیگری را بشیر خوردن از سگی سرزنش کند از او شیر خواهد خورد.

۱۱۱۶ أَلْبَلَدُ بِلَادِ اللَّهِ وَ الْعِبَادُ عِبَادَ اللَّهِ فَحَيْثَمَا أَصَبْتَ خَيْرًا فَأَقِم.

زمین زمین خداست و بندگان بندگان خدایند، هر جا نیکی بتو رسید اقامت گیر.

۱۱۱۷ أَلْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ يَتَرَاءَى لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا

تَتَرَاءَى النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ .

سخانه ای که در آن قرآن خوانده میشود در نظر اهل آسمان چنان مینماید که ستارگان در نظر اهل زمین.

حرف ت

۱۱۱۸ تَأْكُلُ النَّارُ ابْنَ آدَمَ إِلَّا أَثَرَ السَّجُودِ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى

النَّارِ أَنْ تَأْكُلَ أَثَرَ السَّجُودِ.

آتش جهنم آدمیزاد را می خورد جز جای سجده را زیرا خداوند جای سجده را بر آتش حرام کرده است.

۱۱۱۹ تبسّمک فی وجه أخیک لک صدقه، و أمرک بالمعروف و
 نهیک عن المنکر صدقه و إرشادک الرّجل فی أرض الضّلال لک
 صدقه و إمادتک الحجر و الشّوک و العظیم عن الطّریق لک
صدقه.

لبخند تو بر روی برادرت صدقه است امر بمعروف و نهی از منکر
 کردنت صدقه است و رهنمائی کسی که راه را گم کرده صدقه
 است و دور کردن سنگ و خار و استخوان از راه صدقه است.

۱۱۲۰ تبنون ما لا تسکنون و تجمعون ما لا تأکلون و تأملون ما لا
تدرکون.

خانه ها میسازید که در آن سکونت نمیگیرید و چیزها فراهم
 میکنید که نمی خورید و آرزوها دارید که بدان نمیرسید.

۱۱۲۱ تجافوا عن ذنب السّخیّ فإنّ الله أخذ بیده کلّما عثر.
 گناه سخاوتمند را ندیده بگیرید که هر دم بلغزد خدایش دست
 بگیرد.

۱۱۲۲ تجافوا عن عقوبه ذوی المروءه ما لم تکن حدّا من حدود
الله.

از عقوبت کردن جوانمردان در گذرید مگر آنکه حد بر آنها لازم
شده باشد.

۱۱۲۳ تجاوزوا عن ذنب السّخیّ و زلّة العالم و سطوة السّلطان العادل
فإنّ الله تعالى أخذ بیده کّلما عاثر منهم.

از گناه سخاوتمند و لغزش دانا و سطوت پادشاه در گذرید که هر
یک از آنها را پای بلغزد خدایشان دست بگیرد.

۱۱۲۴ تجاوزوا لذوی المروءه عن عثراتهم فوالذی نفسی بیده إنّ
أحدهم لیعثر و إنّ یده لفی ید الله.

از لغزش جوانمردان بگذرید زیرا بخدائی که جان من بدست
اوست جوانمرد می لغزد و دست او در دست خداست.

۱۱۲۵ تجد المؤمن مجتهدا فیما یطیق متلهّفا علی ما لا یطیق.

مؤمن چنانست که در کار خیر هر چه تواند کوشد و هر چه را

نتواند بآرزو خواهد

۱۱۲۶ تجدون من شرّ الناس ذا الوجهين الذي يأتي هؤلاء بوجه و
هؤلاء بوجه.

بدترین مردم شخص دو روست که با گروهی روئی و با گروهی
دیگر روی دیگر دارد.

۱۱۲۷ تحرّوا الصّدق و إن رأيتم أن فيه الهلكة فإن فيه النّجاء و
اجتنبوا الكذب و إن رأيتم أن فيه النّجاء فإن فيه الهلكة.

راستی کنید اگر چه پندارید مایه هلاک است که راستی مایه
نجات است و از دروغ پرهیزید اگر چه پندارید مایه نجات است
که دروغ مایه هلاک است.

۱۱۲۸ تحفة المؤمن الموت.
مرگ ارمغان مؤمن است.

۱۱۲۹ تحفة المؤمن فى الدّنيا الفقر.

ارمغان مؤمن در این جهان فقر است.

۱۱۳۰ تحفظوا من الأرض فإنّها أمّكم و إنّّه ليس من أحد عامل

عليها خيراً أو شراً إلّا و هي منخبة به.

حرمت زمین را بدارید که بمنزله مادر شماست و هر که روی
زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر میدهد.

۱۱۳۱ تخلّلوا فإنّه نظافه و النظافه تدعوا إلى الإيمان و الإيمان مع

صاحبه فى الجنّة .

دندانها را تمیز کنید زیر مایه نظافت است و نظافت باعث ایمان
است و ایمان با صاحب خود در بهشت است.

۱۱۳۲ تخيّرُوا لنطفكم فإنّ النساء يلدن أشباه إخوانهنّ و أخواتهنّ.

برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر
برادران و خواهران خود فرزند می آورند.

۱۱۳۳ تخيّرُوا لنطفكم و اجتنبوا هذا السّواد فإنّه لون مشوّه.

برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید و از سیاهان
بپرهیزید که سیاهی رنگ زشتی است.

۱۱۳۴ تدارکوا الهموم و الغموم بالصدقات یکشف الله تعالی
ضرکم و ينصرکم علی عدوکم .

از رنج و غمها بوسیله صدقه جلوگیری کنید تا خدا رنجتان را بر
طرف کند و شما را بر دشمنان فیروزی دهد.

۱۱۳۵ تداووا بألبان البقر فإني أرجوا أن يجعل الله فيها شفاء فإنها
تأكل من كل الشجر .

با شیر گاو مداوا کنید زیرا من امیدوارم که خدا در آن شفا قرار
داده باشد زیرا از همه درختان میچرد.

۱۱۳۶ تداووا عباد الله فإن الله تعالى لم يضع داء إلا وضع له دواء
غير داء واحد الهرم .

بندگان خدا امراض خود را مداوا کنید زیرا خدا مرضی پدید
نیآورده جز آنکه دوائی برای آن قرار داده مگر یک درد که

پیری است.

۱۱۳۷ تداووا فَإِنَّ الَّذِي أَنْزَلَ الدَّاءَ أَنْزَلَ الدَّوَاءَ.

مداوا کنید زیرا آنکه درد را فرستاد دوا را نیز فرستاد.

۱۱۳۸ تَدْرُونَ مَا يَقُولُ الْأَسَدُ فِي زُئِيرِهِ؟ يَقُولُ: اَللّٰهُمَّ لَا تَسَلِّطْنِيْ عَلٰی

أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْمَعْرُوفِ .

می دانید شیر در غرش خود چه می گوید؟. گوید خدایا مرا بر هیچکس از نیکوکاران مسلط مکن .

۱۱۳۹ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَوَادِّهِمْ وَتَعَاطِفِهِمْ كَمَثَلِ

الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عَضْوَاهُ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى .

مؤمنان در مهربانی و دوستی یک دیگر چون اعضای یک پیکرند که وقتی عضوی بدرد آید اعضای دیگر آرام نگیرند.

۱۱۴۰ تَرِكَ الدُّنْيَا أَمْرًا مِنَ الصَّبْرِ وَ أَشَدَّ مِنْ حَطَمِ السَّيُوفِ فِي سَبِيلِ

اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ .

گذشتن از دنیا از صبر تلختر و از شکستن شمشیرها در راه خدا
سخت تر است.

۱۱۴۱ ترک الوصیّة عار فی الدّیّا و نار و شنار فی الآخرة.

وصیت نکردن مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است.

۱۱۴۲ ترک فیکم شیئین لن تضلّوا بعدهما: کتاب الله و سنتی و

لن یتفرّقا حتّی یردا علیّ الحوض.

دو چیز در میان شما گذاشتم که با وجود آنها گمراه نخواهید شد،
کتاب خدا و روش من و از هم جدا نمیشوند تا بر سر حوض بمن
برسند.

۱۱۴۳ تزوّجوا النّساء فإنّهنّ یأتین بالمال.

زن بگیرید که زنان توانگری می آورند.

۱۱۴۴ تزوّجوا الودود الود فإنی مکاثر بکم الأنبیاء.

زن مهربان و بچه آور بگیرید زیرا من بکثرت شما بر سایر

پیغمبران افتخار می کنم.

۱۱۴۵ تزوّجوا فَإِنِّي مكاثر بكم الامم و لا تكونوا كرهبايئة
النّصارى.

زن بگیرد که من بکثرت شما بر ملل دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش مگیرد.

۱۱۴۶ تزوّجوا و لا تطلّقوا فَإِنَّ اللَّهَ لا يحبّ الذّواقين و لا -
الذّواقات.

زن بگیرد و طلاق مدهد زیرا خداوند مردانی را که مکرر زن گیرند و زنانی را که مکرر شوهر کنند دوست ندارد.

۱۱۴۷ تزوّجوا و لا تطلّقوا فَإِنَّ الطّلاق يهتزّ منه العرش.
زن بگیرد و طلاق مدهد زیرا عرش از وقوع طلاق می لرزد.

۱۱۴۸ تساقطوا الضّغائن.
کینه ها را دور بیندازد.

۱۱۴۹ تسَحَّرُوا فَإِنَّ فِي السَّحَرِ بَرَكَهً.

سحر خیز باشید زیرا سحر خیزی مایه برکت است.

۱۱۵۰ تصافحوا يذهب الغلّ عن قلوبكم.

با یکدیگر دست بدهید تا کینه از دلهای شما برود.

۱۱۵۱ تصدّقوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ فَكاككم من النار.

صدقه بدهید زیرا صدقه مایه آزادی شما از آتش جهنم است.

۱۱۵۲ تصدّقوا فسيأتى عليكم زمان يمشى الرجل بصدقته فيقول

الذى يأتیه بها: لو جئت بها بالأمس لقبلتها فأما الآن فلا حاجة لى

فيها فلا يجد من يقبلها.

صدقه بدهید زیرا زمانی بیاید که انسان برای صدقه دادن برود و

آنکه صدقه را برای او برده اند گوید اگر دیروز آورده بودی

قبول می کردم اما امروز بدان حاجت ندارم و کسی را نیابد که

صدقه او را قبول کند.

۱۱۵۳ تصدّقوا و لو بتمرّة فإنّها تسدّ من الجائع و تطفئ الخبيثه
كما يطفئ الماء النار .

صدقه بدهيد و گر چه يك خرما باشد زيرا رنج گرسنه ای را
 تخفیف میدهد و گناه را خاموش میکند چنانکه آب آتش را
 خاموش میکند.

۱۱۵۴ تعافوا الحدود فيما بينكم فما بلغني من حدّ فقد وجب.
 در میان خودتان از گناهانی که موجب مجازات است در گذرید
 زیرا وقتی گناهی به اطلاع من رسید مجازات آن واجب است.

۱۱۵۵ تعافوا يسقط الضّغائن بينكم.
 همدیگر را ببخشید تا کینه هایتان از میان برخیزد.

۱۱۵۶ تعرض الأعمال على الله تعالى يوم الإثنين و الخميس فيغفر
الله إلّا ما كان من متشاحنين أو قاطع رحم.
 روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال را بر خداوند عرضه می دارند و

خداوند گناه کسان را میبخشد مگر گناه ستیزه جویان و کسی که از خویشاوندان بریده باشد.

۱۱۵۷ تعرض الأعمال يوم الإثنين و الخميس على الله و تعرض
على الأنبياء و على الآباء و الأمّهات يوم الجمعة فيفرون بحسناتهم
و تزداد وجوههم بياضا و إشراقا فاتّقوا الله و لا تؤذوا موتاكم.
 روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال را بر خداوند عرضه میدارند و روز
 جمعه از نظر پدران و مادران می گذرانند و از کارهای نیک
 خوشحال میشوند و چهره هایشان سفید و روشن میشود پس از خدا
 بپرهیزید و مردگان خود را اذیت مکنید.

۱۱۵۸ تعرّف إلى الله في الرّخاء يعرفك في الشّدّة.
 در موقع آسایش خدا را بشناس تا در موقع سختی ترا بشناسد.

۱۱۵۹ تعشّوا و لو بكفّ من حشف فإنّ ترك العشاء مهرمة.
 شام بخورید اگر چه مشتی خرما ی پست باشد زیرا شام نخوردن
 مایه ضعف و پیری است.

۱۱۶۰ تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لِلْعِلْمِ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ

تَعَلَّمُونَ مِنْهُ.

دانش بیاموزید و با دانش وقار و آرامش آموزید و نسبت به
آموزگار خویش فروتن باشید.

۱۱۶۱ تَعَلَّمُوا مَا شِئْتُمْ أَنْ تَعَلَّمُوا فَلَنْ يَنْفَعَكُمْ اللَّهُ بِالْعِلْمِ حَتَّى تَعْمَلُوا

بِمَا تَعْلَمُونَ.

هر چه خواهید بیاموزید زیرا خداوند شما را از علم منتفع نکند
مگر آنکه هر چه را میدانید بکار بندید.

۱۱۶۲ تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ ثَلَاثِ فَوَاقِرَ: جَارُ سَوْءٍ إِنْ رَأَى خَيْرًا كَتَمَهُ وَ

إِنْ رَأَى شَرًّا أَذَاعَهُ وَ زَوْجَةٌ سَوْءٍ إِنْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا لَسَنَتَكَ وَ إِنْ غَبَتْ

عَنْهَا خَانَتَكَ وَ إِمَامٌ سَوْءٍ إِنْ أَحْسَنْتَ لَمْ يَقْبَلْ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرَ.

از سه چیز بخدا پناه ببرید که کمر شکن است: همسایه بد که اگر
خیری ببیند مستور دارد و اگر بدی ببیند منتشر سازد و همسر بدی
که اگر پیش وی باشی بد زبانی کند و اگر پیش وی نباشی بتو

خیانت کند و پیشوای بدی که اگر نیکی کنی نپذیرد و اگر بدی کنی نبخشد.

۱۱۶۴ تعوذوا بالله من جهد البلاء و درک الشقاء و سوء القضاء و
شماتة الأعداء.

از بلا و بدبختی و قضای بد و سرزنش دشمنان بخدا پناه ببرید.

۱۱۶۵ تفتح أبواب السماء فی کلّ یوم اثنین و خمیس فیغفر فی
ذلک الیوم لكلّ عبد لا یشرک بالله شیئا إلاّ من بینہ و بین أخیه
شحناء.

هر روز دوشنبه و پنجشنبه درهای آسمان گشوده میشود و در آن
روز گناهان هر کس را که برای خدا شریک قائل نباشد ببخشند
مگر آنکس که با برادر خود دشمنی داشته باشد.

۱۱۶۶ تفتح أبواب السماء نصف اللیل فینادی مناد: هل من داع
فیستجاب له؟ هل من سائل فیعطی؟ هل من مکروب فیفرّج عنه؟ فلا
یبقی مسلم یدعو بدعوة إلاّ استجاب الله تعالی له إلاّ زانیة تسعى

بفرجها أو عشار.

نیمشب درهای آسمان را بگشایند و یکی ندا کند آیا کسی هست
دعا کند تا مستجاب شود، آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا باو
داده شود، آیا غمزده ای هست که غمش تخفیف یابد در این
هنگام هر مسلمانی چیزی بخواهد خداوند خواهش او را می پذیرد
مگر زن زناکاری که با ناموس خود کسب کند یا عشاری که مال
مردم بستم میگیرد.

۱۱۶۸ تفتح أبواب السماء و يستجاب الدعاء في أربعة مواطن: عند

التقاء الصفوف في سبيل الله و عند نزول الغيث و عند إقامة

الصلاة و عند رؤية الكعبة.

چهار موقع درهای آسمان را بگشایند و دعاها را مستجاب کنند.
هنگام تلاقی صف مبارزان در راه خدا و هنگام نزول باران و
هنگام نماز و هنگام دیدار کعبه.

۱۱۶۹ تفرغوا من هموم الدنيا ما استطعتم فإنه من كانت الدنيا أكبر

همّه أفشى الله ضيعته و جعل فقره بين عينيه و من كانت الآخرة

أكبر همه جمع الله تعالى أمره و جعل غناه في قلبه.

هر چند توانید از غم دنیا فارغ مانید زیرا هر که غم جهان بیشتر خورد خداوند مالش را فراوان کند و فقر او را روبرویش نهد و هر که غم آخرت بیشتر خورد خداوند کارش را بنظام آرد و بی نیازی او را در دلش قرار دهد.

۱۱۷۰ تفکروا فی آلاء الله و لا تفکروا فی الله.

در نعمتهای خدا بیندیشید اما درباره ذات خدا میندیشید.

۱۱۷۱ تفکروا فی الخلق و لا تفکروا فی الخالق فإنکم لا تقدرون

قدره.

درباره خلق بیندیشید و درباره خالق میندیشید که بکنه ذات او نتوانید رسید.

۱۱۷۲ تفکروا فی خلق الله و لا تفکروا فی الله فتهلکوا.

درباره خلق تفکر کنید و درباره خدا تفکر مکنید که هلاک خواهید شد.

۱۱۷۳ تفکّروا فی کلّ شیء و لا تفکّروا فی ذات الله.

در همه چیز بیندیشید ولی در ذات خدا میندیشید.

۱۱۷۴ تقبّلوا لی بست أتقبّل لكم بالجنّة إذا حدّث أحدکم فلا

یکذب و إذا وعد فلا یخلف و إذا ائتمن فلا یخن غصّوا أبصارکم و

کفّوا أیدیکم و احفظوا فروجکم.

شش چیز را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم،

وقتی که یکی از شما سخن گوید دروغ نگوید و هنگامی که

وعده دهد تخلف نکند و وقتی امانت به او سپارند خیانت نکند،

دیده خود را ببندید و دست خود را نگه دارید و عورت خود را

محفوظ دارید.

۱۱۷۵ تقرّبوا إلى الله ببغض أهل المعاصی و ألقوهم بوجوه

مکفهرّة و التمسوا رضا الله بسخطهم و تقرّبوا إلى الله بالتّباعد منهم.

بوسیله دشمنی گناهکاران به خدا نزدیک شوید و با آنها با چهره

های عبوس دیدار کنید و خشنودی خدا را در ناخشنودی آنها

بجوئید و بوسیله دوری از آنها بخدا تقرب جوئید.

۱۱۷۶ تمام البرّ أن تعمل فی السرّ عمل العلانیة.

کمال نیکی آنست که در نهان همان کنی که آشکارا میکنی.

۱۱۷۷ تمسّحوا بالأرض فإنّها بکم برّة.

زمین را مسح کنید که نسبت به شما نیکست.

۱۱۷۸ تناصحوا فی العلم و لا یکتّم بعضکم بعضا فإنّ الخیانة فی

العلم أشدّ من الخیانة فی المال.

در کار دانش یار هم دیگر باشید و دانش خود را از یکدیگر پوشیده مدارید که خیانت در علم بدتر از خیانت در مالست.

۱۱۷۹ تناکحوا تکثروا فإنّی أباهی بکم الامم یوم القیامة.

ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود زیرا من در روز رستاخیز بفزونی شما بر امتهای دیگر افتخار می کنم.

۱۱۸۰ تنام عینای و لا ینام قلبی.

چشمان من بخواب میرود ولی دلم بخواب نمیرود.

۱۱۸۱ تنزهوا من البول فإنّ عامّة عذاب القبر منه.

از بول پرهیزید زیرا بیشتر عذاب قبر از آن است.

۱۱۸۲ تنظّفوا بكلّ ما استطعتم فإنّ الله تعالى بنى الإسلام على

النّظافة و لن يدخل الجنّة إلّا كلّ نظیف.

هر چه می توانید پاکیزه باشید زیرا خداوند اسلام را بر پاکیزگی
نهاده و جز مردم پاکیزه کسی بهشت نمیرود.

۱۱۸۳ تنکح المرأة لأربع، لمالها، و لحسبها و لجمالها و لدينها فاظفر

بذات الدّین تربّت یداک.

زن را برای چهار چیز گیرند، مال و شرف و جمال و دین و تو زن
دین دار بجوی.

۱۱۸۴ تواضع للمحسن إليك و إن كان عبدا حبشيّا و انتصف ممّن

أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِنْ كَانَ حَرًّا قَرَشِيًّا.

هر که با تو نیکی کند با وی متواضع باش و گر چه برده حبشی
است و هر که با تو بدی کند از او انتقام بگیر و گر چه آزاد
قرشی است.

۱۱۸۵ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ وَ لَا

تَكُونُوا جَبَابِرَةً الْعُلَمَاءَ.

با استاد و با شاگرد خود تواضع کنید و دانشمندان سرکش مباشید.

۱۱۸۶ تَوَاضَعُوا وَ جَالِسُوا الْمَسَاكِينَ تَكُونُوا مِنْ كِبَرَاءِ اللَّهِ وَ

تَخْرُجُوا مِنَ الْكِبَرِ.

فروتنی کنید و با فقیران بنشینید تا در پیش خدا بزرگ باشید و از
تکبر برکنار مانید .

۱۱۸۷ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ.

از خدا بخشش بخواهید زیرا من هر روز صد بار از او بخشش
میخواهم.

۱۱۸۸ توبوا إلى ربّكم من قبل أن تموتوا و بادروا بالأعمال الزّاكية

قبل أن تشغلوا.

پیش از آنکه مرگ فرا رسد توبه کنید و پیش از آنکه گرفتار شوید کارهای نیک انجام دهید .

۱۱۸۹ تهادوا تحابّوا فإنّ الهدیّة تضعّف الحبّ و تذهب بغوائل

الصدّر.

هدیه بیک دیگر بدهید تا رشته محبتتان استوار شود زیرا هدیه محبت را بیافزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد.

۱۱۹۰ تهادوا تردادوا حبّا و هاجروا تورثوا أبنائکم مجدا و أقیلوا

الکرام عثراتهم.

هدیه بیکدیگر بدهید تا محبتتان افزون شود و مهاجرت کنید تا برای فرزندان خود بافتخار بجا آرث نهید و از لغزش بزرگان درگذرید.

۱۱۹۱ تهادوا إن الهدیة تذهب و خز الصّدر و لا تحقرنّ جارةً
لجارتها و لو شقّ فرسن شاء .

هدیه بیکدیگر بدهید زیرا هدیه دلگیری را از میان میبرد و هدیه
را اگر چه یک قطعه پارچه بز باشد حقیر نشمارید.

۱۱۹۲ تهادوا فإنّ الهدیة تذهب بالسّخیمه و لو دعیت إلى کراع
لأجبت و لو أهدی إلى کراع لقبلت.

هدیه بیکدیگر بدهید که هدیه دلگیری را از میان میبرد اگر مرا به
کت گوسفندی دعوت کنند میروم و اگر کت گوسفندی بمن
هدیه دهند می پذیرم.

۱۱۹۳ تهادوا فإنّ الهدیة تضعّف الحبّ و تذهب بغوائل الصّدر.
هدیه بیکدیگر بدهید زیرا هدیه محبت را فزون میکند و دل گیری
ها را از میان میبرد.

۱۱۹۴ ألّتائب من الذّنّب کمن لا ذنب له و إذا أحبّ الله عبدا لم
یضرّه ذنب.

کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و وقتی خدا بنده ای را دوست داشت گناه او را زیان نمیرساند.

۱۱۹۵ أَلْتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَيْهِ كَالْمُسْتَهِزِءِ بِرَبِّهِ وَ مَنْ آذَى مُسْلِمًا كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الذَّنُوبِ مِثْلُ مَنْابِتِ النَّخْلِ.

کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و کسی که از گناه آمرزش طلبد و باز مرتکب آن شود چنانست که پروردگار خویش را مسخره کند و هر که مسلمانی را آزار رساند گناهش باندازه نخلستان هاست.

۱۱۹۶ أَلْتَّاجِرُ الْأَمِينُ الصَّدُوقُ الْمُسْلِمُ مَعَ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
تاجر درستکار راست گوی مسلمان روز رستاخیز با شهیدان است.

۱۱۹۷ أَلْتَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِّيقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ.
تاجر راستگوی درستکار با پیمبران و صدیقان و شهیدانست.

۱۱۹۸ ألتاجر الصدوق لا يحجب من أبواب الجنة.

برای تاجر راستگوی بر در های بهشت حجابی نیست.

۱۱۹۹ ألتاجر الجبان محروم و التاجر الجسور مرزوق.

تاجر کم دل حرمان برد و تاجر پر دل روزی خورد.

۱۲۰۰ ألتاجر ينتظر الرّزق و المحتكر ينتظر اللّعة.

تاجر در انتظار روزیست و محتکر در انتظار لعنت.

۱۲۰۱ ألتانی من الله و العجلة من الشّيطان.

تانی از یزدان است و شتاب از شیطان.

۱۲۰۲ ألتحدّث بنعم الله شكر و تركه كفر و من لا يشكر القليل لا

يشكر الكثير و من لا يشكر الناس لا يشكر الله و الجماعة خير و

الفرقة عذاب.

گفتگو از نعمتهای خداوند شكر است و ترك آن كفر است و هر

که بنعمت کم سپاس نگذارد، سپاس نعمت بسیار را نخواهد گذاشت و هر که مردم را سپاس ندارد سپاس خدا را نخواهد داشت اجتماع مایه نیکی است و تفرقه موجب رنج و عذاب است.

۱۲۰۳ التّدیر نصف العیش و التّودّد نصف العقل و الهمّ نصف الهرم و قلّة العیال أحد الیسارین.

تدیر یک نیمه معیشت است و مردم داری یک نیمه عقل است و غم یک نیمه پیری است و کمی عیال یک نیمه توانگری است.

۱۲۰۴ التّدلّ للحقّ أقرب إلى العزّ من التّعزّز بالباطل.

کسی که در مقابل حق خوار شود عزیزتر از آنست که بباطل عزت جوید.

۱۲۰۵ التّسویف شعار الشّیطان یلقیه فی قلوب المؤمنین.

اهمال شعار شیطانست که آن را در دل مؤمنان افکند.

۱۲۰۶ التّمر بالتّم و الحنطه بالحنطه و الشّعیر بالشّعیر و الملح بالملح

مثلاً بمثل یدا بید فمن زاد و استزاد فقد أربى إلا ما اختلفت ألوانه.

خرما در مقابل خرما، گندم در مقابل گندم و جو در مقابل جو،
نمک در مقابل نمک، جنس در مقابل جنس و مشتمل در مقابل
مشتمل بدهید و بگیریید هر کس بیشتر بدهد یا بگیرد ربا خوار است
مگر آنکه در جنس مختلف باشد.

۱۲۰۷ ألتواضع لا يزيد العبد إلا رفعة فتواضعوا يرفعكم الله و

العفو لا يزيد العبد إلا عزاً فاعفوا يعزكم الله و الصدقة لا تزيد

المال إلا كثرة فتصدقوا يرحمكم الله .

تواضع مایه رفعت است تواضع کنید تا خدا شما را رفعت بخشد،
بخشش مایه عزت است بخشش کنید تا خدا شما را عزیز سازد.
صدقه موجب فزونی مال است صدقه بدهید تا خدا شما را رحمت
آرد.

۱۲۰۸ ألتودة في كل شيء خير إلا في عمل الآخرة.

تأنی در همه چیز نیک است جز در کار آخرت.

۱۲۰۹ التَّوْبَةُ وَ الْإِقْتَصَادُ وَ السَّمْتُ الْحَسَنُ جُزْءٌ مِنْ أَرْبَعَةٍ وَ عَشْرِينَ
جُزْءٍ مِنَ النَّبَوَّةِ.

تانی و صرفه جوئی و نیکنامی یک جزء از بیست و چهار جزء
پیغمبری است.

۱۲۱۰ أَلْتَّوْبَةُ النَّصُوحُ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ: حِينَ يَفْرُطُ مِنْكَ فَتَسْتَغْفِرُ
اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ لَا تَعُودُ إِلَيْهِ أَبَدًا.

توبه کامل پشیمانی از گناهست که وقتی گناه از تو سر زد از خدا
آمرزش طلبی و دیگر هرگز مرتکب آن نشوی.

۱۲۱۱ أَلْتَّوْبَةُ مِنَ الذَّنْبِ أَنْ لَا تَعُودَ إِلَيْهِ.
توبه گناه این است که دیگر مرتکب آن نشوی.

حرف ث

۱۲۱۲ ثَلَاثٌ أَحْلَفَ عَلَيْهِنَّ: لَا يَجْعَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ لَهْ سَهْمٌ فِي
الْإِسْلَامِ كَمَنْ لَا سَهْمَ لَهُ وَ أَسْهَمَ الْإِسْلَامُ ثَلَاثَةً: الصَّلَاةُ وَ الصَّوْمُ وَ

الزكاة و لا يتولى الله عبدا في الدنيا فيوليه غيره يوم القيامة و لا
 يحبّ رجل قوما إلا جعله الله معهم و الرابعة لو حلفت عليها رجوت
 أن لا آثم، لا يستر الله عبدا في الدنيا إلا ستره يوم القيامة.

سه چیز است که من درباره آن قسم می خورم، خداوند کسی را
 که در اسلام سهمی دارد مانند کسیکه سهمی ندارد قرار نمی دهد،
 سهمهای اسلام سه تاست، نماز و روزه و زکوة وقتی خدا با بندهای
 دوستی کرد روز قیامت او را به دیگری وانمی گذارد و هر که
 گروهی را دوست دارد خدا ویرا با آنها محشور کند و چهارمین اگر
 درباره آن سوگند خورم امیدوارم گناه نباشد وقتی خدا کار بنده
 ایرا در دنیا مستور داشت در روز رستا - خیز نیز مستور خواهد
 داشت .

۱۲۱۳ ثلاث أعلم أنّهنّ حق: ما عفا امرء عن مظلمة إلا زاد الله
 تعالى بها عزّا و ما فتح رجل على نفسه باب مسألة يبتغى بها كثرة
 إلا زاد الله تعالى بها فقرا و ما فتح رجل على نفسه باب صدقة
 يبتغى بها وجه الله تعالى إلا زاد الله كثرة.

سه چیز است که می دانم حقست هر که ستمی را که بر او رفته

ببخشاید خدایش عزت دهد و هر که از زیاده طلبی در سؤال بر خویش بگشاید خدا فقر او را افزون کند و هر که برضای خدا صدقه دهد خدا مالش را زیاد کند.

۱۲۱۵ ثلاث أقسم عليهنّ: ما نقص مال قطّ من صدقة فتصدّقوا و لا عفا رجل عن مظلمة ظلمها إلاّ زاده الله تعالى بها عزّاً فاعفوا يزدكم الله عزّاً و لا فتح رجل على نفسه باب مسألة يسأل الناس إلاّ فتح الله عليه باب فقر.

سه چیز است که درباره آن قسم میخورم هیچ وقت مال از صدقه کاهش نگیرد پس صدقه بدهید و هیچکس ستمی را که بر او رفته است نبخشد مگر آنکه خداوند عزت او را بیافزاید پس ببخشید تا خداوند عزت شما را بیفزاید و هیچ کس در سؤال را بر خود نگشاید و تن بسؤال ندهد مگر آنکه خداوند در فقر را بر او بگشاید.

۱۲۱۶ ثلاث أقسم عليهنّ: ما نقص مال عبد من صدقة و لا ظلم عبد مظلمة صبر عليها إلاّ زاده الله عزّ و جلّ عزّاً و لا فتح عبد باب

مسألهٔ إلاً فتح الله عليه باب فقر و أحدثكم حديثاً فاحفظوه: إنما الدنيا لأربعة نفر: عبد رزقه الله مالا و علما فهو يتقى فيه ربه و يصل فيه رحمه و يعلم لله فيه حقاً فهذا بأفضل المنازل.

و عبد رزقه الله علما و لم يرزقه مالا فهو صادق النية يقول: لو أن لي مالا لعملت بعمل فلان فهو بنيته فأجرهما سواء. و عبد رزقه الله مالا و لم يرزقه علما يخبط في ماله بغير علم: لا يتقى فيه ربه و لا يصل فيه رحمه و لا يعلم لله فيه حقاً فهذا بأخبث المنازل. و عبد لم يرزقه الله مالا و لا علما فهو يقول: لو أن لي مالا لعملت فيه بعمل فلان فهو بنيته فوزرهما سواء.

سه چیز است که من درباره آن سوگند می خورم مال کسی از صدقه دادن کاهش نپذیرد و کسیکه ستمی بیند و بر آن صبر کند خدا عزت او را بیافزاید و هر کس دست بسؤال گشاید خداوند در فقر را بر او باز کند و سخنی با شما می گویم که آنرا بخاطر بسپارید، مردم دنیا چهار گونه اند یکی خدا مال و دانش باو داده در مالداري جانب خدا را رعایت کند و خویشاوندان را دست گیرد و داند که خدا را در مال او حقی هست و او مقامی بر جسته دارد یکی دیگر خداوند باو دانش داده و مال نداده نیتی صادق

دارد گوید اگر مال داشتم مانند فلانی رفتار میکردم او پیرو نیت خویش است و پاداش آنها برابر است دیگری خداوند باو مال داده و دانش نداده در مال خود بدون دانش تصرف کند، جانب خدا را رعایت نکند و خویشاوندان را دست نگیرد و در مال خویش حقی برای خدا قائل نیست وی مقامی پست دارد و یکی دیگر خدا نه مال باو داده و نه دانش گوید اگر مالی داشتم مانند فلانی رفتار میکردم او پیرو نیت خویش است و گناهشان مساوی است.

۱۲۱۸ ثلاثة إذا رأيتهنّ فعند ذلك تقوم الساعة: خراب العامر و
عمارة الخراب و أن يكون المعروف منكرا و المنكر معروفا و أن
يتمرس الرجل بالأمانة تمرس البعير بالشجرة.

سه چیز است که وقتی رخ داد متعاقب آن رستاخیز پیا می شود آن که آباد را ویران و ویران را آباد کنند و نیک بد و بدی نیک شود و شخص با امانت بازی کند چنان که شتر با درخت بازی می کند.

۱۲۱۹ ثلاثة حقّ على الله تعالى عونهم: ألمجاهد في سبيل الله و

المکاتب الذی یریدا الأداء و النّاکح الذی یرید العفاف.

سه کسند که یاری آنها بر خدا لازم است آن که در راه خدا جهاد کند و بنده ای که برای آزادی خود قرارداد بسته و میخواهد قیمت آن را پردازد و کسی که بمنظور عفت زن میگیرد.

۱۲۲۰ ثلاثة فی ظلّ العرش یوم القيامة یوم لا ظلّ إلاّ ظلّه: و اصل
الرحم یرید الله فی رزقه و یمدّ فی أجله و امرأة مات زوجها و
ترک علیها أیتاما صغارا و قالت: لا أتزوج علی أیتامی حتی یموتوا
أو یغنیهم الله و عبد صنع طعاما فأضاف ضیفه و أحسن نفقته فدعا
علیه الیتیم و المسکین فأطعمهم لوجه الله عزّ و جلّ.

سه کس روز رستاخیز هنگامی که سایه ای جز سایه عرش نیست در سایه آن جای دارند، کسی که با خویشان نیکی کند خداوند روزی او را زیاد و عمرش را دراز کند و زنی که شوهرش بمیرد و اطفال صغیری باقی گذارد و وی گوید من با وجود یتیمان خود شوهر نمیکنم تا بمیرند یا خداوند آنها را بی نیاز کند و کسی که غذائی فراهم آورد و بمهمان خود بخوراند و پذیرائی او را کامل کند سپس یتیم و فقیر را بر آن دعوت کند و آنها را برای رضای

خدا غذا دهد .

۱۲۲۱ ثلاثة قد حرم الله عليهم الجنة مدمن الخمر و العاق و
الديوث الذى يقرّ فى أهله الخبث.

سه کسند که خداوند بهشت را بر آنها حرام کرده است شرابخوار
و آنکه پدر و مادر از او ناراضی باشند و دیوث که بی ناموسی را
در خانواده خود ندیده گیرد.

۱۲۲۲ ثلاثة لا تجاوز صلاتهم آذانهم: العبد الأبق حتى يرجع و
امرأة باتت و زوجها عليها ساخط و إمام قوم و هم لها كارهون
سه کسند که نمازشان از گوشهاشان بالاتر نمیروند بنده فراری تا
باز گردد و زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او خشمگین باشد و
پیشوای قومی که آن قوم از او متنفر باشند.

۱۲۲۳ ثلاثة لا تحرم عليك أعراضهم المجاهر بالفسق و الإمام
الجائر و المبتدع.

سه کسند که آبرویشان محترم نیست. آنکه بفسق تجاهر کند و

پیشوای ستمگر و بدعت گزار.

۱۲۲۴ ثلاثة لا تسئل عنهم: رجل فارق الجماعة و عصی إمامه و

مات عاصيا و أمة أو عبد أبق من سيده فمات و امرأة غاب عنها

زوجها و قد كفها مؤونة الدنيا فتبرجت بعده فلا تسأل عنهم.

سه کسند که از آنها سخن مگوی مردی که از جماعت دوری گرفته و پیشوای خود را نافرمانی کرده و بر نافرمانی در گذشته باشد، و کنیز یا بنده ای که از آقای خود گریخته و در حال گریز مرده باشد و زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و او در غیبت شوهرش آرایش کند، از آنها سخن مگوی.

۱۲۲۵ ثلاثة لا يجيبهم ربك عزّ و جلّ رجل نزل بيتا خربا و رجل

نزل على طريق السبيل و رجل أرسل دابته ثم جعل يدعو الله أن

يحبسها.

سه کسند که خدا دعایشان را نمیپذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردیکه حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگهدارد.

۱۲۲۶ ثلاثة لا يحجبون النار: ألمنان و عاقّ والديه و مدمن الخمر.

سه کسند که میان آنها و جهنم حجابی نیست، منت گزار و عاق
پدر و مادر و شرابخوار.

۱۲۲۷ ثلاثة لا يدخلون الجنة أبدا: الديوث و الرجل من النساء و

مدمن الخمر.

سه کسند که هرگز داخل بهشت نمی شوند دیوث و زنان مرد نما
و شرابخوار.

۱۲۲۸ ثلاثة لا يدخلون الجنة ألعاقّ لوالديه و الديوث و رجله

النساء.

سه کسند که داخل بهشت نمی شوند عاق پدر و مادر و دیوث و
زنان مرد نما.

۱۲۲۹ ثلاثة لا يدخلون الجنة: مدمن الخمر و قاطع الرحم و مصدق

بالسحر.

سه کسند که داخل بهشت نشوند شرابخوار و آنکه از خویشان ببرد
و آنکه جادو را تصدیق کند .

۱۲۳۰ ثلاثة لا يردّ الله دعائهم: الذاكر الله كثيرا و المظلوم و

الإمام المقسط.

سه کسند که خدا دعایشان را رد نمیکند آنکه فراوان یاد خدا کند
و ستمدیده و پیشوای دادگر.

۱۲۳۱ ثلاثة لا يريحون رائحة الجنة: رجل ادّعى إلى غير أبيه و

رجل كذب علىّ و رجل كذب على عينيه.

سه کسند که بوی بهشت بدانها نمیرسد مردی که خود را بکسی
جز پدرش نسبت دهد و مردی که بر من دروغ بندد و کسی که بر
خلاف آنچه دیده است سخن گوید.

۱۲۳۲ ثلاثة لا يستخفّ بحقهم إلّا منافق ذو الشّيبة في الإسلام و ذو

العلم و إمام مقسط .

سه کسند که هر که تحقیرشان کند منافق است آن که مویش در

اسلام سپید شده باشد و دانشمند و پیشوای دادگستر.

۱۲۳۳ ثلاثة لا يقبل لهم صلاة و لا ترفع لهم إلى السماء حسنة العبد
الآبق حتى يرجع إلى موالیه و المرأة السّاخط علیها زوجها حتى
یرضی و السّکران حتى یصحو.

سه کسند که دعایشان پذیرفته نمیشود و کار نیکشان را با آسمان
نمیبرد بنده گریزان تا پیش صاحب خود باز گردد و زنی که
شوهر از او ناراضی باشد تا وی را خشنود کند و مست تا هنگامی
که بهوش آید.

۱۲۳۴ ثلاثة لا يقبل الله منهم يوم القيامة صرفا و لا عدلا: عاق و
مّنان و مکذّب بالقدر.

سه کسند که روز رستاخیز خداوند از آنها عوضی نمیپذیرد عاق و
منت گذار و کسیکه تقدیر را تکذیب کند.

۱۲۳۵ ثلاثة لا یکلمهم الله يوم القيامة و لا ینظر إلیهم: رجل حلف
علی سلعته لقد أعطی بها أكثر ممّا أعطی و هو کاذب و رجل حلف

علی یمین کاذبه لیقتطع بها مال رجل مسلم و رجل منع فضل مائه
فیقول الله ألیوم أمتنع فضلی کما منعت فضل ما لم تعمل یداک.
 سه کسند که روز قیامت خداوند بآن‌ها سخن نگوید و بآنها ننگرد
 مردی که به دروغ قسم خورد که جنس خود را بیشتر از قیمت
 واقعی خریده است و مردیکه قسم بدروغ خورد تا مال مسلمانی را
 تصرف کند و مردیکه آب زیادی خود را از کسان دریغ کند
 خداوند گوید اکنون کرم خود را از تو دریغ کنم چنانکه تو نیز
 مازاد چیزی را که دست تو در تهیه آن دخالت نداشت دریغ
 کردی.

۱۲۳۶ ثلاثة لا یکلمهم الله یوم القیامة و لهم عذاب ألیم: شیخ زان و
ملک کذاب و عائل مستکبر.

سه کسند که خداوند روز رستاخیز با آنها سخن نمی گوید و
 عذابی دردناک دارند پیر زنا کار و پادشاه دروغ گو و فقیر متکبر.

۱۲۳۷ ثلاثة لا ینتصفون من ثلاثة حرّ من عبد و عالم من جاهل و
قویّ من ضعیف.

سه کس از سه کس انتقام نگیرند آزاد از بنده و دانا از نادان و توانا از ناتوان.

۱۲۳۸ ثلاثة لا ينظر الله إليهم غدا: شيخ زان و رجل إتخذ الإيمان بضاعة يحلف من كل حق و باطل و فقير مختال يزهو.

سه کسند که روز رستاخیز خدا بسوی آنها نمینگرد پیر زنا کار و مردی که قسم را سرمایه خود قرار داده در حق و باطل قسم میخورد و فقیر متکبر و مغرور.

۱۲۳۹ ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة ألعاق لوالديه و المرأة المترجلة المتشبهة بالرجال و الديوث.

سه کسند که خدا روز رستاخیز بسوی آنها نمینگرد عاق والدین و زنی که مرد نما باشد و دیوث.

۱۲۴۰ ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة و لا يزكيهم و لهم عذاب أليم: أشمط زان و عائل مستكبر و رجل جعل الله بضاعته لا يشتري إلا بيمينه و لا يبيع إلا بيمينه.

سه کسند که در روز رستاخیز خدا بسوی آنها نمینگرد و پاکشان

نمیکند و عذابی دردناک دارند پیر زنا کار و فقیر متکبر و مردی
که خدا را سرمایه خود کرده چیزی نخرد مگر با قسم و چیزی
نفرود شد مگر با قسم.

۱۲۴۱ ثلاثة لا ينفع معهنّ عمل، الشّرك بالله و عقوق الوالدين و
الفرار من الزّحف.

سه گناهست که با وجود آن هیچ کار نیکی سودمند نیست شریک
قرار دادن برای خدا و ناخشنودی پدر و مادر و فرار از جنگ.

۱۲۴۲ ثلاثة من السّعادة و ثلاثة من الشّقاء فمن السّعادة: المرأة
الصّالحة تراها فتعجبك و تغيب عنها فتأمنها على نفسها و مالک و
الدّابة تكون و طيئة فتلحقك بأصحابك و الدّار تكون واسعة كثيرة
المرافق و من الشّقاء المرأة تراها فتسوءك و تحمل لسانها عليك و
إن غبت عنها لم تأمنها على نفسها و مالک و الدّابة تكون قطوفا فإن
ضربتها أتعبتك و إن تركتها لم تلحقك بأصحابك و الدّار تكون
ضيقة قليلة المرافق.

سه چیز است مایه خوشبختی است و سه چیز مایه بدبختی است

آنچه مایه خوشبختی است زن پارسائست که دیدارش ترا مسرور سازد و از او غایب شوی و وی را بر عفت خویش و مال خود امین دانی و مرکب راهوار که ترا بمقصد رساند و خانه ایکه وسیع باشد و جای فراوان داشته باشد، و سه چیز که مایه بدبختی است زنی است که دیدارش ترا دلگیر سازد و با تو زبان درازی کند و اگر از او غایب شوی ویرا بر عفت خویش و مال خود امین ندانی و مرکب کند رفتار که اگر او را بزنی ترا برنج اندر آرد و اگر بحال خود گذاری ترا بمقصد نرساند و خانه کوچک که جای کم داشته باشد.

۱۲۴۳ ثلاثه من قالهنّ دخل الجنّة: من رضی بالله ربّا و بالإسلام دینا و بمحمّد رسولاً و الرّابعة لها من الفضل کما بین السّماء و الأرض و هی الجهاد فی سبیل الله عزّ و جلّ .

سه چیز است که هر که بگوید داخل بهشت میشود هر که خدا را پروردگار و اسلام را دین و محمد را پیغمبر خود داند و چهارمی فضیلتی بزرگ مانند زمین و آسمان دارد و آن جهاد در راه خداوند است.

۱۲۴۴ ثلاثة من كنّ فيه يستكمل إيمانه رجل لا يخاف في الله لومة

لائم و لا يرائي بشيء من عمله و إذا عرض عليه أمران أحدهما

للدنيا و الآخر للآخرة اختار أمر الآخرة على الدنيا .

سه چیز است که در هر که باشد ایمان او کامل است. مردی که در کار خدا از ملامت گران بیم ندارد و در کار خویش ریا نمیکند و اگر دو کار پیش آید که یکی مربوط دنیا و دیگری مربوط به آخرت است کار آخرت را بر دنیا ترجیح دهد.

۱۲۴۵ ثلاثة من مكارم الأخلاق عند الله: أن تعفو عمن ظلمك و

تعطي من حرمك و تصل من قطعك.

سه چیز است که در پیش خدا از فضائل اخلاق است، آنکه از ستم‌گر درگذری و کسی را که تو را محروم کرده است عطا دهی و با آنکه از تو بریده است پیوند گیری.

۱۲۴۶ ثلاثة مواطن لا تردّ فيها دعوة عبد: رجل يكون في بريّة

حيث لا يراه أحد إلا الله فيقوم فيصلي و رجل يكون معه فئة فيفِرّ
عنه أصحابه فيثبت و رجل يقوم من آخر الليل.

سه مورد است که دعای کسی در آن رد نمیشود یکی آن که
مردی در بیابانی باشد که جز خدا کسی او را نمی بیند و برخیزد و
نماز گزارد دیگر آنکه مردی با گروهی در جنگ باشد و یاران
وی بگریزند و او استوار ماند و سوم آن که مرد در آخر شب
برای عبادت برخیزد.

۱۲۴۷ ثلاثة نفر كان لأحدهم عشرة دنائير فتصدق منها بدينار و
كان لآخر عشر أواق فتصدق منها بأوقية و آخر كان له مائة أوقية
فتصدق منها بعشر أواق هم في الأجر سواء كلّ تصدق بعشر ماله.

سه نفر بودند یکی ده دینار داشت و یک دینار صدقه داد و
دیگری ده اوقیه طلا داشت و یک اوقیه صدقه داده و سومی صد
اوقیه طلا داشت و ده اوقیه صدقه داد همه در ثواب برابرند زیرا
هر کدام ده یک مال خود را صدقه داده اند.

۱۲۴۸ ثلاثة هم حدّاث الله يوم القيامة، رجل لم يمش بين اثنين

بمراء قطّ و رجل لم يحدث نفسه بزنا قطّ و رجل لم يخلط كسبه
بربا قطّ.

سه کسند که روز قیامت هم صحبت خدایند کسیکه میان دو تن
سخن چینی نکند و کسیکه هیچ وقت بفکر زنا نیفتاده باشد و
کسیکه کسب خود را بربا نیامیخته باشد.

۱۲۴۹ ثلاثة يتحدّثون في ظلّ العرش آمين و الناس في الحساب:
رجل لم تأخذه في الله لومة لائم و رجل لم يمدّ يديه إلى ما لا يحلّ
له و رجل لم ينظر إلى ما حرم الله عليه .

سه کسند که در سایه عرش آسوده گفتگو میکنند و مردم گرفتار
حسابند آنکه در راه خدا از ملامتگران باک ندارد و آنکه دستهای
خود را بآنچه بر او حلال نیست دراز نکند و کسی که بآنچه خدا
بر او حرام کرده ننگرد.

۱۲۵۰ ثلاثة يحبّهم الله عزّ و جلّ: رجل قام من الليل يتلوا كتاب
الله و رجل تصدّق صدقةً بيمينه يخفيها من شماله و رجل كان في
سريّة فانهزم أصحابه فاستقبل العدوّ.

سه کسند که خدا آنها را دوست میدارد کسیکه شب برخیزد و کتاب خدا را بخواند و کسی که با دست راست خود صدقه دهد و آن را از دست چپ خود مخفی دارد و کسیکه با گروهی بجنگ رود و یارانش بگریزند و او بسوی دشمن رود.

۱۲۵۱ ثلاثة يحبهم الله و ثلاثة يبغضهم الله فأما الذين يحبهم الله: فرجل أتى قوما فسألهم بالله و لم يسألهم لقراءة بينه و بينهم فمنعوه فتخلف رجل بأعقابهم فأعطاه سرّاً لا يعلم بعطيته إلا الله و الذى أعطاه و قوم ساروا ليلتهم حتى إذا كان النّوم أحبّ إليهم ممّا يعدل به فوضعوا رؤسهم فقام أحدهم يصلى و يتلوا آيات الله و رجل كان فى سرية فلقى العدوّ فهزموا فأقبل بصدّره حتى يقتل أو يفتح له و الثلاثة الذين يبغضهم الله: الشّيح الزّانى و الفقير المختال و الغنىّ الظّلم .

سه کسند که خدا آنها را دوست دارد و سه کسند که خدا آنها را دشمن دارد، آنها که خدایشان دوست دارد یکی آنکس که مردی پیش گروهی آید و بنام خدا از آنها چیزی خواهد نه بنام خویشاوندی که میان آنهاست و چیز باو ندهند و او از آنها کناره

گیرد و محرمانه باو چیزی دهد که جز او و خدا از آن خبردار نشود دیگر کسیکه با قومی شبانه راه سپارد و وقتی خواب از همه چیز برای آنها دلچسب تر باشد سرهای خود را بزمین گذارند وی بر خیزد و نماز گزارد و قرآن بخواند، سوم مردی که با گروهی بجنگ رود و با دشمن روبرو شوند یارانش - بگریزند و او سینه در مقابل دشمن سپر کند تا کشته شود یا فیروز گردد و سه کس که خدایشان دشمن دارد پیر زنا کار است و فقیر متکبر و ثروتمند ستمگر.

۱۲۵۲ ثَلَاثَةٌ يَحِبُّهُمْ اللَّهُ وَ ثَلَاثَةٌ يَشْنُوهُمْ اللَّهُ: الرَّجُلُ يَلْقَى الْعَدُوَّ فِي فِتْنَةٍ وَ يَنْصَبُ لَهُمْ نَحْرَهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَوْ يَفْتَحَ لِأَصْحَابِهِ وَ الْقَوْمَ يَسَافِرُونَ فَيَطُولُ سِرَاهُمْ حَتَّى يَحْبُوا أَنْ يَمْسُوا الْأَرْضَ فَيَنْزِلُونَ فَيَتَخَلَّى أَحَدُهُمْ فَيَصَلِّي حَتَّى يَوْقُظَهُمْ لِرَحِيلِهِمْ وَ الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الْجَارُ يُؤْذِيهِ جَارُهُ قَيْصِرٌ عَلَى أَذَاهُ حَتَّى يَفَرِّقَ بَيْنَهُمَا مَوْتٌ أَوْ ظَعْنٌ وَ الَّذِينَ يَشْنُوهُمْ اللَّهُ: التَّاجِرُ الْحَلَّافُ وَ الْفَقِيرُ الْمُخْتَالُ وَ الْبَخِيلُ الْمَنَّانُ.

سه کسند که خدا دوستشان دارد، و سه کسند که خدا دشمنشان

دارد، یکی مردی که هم راه گروهی با دشمن روبرو شود و سینه مقابل آنها سپر کند تا کشته شود یا یاران خود را فیروز سازد دیگر آنکه با گروهی سفر کند و پیاده راه سپرند تا خوابشان گیرد و فرود آیند و او از یاران خود کناره گیرد و نماز خواند تا هنگام رحیل آنها را بیدار کند سوم مردی که همسایه اش او را آزار میکند و آزار وی را تحمل کند تا مرگ یا سفر میانشان جدائی اندازد و آنها که خداوند دشمنشان دارد، تاجر قسمخوار و فقیر متکبر و بخیل منتگزار است.

۱۲۵۳ ثلاثة يدعون الله عزّ وجلّ فلا يستجاب لهم، رجل كانت تحته امرأة سيّئة الخلق فلم يطلقها و رجل كان له على رجل مال فلم يشهد عليه و رجل آتى سفيها ماله و قد قال الله تعالى و لا تؤتوا السفهاء أموالكم.

سه کسند که دعا کنند و دعایشان اجابت نشود کسی که زن بد اخلاق دارد و او را طلاق ندهد و کسیکه مالی پیش کسی دارد و شاهد بر آن نگیرد و کسی که مال خود را به سفيهي سپارد در صورتیکه خداوند گفته است اموال خود را بدست سفيهان

مسیارید.

۱۲۵۴ ثلاث جدّهنّ جدّ و هزلهنّ جدّ: النّکاح و الطّلاق و الرّجعة.

سه چیز است که جدی آن جدیست و شوخی آن نیز جدی است،
نکاح و طلاق و رجوع.

۱۲۵۵ ثلاث حقّ علی الله أن لا یردّ لهم دعوة: الصائم حتّی یفطر و

المظلوم حتّی ینتصر و المسافر حتّی یرجع.

سه کسند که بر خدا لازمست دعایشان را رد نکند روزه دار تا
افطار کند و ستمدیده تا ستم از او دفع شود و مسافر تا بوطن خود
باز گردد.

۱۲۵۶ ثلاث حقّ علی کلّ مسلم: الغسل یوم الجمعة و السّواک و

الطّیب.

سه چیز است که بر هر مسلمانی لازمست غسل جمعه و مسواک
زدن و استعمال بوی خوش.

۱۲۵۷ ثلاث خصال من سعادة المرء المسلم في الدنيا: أَلْجَار الصَّالِح
والمسكن الواسع و المركب الهنيء.

سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمانست، همسایه خوب و خانه وسیع و مرکب خوش رفتار.

۱۲۵۸ ثلاث خلال من لم تكن فيه واحدةٌ منهمنّ كان الكلب خيرا
منه: ورع يحجزه عن محارم الله عزّ و جلّ أو حلم يردّ به جهل
جاهل أو حسن خلق يعيش به في الناس.

سه صفت است که هر که یکی از آنها در او نیست سگ بر او شرف دارد، تقوائی که وی را از محرمات خدا مانع شود، یا علمی که بوسیله آن جهالت جاهلی را دفع نماید یا اخلاق نیکی که به وسیله آن با مردم زندگی کند.

۱۲۵۹ ثلاث دعوات مستجابات لا شكّ فيهنّ دعوة المظلوم و
دعوة المسافر و دعوة الوالد على ولده.

سه دعا بدون شک مستجاب میشود، دعای ستمدیده و مسافر و نفرین پدر در حق فرزند.

۱۲۶۰ ثلاث فيهنّ البركة: أبيع إلى أجل و المقارضة و إخلاط البرّ
بالشّعير للبيت لا للبيع.

سه چیز مایه برکت است فروش نسیه و قرض بیکدیگر دادن و
 آمیختن گندم بجو برای مصرف نه برای فروش.

۱۲۶۱ ثلاث لا تؤخّر و هنّ الصّلاة إذا أتت و الجنازة إذا حضرت
و الأیّم إذا وجدت كفؤا.

سه چیز را نباید تأخیر انداخت نماز همینکه وقت آن رسید و بر
 داشتن جنازه وقتی آماده شد و شوهر دادن بیوه وقتی همشانی
 یافت.

۱۲۶۲ ثلاث لازمات لامتی: سوء الظّنّ و الحسد و الطّیرة فإذا
ظننت فلا تحقّق و إذا حسدت فاستغفر الله و إذا تطیّرت فامض.
 سه چیز همراه امت من است بد گمانی و حسد و تفوّل وقتی گمان
 بد بردی گمان خود را محقق بدان و وقتی احساس حسد کردی از
 خدا آمرزش بخواه و وقتی تفوّل زدی بدان ترتیب اثر مده و

براهی که در پیش داری برو.

۱۲۶۳ ثلاث لا يجوز اللّعب فيهنّ: الطّلاق و النّكاح و العتق.

سه چیز است که شوخی در آن روا نیست طلاق و نکاح و آزاد کردن بنده.

۱۲۶۴ ثلاث ليس لأحد النّاس فيه رخصة: برّ الوالدين مسلما كان أو كافرا و الوفاء بالعهد لمسلم أو كافر و الأمانة إلى مسلم كان أو كافر.

سه چیز است که هیچکس بترک آن مجاز نیست، نیکی با پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر وفای بعهد برای مسلمان یا کافر و رد امانت مسلمان یا کافر.

۱۲۶۵ ثلاث معلّقات بالعرش: ألرّحم تقول: «أللهمّ إني بك فلا أقطع» و الأمانة تقول: «أللهمّ إني بك فلا أختان» و النّعمة تقول: «أللهمّ إني بك فلا أكفر».

سه چیز بعرش آویخته است، خویشاوندی گوید «خدایا من بتو

وابسته ام مرا نبرند» و امانت گوید: «خدایا من بتو وابسته ام در
من خیانت نکنند» و نعمت گوید: «خدایا من بتو وابسته ام مرا
کفران نکنند».

۱۲۶۶ ثلاث من أبواب البرّ سخاء النفس و طيب الكلام و الصبر
على الأذى.

سه چیز از لوازم نیکو کاریست جانبازی و نیکی گفتار و صبر بر
آزار.

۱۲۶۷ ثلاث من أخلاق الإيمان: من إذا غضب لم يدخله غضبه في
باطل و من إذا رضى لم يخرجه رضاه من حقّ و من إذا قدر لم
يتعاط ما ليس له.

سه چیز از لوازم ایمان است آنکه وقتی خشمگین شد خشمش وی
را بکار ناحق و اندارد و آنکه وقتی راضی شد رضایش او را از حق
دور نسازد و آنکه وقتی قدرت داشت بدانچه حق ندارد دست
نبرد.

۱۲۶۸ ثلاث من الإيمان: الإنفاق من الإقتار و بذل السّلام للعالم و
الإنصاف من نفسک.

سه چیز از لوازم ایمان است، بخشش بهنگام تنگدستی و سلام به
دانشمند و رعایت انصاف بر ضرر خویش.

۱۲۶۹ ثلاث من أوتيهنّ فقد أوتى مثل ما أوتى آل داود: العدل فى
الغضب و الرّضا و القصد فى الفقر و الغنى و خشية الله تعالى فى
السّرّ و العلانية.

سه چیز است که هر که داشته باشد همان دارد که خانواده داود
داشتند، عدالت هنگام خشم و رضا و اعتدال در فقر و توانگری و
ترس از خدا در آشکار و نهان.

۱۲۷۰ ثلاث منجیات: تكفّ لسانک و تبكى على خطيئتك و
يسعک بيتک.

سه چیز مایه نجات است زبان خود را نگهداری بر گناه خویش
گریه کنی و در خانه خویش مقام گیری.

۱۲۷۱ ثلاث من حقائق الإيمان: الإنفاق من الإقتار و إنصافك

الناس من نفسك و بذل العلم للمتعلّم.

سه چیز از حقایق ایمانست بخشش با تنگدستی و رعایت انصاف
درباره مردم بر ضرر خویش و بذل علم برای دانش آموز.

۱۲۷۲ ثلاث من فعلهنّ ثقةً باللّهِ و احتساباً كان حقّاً على اللّهِ تعالى

أن يعينه و أن يبارك له: من سعى في فكاك رقبتة ثقةً باللّهِ و

احتساباً كان حقّاً على اللّهِ تعالى أن يعينه و أن يبارك له و من

تزوَّج ثقةً باللّهِ و احتساباً كان حقّاً على اللّهِ أن يعينه و أن يبارك له

و من أحيا أرضاً ميتة ثقةً باللّهِ و احتساباً كان حقّاً على اللّهِ تعالى أن

يعينه و أن يبارك له.

سه کار است که هر کس باعتماد خدا و بانتظار ثواب کند بر خدا
لازمست که وی را یاری کند و او را برکت دهد هر کس در آزاد
ساختن خود باعتماد خدا و بامید ثواب بکوشد بر خدا لازم است
که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که باعتماد خدا و
بامید ثواب ازدواج کند بر خدا لازم است که وی را یاری کند و
او را برکت دهد و هر که اعتماد بخدا و بامید ثواب زمین بایری

را آباد کند بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد.

۱۲۷۳ ثلاث من فعلهنّ فقد أجرم: من عقد لواء فی غیر حقّ أو عقّ والديه أو مشی مع ظالم لینصره.

سه کار است که هر کس بکند خطا کار است هر کس پرچمی جز در راه حق برافرازد، یا با پدر و مادر بدی کند، یا با ستمگری راه سپرد تا او را یاری کند.

۱۲۷۴ ثلاث من کنّ فيه آواه الله فی کنفه و نشر علیه رحمته و أدخله جنته: من إذا أعطی شکر و إذا قدر غفر و إذا غضب فتر.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند او را در پناه خود جای دهد و رحمت خویش را بر او بگستراند و داخل بهشت کند آنکه وقتی عطا بیند شکر گزارد و وقتی قدرت دارد عفو کند و وقتی بخشم آید سستی پیشه نماید.

۱۲۷۵ ثلاث من کنّ فيه استكمل خصال الإيمان الذی إذا رضی لم

یدخله رضاه فی باطل و إذا غضب لم يخرجہ الغضب من الحقّ و
إذا قدر لم يتعاط ما ليس له.

سه چیز است که در هر که باشد صفات ایمان در او کامل است
 آنکه وقتی خشنود شد بباطل نگراید و وقتی خشمگین شد از حق
 تجاوز نکند و وقتی قدرت یافت بمال کسان دست نبرد.

۱۲۷۶ ثلاث من كنّ فيه استوجب الثواب و استكمل الإيمان: خلق
يعيش به فی الناس و ورع يحجزه عن محارم الله تعالى و حلم یرده
عن جهل الجاهل.

سه چیز است که در هر که باشد سزاوار ثوابست و ایمانش
 کاملست اخلاقی که بوسیله آن با مردم زندگی کند و تقوائی که
 وی را از محرمات خدا دور سازد و حلمی که او را از جهالت با
 جاهل بر کنار دارد.

۱۲۷۷ ثلاث من كنّ فيه أظله الله تحت ظلّ عرشه يوم لا ظلّ إلّا
ظله: ألوضوء علی المکاره و المشی إلى المساجد فی الظلم و إطعام
الجائع.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند وی را روزیکه سایه ای
جز سایه خدا نیست در سایه عرش جای دهد، وضو گرفتن با
زحمت و راه مسجد سپردن در تاریکی و سیر کردن گرسنه.

۱۲۷۷ ثلاث من كنّ فيه حاسبه الله تعالى حسابا يسيرا و أدخله
الجنة برحمته: تعطي من حرمك و تغفو عمّن ظلمك و تصل من
قطعك.

سه چیز است که در هر که باشد خدا حساب را بر او آسان گیرد و
ویرا باقتضای رحمت خود بیهشت در آورد، عطا بآنکس که ترا
محروم کرده است و عفو آنکس که بر تو ستم روا داشته است و
پیوند با آن کس که از تو بریده است.

۱۲۷۸ ثلاث من كنّ فيه فإنّ الله تعالى يغفر له ما سوى ذلك: من
مات لا يشرك بالله شيئا و لم يكن ساحرا يتبع السّحرة و لم يحقد
على أخيه.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند همه گناهان او را می
بخشد هر که بمیرد و شریکی برای خدا قرار ندهد و جادوگر

نباشد و جادوگران را پیروی نکند و نسبت به برادر خویش کینه نرزد.

۱۲۷۹ ثلاث من كنّ فيه فهو من الأبدال: الرّضا بالقضا و الصّبر عن محارم الله و الغضب في ذات الله عزّ و جلّ.

سه چیز است که در هر که باشد از نیکانست، رضا بقضا و صرف نظر از محرمات خدا و خشمگین شدن در راه خدا.

۱۲۸۰ ثلاث من كنّ فيه فهو منافق و إن صام و صلّى و حجّ و اعتمر و قال: «إني مسلم» من إذا حدّث كذب و إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان.

سه چیز است که در هر که هست منافقست اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و حج و عمره کند و گوید من مسلمانم، آنکه وقتی سخن گوید دروغ گوید و وقتی وعده کند تخلف ورزد و وقتی امانت گیرد خیانت کند.

۱۲۸۱ ثلاث من كنّ فيه فهي راجعة على صاحبها: البغي و المكر و

النَّكْثُ.

سه چیز است که در هر که باشد بصاحب خود باز میگردد ستم و مکر و پیمان شکنی.

۱۲۸۲ ثلاث من كنّ فيه نشر الله تعالى عليه كنفه و أدخله جنته:

رفق بالضعيف و شفقة على - الوالدين و الإحسان إلى - المملوك.

سه چیز است که در هر که باشد خداوند وی را پناه دهد و بهشت برد، مدارا با ناتوان و مهربانی با پدر و مادر و نیکی با زیر دست.

۱۲۸۳ ثلاث من كنّ فيه وجد حلاوة الإيمان: أن يكون الله و

رسوله أحبّ إليه ممّا سواهما و أن يحبّ المرء لا يحبه إلاّ الله و أن

يكره أن يعود في الكفر بعد إذ أنقذه الله منه كما يكره أن يلقى

في النار.

سه چیز است که در هر که هست شیرینی ایمان را چشیده است

آنکه خدا و پیغمبرش را از همه دوستتر دارد دیگر آنکه کسی را

برای خدا دوست دارد سوم آنکه پس از آنکه خدا او را از کفر

نجات داد از باز گشت بدان بیزار است چنانکه افتادن در آتش را

دوست ندارد.

۱۲۸۴ ثلاث من كنّ فيه وقى شحّ نفسه: من أدّى الزّكّاء و قرى
الضيّف و أعطى فى النّائبة .

سه چیز است که در هر که هست از بخل بر کنار است آنکه
زکات میدهد و مهمان میبرد و در سختی بخشش میکند.

۱۲۸۵ ثلاث من كنوز البرّ: إخفاء الصدّقه و كتمان المصيبة و
كتمان الشّكوى يقول الله : إذا ابتليت عبدى فصبر و لم يشكنى
إلى عوّاده أبدلته لحما خيرا من لحمه و دما خيرا من دمه فإن أبرأته
أبرأته و لا ذنب له و إن توفّيته فإلى رحمتى.

سه چیز از گنجینه های نیکی است مخفی ساختن صدقه و پنهان
داشتن مصیبت و مستور ساختن شکایت، خداوند گوید: وقتی بنده
خود را مبتلا ساختم و صبر کرد و با عیادت کنندگان خود از من
شکایت نکرد گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون وی
بدو میدهم اگر او را شفا دادم همه گناهانش محو شده است و اگر
جانش را گرفتم او را مشمول رحمت خود کرده ام

۱۲۸۶ ثلاث من كنوز البرّ: كتمان الأوجاع و البلوى و المصيبات

و من بثّ لم يصبر.

سه چیز از گنجینه های نیکی است نهان داشتن دردها و گرفتاری ها و مصیبتها هر که مصیبت خود را آشکار سازد بر آن صبر نتواند کرد.

۱۲۸۷ ثلاث من لم یکنّ فیہ لم یتّمّ عملہ ورع یحجزہ عن معاصی

اللّٰه و خلق یداری به النّاس و حلم یردّ به جهل الجّهال.

سه چیز است که در هر که نیست کارش سرانجام نگیرد تقوائی که وی را از گناه باز دارد و اخلاقی که با مردم مدارا کند و حلمی که با آن سبکی سبکسران دفع کند.

۱۲۸۸ ثلاث من مکارم الأخلاق فی الدّنیّا و الآخرة أن تعفو عمّن

ظلمک و تصل من قطعک و تحلم عمّن جهل علیک.

سه چیز در جهان از فضائل اخلاقست از ستمگر در گذری، و با کسی که از تو بریده پیوند گیری و با کسی که با تو سبک سری

میکند بحلم رفتار کنی.

۱۲۸۹ ثلاث من نعيم الدنيا و إن كان لا نعيم لها مركب و طيء و

المرأة الصالحة و المنزل الواسع.

سه چیز از نعيم دنياست اگر چه دنيا نعيمی نيست مرکب راهوار و زن پارسا و خانه وسيع.

۱۲۹۰ ثلاث مهلكات و ثلاث منجيات فالمهلكات شح مطاع و هوى

متبع و إعجاب المرء بنفسه و الثلث المنجيات خشية الله فى السرّ و

العلانية و القصد فى الغنا و الفقر و العدل فى الغضب و الرضا.

سه چیز هلاک کننده است و سه چیز نجات دهنده است، سه چیز هلاک کننده بخلى است که مطيع آن شوند و هوسى است که از آن پیروى کنند. و اعجاب مرد نسبت به خویشان و سه چیز نجات دهنده ترس از خداست در آشکار و نهان و اعتدال در فقر و توانگرى و عدالت در حال خشم و خشنودى .

۱۲۹۱ ثلاث يجلين البصر: ألنظر إلى الخضره و إلى الماء الجارى و

إلى الوجه الحسن.

سه چیز چشم را قوت میدهد، دیدن سبزه و آب جاری و روی خوب.

۱۲۹۲ ثلاث یدرک بهنّ العبد رغائب الدّیّا و الآخرة الصّبر علی
البلاء و الرّضا بالقضاء و الدّعا فی الرّخاء.

سه چیز است که بنده بوسیله آن خواستنیهای دنیا و آخرت را بدست می آورد، صبر بر بلا و رضا بقضا و دعا در حال فراخدستی

۱۲۹۳ ثلاث یصفین لک ودّ أخیک تسلّم علیه إذا لقیته و توسّع له
فی المجلس و تدعوه بأحبّ أسمائه إلیه.

سه چیز محبت دوست را خالص میکند سلامش کنی وقتی او را دیدی در مجلس جای او را باز کنی و او را به بهترین نامهایش بخوانی.

۱۲۹۴ ثمانیة أبغض خلیقه الله یوم القیامة: السّقارون - و هم
الکذّابون و الخیّالون - و هم المستکبرون - و الدّین یکنزون البغضاء

لِإِخْوَانِهِمْ فِي صُدُورِهِمْ فَإِذَا لَقَوْهُمْ تَخَلَّقُوا لَهُمْ وَالَّذِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى
 اللَّهِ وَرَسُولِهِ كَانُوا بَطَاءً وَإِذَا دُعُوا إِلَى الشَّيْطَانِ كَانُوا سَرَاعًا وَ
 الَّذِينَ لَا يَشْرَفُ لَهُمْ طَمَعٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ بِأَيْمَانِهِمْ وَإِنْ لَمْ
 يَكُنْ لَهُمْ ذَلِكَ بِحَقٍّ وَالْمَشَاوُنَ بِالنَّمِيمَةِ وَالْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ وَالْ
 الْبَاغُونَ الْبِرَّاءَ الدَّحْضَةَ أُولَئِكَ يَقْذِرُهُمُ الرَّحْمَنُ عِزٌّ وَجَلٌّ.

هشت کسند که روز رستاخیز از همه خلق خدا منفورترند، دروغ
 گویان و متکبران و آنها که دشمنی برادران خود را در دل دارند
 ولی وقتی آنها را ببینند گشاده روئی کنند و آنها که وقتی بسوی
 خدا و پیغمبر دعوت شوند کند باشند و همین که بسوی شیطان
 دعوت شوند تند باشند و آنها که وقتی بچیزی از مطامع دنیا رغبت
 کردند آنرا بقسم جلب کنند اگر چه بدان حق نداشته باشند و
 سخن چینان و آنها که میان دوستان جدائی اندازند و کسانی که بر
 بیگناهان از پا افتاده ستم کنند آنها را خداوند کثیف می‌شمارند.

۱۲۹۵ ثمن الخمر حرام و مهر البغی حرام و ثمن الکلب حرام و
 الکوبه حرام و إن أتاك صاحب الکلب یلتمس ثمنه فاملاء یدیه
 ترابا و الخمر و المیسر حرام و کل مسکر حرام.

قیمت شراب حرام است و مهر زنا کار حرام است و قیمت سگ حرام است و شطرنج حرام است اگر صاحب سگ پیش تو آمد و قیمت آن را خواست دستهای او را پر از خاک کن، شراب و قمار حرام است و هر مست کننده ای حرام است.

۱۲۹۶ أَلْثَلْثُ وَ الثَّلَاثُ كَثِيرٌ إِنَّكَ أَنْ تَذَرَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَذَرَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ وَ إِنَّكَ لَنْ تَنْفِقَ نَفَقَةً تَبْتَغِي بِهَا وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أَجْرَتْ بِهَا حَتَّى مَا تَجْعَلَ فِي فِي أَمْرَاتِكَ.

ضمن وصیت فقط ثلث مال خود را بدیگران ده و ثلث بسیار است تو اگر وارثان خود را بی نیاز واگذاری بهتر از آنست که فقیر و محتاج مردم باشند، تو هیچ خرجی در راه خدا نمیکنی مگر آنکه در مقابل آن پاداش می یابی حتی غذائی که بزَن خود میخورانی.

۱۲۹۷ أَلْثَّيْبُ أَحَقُّ بِنَفْسِهَا مِنْ وَلِيِّهَا وَ الْبَكَرُ يَسْتَأْذِنُهَا أَبُوهَا فِي نَفْسِهَا وَ إِذْنُهَا صَمَاتُهَا .

زن باظهار نظر در کار خویش بر ولی خود مقدم است و دوشیزه

نیز پدرش باید درباره کارش از او اجازه بگیرد و اجازه او سکوت است.

حرف ج

۱۲۹۸ جار الدّار أحقّ بدار الجار.

همسایه خانه، در خرید خانه همسایه، مقدم است.

۱۲۹۹ جالس الأبرار فإنّك إذا فعلت خيرا حمدوك و إن أخطأت

لم يعنفوك.

با نیکان مجالست کن که اگر خوبی کردی ترا ستایش کنند و اگر خطا کردی با تو بسختی رفتار نکنند.

۱۳۰۰ جالسوا الكبراء و سائلوا العلماء و خالطوا الحكماء.

با بزرگان مجالست کنید و از دانشمندان پرسید و با حکیمان آمیزش کنید.

۱۳۰۱ جاهدوا المشرکین بأموالکم و أنفسکم و ألسنتکم.

با اموال و جانها و مالهای خود با مشرکان جهاد کنید.

۱۳۰۲ جاهدوا أهوائکم تملکوا أنفسکم.

با هوسهای خود مبارزه کنید تا بر نفس خود تسلط یابید.

۱۳۰۳ جبلت القلوب علی حبّ من أحسن إلیها و بغض من أساء

إلیها.

دلها باقتضای فطرت آنکس را که با آنها نیکی کند دوست دارند و

آنکس را که با آنها بدی کند دشمن دارند.

۱۳۰۴ جدّدوا ایمانکم أكثروا من قول «لا إله إلاّ الله».

ایمان خود را تازه کند، لا إله إلاّ الله بسیار گوئید.

۱۳۰۵ جعل الله الرّحمة مائة جزء فأمسک عنده تسعة و تسعین

جزء و أنزل فی الأرض جزء واحدا فمن ذلك الجزء تتراحم الخلق

حتّی ترفع الفرس حافرها عن ولدها خشية أن تصیبه.

خدا رحم را صد قسمت کرده و نود و نه قسمت را پیش خود نگه داشته و یک قسمت را بزمین فرستاده و بواسطه همین یک قسمت مردم بر یکدیگر رحم میکنند تا آنجا که اسب سم خود را بلند میکند مبادا بفرزندان خود آسیب برساند

۱۳۰۶ جعل الله عذاب هذه الامّة فی دنیاها.

خداوند عذاب این امت را در دنیا نهاده است.

۱۳۰۷ جعلت الذّنوب كلّها فی بیت و جعل مفتاحها فی شرب

الخمّر.

همه گناهان را در خانه ای نهاده و کلید آن را در شرابخواری قرار داده اند.

۱۳۰۸ جفّ القلم بالشّقَىّ و السّعید.

بدبخت و نیکبخت بقلم رفته است

۱۳۰۹ جفّ القلم بما أنت لاق.

سرنوشت تو بقلم رفته است.

۱۳۱۰ جلساء الله غدا أهل الورع و الزهد فى الدنيا.

فردا همنشینان خدا صاحبان ورع و زهد در این جهانند.

۱۳۱۱ جمال المرء فصاحة لسانه.

جمال مرد به فصاحت اوست.

۱۳۱۲ جهد البلاء أن تحتاجوا إلى ما فى أيدى الناس فتمنعوا.

کمال بلیه اینست که به آنچه دیگران دارند محتاج شوید و از شما دریغ کنند.

۱۳۱۳ جهد البلاء قلّة الصّبر.

نهایت بلا قلت صبر است.

۱۳۱۴ جهد البلاء كثرة العيال مع قلّة الشّىء.

نهایت بلا عیالمندی و تنگدستی است.

۱۳۱۵ أَلْجَارُ أَحَقُّ بِشَفْعَةٍ جَارِهِ يَنْتَظِرُ بِهَا وَ إِنْ كَانَ غَائِبًا إِذَا كَانَ

طَرِيقَهُمَا وَاحِدًا.

همسایه در معامله سهم همسایه مقدم است اگر راه آنها یکی است
باید منتظر او بماند اگر چه غایب باشد.

۱۳۱۶ أَلْجَارُ قَبْلَ الدَّارِ وَ الرَّفِيقُ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ الزَّادُ قَبْلَ الرَّحِيلِ.

همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از
سفر باید جست.

۱۳۱۷_ أَلْجَالِبُ إِلَى سَوْقِنَا كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُحْتَكِرُ فِي

سَوْقِنَا كَالْمَلْحَدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ .

آنکه ببازار ما چیزی وارد می کند مانند آنکس است که در راه
خدا جهاد میکند و آنکه در بازار ما احتکار میکند مانند کسی است
که در کتاب خدا کافر بشمار رفته است.

۱۳۱۸ أَلْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَ الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ.

وارد کننده روزی میخورد و محترک لعنت میبرد.

۱۳۱۹ أَلْجَاهِلُ يَظْلِمُ مَنْ خَالَطَهُ وَ يَعْتَدِي عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ يَتَطَاوَلُ

عَلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ وَ يَتَكَلَّمُ بِغَيْرِ تَمْيِيزٍ.

نادان با معاشران ستم کند و بر زیر دستان تعدی کند و بزرگان

تکبر فروشد و بدون تمیز سخن گوید.

۱۳۲۰ أَلْجِدَالُ فِي الْقُرْآنِ كُفْرًا.

مجادله درباره قرآن کفر است

۱۳۲۱ أَلْجَفَاءُ كُلِّ الْجَفَاءِ وَ الْكُفْرُ مَنْ سَمِعَ مَنَادِي اللَّهِ تَعَالَى يَنَادِي

بِالصَّلَاةِ وَ يَدْعُوهُ إِلَى الْفَلَاحِ فَلَا يَجِيبُهُ.

نشان خشونت و کفر نفاق آنست که کسی منادی خدا را بشنود

که بنماز ندا میدهد و وی را برستگاری میخواند و دعوت او را

اجابت نکند

۱۳۲۲ أَلْجُلُوسُ مَعَ الْفُقَرَاءِ مِنَ التَّوَاضُعِ.

همنشینی با فقیران از لوازم تواضع است.

۱۳۲۳ أَلْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفَرْقَةُ عَذَابٌ.

جماعت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.

۱۳۲۴ أَلْجَمَالُ صَوَابُ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ الْكَمَالُ حَسَنُ الْفِعَالِ بِالصَّدَقِ.

جمال درستی گفتار مطابق حق است و کمال نیکی رفتار مطابق راستی است.

۱۳۲۵ أَلْجَمَالُ فِي الرَّجْلِ الْلِسَانِ.

جمال مرد، در زبان اوست.

۱۳۲۶ أَلْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شَرَاكِ نَعْلِهِ وَ النَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ.

بهشت بشما از بند کفشتان نزدیکتر است و جهنم نیز چنین است.

۱۳۲۷ أَلْجَنَّةُ بَنَآؤُهَا لِبْنَةٌ مِنْ فَضَّةٍ وَ لِبْنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ مَلَاظِمُهَا الْمَسْكُ

الْأَذْفَرُ وَ حَصْبَاؤُهَا اللَّوْلُؤُ وَ الْيَاقُوتُ وَ تَرْبَتُهَا الزَّعْفَرَانُ مِنْ يَدْخُلُهَا

ینعم لا یبأس و یخلد لا یموت لا تبلی ثیابهم و لا یفنی شبابهم.
 ساختمان بهشت خشتی از نقره و خشتی از طلاست و گل آن مشک
 اذفر است و سنگریزه آن لؤلؤ و یاقوت است و خاک آن زعفران
 است و هر که وارد آن شود پیوسته متنعم است و از بدبختی
 برکنار، جاودان زنده است و نمیرد، لباسشان کهنه نمی شود و
 جوانیشان پایان نپذیرد.

۱۳۲۸ أَلْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمَّهَاتِ.

بهشت زیر قدم مادران است.

۱۳۲۹ أَلْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السَّيُوفِ.

بهشت زیر سایه شمشیرهاست.

۱۳۳۰ أَلْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ أَنْ يَدْخُلَهَا.

دخول بهشت بر مردم بدزبان حرام است.

۱۳۳۱ أَلْجَنَّةُ دَارِ الْأَسْخِيَاءِ.

بهشت خانه سخاوت مندان است.

۱۳۳۲ أَلْجَنَّةُ لِكُلِّ تَائِبٍ وَ الرَّحْمَةُ لِكُلِّ وَّاقِفٍ.

بهشت متعلق بتوبه کاران است و رحمت متعلق بوقف گزاران است.

۱۳۳۳ أَلْجَنَّةُ مَائَةٌ دَرَجَةٌ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه مانند زمین و آسمان است.

۱۳۳۵ أَلْجَنَّةُ مَائَةٌ دَرَجَةٌ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ مَسِيرَةُ خَمْسَمَائَةِ عَامٍ.

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه پانصد سال راه است.

۱۳۳۶ أَلْجَنَّةُ مَائَةٌ دَرَجَةٌ وَ لَوْ أَنَّ الْعَالَمِينَ اجْتَمَعُوا فِي إِحْدَاهُنَّ وَ سَعَتِهِمْ.

بهشت صد درجه است و اگر جهانیان در یکی از آنها مجتمع شوند

جایشان میشود.

۱۳۳۷ أَلَجَنّ لَا تَحْبَلْ أَحَدًا فِي بَيْتِهِ عَتِيقٌ مِنَ الْخَيْلِ.

جن کسی را که اسبی اصیل در خانه خود دارد مخبط نمیکند.

۱۳۳۸ أَلْجِهَادُ أَرْبَعٌ: الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الصَّدَقُ

فِي مَوَاطِنِ الصَّبْرِ وَ شَتَّانِ الْفَاسِقِ.

جهاد چهار قسم است: امر بمعروف و نهی از منکر و راستی در موقع صبر و تنفر از فاسق.

۱۳۳۹ أَلْجِيرَانُ ثَلَاثَةٌ: فَجَارٌ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ وَ هُوَ أَدْنَى الْجِيرَانِ حَقًّا وَ

جَارٌ لَهُ حَقَّانِ وَ جَارٌ لَهُ ثَلَاثَةٌ حَقُوقٌ فَأَمَّا الَّذِي لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ فَجَارٌ

مَشْرُكٌ لَا رَحِمَ لَهُ لَهُ حَقٌّ الْجَوَارِ وَ أَمَّا الَّذِي لَهُ حَقَّانِ فَجَارٌ مُسْلِمٌ لَهُ

حَقٌّ الْإِسْلَامِ وَ حَقٌّ الْجَوَارِ وَ أَمَّا الَّذِي لَهُ ثَلَاثَةٌ حَقُوقٌ -فَجَارٌ مُسْلِمٌ

ذُو رَحِمٍ لَهُ حَقٌّ الْإِسْلَامِ وَ حَقٌّ الْجَوَارِ وَ حَقٌّ الرَّحِمِ.

همسایگان سه قسمند همسایه ای که یک حق دارند و او از همه

همسایگان کم حق تر است و همسایه ای که دو حق دارد و همسایه

ایکه سه حق دارد همسایه ایکه یک حق دارد همسایه مشرک است
 که خویشاوندی ندارد او فقط حق همسایگی دارد همسایه ایکه دو
 حق دارد همسایه مسلمانی است که حق اسلام و حق همسایگی
 دارد و همسایه ایکه سه حق دارد همسایه مسلمان خویشاوند است
 که حق اسلام و حق همسایگی و حق خویشاوندی دارد.

حرف ح

۱۳۴۰ حاملات والدات مرضعات رحیمات بأولادهنّ لو لا ما یأتین
 إلی أزواجهنّ دخل مصّلیاتهنّ الجنّة.

زنان بار دار فرزند دار و شیرده که با فرزندان خود مهربانند اگر
 رفتاری که با شوهران خود میکنند نبود نماز گزارانشان به بهشت
 میرفتند.

۱۳۴۱ حبّ الثّناء من النّاس یعمی و یصمّ.

انتظار ستایش از مردم چشم را کور و گوش را کر میکند.

۱۳۴۲ حبّ الدّیّا رأس کلّ خطیئة.

دوست داشتن دنیا سر همه گناهان است.

۱۳۴۳ حبّ الیّ من دنیاکم النّساء و الطّیب و جعلت قرّة عینی فی

الصّلاة.

من از دنیای شما دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش و

روشنی چشم من در نماز است.

۱۳۴۴ حبّو الله الی عبادہ یحبّکم الله.

خدا را در پیش بندگانش محبوب سازید تا خداوند شما را دوست دارد.

۱۳۴۵ حبّذا المتخلّلون من امتی فی الوضوء و الطّعام.

چه نیکند از امت من آنها که در وضو و غذا مسواک میکنند.

۱۳۴۶ حبّک للشیء یعمی و یصمّ.

محبتی که نسبت به چیزی داری کور و کرت میکند.

۱۳۴۷ حتم علی الله أن لا يستجیب دعوة مظلوم و لأحد قبله مثل مظلّمته.

بر خدا لازم است که ستم زده ای را که او نیز بدیگری چنان ستمی کرده است نپذیرد.

۱۳۴۸ حجت النار بالشّهوات و حجت الجنّة بالمکاره.
جهنم را بخواستنی ها پوشانیده اند و بهشت را بمکروهات مستور داشته اند.

۱۳۴۹ حجّوا تستغنوا و سافروا تصحّوا.
بحج روید تا بی نیاز شوید و سفر کنید تا سالم مانید.

۱۳۵۰ حدّ الجوار أربعون دارا.
حد همسایگی چهل خانه است

۱۳۵۱ حدّ السّاحر ضربة بالسّيف.

سزای ساحر یک ضربت شمشیر است.

۱۳۵۲ حدثنی جبریل قال: يقول الله تعالى: «لا إله إلا الله حصني فمن دخله أمن من عذابي.»

جبرئیل با من سخن گفت و گفت: خدا گوید لا إله إلا الله قلعه من است و هر که وارد آن شود از عذاب من در امان است.

۱۳۵۳ حدّثوا النَّاسَ بما يعرفون أتريدون أن يكذب الله و رسوله؟
با مردم از آنچه توانند دانست سخن گوئید آیا میخواهید خدا و پیغمبر را تکذیب کنند.

۱۳۵۴ حدّ يعمل في الأرض خير لأهل الأرض من أن يمطروا
أربعين صباحا.

حدی که در زمین اجرا شود برای زمینیان بهتر از آنست که چهار روز باران ببارد.

۱۳۵۵ حرس ليلة في سبيل الله عزّ و جلّ أفضل من ألف ليلة يقام

لیلها و یصام نهارها.

یکشب نگهبانی در راه خدا از هزار شب که نماز خوانند و روز آن را روزه دارند بهتر است .

۱۳۵۶ حَرَّمَ اللَّهُ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَدَىءَ لَا يَبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ.

خداوند بهشت را بر مردم بد زبان که هر چه بگویند و شنوند اهمیت نمیدهند حرام کرده است .

۱۳۵۷ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَكُلَّ مَسْكِرٍ حَرَامٍ.

خداوند شراب را حرام کرده و هر چه مستی آرد حرام است.

۱۳۵۸ حَرَّمَ التَّجَارَةَ فِي الْخَمْرِ.

تجارت شراب حرام است.

۱۳۵۹ حَرَمَةُ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ كَحَرَمَةِ دَمِهِ.

حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است.

۱۳۶۰ حرمت النار علی عین بکت من خشية الله و حرمت النار
 علی عین سهرت فی سبیل الله و حرمت النار علی عین غضت عن
 محارم الله أو عین فقئت فی سبیل الله.

جهنم بر دیده ای که از بیم خدا گریسته و دیده ای که در راه خدا
 بیدار مانده و دیده ای که از محرمات خدا بسته شده یا در راه خدا
 بیرون آمده حرام است.

۱۳۶۱ حرمة مال المسلم كحرمة دمه
 حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست.

۱۳۶۲ حرمة نساء المجاهدين علی القاعدین كحرمة أمهاتهم و ما
 من رجل من القاعدین یخلف رجلا من المجاهدين فی أهله فیخونه
 فیهم إلا وقف له يوم القيامة فقیل له: قد خانک فی أهلك فخذ من
 حسناته ما شئت فیاخذ من عمله ما شاء فما ظنکم؟

حرمت زن کسانی که بجهاد رفته اند بر آنها که بازمانده اند مانند
 حرمت مادرانشان است و هر کس از بازماندگان که سرپرستی

خانواده یکی از مجاهدان را بعهده گیرد و نسبت به آنها تجاوز کند روز قیامت او را بیای دارند و بمجاهد گویند وی بخانواده تو تجاوز و خیانت کرد، از کارهای نیک وی هر چه میخواهی بر گیر و وی از اعمال او هر چه خواهد برگیرد، چه فکر میکنید؟

۱۳۶۳ حرم علی النار کلّ هین لّین سهل قریب من الناس.

هر که نرم و ملایم و آسان گیر و نزدیک بمردم باشد بر آتش حرام است.

۱۳۶۴ حرم علی عینین أن تنالهما النار: عین بکت من خشية الله و

عین باتت تحرس الإسلام و أهله من الکفر.

دو چشم بر آتش حرام است چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که بیدار مانده و مسلمانان را در مقابل کافران نگهبانی کرده است.

۱۳۶۵ حرم لباس الحریر و الذهب علی ذکور أمتی و أحلّ لاناثم.

پوشیدن ابریشم و طلا بر مردان امت من حرام و بر زنانشان حلال

است.

۱۳۶۶ حسب امریء من البخل أن يقول آخذ حقّی کلّه و لا أدع

منه شیئا.

در بخل مرد همینقدر بس که گوید همه حق خود را میگیرم و چیزی از آن را وانمیگذارم.

۱۳۶۷ حسبک من الجهل أن تظهر ما علمت.

در نادانی تو همینقدر بس که هر چه دانی آشکار کنی.

۱۳۶۸ حسبک من الکذب أن تحدّث بكلّ ما سمعت.

در دروغگوئی تو همین قدر بس که هر چه شنیده‌ای نقل کنی.

۱۳۶۹ حسبی رجائی من خالقى و حسبى دینى من دنیای.

امید خدایم مرا بس و بیم از دنیایم مرا کافی است.

۱۳۷۰ حسن البشر یذهب بالسّخیمه.

گشاده روئی کینه را ببرد.

۱۳۷۱ حسن الجوار یعمّر الدّیّار و ینسیء فی الأعمار.

خوش همسایگی مایه آبادی شهرها و درازی عمرهاست.

۱۳۷۲ حسن الخلق خلق الله الأعظم.

نیکخوئی خلق بزرگ خداوند است.

۱۳۷۳ حسن الخلق زمام من رحمه الله فی أنف صاحبه و الزّمام ید

الملک و الملک یجرّه إلى الخیر و الخیر یجرّه إلى الجنّة و سوء

الخلق زمام من عذاب الله فی أنف صاحبه و الزّمام ید الشّیطان و

الشّیطان یجرّه إلى السّوء و السّوء یجرّه إلى النّار.

نیکخوئی زمام رحمت خداست که در بینی صاحب آنست و زمام

بدست فرشته است و فرشته او را بسوی نیکی میکشاند و نیکی او

را بسوی بهشت میراند و بدخوئی زمام عذاب خداست که در بینی

صاحب آنست و زمام بدست شیطان است و شیطان او را بسوی

بدی میکشاند و بدی او را بسوی جهنم میراند.

۱۳۷۴ حسن الخلق نصف الدّین.

نیک خوئی یک نیمه دین است.

۱۳۷۵ حسن الخلق یثبت المودّة.

نیکخوئی دوستی را استوار می کند.

۱۳۷۶ حسن الخلق یذیب الخطایا کما تذیب الشّمس الجلید.

نیکخوئی گناهان را محو می کند چنانکه خورشید یخ را آب میکند.

۱۳۷۷ حسن السّؤال نصف العلم.

نیک پرسیدن یک نیمه دانستن است.

۱۳۷۸ حسن الشّعر مال و حسن الوجه مال و حسن اللسان مال و

المال مال.

نیکی موی دارائست و نیکی روی دارائست و نیکی زبان دارائی

است و دارائی هم دارائیست .

۱۳۷۹ حسن الظنّ من حسن العبادۃ.

خوش گمانی از نیکی عبادت است.

۱۳۸۰ حسن الملكۃ نماء و سوء الخلق شؤم و البرّ زیاده فی العمر و

الصّدقه تمنع میته السّوء .

نیک خوئی رشد است و بد خوئی شامت است و نیکی افزایش
عمر است و صدقه از مرگ بد جلوگیری میکند.

۱۳۸۱ حسن الملكۃ یمن و سوء الخلق شؤم.

نیک خوئی برکت است و بد خوئی شامت.

۱۳۸۲ حسن الملكۃ یمن و سوء الخلق شؤم و طاعة المرأة ندامة و

الصّدقه تدفع القضاء السّوء .

نیک خوئی رشد است و بد خوئی شامت است و نیکی افزایش
عمر است و صدقه از مرگ بد جلوگیری میکند .

۱۳۸۳ حسّنوا لباسکم و أصلحوا رحالکم حتّی تكونوا کأنکم شامه
فی الناس.

لباس خود را نیک کنید و لوازم خود را باصلاح آرید چنانکه در
میان کسان مانند خالی نمودار باشید.

۱۳۸۴ حصّنوا أموالکم بالزّکوّه و داووا مرضاکم بالصدقه و أعدّوا
للبلای الدّعاء.

اموال خود را بوسیله زکات محفوظ دارید و مریضان خود را با
صدقه علاج کنید و برای جلوگیری از بلا بدعا متوسل شوید.

۱۳۸۵ حفظ الغلام الصّغیر کالنّقش فی الحجر و حفظ الرّجل بعد ما
یکبر کالکتاب علی الماء .

محفوظات طفل نورس مانند نقشی است که بر سنگ رقم زنند و
محفوظات مرد بزرگ مانند نوشته بر آب است.

۱۳۸۶ حفّت الجنّه بالمکاره و حفّت النّار بالشّهوات.

بهشت با نامالایمات قرین است و جهنم با خواستنی ها همراه است.

۱۳۸۷ حقّ الجار إن مرض عدته و إن مات شیعته و إن استقرضک
أقرضته و إن أصابه خیر هنّأته و إن أصابته مصیبة عزّیته و لا ترفع
بناءک فوق بناءه فتسدّ علیه الرّیح.

حق همسایه آنست که اگر مریض شد عیادتش کنی و اگر مرد
همراه جنازه اش بروی و اگر از تو قرض خواست بدهی و اگر
حادثه خوشی بر او رخ داد بدو تهنیت گوئی و اگر مصیبتی رخ
داد تعزیتش گوئی و بنای خود را از بنای او فراتر نبری و جریان
باد را بر او نبندی.

۱۳۸۸ حقّ الزّوج علی الزّوجة أن لا تصوم یوما واحدا إلاّ بإذنه إلاّ
الفریضة فإن فعلت أثمت و لم یقبل منها و أن لا تعطى من بیته
شیئا إلاّ بإذنه فإن فعلت کان له الأجر و کان علیها الوزر و أن لا
تخرج من بیته إلاّ بإذنه فإن فعلت لعنها الله و ملائکة الغضب حتّی
تتوب أو تراجع و إن کان ظالما.

حق شوهر بر زن آنست که بدون اجازه او جز روزه واجب نگیرد

و اگر گرفت گناهکار است نپذیرند و بدون اجازه او چیزی از مال او بکسان ندهد اگر داد ثوابش از شوهر و گناه از زن است و از خانه او بی اجازه اش بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب او را لعنت کنند تا توبه کند یا باز گردد اگر چه شوهرش ستمگر باشد.

۱۳۸۹ حقّ الزوج علی المرأة: أن لا تهجر فراشه و أن تبرّ قسمه و أن تطیع أمره و أن لا تخرج إلا بإذنه و أن لا تدخل إليه من یکره.
حق شوهر بر زن آنست که از بستر وی دوری نگیرد، و قسم او را انجام دهد و فرمانش را اطاعت کند و بی اجازه او بیرون نرود و کسی را که دوست ندارد بخانه او نیاورد.

۱۳۹۰ حقّ المرأة علی الزوج، أن یطعمها إذا طعم و یکسوها إذا اکتسی و لا یضرب الوجه و لا یقبّح و لا یهجر إلا فی البیت.
حق زن بر شوهر آنست که وقتی غذا خورد باو بخوراند و وقتی لباس پوشید باو بپوشاند و بصورت او نزند و باو بد نگوید و جز در خانه از او دوری نگیرد.

۱۳۹۲ حقّ المسلم على المسلم ستّ: إذا لقيته فسلم عليه و إذا دعاك فأجبه و إذا استنصحك فانصح له و إذا عطس فحمد الله فشمته و إذا مرض فعده و إذا مات فاتبعه.

حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است وقتی او را دیدی بر او سلام کن و وقتی ترا دعوت کرد بپذیر و وقتی با تو مشورت کرد رأی خود را با او بگو و همینکه عطسه زد عافیت باد بگو و همینکه مریض شد او را عیادت کن و همینکه مرد همراه جنازه اش برو.

۱۳۹۳ حقّ الولد على الوالد أن يحسن اسمه و يحسن موضعه و يحسن أدبه.

حق پسر بر پدر آنست که نام او را نیک و جای او را نیک و ادب او را نیک کند.

۱۳۹۴ حقّ الولد على الوالد أن يعلمه الكتابة و السباحة و الرماية و أن لا يرزقه إلاّ طيباً و أن يزوجه إذا بلغ.

حق پسر بر پدر آنست که نوشتن و شنا کردن و تیر انداختن باو

بیاموزد و جز غذای خوب بدو نخوراند و همینکه بالغ شد باو زن بدهد.

۱۳۹۵ حقّ الولد علی والده أن یحسّن اسمه و یزوّجه إذا أدرك و یعلّمه الكتاب.

حق پسر بر پدر آنست که نام او را نیک کند و همینکه ببلوغ رسید زنش دهد و خط نوشتن بدو بیاموزد.

۱۳۹۶ حقّ علی الله عون من نکح إلتماس العفاف عما حرم الله.
هر که زن گیرد باین منظور که از محرمات بر کنار ماند بر خدا لازم است که او را یاری کند.

۱۳۹۷ حقّ کبیر الإخوة علی صغیرهم کحقّ الوالد علی ولده.
حق برادر بزرگ بر برادرهای کوچک مانند حق پدر بر فرزند است.

۱۳۹۸ حقّ لله علی کلّ مسلم أن یغتسل فی کلّ سبعة أيام یوما

یغسل فیہ رأسه و جسده.

حق خدا بر هر مسلمانی این است که هر هفت روز یکبار غسل کند و سر و تن خود را بشوید.

۱۳۹۹ حقیق بالمرء أن یكون له مجالس یخلو فیها و یدکر ذنوبه فیستغفر الله منها.

چه خوب است که مرد گاهی خلوت کند و گناهان خود را بیاد آرد و از خدا آمرزش خواهد.

۱۴۰۰ حلوة الدّیّا مرّة الآخرة و مرّة الدّیّا حلوة الآخرة.
شیرینی دنیا تلخی آخرت و تلخی دنیا شیرینی آخرت است.

۱۴۰۱ حوسب رجل ممّن کان قبلکم فلم یوجد له من الخیر شیء إلاّ أنّه کان رجلاً موسراً و کان یخالط الناس و کان یأمر غلمانہ أن یتجاوزوا عن المعسر فقال الله عزّ و جلّ لملائکته نحن أحقّ بذلك منه تجاوزوا عنه.

یکی از پیشینیان را به حساب کشیدند و کار نیکی نداشت جز

آنکه مرد توانگری بود و با مردم داد و ستد داشت و بگرامان خود میگفت از مطالبه واماندگان در گذرید خداوند بفرشتگان گفت ما بگذشت از او سزاوارتریم، از او در گذرید.

۱۴۰۲ الحجّ المبرور ليس له جزاء إلاّ الجنة.

حج مقبول سزائی جز بهشت ندارد.

۱۴۰۳ الحجّ جهاد كلّ ضعيف و جهاد المرأة حسن التّبعّل.

حج جهاد ضعیفان است و جهاد زن، شوهرداری خوب است.

۱۴۰۴ الحرائر صلاح البيت و الإماء فساد البيت.

زن آزاد مایه اصلاح خانه است و زن بنده موجب فساد خانه است.

۱۴۰۵ الحرام بین و الحلال بین فدع ما یریبک إلى ما لا یریبک.

حرام روشن است و حلال روشن است چیزهای شبهه ناک را بگذار و چیزهای بی شبهه را بگیر.

۱۴۰۶ ألحرب خدعة.

جنگ یعنی خدعه.

۱۴۰۷ ألحريص الذى يطلب المكسبة من غير حلّها.

حریص آنست که سود به نا مشروع جوید.

۱۴۰۸ ألحزم سوء الظنّ.

دور اندیشی بد گمان بودن است.

۱۴۰۹ ألحسب المال.

برتری را بمال دانند.

۱۴۱۰ ألحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب و الصدقة

تطفئ الخطيئة كما يطفئ الماء النار.

حسد کارهای نیک را میخورد چنانکه آتش هیزم را میخورد و
صدقه گناه را نابود میکند چنانکه آب آتش را خاموش میکند.

۱۴۱۱ أَلْحَسَدُ يَفْسِدُ الْإِيْمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الصَّبْرُ الْعَسْلَ.

حسد ایمان را فاسد میکند چنانکه صبر تلخ عسل را فاسد میکند.

۱۴۱۲ أَلْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ يَأْخُذُهَا مَمَّنْ سَمِعَهَا وَ لَا تَبَالَى فِي أَىِّ

وَعَاءٍ خَرَجَتْ.

حکمت گمشده مومن است از هر که بشنود فرا گیرد و اهمیت ندهد که از کجا آمده است.

۱۴۱۴ أَلْحَلَالُ بَيْنَ وَ الْحَرَامِ بَيْنَ وَ بَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا

كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِعَرْضِهِ وَ دِينِهِ وَ مِنْ

وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَرَاعٍ يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوْشِكُ

أَنْ يُوَاقِعَهُ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا وَ إِنَّ حِمَى اللَّهِ تَعَالَى فِي

أَرْضِهِ مُحَارَمَةٌ أَلَا وَ إِنَّ فِي الْجَسَدِ مَضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ

كُلُّهُ وَ إِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَ هِيَ الْقَلْبُ.

حلال روشن است و حرام روشن است و میان آنها چیزهای شبهه

ناک هست که بسیاری از مردم آن را ندانند، هر که از چیزهای

شبهه ناک دوری گیرد دین و آبروی خود را از ارتکاب محرمات

بر کنار داشته و هر که در چیزهای شبهه ناک افتد در حرام افتد
مانند چوپانی که اطراف قرق گوسفند چراند بیم میرود که در
قرق افتد. بدانید که هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند در
زمین محرمات اوست بدانید که در تن پاره گوشتی است که اگر
بصلاح آمد همه تن بصلاح آید و اگر بفساد آمد همه تن به فساد
آید بدانید که او همین قلب است.

۱۴۱۵ أَلْحَالُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ الْحَرَامُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ
و مَا سَكَتَ عَنْهُ فَهُوَ مِمَّا عَفَى عَنْهُ.

حلال آنست که خداوند در قرآن حلال کرده باشد و حرام آنست
که خداوند در قرآن حرام کرده باشد و هر چه را مسکوت
گذاشته مورد گذشت است.

۱۴۱۶ أَلْحَلْفُ حَنْثٍ أَوْ نَدَمٍ.
سرانجام قسم یا شکستن است یا پشیمانی.

۱۴۱۷ أَلْحَلْفُ مَنْفَقَةٍ لِلْسَّلْعَةِ مِمَّحَقَّةٌ لِلْبِرْكَه.

قسم در معامله جنس را تمام و برکت را نابود میکند.

۱۴۱۸ أَلْحَلِيمُ سَيِّدُ فِي الدُّنْيَا وَ سَيِّدُ فِي الْآخِرَةِ.

بردبار در دنیا و آخرت بزرگوار است.

۱۴۱۹ أَلْحَمْدُ عَلَى النِّعْمَةِ أَمَانٌ لَزَوَالِهَا.

سپاس بر نعمت مایه امنیت از زوال آنست.

۱۴۲۰ أَلْحَمْرَةُ مِنْ زِينَةِ الشَّيْطَانِ.

سرخی آرایش شیطان است.

۱۴۲۱ أَلْحَمِّي تَحْتَ الْخَطَايَا كَمَا تَحْتَ الشَّجَرَةُ وَرَقُهَا.

تب گناهان را میریزد چنانکه درخت برگهای خود را میریزد.

۱۴۲۲ أَلْحَمِّي حَظٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنَ النَّارِ وَ حَمِّي لَيْلَةُ تَكْفُرِ خَطَايَا سَنَةٍ.

تب قسمت مؤمن از آتش جهنم است و تب یکشب گناهان یکسال را محو میکند.

۱۴۲۳ أَلْحَمِّ رَائِدَ الْمَوْتِ وَ سَجَنَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ.

تب پیشاهنگ مرگ و زندان خداوند در روی زمین است.

۱۴۲۴ أَلْحَيَاءُ خَيْرَ كُلِّهِ:

حیا سراسر نیکی است.

۱۴۲۵ أَلْحَيَاءُ زِينَةُ وَ التَّقَى كَرَمٌ وَ خَيْرُ الْمَرْكَبِ الصَّبْرُ وَ انْتِظَارُ

الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةً.

حیا مایه زینت و تقوی مایه بزرگی است و بهترین وسیله وصول
بمقصود صبر است و انتظار گشایش از طرف خداوند عبادت
است.

۱۴۲۶ أَلْحَيَاءُ شَعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ. أَلْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ.

حیا شعبه ای از ایمان است. از حیا جز نیکی نمی آید.

۱۴۲۷ أَلْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَ الْبُذَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ وَ

الجفاء فی النار .

حیا از لوازم ایمان است و ایمان در بهشت است و بد زبانی از
خشونت است و خشونت در جهنم است.

۱۴۲۸ أَلْحِیاءُ هُوَ الدِّینُ كُلُّهُ .

حیا تمام دین است.

۱۴۲۹ أَلْحِیاءُ وَ الْإِیْمَانُ قَرْنَا جَمِیْعًا فَإِذَا رَفَعَ أَحَدُهُمَا رَفَعَ الْآخَرَ .

حیا و ایمان قرین یکدیگرند اگر یکی از میان برخاست دیگری هم
برود.

۱۴۳۰ أَلْحِیاءُ وَ الْإِیْمَانُ مَقْرُونَانِ فِی قَرْنٍ وَاحِدٍ فَإِذَا سَلَبَ أَحَدُهُمَا

تَبِعَهُ الْآخَرُ .

حیا و ایمان قرین یکدیگرند اگر یکی رفت دیگری نیز همراه آن
میرود.

۱۴۳۲ أَلْحِیاءُ وَ الْإِیْمَانُ مَقْرُونَانِ لَا یَفْتَرِقَانِ إِلَّا جَمِیْعًا .

حیا و ایمان قرین یکدیگرند و جز با هم از کسی دور نشوند.

۱۴۳۳ أَلْحِيَاءُ وَالْعِيَّ شَعْبَتَانِ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْبَدَاءِ وَالْبَيَانِ شَعْبَتَانِ مِنَ
النِّفَاقِ.

حیا و کم زبانی دو شعبه ایمان است و خشونت و زبان آوری از
لوازم نفاق است.

حرف خ

۱۴۳۴ خَابَ عَبْدٌ وَ خَسِرَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي قَلْبِهِ رَحْمَةً لِلْبَشَرِ.
بنده ای که خداوند رحم نسبت بکسان را در دل او قرار نداده
زیانکار است.

۱۴۳۵ خَدِمْتُكَ زَوْجَتَكَ صَدَقَةً.

خدمتی که بزن خود میکنی صدقه است.

۱۴۳۶ خَالَطُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ وَ خَالَفُوهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ.

با مردان در اخلاقشان مخالط باشید و در اعمالشان مخالف.

۱۴۳۷ خذ الأمر بالتدبير فإن رأيت في عاقبته خيرا فأمض و إن
خفت غيا فأمسك.

کار را بتدبیر بنگر اگر در سر انجام آن خیری هست قدم بگذار و
اگر از عاقبت آن بیم داری دست نگهدار.

۱۴۳۸ خذوا على أیدی سفهائکم.
از تجاوز سفیهان خود جلوگیری کنید.

۱۴۳۹ خذوا من العمل ما تطيقون فإن الله لا يمل حتى تملّوا.
عمل بقدر طاقت کنید زیرا ملالت شما مایه ملالت خدا میشود.

۱۴۴۰ خرج رجل ممّن كان قبلکم فی حلّه له یختال فیها فأمر الله
الأرض فأخذته فهو يتجلجل فیها إلى يوم القيامة.

مردی از پیشینان حله ای پوشید و مکبرانه بیرون آمد خداوند
بزمین فرمان داد تا او را گرفت و تا روز قیامت در آن دست و پا

میزند.

۱۴۴۱ خرج نبیّ من الأنبياء بالنّاس يستسقون الله تعالى فإذا هو
بنملة رافعة بعض قوائمها إلى السّماء فقال ارجعوا فقد استجيب لكم
من أجل هذه النملة.

پیغمبری با مردم برای دعای باران بیرون آمد مورچه ای را دید که
دست خود را بطرف آسمان بلند کرده است گفت باز گردید که
خدا بخاطر این مورچه دعای شما را پذیرفت.

۱۴۴۲ خشية الله رأس كلّ حكمة و الورع سيّد العمل.
ترس خدا سر همه حکمتهاست و ورع پیشوای اعمال است.

۱۴۴۳ خصّ البلاء بمن عرف الناس و عاش فيهم من لم يعرفهم.
هر که کسان را شناخت قرین بلا شد و هر که شناختشان در
میانشان آسوده زیست.

۱۴۴۴ خصلتان لا يجتمعان في مؤمن: ألبخل و سوء الخلق.

دو صفت است که در مؤمن نشود بخل و بد خوئی.

۱۴۴۵ خصلتان لا یجتمعان فی منافق حسن سمت و لا فقه فی

الدین.

دو خصلت است که در منافق جمع نشود نیکنامی و دانائی در امور
دین.

۱۴۴۶ خصلتان لیس فوقهما من البرّ شیء إلا یمان بالله و النّفع لعباد

الله.

دو خصلت است که نیکتر از آن نیست ایمان بخدا و سودمندی
برای بندگان خدا.

۱۴۴۷ خصلتان من کانتا فیه کتبه الله شاکرا صابرا و من لم یكونا

فیه لم یکتبه الله لا شاکرا و لا صابرا: من نظر فی دینه إلی من هو

فوقه فاقتدی به و نظر فی دنیاہ إلی من هو دونه فحمد الله علی ما

فضّله به علیه کتبه الله شاکرا صابرا و من نظر فی دینه إلی من هو

دونه و نظر فی دنیاہ إلی من هو فوقه فأسف علی ما فاتہ منه لم

یکتبه الله شاکرا و لا صابرا.

دو خصلت است که در هر که باشد خدا او را صبور و شکر گزار
 رقم زند و هر که از آن بی بهره باشد وی را نه صابر رقم زند نه
 شکر گزار هر که در کار دین بکسی که فراتر از اوست بنگرد و او
 را پیروی کند و در کار دنیا بآنکه فروتر از اوست بنگرد و خدا را
 بر آنچه بیشتر دارد شکر کند، خدا او را صابر و شاکر رقم زند و
 هر که در کار دین به آنکه فروتر از اوست بنگرد و در کار دنیا
 بآنکه فراتر از اوست بنگرد و بر آنچه کمتر دارد تأسف خورد
 خدا او را نه صابر رقم زند نه شکر گزار.

۱۴۴۸ خَلَّتَانِ کَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فِيهِمَا مَفْتُونُ الصَّحَّةِ وَ الْفِرَاقِ.

دو صفت است که بیشتر مردم بدان دلباخته اند صحت و فراغت.

۱۴۴۹ خَلَّفَتْ فِيكُمْ شَيْئِينَ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدَهُمَا: كِتَابُ اللَّهِ وَ سُنَّتِي وَ

لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

دو چیز میان شما و گذاشتم که بعد از آن گمراه نخواهید شد
 قرآن و روش من و این دو از هم جدا نشوند تا بر سر حوض بمن

برسند.

۱۴۵۰ خلق الله الخلق فكتب آجالهم و أعمالهم و أرزاقهم.

خداوند خلق را بیافرید و زندگی و اعمال و ارزاقشان را رقم زد.

۱۴۵۱ خلق الله عزّ و جلّ الجنّ ثلاثة أصناف: صنف حيّات و

عقارب و خشاش الأرض و صنف كالريّح فى الهواء و صنف عليهم

الحساب و العقاب و خلق الله الإنس ثلاثة أصناف: صنف كالبهائم

و صنف أجسادهم أجساد بنى آدم و أرواحهم أرواح الشّياطين و

صنف فى ظلّ الله يوم لا ظلّ إلّا ظلّه.

خداوند جن را سه قسم آفریده یک قسم مارها و عقربها و

حشراتند و قسم دیگر مانند باد در هوا روانند و قسم دیگر حساب

و عقاب دارند و آدمیان را سه قسم آفریده یک قسم مانند

چهارپایانند و قسم دیگر تنهایشان مانند تن آدمیان و جانهایشان

مانند جانهای شیاطین است و قسم دیگر روزی که سایه‌ای جز سایه

خدا نیست در سایه او هستند.

۱۴۵۲ خلق الله مائه رحمه فوضع رحمه واحده بين خلقه

يتراحمون بها و خبا عنده مائه إلا واحده.

خداوند صد جزء رحمت آفرید و یکی را میان خلق نهاد که
بوسیله آن بر یکدیگر رحم کنند و نود و نه جزء آن را پیش خود
نگه داشت.

۱۴۵۳ خلق الله يحيى ابن زكريّا فى بطن أمّه مؤمنا و خلق فرعون

فى بطن أمّه كافرا.

خداوند یحیی پسر زکریا را در شکم مادر مؤمن خلق کرد و
فرعون را در شکم مادر کافر آفرید .

۱۴۵۴ خلقان يحبهما الله و خلقان يبغضهما الله فأما اللّذان يحبهما

الله فالسّخاء و السّماحة و أمّا اللّذان يبغضهما الله فسوء الخلق و

البخل و إذا أراد الله بعبد خيرا إستعمله على قضاء حوائج النّاس.

دو صفت را خدا دوست دارد، و دو صفت را دشمن دارد، دو
صفتی که خدا دوست دارد بخشش است و گذشت و دو صفتی
که خدا دشمن دارد بد خوئی و بخلست و همینکه خدا برای بنده

ای نیکی خواهد وی را برای رفع حوائج مردم بکار میبرد.

۱۴۵۵ خلّلوا بین أصابعكم لا يخلّل الله بينها بالنّار.

هنگام وضو میان انگشتان خود فاصله دهید تا خدا بوسیله آتش میان آنها را فاصله ندهد.

۱۴۵۶ خلّلوا لحاکم و قصّوا أظفارکم فإنّ الشّیطان یجرى ما بین اللحم و الظّفر.

ریشه‌های خود را شانه کنید و ناخنهای خود را کوتاه سازید زیرا شیطان میان گوشت و ناخن روانست.

۱۴۵۷ خمس بخمس ما نقض قوم العهد إلّا سلّط علیهم عدوّهم و ما حکموا بغير ما أنزل الله إلّا فشا فیهم الفقر و لا ظهرت فیهم الفاحشه إلّا فشافیهم الموت و لا طففوا المکیال إلّا منعوا النّبات و أخذوا بالسّنین و لا منعوا الزّکاة إلّا حبس عنهم القطر.

پنج چیز از لوازم پنج چیز ست کسانی که پیمان شکنند دشمنشان بر آنها مسلط شود و کسانی که بر خلاف آنچه خدا گفته قضاوت

کنند فقر میان آنها رواج یابد و کسانی که بی عفتی میان آنها
 رواج یابد مرگ ناگهانی میان آنها شایع شود و کسانی که کم
 فروشی پیشه کنند بقحط دچار شوند و کسانی که زکاء ندهند به
 خشکسالی مبتلا گردند.

۱۴۵۸ خمسة من مصائب الدنيا فوت الحبيب و ذهاب المال و
 شماتة الأعداء و ترك العلم و امرأة سوء.

پنج چیز از مصائب دنیاست مرگ دوست و تلف شدن مال و
 سرزنش دشمنان و ترک دانش و زن بد .

۱۴۵۹ خمس خصال يفطرن الصائم و ينقضن الوضوء: الكذب و
 الغيبة و النميمة و النظر بشهوة و اليمين الكاذبة.

پنج کار است که روزه را باطل میکند و وضو را میشکند، دروغ و
 غیبت و سخن چینی و نظر شهوت و قسم دروغ.

۱۴۶۰ خمس دعوات يستجاب لهنّ: دعوة المظلوم حتى ينتصر و
 دعوة الحاجّ حتى يصدر و دعوة الغازي حتى يقفل و دعوة

المريض حتى يبرأ و دعوة الأخ لأخيه بظهر الغيب و أسرع هذه
الدعوات إجابة دعوة الأخ لأخيه بظهر الغيب.

پنج دعاست که مستجاب میشود دعای مظلوم تا یاری شود و دعای
زائر کعبه تا باز گردد و دعای کسی که بجهاد میرود تا باقامتگاه
خود برسد و دعای مریض تا شفا یابد، و دعای برادری که در
غیبت برادر خود برای او کند و این دعا از همه دعاها زودتر
مستجاب میشود.

۱۴۶۱ خمس ليس لهنّ كفّارة: الشّرك بالله و قتل النّفس بغير حقّ
و بهت المؤمن و الفرار من الزّحف و يمين صابرة يقتطع بها مالا
بغير حقّ

پنج گناهست که محو شدنی نیست، شریک قرار دادن برای خدا و
کشتن کسان بناحق و بهتان زدن بمؤمن و فرار از جنگ و قسم
ناحق که بوسیله آن مال کسان را ببرند.

۱۴۶۲ خمس من الإيمان من لم یکن فیہ شیء منهنّ فلا إیمان له
التّسليم لأمر الله و الرّضا بقضاء الله و التّفویض إلى الله و التّوکل

على الله و الصبر عند الصدمة الأولى .

پنج چیز از لوازم ایمانست و هر که یکی از آنها در او نباشد ایمان ندارد تسلیم بفرمان خدا و رضا بقضای خدا و تفویض کارها بخدا و توکل بخدا و صبر هنگام صدمه نخستین.

۱۴۶۳ خمس من سنن المرسلین: أَلْحِیاء و الْحِلْم و الْحِجَامَةُ و

السَّوَاك و التَّعَطُّر.

پنج چیز از سنت پیغمبرانست حیا و حلم و حجامت و مسواک و عطر زدن.

۱۴۶۴ خمس هنّ من قواصم الظّهر: عقوق الوالدین و المرأة

یأتمنها زوجها تخونه و الإمام یطیعه الناس و یعصى الله و رجل

وعد عن نفسه خیرا فأخلف و اعتراض المرء فی أنساب الناس.

پنج چیز کمر شکن است، بد رفتاری با پدر و مادر و زنی که شوهرش بدو اطمینان دارد ولی بدو خیانت کند و پیشوائی که مردم او را اطاعت کنند ولی او خدا را اطاعت نکند و مردی که وعده دهد و تخلف کند و بد گوئی شخص درباره نسب مردم.

۱۴۶۵ خمس یعجل الله لصاحبها - العقوبة: ألبغى و الغدر و عقوق

الوالدين و قطيعة الرحم و معروف لا يشكر.

پنج چیز است که خدا مرتکب آن را زود کیفر میدهد ستم و خیانت و بد رفتاری با پدر و مادر و بریدن از خویشاوندان و حق شناسی.

۱۴۶۶ خيار أئمتكم الذين تحبونهم و يحبونكم و تصلون عليهم و

يصلون عليكم و شرار أئمتكم الذين تبغضونهم و يبغضونكم و

تلعنونهم و يلعنونكم.

بهترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنها را دوست دارید و شما را دوست دارند شما آنها را دعا کنید و آنها نیز شما را دعا کنند و بدترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنها را دشمن دارید و شما را دشمن دارند و آنها را نفرین کنید و شما را نفرین کنند.

۱۴۶۷ خيار المؤمنين القانع و شرارهم الطامع.

بهترین مؤمنان کسی است که قانعست و بدترین آنها کسی است

که طمعکار است.

۱۴۶۸ خیار اُمّتی أحداؤها الذين إذا غضبوا رجعوا.

بهترین امت من تند خویانند که وقتی بخشم آیند زود آرام شوند.

۱۴۶۹ خیار اُمّتی علماؤها و خیار علماءها حلماؤها.

بهترین امت من دانشمندانند و بهترین دانشمندان امت من
بردارانند.

۱۴۷۰ خیار اُمّتی علماؤها و خیار علمائها رحماؤها ألا و إنّ الله

تعالی لیغفر للعالم أربعين ذنبا قبل أن یغفر للجاهل ذنبا واحدا، ألا و

إنّ العالم الرّحیم یجیء یوم القيامة و إنّ نوره قد أضاء بمشی فیہ ما

بین المشرق و المغرب کما یضیء الکواکب الدّریّ.

بهترین امت من دانشمندانند و بهترین دانشمندان امت من رحیمانند

بدانید که خدا پیش از آنکه یک گناه نادان را ببخشد چهل گناه

دانشمند را می بخشد و بدانید که دانشمند رحیم روز رستاخیز می

آید و در نور خود که فاصله میان مشرق و مغرب را چون ستاره

های درخشان روشن کرده راه رود.

۱۴۷۱ خیار اُمّتی من دعا إلى الله تعالى و حبّ عباده إليه.

بهترین امت من کسی است که مردم را بسوی خدا بخواند و بندگان خدا را دوستدار او سازد.

۱۴۷۲ خیار کم أحاسنکم أخلاقاً أَلَدین یألفون و یؤلفون.

بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان بهتر است و با مردم سازگارند و کسان را با یکدیگر سازگاری دهند.

۱۴۷۴ خیار کم أحسنکم قضاء للدين.

بهترین شما کسانی هستند که قرض خود را بهتر ادا کنند.

۱۴۷۵ خیار کم أطولکم أعماراً و أحسنکم أخلاقاً.

بهترین شما کسانی هستند که عمرشان درازتر و اخلاقشان نیکتر است.

۱۴۷۶ خیار کم أطولکم أعمارا و أحسنکم أعمالا.

بهترین شما کسانی هستند که عمرهایشان درازتر و اعمالشان بهتر است.

۱۴۷۷ خیار کم خیار کم لنسائهم. خیار کم خیر کم لأهله.

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خود بهتر باشند. بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است.

۱۴۷۸ خیار کم من ذکر کم بالله رؤیته و زاد فی علمکم منطقه و رغبکم فی الآخرة عمله.

بهترین شما آنکس است که دیدار او خدا را بیاد شما آورد و سخنانش دانش شما را بیفزاید و رفتارش شما را بآخرت راغب سازد

۱۴۷۹ خیر الأصحاب صاحب إذا ذكرت الله أعانک و إذا نسیت ذکرک.

بهترین یاران کسی است که وقتی خدا را یاد کردی ترا کمک

کند وقتی یاد خدا را فراموشی کردی او را بیاد تو آورد.

۱۴۸۰ خیر الأصحاب عند الله خیرهم لصاحبه و خیر الجیران عند الله خیرهم لجاره.

بهترین رفیقان پیش خدا کسیست که برای رفیق خود بهتر باشد و بهترین همسایگان کسی است که برای همسایه خود بهتر باشد.

۱۴۸۱ خیر الأمور أوسطها.

بهترین کارها آنست که به اعتدال نزدیکتر است.

۱۴۸۲ خیر الدنیا و الآخرة مع العلم و شرّ الدنیا و الآخرة مع الجهل.

نیکی دنیا و آخرت با دانش هم راهست و بدی دنیا و آخرت با نادانی قرین است.

۱۴۸۳ خیر الذکر الخفیّ و خیر الرزق ما یکفی.

بهترین ذکرها آنست که مخفی باشد و بهترین روزیها آنست که

کافی باشد.

۱۴۸۴ خیر الرّزق ما کان یوما بیوم کفافاً.

بهترین روزی آنست که روز به روز بحد کفایت برسد.

۱۴۸۵ خیر الرّفقاء أربعة و خیر الطّالّیّع أربعمائة و خیر الجیوش

أربعة آلاف.

بهترین دوستان چهار تن و بهترین پیشقراولان چهار صد و بهترین سپاهیان چهار هزار است.

۱۴۸۶ خیر الزّاد التّقوی و خیر ما ألقى فی القلب الیقین.

بهترین توشه های سفر حیات تقوی است و بهترین صفات قلب ایمان است.

۱۴۸۷ خیر الشّهادة ما شهد بها صاحبها قبل أن یسألها.

بهترین شهادت ها شهادتی است که پیش از آنکه پرسند ادا شود.

۱۴۸۸ خیر الشّهود من أدّى شهادته قبل أن يسألها.

بهترین شاهدان کسی است که پیش از آنکه پرسند شهادت دهد.

۱۴۸۹ خیر الصّدّاق أيسره.

بهترین مهرها آنست که سبکتر باشد.

۱۴۹۰ خیر الصّدقه ما أبقت غنى و اليد العليا خير من اليد السفلى

و ابداء بمن تعول.

بهترین صدقه ها آنست که چیزی پس از آن بجای ماند، و دست
دهنده بهتر از دست گیرنده است و صدقه را از نانخوران خود
آغاز کن.

۱۴۹۱ خیر الصّدقه ما كان عن ظهر غنى.

بهترین صدقه آنست که با فراخ دستی انجام دهند.

۱۴۹۲ خیر العباده أخفيها.

بهترین عبادت ها آنست که پنهان تر است.

۱۴۹۳ خیر العمل أن تفارق الدّیا و لسانک رطب من ذکر الله.

بهترین کارها آنستکه هنگام مفارقت از جهان زبانت به نام خدا گویا باشد.

۱۴۹۴ خیر العمل ما نفع و خیر الهدی ما اتّبع.

بهترین اعمال آنست که سودمند باشد و بهترین هدایتها آنستکه پیروی کنند.

۱۴۹۵ خیر الکسب کسب ید العامل إذا نصح.

بهترین کسبها کسبی است که کارگر با دست کند اگر با دقت انجام گیرد.

۱۴۹۶ خیر المجالس أوسعها.

بهترین مجالس آنست که وسیع تر باشد.

۱۴۹۷ خیر المسلمین من سلم المسلمون من یده و لسانه.

بهترین مسلمانان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند.

۱۴۹۸ خیر الناس أحسنهم خلقا

بهترین مردم کسانی هستند که اخلاقشان نیک تر باشد.

۱۴۹۹ خیر الناس أقرؤهم و أفقههم فی دین الله و أتقاهم لله و

آمرهم بالمعروف و أنهاهم عن المنکر و أوصلهم للرحم.

بهترین مردم کسانی هستند که قرآن بهتر خوانند و در کار دین داناتر باشند و از خدا بیشتر ترسند و به نیکی بیشتر امر کنند و از بدی بیشتر جلوگیری کنند و با خویشاوندان بیشتر نزدیک شوند.

۱۵۰۰ خیر الناس أنفعهم للناس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

۱۵۰۱ خیر الناس مؤمن فقیر يعطی جهده.

بهترین مردم مومن فقیری است که بقدر توانائی خود انفاق کند.

۱۵۰۲ خیر النَّاس من إنتفع به - النَّاس.

بهترین مردم کسی است که مردم از او منتفع شوند.

۱۵۰۳ خیر النَّاس من طال عمره و حسن عمله و شرَّ النَّاس من طال

عمره و ساء عمله.

بهترین مردم کسی است که عمرش دراز و رفتارش نیک باشد و بدترین مردم کسی است که عمرش دراز و رفتارش بد باشد.

۱۵۰۴ خیر النَّساء الّتی تسرّہ إذا نظر و تطیعه إذا أمر و لا تخالفه

فی نفسها و لا مالها بما یکره.

بهترین زنان آنست که وقتی مرد بدو نگرد مسرور شود و وقتی بدو فرمان دهد اطاعت کند و با تن و مال خود بر خلاف رضای شوهر کاری نکند.

۱۵۰۵ خیر النَّساء الولود الودود.

بهترین زنان زن مهربانی است که فرزند بسیار آورد.

۱۵۰۶ خیر النساء من تسرک إذا أبصرت و تطیعک إذا أمرت و
تحفظ غیبتک فی نفسها و مالک .

بهترین زنان آنست که وقتی بدو نگری ترا مسرور کند و وقتی
 فرمان دهی اطاعت کند و تن خویش و مال تو را در غیابت
 محفوظ دارد.

۱۵۰۷ خیر النکاح أیسره.

بهترین ازدواجها آنست که آسان تر انجام گیرد.

۱۵۰۸ خیر أبواب البر الصدقه.

بهترین راههای نیکی صدقه دادن است.

۱۵۰۹ خیر إخوانکم من أهدی إلیکم عیوبکم.

بهترین برادران شما آنست که عیوبتان را بشما آشکارا بگوید.

۱۵۱۰ خیر بیت فی المسلمین بیت فیہ یتیم یحسن إلیه و شرّ بیت

فی المسلمین بیت فیه یتیم یساء إلیه أنا و کافل الیتیم فی الجنّة
هكذا.

بهترین خانه های مسلمانان خانه ایست که در آن یتیمی باشد و باو
نیکی کنند و بدترین خانه های مسلمانان خانه ایست که در آن
یتیمی باشد و با او بدی کنند من کسی که کفالت یتیم را بعهده
بگیرد در بهشت مانند دو انگشت همراهیم

۱۵۱۱ خیر بیوتکم بیت فیه یتیم مکرم.

بهترین خانه های شما خانه ایست که در آن یتیمی محترم باشد.

۱۵۱۲ خیر دینکم الورع.

بهترین صفات دین شما پرهیزکاری است.

۱۵۱۳ خیر دینکم أیسره.

بهترین کارهای دین شما آنست که آسانتر است.

۱۵۱۴ خیر شابکم من تشبه بالكهول و شرّ کهولکم من تشبه

بشبابکم.

بهترین جوانان شما آنست که رفتار پیران پیش گیرد و بدترین
پیران شما آنست که روش جوانان داشته باشد.

۱۵۱۵ خیر صفوف الرجال أولها و شرّها آخرها و شرّ صفوف
النّساء أولها و خیرها آخرها .

بهترین صف‌های مردان صف اول است و بدترینش صف آخر
است و بدترین صف‌های زنان صف اولست و بهترینش صف آخر
است.

۱۵۱۶ خیر طیب الرجال ما ظهر ريحه و خفی لونه و خیر طیب
النّساء ما ظهر لونه و خفی ريحه .

بهترین عطر مردان آنست که بویش عیان و رنگش نهان باشد و
بهترین عطر زنان آنست که رنگش عیان و بویش نهان باشد.

۱۵۱۷ خیرکم أزهّدکم فی الدّیّا و أرغبکم فی الآخرة.

بهترین شما کسی است که بدنیا بی رغبتتر و باختر راغب‌تر

است.

۱۵۱۸ خیر کم إسلاما أحاسنکم أخلاقا إذا فقهوا.

از میان شما اسلام آنکس بهتر است که اخلاقش نیک تر است اگر در کار دین دانا باشند.

۱۵۱۹ خیر کم المدافع عن عشیرته ما لم یأثم.

بهترین شما کسی است که از طایفه خود دفاع میکند بشرط آنکه در این راه مرتکب گناه نشود.

۱۵۲۰ خیر کم خیر کم لأهله و أنا خیر کم لأهلی ما أكرم النساء إلاّ کریم و لا أهانهنّ إلاّ لئیم.

بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است، من از همه شما برای کسان خود بهترم، بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند.

۱۵۲۱ خیر کم خیر کم للنساء.

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان بهترند.

۱۵۲۲ خیرکم خیرکم لنسائه و لبناته.

بهترین شما کسی است که برای زنان و دختران خود بهتر باشد.

۱۵۲۳ خیرکم من أعانه الله على نفسه فملکها.

بهترین شما کسی است که خداوند کمکش کرده و بر خویشتن تسلط یافته است.

۱۵۲۴ خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه.

بهترین شما کسی است که قرآن را تعلیم گیرد و تعلیم دهد.

۱۵۲۵ خیرکم من لم يترك آخرته لدنياه و لا دنياه لآخرته و لم یکن کلاً علی الناس.

بهترین شما کسی است که آخرت خود را برای دنیا از دست ندهد و دنیای خود را برای آخرت از دست نگذارد و سربار مردم نباشد.

۱۵۲۶ خیرکم من یرجی خیره و یؤمن شرّه و شرکم من لا یرجی
خیره و لا یؤمن شرّه.

بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش
امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از
شرش امان نیست.

۱۵۲۷ خیر لهو المؤمن السّباحه و خیر لهو المرأة المغزل.
بهترین سرگرمی مؤمن شناست و بهترین سرگرمی زن دستگاه نخ
ریسی است.

۱۵۲۸ خیر ما أعطی الناس خلق حسن.
بهترین چیزی که به مردم داده اند خوی نیکست.

۱۵۲۹ خیر ما أعطی الرّجل المؤمن خلق حسن و شرّ ما أعطی -
الرّجل قلب سوء فی صورة حسنه.
بهترین چیزی که به مرد داده اند خوی نیک است و بدترین چیزی
که به مرد داده اند سیرت بد است در صورت نیک

۱۵۳۰ خیر ما ألقى فی القلب الیقین.

بهترین صفتی که در قلب نهاده اند ایمان است.

۱۵۳۱ خیر ما یخلف الإنسان بعده ثلاث ولد صالح یدعو له و صدقه

تجری یبلغه أجرها و علم ینتفع به من بعده.

بهترین چیزی که انسان پس از خود و میگزارد سه چیز است
فرزند پارسا که برای او دعا کند و صدقه جاری که پاداش آن بدو
رسد و دانشی که پس از وی از آن بهره مند شوند.

۱۵۳۲ خیر مساجد النساء قعر بیوتهنّ.

بهترین مسجد زنان کنج خانه آنها است.

۱۵۳۳ خیر نساء أمتی أصبحهنّ وجها و أقلهنّ مهرا.

بهترین زنان امت من کسانی هستند که رویشان نکوتر و مهرشان
کمتر است.

۱۵۳۴ خیر نسائکم العفیفة الغلمة عفیفة فی فرجها غلمة علی

زوجها.

بهترین زنان شما زن عفیف راغب است که در ناموس خود عفت و به شوهر خود رغبت داشته باشد .

۱۵۳۵ خیر نسائکم الولود الودود المواسیة المواتیة إذا اتقین الله و

شرّ نسائکم المتبرّجات المتخیلات و هنّ المنافقات لا یدخل الجنّة

منهنّ إلاّ مثل الغراب الأعصم.

بهترین زنان شما زن بچه آور مهربان است که شریک و مطیع شوهر باشد اگر از خدا بترسند و بدترین زنان شما آرایش کنان و متکبرانند و آنان منافقانند و از آن ها جز باندازه کلاغی که خط سفید بگردن دارد بهشت نمیروند.

۱۵۳۶ خیرهنّ أیسرهنّ صداقا.

بهترین زنان آنست که مهرش آسانتر باشد.

۱۵۳۷ خیرت بین الشّفاعه و بین أن یدخل شطر أمّتی الجنّة

فاخترت الشّفاعه لأنّها أعمّ و أكفی أترونها للمؤمنين المتّقين؟ لا و لكنّها للمذنبين المتلوّثين الخطّائين.

مرا مخیر ساختند که شفاعت کنم یا یک نیمه اتمم ببهشت در آیند و من شفاعت را اختیار کردم زیرا دامنه آن وسیعتر و کفایت آن بیشتر است، تصور می کنید شفاعت برای مؤمنان پرهیزکار است؟ نه بلکه برای گنهکاران آلوده خطا کار است.

۱۵۳۸ خیر سلیمان بین المال و الملك و العلم فاختر العلم فاعطی الملك و المال لاخياره العلم.

سلیمان پیغمبر را میان ملک و دانش مخیر کردند دانش را برگزید ملک را نیز بدو دادند برای آنکه دانش را برگزیده بود.

۱۵۳۹ ألخبر الصّالح یجىء به الرّجل الصّالح و الخبر السّوء یجىء به الرّجل السّوء .

خبر خوب را مرد خوب آرد و خبر بد را مرد بد.

۱۵۴۰ ألخرق شؤم و الرّفق یمن.

خشونت شئامت است و مدارا میمنت.

۱۵۴۱ أَلْخَطَّ الْحَسَنُ يَزِيدُ الْحَقَّ وَ ضَحَا.

خط نیکو و ضوح حق را افزون میکند.

۱۵۴۲ أَلْخَلَقَ الْحَسَنُ يَذِيبُ الْخَطَايَا كَمَا يَذِيبُ الْمَاءُ الْجَلِيدُ وَ الْخَلْقُ

السَّوِّءُ يَفْسُدُ الْعَمَلُ كَمَا يَفْسُدُ الْخَلُّ الْعَسَلُ.

خوی نیک گناهان را محو میکند چنانکه آب یخ را ذوب میکند و
خوی بد اعمال را فاسد میکند چنانکه سرکه عسل را تباه میکند.

۱۵۴۳ أَلْخَلَقَ كُلَّهُمْ عِبَالُ اللَّهِ فَأَحَبَّهُمْ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ.

مردم همه عیال خدایند و محبوب ترین کسان پیش خدا کسی
است که برای عیال وی سودمندتر باشد.

۱۵۴۴ أَلْخَمْرُ أُمُّ الْخَبَائِثِ فَمَنْ شَرِبَهَا لَمْ تَقْبَلْ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِنْ

مَاتَ وَ هِيَ فِي بَطْنِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

شراب مادر ناپاکیهاست، هر که بنوشد چهل روز نمازش پذیرفته

نشود و اگر بمیرد و شراب در شکم او باشد چنانست که در دوران
جاهلیت مرده باشد.

۱۵۴۵ أَلْخَمْرُ أُمُّ الْفَوَاحِشِ وَ أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ مَنْ شَرِبَهَا وَقَعَ عَلَى أُمِّهِ وَ
خَالَتِهِ وَ عَمَّتِهِ.

شراب مادر بدیهاست و از همه گناهان بزرگ بزرگتر است هر که
آن را بنوشد باک ندارد که با مادر و خاله و عمه خود زنا کند.

۱۵۴۶ أَلْخَمْرُ جَمَاعُ الْآثَامِ.
شراب مجموعه گناهان است.

۱۵۴۷ أَلْخِيَانَةُ تَجَرُّ الْفَقْرَ.
خیانت مایه فقر است.

۱۵۴۸ الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَ مَنْ يَعْمَلُ بِهِ قَلِيلٌ.
خوبی بسیار است و کسی که بدان عمل کند اندک.

۱۵۴۹ الخیر مع اکابر کم.

خوبی همراه بزرگان شماست.

۱۵۵۰ الخیر معقود بنواصی الخیل إلى يوم القيامة و المنفق علی

الخیل کالباسط کفه بالنفقة لا یقبضها.

نیکی تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است خرج اسب چون نفقه
ضروریست و نباید از آن امساک کنند.

۱۵۵۱ الخیل معقود بنواصیها الخیر إلى يوم القيامة لأجر و المغنم.

نیکی یعنی پاداش و غنیمت تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است.

۱۵۵۲ الخیل معقود بنواصیها الخیر و النیل إلى يوم القيامة و أهلها

معانون علیها و المنفق علیها کباسط یده فی صدقة.

نیکی و کامروائی تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است و اسب
داران بوسیله آن معونت بینند و کسی که برای اسب خرج کند
چنانست که صدقه داده باشد.

۱۵۵۳ أخیل معقود فی نواصیها الخیر إلى یوم القیامة و أهلها
معانون علیها فامسحوا بنواصیها و ادعوا لها بالبركة و قلّدوها و لا
تقلّدوها الأوتار.

نیکی تا روز قیامت به پیشانی اسبان بسته است و اسب داران
 بوسیله آن کمک بینند به پیشانی اسب دست بکشید و برای آن
 برکت بخواهید چیز بدان بیاویزید ولی زه کمان میاویزید.

حرف د

۱۵۵۴ داووا مرضاکم بالصّدقة فإنّها تدفع عنکم الأمراض و
الأعراض.

بیماران خود را بوسیله صدقه علاج کنید زیرا صدقه امراض و
 اعراض را از شما دفع میکند .

۱۵۵۵ دبّ إلیکم داء الأم قبلکم ألسد و البغضاء هی الحالقة
حالقة الدّین لا حالقة الشّعرو الذی نفس محمّد بیده لا تدخلوا الجنّة
حتّی تؤمنوا و لا تؤمنوا حتّی تحابّوا أفلا أنبئکم بشیء إذا فعلتموه
تحاببتّم؟ أفشوا السّلام بینکم.

مرض امتهای قبل در شما نفوذ کرده است حسد و دشمنی که
 سترنده است اما نه سترنده موی بلکه سترنده دین است بخدائی که
 جان محمد بکف اوست بهشت نمی روید تا مؤمن شوید و مؤمن
 نشوید تا یک دیگر را دوست دارید آیا میخواهید شما را بچیزی
 خبر دهم که اگر انجام دهید، یکدیگر را دوست دارید، به
 همدیگر سلام کنید.

۱۵۵۶ دخلت الجنة فإذا أكثر أهلها البله.

بهشت در آدم و بیشتر اهل آن ابلهان بودند.

۱۵۵۷ دخلت الجنة فرأيت على بابها: الصدقة بعشرة و القرض

بثمانية عشر فقلت يا جبريل كيف صارت الصدقة بعشرة و القرض

بثمانية عشر قال لأنّ الصدقة تقع في يد الغنيّ و الفقير و القرض لا

يقع إلا في يد من يحتاج إليه.

بهشت در آدم و بر در آن نوشته دیدم، صدقه را ده برابر پاداش

است و قرض را هیجده برابر پاداش، گفتم ای جبرئیل چگونه

صدقه را ده برابر و قرض را هیجده برابر پاداش دهند، گفت برای

آنکه صدقه بدست بی نیاز و نیازمند افتد و قرض جز بدست
محتاجان نیفتد.

۱۵۵۸ دخلت الجنة فرأيت في عارضتي الجنة مكتوبا ثلاثة أسطر
بالذهب: السّطر الأوّل «لا إله إلاّ الله محمد رسول الله» و السّطر
الثّاني «ما قدّمنا وجدنا و ما أكلنا ربّحنا و ما خلّفنا خسرنا» و السّطر
الثّالث «أمّة مذنبه و ربّ غفور».

بهشت در آدم و دیدم که در دو نمای آن سه سطر به طلا نوشته
بود سطر اول چنین بود: «خدائی جز خدای یگانه نیست و محمد
پیغمبر خداست.» و سطر دوم چنین بود: «آنچه را از پیش
فرستادیم یافتیم و آنچه را مصرف کردیم از آن سود بردیم و
آنچه را عقب گذاشتیم از دست دادیم.» سطر سوم چنین بود:
«امتی گناهکار است و پروردگاری بخشنده»

۱۵۵۹ دخلت امرأة النار في هرة ربطتها فلم تطعمها و لم تدعها
تأكل من خشاش الأرض حتى ماتت.

زنی بجهنم رفت برای آنکه گربه ای را بسته بود و چیزی بدو

نخورانید و نگذاشت از چیزهای زمین بخورد تا بمرد.

۱۵۶۰ درهم الرجل ینفق فی صحّته خیر من عتق رقبة عند موته.

درهمی که انسان در حال صحت در راه خدا خرج کند بهتر از بنده ای است که هنگام مرگ آزاد کند.

۱۵۶۱ درهم ربا يأکله الرجل - و هو یعلم - أشدّ عند الله من ستّة و

ثلاثین زنیة.

یک درهم ربا که انسان دانسته گیرد در نظر خدا بدتر از سی و شش زناست.

۱۵۶۲ دعاء الأخ لأخیه بظهر - الغیب لا یردّ.

دعائی که برادر پشت سر برادر خود کند رد شدنی نیست.

۱۵۶۳ دعاء المحسن إلیه للمحسن لا یردّ.

دعائی که نکوئی دیده برای نکوکار کند رد شدنی نیست.

۱۵۶۴ دعاء المرء المسلم مستجاب لأخيه بظهر الغيب عند رأسه
ملک موکل به کَلِّما دعا لأخيه بخیر قال الملك: آمین و لك بمثل
ذلك.

دعای مرد مسلمان که پشت سر برادر خود کند پذیرفته شود بر
 سر او فرشته ای موکل است و هر دم برای برادر خود دعائی کند
 گوید پذیرفته باد و برای تو نیز نظیر آن باشد.

۱۵۶۵ دعاء الوالد لولده كدعاء النبیّ لأُمّته.
 دعائی که پدر برای فرزند کند مانند دعائیست که پیغمبر برای
 امت خود میکند.

۱۵۶۶ دع قيل و قال و كثرة السؤال و إضاعة المال.
 از قيل و قال و كثرت سؤال و تلف کردن مال در گذر.

۱۵۶۷ دع ما يريبك إلى ما لا يريبك فإن الصدق ينجي.
 از آنچه شبهه ناک است بگذر و آنچه را شبهه ناک نیست بر گیر
 که راستی مایه نجات است.

۱۵۶۸ دع ما یریبک إلی مالا یریبک فإِنَّک لن تجد فقد شیء
تر کته لله.

از آنچه شبهه ناک است در گذر و آنچه را شبهه ناک نیست بر گیر
 زیرا فقدان چیزی را که برای خدا رها کرده‌ای احساس نخواهی
 کرد.

۱۵۶۹ دع ما یریبک إلی مالا یریبک فمن رعی حول الحمی
یوشک أن یقع فیه.

از آنچه شبهه ناک است در گذر و آنچه را شبهه ناک نیست بر
 گیر زیرا هر که در اطراف قرق گوسفند چراند ممکن است در
 آن افتد.

۱۵۷۰ دعوا الحسناء العاقر و تزوجوا السّوداء الولود فإِنّی أکثر
بکم الأمم یوم القیمه .

زیبای عقیم را بگذارید و با سیاه بچه آور ازدواج کنید که من روز
 رستاخیز بفزونی شما بر امت‌های دیگر تفاخر میکنم.

۱۵۷۱ دعوا الدّنيا لأهلها، من أخذ من الدّنيا فوق ما يكفيه أخذ حتفه
و هو لا يشعر.

دنیا را باهل آن وا گذارید، هر که از دنیا بیش از حاجت خود فرا
گیرد، هلاک خویش را گرفته و نمیداند.

۱۵۷۲ دعوا النّاس یرزق الله بعضهم ببعض.

بگذارید خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر روزی دهد.

۱۵۷۳ دعوا النّاس یصیب بعضهم من بعض فإن استنصح أحدکم
أخاه فلینصحه.

بگذارید مردم از یکدیگر فائده برند و وقتی یکی از شما از برادر
خویش مشورت خواست رأی خود را باو بگوید.

۱۵۷۴ دعوة المظلوم مستجابة و إن کان فاجرا ففجوره علی نفسه.

دعای ستمدیده پذیرفته است اگر چه بد کار باشد بد کاری. او
مربوط بخودش است.

۱۵۷۵ دعوتان ليس بينهما و بين الله حجاب دعوة المظلوم و دعوة
المرء لأخيه بظهر الغيب .

دو دعاست که میان آن و خدا پرده ای نیست، دعای ستمدیده و
دعائی که مرد پشت سر برادر خود کند.

۱۵۷۶ دعوة فى السرّ تعدل سبعين دعوة فى العلانية.
یک دعای نهانی مساوی هفتاد دعای آشکار است.

۱۵۷۷ دليل الخير كفاعله.
رهر نیکی چون نکو کار است.

۱۵۷۸ دوروا مع كتاب الله حيثما دار.
پیوسته پیرو کتاب خدا باشید.

۱۵۸۰ دينار أنفقه فى سبيل الله و دينار أنفقه فى رقبه و دينار
تصدّقت به على مسكين و دينار أنفقه على أهلك أعظمها أجرا

الذی أنفقته علی أهلک.

دیناری در راه خدا خرج کرده ای و دیناری برای آزاد کردن بنده ای داده ای و دیناری بینوائی صدقه کرده ای و دیناری خرج کسان خود کرده ای، بهتر از همه دیناریست که خرج کسان خود کرده ای.

۱۵۸۱ دین المرء عقله و من لا عقل له لا دین له.

دین مرد عقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد.

۱۵۸۲ ألدّار حرم فمن دخل علیک حرمک فاقتله.

خانه حرم است و هر که بی اجازه به حرم تو در آمد او را بکش.

۱۵۸۳ ألدّاعی و المؤمن فی الأجر شریکان و القاری و المستمع فی

الأجر شریکان و العالم و المتعلّم فی الأجر شریکان.

آنکه دعا میکند و آنکه آمین گوید در پاداش شریکند و قاری و مستمع در پاداش شریکند و دانشمند و دانش آموز در پاداش شریکند.

۱۵۸۴ الدّالّ علی الخیر کفاعله و الله یحبّ إغاثة اللّهبان.

رهبر نیکی چون نکو کار است و خداوند فریاد رسی بیچارگان را دوست دارد.

۱۵۸۵ الدّعاء بین الأذان و الإقامة لا یردّ.

دعائی که میان اذان و اقامه کنند رد نمیشود.

۱۵۸۶ الدّعاء جند من أجناد الله مجنّد یردّ القضاء بعد أن یرم.

دعا سپاهی از سپاهیان مجهز خداست و قضای محتوم را دفع می کند

۱۵۸۷ الدّعاء سلاح المؤمن .

دعا سلاح مؤمن است.

۱۵۸۸ الدّعاء مفتاح الرّحمة و الوضوء مفتاح الصّلاة و الصّلاة

مفتاح الجنّة.

دعا کلید رحمت و وضو کلید نماز است و نماز کلید بهشت.

۱۵۸۹ أَلَدَّاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ.

دعا عبادت است.

۱۵۹۰ أَلَدَّاءُ يَرُدُّ الْبَلَاءَ.

دعا دافع بلاست.

۱۵۹۱ أَلَدَّاءُ يَرُدُّ الْقِضَاءَ وَ إِنَّ الْبِرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ إِنَّ الْعَبْدَ

لِيَحْرُمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ.

دعا دفع قضا کند و نیکی روزی را بیفزاید و بنده بوسیله گناهی
که مرتکب شود از روزی خود محروم ماند.

۱۵۹۲ أَلَدَّاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَ مِمَّا لَمْ يَنْزَلْ فَعَلَيْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِالَدَّاءِ.

دعا درباره آنچه فرود آمده و آنچه نیامده مفید است بندگان خدا
از دعا غافل مشوید.

۱۵۹۳ الدّانیر و الدّراهم خواتیم اللّٰه فی أرضه من جاء بخاتم مولاہ
قضیت حاجته.

دینارها و درهمها مهرهای خدا در روی زمین است و هر که مهر
 آقای خود را بیاورد حاجتش بر آورده شود.

۱۵۹۴ الدّیّا حلوة خضره فمّن أخذها بحقه بورک له فیها و ربّ
متخوّض فیما اشتہت نفسه لیس له یوم القیامة إلّا النّار.

دنیا شیرین و دوست داشتنی است هر که از آن مطابق حق بهره
 گیرد بر او مبارکباد و بسا کسان که در خواهشهای خود فرو روند
 و روز قیامت نصیبی جز آتش ندارند.

۱۵۹۵ الدّیّا حرام علی أهل الآخرة و الآخرة حرام علی أهل الدّیّا
و الدّیّا و الآخرة حرام علی أهل اللّٰه.

دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا حرام است و
 دنیا و آخرت بر اهل خدا حرام است.

۱۵۹۶ الدّیّا خضره حلوة من اکتسب فیها مالا من حلّه و أنفقه فی

حقّه أثابه الله عليه و آورده جنته و من اکتسب فیها مالا من غیر
حلّه و أنفقه فی غیر حقّه أحلّه الله دار الهوان.

دنیا شیرین و دوست داشتنی است هر که در دنیا مالی از حلال
بدست آورد و به حق خرج کند، خدایش پاداش دهد و بهشت در
آورد هر که مالی از غیر حلال به دست آورد و بناحق خرج کند
خدا او را بجهنم در آورد.

۱۵۹۷ ألدّیا دار من لا دار له و مال من لا مال له و لها یجمع من لا
عقل له.

دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و مال کسی است که مال
ندارد و کسی برای دنیا مال فراهم میکند که عقل ندارد.

۱۵۹۸ ألدّیا دول فما کان لک أتاک علی ضعفک و ما کان منها
علیک لم تدفعه بقوّتک.

دنیا متغیر است منفعتی که نصیب تو است اگر ضعیف هم باشی بتو
میرسد و ضرری را که نصیب توست دفع آن بقوت نتوانی کرد

۱۵۹۹_ أَلَدُّنْيَا سَبْعَةُ أَيَّامٍ مِنْ أَيَّامِ الْآخِرَةِ.

عمر دنیا مساوی هفت روز از روز های آخرتست.

۱۶۰۰_ أَلَدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ.

دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر.

۱۶۰۱_ أَلَدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ خَيْرُ مَتَاعِهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ.

دنیا متاعی است و بهترین متاع آن زن پارساست.

۱۶۰۲_ أَلَدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ نَهْيٌ عَنْ

مَنْكَرٍ أَوْ ذِكْرٍ لِلَّهِ .

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است جز امر بمعروف و نهی از منکر یا ذکر خدا.

۱۶۰۳_ أَلَدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ وَ مَا وَالَاهُ وَ عَالَمَاهُ أَوْ

مَتَعَلِّمًا.

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است مگر ذکر خدا و

متعلقات آن و دانشمند یا دانش آموز.

۱۶۰۴ الدّیّا ملعونۀ ملعون ما فیها إلّا ما کان منها لله عزّ و جلّ.
دنیّا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است مگر آنچه برای
خداوند باشد.

۱۶۰۵ الدّیّا ملعونۀ ملعون ما فیها إلّا ما ابتغی به وجه الله عزّ و جلّ.
دنیّا ملعون است و هر چه در آنست ملعونست مگر چیزی که
رضای خدا بدان جویند.

۱۶۰۶ الدّواء من القدر و قد ینفع بإذن الله تعالى.
دوا از وسائل تقدیر است و به فرمان خدا فایده میدهد.

۱۶۰۷ الدّواوین ثلاثه: فدیوان لا یغفر الله منه شیئا و دیوان لا یعبؤ
الله به شیئا و دیوان لا یتراک الله منه شیئا فأما الدّیوان الذی لا
یغفر الله منه شیئا فالإشراک بالله و أما الدّیوان الذی لا یعبؤ الله به
شیئا فظلم العبد نفسه فیما بینہ و بین ربّه: من صوم یوم ترکه أو

صلاة تركها فإن الله يغفر ذلك إن شاء و يتجاوز و أمّا الدّیوان
الذی لا یتربک الله منه شیئا فمظالم العباد بینهم، ألقصاص لا محالة.

برای اعمال بندگان سه دفتر هست دفتری که خدا چیزی از آن را
نمی آمرزد و دفتری که خدا بدان اهمیت نمیدهد و دفتری که خدا از
هیچ چیز آن نمیگذرد. دفتری که خدا چیزی از آن را نمی آمرزد،
شرک بخداست و دفتری که خدا بدان اهمیت نمیدهد ستمی است
که بنده میان خود و خدا بخویشتن کرده است مانند روزه‌ای که
خورده یا نمازی که ترک کرده است و خداوند اگر بخواهد آن
را ببخشد و از آن در گذرد، دفتری که خداوند از هیچ چیز آن
نمیگذرد ستمهایی که بندگان یکدیگر کرده اند و ناچار باید
تلافی شود.

۱۶۰۸ الدّین النصیحة.

کمال دین خیر خواهی است.

۱۶۰۹ الدّین دینان: فمن مات و هو ینوی قضاءه فأنا ولیّه و من
مات و لا ینوی قضاءه فذاک الذی یؤخذ من حسناته لیس یومئذ

دینار و لا درهم.

دو جور قرض هست: هر که بمیرد و در دل دارد که قرض خود را بپردازد من ولی او هستم و هر که بمیرد و در دل دارد قرض خود را ندهد، در مقابل آن از اعمال نیک وی بردارند زیرا در آن روز دینار و درهمی نیست.

۱۶۱۰ الدّین رایة الله فی الأرض فإذا أراد أن یذلّ عبدا وضعها فی

عنقه.

قرض پرچم خدا در روی زمین است و هر که را خواهد ذلیل کند آن را بگردنش می گذارد.

۱۶۱۱ الدّین شین الدّین.

قرض مایه خواری دین است.

۱۶۱۲ الدّین همّ باللیل و مذلة بالنهار.

قرض غم شب و ذلت روز است.

۱۶۱۳ أَلَدِّين يَنْقُصُ مِنَ الدِّينِ وَ الْحَسْبُ.

قرض دین و بزرگی را بکاهد.

حرف ذ

۱۶۱۴ ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ بِمَنْزِلَةِ الصَّابِرِ فِي الْفَارِّينَ.

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چنانست که در میان فراریان جنگ ثبات ورزد.

۱۶۱۵ ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ مِثْلُ الَّذِي يُقَاتِلُ عَنِ الْفَارِّينَ وَ ذَاكِرُ

اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُصْبِحِ فِي الْبَيْتِ الْمَظْلَمِ وَ ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ

كَمِثْلِ الشَّجَرَةِ الْخَضِرَاءِ فِي وَسْطِ الشَّجَرِ الَّذِي قَدْ تَحَاتَّ مِنَ الصَّرِيدِ

وَ ذَاكِرُ اللَّهِ فِي الْغَافِلِينَ يَعْرِفُهُ اللَّهُ مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ذَاكِرُ اللَّهِ فِي

الْغَافِلِينَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ بَعْدَ كُلِّ فَصِيحٍ وَ أَعْجَمَ.

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چون آنکس است که از فراریان

جنگ دفاع کند و آن که در میان غافلان یاد خدا کند چون چراغ

در خانه تاریک است و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چون

درخت سبز است در میان درختانی که از سرما برگ ریزان کرده

و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند خدا جایگاهش را در بهشت
 باو بنمایاند و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند خدا بشماره هر
 زبان دار و گنگ او را بیامرزد.

۱۶۱۶ ذَبُّوا عَنْ أَعْرَاضِكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ.

با اموالتان از آبرویتان دفاع کنید.

۱۶۱۷ ذَبِحِ الرَّجُلَ أَنْ تَزْكِيَهُ فِي وَجْهِهِ.

سر بریدن مرد آنست که در حضورش تمجید وی کنی.

۱۶۱۸ ذَرُوا الْحَسَنَاءَ الْعَقِيمَ وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّودَاءِ الْوَلُودِ.

زن خوب روی نازا را واگذارید و سیاهی که فرزند بسیار آرد بر
 گزینید.

۱۶۱۹ ذَرَوْهُ سَنَامَ الْإِسْلَامِ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَنَالُهُ إِلَّا أَفْضَلُهُمْ.

اوج مسلمانی جهاد در راه خدا است که جز مسلمانان برجسته بدان
 نرسند.

۱۶۲۰ ذکر الله شفاء القلوب.

یاد کردن خدا شفای دلهاست.

۱۶۲۱ أَلذِّكْر خَيْرٌ مِنَ الصَّدَقَةِ.

یاد کردن خدا از صدقه دادن بهتر است.

۱۶۲۲ ذَنْبُ الْعَالَمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ وَ ذَنْبُ الْجَاهِلِ ذُنُوبَانِ.

گناه دانا یک گناه است و گناه نادان دو گناه.

۱۶۲۳ أَلذَّنْبُ شَوْمٌ عَلَى غَيْرِ فَاعِلِهِ إِنْ عَيَّرَهُ ابْتَلَى بِهِ وَ إِنْ اغْتَابَهُ أَثَمٌ

وَ إِنْ رَضِيَ بِهِ شَارَكَهُ .

گناه برای غیر گنهکار نیز شوم است که اگر او را عیب کند بدان مبتلا شود و اگر غیبت او کند گنهکار شود و اگر بدان رضا دهد شریک وی باشد.

۱۶۲۴ ذَنْبٌ لَا يَغْفَرُ وَ ذَنْبٌ لَا يَتْرَكَ وَ ذَنْبٌ يَغْفَرُ فَأَمَّا الَّذِي لَا يَغْفَرُ

فالشّرك بالله و أمّا الذی یغفر فذنب العبد بینہ و بین اللّٰہ عزّ و جلّ
و أمّا الذی لا یتّرك فظلم العباد بعضهم بعضا.

گناهی هست که بخشیدنی نیست و گناهی هست که از آن چشم
 نپوشند و گناهی هست که بخشیده تواند شد آنچه بخشیدنی نیست
 شرک بخدا است و آنچه بخشیده تواند شد گناه بنده میان خود و
 خدای عز و جل است اما آنچه از آن چشم نپوشند ستم کردن
 بندگان به یکدیگر است.

۱۶۲۶ ذنب یغفر و ذنب لا یغفر و ذنب یجازی به فأما الذّنب الذی
لا یغفر فالشّرك بالله و أمّا الذّنب الذی یغفر فعملک بینک و بین
ربّک و أمّا الذّنب الذی یجازی به فظلمک أخاک.

گناهی هست که بخشیده تواند شد و گناهی هست که بخشیدنی
 نیست و گناهی هست که سزای آن دهند اما گناهی که بخشیدنی
 نیست شرک بخداست اما گناهی که بخشیده تواند شد عملی است
 که میان خود و خدا کرده ای اما گناهی که سزای آن دهند ستمی
 است که برادر خویش کنی.

۱۶۲۷ ذو الدّرهمن أشدّ حسابا من ذی الدّرهّم و ذو الدّینارین أشدّ حسابا من ذی الدّینار .

آنکه دو درهم دارد حساب وی از صاحب یک درهم سختتر است.
و آنکه دو دینار دارد حساب وی از صاحب یک دینار سختتر است.

۱۶۲۸ ذو الوجهین فی الدّنیا یأتی یوم القیامۃ و له وجهان من نار.
هر که در دنیا دورو باشد روز قیامت بیاید و دو رو از آتش داشته باشد.

۱۶۲۹ ذو الوجهین لا یكون وجیها.
دو رو آبرومند نخواهد بود.

۱۶۳۰ ذهب النبوة فلا نبوة بعدی إلا المبررات: ألرؤیا الصّالحة
یراها الرّجل أو ترى له.

پیمبری پایان رسید و پس از من پیمبری نیست. مگر مژده رسان
ها و آن خوابهای نیکوست که مرد بیند یا برای او ببینند.

حرف ز

۱۶۳۱ زار رجل أخا له فى قرية فأرصد الله له ملكا على مدرجته
فقال: أين تريد؟ قال: أخا لى فى هذه القرية، فقال: هل له عليك
من نعمة تربّها؟ قال: لا إلاّ أنّى أحبه فى الله، قال: فإنّى رسول الله
إليك إنّ الله أحبّك كما أحبته.

مردى بدیدن برادر دینی خود بدهکده ای رفت، خداوند ملکی در
گذرگاه او گماشت و بدو گفت کجا میروی جواب داد: برادری
در این دهکده دارم. گفت آیا نعمتی بنزد تو دارد که میخواهی
آنها افزون کنی جواب داد نه، او را برای خدا دوست دارم، گفت
من فرستاده خدا هستم همانطور که او را دوست داری خدا ترا
دوست دارد.

۱۶۳۲ زر القبور تذکر بها الآخرة و اغسل الموتى فإنّ معالجه جسد
خاو موعظه بلیغه وصلّ على الجنائز لعلّ ذلک یحزنک فإنّ الحزین
فى ظلّ الله یوم القيامة یتعرض لکلّ خیر.

بزیارت قبرها برو تا آخرت را بیاد آری و مردگان را غسل بده

زیرا زیر و رو کردن جسد بیحرکت موعظه ای کامل است بر
مردگان نمازگزار شاید بدینوسیله غمگین شوی زیرا شخص
غمگین روز رستاخیز در سایه خدا در معرض همه نیکیهاست.

۱۶۳۳ زر غبّا تزدد حبّا.

بزیارت کسان کمتر رو تا محبوب تر باشی.

۱۶۳۴ زلّة العالم مضروب بها الطّبل و زلّة الجاهل يخفيها الجهل.

لغزش دانشمند بزودی مشهور شود و لغزش نادان را جهل مستور
دارد.

۱۶۳۵ زنا العينين النظر.

زنای چشمان نگاه نارواست.

۱۶۳۶ زنا اللّسان الكلام.

زنای زبان سخن بیجاست.

۱۶۳۷ زوّجوا الأكفاء و تزوّجوا الأكفاء، و اختاروا لنطفکم.

باشخاص همشأن زن بدهید و از اشخاص همشأن زن بگیرند و محل
نطفه های خود را بدقت انتخاب کنید.

۱۶۳۸ زودک الله التقوی و غفر ذنبک و یسرّ لک الخیر حیثما
کنت.

خداوند پرهیزکاری را توشه راه تو سازد و گناهت را ببخشد و هر
جا هستی خوبی را برای تو آسان کند.

۱۶۳۹ زوروا القبور فإنّها تذکرکم الآخرة.

بزیارت قبرها روید که آخرت را بیاد شما می آورد.

۱۶۴۰ أَلْزَانِي بِحَلِيلَةٍ جَارِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزْكِيهِ وَ
يَقُولُ لَهُ: ادْخُلِ النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ.

آنکه با زن همسایه خود زنا کند روز قیامت خدا باو ننگرد و او را
پاک نکند و بدو گوید: با جهنمیان بجهنم برو.

۱۶۴۱ أَلزَّبانِيَّةُ إِلَى فَسْقِهِ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ أَسْرَعُ مِنْهُمْ إِلَى عِبْدَةِ الْأَوْثَانِ
 فيقولون: يبدء بنا قبل عبدة الأوثان؟ فيقال لهم: ليس من يعلم كمن
 لا يعلم.

مأمورین عذاب فاسقان قرآن خوان را زودتر از بت پرستان به
 جهنم در آرند آنها گویند آیا ما را پیش از بت پرستان میبرید
 بدانها جواب دهند آنکه داند مانند آنکه نداند نیست.

۱۶۴۲ أَلزَّكْوَةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ.
 زکات پل اسلام است.

۱۶۴۳ أَلزَّانَا يورث الفقر.
 زنا مایه فقر است.

۱۶۴۴ أَلزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ وَلَا إِضَاعَةُ الْمَالِ وَ
 لَكِنَّ الزَّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدَيْكَ أَوْ تُقِ مَنكَ بِمَا فِي
 يَدِ اللَّهِ وَأَنْ تَكُونَ فِي ثَوَابِ الْمَصِيبَةِ إِذَا أَنْتَ أَصَبْتَ بِهَا أَرْغَبَ
 مِنْكَ فِيهَا لَوْ أَنَّهَا أَبْقَيْتَ لَكَ.

از جهان گذشتگی این نیست که حلال را بر خود حرام کنی یا مال خود تلف نمائی از جهان گذشتگی اینست که بدانچه در کف تو است بیشتر از آنچه در دست خداست اعتماد نداشته باشی و هنگامی که مصیبتی بتو رخ داد بپاداش آن بیشتر از رخ ندادن مصیبت علاقمند باشی.

١٦٤٥ ألزهد فی الدّیّا یریح القلب و البدن و الرّغبة فیها تكثر الهمّ و الحزن و البطانة تقسی القلب.

گذشتن از جهان تن و جان را آسایش دهد و دلبستگی بجهان غم و اندوه را افزون کند و شکم پرستی دل را سخت کند.

١٦٤٦ ألزهد فی الدّیّا یریح القلب و البدن. و الرّغبة فیها تعب القلب و البدن.

گذشتن از جهان تن و جان را بیاساید و علاقه بجهان تن و جان را خسته کند.

حرف س

۱۶۴۷ سألت الله أن يجعل حساب أمتي إلىّ لئلا تفتضح عند الامم،
 فأوحى الله عزّ و جلّ إلىّ: يا محمد بل أنا أحاسبهم فإن كان منهم
 زلّة سترتها عنك لئلا تفتضح عندك.

از خدا خواستم که حساب امت مرا بمن و ا گذارد تا پیش امتهای
 دیگر رسوا نشود، پس خدای عز و جل بمن وحی کرد ای محمد
 نه، بلکه من حسابشان را میرسم و اگر گناهی از آنها سر زده از تو
 پوشیده می دارم که پیش تو نیز رسوا نشود.

۱۶۴۸ سئلت جبریل: هل ترى ربّك؟ قال: إنّ بيني و بينه سبعين
 حجابا من نور لو رأيت أدناها لاحترقت.

از جبریل پرسیدم آیا پروردگارت را می بینی؟ گفت میان من و او
 هفتاد پرده از نور است که اگر نزدیکترین پرده را بنگرم خواهم
 سوخت.

۱۶۴۹ ساحتکم بامور الناس و أخلاقهم: الرّجل یكون سریع
 الغضب سریع الفیء فلا له و لا علیه کفافا و الرّجل یكون بعید
 الغضب سریع ألفیء فذاک له و لا علیه و الرّجل یقتضی الذی له و

يقضى الذى عليه فذاک لا له و لا عليه. و الرجل يقتضى الذى له و
يمطل الناس الذى عليه فذاک عليه و لا له.

درباره کارهای مردم و اخلاق شان با شما سخن خواهم گفت
مردی که زود خشم گیرد و زود آرام شود. نه بد است نه خوب
سر بسر. و مردی که دیر خشمگین شود و زود آرام گیرد خوبست
نه بد و مردی که حق خود طلب کند و دین خود بپردازد نه بد
است نه خوب. و مردی که حق خود طلب کند و پرداخت حق
را که مردم به عهده او دارند عقب اندازد بد است نه خوب.

۱۶۵۰ سافروا مع ذوی الجدود و ذوی المیسرة.
با مردم خوش اقبال مرفه سفر کنید.

۱۶۵۱ ساعات الأذى فى الدّنيا يذهبن ساعات الأذى فى الآخرة.
ساعاتی آزار این دنیا ساعت های آزار آخرت را نابود میکند.

۱۶۵۲ ساعات الأمراض يذهبن ساعات الخطايا.
ساعاتی مرض ساعت های گناه را نابود می کند.

۱۶۵۳ ساعتان تفتح فیہما أبواب السماء و قلّما تردّ علی داع دعوتہ:

حضور الصّلاۃ و الصّفّ فی سبیل اللّٰہ.

دو وقت است کہ درہای آسمان در اثنای آن گشودہ می شود و کمتر ممکنست دعای دعاکنندہ ای رد شود: هنگام نماز و صف آرائی در راہ خدا.

۱۶۵۴ سَابّ الموتی کالمشرف علی الہلکۃ.

بد گوی مردگان چون آنکس است کہ در معرض ہلاک است.

۱۶۵۵ سارعوا فی طلب العلم فالحديث من صادق خیر من الدّیّا و

ما علیہا من ذهب و فضۃ .

بطلب علم بشتابید کہ از راست گوئی حدیث گفتن از دنیا و ہمہ طلاہا و نقرہ آن بہتر است .

۱۶۵۶ ساعة من عالم متکئ علی فراشه ینظر فی علمہ خیر من

عبادۃ العابد سبعین عاما.

یک ساعت وقت دانشوری که بر بستر خویش تکیه زده در علم
خویش می نگرد از هفتاد سال عبادت عابد نیکوتر است.

۱۶۵۷ سافروا تصحّوا و تغنموا.

سفر کنید تا تندرست شوید و غنیمت یابید.

۱۶۵۸ سافروا تصحّوا و ترزقوا.

سفر کنید تا تندرست شوید و روزی یابید.

۱۶۵۹ ساقی القوم آخرهم شربا.

سقاییت گر قوم پس از همه نوشد.

۱۶۶۰ ساووا بین أولادکم فی العطیّة فلو کنت مفضّلاً أحدا لفضّلت

النّساء.

در کار بخشش میان فرزندان خویش مساوات را رعایت کنید.
من اگر کسی را برتری دادمی زنان را برتری دادمی.

۱۶۶۱ سباب المسلم فسوق و قتاله كفر و حرمة ماله كحرمة دمه.
 بدگوئی مسلمان گناه است و جنگ او کفر است و حرمت مال
 وی چون حرمت خون اوست.

۱۶۶۲ سبع یجری للعبد أجرهنّ و هو فی قبره بعد موته: من علّم
 علما، أو أجرى نهرا، أو حفر بئرا، أو غرس نخلا، أو بنى مسجدا،
 أو ورّث مصحفا، أو ترک ولدا یستغفر له بعد موته .

هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مر
 گش دوام دارد کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری بجریان آورد یا
 چاهی حفر کند یا نخلی بکارد یا مسجدی بسازد یا مصحفی به
 ارث گذارد یا فرزندی به جانهد که پس از مرگش برای او
 آمرزش خواهد.

۱۶۶۳ سبعة یظلّهم الله تحت ظلّ عرشه یوم لا ظلّ إلاّ ظلّه: رجل
 قلبه معلق بالمساجد، و رجل دعت امرأه ذات منصب فقال: إني
 أخاف الله، و رجلان تحابّا فی الله، و رجل غضّ عینه عن محارم
 الله، و عین حرست فی سبیل الله، و عین بکت من خشیه الله.

هفت کسند که خدا در روزی که سایه ای جز سایه او نیست به
سایه عرش خود میبردشان. مردی که دل او بمسجدها علاقه دارد
و مردی که زن صاحب مقامی از او کام خواهد و گوید از خدا
بیم دارم و مردانی که در راه خدا دوستی کنند و مردی که از
محارم خدا چشم باز دارد و چشمی که در راه خدا نگهبانی کند و
چشمی که از ترس خدا بگریزد.

۱۶۶۴ سبعة يظلهم الله في ظله يوم لا ظلّ إلاّ ظلّه: إمام عادل و
شابّ نشأ في عبادة الله، و رجل قلبه معلق بالمسجد إذا خرج منه
حتّى يعود إليه، و رجلان تحابّا في الله فاجتمعا على ذلك و افترقا
عليه، و رجل ذكر الله خاليا ففاضت عيناه، و رجل دعت امرأه ذات
منصب و جمال فقال: إني أخاف الله ربّ العالمين، و رجل تصدّق
بصدقة فأخفاها حتّى لا تعلم شماله ما تنفق يمينه.

هفت کسند که خداوند در روزی که سایه ای جز سایه او نیست
بسایه خویشان میبرد پیشوای عدالتگر و جوانی که در کار
عبادت بزرگ شود و مردی که وقتی از مسجد برون شود دلش
بدان پیوسته تا بدان جا باز گردد و مردانی که در راه خدا دوستی

کنند و بر آن فراهم آیند و بر آن جدا شوند و مردی که بخلوت خدا را یاد کند و چشمانش اشک ریز شود و مردی که زنی صاحب مقام و جمال از او کام خواهد و گوید من از خدا پروردگار جهانیان بیم دارم و مردی که صدقه ای دهد و آن را نهان دارد که دست چپش نداند دست راستش چه اتفاق میکند.

۱۶۶۵ سبق درهم مائة ألف درهم رجل له درهمان أخذ أحدهما فتصدق به، و رجل له مال كثير فأخذ من عرضه مائة ألف فتصدق بها.

یکدرهم از صد هزار درهم پیشی گیرد مردی که دو درهم دارد یکی را بر گیرد و صدقه دهد و مردی که مال فراوان دارد و از آن میان صد هزار بر گیرد و صدقه کند

۱۶۶۶ ستكون فتن يصبغ الرجل فيها مؤمنا و يمسي كافرا إلا من أحياه الله بالعلم.

فتنه ها خواهد بود که در اثنای آن مرد بصبغ مؤمن باشد و شب کافر شود مگر آنکه خدایش به علم زنده دارد.

۱۶۶۷ ستّ خصال من الخير: جهاد أعداء الله بالسيف، و الصّوم فی
 يوم الصّیف، و حسن الصّبر عند المصیبة، و ترک المراء، و الإنفاق
 فی الخفاء، و المحاباة فی الله.

شش صفت نیکست پیکار با دشمنان خدا بوسیله شمشیر و روزه در
 روز تابستان و نیک صبری به هنگام مصیبت و ترک مجادله و
 انفاق در نهان و دوستی در راه خدا.

۱۶۶۸ ستّهُ أشياء تحبّط الأعمال: الإشتغال بعیوب الخلق، و قسوة
 القلب، و حبّ الدّنيا، و قلّة الحياء، و طول الأمل، و ظالم لا ینتهی.
 شش چیز است که اعمال خوب را نابود میکند، اشتغال به عیب
 خلائق، سنگدلی و دنیاپرستی و بی شرمی و درازی آرزو و ستم
 گری که بس نکند.

۱۶۶۹ ستکون علیکم أئمّة یملکون أرواقکم یحدّثونکم فیکذبونکم
 و یعملون فیسیئون العمل لا یرضون فیکم حتی تحسّنوا قبیحهم و

تصدّقوا کذبهم فأعطوهم الحقّ ما رضوا به فإذا تجاوزوا فمن قتل
على ذلک فهو شهید.

پیشوایانی بر شما منصوب خواهند شد که روزیهای شما بخورند و
با شما سخن کنند و دروغ گویند و عمل کنند و بد کنند از شما
راضی نشوند تا کار زشت شان را نیکو شمارید و دروغشان را
راست بحساب آرید، اگر بحق رضا دادند مطابق آن با ایشان رفتار
کنید و اگر از حق تجاوز کردند هر که در این راه کشته شود
شهید است.

۱۶۷۰ سخافه بالمرء أن یستخدم ضیفه.

سبک عقلی مرد آنست که مهمان خویش را بخدمت گیرد.

۱۶۷۱ سدّدوا و قاربوا.

بصلاح آئید و تقرب جوئید.

۱۶۷۲ سلوا الله من فضله فإنّ الله یحبّ أن یسأل، و أفضل العبادۀ

انتظار الفرّج.

خدا را از فضل او طلب کنید که خدا دوست دارد که از او
بنخواهند بهترین عبادتها انتظار گشایش است.

۱۶۷۳ سلوا الله کلّ شیء حتّی الشّسع فإنّ الله إنّ لم ییسّر له
یتیسّر.

همه چیز حتی بند صندل را از خدا بنخواهید که اگر خدا آنرا
میسور نکند میسر نخواهد شد.

۱۶۷۴ سلوا الله العفو و العافیة فإنّ أحدا لم یعط بعد الیقین خیرا
من العافیة.

از خدا بخشش و عافیت طلب کنید که پس از ایمان، هیچکس را
چیزی بهتر از عافیت نداده اند.

۱۶۷۵ سلوا الله علما نافعا و تعوّدوا بالله من علم لا ینفع.
از خدا عملی سودمند بنخواهید و از علمی که سود ندهد بخدا پناه
برید

۱۶۷۶ سلوا أهل الشرف عن العلم فإن كان عندهم علم فاكتبوه
فإنهم لا يكذبون.

شریفان را از علم پرسید اگر علمی نزد ایشان بود بنویسید که آنها دروغ نمی گویند.

۱۶۷۷ سل ربك العافية و المعافاة في الدنيا و الآخرة فإذا أعطيت
العافية في الدنيا و أعطيتها في الآخرة فقد أفلحت.

از پروردگار خویش عافیت و معاف بودن دنیا و آخرت بخواه که اگر ترا در دنیا عافیت دهند و در آخرت نیز دهند رستگار شده ای.

۱۶۷۸ سلامة الرجل من الفتنة أن يلزم بيته.

مرد که در خانه خویش بماند از فتنه سالم ماند.

۱۶۷۹ سوء الخلق شؤم و شرار کم أسوء کم خلقا.

بدخوئی شوم است و بدترین شما بدخوترین شماست.

۱۶۸۰ سوء الخلق شؤم و طاعة النساء ندامة و حسن الملكة نماء.

بدخوئی شوم است و اطاعت زنان پشیمانی است و نیک سیرتی
مایه رشد.

۱۶۸۱ سوء الخلق یفسد العمل کما یفسد الخلّ العسل.

بدخوئی عمل را بفساد آرد چنانکه سرکه عسل را فاسد کند.

۱۶۸۲ سوء المجالسة شحّ و سوء خلق.

فحش بد صحبتی بخل است و ناسزا گوئی و بدخوئی.

۱۶۸۳ سوداء ولود خیر من حسناء لا تلد و انّی مکاثر بکم الامم.

زن سیاه که فرزند بسیار آرد بهتر از زن خوبروئی است که فرزند
نیارد که من بفزونی شما بر امتهای دیگر تفاخر میکنم.

۱۶۸۴ سیأتی علی الناس زمان یخیر فیہ الرجل بین العجز و

الفجور، فمن أدرك ذلك الزمان فليختر العجز علی الفجور.
روزگاری بمردم رخ نماید که مرد میان بیعرضگی و نادرستی مخیر

شود هر که در آن روزگار باشد باید ببعرضگی را بر نادرستی
ترجیح دهد.

۱۶۸۵ سیّد القوم خادمهم و ساقیهم آخرهم شرابا.
آقای کسان خدمتگزارشان است و سقایتگر کسان پس از همه
نوشد.

۱۶۸۶ سيشدّد هذا الدّين برجال ليس لهم عند الله خلاق سيكون في
آخر الزّمان خسف و قذف و مسح إذا ظهرت المغازف و القينات و
استحلّت الخمر.

این دین بمردانی که پیش خدا بهره ای ندارند نیرو خواهد گرفت
در آخر زمان خسف و قذف و مسخی خواهد بود، هنگامی که
رامشگران و آرایشگران پدید شوند و شراب حلال بشمار آید.

۱۶۸۷ سیأتی علی امتی زمان یكثر فيه الفقراء و يقلّ الفقهاء و
يقبض العلم و یكثر الهرج ثمّ یأتی من بعد ذلك زمان یقرأ القرآن
رجال من امتی لا یجاوز تراقیهم ثمّ یأتی من بعد ذلك زمان یجادل

المشرك بالله المؤمن في مثل ما يقول.

بر امت من زمانی بیاید که فقیران فراوان شوند و فقیهان کم شوند و علم بر گرفته شود و آشوب فزونی گیرد آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مردانی از امت من قرآن خوانند که از گلویشان بالا تر نرود آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مشرک بخدا با مؤمن مجادله کند و سخنانی نظیر او گوید.

١٦٨٨ ألسّابق و المقتصد یدخلان الجنّة بغير حساب و الظّالم لنفسه

یحاسب حساباً یسیراً ثمّ یدخل الجنّة.

پیشرو و میانه رو بی حساب بهشت روند و ستمگر خویش را محاسبه ای سبک کنند آنگاه به بهشت رود.

١٦٨٩ ألسّاعی علی الأرملة و المسکین کالمجاهد فی سبیل الله أو

القائم اللیل الصّائم النّهار.

آنکه در کار بیوه و یتیم بکوشد چون مجاهد راه خدا یا نماز گزار شب یا روزه دار روز است.

۱۶۹۰ أَلَسَّخَىَّ قَرِيبَ مِنَ اللَّهِ قَرِيبَ مِنَ النَّاسِ قَرِيبَ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدَ

مِنَ النَّارِ، وَ الْبَخِيلَ بَعِيدَ مِنَ اللَّهِ بَعِيدَ مِنَ النَّاسِ بَعِيدَ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبَ

مِنَ النَّارِ، وَ الْجَاهِلَ السَّخَىَّ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَالَمٍ بِخِيلٍ.

سخاوتمند بخدا نزدیک و بمردم نزدیک و بهشت نزدیک و از
جهنم دور است و بخیل از خدا دور و از مردم دور و از بهشت دور
و به جهنم نزدیکست نادان سخاوتمند نزد خدا از عالم بخیل
محبوبتر است.

۱۶۹۱ أَلَسَّخَاءُ خَلَقَ اللَّهُ الْأَعْظَمَ.

سخاوت اخلاق بزرگ خدواند است .

۱۶۹۲ أَلَسَّخَاءُ شَجَرَةٍ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا

فَمَنْ أَخَذَ بَغْصَنَ مِنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغَصَنُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْبَخْلُ شَجَرَةٍ مِنْ

أَشْجَارِ النَّارِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّياتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ أَخَذَ بَغْصَنَ مِنْهَا قَادَهُ

ذَلِكَ الْغَصَنُ إِلَى النَّارِ.

سخاوت درختی از درختهای بهشت است که شاخهای آن در دنیا

آویخته است هر که شاخی از آن بگیرد همان شاخ وی را سوی

بهشت کشاند و بخل درختی از درختهای جهنم است که شاخهای
آن در دنیا آویخته است و هر که شاخی از آن بگیرد همان شاخ
وی را سوی جهنم کشاند.

۱۶۹۳ أَلَسَّخَىٰ إِنَّمَا يَجُودُ بِحَسَنِ الظَّنِّ بِاللَّهِ وَ الْبَخِيلُ إِنَّمَا يَبْخُلُ بِسُوءِ
الظَّنِّ بِاللَّهِ .

سخاوتمند بسبب خوش گمانی بخدا سخاوت میکند و بخیل بعلت
بد گمانی بخدا بخل میورزد.

۱۶۹۴ أَلَسَّخَى الْجَهْلُ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَالَمِ الْبَخِيلِ .
سخاوتمند نادان نزد خدا از دانشمند بخیل محبوبتر است.

۱۶۹۵ أَلَسَّرَ أَفْضَلُ مِنَ الْعَلَانِيَةِ وَالْعَلَانِيَةُ أَفْضَلُ لِمَنْ أَرَادَ الْإِقْتِدَاءَ .
عمل نهان بهتر از عمل عیان است اما عمل عیان برای آنکه خواهد
سرمشق کسان شود بهتر است .

۱۶۹۶ أَلْسَعَادَةُ كُلِّ السَّعَادَةِ طُولُ الْعُمُرِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ .

سعادت کامل عمر دراز در اطاعت خداست.

۱۶۹۷ ألسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت شده و
بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است.

۱۶۹۸ ألسَّوْفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ.

سفر پاره ای از عذاب است.

۱۶۹۹ ألسَّكِينَةُ مَغْنَمٌ وَ تَرْكُهَا مَغْرَمٌ.

آرامش غنیمتی است و ترک آن خسارتی است.

۱۷۰۰ ألسَّكُوتُ خَيْرٌ مِنْ إِمْلَاءِ الشَّرِّ.

خاموش بودن از القای شر بهتر است.

۱۷۰۱ سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ لِلْإِنْسَانِ.

خاموشی زبان مایه سلامت انسان است.

۱۷۰۲ أَلْسُلْطَانُ الْعَادِلِ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ أَكْرَمَهُ أَكْرَمَهُ اللَّهُ وَ
مَنْ أَهَانَهُ أَهَانَهُ اللَّهُ .

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است هر که وی را گرامی
 دارد خدایش گرامی دارد و هر که وی را خوار کند خدایش
 خوار کند.

۱۷۰۳ أَلْسُلْطَانُ الْعَادِلِ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بِلَدَا
لَيْسَ بِهِ سُلْطَانٌ عَادِلٌ فَلَا يَقِيمَنَّ بِهِ .

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است اگر یکی از شما بشهری
 در آید که سلطان عادل در آن نیست در آنجا اقامت نکند.

۱۷۰۴ أَلْسُلْطَانُ الْعَادِلِ الْمُتَوَاضِعِ ظِلُّ اللَّهِ وَ رَمَحُهُ فِي الْأَرْضِ يَرْفَعُ
لَهُ عَمَلٌ سَبْعِينَ صَدِيقًا .

سلطان عادل متواضع سایه خدا و نیزه او بر روی زمین است و
 برای او عمل هفتاد صديق را بالا می برند.

۱۷۰۵ أَلْسَلْطَان الْعَادِل ظَلَّ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ يَأْوِي إِلَيْهِ الضَّعِيفُ وَ بِهِ
يَنْتَصِرُ الْمَظْلُومُ.

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است که ناتوان بدان پناه می
برد و مظلوم از او یاری می جوید.

۱۷۰۶ أَلْسَلَام قَبْلَ السَّوَالِ فَمَنْ بَدَأَكُمْ بِالسَّوَالِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا
تَجِيبُوهُ.

سلام مقدم بر سؤال است هر که پیش از سلام بسؤال آغاز کرد
جوابش مدهید.

۱۷۰۷ أَلْسَلَام تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ فَرِيضَةٌ.
سَلَامٌ بَدَلْخَوَاهُ اسْتِ وَ جَوَابُ آن وَاجِبٌ اسْتِ.

۱۷۰۸ أَلْسَلَامُ إِسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ وَضَعَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ فَأَفْشَوْهُ
بَيْنَكُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ الْمُسْلِمَ إِذَا مَرَّ بِقَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَرَدُّوا عَلَيْهِ كَانَ لَهُ
عَلَيْهِمْ فَضْلٌ دَرَجَةٌ بِتَذْكِيرِهِ إِيَّاهُمْ السَّلَامُ فَإِنْ لَمْ يَرُدُّوا عَلَيْهِ رَدٌّ عَلَيْهِ
مِنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَ أَطْيَبُ.

سلام نامی از نامهای خداست که آنرا در زمین نهاده است سلام را میان خودتان فاش کنید زیرا مرد مسلمان وقتی به قومی گذر کند و بر آنها سلام کند و جوابش دهند، وی را بر آنها فزونی مرتبت است که سلام را بیادشان آورده است و اگر جوابش ندهند کسی که از آنها بهتر و پاکیزه تر است جوابش دهد.

۱۷۰۹ أَلْسَلَامُ تَحِيَّةٌ لِمَلَّتْنَا وَ أَمَانٌ لَدَمَّتْنَا.

سلام درود ملت ما و حافظ ذمه ماست.

۱۷۱۰ أَلْسَمْتُ الْحَسَنَ وَ التَّوَدُّدَ وَ الْإِقْتِصَادَ جُزْءَ مِنْ أَرْبَعَةٍ وَ

عَشْرِينَ جُزْءَ مِنَ النَّبَوَّةِ.

نام نیک و ملایمت و اعتدال یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است.

۱۷۱۱ أَلْسَمْتُ الْحَسَنَ جُزْءَ مِنْ خَمْسَةٍ وَ سَبْعِينَ جُزْءَ مِنَ النَّبَوَّةِ.

نام نیک یکجزء از هفتاد و پنج جزء پیغمبری است.

۱۷۱۲ أَلَسَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ حَقٌّ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ مَا

لَمْ يَأْمُرْ بِمَعْصِيَةٍ فَإِذَا أَمَرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ عَلَيْهِ وَ لَا طَاعَةَ.

شنیدن و اطاعت کردن بر مرد مسلمان در آنچه دوست دارد یا مکروه دارد مادام که بگناه فرمانش ندهند شایسته است، اگر بگناهی فرمانش دادند شنیدن و اطاعت کردن آن روا نیست.

۱۷۱۳ أَلَسَّمَّاحُ رِبَاحٍ وَ الْعَسْرُ شَوْمٌ.

سهل انگاری مایه سودا است و سختگیری شوم است.

۱۷۱۴ أَلَسَّوَاكُ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الْوُضُوءُ نِصْفُ الْإِيمَانِ.

مسواک کردن یک نیمه ایمان است. و وضو گرفتن یک نیمه ایمان است.

۱۷۱۵ أَلَسَّوَاكُ يَزِيدُ الرَّجُلَ فَصَاحَةً.

مسواک کردن فصاحت مرد را افزون میکند.

۱۷۱۶ أَلَسَّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاءٌ لِلرَّبِّ وَ مَجْلَاءٌ لِلْبَصْرِ.

مسواک کردن موجب پاکی دهان و رضایت پروردگار و روشنی چشم است.

۱۷۱۷ أَلَسَّوَاك سَنَّهُ فَاَسْتَاكُوا أَيَّ وَقْتٍ شَعْتُمْ.

مسواک کردن سنت است هر وقت خواستید مسواک کنید.

۱۷۱۸ أَلَسَّوَاك مِنْ الْفِطْرَةِ.

مسواک کردن اقتضای فطرت است.

۱۷۱۹ أَلَسَّيُوفُ مِفَاتِيحَ الْجَنَّةِ.

شمشیرها کلیدهای بهشت است.

حرف ش

۱۷۲۰ شَابَّ سَخِيَّ حَسَنِ الْخَلْقِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ بَخِيلٍ عَابِدٍ

سَيِّءِ الْخَلْقِ.

جوان سخاوتمند نیک خو در نزد خدا از پیر بخیل عابد بد خو

محبوبتر است.

۱۲۱ شاهد الزور لا تزول قدماه حتی یوجب الله له النار.

شاهد دروغ قدم بر ندارد تا جهنم بر او واجب شود.

۱۷۲۲ شارب الخمر کعابد وثن.

شراب خوار مانند بت پرست است.

۱۷۲۳ الشّباب شعبه من الجنون.

جوانی شعبه ای از دیوانگی است.

۱۷۲۴ الشّباب شعبه من الجنون و النساء حباله الشّیطان.

جوانی شعبه ای از دیوانگی است و زنان دام شیطانند.

۱۷۲۵ شتان ما بین عملین عمل تذهب لذّته و تبقى تبعته و عمل

تذهب مؤنّته و تبقى أجره.

میان دو عمل بسیار فرق است عملی که لذت آن برود و عواقب

آن بماند و عملی که زحمت آن برود و پاداش آن بماند.

۱۷۲۶ أَلشَّحِیح لَا یَدْخُلُ الْجَنَّةَ.

بخیل ببهشت در نیاید.

۱۷۲۷ أَلشَّدِید مِنْ غَلَبَ نَفْسَهُ.

نیرومند آنست که بر خویشتن مسلط شود.

۱۷۲۸ شَرَّ النَّاسِ مَنْ یَبْغِضُ النَّاسَ وَ یَبْغُضُونَهُ.

بدترین مردم آنکس است که مردم را دشمن دارد و او را دشمن دارند.

۱۷۲۹ شَرَّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ.

بدترین مردم آنکس است که مردم از بیم شرش گرامیش دارند.

۱۷۳۰ شَرَّ النَّاسِ مَنْ إِتَّهَمَ اللَّهَ فِی قِضَائِهِ.

بدترین مردم آنکس است که خدا را در قضایش متهم کند.

۱۷۳۱ شرّ الناس من باع آخرته بدنياه و شرّ منه من باع آخرته

بدنيا غيره.

بدترین مردم آنکس است که آخرت خویش دنیا فروشد و بدتر از او کسی است که آخرت خویش بدنای دیگری فروشد.

۱۷۳۲ شرّ الناس من أكل وحده و منع رفته و جلد عبده و شرّ منه

من لا يقبل عثرة و لا يقبل معذرة و شرّ منه من لا يرجی خيره و لا

يؤمن شرّه.

بدترین مردم آنکس است که تنها غذا خورد و رسیده خویش را بی نصیب کند و بنده خویش را بزند و بدتر از او کسی است که خطائی را نبخشد و عذری نپذیرد و بدتر از او کسی است که بخیرش امید نیست و از شرش امان نیست.

۱۷۳۳ شرار أمتی من یلی القضاء إن اشتبه علیه لم یشاور، و إن

أصاب بطر و إن غضب عنف و کاتب السوء کالعامل به.

بدترین امت من کسی است که عهده دار قضا شود اگر بتردید

افتد مشورت نکند و اگر بصواب رود گردن فرازد و اگر
خشمگین شود خشونت کند و هر که بدی را نویسد مانند کسی
است که بدان عمل می کند.

۱۷۳۴ شرار الناس شرار العلماء.

بدترین مردم علمای بدند.

۱۷۳۵ شرّ ما فی الرّجل شحّ هالک و جبن خالک.

بدترین صفت مرد بخل مفرط است و ترس شدید.

۱۷۳۶ شرار أمتی الثّرثارون المتشدّقون المتفیهقون و خیار أمتی

أحاسنهم أخلاقاً.

بدان امت من پر گویان پر چانه پر مدعایند و نیکان امت من
آنهايند که نیکخوترند.

۱۷۳۷ شرار کم عزّابکم و أراذل موتاکم عزّابکم.

بدترین شما عزبانند و اراذل مردگانتان عزبانند.

۱۷۳۸ شرّ البلدان أسواقها.

بدترین جای شهرها بازارهاست.

۱۷۳۹ شرّ الطّعام طعام الوليمه يمنعها من يأتيها و يدعى إليها من

يأبأها.

بدترین غذاها غذای ولیمه است است که هر که بخواند ندهندش
و هر که نخواند بخوانندش.

۱۷۴۰ شرّ الطّعام طعام الوليمه يدعى إليه الشّبعان و يحبس عنه

الجائع.

بدترین غذاها غذای ولیمه است که سیر را بدان خوانند و گرسنه
را از آن باز دارند.

۱۷۴۱ شرّ المجالس الأسواق و الطّرق.

بدترین نشستگاهها بازارها و راههاست.

۱۷۴۲ شرّ الامور محدثاتها و شرّ العمی عمی القلب و شرّ المعذرة
حين يحضر الموت و شرّ الندامة يوم القيمة و شرّ المأكل أكل مال
الیتیم و شرّ المكاسب كسب الرباء.

بدترین چیزها مبتدعات آنست و بدترین کوری ها کوری قلب
 است و بدترین توبه ها هنگامی است که مرگ در آید و بدترین
 پشیمانی ها روز قیامت است و بدترین خوردنها خوردن مال یتیم
 است و بدترین کسب ها کسب ربا است.

۱۷۴۳ شرّ الناس الذی یسأل بالله ثم لا یعطی.
 بدترین مردم آنکس است که بنام خدا از او بخواهند و ندهد.

۱۷۴۴ شرّ الناس المضیق علی أهله.
 بدترین مردم آنکس است که بر اهل خانه خود سخت گیرد.

۱۷۴۵ شرّ الناس منزلة يوم القيامة من یخاف لسانه أو یخاف شرّه.
 روز قیامت موقعیت آنکس از همه مردم بدتر است که از زبانش
 ترسند یا از شرش بیم کنند.

۱۷۴۶ شفاعتی لأهل الكبائر من أمتی.

شفاعت من خاص اهل کبائر از امت من است.

۱۷۴۷ شرف المؤمن قیامه باللیل و عزّه استغناؤه عن الناس.

شرف مؤمن در شب زنده داری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است.

۱۷۴۸ الشّاهد یری ما لا یری الغائب

حاضر چیزها بیند که غایب نبیند.

۱۷۴۹ ألشّاء ربیع المؤمن.

زمستان بهار مؤمن است.

۱۷۵۰ الشّرك الخفی أن یعمل الرّجل لمكان الرّجل.

شرک نهان آنست که مرد برای حضور مرد دیگری عملی کند.

۱۷۵۱ أَلشَّرْكُ أَخْفَى فِي أُمَّتِي مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّافَا فِي اللَّيْلَةِ
الظُّلُمَاءِ وَ أَدْنَاهُ أَنْ تَحَبَّ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْجَوْرِ أَوْ تَبْغُضَ عَلَى شَيْءٍ
مِنَ الْعَدْلِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحَبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبَغْضُ فِي اللَّهِ؟ قَالَ اللَّهُ
تَعَالَى: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ .

شرک در امت من از گذر کردن مور بر کوه صفا در شب تاریک
نهانتر است و نزدیکتر از همه آنست که چیزی از ستم را دوست
داری یا چیزی از عدل را دشمن داری مگر دین جز دوستی در راه
خدا و دشمنی در راه خداست؟ خدای والا گوید: بگو اگر خدا را
دوست دارید مرا پیروی کنید تا خدا دوستان دارد.

۱۷۵۲ أَلشَّعْرُ الْحَسَنُ أَحَدُ الْجَمَالِينَ يَكْسُوهُ اللَّهُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ .
موی نیکو یکی از دو زیباییست که خدا بمرد مسلمان دهد.

۱۷۵۳ أَلشَّعْرُ بِمَنْزِلَةِ الْكَلَامِ فَحَسَنُهُ حَسَنُ الْكَلَامِ وَ قَبِيحُهُ قَبِيحُ الْكَلَامِ .
شعر چون سخن است شعر نیک سخن نیک است و شعر بد سخن بد
است.

۱۷۵۴ الشَّقَىّ من شَقَى في بطن أمّه

بد بخت آنست که در شکم مادرش بدبخت شده است.

۱۷۵۵ الشَّقَىّ کلّ الشَّقَىّ من أدركته السّاعه حیّا.

بدبخت کامل آنست که رستاخیز بدو رسد و زنده باشد.

۱۷۵۶ الشّهوة الخفیّة و الرّیاء

شرک جاه طلبی و ریا شرک است.

۱۷۵۷ الشّیخ شابّ فی حبّ اثنتین فی حبّ طول الحیاء و کثره

المال.

پیر در محبت دو چیز جوان است محبت زندگی دراز و فراوانی مال.

۱۷۵۸ الشّیخ فی أهله کالنّبیّ فی أمّته.

پیر در میان کسان خود چون پیامبر در امت خویش است.

۱۷۵۹ أَلشَّيْخُ يَضْعَفُ جِسْمَهُ وَ قَلْبَهُ شَابًّا عَلَى حُبِّ اثْنَتَيْنِ: الْحَيَاءُ وَ
حُبِّ الْمَالِ.

طول تن پیر ناتوان می شود و دل وی بر محبت دو چیز جوان
است: عمر دراز و محبت مال.

۱۷۶۰ أَلشَّيْطَانُ يَهْمُّ بِالْوَاحِدِ وَ الْإِثْنَيْنِ فَإِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً لَمْ يَهْمَّ بِهِمْ.
شیطان بیک تن و دو تن پردازد و چون سه تن شدند قصد ایشان
نکند.

حرف ص

۱۷۶۱ صَاحِبُ الدَّيْنِ مَغْلُولٌ فِي قَبْرِهِ لَا يَفْكَهُ إِلَّا قَضَاءُ دَيْنِهِ.
قرض دار در قبر خویش در غل است و جز پرداخت قرض وی
غل او را باز نمیکند.

۱۷۶۲ صَاحِبُ الشَّيْءِ أَحَقُّ بِالشَّيْءِ أَنْ يَحْمِلَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ضَعِيفًا
يعجز عنه فيعينه عليه أخوه المسلم.

صاحب چیز بجمال آن شایسته تر است مگر آنکه ناتوان باشد و از آن فرو ماند و برادر مسلمانش بر حمل آن کمکش کند.

۱۷۶۳ صاحب العلم یستغفر له کلّ شیء حتّی الحوت فی البحر.

همه چیز حتی ماهی دریا برای دانشمند آمرزش میخواهد.

۱۷۶۴ صدق الله فصدقه.

خدا راستگوست با او راست باش

۱۷۶۵ صدقه المرء المسلم تزيد فی العمر و تمنع میتة السوء و

یذهب الله تعالی بها الفخر و الکبر.

صدقه مرد مسلمان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند و خدای والا بوسیله آن تفاخر و تکبر را ببرد.

۱۷۶۶ صدقة السرّ تطفیء غضب الربّ.

صدقه نهان خشم پروردگار را خاموش می کند.

۱۷۶۷ صغار کم دعامیص الجنّة یتلقی أحدهم أباه فیأخذ بثوبه فلا
 ینتهی حتی یدخله الله و إیّاه الجنّة.

کوچولوهای شما زالوهای بهشتند یکیشان پدر خویش را به بیند و
 لباسش را بگیرد و رها نکند تا خدا پدرش را با او ببهشت در آورد.

۱۷۶۸ صفة العاقل أن یحلم عمّن جهل علیه و یتجاوز عمّن ظلمه و
 یتواضع لمن هو دونه و یسابق من فوقه فی طلب البرّ و إذا أراد أن
 یتکلم تدبّر فإن کان خیرا تکلم فغنم و إن کان شرّاً سکت فسلم.

عاقل آنست که با سبک سر بردباری کند و از ستمگر درگذرد و با
 زیردستان تواضع کند و از زیردستان در راه نیکی سبقت جوید و
 چون خواهد سخن کند بیندیشد اگر نیک باشد بگوید و بهره برد
 و اگر بد باشد سکوت کند و سالم ماند.

۱۷۶۹ صل من قطعک و أعط من حرّمک و اعف عمّن ظلمک.
 با آنکه از تو بریده پیوند گیر و آنکه تو را محروم کرده عطایش
 ده و از آنکه با تو ستم کرده در گذر.

۱۷۷۰ صله الرّحمّ تزيد فى العمر و تدفع ميتة السّوء.

پیوند خویشان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند.

۱۷۷۱ صله الرّحمّ و حسن الخلق و حسن الجوار يعمران الدّيار و

يزدن فى الأعمار.

پیوند خویشان و نیکخوئی و خوش همسایگی شهرها را آباد کند
و عمرها را فزونی دهد.

۱۷۷۲ صله الرّحمّ تزيد فى العمر و صدقة السّرّ تطفىء غضب

الرّبّ

پیوند خویشان عمر را فزونی دهد. و صدقه نهان خشم پروردگار
را خاموش کند.

۱۷۷۳ صله القرابة مراءة فى المال محبة فى الأهل منساء فى الأجل

پیوند خویشاوندی مایه فراوانی مال و محبت کسان و تأخیر اجل
است.

۱۷۷۴ صل من قطعک و أحسن إلى من أساء إليك و قل الحقّ و
لو علی نفسک.

با هر که از تو ببرد پیوند گیر و با آنکه با تو بدی کرده نکوئی
 کن و حق را بگو و گر چه بر ضرر خودت باشد.

۱۷۷۵ صلوا قرا باتکم و لا تجاوروهم فإنّ الجوار یورث بینکم
الضغائن.

با خویشان دوستی کنید و همسایه ایشان مشوید که همسایگی میان
 شما کینه ها پدید آرد.

۱۷۷۶ صلّ صلاة مورع کأنک تراه فإن کنت لا تراه فإنّه یراک، و
ایأس ممّا فی أیدی الناس تعش غنیّا و إیّاک و ما یعتذر منه.

نماز را با ترس گزار گوئی خدا را می بینی اگر تو او را نمی بینی
 او ترا می بیند و از آنچه در دست مردم است نومید باش تا بی نیاز
 زندگی کنی و از آنچه عذر آن باید خواست پرهیز.

۱۷۷۷ صلّوا علی أطفالکم فإنّهم من أفراطکم.

بر کودکان خویش درود فرستید که آنها پشاهندگان شمایند.

۱۷۷۸ صلوٰۃ القاعد علی النّصف من صلوٰۃ القائم.

نماز نشسته یک نیمه نماز ایستاده است.

۱۷۷۹ صلاۃ الرّجل تطوّعا حیث لا یراه النّاس تعدل صلاته علی

أعین النّاس خمسا و عشرين .

نماز مرد که بدخواه در جائی که مردم او را نبینند کند برابر
بیست و پنج نماز است که در دیده مردم کند.

۱۷۸۰ صلاۃ المرأة وحدها تفضل علی صلاتها فی الجمع بخمس و

عشرين درجۃ.

نماز زن تنها بیست و پنج بار از نماز جماعت او بهتر است.

۱۷۸۱ صلاۃ بسواک أفضل من سبعین صلاۃ بغیر سواک.

نمازی مسواک زده بهتر از هفتاد نماز مسواک نزده.

۱۷۸۲ صلاح أوّل هذه الامّة بالزّهد و اليقين و يهلك آخرها بالبخل
و الأمل.

صلاح متقدّمان اين امت برهد و ايمان است و متأخرانش ببخل و
آرزوی دراز هلاک می شوند.

۱۷۸۳ صمت الصّائم تسبیح و نومه عبادۀ و دعاؤه مستجاب و عمله
مضاعف.

سکوت صائم تسبیح گفتن است و خواب وی عبادت است و دعای
وی مستجاب است و عمل او دو برابر است.

۱۷۸۴ صنائع المعروف تقی مصارع السوء، و الصّدقة خفیّا تطفی
غضب الرّبّ و صلة الرّحم زیاده فی العمر و کلّ معروف صدقة، و
أهل المعروف فی الدّنیاهم أهل المعروف فی الآخرة و أهل المنکر
فی الدّنیاهم أهل المنکر فی الآخرة و أوّل من یدخل الجنّة أهل
المعروف .

اعمال نیک از سقوطهای بد جلوگیری میکند و صدقه نهانی خشم
پروردگار را خاموش میکند و پیوستگی با خویشان عمر را افزون

می کند و هر کار نیکی صدقه ای است و نکوکاران دنیا
نکوکاران آخرتند و بدکاران دنیا بدکاران آخرتند و نخستین
کس که بهشت میرود نکوکارانند.

۱۷۸۵ صنفان من الناس إذا صلحا صلح الناس و إذا فساد فسد
الناس العلماء و الامراء .

دو گروه از مردمند که اگر صالح بودند مردم بصلاح آیند و اگر
فاسد بودند بفساد گرایند دانشوران و زمامداران.

۱۷۸۶ صوموا تصحّوا.
روزه دارید تا تندرست شوید.

۱۷۸۷ أَلَصَّائِمُ فِي عِبَادَةٍ مِنْ حِينَ يَصْبِحُ إِلَى أَنْ يَمْسِيَ مَا لَمْ يَغْتَبِ
فَإِذَا اغْتَابَ خَرَقَ صَوْمَهُ.

روزه دار از آن هنگام که صبح میکند تا شب در رود مادام که
غیبت نکند در عبادت است و همین که غیبت کرد روزه او پاره
شود.

۱۷۸۸ الصّائم لا تردّ دعوته.

دعای روزه دار رد نمیشود.

۱۷۸۹ الصّبحه تمنع الرّزق.

خواب صبحگاهان مانع روزی است.

۱۷۹۰ الصّبر عند الصّدمه الاولى.

صبر حقیقی هنگام صدمه نخستین است

۱۷۹۱ الصّبر نصف الايمان و اليقين الايمان كله.

صبر یک نیمه ایمان است و یقین همه ایمانست.

۱۷۹۲ الصّبر رضا.

صبر مایه خشنودی است.

۱۷۹۳ الصّبر و الإحتساب أفضل من عتق الرّقاب و يدخل الله

صاحبهنّ الجنّة بغير حساب .

صبر و سکون از آزاد کردن بندگان بهتر است و خدا صاحب آن را بدون حساب ببهشت می برد.

۱۷۹۴ الصّبر من الإيمان بمنزلة الرأس من الجسد.

صبر نسبت بایمان چون سر نسبت بتن است.

۱۷۹۵ الصّحة و الفراغ نعمتان مكفورتان.

صحت و فراغت دو نعمت است که کفران آن کنند.

۱۷۹۶ الصدق طمأنينة و الكذب ريبة.

راستی مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش.

۱۷۹۷ الصّدقة تطفيء الخطيئة كما يطفىء الماء النار.

صدقه گناه را خاموش می کند چنانکه آب آتش را خاموش میکند.

۱۷۹۸ الصدقة على القرابة صدقة و صلة.

صدقه بخویشاوندان هم صدقه است هم پیوستگی خویشاوندان.

۱۷۹۹ الصدقة تمنع ميتة السوء.

صدقه مانع مرگ بد میشود.

۱۸۰۰ الصدقة تسد سبعين بابا من السوء.

صدقه هفتاد در بدی را مسدود کند

۱۸۰۱ الصدقة على وجهها و اصطناع المعروف و برّ الوالدين و

صلة الرّحم تحوّل الشّقاء سعادة و تزيد في العمر و تقى مصارع

السوء.

صدقه به موقع و نیکوکاری و نیکی با پدر و مادر و پیوستگی
خویشاوند بدبختی را بخوشبختی مبدل کند و عمر را افزایش دهد
و از مرگ های بد جلوگیری کند.

۱۸۰۲ الصدقة على المسكين صدقة و هي على ذی الرّحم إثنان

صدقه و صله الرحم.

صدقه دادن به مستمند فقط صدقه است و صدقه دادن بخویشاوند
دو چیز است صدقه و پیوند خویشاوند.

۱۸۰۳ الصدقات بالغدوات يذهبن بالعاهات.

صدقه صبحگاه مرضها را میبرد.

۱۸۰۴ الصرعة كلّ الصرعة الذي يغضب فيشتدّ غضبه و يحمرّ

وجهه و يقشعرّ شعره فيصرع غضبه.

کمال دلیری آنست که کسی خشمگین شود و خشمش سخت شود
و چهره اش سرخ شود و مویش بلرزد و بر خشم خود خیره شود.

۱۸۰۵ أّصلح جائز بين المسلمين إلّا صلحا أحلّ حراما أو حرّم

حلالا.

هر صلحی میان مسلمانان رواست مگر صلحی که حرامی را حلال
یا حلالی را حرام کند.

۱۸۰۶ الصَّلوة نور المؤمن.

نماز نور مؤمن است.

۱۸۰۷ الصَّلوة عمود الدّین.

نماز ستون دین است.

۱۸۰۸ الصَّلوة میزان فمن أوفى إستوفى.

نماز چون ترازوست هر که کامل کند پاداش کامل یابد.

۱۸۰۹ الصَّلوة تسود وجه الشّیطان و الصّدقة تكسر ظهره و التّحّاب

فی الله یقطع دابره فإذا فعلتم ذلك تباعد منكم كمطلع الشّمس من

مغربها.

نماز چهره شیطان را سیاه کند و صدقه دادن پشت او را بشکند و دوستی در راه خدا ریشه او را میکند و وقتی چنین کردید از شما بفاصله شرق و غرب دوری کند.

۱۸۱۰ الصَّلوة قربان کلّ تقی.

نماز قربانی پرهیزگارانست.

۱۸۱۱ الصّمت حکم و قليل فاعله.

خاموشی خردمندی است و خاموشی گزینان کمند.

۱۸۱۲ الصّمت أرفع العبادة.

خاموشی والاترین عبادتهاست.

۱۸۱۳ الصّمت زين للعالم و ستر للجاهل.

خاموشی زینت دانا و پرده نادانست.

۱۸۱۴ الصّمت سيّد الأخلاق و من مزح أستخفّ به.

خاموشی سرور اخلاق است و هر که مزاح کند سبکش گیرند.

۱۸۱۵ الصّوم جنّة من عذاب الله.

روزه سپر عذاب خداست.

۱۸۱۶ أَلصَّوْمُ فِي الشَّتَاءِ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ.

در زمستان روزه داشتن بهره خنک بردنست.

۱۸۱۷ أَلصَّيَّامُ نَصْفُ الصَّبْرِ.

روزه یکنیمه صبر است.

۱۸۱۸ أَلصَّيَّامُ جَنَّةٌ مَا لَمْ يَخْرِقْهَا بِكَذِبٍ أَوْ غِيْبَةٍ.

روزه سپری است مادام که آن را بدروغ یا غیبت ندرد.

۱۸۱۹ أَلصَّيَّامُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ فَمَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا فَلَا يَجْهَلُ يَوْمَئِذٍ وَ إِنْ

أَصْرُو جَهْلٍ عَلَيْهِ فَلَا يَشْتُمُهُ وَ لَا يَسْبُوهُ وَ لِيَقْلَ إِنِّي صَائِمٌ.

روزه سپر آتش است و هر که روزه گرفت آن روز سبکسری

نکند و اگر کسی با او جهالت کرد بدو ناسزا و بد نگوید، و

بگوید من روزه دارم.

۱۸۲۰ أَلصَّيَّامُ نَصْفُ الصَّبْرِ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْجَسَدِ

الصَّيَّامِ.

روزه داری یک نیمه صبروری است، هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه داشتن است.

حرف ض

۱۸۲۱ ضالّة المؤمن العلم كلّما قيّد حديثاً طلب إليه آخر.

گم شده مؤمن علم است هر دم حدیثی فرا گیرد حدیثی دیگر مطلوب او شود.

۱۸۲۲ ضحك ربّنا من قنوط عباده

پروردگار ما از نومیدی بندگان خویش عجب دارد

۱۸۲۳ ضعی فی ید المسکین و لو ظلّفا محرقا.

چیزی بدست مستمند بگذار و گر چه سم سوخته باشد.

۱۸۲۴ الضّحک ضحکان ضحک یحبّه الله و ضحک یمقته الله فأما

الضحک الذی یحبّه الله فالرجل یکشر فی وجه أخیه شوقاً إلى

رؤيته، و أمّا الضّحک الذی یمقته الله تعالى فالرجل یتکلم بالکلمه

الجفاء و الباطل ليضحك أو يضحك يهوى بها في جهنم سبعين خريفا.

خنده دو قسم است خنده ايست که خدا آن را دوست دارد و خنده ايست که خدا آن را دشمن دارد، اما خنده ای که خدا آن را دوست دارد، آنست که مرد به روی برادر خویش از شوق دیدار وی لبخند زند اما خنده ای که که خدای والا آن را دشمن دارد آنست که مرد سخن خشن و ناروا گوید که بخندد یا بخندند و بسبب آن هفتاد پائیز در جهنم سرنگون رود.

١٨٢٥ الضيافة ثلاثة أيام فما زاد فهو صدقة و على الضيف أن يتحول بعد ثلاثة أيام .

مهمانی سه روز است و هر چه بیشتر شد صدقه است و مهمان باید پس از سه روز تغییر جا دهد .

١٨٢٦ الضيف يأتي برزقه و یرتحل بذنوب القوم، یمحّص عنهم ذنوبهم.

مهمان روزی خویش بیارد گناهان کسان ببرد و گناهان آنها را

پاک کند.

۱۸۲۷ ضالّة المؤمن العلم كلّما قيّد حديثا طلب إليه آخر.

گم شده مؤمن علم است هر دم حدیثی فرا گیرد حدیثی دیگر
مطلوب او شود.

۱۸۲۸ ضحك ربّنا من قنوط عباده

پروردگار ما از نومیدی بندگان خویش عجب دارد

۱۸۲۹_ ضعی فی ید المسکین و لو ظلّفا محرقا.

چیزی بدست مستمند بگذار و گر چه سم سوخته باشد.

۱۸۳۰ الضّحک ضحکان یحبّه الله و ضحک یمقته الله فأما

الضحک الذی یحبّه الله فالرجل یکشر فی وجه أخیه شوقا إلى

رؤيته، و أما الضّحک الذی یمقته الله تعالى فالرجل یتکلم بالکلمة

الجفاء و الباطل لیضحک أو یضحک یهوی بها فی جهنم سبعین

خریفا.

خنده دو قسم است خنده ایست که خدا آن را دوست دارد و
 خنده ایست که خدا آن را دشمن دارد، اما خنده ای که خدا آن را
 دوست دارد، آنست که مرد به روی برادر خویش از شوق دیدار
 وی لبخند زند اما خنده ای که که خدای والا آن را دشمن دارد
 آنست که مرد سخن خشن و ناروا گوید که بخندد یا بخندند و
 بسبب آن هفتاد پائیز در جهنم سرنگون رود.

۱۸۳۱ الضیافه ثلاثه آیام فما زاد فهو صدقه و علی الضیف أن
 يتحول بعد ثلاثة آیام .

مهمانی سه روز است و هر چه بیشتر شد صدقه است و مهمان باید
 پس از سه روز تغییر جا دهد .

۱۸۳۲ الضیف یأتی برزقه و یرتحل بذنوب القوم، یمحّص عنهم
 ذنوبهم.

مهمان روزی خویش بیارد گناهان کسان ببرد و گناهان آنها را
 پاک کند.

حرف ط

۱۸۳۳ طاعة الله طاعة الوالد و معصية الله معصية الوالد.

اطاعت پدر اطاعت خداست و نافرمانی پدر نافرمانی خداست.

۱۸۳۴ طالب العلم تبسط له الملائكة أجنحتها رضا بما يطلب.

فرشتگان بالهای خویش برای طالب علم بگسترانند که از آنچه وی می جوید رضایت دارند.

۱۸۳۵ طالب العلم بين الجهال كالحى بين الأموات.

جویای علم میان جاهلان چون زنده میان مردگانست.

۱۸۳۶ طالب العلم لله أفضل عند الله من المجاهد فى سبيل الله.

هر که علم برای رضای خدا جوید نزد خدا از مجاهد فی سبیل الله بهتر است.

۱۸۳۷ طالب العلم طالب الرحمة طالب العلم ركن الإسلام و يعطى

أجره مع النبیین.

جویای علم جویای رحمت است، جویای علم رکن اسلام است

و پاداش او را با پیمبران دهند.

۱۸۳۸ طعام السخیّ دواء و طعام الشحیح داء.

غذای سخاوت‌مند دوا و غذای بخیل درد است.

۱۸۳۹ طلب العلم فريضة على كلّ مسلم و أنّ طالب العلم يستغفر له

كلّ شيء حتّى الحيتان فى البحر.

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز، حتی ماهیان

دریا برای جویای علم آمرزش می‌طلبند

۱۸۴۰ طلب العلم أفضلّ عند الله من الصلّاء و الصّيام و الحجّ و

الجهاد فى سبيل الله عزّ و جلّ.

جستن علم نزد خدا از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا عز و

جل بهتر است.

۱۸۴۱ طلب العلم ساعة خير من قيام ليلة و طلب العلم يوما خير من

صيام ثلاثة أشهر.

ساعتی علم جستن بهتر از نماز گزاری یک شب است و روزی علم
جستن بهتر از سه ماه روزه داری است.

۱۸۴۲ طلب العلم فريضة على كلّ مسلم و واضع العلم عند غير أهله
كمقلد الخنازير الجوهر و اللؤلؤ و الذهب.

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و آنکه علم را پیش نا
اهلان نهد چنانست که گوهر و مروارید و طلا به گرازان آویزد.

۱۸۴۳ طلب العلم فريضة على كلّ مسلم و مسلمة.
جستن علم بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان واجبست.

۱۸۴۴ طهور الطعام يزيد في الطعام والدين و الرزق
پاکیزگی غذا، غذا و دین و روزی را فزون میکند.

۱۸۴۵ طوبى للمخلصين أولئك مصايح الهدى تنجلي بهم كلّ فتنة
ظلماء.

خوشا مخلصان آنان چراغهای هدایتند و بپرتو آنها هر فتنه تاریک

روشن شود.

۱۸۴۶ طوبی للسّابقین إلى ظلّ الله الذّین إذا أعطوا الحقّ قبلوه و
الذّین یحکمون للنّاس بحکمهم لأنفسهم.

خوشا آنانکه زودتر از همه بسایه خدا روند آنها که وقتی با حق
روبرو شوند آنرا بپذیرند کسانی که برای مردم همان حکم کنند
که برای خویش کنند.

۱۸۴۷ طوبی لمن أسلم و کان عیشه کفافا.
خوشا آنکه مسلمانست و معیشت کفاف دارد.

۱۸۴۸ طوبی لمن ترک الجهل و أتى الفضل و عمل بالعدل.
خوشا آنکه سبکسری نکند و فزونی را ببخشد و بعدالت عمل کند.

۱۸۴۹ طوبی لمن تواضع فی غیر منقصه و ذلّ فی نفسه فی غیر
مسکنه و أنفق من مال جمعه فی غیر معصیه و خالط أهل الفقه و
الحکمه و رحم أهل الذّلّ و المسکنه، طوبی لمن ذلّ نفسه و طاب

کسبه و حسنت سریره و کرمیت علانیه و عزل عن الناس شرّه،
طوبی لمن عمل بعلمه و أنفق الفضل من ماله و أمسک الفضل من
قوله.

خوشا آنکه بدون منقصت تواضع کند و بدون مسکنت خویشان را
 خوار دارد و از مالی که بدون معصیت فراهم آورده انفاق کند و
 با اهل دانش و خرد بیامیزد و بر اهل ذلت و مسکنت رحمت آرد.
 خوشا آنکه خویشان را خوار دارد و کسب وی پاکیزه باشد و
 باطنش نیکو باشد و ظاهرش گرامی باشد و شر خویش را از مردم
 دور کند. خوشا آنکه بعلم خویش عمل کند و فزونی مال خویش
 انفاق کند و فزونی گفتار خویش نگه دارد.

۱۸۵۰ طوبی لمن رزقه الله الکفاف ثم صبر علیه.

خوشا آنکه خدا روزی او بحد کفاف داده باشد و بر آن صبر کند.

۱۸۵۱ طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس.

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد.

۱۸۵۲ طوبی لمن طال عمره و حسن عمله فحسن منقلبه إذ رضی عنه ربّه و ویل لمن طال عمره و ساء عمله فساء منقلبه إذ سخط علیه ربّه.

خوشا آنکه عمرش دراز شود و عملش نکو باشد و عاقبتش نیک شود زیرا خدایش از او راضی است و وای بر آنکه عمرش دراز شود و عملش بد باشد و عاقبتش بد شود زیرا خدایش از او خشمگین است.

۱۸۵۳ طوبی لمن هدی للإسلام و کان عیشه کفافاً و قنع.

خوشا آنکه باسلام هدایت شود و معیشت او بحد کفاف باشد و قناعت کند.

۱۸۵۴ طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس و أنفق من مال إکتسبه من غیر معصیة و خالط أهل الفقه و الحکمة و جانب أهل الذلّ و المعصیة.

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد و از مالی که بدون معصیت بدست آورده انفاق کند و با اهل دانش وجود

بیامیزد و از اهل ذلت و معصیت دوری کند.

۱۸۵۵ طوبی لمن ذلّ فی نفسه و حسنت خلیقته و أنفق الفضل من ماله و أمسک الفضل من قوله و وسعته السنّة و لم یعدها إلى البدعة.

خوشا آنکه در پیش خویش خوار است و خوی او نیکست و فزونی مال خویش ببخشد و فزونی گفتار خویش نگه دارد و پیر و سست باشد و از سنت بدعت نرود.

۱۸۵۶ طوبی لمن ملک لسانه و بکی علی خطیثه.
خوشا آنکه اختیار زبان خویش دارد و بر گناه خویش بگریزد.

۱۸۵۷ طیبوا أفواهکم بالسّواک.
دهانهای خویش را به مسواک پاکیزه کنید.

۱۸۵۸ أطاعم الشّاکر بمنزلة الصّائم الصّابر.
غذا خور شکر گزار چون روزه دار صبور است.

۱۸۵۹ أَلْطَّم يَذْهَبُ الْحِكْمَةُ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ.

طمع حکمت از دل دانشوران ببرد.

۱۸۶۰ أَلْطَّبِيبُ اللَّهِ وَ لَعَلَّكَ تَرْفُقُ بِأَشْيَاءٍ تَحْرُقُ بِهَا غَيْرُكَ.

طبيب حقیقی خداست شاید چیز هایی برای تو مناسب است که
برای غیر تو نامناسب است.

حرف ظ

۱۸۶۱ أَلْظَلَمَ ظَلَمَاتِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ.

ستم مایه تاریکی روز قیامتست.

۱۸۶۲ أَلْظَلَمَ ثَلَاثَةً: فَظَلَمَ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَ ظَلَمَ يَغْفِرُهُ وَ ظَلَمَ لَا يَتْرُكُهُ،

فَأَمَّا الظَّالِمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشَّرُّكَ قَالَ اللَّهُ: «إِنَّ الشَّرَّكَ لَظَلَمٌ

عَظِيمٌ»، وَ أَمَّا الظَّالِمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَظَلَمَ الْعِبَادَ أَنْفُسَهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ

بین ربّهم و أمّا الظّلم الّذی لا یتَرَکَ اللّٰه فظلم العباد بعضهم بعضا.

ظلم سه قسم است: ظلمی هست که خدایش نمی آمرزد و ظلمی هست که می آمرزدش و ظلمی هست که از آن نمیگذرد اما ظلمی که خدا نمی آمرزد شرکست خدا گوید: «حقا که شرک ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا میامرزد ستم بندگان بخودشان میان خود و پروردگارشان است اما ظلمی که خدا از آن نمیگذرد ظلم بندگان بیکدیگر است.

۱۸۶۳ أَلْظَلَمَةُ و أعوانهم فی النار.

ستم گران و یارانشان در جهنمند.

حرف ع

۱۸۶۴ عاید المریض یمشی فی طریق الجنّة حتّٰی یرجع.

کسی که بیماری را عیادت کند تا وقتی که باز گردد در راه بهشت قدم میزند.

۱۸۶۵ عائد المريض يخوض في الرَّحمة فإذا جلس عنده غمرته
الرَّحمة و من تمام عيادة المريض أن يضع أحدكم يده على وجهه
أو على يده فيسأله كيف هو؟ و تمام تحيتكم بينكم المصافحة .

کسی که بیماری را عیادت کند در رحمت فرو میرود و چون نزد
بیمار بنشیند رحمت او را فرو گیرد و کمال عیادت بیمار اینست
که یکی از شما دست بر چهره یا دست او نهد و از او پرسد حالش
چطور است و کمال درود گفتن شما میان خودتان دست دادنست.

۱۸۶۶ عاقبوا أرقاءكم على قدر عقولهم.
بندگان خویش را به اندازه عقولشان عقوبت کنید.

۱۸۶۷ عالم ينتفع بعلمه خير من ألف عابد.
دانشمندی که از علم او سود برند از هزار عابد بهتر است.

۱۸۶۸ عامّة أهل النار النساء.
قسمت اعظم جهنمیان زنانند.

۱۸۶۹ عجت لغافل و لا يغفل عنه عجت لمؤمل دنیا و الموت
 يطلبه و عجت لضاحك ملأ فمه و لا يدرى أَرْضَى الله عنه أم
أسخطه.

عجب دارم از غافلی که از او غافل نشوند و عجب دارم از
 آرزومند دنیا که مرگ در طلب اوست و عجب دارم از آنکه از ته
 دل بخندد و نداند که آیا خدا از او خشنود است یا خشمگین.

۱۸۷۰ عجا لأمر المؤمن، إن أمره كله له خير و ليس ذلك لأحد
 إلا للمؤمن إن أصابته سرّاء شكر و كان خيرا له و إن أصابته ضرّاء
صبر فكان خيرا له.

کار مؤمن عجیب است که کار او همه برایش نیکست و هیچکس
 جز مؤمن چنین نیست اگر سختی بدو رسد شکر کند و برای او
 نیک باشد و اگر مرضی بدو رسد صبر کند و برای او نیک باشد.

۱۸۷۱ عجت للمسلم إذا أصابته مصيبة إحتسب و صبر و إذا أصابه
خير حمد الله و شكر.

از مسلمان عجب دارم که وقتی مصیبتی بدو رسد صبر ورزد و

چون خبری بدو رسد ستایش و شکر خدا کند.

۱۸۷۲ عجا للمؤمن فو الله لا يقضى الله للمؤمن قضاء إلا كان خيرا له.

کار مؤمن عجیب است بخدا که خدا قضائی برای مؤمن مقرر ندارد مگر مایه خیر او باشد.

۱۸۷۳ عد من لا يعودك و اهد لمن لا يهدي لك.
از آنکه ترا عیادت نمی کند عیادت کن و بآنکس که هدیه بتو نمیدهد هدیه بده.

۱۸۷۴ عدل ساعة خير من عبادة سنة.
یکساعت عدالت از یکسال عبادت بهتر است.

۱۸۷۵ عدة المؤمن كأخذ باليد.
وعده مؤمن چون تسلیم کردن است.

۱۸۷۶ عده المؤمن دین، و عده المؤمن كأخذ بالید.

وعده مؤمن دین است و وعده مؤمن چون تسلیم کردندست.

۱۸۷۷ عذاب هذه الامّة جعل بأيديها فی دنیاها.

عذاب این امت را بدست خودشان در دنیایشان نهاده اند.

۱۸۷۸ عرامة الصبّیّ فی صغره زیادة فی عقله فی کبره.

سرکشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است.

۱۸۷۹ عزیز علی الله أن يأخذ کریمتی عبد مسلم ثمّ یدخله النار.

بر خدا گرانست که دو دختر بنده مسلمان را بگیرد آنگاه او را به جهنم برد.

۱۸۸۰ عش ما شئت فإنّک میّت و أحب ما أحببت فإنّک مفارقة و

اعمل ما شئت فإنّک مجزیّ به.

هر چه خواهی بمان که خواهی مرد، هر که را خواهی دوست

بدار که از او جدا خواهی شد و هر چه خواهی بکن که سزای آن را خواهی دید.

۱۸۸۱ عظم الأجر عند المصيبة و إذا أحبّ الله قوما ابتلاهم.
مصیبت را پاداش بزرگ دهند و چون خدا گروهی را دوست دارد مبتلایشان کند.

۱۸۸۲ عفو الله أكبر من ذنوبك.
عفو خدا از گناهان تو بزرگ تر است.

۱۸۸۳ عَفُوا تَعَفَّ نَسَاءَكُمْ وَ بَرَّوْا آبَاءَكُمْ تَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ مَنْ
اعتذر إلى أخيه المسلم من شيء بلغه عنه فلم يقبل عذره لم يرد
على الحوض.

عفت ورزید تا زنانان عقیف شوند و با پدرانتان نیکی کنید تا
فرزندانتان با شما نیکی کنند و هر که از برادر مسلمان خویش
درباره رنجشی که از او دارد عذر بخواهد و عذرش نپذیرد بر سر
حوض بنزد من نیاید.

۱۸۸۴ عَفَّوا عَنْ نِسَاء النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاء كُمْ وَ بَرَّوْا آبَاء كُمْ تَبَرَّكُم
أَبْنَاؤ كُمْ وَ مِنْ أَتَاهُ أَخُوهُ مُتَنَصِّلًا فَلْيَقْبَلْ ذَلِكَ مُحَقًّا كَانَ أَوْ مُبْطَلًا،
فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ لَمْ يَرِدْ عَلَى الْحَوْضِ.

نسبت بزنان مردم عفت کنید تا زنانتان عقیف بمانند با پدران
خویش نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند هر کس
برادرش بعذر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را حق باشد یا
باطل بپذیرد و اگر نپذیرد بر سر حوض بنزد من نیاید.

۱۸۸۵ علامه حبّ الله تعالى حبّ ذکر الله و علامه بغض الله بغض
ذکر الله عزّ و جلّ.

نشان محبت خدا علاقه به ذکر خداست و نشان دشمنی خدا بی
علاقگی بذکر خدای عز و جل است .

۱۸۸۶ علم لا ینفع ککنز لا ینفق منه و علی کلّ شیء زکوّه و
زکوّه الجسد الصّیام

علمی که سود ندهد چون گنجی است که از آن خرج نکنند و هر

چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه داشتن است.

۱۸۸۷ علیکم من الأعمال بما تطيقون فإنّ الله لا يملّ حتى تملّوا.

عبادت باندازه توانائی خود کنید که خدا ملول نشود تا وقتی که شما ملول شوید.

۱۸۸۸ علی الید ما أخذت حتى تؤدّیه.

هر کسی آنچه را گرفته بعهده دارد تا آن را ادا کند.

۱۸۸۹ علی کلّ مسلم صدقه فإنّ لم يجد فیعمل بیده فینفع نفسه و

یتصدّق، فإنّ لم یستطع فیعین ذا الحاجة فإنّ لم یفعل فیأمر بالخیر،

فإنّ لم یفعل فیمسک عن الشرّ فإنّ له صدقه.

هر مسلمانی باید صدقه ای بدهد و اگر نیابد بدست خود کار کند

و خود منتفع شود و صدقه نیز دهد و اگر نتواند حاجت مند را

کمک کند و اگر نکند به نیکی وادار کند و اگر نکند از بدی باز

دارد که همین صدقه اوست.

۱۸۹۰ علام یقتل أحدکم أخاه؟ إذا رأى أحدکم من أخیه ما یعجبه
فلیدع له بالبرکة.

چرا برادر خود را میکشید؟ وقتی یکیتان از برادر خویش چیزی
دید که جالب نظر بود برای او برکت بخواهد.

۱۸۹۱ علم لا یقال به ککنز لا ینفق منه.
علمی که ظاهر نکنند چون گنجی است که از آن خرج نکنند.

۱۸۹۲ علّموا أبناءکم السّباحة و الرّمی و المرأة المغزل.
فرزندان خویش را شنا و تیر اندازی آموزید و زنان را نخ رشتن.

۱۸۹۳ علّموا أبناءکم السّباحة و الرّمایة و نعم لهو المؤمنة فی بیتها
المغزل و إذا دعاک أبواک فأجب أمّک.
فرزندان خود را شنا و تیراندازی آموزید و چرخ نخ ریزی برای
زن مؤمن در خانه اش چه سرگرمی خویشست، وقتی پدر و مادرت
ترا خواندند اجابت مادر کن.

۱۸۹۴ عَلمُوا بَنِيكُم الرَّمَى فَإِنَّهُ نَكَايَةُ الْعَدُوِّ.

فرزندان خویش را تیر اندازی آموزید که سر شکستگی دشمن است.

۱۸۹۵ عَلمُوا وَ يَسِّرُوا، وَ لَا تَعَسِّرُوا وَ بَشِّرُوا وَ لَا تَنْفَرُوا وَ إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْكُتْ.

تعلیم دهید و سهل گیرید و سخت مگیرید گشاده روئی کنید و خشونت مکنید و چون یکی از شما خشمگین شود خاموش ماند.

۱۸۹۶ عَلمُوا وَ لَا تَعْنَفُوا فَإِنَّ الْمَعْلَمَ خَيْرٌ مِنَ الْمَعْنَفِ.

تعلیم دهید و خشونت مکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است.

۱۸۹۷ عَلِيكَ بِالْيَأْسِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ إِيَّاكَ وَ الطَّمَعِ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ.

از آنچه در دست مردم است نومید باش، از طمع پرهیز که فقر مهیا است.

۱۸۹۸ علیک بالبرّ فَإِنَّ صاحب البرّ يعجبه أَنْ يكون النَّاس بخير و
فی خصب.

بنیکی کوش که نیکوکار دوست دارد مردم در خیر و فراوانی
باشند.

۱۸۹۹ علیک بالعلم فَإِنَّ العلم خلیل المؤمن و الحلم وزیره و العقل
دلیله و العمل قیّمه و الرّفق أبوه و اللّین أخوه و الصّبر أمير جنوده.
علم جوئید که علم یار مؤمن است و بردباری وزیر اوست و عقل
دلیل اوست و عمل سرپرست اوست و ملایمت پدر اوست و مدارا
برادر اوست و صبر امیر سپاهیان اوست.

۱۹۰۰ علیک بالسّجود فَإِنَّک لا تسجد لله سجدةً إِلَّا رفعک الله بها
درجةً و حطّ عنک بها خطیئة.

از سجده غافل مشو که هر سجده ای برای خدا کنی خداوند یک
درجه ترا بالا برد و گناهی از تو محو کند.

۱۹۰۱ علیک بأوّل السوم فَإِنَّ الرّبح مع السّماح.

در معامله نخستین عرضه را به پذیر که سود با تساهل قرینست.

۱۹۰۲ علیک بتقوی الله فإنّها جماع کلّ خیر.

از ترس خدا غافل مباش که سر چشمه نیکیهاست.

۱۹۰۳ علیک بتقوی الله عزّ و جلّ ما استطعت و اذکر الله عند کلّ

حجر و شجر، و إذا عملت سیئة فأحدث عندها توبة: ألسرّ بالسرّ و

العلانیة بالعلانیة.

از ترس خدا غافل مباش و خدا را نزد هر سنگ و درخت یاد کن
و اگر بدی کردی بهنگام آن توبه ای کن نهان بنهان و آشکار به
آشکار.

۱۹۰۴ علیک بحسن الخلق، فإنّ أحسن الناس خلقا أحسنهم دینا.

نیکخوئی کن که از مردم هر که نکوخوای تر دینش نکوتر.

۱۹۰۵ علیک بحسن الخلق و طول الصّمت فو الذی نفسی بیده ما

تجمّل الخلائق بمثلهما.

نیکخوئی کن و خموشی طولانی گزین، قسم بخدائی که جان من
بدست اوست خلاق زینتی مانند آن ندارند.

۱۹۰۶ علیک بحسن الکلام و بذل الطعام.

سخن نیک گوی و غذا بکسان ده

۱۹۰۷_ علیک بالرفق و ایّاک و العنف و الفحش.

ملایمت کن و از خشونت و ناسزا پرهیز.

۱۹۰۸ علیکم بالتّواضع فإنّ التّواضع فی القلب و لا یوذینّ مسلم

مسلم.

تواضع کنید که تواضع در دل است و مسلمان نباید مسلمان را
آزار کند.

۱۹۰۹ علیکم بالحزن فإنّه مصباح القلب أגיעوا أنفسکم و اظمئوها.

با غم خو کنید که چراغ دل است خویشتن را گرسنه و تشنه
دارید.

۱۹۱۰ علیکم بالرّمی فإِنَّه من خیر سعیکم.

تیر اندازی کنید که از بهترین کوششهای شماست.

۱۹۱۱ علیکم بالزّیب فإِنَّه یکتف المرء و یدهب بالبلغم و یشدّ

العصب و یدهب بالعیاء و یحسن الخلق و یطیب النّفس و یدهب

بالهمّ.

مویز خورید که صفرا را غلیظ کند و بلغم را ببرد و عصب را
قوی کند و کند ذهنی را ببرد و خلق را نیکو کند و جان را پاک
دارد و غم را ببرد.

۱۹۱۲ علیکم بالسّواک فإِنَّه مطیبه للفم مرضاه للرّبّ.

مسواک کنید که مایه پاکیزگی دهان و رضای خداست.

۱۹۱۳ علیکم بالسّواک فنعم الشیء السّواک یشدّ اللّثه و یدهب

بالبحر و یصلح المعدّه و یزید فی درجات الجنّه و یرضی الرّبّ و

یسخط الشّیطان.

مسواک کنید که مسواک خوب چیز است لثه را محکم کند و بوی دهان ببرد و معده را بصلاح آورد و درجات بهشت بیفزاید و پروردگار را خشنود کند و شیطانرا بخشم آرد.

۱۹۱۴ علیکم بالصّدق فإنّه مع البرّ و هما فی الجنّة و إیاکم و الکذب فإنّه مع الفجور و هما فی النار و سلوا الله یقین و المعافاة
 فإنّه لم یؤت أحد بعد یقین خیرا من المعافاة و لا تحاسدوا و لا تباغضوا و لا تقاطعوا و کونوا عباد الله إخوانا كما أمرکم الله.
 راستی پیشه کنید که راستی قرین نیکیست و هر دو در بهشتند از دروغ پرهیزید که دروغ با بد کاریست و هر دو در جهنمند. از خدا یقین و عافیت بخواهید که هیچکس را بعد از یقین، بهتر از عافیت نداده اند، حسادت نورزید و دشمنی نکنید پیوند مبرید بندگان خدا، چنانکه خدا فرمان داده برادران باشید.

۱۹۱۵ علیکم بالصّدق، فإنّ الصّدق یرتّب البرّ و إنّ البرّ یرتّب الصّدق و ما یزال الرّجل یصدق و یتحرّی الصّدق حتّی یکتب إلی الجنّة و

عند الله صدّيقا و إياكم و الكذب فإنّ الكذب يهدى إلى الفجور و
 إنّ الفجور يهدى إلى النّار و ما يزال الرّجل يكذب و يتحرّى
 الكذب حتّى يكتب عند الله كذّابا.

راستی پیشه کنید که راستی بسوی نیکی راهبر میشود و نیکی
 بسوی جنت راهبر میشود و مرد پیوسته راست گوید و راستی
 جوید تا نزد خدا راستی پیشه بقلم رود و از دروغگوئی پرهیزید
 که دروغ بسوی بد کاری و بد کاری بسوی جهنم میکشاند و مرد
 پیوسته دروغ گوید و دروغ جوید تا نزد خدا دروغ پیشه بقلم
 رود.

۱۹۱۶ علیکم بالصدق فإنّه باب من أبواب الجنّة و إياکم و الكذب
 فإنّه باب من أبواب النّار .

راستی پیشه کنید که راستی دری از درهای بهشت است و از
 دروغگوئی پرهیزید که دروغ از درهای جهنمست.

۱۹۱۷ علیکم بالقرآن، فاتّخذوه إماما و قائدا فإنّه کلام ربّ
 العالمین الذی هو منه و إليه يعود، فآمنوا بمتشابهه و اعتبروا بأمثاله.

با قرآن مانوس شوید و آن را پیشوا و رهبر خویش گیرید که
قرآن گفتار خدای جهانیا نیست که از اوست و بسوی او باز می‌رود
بمتشابه آن ایمان داشته باشید و از مثل‌های آن عبرت گیرید .

۱۹۱۸ علیکم بالقناعة فإن القناعة مال لا ينفد.

بقناعت خو کنید زیرا قناعت مالی است که تمام شدنی نیست.

۱۹۱۹ علیکم باصطناع المعروف فإنه يمنع مصارع السوء، و علیکم

بصدقة السر فإنها تطفی غضب الله عزّ و جلّ.

اعمال نیک انجام دهید که از سقوطهای بد جلوگیری میکند و
صدقه نهان دهید که خشم خدا عز و جل را خاموش میکند.

۱۹۲۰ علیکم بقلّة الكلام و لا يستهوینکم الشیطان.

سخن کمتر گوئید و شیطان مجذوبتان نکند.

۱۹۲۱ علیکم من الأعمال بما تطیقون فإنّ الله لا یملّ حتی تملّوا.

عبادت بقدر طاقت خود کنید که خدا ملول نشود تا شما ملول

شوید.

۱۹۲۲ علم لا ینفع کنز لا ینفق منه.

علمی که سود ندهد گنجی است که از آن انفاق نکنند.

۱۹۲۳ علیک بالیأس ممّا فی أیدی الناس.

از آنچه در دست مردمست نومید باش

۱۹۲۴_ علیک بالرفق فإنّ الرفق لم یکن فی شیء قطّ إلاّ زانه و لا

نزع من شیء قطّ إلاّ شانه.

مدارا کن که مدارا در چیزی باشد آنرا زینت دهد و در هر چه نباشد آن را خوار کند.

۱۹۲۵ عمل البرّ کله نصف العباده و الدعاء نصف فإذا أراد الله

تعالی بعد خیرا انتحی قلبه للدعاء.

همه اعمال خیر یک نیمه عبادتست و دعا نیمه دیگر و چون خدا برای بنده ای خیر خواهد قلب او را بدعا متمایل کند.

۱۹۲۶ عمل الجنّة الصّدق و إذا صدق العبد برّ و إذا برّ أمن و إذا
 أمن دخل الجنّة، و عمل النّار الكذب و إذا كذب العبد فجر و إذا
 فجر كفر و إذا كفر دخل النّار.

عمل بهشت راست گوئی است و چون بنده راست گوید نیکی کند
 و چون نیکی کند ایمن شود و چون ایمن شود بهشت در آید و
 عمل جهنم دروغ است و چون بنده دروغ گوید بد کار شود و
 چون بد کار شود بکفر گراید و چون بکفر گراید بجهنم رود.

۱۹۲۷ عمی القلب الضّلالة بعد الهدی
 کوری دل گمراهی پس از هدایتست.

۱۹۲۸ عند الله خزائن الخير و الشرّ مفاتيحها الرّجال، فطوبى لمن
 جعله الله مفتاحا للخير مغلاقا للشرّ، و ويل لمن جعله الله مفتاحا
 للشرّ مغلاقا للخير.

خزینه های خیر و شر در نزد خداست و کلیدهای آن مردانند
 خوشا آنکه خدایش کلید خیر و کلون شر کرده و وای بر آنکه

خدایش کلید شر و کلون خیر کرده است.

۱۹۲۹ عهد الله تعالى أحقّ ما أدّى.

پیمان خدا شایسته وفاست.

۱۹۳۰ عودو المرضى، و مروهم فليدعوا لكم فإنّ دعوة المريض

مستجابة و ذنبه مغفور.

بیماران را عیادت کنید و بگوئیدشان که برای شما دعا کند که
دعای بیمار مستجاب و گناه او آمرزیده است.

۱۹۳۱ عودو المرضى و اتبعوا الجنایز تذکر کم الآخرة.

بیمار را عیادت کنید و جنازه را مشایعت کنید که آخرت را بیاد
شما آرد.

۱۹۳۲ عودوا قلوبكم الترقّب و أكثروا التفکّر.

دل‌های خویش را بمراقبت عادت دهید و اندیشه بسیار کنید.

۱۹۳۳ عون العبد أخاه يوما خیر من إعتكافه شهرا.

کمک یک روزه که کسی به برادر خود کند بهتر از اعتکاف یک ماهه است.

۱۹۳۴ عینان لا یمسّهما النار أبدا: عین بکت من خشية الله و عین

باتت تحرس فی سبیل الله .

دو چشم است که هرگز آتش بدان نرسد. چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را بحراست در راه خدا بسر برده.

۱۹۳۵ ألعالم أمين الله فی الأرض.

دانشمند امین خدا در زمین است

۱۹۳۶_ ألعالم و المتعلم شریکان فی الخیر و سایر الناس لا خیر

فیهم.

عالم و متعلم در خیر شریکند و سایر مردم خیری ندارند.

۱۹۳۷ ألعالم إذا أراد بعلمه وجه الله تعالى هابه کلّ شیء و إذا أراد

أن يكثر به الكنوز هاب من كل شيء.

عالم اگر از علم خویش رضای خدا خواهد همه چیز از او بترسد و
اگر خواهد بوسیله آن گنجها بپندوزد از همه چیز بترسد.

١٩٣٨ ألعائد في هبته كالكلب يعود في قيئه.

آنکه بخشیده خویش پس گیرد چون سگ است که قی کرده
خویش بخورد.

١٩٣٩ ألعباد عباد الله، و البلاد بلاد الله فمن أحياء من موات الأرض

شيئا فهو له.

بندگان بندگان خداوند و دیار دیار خداست و هر که چیزی از
موات زمین را احیا کند متعلق باوست

١٩٤٠ - ألعالم و العلم في الجنة فإذا لم يعمل العالم بما يعلم كان العلم

و العمل في الجنة و كان العالم في النار.

عالم و علم در بهشتند اگر عالم بعلم خویش عمل نکند علم و عمل
در بهشتند و عالم در جهنم .

۱۹۴۱ أَلْعَبِدُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.

هر کسی همسنگ چیزی است که دوست دارد.

۱۹۴۲ أَلْعَبِدُ الْمَطِيعُ لَوَالِدِيهِ وَ لِرَبِّهِ فِي أَعْلَى عَلَيَّيْنِ.

کسی که مطیع پدر و مادر و پروردگار خویش باشد در اعلای بهشت است.

۱۹۴۳ أَلْعَدَةُ دِينٍ، وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ! وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ

أَخْلَفَ! وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ.

وَعَدَهُ دَادَنَ چُون دین بگردن گرفتن است، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند.

۱۹۴۴ أَلْعَدَلُ حَسَنٌ وَ لَكِنْ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، أَلْسَخَاءُ حَسَنٌ وَ لَكِنْ

فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، أَلْوَرَعُ حَسَنٌ وَ لَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، أَلصَّبْرُ

حَسَنٌ وَ لَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، أَلتَّوْبَةُ حَسَنٌ وَ لَكِنْ فِي الشَّبَابِ

أحسن، أَلحیاء حسن و لكن فی النساء أحسن.

عدالت نیکست ولی از زمامداران نیکوتر است، سخاوت نیک است
ولی از اغنیا نیکوتر است، تقوی نیکست ولی از علما نیکوتر است
صبر نیکست ولی از فقرا نیکوتر است. توبه نیکست ولی از
جوانان نیکوتر است شرم نیک است ولی از زنان نیکوتر است.

۱۹۴۵ أَلعرف ینقطع فیما بین الناس و لا ینقطع فیما بین الله و بین
من فعله.

نکوئی میان مردم فراموش می شود اما میان خدا و عامل نیکی
فراموش نمیشود.

۱۹۴۶ أَلعفاف زینة النساء.
عفت زینت زنانست.

۱۹۴۷ أَلعفو أحقّ ما عمل به.
عفو شایسته ترین کاریست که کنند.

۱۹۴۸ ألعقل فی أمر الدّینا مضرّة و العقل فی أمر الدّین مسرّة.

عقل در کار دنیا مایه ضرر است و در کار دین مایه سرور.

۱۹۴۹ ألعقل آلف مألوف.

عقل الفت گیر است و الفت پذیر.

۱۹۵۰ ألعلماء ثلاثة: رجل عاش به النّاس و عاش بعلمه، و رجل

عاش به النّاس و أهلك نفسه، و رجل عاش بعلمه و لم یعش به
غیره.

دانشوران سه قسمند مردی که مردم از او سود برند و او نیز از
علم خود سود برد و مردی که مردم از او سود برند و خود را
هلاک کند. و مردی که از علم خود سود برد و دیگری از او سود
نبرد.

۱۹۵۱ ألعلماء أمناء الله علی خلقه.

دانشوران امینان خدا بر خلق اویند.

۱۹۵۲ ألعلماء مصاييح الأرض و خلفاء الأنبياء و ورثتى و ورثة الأنبياء.

دانش وران چراغهای زمین و جانشین پیغمبران و وارثان من و
وارث پیغمبرانند.

۱۹۵۳ ألعلماء قادة و المتقون سادة و مجالستهم زيادة.

دانش وران پیشوایانند و پرهیز کاران سرورانند و مصاحبتشان مایه
فزونی است.

۱۹۵۴ ألعلم أفضل من العبادة و ملاك الدين الورع.

علم از عبادت بهتر است و اساس دین ترس خداست.

۱۹۵۵ العلم أفضل من العمل و خير الأعمال أوسطها.

علم از عبادت افضلست و بهترین عملها عملی است که معتدل تر
است.

۱۹۵۶ ألعلم ثلاثة: كتاب ناطق و سنه ماضیه و «لا أدري».

علم سه چیز است کتاب گویا و سنت متبع و «نمیدانم».

۱۹۵۷ ألعلم حياة الإسلام و عماد الإيمان و من علم علما أتم الله له
أجره و من تعلّم فعمل علّمه الله ما لم يعلم.

علم حیات اسلام و ستون ایمانست و هر که علمی بیاموزد خدا
پاداش او را کامل کند و هر که تعلیم گیرد و عمل کند خدا آنچه
نمی داند باو تعلیم دهد.

۱۹۵۸ ألعلم خزائن و مفتاحها السّؤال فسلوا یرحمکم الله فإنّه یوجر
فیه أربعة: السّائل و المعلّم و المستمع و المحبّ لهم.

علم گنجینه هاست و کلید آن پرسش است بپرسید تا خدا بر شما
رحمت آرد که خدا در کار علم چهار کس را پاداش می دهد:
پرسنده و آموزگار و شنونده و کسیکه دوستدار ایشانست.

۱۹۵۹ ألعلم خلیل المؤمن و الحلم وزیره و العقل دلیله و العمل
قائده و الرّفق والده و البرّ أخوه و الصّبر أمير جنوده.

علم دوست مؤمن و بردباری وزیر او و عقل رهبر او و عمل سردار

او و ملایمت پدر او و نیکی برادر او و صبر امیر سپاه اوست.

۱۹۶۰ ألعلم خیر من العمل و ملاک الدّین الورع و العالم من يعمل.
علم از عبادت بهتر است و اساس دین ترس خداست و عالم حقیقی
آنست که عمل کند.

۱۹۶۱ ألعلم علّمان: فعلم فی القلب فذلک العلم النّافع، و علم علی
اللّسان فذلک حجّة الله علی ابن آدم.

علم دو علم است علمی که در قلب است و علم نافع همین است و
علمی است که بر زبانست و او حجت خدا بر فرزند آدمست.

۱۹۶۲ ألعلم میراثی و میراث الأنبیاء من قبلی.
علم میراث من و میراث پیغمبران پیش از منست.

۱۹۶۳ ألعلم و المال یستران کلّ عیب و الجهل و الفقر یکشفان کلّ
عیب.

علم و مال هر عیبی را بپوشاند و جهل و فقر هر عیبی را نمایان

کند.

۱۹۶۴ ألعلم لا يحلّ منعه.

منع علم روا نیست

۱۹۶۵ ألعین حقّ و لو کان شیء سابق القدر سبقته العین.

چشم بد حق است اگر چیزی از تقدیر پیشی میگرفت چشم بد بودی.

۱۹۶۶ ألعین حقّ يحضرها الشّيطان و حسد ابن آدم.

چشم بد حق است شیطان و حسد بنی آدم آن را پدید می آورد.

۱۹۶۷ ألعینان تزنیان و الیدان تزنیان و الرّجلان تزنیان و الفرّج

یزنی.

چشمان زنا میکنند و دستان زنا میکنند و پاها زنا میکنند و عورت نیز زنا میکند.

حرف غ

۱۹۶۸ غریبتان: کلمه حکمه من سفیه فاقبلوها و کلمه سیئه من

حکیم فاغفروها.

دو چیز عجیب است: سخن حکمت آمیز از سفیه، آن را بپذیرید و سخن بد از خردمند، آنرا ببخشید.

۱۹۶۹ غسل الإناء و طهارة الفناء یورثان الغنى.

شستن ظرفها و پاکیزگی حیاط مایه غناست.

۱۹۷۰ غشیتکم سکر تان: سکره حبّ العیش و حبّ الجهل فعند

ذلک لا تأمرون بالمعروف و لا تنهون عن المنکر

دو مستی شما را خواهد گرفت مستی عیش دوستی و علاقه بنادانی در آن هنگام امر بمعروف و نهی از منکر نکنند.

۱۹۷۱ غطّ فخذک فإنّ فخذ الرجل عورة.

ران خویش بپوش که ران مرد عورت است.

۱۹۷۲ غفر الله عزّ و جلّ لرجل أَمَاط غصن شوک عن الطّريق ما
تقدّم من ذنبه و ما تأخّر.

مردی که شاخه تیغی از راه بردارد خدا گناهان کهنه و تازه او را
بیامرزد.

۱۹۷۳ غفر لامرأة مومسۀ مرّت بکلب علی رأس رکیّ یلهث کاد
یقتله العطش فنزعت خفّها فأوثقته بخمارها فنزعت له من الماء
فغفر لها بذلك.

زن روسبی ای آمرزیده شد که بر سگی گذشت که بر لب چاهی
از تشنگی نزدیک بمرگ بود، کفش خویش بکند و بسر پوش
خویش بست و برای سگ آب بر آورد، برای همین آمرزیده شد.

۱۹۷۴ غیروا الشّیب و لا تشبّوها بالیهود.
موی سپید را رنگ کنید و چون یهودان مشوید.

۱۹۷۵ أَلْغِدّ و الرّواح فی تعلیم العلم أفضل عند الله من الجهاد.

صبح و شب در کار تعلیم علم بسر بردن نزد خدا از جهاد بهتر است.

۱۹۷۶ أَلْغَرَبَاءُ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعَةٌ: قُرْآنٌ فِي جَوْفِ ظَالِمٍ، وَ مَسْجِدٌ فِي نَادِي قَوْمٍ لَا يَصَلُّونَ فِيهِ، وَ مَصْحَفٌ فِي بَيْتٍ لَا يَقْرَأُ فِيهِ، وَ رَجُلٌ صَالِحٌ مَعَ قَوْمٍ سَوَاءٍ.

غریبان جهان چهارند: قرآن در خاطر ستمگر، و مسجدی در ناحیه گروهی که در آن نماز نکنند، و مصحفی در خانه ای که نخوانند، و مرد پارسا با مردم بد.

۱۹۷۷ أَلْغَضِبْ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ الشَّيْطَانُ خَلَقَ مِنَ النَّارِ وَ الْمَاءُ يَطْفِئُ النَّارَ فَإِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَغْتَسِلْ.

خشم از شیطان است و شیطان از آتش است و آب آتش را خاموش میکند، وقتی یکیتان خشمگین شود غسل کند.

۱۹۷۸ أَلْغُلِّ وَ الْحَسَدُ يَأْكُلَانِ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.
کینه و حسد اعمال خوب را میخورد چنانکه آتش هیزم را

میخورد.

۱۹۷۹ أَلْغَنَاءُ يَنْبِت النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يَنْبِت الْمَاءُ الزَّرْعَ.

تغنی نفاق را در قلب میرویانند چنانکه آب زراعت را.

۱۹۸۰ أَلْغَنَى الْيَأْسَ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ مِنْ مَشَى مِنْكُمْ إِلَى طَمَعٍ

فلیمش رویدا.

کمال بی نیازی آنست که از آنچه در دست مردم است نومید
باشی و هر کس از شما براه طمعی میرود آهسته رود.

۱۹۸۱ أَلْغَنِمُ بَرَكَهً.

گوسفند مایه برکت است.

۱۹۸۲ أَلْغَيْهُ ذَكَرَكَ أَخَاكَ بَمَا يَكْرَهُ.

غیبت آنست که برادر خود را بچیزی که دوست ندارد یاد کنی

۱۹۸۳_ أَلْغِیرَةُ مِنَ الْإِیْمَانِ وَ الْمَذَاءُ مِنَ النِّفَاقِ.

غیرتمندی از ایمانست و بی بند و باری از نفاق.

حرف ف

۱۹۸۴_ فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ.

عامل خیر از خیر بهتر و عامل شر از شر بدتر است.

۱۹۸۵_ فَرَّغَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ مِنْ أَجَلِهِ وَ رِزْقِهِ وَ مَضْجَعِهِ

و شَقِیَّ أَوْ سَعِيدٍ.

خدای عز و جل مرگ و روزی و آرامگاه و بدبختی و نیکبختی
هر بنده ای را از پیش معین کرده است.

۱۹۸۶_ فَرَّغَ إِلَى ابْنِ آدَمَ مِنْ أَرْبَعِ الْأَخْلَاقِ وَ الْخَلْقِ وَ الرِّزْقِ وَ الْأَجْلِ.

چهار چیز آدمیزاد: صورت و سیرت و روزی و مرگ وی، از
پیش معین است.

۱۹۸۷ فرغ الله لكل عبد من عمله و أجله و مضجعه و رزقه لا
يتعدّاهنّ أبدا.

خدا عمل و اجل و آرامگاه و روزی هر بنده ای را از پیش معین
کرده و هرگز از آن تجاوز نخواهد کرد.

۱۹۸۸ فضل الشابّ العابد الّذی یعبد فی صباه علی الشّیخ الّذی یعبد
بعد ما کبرت سنّه کفضل المرسلین علی سایر النّاس.

فضیلت جوان عابد که از آغاز جوانی عبادت کند بر پیری که
وقتی سن بسیار یافت عبادت کند چون فضیلت پیغمبران بر سایر
مردمست.

۱۹۸۹ فضل العلم أفضل من فضل العبادة.
فضیلت علم بیشتر از فضیلت عبادت است.

۱۹۹۰ فضل العالم علی العابد کفضلی علی امتی.
فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت منست بر اتمم.

۱۹۹۱ فضل العالم علی العابد کفّضلی علی أدناکم إنّ الله عزّ و جلّ
و ملائکته و أهل السّموات و الأرضین حتّی النّملة فی جحرها و
حتّی الحوت لیصلوّن علی معلّم النّاس الخیر.
 فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت من بر پست ترین شماست،
 خدای عز و جل و فرشتگان او و اهل آسمانها و زمینها حتّی
 مورچه در سوراخ و حتّی ماهی کسی را که نیکی بمردم آموزد
 دعا میکنند .

۱۹۹۲ فضل العالم علی العابد کفضل القمر لیلة البدر علی سائر
الکواکب.
 فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت ماه دو هفته بر سایر
 ستارگانست.

۱۹۹۳ فضل العالم علی العابد سبعین درجة ما بین کلّ درجتین کما
بین السّماء و الأرض.
 فضیلت عالم بر عابد هفتاد درجه است که فاصله هر دو درجه
 چون فاصله زمین و آسمانست.

۱۹۹۴ فضل العالم علی غیره کفضل النبی علی أمتہ.

فضیلت عالم بر غیر عالم چون فضیلت پیغمبر بر امت اوست.

۱۹۹۵ فضوح الدّیّا أهون من فضوح الآخرة.

رسوایی دنیا آسانتر از رسوایی آخرت است.

۱۹۹۶ فقیه واحد أشدّ علی الشّیطان من ألف عابد.

تحمّل یک فقیه برای شیطان از هزار عابد سخت تر است.

۱۹۹۷ فکره ساعة خیر من عبادة ستین سنة.

ساعتی اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردنست.

۱۹۹۸ فی الجنّة ما لا عین رأّت و لا أذن سمعت و لا خطر علی

قلب بشر.

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه
بر خاطر کسی گذشته.

۱۹۹۹ فی السّواک ثمانیۃ خصال: یطیب الفم، و یشدّ اللّثۃ، و یجلو
 البصر، و ینذهب البلغم، و یفرّج الملائکۃ، و یرضی الرّبّ، و یزید
 فی الحسنات، و یصحّ المعدۃ.

در مسواک کردن هشت فائده هست: دهان را پاکیزه کرد، و لثه
 را محکم کند، و چشم را روشن کند، و بلغم ببرد، و فرشتگان را
 خوشحال کند، و پروردگار را خشنود کند، و اعمال خوب را
 بیفزاید، و معده را بصلاح آرد.

۲۰۰۰ أَلْفَا جَر الرَّاجِی لِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَقْرَبَ مِنْهَا مِنَ الْعَابِدِ
 الْمُقْنَطِ.

بد کاری که برحمت خدای والا امید دارد از عابد مأیوس، بخدا
 نزدیکتر است.

۲۰۰۱ أَلْفَقْر أَمَانَةٌ فَمَنْ كَتَمَهَا كَانَ عِبَادَةً.

فقر امانتی است و هر که آن را پوشیده دارد عبادتی باشد.

۲۰۰۲ أَلْفَر شين عند النَّاس و زين عند الله يوم القيامة.

فقر پیش مردم زبونی است و روز قیامت پیش خدا زینتست.

حرف ق

۲۰۰۳ قاربوا و سدّوا ففی كلّ ما یصاب به المسلم كفّارهُ حتّی

النّکبة ینکبها و الشّوکه یشاکها.

دوستی کنید و بصلاح آئید مسلمان هر چه بیند کفاره اوست حتی مصیبتی که بدو رسد و خاری که در پایش خلد.

۲۰۰۴ قاضیان فی النار و قاض فی الجنّة: قاض عرف الحقّ فقضى

به فهو فی الجنّة، و قاض عرف الحقّ فجار متعمّداً أو قضی بغير علم

فهما فی النار.

دو قاضی در جهنم و قاضی ای در بهشتست: قاضی ای که حق را

بشناسد و بدان حکم کند در بهشتست، و قاضی ای که حق را

بشناسد و دانسته منحرف شود، یا ندانسته قضاوت کند هر دو در

جهنمند .

۲۰۰۵ قال الله تعالى: من لم يرض بقضائي و لم يصبر على بلائي
فليتمس ربّا سوى.

خدای والا فرماید: هر که بقضای من رضا ندهد و بر بلای من صبر نکند خدائی جز من جوید .

۲۰۰۶ قال الله تعالى: إذا همّ عبدی بحسنه و لم يعملها كتبها له
حسنه فإن عملها كتبها له عشر حسنات إلى سبعمائه ضعف و إذا
همّ بسيئه و لم يعملها لم أكتبها عليه فإن عملها كتبها عليه سيئه
واحدة.

خدای والا فرماید: وقتی بنده من کار نیکی اراده کند و نکند آن را یک کار نیک برای وی ثبت کنم و اگر بکند ده کار نیک تا هفتصد برابر ثبت کنم و وقتی کار بدی اراده کند و نکند بر عهده او ثبت نکنم و اگر بکند یک کار بد بر عهده او ثبت کنم.

۲۰۰۷ قال الله تعالى، يؤذيني ابن آدم يسبّ الدهر و أنا الدهر
بيدي الأمر أقلب الليل و النهار.

خدای والا فرماید فرزندی مرا آزار میکند که بروزگار ناسزا میگوید، روزگار منم و کارها بدست منست و شب و روز را تغییر میدهم.

۲۰۰۸ قال الله تعالى: و من أظلم ممّن ذهب يخلق خلقا

كخلقى؟ فليخلقوا حبةً أو ليخلقوا ذرةً أو ليخلقوا شعيرةً.

خدای والا فرماید ستمگرتر از آنکه خواهد مخلوقی چون مخلوق من بسازد کیست؟ اگر توانند دانه ای بسازند یا مورچه ای یا دانه جوی بسازند.

۲۰۰۹ قال الله تعالى: إذا تقرّب إلىّ العبد شبرا تقرّب إليه ذراعا و

إذا تقرّب إلىّ ذراعا تقرّب منه باعا و إذا أتانى مشيا أتيته هرولةً.

خدای والا فرماید وقتی بنده یک وجب بمن نزدیک شود ذراعی بدو نزدیک شوم و چون ذراعی بمن نزدیک شود بیش از دو ذراع باو نزدیک شوم و اگر ملایم بسوی من آید بشتاب بسوی او شوم.

۲۰۱۰ قال الله تعالى: أنا أغنى الشّركاء عن الشّرك و من عمل

عملاً أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرْكَةً وَ شَرْكَه.

خدای والا فرماید من از همه شریکان از شریک بی نیازترم و هر که غیر مرا با من در عبادت خود شریک کند وی را با شرکش رها کنم.

۲۰۱۱ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الْكَبْرِيَاءُ رِدَائِي فَمَنْ نَازَعَنِي رِدَائِي قَصَمْتُهُ.

خدای والا فرماید کبریا ردای من است و هر که مدعی ردای من شود درهمش شکنم.

۲۰۱۲ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَحَبُّ مَا تَعْبُدُنِي بِهِ عَبْدِي النَّصْحَ لِي.

خدای والا فرماید محبوبترین عبادتی که بنده برای من تواند کرد خلوص است.

۲۰۱۳ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِذَا وَجَّهْتَ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي مَصِيفًا فِي

بَدَنِهِ أَوْ فِي وَلَدِهِ أَوْ فِي مَالِهِ فَاسْتَقْبِلْهُ بِصَبْرٍ جَمِيلٍ اسْتِحْيَتْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ أَنْ أُنْصَبَ لَهُ مِيزَانًا أَوْ أَنْشَرَ لَهُ دِيْوَانًا.

خدای والا فرماید وقتی مصیبت تن یا فرزند یا مال، متوجه یکی از
بندگان خویش کنم و او با صبر نیکو مصیبت را استقبال کند روز
قیامت شرم دارم که میزانی برای او نصب کنم یا دفتری برای او
پهن کنم.

۲۰۱۴ قال الله تعالى أنا عند ظنّ عبدی بی إن ظنّ خیراً فله و إن
ظنّ شراً فله.

خدای والا فرماید من با گمان بنده ام که بمن دارد قرینم. اگر
نیکو گمان کند نیکی یابد و اگر بد گمان برد بد بیند.

۲۰۱۵ قال الله تعالى من علم أنّی ذو قدره علی مغفرة الذّنوب
غفرت له و لا أبالی ما لم یشرك لی شیئاً.

خدای والا فرماید هر که یقین دارد که من قدرت آمرزش گناهان
دارم بیامرزش و مادام که چیزی را با من شریک نیارد مهم
نیست.

۲۰۱۶ قال الله تعالى أنا أکرم و أعظم عفوا من أن أستر علی عبد

مسلم فی الدّیّیا ثمّ أفضحه بعد إذ سترته و لا أزال أغفر لعبدی ما

استغفرنی

خدای والا فرماید عفو من گرامیتر و بزرگتر از آنست که در دنیا
کار بنده مسلمانی را مستور دارم آنگاه از پس مستور داشتنش او
را رسوا کنم، و مادام که بنده ام از من آمرزش خواهد او را
خواهم آمرزید.

۲۰۱۷ قال الله تعالى: و عزّتی و جلالی لا أجمع لعبدی أمانین و لا

خوفین ان هو أمانی فی الدّیّیا أخفته یوم أجمع عبادی و إن هو

خافنی فی الدّیّیا أمنتہ یوم أجمع عبادی.

خدای والا فرماید بعزت و جلالم قسم که یک بنده را دو امنیت و
دو ترس با هم ندهم اگر در دنیا از من ایمن است در روزی که
بندگانم را فراهم کنم او را بترسانم و اگر در دنیا از من بترسد
روزی که بندگانم را فراهم کنم ایمنش کنم.

۲۰۱۸ قال الله تعالى یا ابن آدم ثلاثة: واحدة لی و واحدة لك و

واحدة بینی و بینک فأما الّتی لی فتعبدنی لا تشرک بی شیئا، و أمّا

الَّتِي لَكَ فَمَا عَمِلْتَ مِنْ عَمَلٍ جَزِيئَةٍ بِهِ فَإِنْ أَغْفِرَ فَأَنَا الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ وَأَمَّا الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَعَلَيْكَ الدَّعَاءُ وَالْمَسْأَلَةُ وَ عَلَى
الِاسْتِجَابَةِ وَالْعَطَاءِ.

خدای والا فرماید ای فرزند آدم سه چیز هست یکی خاص من،
 یکی خاص تو، و یکی میان من و تو. اما آنکه خاص من است
 آنکه مرا پرستی و چیزی را با من انباز نکنی اما آنچه خاص تو
 است هر چه عمل کنی سزای تو دهم و اگر بیامرزم من آمرزگار
 رحیمم اما آنچه میان من و تو است از تو دعا کردن و خواستن و
 از من اجابت و عطا کردن.

۲۰۱۹ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ لَا يَدْعُونِي أَغْضَبُ عَلَيْهِ.

خدای والا فرماید هر که مرا نخواهد بر او خشمگین شوم.

۲۰۲۰ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ تَوْتِي كُلَّ يَوْمٍ بَرَزَقَكَ وَأَنْتَ

تَحْزَنُ وَ يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ عَمْرِكَ وَأَنْتَ تَفْرَحُ أَنْتَ فِيمَا يَكْفِيكَ
و تَطْلُبُ مَا يَطْغِيكَ لَا بِقَلِيلٍ تَقْنَعُ وَ لَا مِنْ كَثِيرٍ تَشْبَعُ.

خدای والا فرماید ای پسر آدم هر روز روزی تو دهند و غمگین باشی و هر روز از عمر تو کاسته شود و شادمانی کنی، آنچه ترا کفایت کند داری و آنچه ترا بطغیان کشاند میطلبی نه بکم قانع شوی و نه با بسیار سیر.

۲۰۲۱ قال داود یا زارع السَّيِّئَاتِ أَنْتَ تَحْصِدُ شَوْكَهَا.

داود فرمود ای که بدی کاشته ای خاران را درو خواهی کرد.

۲۰۲۲ قَتَالَ الْمُسْلِمَ كُفْرًا وَ سَبَابَهُ فَسُوقًا وَ لَا تَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

جنگ با مسلمان کفر است و ناسزا گفتنش گناه است و روا نیست که مسلمانی بیش از سه روز با برادر خود قهر کند.

۲۰۲۳ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَخْلَصَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ جَعَلَ قَلْبَهُ سَلِيمًا وَ لِسَانَهُ صَادِقًا وَ نَفْسَهُ مَطْمَئِنَّةً وَ خَلِيقَتَهُ مُسْتَقِيمَةً وَ أُذُنَهُ مُسْتَمْعَةً وَ عَيْنَهُ نَازِرَةً.

هر که ایمان قلبش خالص باشد و قلب خویش سالم و زبان خویش

راستگو و جان خویش آرام و خوی خویش مستقیم و گوش
خویش شنوا و چشم خویش نگران کند. رستگار شود

۲۰۲۴_ قد أفلح من رزق لبّا.

هر که را خرد داده اند رستگاری یافته است.

۲۰۲۵ قرض الشّیء خیر من صدقته.

چیزی را بقرض بدهی بهتر از آنست که بصدقه بدهی.

۲۰۲۶ قرض مرتّین خیر من صدقه مرّة.

دوبار قرض دادن بهتر از یکبار صدقه دادن است.

۲۰۲۷ قسم من الله تعالى لا یدخل الجنّة بخیل.

قسم خداست که بخیلی وارد بهشت نمی شود.

۲۰۲۸ قل اللهمّ اجعل سریرتی خیرا من علانیتی و اجعل علانیتی

صالحه اللهمّ انّی أسألك من صالح ما تؤتی الناس من المال و الأهل

و الولد غير الضالّ و لا المضلّ.

بگو خدایا نهان مرا از عیانم بهتر کن و عیانم را شایسته کن، خدایا از آنچه بمردم عنایت میکنی از مال و زن و فرزند از نوع شایسته آن که نه گمراه باشد و نه گمراه کن از تو میخواهم.

۲۰۲۹ قل اللهمّ إني أسألك نفسا مطمئنّة تؤمن بلقائك و ترضى

بقضائك و تقنع بعطائك.

بگو خدایا جان مطمئنی از تو میخواهم که بمعاد ایمان داشته باشد و بقضای تو رضا دهد و بعطای تو قناعت کند.

۲۰۳۰ قلب الشیخ شابّ علی حبّ اثنتين: حبّ العیش و المال.

دل پیر بر محبت دو چیز جوان است حب حیات و مال.

۲۰۳۱ قلب شاکر و لسان ذاکر و زوجة صالحة تعینک علی أمر

دنیاک و دینک خیر ما اکتنز الناس .

دلی شکرگزار و زبانی ذکرگوی و زنی پارسا که ترا در کار دنیا و دینت اعانت کند بهترین چیزی است که مردم ذخیره کنند.

۲۰۳۲ قلب ليس فيه شيء من الحكمة كبيت خرب فتعلموا و علموا
و تفقهوا و لا تموتوا جهّالا فإنّ الله لا يعذر على الجهل.

دلی که نشانی از خرد در آن نباشد چون خانه خراب است پس
تعلیم گیرید و تعلیم دهید و فقه آموزید و بر جهل نمیرید که خدا
از جهل نمیگذرد.

۲۰۳۳ قليل الفقه خير من كثير العبادة و كفى بالمرء فقها إذا عبد
الله و كفى بالمرء جهلا إذا أعجب برأيه و إنّما الناس رجالان مؤمن
و جاهل فلا تؤذ المؤمن و لا تجاوز الجاهل .

اندکی دانش بهتر از عبادت بسیار دانش مرد همین بس که خدا را
پرستد و نادانی مرد همین بس که دلبسته رای خویش باشد، مردم
دو گونه اند مؤمن و جاهل، مؤمن را میازار و بر جاهل تعدی
مکن.

۲۰۳۴ قليل التوفيق خير من كثير العقل و العقل في أمر الدنيا
مضرّة و العقل في أمر الدين مسرّة.

اندکی توفیق به از عقل بسیار، عقل در کار دنیا مایه خسارت است
و در کار دین مایه مسرف .

۲۰۳۵ قلیل العمل ینفع مع العلم و کثیر العمل لا ینفع مع الجهل.
عمل اندک با علم سودمند افتد و عمل بسیار با جهل سود ندهد.

۲۰۳۶ قلیل تؤدی شکره خیر من کثیر لا تطیقه.
اندکی که شکر آن توان گزاشت بهتر از بسیاری که تاب آن
نتوانی داشت.

۲۰۳۷ قلّة العیال أحد الیسارین.
نانخور کم داشتن یکی از طرق توانگر بودن است.

۲۰۳۸ قل الحقّ و إن کان مرّاً.
حق را بگو و گرچه تلخ باشد.

۲۰۳۹ قولوا خیرا تغنموا و اسکتوا عن شرّ تسلّموا.

خیری گوئید تا بهره برید و از شر خاموش مانید تا سلامت روید.

۲۰۴۰ قوام المرء عقله و لا دین لمن لا عقل له.

اعتبار مرد بعقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد.

۲۰۴۱ قوا بأموالکم عن أعراضکم.

آبرویتان را بوسیله اموالتان حفظ کنید

۲۰۴۲ قیدوا العلم بالکتاب.

علم را بنوشتن در بند کنید.

۲۰۴۳ قیدها و توکل.

شتر ببند و توکل کن.

۲۰۴۴ ألقبر أول منزل من منازل الآخرة.

قبر نخستین منزل از منزلهای آخرت است.

۲۰۴۵ القرآن هو الدّواء.

قرآن دواست.

۲۰۴۶ القرآن غنی لا فقر بعده و لا غنی دونه.

قرآن غنائست که پس از آن فقری نیست و غنائی جز آن نیست.

۲۰۴۷ أَلْقَبَ مَلِكٌ وَ لَهُ جُنُودٌ فَإِذَا صَلَحَ الْمَلِكُ صَلَحَتِ جُنُودُهُ وَ

إِذَا فَسَدَ الْمَلِكُ فَسَدَتِ جُنُودُهُ.

دل پادشاهی است که سپاهیان دارد و چون شاه بصلاح آید
سپاهیان بصلاح گرایند و چون شاه فاسد شود سپاهیان فاسد
شوند.

۲۰۴۸ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ.

قناعت مالی است که تمام نمیشود.

حرف ک

۲۰۴۹ کاتم العلم یلعه کلّ شیء حتّی الحوت فی البحر و الطّیر

فی السّماء.

همه چیز حتّی ماهی دریا و مرغ هوا نهان کننده علم را لعنت کنند.

۲۰۵۰ کاد الحلیم أن یكون نبیّا.

نزدیک بود که شخص بردبار پیمبر شود.

۲۰۵۱ کاد الفقر أن یكون کفرا.

بیم آنست که فقر بکفر انجامد.

۲۰۵۲ کاد الحسد أن یغلب القدر.

بیم آنست که چشم زخم بر تقدیر غالب شود.

۲۰۵۳ کأنّ الحقّ فیها علی غیرنا و جب و کأنّ الموت فیها علی

غیرنا کتب و کأنّ الدّین یشیع من الأموات سفر عمّا قلیل إلینا

عائدون نبوء أجدائهم و نأکل تراثهم کأنا مخلّدون بعدهم قد نسینا

کلّ واعظۀ و أمنا کلّ جائحۀ.

گوئی در این دنیا حق بر غیر ما واجب است و گوئی در این دنیا
مرگ بر غیر ما مقرر است و گوئی آن مردگان که مشایعتشان
کنند مسافرانند که بزودی بسوی ما باز می گردند تنشان را در
گور میکنیم و میراثشان را میخوریم گوئی ما پس از آنها جاودانیم
هر اندرزی را فراموش کرده ایم و از هر حادثه‌ای در امانیم.

۲۰۵۴ کان رجل یداین الناس فکان یقول لفتاه إذا أتیت معسرا
فتجاوز عنه لعلّ الله أن يتجاوز عنا فلقى الله فتجاوز عنه.

مردی بود که با مردم معامله داشت و بخدمتگزار خود میگفت
چون بتنگدستی برخوردی از او در گذر شاید خدا از ما در گذرد
سپس پیشگاه خدا رفت و خدا از او در گذشت.

۲۰۵۵ کان علی الطریق غصن شجرة يؤذی الناس فأماطها رجل
فادخل الجنة.

شاخه درختی در راه بود که مردم را آزار می داد مردی آن را
دور کرد و بهشتش بردند.

۲۰۵۶ کبر مقتا عند الله الأكل من غير جوع و النوم من غير سهر

و الضحك من غير عجب

خوردن بی گرسنگی و خواب بدون خستگی و خنده بی شگفت
نزد خدا بسختی منفور است.

۲۰۵۷ کبرت خیانه أن تحدث أخاك حديثا هو لك به مصدق و

أنت له كاذب.

خیانتی بزرگ است که برادر خویش سخنی گوئی که راستگویت
شمارد و تو دروغگو باشی.

۲۰۵۸ كتب الله تعالى مقادير الخلاق قبل أن يخلق السموات و

الأرض بخمسين ألف سنة و عرشه على الماء.

خدای والا تقدیر خلاق را پنجاه هزار سال پیش از آنکه آسمانها و
زمین را بیافریند ثبت کرد و عرش وی بر آب بود.

۲۰۵۹ كتب على ابن آدم نصيبه من الزنا مدرک ذلك لا محالة:

فالعینان زناهما النظر، و الاذانان زناهما الإستماع، و اللسان زناه

الكلام، و الید زناها البطش، و الرّجل زناها الخطا، و القلب یهوی و
یتمنّی و یصدق ذلك الفرج أو یكذبه.

بر فرزند آدم سهم وی از زنا مقرر است که ناچار مرتکب بشود
زنای چشمان نگاه است و زنای گوشها سماع است و زنای زبان
سخن است و زنای دست تعدی است و زنای پاها رفتن است، قلب
هوس کند و آرزو کند و عورت عمل کند یا نکند.

۲۰۶۰ كثرة الضحك تميت القلب.

خنده بسیار دل را بمیراند.

۲۰۶۱ كرم المرء دینه و مروّته عقله و حسبه خلقه.

کرامت مرد بدین اوست و مروت وی بعقل اوست و شرف وی
باخلاق اوست.

۲۰۶۲ كرم الكتاب ختمه.

اعتبار نامه بمهر است.

۲۰۶۳ کفی بالدّهر واعظا و بالموت مفرّقا.

چه آموزگار یست روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ.

۲۰۶۴ کفی بالمرء إثمًا أن يضيع من يقوت.

گناهکاری مرد همین بسکه عیال خویش را بی تکلیف گذارد.

۲۰۶۵ کفی بالمرء علما أن يخشى الله و کفی بالمرء جهلا أن

يعجب بنفسه.

در علم مرد همین بس که از خدا ترسد و جهل مرد همین بس که مفتون خویش باشد.

۲۰۶۶ کفی بالمرء فقها إذا عبد الله و کفی بالمرء جهلا إذا أعجب

برأيه.

دانش مرد همین بس که خدا را پرستد و نادانی مرد همین بس که دل بسته رأی خویش باشد.

۲۰۶۷ کفی بالمرء كذبا أن يحدث لكل ما سمع.

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید.

۲۰۶۸ کفی بالمرء شراً أن یشار إلیه بالأصابع.

بدی مرد همین بس که انگشت نما باشد.

۲۰۶۹ کفی بالمرء من الکذب أن یحدث بکلّ ما سمع و کفی

بالمرء من الشّحّ أن یقول آخذ حقّی لا أترک منه شیئاً.

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید و بخل مرد
همین بس که گوید حق خویش را میگیرم و از چیزی نمیگذرم.

۲۰۷۰ کفی بالموت واعظا و کفی بالیقین غنی.

چه پند آموزیست مرگ و چه غنائیست ایمان.

۲۰۷۱ کفی بالموت مزهدا فی الدّیّا و مرغبا فی الآخرة.

چه وسیله ای است مرگ برای بی رغبتی بدنی و رغبت بآخرت.

۲۰۷۲ کفی بالمرء سعادة أن یوثق به فی أمر دینه و دنیا.

خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیايش بر او اعتماد کنند.

۲۰۷۳ کفی بالمرء إثمًا أن يحدث بكلّ ما يسمع.

گناه مرد همین بس که هر چه میشنود بگوید.

۲۰۷۴ کفی إثمًا أن تحبس عمّن تملك قوته.

همین گناه بس که غذا از بنده خویش منع کنی.

۲۰۷۵ کفی بک إثمًا أن لا تزال مخاصما.

همین گناه ترا بس که پیوسته در حال مخاصمه باشی.

۲۰۷۶ کفی بالمرء نصرا أن ينظر إلى عدوّه في معاصي الله.

برای فیروزی مرد همین بس که دشمن خویش را در معاصی خدا ببیند.

۲۰۷۷ کفی بالرجل إثمًا أن يكون بذیّا فاحشا بخيلا.

گناه مرد همین بس که بد زبان و بد کار و بخیل باشد.

۲۰۷۸ کفی بالمرء إثمًا أن يشار إليه بالأصابع إن كان خيرا فهي

مزلّة إلا من رحم الله تعالى و إن كان شرّاً فهو شرّ.

برای مرد همین گناه بس که انگشت نما باشد اگر بخیر باشد لغزش است مگر آنکه خدایش رحم کند و اگر بشر باشد که شریست.

۲۰۷۹ كفارة الذنب الندامة و لو لم تذبوا لأتى الله بقوم يذبون

ليغفر لهم.

کفاره گناه پشیمانی است اگر شما گناه نمیکردید خدا مردمی پدید می آورد که گناه کنند تا بیامرزدشان.

۲۰۸۰ كفارة من إغبت أن تستغفر له.

کفاره کسیکه عیب وی کرده ای اینست که برای او آمرزش بخواهی.

۲۰۸۱ كفّ شرک عن الناس فإنها صدقة منك على نفسك.

شر خویش را از مردم کوتاه کن که این صدقه ایست که
بخوشتن می دهی.

۲۰۸۲ کلام ابن آدم کله علیه لا له إلاّ أمرًا بمعروف أو نهيا عن
منکر أو ذکر الله تعالى .

گفتار فرزند آدم بضرر اوست نه بنفع او مگر امر بمعروفی یا نهی
از منکری یا ذکر خدای والا.

۲۰۸۳ کلمة الحکمة ضالّة کلّ حکیم
گفتار حکمت آمیز گمشده هر خردمند است.

۲۰۸۴ کلّ صاحب علم غرّ ثانی إلى علم.
هر دانشمندی گرسنه علم دیگر است.

۲۰۸۵ کلّ شیء بقدر حتّى العجز و الکیس.
هر چیزی مقرر است حتی ناتوانی و هوش.

۲۰۸۶ کلّ بنی آدم خطاء و الخطائین التّواین.

خیر همه فرزندان آدم خطا کارند و بهترین خطا کاران توبه
گرانند.

۲۰۸۷ کلّ خلّة يطبع عليها المؤمن إلاّ الخيانة و الكذب.

مؤمن هر صفتی تواند داشت مگر خیانت و دروغ.

۲۰۸۸ کلّ ذنب عسى الله أن يغفره إلاّ من مات مشرکاً أو قتل

مؤمناً متعمّداً.

هر گناهی را شاید خدا ببخشد مگر کسی که مشرک مرده یا
مؤمنی را بعمد کشته باشد.

۲۰۸۹ کلّ ذی مال أحقّ بما له یصنع به ما یشاء.

هر صاحب مالی بمال خویش شایسته تر است که با آن هر چه
خواهد کند.

۲۰۹۰ کلّ شیء ینقص إلاّ الشرّ فإنّه یزداد فیه.

هر چیزی کاسته شود بجز شر که فزونی گیرد.

۲۰۹۱ کلّ شیء فضل عن ظلّ بیت و جلف الخبز و ثوب یواری

عوره الرجل و الماء لم یکن لابن آدم فیہ حقّ.

آدمی زاد بیشتر از سایه خانه ای و خشک نانی و جامه ای که عورت
مرد بپوشاند و آب حق ندارد .

۲۰۹۲ کلّ شیء ساء المؤمن فهو مصیبه.

هر چه مؤمن را از آن بد آید مصیبت است.

۲۰۹۳ کلّ عین زانیه و المرأة إذا استعطرت فمرت بالمجلس فهي

زانیه.

هر چشمی زناکار است و زن وقتی خشبو شود و بر انجمنی بگذرد
زناکار است.

۲۰۹۴ کلّ قرض صدقه.

هر قرضی صدقه است.

۲۰۹۵ کلّ امریء حسیب نفسه.

هر کس حسابگر خویشتنست.

۲۰۹۶ کلّ مشکل حرام و لیس فی الدّین مشکل.

هر عمل مشکلی حرامست و در دین مشکل نیست.

۲۰۹۷ کلّ ما هوآت قریب.

هر چه آمد نیست نزدیک است.

۲۰۹۸ کلّ المسلم علی المسلم حرام: دمه و عرضه و ماله.

همه چیز مسلمان خون و آبرو و مال او بر مسلمان حرام است.

۲۰۹۹ کلّکم راع و کلّکم مسئول عن رعیتہ.

همه شما رعایت گرید و همتان در باره رعیت خویش مسئولید.

۲۱۰۰ کلّ الذّنوب يؤخّر الله تعالى ما شاء منها إلى يوم القيامة إلاّ

عقوق الوالدين فإنّ الله يعجله لصاحبه فی الحیاء الدّنیا قبل الممات.

خدای والا، از همه گناهان هر چه را خواهد تا روز رستاخیز مؤخر دارد مگر نارضائی پدر و مادر که خدا سزای آن را در زندگی دنیا پیش از مرگ دهد.

۲۱۰۱ کلّ الکذب یکتب علی ابن آدم إلا ثلاث: الرّجل یکذب فی الحرب فإنّ الحرب خدعة، و الرّجل یکذب المرأة فیرضیها، و الرّجل یکذب بین اثنین لیصلح بینهما.

همه دروغها بر فرزند آدم ثبت شود مگر سه دروغ مرد در جنگ دروغ گوید که جنگ خدعه کردن است و مرد بزن دروغ گوید که او را خشنود کند و مرد با دو کس دروغ گوید که میانشان اصلاح دهد.

۲۱۰۲ کلّ المسلم علی المسلم حرام: ماله و عرضه و دمه، حسب امریء من الشرّ أن یحقّر أخاه المسلم.

همه چیز مسلمان، از مال و آبرو و خونس بر مسلمان حرامست، برای مرد همین شربس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.

۲۱۰۳ کلّ أمتی معافی إلاّ المجاهرین و إنّ من الجهار أن يعمل
 الرجل باللیل عملاً ثمّ یصبح و قد ستره الله تعالى فیقول عملت
 البارحة کذا و کذا و قد بات یستره ربّه و یصبح یکشف ستر الله
 عنه.

همه امت من بخشوده اند مگر تظاهر کنان (بفسق) ، از جمله تظاهر
 اینست که مرد بشب عملی کند و بصبح، با آنکه خدا عمل او را
 مستور داشته گوید شب گذشته چنان و چنان کردم، پروردگارش
 بشب مستورش داشته و بروز پرده خدا را از خویش برمی دارد .

۲۱۰۴ کلّ علم و بال یوم القيامة إلاّ من عمل به.
 همه علمها روز قیامت و بال است مگر علمی که بدان عمل کنند.

۲۱۰۵ کلّ بنی آدم حسود و لا یضرّ حاسدا حسده ما لم یتکلم
 باللسان أو یعمل بالید.

همه فرزندان آدم حسودند و حسد حسود مادام که بزبان از آن
 سخن نگوید و بدست عملی نکند زیانش نمی زند.

۲۱۰۶ کلّ قرض جرّ ضعفه فهو ربا.

هر قرضی که دو برابر خویش آرد ربا است.

۲۱۰۷ کلّ موز فی النار.

هر آزارگری در جهنم است.

۲۱۰۸ کلّ معروف صنعته إلى غنی أو فقیر فهي صدقة.

هر کار خیر که درباره ثروتمند یا فقیری کنی، صدقه است.

۲۱۰۹ کلّ معروف صدقة و ما أنفق المسلم من نفقة على نفسه و

أهله كتب له بها صدقة و ما وقى به المرء المسلم عرضه كتب له به

صدقة.

هر کار نیکی صدقه است و هر چه مسلمان بر خویش و کسان
خویش خرج کند در قبال آن برای او صدقه ای نویسند و هر چه
مسلمان بوسیله آن آبروی خویش محفوظ دارد در قبال آن برایش
صدقه ای نویسند.

۲۱۱۰ کلّ نعيم زائل إلاّ نعيم أهل الجنّة و كلّ هم منقطع إلاّ همّ أهل
النّار.

هر نعمتی زایل شد نیست مگر نعمت بهشتیان و هر غمی قطع
شدنیست مگر غم جهنمیان.

۲۱۱۱ کلّ نفس تحشر على هواها، فمن هوى الكفره فهو مع
الكفره و لا ينفعه عمله شيئاً.

هر کسی را با دلبستگی محشور کنند، هر که بکافران دلبسته
باشد با کافران است و عملش سودش ندهد.

۲۱۱۲ کلّ ذی نعمه محسود إلاّ صاحب التّواضع.
هر که نعمتی دارد بمعرض حسد است مگر آنکه تواضع دارد.

۲۱۱۳ کلّ نفس من بنی آدم سیّد فالرّجل سیّد أهله، و المرأة سیّدۀ
بیتها.

هر یک از فرزندان آدم فرمان روائست مرد فرمانروای کسان
خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است.

۲۱۱۴ کَلِّمَا طَالَ عَمْرُ الْمُسْلِمِ كَانَ لَهُ خَيْرٌ.

عمر مسلمان هر چه دراز شود خیر اوست.

۲۱۱۵ کَلُوا الزَّيْتِ وَ أَذْهِنُوا بِهِ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ.

زیتون خورید و با آن روغن کاری کنید که از درخت مبارک است.

۲۱۱۶ کَلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا فَإِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ وَ

طَعَامَ الْاِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَ الْاَرْبَعَةَ کَلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا فَإِنَّ

الْبِرْكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که غذای یکی برای دو تن کافی است و غذای دو تن برای سه تن و چهار تن کافی است، با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که برکت قرین جماعت است .

۲۱۱۷ کَلُوا وَ اشْرَبُوا وَ تَصَدَّقُوا وَ اَلْبَسُوا فِیْ غَیْرِ اِسْرَافٍ وَ لَا

مَخِيلَةٍ.

بخورید و بنوشید و صدقه دهید و پوشید بی اسراف و تکبر.

۲۱۱۸ کما تکنونوا یولی علیکم.

چنانکه هستید بر شما حکومت کنند.

۲۱۱۹ کما لا یجتنی من الشوک العنب کذلک لا ینزل الفجار

منازل الأبرار فاسلکوا أیّ طریق شئتم فأیّ طریق سلکتم وردتم علی
أهله.

چنانکه از خار انگور نتوان چید بد کاران نیز بمقامات نکو کاران
در نیایند بهر راه که خواهید روید که از هر راه روید بر اهل آن
وارد میشوند

۲۱۲۰ کم من مستقبل یوما لا یتکمله و منتظر غذا لا یبلغ.

بسا کسا به روزی برسد که آن را بسر نبرد و انتظار فردائی برد که
بدان نرسد.

۲۱۲۱ کم من عاقل و هو حقیر عند الناس ذمیم المنظر ینجو غذا و

کم من ظریف اللسان جميل المنظر عظیم الشأن هالک غذا فی
القیامة.

بسا عاقل که پیش مردم حقیر است و منظری زشت دارد و فردا
نجات یابد و بسا خوش زبان زیبا منظر بزرگ شأن که فردا در
قیامت هلاک شدنیست.

۲۱۲۲ کن فی الدنیا کأنک غریب أو عابر سبیل وعد نفسک من
أصحاب القبور.

در دنیا چنان باش که گوئی غریبی یا رهگذر و خویشتن را از اهل
قبور شمار.

۲۱۲۳ کن ورعا تکن أعبد الناس و کن قنعا تکن أشکر الناس و
أحب للناس ما تحب لنفسک تکن مؤمنا و أحسن مجاورة من
جاورک تکن مسلما و أقل الضحک فإن كثرة الضحک تمیت
القلب .

پرهیزکار باش تا عابدتر از همه باشی، قانع باش تا شکرگزارتر از
همه باشی، هر چه برای خویش خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن

باشی و با مجاوران خویش نیکو مجاورت کن تا مسلمان باشی و
خنده کمتر کن که خنده بسیار دل را بمیراند.

۲۱۲۴ کونوا فی الدّٰتیا أضيافا، و اتّخذوا المساجد بیوتا، عودوا
قلوبکم الرّقّة و أكثروا التّفکر و البکاء و لا تختلفنّ بکم الأهواء
تبنون ما لا تسکنون و تجمعون ما لا تأکلون و تأملون ما لا
تدرکون.

در دنیا چون میهمانان باشید و مسجدها را خانه کنید دلها را برقت
عادت دهید و اندیشه و گریه بسیار کنید و هوسها شما را از راه
نبرد بناها می سازید که در آن ساکن نمیشوید و چیزها فراهم
میکنید که نمیخورید و امیدها دارید که بدان نمیرسید.

۲۱۲۵ کیف یقدّس الله أمّة لا یؤخذ من شدیدهم لضعیفهم؟
خداوند مردمی را که حق ضعیفان را از نیرومندشان نگیرند
چگونه تقدیس کند.

۲۱۲۶ أَلکاسب من یده خلیل الله.

کسی که بدست خویش کسب کند دوست خداست.

۲۱۲۷ أَلْكَبَرُ مِنْ بَطَرِ الْحَقِّ وَ غَمَطِ النَّاسِ.

تکبر نتیجه بی اعتنائی به حق و تحقیر مردم است.

۲۱۲۸ أَلْكَذِبُ كُلُّهُ إِثْمٌ إِلَّا مَا نَفَعَ بِهِ مُسْلِمٌ.

دروغ همه اش گناه است مگر دروغی که مسلمانی را سود دهد.

۲۱۲۹ أَلْكَذِبُ يَسْوَدُّ الْوَجْهَ وَ النَّمِيمَةُ عَذَابُ الْقَبْرِ.

دروغ مایه روسیاهی است و سخن چینی موجب عذاب قبر است.

۲۱۳۰ أَلْكَرَمُ التَّقْوَى، وَ الشَّرَفُ التَّوَاضُعِ وَ الْيَقِينُ الْغَنَى.

کرامت پرهیزکاری است و شرف بتواضع و بی نیازی یقین.

۲۱۳۱ أَلْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا.

سخن حکمت آمیز گمشده مؤمن است و هر کجا بیابدش بدان
شایسته تر است.

۲۱۳۲ أَلْكَلْمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ.

سخن نیکو صدقه است.

حرف ل

۲۱۳۳ لِلَّهِ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ أَحَدِكُمْ إِذَا وَجَدَ بَعِيرَهُ قَدْ

أَضَلَّهُ بِأَرْضِ فَلَاةٍ.

خداوند از توبه بنده خویش، بیشتر از آن خرسند میشود که یکی از شما شتری را که در بیابانی گم کرده است بیابد.

۲۱۳۴ لِلَّهِ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنَ الْعَقِيمِ الْوَالِدِ، وَ مِنَ الضَّالِّ الْوَاجِدِ، وَ

مِنَ الظَّمَانِ الْوَارِدِ .

خداوند از توبه بنده خویش بیش از عقیمی که بزاید و گم کرده‌ای که بیابد و تشنه‌ای بآب درآید خرسند است.

۲۱۳۵ لِلَّهِ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ التَّائِبِ مِنَ الظَّمَانِ الْوَارِدِ، وَ مِنَ الْعَقِيمِ الْوَالِدِ،

و من الضّالّ الّوارجد فمن تاب إلى الله توبه نصوحا أنسى الله حافظیه و جوارحه و بقاع الأرض کلّها خطایاه و ذنوبه.

خداوند از توبه توبه گذار بیشتر از تشنه‌ای که بآب در آید و عقیمی که بزاید و گم کرده‌ای که بیابد خوشحال میشود هر کس بخدا از روی خلوص توبه برد، خداوند خطاها و گناهان وی را از یاد دو فرشته نگهبان و اعضای وی و همه نقاط زمین ببرد.

۲۱۳۶ لله أقدر عليك منك عليه.

قدرت خدا بر تو از قدرت تو بر او بیشتر است.

۲۱۳۷ لأنّ أشدّ عليكم خوفا من النّعم منّي من الذّنوب ألا أنّ النّعم التي لا تشكر هي الحتف القاضي.

من درباره شما از نعمتها بیشتر از گناهان یمناکم بدانید که نعمت هائی که شکر آن نگزارند هلاک قطعی است.

۲۱۳۸ لأنّ من فتنة السّراء أخوف عليكم من فتنة الضّراء، إنّکم ابتليتم بفتنة الضّراء فصبرتم و إنّ الدّنيا حلوة خضرة.

من درباره شما از فتنه کشایش بیش از فتنه تنگ دستی بیم دارم
شما بفتنه تنگدستی مبتلا شدید و صبر کردید حقا که دنیا شیرین
و دلفریب است.

۲۱۳۹ لَأَنْ أَطْعَمَ أَخَا فِي اللَّهِ مُسْلِمًا لَقْمَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ

بِدرهم و لَأَنْ أُعْطِيَ أَخَا فِي اللَّهِ مُسْلِمًا دَرَهْمًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ

أَتَصَدَّقَ بِعَشْرَةٍ و لَأَنْ أُعْطِيَ عَشْرَةَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتَقَ رَقَبَةً.

این که در راه خدا لقمه ای برادر مسلمانی بخورانم نزد من
محبوب تر است تا درهمی صدقه دهم و این که در راه خدا
درهمی ببنده مسلمانی ببخشم نزد من محبوب تر است تا ده درهم
صدقه کنم و این که ده درهم ببخشم پیش من محبوب تر است که
بنده ای آزاد کنم.

۲۱۴۰ لَأَنْ أَعِينُ أَخِي الْمُؤْمِنَ عَلَى حَاجَتِهِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ

و اعتكاف في المسجد الحرام .

اینکه برادر مؤمن خویش را بر حاجت وی اعانت کنم پیش من از
یکماه روزه و اعتکافی در مسجد الحرام محبوب تر است.

۲۱۴۱ لَأَنْ أَكُونَ فِي شِدَّةٍ أَتَوَقَّعُ بَعْدَهَا رِخَاءً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ
أَكُونَ فِي رِخَاءٍ أَتَوَقَّعُ بَعْدَهُ شِدَّةً.

این که در سختی باشم و از پی آن امید و آسایش داشته باشم پیش
من محبوب تر است تا در آسایشی باشم که از پی آن منتظر سختی
باشم.

۲۱۴۲ لَأَنْ تَصَلِّيَ الْمَرْأَةُ فِي بَيْتِهَا خَيْرٌ لَهَا مِنْ أَنْ تَصَلِّيَ فِي حَجَرَتِهَا،
وَلَأَنْ تَصَلِّيَ فِي حَجَرَتِهَا خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَصَلِّيَ فِي الدَّارِ، وَ لَأَنْ تَصَلِّيَ
فِي الدَّارِ خَيْرٌ لَهَا مِنْ أَنْ تَصَلِّيَ فِي الْمَسْجِدِ

اینکه زن در اطاق خویش نماز کند برای او بهتر است تا در ایوان
خویش نماز کند و اینکه در ایوان خویش نماز کند بهتر است تا
در صحن خانه نماز کند و این که در صحن خانه نماز کند برای وی
بهتر است تا در مسجد نماز کند.

۲۱۴۳ لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ ثُمَّ يَغْدُوا إِلَى الْجَبَلِ فَيَحْتَطِبُ فَيَبِيعُ
فِي أَكْلٍ وَ يَتَصَدَّقَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ.

اینکه یکی از شما ریسمان خویش بر گیرد و بکوه رود و هیزم فراهم آورد و بفروشد و بخورد و صدقه کند برای وی بهتر است که از مردم بخواهد.

۲۱۴۴ لَأَنْ يُؤَدِّبَ رَجُلٌ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ.

اینکه مردی فرزند خویش را ادب کند برای وی بهتر است از پیمانه ای صدقه کند.

۲۱۴۵ لَأَنْ يَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِمِائَةِ عِنْدَ مَوْتِهِ.

اینکه مردی در زندگی خویش درهمی صدقه کند برای وی بهتر است تا صد درهم هنگام مرگش صدقه کند.

۲۱۴۶ لَأَنْ يَجْعَلَ أَحَدُكُمْ فِيهِ تَرَابًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ.

اینکه یکی از شما خاکی در دهان خویش نهد برای وی بهتر است تا چیزی را که خدا حرام کرده در دهان خود نهد.

۲۱۴۷ لأن يزني الرجل بعشرة نساء خير له من أن يزني بامرأة
جاره، و لأن يسرق الرجل من عشرة أبيات أيسر له من أن يسرق
من بيت جاره.

اینکه مرد باده زن زنا کند گناه آن کمتر است تا با زن همسایه
خویش زنا کند و این که مرد از ده خانه دزدی کند برای وی
آسان است تا از خانه همسایه خویش بدزدد.

۲۱۴۸ لأن يطعن في رأس أحدكم بمخيط من حديد خير له من أن
يمسّ امرأة لا تحلّ له.

اینکه با سوزن آهنین بسر یکی از شما زنند برای وی بهتر است تا
بزنی که بر وی حلال نیست دست بزند.

۲۱۴۹_ لأن يلبس أحدكم ثوبا من رقاع شتى خير له من أن يأخذ
من غيره ما ليس عنده

اینکه یکی از شما جامه‌ای از وصله‌های مختلف پوشد برای وی
بهتر است که آنچه ندارد از دیگری بگیرد.

۲۱۵۰ لَأَنْ يَمْتَلَى جَوْفَ رَجُلٍ قِيحًا خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَمْتَلَى شَعْرًا.

این که اندرون مردی از چرک پر شود برای وی بهتر است تا از شعر پر شود.

۲۱۵۱ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلِيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ

الشَّمْسُ وَ غُرَبَتْ.

اینکه خدا بدست تو مردی را هدایت کند برای تو از همه چیز هائی که خورشید بر آن تو طلوع و غروب میکند بهتر است.

۲۱۵۲ لِيُرَدَّنَ الْحَقُوقُ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقَادَ لِلشَّاءِ الْجُلُحَاءُ

مِنْ الشَّاءِ الْقِرْنَاءُ تَنْطَحُّهَا.

روز قیامت حقوق کسان را باز پس دهند تا آنجا که از بز شاخدار که بز بیشاخ را شاخ زده تقاص کنند.

۲۱۵۳ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

شَرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ.

بنیکی و ا دارید و از بدی باز دارید و گرنه خدا بدانتان را بر شما مسلط کند و نیکانتان دعا کنند و استجابشان نکنند .

۲۱۵۴ لترکبن سنن من کان قبلکم شبرا بشبر و ذراعا بذراع حتی
لو أن أحدهم دخل حجر ضبّ لدخلتم و حتی لو أن أحدهم جامع
إمرأته بالطریق لفعلتموه

روش کسانی را که پیش از شما بوده اند و جب بوجب و ذراع
بذراع تقلید خواهید کرد تا آنجا که اگر یکی از ایشان بسوراح
سوسماری در آمده در خواهید شد و تا آنجا که اگر یکیشان در
راه با همسر خود جفت شده خواهید کرد.

۲۱۵۵ لتملأن الأرض جورا و ظلما فإذا ملئت یبعث الله رجلا منی
اسمه إسمی و إسم أبیه إسم أبی فیملؤها عدلا و قسطا کما ملئت
جورا و ظلما

زمین از جور و ظلم پر میشود و چون پر شد خدا مردی را که
اسم وی اسم منست و اسم پدرش اسم پدر منست بر انگیزد تا آنرا
از عدل و انصاف پر کند چنانکه از جور و ظلم پر شده است.

۲۱۵۶ لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَ عَدْوَانًا ثُمَّ لِيُخْرِجَنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي

حَتَّى يَمْلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ عَدْوَانًا

زمین از جور و تعدی پر می شود آنگاه مردی از خاندان من بیرون
آید تا آن را از انصاف و عدل پر کند چنانکه از ظلم و تعدی پر
شده است.

۲۱۵۷ لَتَنْتَقِضَنَّ عِزَّ الْإِسْلَامِ عُرْوَةُ عُرْوَةٍ فَكَلَّمَا انْتَقَضَتْ عُرْوَةُ

تَشَبَّثَ النَّاسُ بِالَّتِي تَلِيهَا فَأَوَّلَهُنَّ تَقْضَى الْحُكْمُ وَ آخِرُهُنَّ الصَّلَاةُ

دستاویزهای اسلام یکایک شکسته میشود و چون دستاویزی
شکسته شد مردم بدستویز بعدی چنگ می زنند، نخستین
دستاویزی که شکسته می شود حکومت حق است و آخر آن نماز
است.

۲۱۵۸ لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ.

سقوط دنیا نزد خدا آسان تر از قتل یک مرد مسلمان است.

۲۱۵۹ لسان القاضی بین طریقین إمّا إلى جنّة و إمّا إلى نار.

زبان قاضی میان دو راه است یا بسوی بهشت یا بسوی جهنم.

۲۱۶۰ لست أخاف على أمتی غوغاء تقتلهم و لا عدوّا يجتاحهم و

لکنی أخاف على أمتی أئمة مضلّین إن أطاعوهم فتنوهم و إن

عصوهم قتلوهم.

من بر امت خویش از انبوه هائیکه بکشندشان یا دشمنانیکه پا
مالشان کنند بیم ندارم بلکه از پیشوایان گمره کار بر امت خویش
بیمناکم که اگر اطاعت شان کنند مفتون شوند و اگر عصیانشان
کنند مقتول شوند.

۲۱۶۱ لسفرة فی سبیل الله خیر من خمسين حجة.

سفری در راه خدا از پنجاه حج بهتر است.

۲۱۶۲ لعشرة فی کسب حلال أفضل عند الله من ضرب بسيف حولا

کاملاً.

افتادنی در راه کسب حلال نزد خدا از یک سال شمشیر زدن بهتر

است.

۲۱۶۳ لعنة الله على الراشي و المرتشي

لعنت خدا بر رشوه ده و رشوه گیر باد.

۲۱۶۴ لعن الله الخمر و شاربها و ساقیها و بايعها و مبتاعها و

عاصرها و حاملها و المحمولة إليه و آكل ثمنها.

خدا شراب و نوشنده و ساقی و فروشنده و خریدار و فشارنده و حامل و گیرنده و خورنده قیمت آنرا لعنت کند.

۲۱۶۵ لعن الله الراشي و المرتشي و الذي يمشي بينهما.

خدا رشوه ده و رشوه گیر را با آنکه میان آنها واسطه میشود لعنت کند.

۲۱۶۶ لعن الله الربا و آكله و كاتبه و شاهده و هم يعلمون.

خدا ربا و رباخوار را با نویسنده و شاهد معامله ربا اگر واقفند لعنت کند.

۲۱۶۷ لعن الله الرجل يلبس لبسة المرأة و المرأة يلبس لبسة الرجل.

خدا مردی را که چون زن لباس پوشد و زنی را که چون مرد لباس پوشد لعنت کند.

۲۱۶۸ لعن الله الرجل من النساء.

خدا زنان مرد نما را لعنت کند.

۲۱۶۹ لعن الله المتشبهات من النساء بالرجال و المتشبهين من الرجال

بالنساء.

خدا زنان مرد نما و مردان زن نما را لعنت کند.

۲۱۷۰ لعن الله المحلل و المحلل له.

خدا محلل را با کسی که برای وی محلل شوند لعنت کند.

۲۱۷۱ لعن الله المخنثين من الرجال و المترجلات من النساء.

خدا مردان مخنث و زنان مرد نما را لعنت کند.

۲۱۷۲ لعن الله المسوّفات التي يدعوها زوجها إلى فراشه فتقول:
 «سوف» حتى تغلبه عيناه.

خدا مماله گر را لعنت کند یعنی زنی که شوهرش بسترش
 خواند و گوید: «کمی بعد» تا خوابش ببرد.

۲۱۷۳ لعن الله آكل الربا و مؤكله و كاتبه و مانع الصدقة.
 خدا رباخوار و رباده و نویسنده معامله ربا و مانع صدقه را لعنت
 کند.

۲۱۷۴ لعن الله ثلاثة: آكل زاده وحده، و راكب الفلاة وحده، و
 النائم في بيت وحده.

خدا سه کس را لعنت کند آنکه توشه خویش تنها خورد و آنکه
 تنها بیابان سپرد و آنکه در خانه ای تنها خوابد.

۲۱۷۵ لعن الله من فرق بين الوالدة و ولدها و بين الأخ و أخيه.
 خدا کسی را میان مادر و فرزند و میان دو برادر فرقت افکند

لعنت کند.

۲۱۷۶ لعن الله من لعن والديه.

هر که پدر و مادر خویش را لعن کند خدایش لعنت کند.

۲۱۷۷ لعن الله من يسم في الوجه.

هر که بر چهره علامت نهد خدایش لعنت کند.

۲۱۷۸ لعن عبد الدينار و لعن عبد الدرهم.

بنده دینار ملعون باد و بنده درهم ملعون باد.

۲۱۷۹ لغدوة في سبيل الله أو روحه خير من الدنيا و ما فيها و

لقاب قوس أحدكم أو موضع قدمه في الجنة خير من الدنيا و ما

فيها و لو اطلعت امرأة من نساء أهل الجنة إلى الأرض لمألت ما

بينهما ريحا و لأضأت ما بينهما و لنصيفها على رأسها خير من الدنيا

و ما فيها.

صبحدم رفتنی در راه خدا یا شبانگاه رفتنی از دنیا و هر چه در

آنست بهتر، اندازه کمان یکیتان یا جای قدم او در بهشت از دنیا و هر چه در آن هست بهتر، اگر زنی از اهل بهشت بزمین نمایان شود میان زمین و آسمان را از بوی خوش پر کند و روشن کند، سر پوش وی که بسر دارد از دنیا و هر چه در آنست بهتر است.

۲۱۸۰ لَقَدْ أَمَرْتُ أَنْ أَتَجَوَّزَ فِي الْقَوْلِ فَإِنَّ الْجَوَازَ فِي الْقَوْلِ هُوَ

خیر.

فرمان یافتم که در سخن مجاز گویم که مجاز در گفتار نیک است.

۲۱۸۱ لَقَدْ أَوْذَيْتُ فِي اللَّهِ وَ مَا يَوْذَى أَحَدٌ وَ أَخَفْتُ فِي اللَّهِ وَ مَا

يَخَافُ أَحَدًا، وَ لَقَدْ أَتَيْتُ عَلَى ثَلَاثُونَ مِنْ بَيْنِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ مَا لِي وَ

بِلَالٍ طَعَامٍ إِلَّا شَيْءٌ يَوَارِيهِ إِبْطُ بِلَالٍ.

هنگامی در راه خدا اذیت دیدم که هیچکس اذیت نمی دید و هنگامی در راه خدا بیم ناک بودم که هیچکس بیم ناک نبود بسی روز و شب بر من گذشت که من و بلال جز چیزی که زیر بغل بلال نهان میشد غذائی نداشتیم.

۲۱۸۲ لقد بارک الله لرجل فی حاجة أكثر الدّعاء فیها أعطیها أو

منعها.

خدا حاجتی را که مرد در باره آن بسیار دعا کند روا بشود یا نشود، مبارک کرده است.

۲۱۸۳ لقد رأیت رجلا یتقلّب فی الجنّة فی شجرة قطعها من ظهر

الطّریق کانت تؤذی النّاس .

مردی را دیدم که در بهشت در درختی همی گشت که مزاحم راه کسان بود و آن را کنده بود.

۲۱۸۴ لقلب ابن آدم أسرع تقلّباً من القدر إذا استجمعت غلیانا

دل فرزند آدم از دیگی که سخت جوشان باشد تغییر پذیر تر است.

۲۱۸۵ لقیام الرّجل فی الصّفّ فی سبیل الله عزّ و جلّ ساعة أفضل

من عبادة ستین سنه .

یکساعت ایستادن مرد بصف در راه خدا از شصت سال عبادت
بهتر است.

۲۱۸۶ لقید سوط أحدكم من الجنة خير مما بين السماء و الأرض
اندازه تازیانه یکی تان در بهشت بهتر از آن چیزهاست که میان
آسمان و زمین است.

۲۱۸۷ لكل داء دواء فإذا أصيب دواء الداء برىء بإذن الله تعالى.
هر دردی دوائی دارد و چون دوائی درد بجا افتد باذن خدای والا
به شود.

۲۱۸۸ لكل داء دواء و دواء الذنوب الإستغفار.
هر دردی را دوائیست و دوائی گناهان آمرزش خواستن است.

۲۱۸۹ لكل ذنب توبة إلا سوء الخلق.
هر گناهی را توبه ای هست مگر بد خوئی.

۲۱۹۰ لكل شيء آفة تفسده و آفة هذا الدين و لاة السوء.

هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن میشود و آفت این دین
زمامداران بدند.

۲۱۹۱ لكل شيء حلية و حلية القرآن الصوت الحسن.

هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن صوت خوش است.

۲۱۹۲_ لكل شيء زكاة و زكاة الجسد الصوم.

هر چیزی را زکاتی هست و زکات تن روزه داشتن است.

۲۱۹۳ لكل شيء زكاة و زكاة الدار بيت الضيافة.

هر چیزی را زکاتی هست و زکات خانه اطاق مهمانخانه است.

۲۱۹۴ لكل شيء طريق و طريق الجنة العلم.

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است.

۲۱۹۵ لكل شيء عماد و عماد هذا الدين الفقه.

هر چیزی را ستونی هست و ستون این دین دانائی است.

۲۱۹۶ لكل شيء مفتاح و مفتاح السموات قول «لا إله إلا الله»

هر چیزی را کلیدی هست و کلید آسمانها گفتار «لا اله الا الله» است.

۲۱۹۷ لكل شيء مفتاح و مفتاح الجنة حب المساكين و الفقراء

هر چیزی را کلیدی هست و کلید بهشت دوستی مستمندان و فقیران است.

۲۱۹۸ لكل عبد صيت: فإذا كان صالحا وضع في الأرض و إن كان

سيئا وضع في الأرض.

هر بنده ای شهرتی دارد اگر نیک باشد در زمین رود و اگر بد باشد در زمین رود.

۲۱۹۹ لكل غادر لواء يوم القيامة يعرف به.

هر خیانتکاری روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته شود.

۲۲۰۰ للتَّوبَةُ باب بالمغرب مسيره سبعين عاما لا يزال كذلك حتى

يأتي بعض آيات ربّك طلوع الشمس من مغربها.

توبه دری بمغرب دارد که وسعت آن هفتاد سال راه است و
همچنان باز است تا بعضی آيات پروردگارت یلید، طلوع خورشید
از طرف مغرب.

۲۲۰۱ للجار حقّ.

همسایه حقّی دارد.

۲۲۰۲ للرحم لسان عند الميزان تقول: يا ربّ من قطعني فاقطعه و

من وصلني فصله.

خویشاوندی روز حساب زبانی دارد و گوید خدایا هر که مرا برید
او را ببر و هر که مرا پیوست او را پیوند ده.

۲۲۰۳ للسائل حقّ و إن جاء على فرس.

خواهنده حقّی دارد اگر چه سوار است بیاید.

۲۲۰۴ للمتکلف ثلاث علامات: يتملق إذا حضر و يغتاب إذا غاب و يشمت بالمصيبة.

متکلف را سه نشانست در حضور تملق گوید و در غیاب غیبت کند و مصیبت را شماتت کند.

۲۲۰۵ للمرأة ستران: القبر و الزواج.
زن دو پرده دارد قبر و زناشوئی.

۲۲۰۶ للمرائی ثلاث علامات: ينشط إذا كان عند الناس و یکسل إذا كان وحده و يحبّ أن یحمد فی جميع أموره
ریا کار سه نشان دارد وقتی پیش مردم باشد نشیط است و وقتی تنها باشد ملول است و دوست دارد در همه کارش ستایش شود.

۲۲۰۷ للمسلم علی المسلم خمس: یسلم علیه إذا لقیه و یجیبه إذا دعاه و یعوده إذا مرض و یتبع جنازته إذا مات و یحبّ له ما یحبّ لنفسه.

مسلمان بر مسلمان پنج حق دارد وقتی ببیندش باو سلام کند و وقتی بخواندش بپذیرد و وقتی بیمار شد عیادتش کند و وقتی بمیرد جنازه اش را تشییع کند و هر چه برای خویش بخواهد برای او بخواهد.

۲۲۰۸ للمملوك طعامه و كسوته بالمعروف و لا يكلف من العمل إلا ما يطيق.

مملوک حق طعام و غذای شایسته دارد و کاری که تاب آن ندارد بعهده او نگذارند.

۲۲۰۹ للمملوك على سيده ثلاث خصال: لا يعجله عن صلاته و لا يقيمه عن طعامه و يشبعه كل الإشباع.

مملوک بر آقای خود سه حق دارد در ادای نماز شتاب زده اش نکند و از غذا برش نخیزاند و کاملاً سیرش کند.

۲۲۱۰ للمؤمن أربعة أعداء: مؤمن يحسده و منافق يبغضه و شیطان یضله و کافر یقاتله.

وَمَنْ چَهار دشمن دارد، مؤمنی که بر او حسد برد و منافقی که دشمنش دارد و شیطانیکه گمراهش کند و کافری که با او پیکار کند.

۲۲۱۱ للمنافق ثلاث علامات: إذا حدّث كذب، و إذا وعد أخلف،

و إذا ائتمن خان.

منافق سه نشان دارد وقتی سخن کند دروغ گوید و چون وعده دهد تخلف کند و چون امینش شمارند خیانت کند.

۲۲۱۲ للنار باب لا يدخل منه إلا من شفى غيظه بسخط الله تعالى.

جهنم را دری هست که جز آنکه غیظ خویش را به نارضائی خدای والا فرو نشانده از آن وارد نمیشود.

۲۲۱۳ لم تؤتوا بعد كلمة الإخلاص مثل العافية فاسئلوا الله العافية

شما را پس از کلمه اخلاص چیزی مثل عافیت نداده اند از خدا عافیت طلبید.

۲۲۱۴ لم یبعث الله تعالى نبیّاً إلاّ بلغه قومه.

خدا هیچ پیغمبری را جز به زبان قومش نفرستاد.

۲۲۱۵ لم یبق من النبوة إلاّ المبشرات: الرؤیا الصالحة.

از پیغمبری جز بشارت رسانها نمانده یعنی رؤیای نیک.

۲۲۱۶ لم یکذب من نمی بین اثنین لیصلح.

هر کس میان دو تن سخنی گوید که اصلاحشان دهد دروغ نگفته

۲۲۱۷ لم یلق ابن آدم شیئاً قطّ منذ خلقه الله أشدّ علیه من الموت

ثمّ إنّ الموت لأهون مما بعده.

فرزند آدم از آن هنگام که خدایش آفریده چیزی سخت تر از

مرگ ندیده و باز مرگ از ما بعد مرگ آسان تر است.

۲۲۱۸ لما صورّ الله تعالى آدم فی الجنة ترکه ما شاء الله أن

یترکه، فجعل إبليس یطیف به ینظر إلیه فلما رآه أجوف عرف أنه

خلق لا یتمالک.

چون خدای والا در بهشت آدم را آفرید وی را تا مدتی که خواست

وا گذاشت و ابلیس بر او گشتن و نگریستن گرفت و چون دید که میان تهی است بدانست که این مخلوق خویشتن دار نیست.

۲۲۱۹ لَمَّا عَرَجَ لِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَظْفَارُ مِنْ نَحَاسٍ
يَخْمَشُونَ وَجُوهَهُمْ وَ صُدُورَهُمْ فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرِيْلُ؟ قَالَ:
هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لَحُومَ النَّاسِ وَ يَقْعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ.

وقتی پروردگارم عز و جل مرا بالا برد بقومی گذشتم که ناخن
های مسین داشتند و صورت و سینه خویش میخراشیدند گفتم ای
جبرئیل اینها کیانند گفت اینان آن کسانند که گوشت مردم می
خورند و از عرضشان سخن کنند.

۲۲۲۰ لَمَّا نَشَأْتُ بَغَضْتُ إِلَى الْأَوْثَانِ وَ بَغَضْتُ إِلَى الشَّعْرِ وَ لَمْ أَهَمْ
بِشَيْءٍ كَانَ الْجَاهِلِيَّةُ تَفْعَلُهُ إِلَّا مَرَّتَيْنِ فَعَصَمَنِي اللَّهُ مِنْهُمَا ثُمَّ لَمْ أَعُدْ.
وقتی بزرگ شدم بتان را منفور داشتم و از شعر متنفر بودم و
چیزی از آنچه مردم جاهلیت میکردند نخواستم جز دو بار که خدا
مرا از آن مصون داشت و دیگر نخواستم

۲۲۲۱ لمعالجه ملك الموت أشد من ألف ضربه بالسيف.

جان گرفتن فرشته مرگ از هزار ضربت شمشیر سخت تر است.

۲۲۲۲ لن تزول قدم شاهد الزور حتى يوجب الله له النار.

شاهد دروغ از جا نرود تا خداوند جهنم را بر او واجب کند.

۲۲۲۳ لن يبتلى عبد بشيء أشد من الشرك و لن يبتلى بشيء بعد

الشرك أشد من ذهاب بصره و لن يبتلى عبد بذهاب بصره فيصبر

إلا غفر الله له.

بنده را بلیه ای سختتر از شرک نیست و پس از شرک بلیه ای بدتر

از کوری نیست و هر بنده ای که بکوری مبتلا شود و صبوری

ورزد خدایش بیامرزد.

۲۲۲۴ لن يبرح هذا الدين قائما يقاتل عليه عصابة من المسلمين

حتى تقوم الساعة.

این دین پیوسته استوار است و گروهی از مسلمانان بر آن پیکار

کنند تا قیامت در آید.

۲۲۲۵ لن یجمع الله تعالى على هذه الامّة سيفین: سیفا منها و سیفا

من عدوّها.

خدا دو شمشیر با هم بر این امت نهد شمشیری از خودشان و شمشیری از دشمن.

۲۲۲۶ لن یزال العبد فی فسحة من دینه ما لم یشرب الخمر و إذا

شربها خرق الله عنه ستره و کان الشیطان ولیّه و سمعه و بصره

یسوقه إلى كلّ شرّ و یصرفه عن كلّ خیر.

بنده تا شراب ننوشد عرصه دین بر او گشاده باشد و چون بنوشد پرده خدا از او بدرد و شیطان یار و گوش و چشم او شود و او را بسوی بدیها براند و از نیکیها منصرف کند.

۲۲۲۷ لن یشبع المؤمن من خیر یسمعه حتّی یكون منتهاه الجنّة.

مؤمن از استماع خیر سیری نگیرد تا سرانجامش بهشت شود.

۲۲۲۸ لن یغلب عسر یسرین «إنّ مع العسر یسرا، و إنّ مع العسر

یسرا».

یک سختی با دو گشایش بر نیاید که با هر سختی دو گشایش است
که با هر سختی دو گشایش است .

۲۲۲۹ لن یفلح قوم ولّوا أمرهم إمرأه.

گروهی که زمام کار خویش بزنی سپارند هرگز رستگار نشوند.

۲۲۳۰ لن ینفع حذر عن قدر و لكنّ الدّعاء ینفع ممّا نزل و ممّا لم

ینزل.

احتیاط با تقدیر سود ندهد اما دعا در قبال بلائیکه آمده و نیامده
سودمند است.

۲۲۳۱ لن یهلك امرؤ بعد مشورة

هیچکس از پس مشورت هلاک نشود.

۲۲۳۲ لن یهلك الناس حتّی یعذروا من أنفسهم.

مردم هلاک نمیشوند تا حجت بر ایشان تمام شود.

۲۲۳۳ لو أنّ العباد لم يذنبوا لخلق الله خلقا يذنبون ثمّ يغفر لهم و
هو الغفور الرحيم .

اگر بندگان گناه نمیکردند خدا خلقی میافرید که گناه کنند تا
بیامرزدهشان که او آمرزگار و رحیم است.

۲۲۳۴ لو أنّ الماء الّذي يكون منه الولد أهرقته على صخرة لأخرج
الله تعالى منها ولدا و ليخلقنّ الله تعالى نفسا هو خالقها.

اگر آبی را که باید فرزند شود بر سنگی بریزی خدای والا
فرزندی از آن بیرون خواهد آورد خدا کسی را که باید خلق کند
خلق میکند.

۲۲۳۵ لو أنّ ابن آدم هرب من رزقه كما يهرب من الموت لأدرکه
رزقه كما یدرکه الموت.

اگر آدمیزاد از روزی خویش بگریزد چنانکه از مرگ میگریزد
روزش بدو رسد چنانکه مرگ میرسد.

۲۲۳۶ لو أنّ أحدكم يعمل في صخرة صماء ليس لها باب و لا كوة
لخرج عمله للناس كائنا ما كان

اگر یکیتان در دل سنگ سخت کاری کند که نه در داشته باشد و
 نه روزن کار وی هر چه باشد میان مردم شایع شود.

۲۲۳۷ لو أنّ امرأة من نساء الجنّة أشرفت إلى الأرض لهلأت
الأرض من زيح المسك و لأذهبت ضوء الشمس و القمر
 اگر زنی از زنان بهشت بر زمین نمودار شود زمین را از بوی مشک
 پر کند و نور خورشید و ماه ببرد.

۲۲۳۸ لو أنّ أهل السّماء و الأرض أشركوا في ذمّ مؤمن لکبهم الله
عزّ و جلّ في النار .

اگر مردم آسمان و زمین در مذمت مؤمنی شرکت کنند خدای عز
 و جل در آتش واژگونشان کند.

۲۲۳۹ لو أنّ دلوًا من غسّاق يهراق في الدّنيا لأنتن أهل الدّنيا.
اگر دلوئی از آشامیدنی جهنم را در دنیا بریزند اهل دنیا را متعفن

کند.

۲۲۴۰ لو أن رجلا في حجره دراهم يقسمها و آخر يذكر الله كان
الذاكر لله أفضل.

اگر کسی درهم و دینار باشد که تقسیم کند و دیگری خدا را یاد
کند یاد خدا بهتر است.

۲۲۴۱ لو أن رجلا يجرّ على وجهه من يوم ولد إلى يوم يموت
هرما في مرضاء الله تعالى لحقّره يوم القيامة.
اگر کسی از روزی که زاده تا روزی که پیر بمیرد بجلب رضای
خدا بر چهره خویش بغلطد روز قیامت عمل خویش را حقیر
خواهد شمرد.

۲۲۴۲ لو أن شررة من شرر جهنم بالمشرق لوجد حرّها من
بالمغرب

اگر شعله ای از شعله های جهنم بمشرق باشد آنکه در مغربست
گرمای آنرا احساس کند.

۲۲۴۳ لو أنّ قطرة من الزقوم قطرت في الدنيا لأفسدت على أهل

الدنيا معاشهم فكيف بمن تكون طعامه؟

اگر قطره ای از زقوم جهنم را در دنیا بچکانند زندگی را بر مردم دنیا تباه خواهد کرد پس آنکه خوراکش زقوم است چه خواهد کرد.

۲۲۴۴ لو أنّ مقمعا من حديد جهنم وضع في الأرض فاجتمع له

الثقلان ما أقلّوه من الأرض و لو ضرب الجبل بمقمع من حديد كما

يضرب أهل النار لتفتت و عاد غبارا.

اگر گریزی از آهن جهنم را در زمین نهند و همه جهانیان جمع شوند آنرا از زمین بردارند و اگر کوه را با گریزی از آهن بزنند چنانکه اهل جهنم را میزنند، ریز ریز شود و غبار گردد.

۲۲۴۵ لو أنّكم توكلون على الله تعالى حقّ توكله لرزقكم كما

يرزق الطير، تغدو خماسا و تروح بطانا.

اگر شما چنانکه شایسته توکل کردنست بخدا توکل داشتید، روزی

شما را نیز چون روزی مرغان میرساند که بصبح گرسنه اند و شب سیر.

۲۲۴۶ لو أنّ لابن آدم وادین من ذهب لابتغی الیہما وادیا ثالثا و لا یملاء جوف ابن آدم إلاّ التراب و یتوب اللہ علی من تاب.

آدمیزاد اگر دو دره از طلا داشته باشد بعلاوه آن دره سوم طلب کند شکم آدمیزاد را جز خاک پر نکند و هر که توبه کند خدا توبه او را بپذیرد.

۲۲۴۷ لو آمن بی عشرة من الیہود لآمن بی الیہود.
اگر ده تن از یهودان بمن ایمان آورده بودند همه یهودان بمن ایمان می آوردند.

۲۲۴۸ لو أخطأتم حتی تبلغ خطایا کم السّماء ثمّ تبتّم لتاب اللہ علیکم.

اگر آنقدر خطا کنید که خطاهایتان با آسمان برسد و سپس توبه کنید خدا توبه شما را میپذیرد.

۲۲۴۹ لو أذن الله تعالى في التجارة لأهل الجنة لا تجروا في البزّ و

العطر.

اگر خدا باهل بهشت اجازه تجارت داده بود تجارت پارچه و عطر میکردند.

۲۲۵۰ لو أهدى إلى كراع لقبلت و لو دعيت إليه لأجبت.

اگر شانه گوسفندی بمن هدیه دهند می پذیرم و اگر دعوتم کنند اجابت میکنم.

۲۲۵۱ لو بغى جبل على جبل لدك الله الباغي منهما.

اگر کوهی بکوهی تجاوز کند خدا کوه متجاوز را درهم کوبد.

۲۲۵۲ لو تعلم البهائم من الموت ما يعلم ابن آدم ما أكلتم منها

سمينا.

اگر حیوانات نیز چون آدمیزاد از مرگ خبر داشتند گوشت چاقی نمیخوردید.

۲۲۵۳ لو تعلم المرأة حق الزوج لم تقعد ما حضر غداؤه و عشاؤه
حتى يفرغ منه.

اگر زن حق شوهر بداند هنگام نهار و شام او ننشیند تا فراغ یابد.

۲۲۵۴ لو تعلمون قدر رحمة الله لا تكلمن عليها.
اگر از وسعت رحمت خدا خبر داشتید بر آن اعتماد میکردید.

۲۲۵۵ لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلا و لبكيتن كثيرا.
اگر آنچه من دانسته ام بدانید خنده کم و گریه بسیار میکنید.

۲۲۵۶ لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلا و لبكيتن كثيرا و لا ساغ
لكم الطعام و لا الشراب.
اگر آنچه من دانسته ام بدانید خنده کم و گریه بسیار میکنید و غذا
و نوشیدنی بر شما گوارا نخواهد بود.

۲۲۵۷ لو تعلمون ما أعلم لبكيتن كثيرا و لضحكتم قليلا و لخرجنتم

إلى الصّعدات تجأرون إلى الله تعالى لا تدرون تنجون أو لا تنجون.

اگر آنچه من دانسته ام بدانید گریه بسیار و خنده کم میکنید و بر بلندیا رفته تضرع پیشگاه خدا میرید و بیمناک خواهید بود که آیا نجات خواهید یافت یا نه.

۲۲۵۸ لو تعلمون ما أعلم لبكيتم كثيرا و لضحكتم قليلا: يظهر النّفاق و ترتفع الأمانة و تقبض الرّحمة و يتهم الأمين و يؤتمن غير الأمين يحيط بكم الفتن كأمثال اللّيل المظلم

اگر آنچه من می دانستم به دانستید بسیار می گریستید و کمتر خنده می کردید، نفاق آشکار شود و امانت بر خیزد و رحمت چیده شود امین را متهم کنند و خیانت گر را امین شمارند و فتنه ها چون شب تاریک شما را فرا گیرد.

۲۲۵۹ لو تعلمون ما اذخر لكم ما حزنتم على ما زوى عنكم
(ای فقیران) اگر بدانید چه چیزها برای شما ذخیره شده بر آنچه ندارید غم نخواهید خورد.

۲۲۶۰ لو تعلمون ما لكم عند الله لأحببتم أن تزدادوا فاقة و حاجة.

(ای فقیران) اگر بدانید پیش خدا چه ها دارید دوست خواهید داشت فقر و حاجت شما بیشتر شود.

۲۲۶۱ لو تعلمون من الدنيا ما أعلم لاستراحت أنفسكم منها.

اگر از دنیا آنچه من میدانم بدانستید جانتان از غم آن آسوده میشد.

۲۲۶۲ لو تعلمون ما في المسألة ما مشى أحد إلى أحد يسأله شيئا.

اگر می دانستید در سؤال چه چیز ها هست هیچکس سوی دیگری نمیرفت که از او چیزی بخواهد .

۲۲۶۳ لو تعلمون ما أنتم لاقون بعد الموت ما أكلتم طعاما على

شهوة أبدا و لا شربتم شرابا على شهوة أبدا و لا دخلتم بيتا تستظلون

به و لمررتم إلى الصّعدات تكدحون صدوركم و تبكون على

أنفسكم.

اگر میدانستید از پس مرگ چه خواهید دید هرگز غذائی با اشتها

نمی خوردید و هرگز نوشیدنی ای بر غبت نمی آشامیدید و
 بخانه ای در نمیشدید که در سایه آن آرام گیرید و بر بلندی ها
 رفته سینه خویش میخراشیدید و بحال خویش گریان بودید.

۲۲۶۴ لو جاء العسر فدخل هذا الجحر لجاء اليسر فدخل عليه
 فأخرجه.

اگر سختی بیاید و وارد این سوراخ شود، گشایش بیاید و وارد آن
 شود و سختی را بیرون کند .

۲۲۶۵ لو خفتم الله تعالى حقّ خيفته لعلمتم العلم الذي لا جهل معه،
 و لو عرفتم الله تعالى حقّ معرفته لزالتم لدعائكم الجبال.

اگر از خدا چنانچه شایسته ترسیدن از اوست ترس داشتید علمی
 که بجهل آمیخته نیست نصیبتان میشد و اگر خدا را چنانکه شایسته
 شناختن اوست میشناختید بدعای شما کوهها جابجا میشد .

۲۲۶۶ لو رأيت الأجل و مسيره أبغضت الأمل و سروره.

اگر اجل و رفتار آنرا به بینی امید و مسرت آنرا دشمن خواهی

داشت.

۲۲۶۷ لو قيل لأهل النار إنكم ما كثون في النار عدد كل حصاة في
الدنيا لفرحوا بها و لو قيل لأهل الجنة إنكم ما كثون عدد كل حصاة
لحزنوا و لكن جعل لهم الأبد

اگر به جهنمیان گویند که شماره ریگهای دنیا در جهنم خواهید
ماند خوش حال شوند و اگر بهشتیان گویند که بشماره ریگها
خواهید ماند غمگین شوند ولی آنها را جاودانی کرده‌اند.

۲۲۶۸ لو كان الإيمان بالثريا لتناوله رجال من فارس.
اگر ایمان در ثریا بود مردانی از فارس بدان می رسیدند.

۲۲۶۹ لو كان الحياء رجلا لكان رجلا صالحا.
اگر حیا مردی بودی مرد شایسته ای بودی.

۲۲۷۰ لو كانت الدنيا وزن عند الله جناح بعوضة ما سقى كافرا
شربة ماء.

اگر دنیا نزد خدا بقدر بال پشه‌ای ارزش داشت شربت آبی بکافری
نمی نوشانید.

۲۲۷۱ لو کان الصّبر رجلا لکان رجلا کریمًا.

اگر صبر مردی بودی، مرد بزرگواری بودی.

۲۲۷۲ لو کان العجب رجلا کان رجل سوء.

اگر خود پسندی مردی بودی مرد بدی بودی.

۲۲۷۳ لو کان العسر فی حجر لدخل علیه الیسر حتی یخرجه.

اگر سختی به سوراخی باشد گشایش بر آن در آید و بیرونش کند.

۲۲۷۴ لو کان العلم معلّقًا بالثّریّا لتناوله قوم من أبناء فارس.

اگر علم به ثریا آویخته بود گروهی از فرزندان فارس بدان می
رسیدند.

۲۲۷۵ لو کان الفحش خلقا لکان شرّ خلق الله.

اگر بد و ناسزا مخلوقی بودی بدترین مخلوق خدا بودی.

۲۲۷۶ لو كان المؤمن في جحر فارة لقيض الله له من يؤذيه

اگر مؤمن در سوراخ موشی باشد خداوند یکی را سوی او فرستد که آزارش کند.

۲۲۷۷ لو كان سوء الخلق رجلا يمشي في الناس لكان رجل سوء و

أن الله تعالى لم يخلقني فحاشا.

اگر بد خوئی مردی بودی که میان مردم راه رفتی، مرد بدی بودی و خدا مرا ناسزا گو نیافرید.

۲۲۷۸ لو كان شيء سابق القدر لسبقته العين.

اگر چیزی از تقدیر سبقت توانستی گرفت چشم بد سبقت گرفت.

۲۲۷۹ لو كان لابن آدم واد من مال لا بتغى إليه ثانيا و لو كان له

واديان لا بتغى لهما ثالثا و لا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب و

يتوب الله على من تاب.

اگر آدمیزاد دره‌ای از مال داشت بعلاوه آن دره دیگر می خواست
و اگر دو دره می داشت با آندره سوم می خواست شکم فرزند
آدم را جز خاک سیر نمی کند و خدا توبه هر که را خواهد
پذیرد.

۲۲۸۰ لو کان لابن آدم واد من نخل لتمنی مثله ثمّ تمنی مثله حتی
یتمنی أودیة و لا یملاء جوف ابن آدم إلاّ التراب.

اگر فرزند آدم دره‌ای از نخل می داشت مثل آن را آرزو می کرد
و باز مثل او را آرزو میکرد تا وادی ها آرزو کند شکم فرزند آدم
را جز خاک سیر نمی کند.

۲۲۸۱ لو کان لی مثل أحد ذهباً لسرّنی أن لا یمرّ علیّ ثلاث و
عندی منه شیء إلاّ شیء أرصده لدین.

اگر باندازه کوه احد طلا داشتم دوست داشتم پس از سه روز
چیزی از آن بنزد من نباشد مگر چیزی که برای قرضی ذخیره
کرده باشم.

۲۲۸۲ لو كانت الدّنيا تعدل عند الله جناح بعوضة ما سقى كافرا
منها شربة ماء.

اگر دنیا نزد خدا با بال پشه ای برابر بود، شربت آبی از آن به
کافری نمی نوشانید.

۲۲۸۳ لو كنت امرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد
لزوجها.

اگر بکسی دستور میدادم کسی را سجده کند به زن دستور
میدادم شوهرش را سجده کند.

۲۲۸۴ لو كنت آمرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت النساء أن يسجدن
لأزواجهنّ لما جعل الله لهم عليهنّ من الحقّ

اگر بکسی دستور میدادم کسی را سجده کند بزنان دستور میدادم
شوهران خویش را سجده کنند از بس که خدا برای شوهران حق
بگردن زنان نهاده است.

۲۲۸۵ لو لم تذب لجاء الله بقوم يذنبون فيغفر لهم و يدخلهم

الجنة.

اگر تو گناه نمیکردی خدا قومی را می آورد که گناه کنند و
بیامرزدهشان و بهشتشان در آرد .

۲۲۸۶ لو لم تذنبوا لخشيت عليكم بأشد من ذلك العجب العجب
اگر گناه نمیکردید از چیزی بدتر از آن بر شما بیم ناک بودم
خود پسندی، خود پسندی.

۲۲۸۷ لو لم يبق من الدنيا إلا يوم لطوّله الله حتى يبعث فيه رجل
من أهل بيتي يواطى اسمه إسمي و إسم أبيه اسم أبي يملأ الأرض
قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا.

اگر از دنیا جز روزی نماند خدا آن را دراز کند تا در اثنای آن
مردی از خاندان مرا بر انگیزد نام وی موافق نام من و نام پدرش
نام پدر من باشد و زمین را که از ظلم و جور پر شده است از
انصاف و عدالت پر کند.

۲۲۸۸ لو نظرتم إلى الأجل و مسيره لأبغضتم الأمل و سروره.

اگر مرگ و رفتار او را بنگرید امید و مسرت آن را دشمن خواهید داشت.

۲۲۸۹ لو نهی الناس عن فتّ البعرة فتّوا و قالوا ما نهينا عنه إلا و فيه شيء.

اگر مردم را از شکستن پوشش شتر منع کنند آن را بشکنند و گویند ما را از این کار منع نکرده اند مگر که در آن چیزی هست.

۲۲۹۰ لو يعلم الناس من الوحدة ما أعلم ما سار راكب بليل وحده. اگر مردم از تنهایی آنچه من دانسته ام بدانند هرگز سواری هنگام شب بتنهائی راه نخواهد سپرد.

۲۲۹۱ لو يعلم المؤمن ما عند الله من العقوبة ما طمع في الجنة أحد و لو يعلم الكافر ما عند الله من الرحمة ما قنط من الجنة أحد. اگر مؤمن عقوبتی را که نزد خدا هست بداند هیچکس در بهشت طمع نبندد و اگر کافر رحمتی را که نزد خدا هست بداند هیچکس از بهشت چشم امید نبندد.

۲۲۹۲ لو لا أن أشقّ على أمّتي لأمرتهم بالسّواك عند كلّ صلوة.

اگر نه مایه رنج امت خود میشدم دستورشان میدادم که هنگام هر نماز مسواک کنند.

۲۲۹۳ لو لا المرأة لدخل الرّجل الجنّة.

اگر زن نبود مرد بهشت میرفت.

۲۲۹۴ لو لا أن أشقّ على أمّتي لأمرتهم أن يستاكوا بالأسحار

اگر نه مایه رنج امت خویش میشدم دستورشان می دادم که سحر گاهان مسواک کنند.

۲۲۹۵ لو لا أن السّوّال یكذبون ما قدّس من ردّهم.

اگر دروغگوئی گداظن نبود، هر که نومیدشان میکرد، تقدیس نمیشد.

۲۲۹۶ لو لا النّساء یعبدا الله حقّ عبادته.

اگر زنان نبودند خدا چنانکه شایسته پرستش اوست پرستیده میشد.

۲۲۹۷ لو لا الأمل ما أرضعت أمّ ولدا و لا غرس غارس شجرا.

اگر امید نبود مادری فرزندی نمیزاد و کسی درختی نمینشاند.

۲۲۹۸ لیأتینّ علی القاضی العادل یوم القیامه ساعه یتمنّی أنّه لم

یقض بین اثنین فی تمره قطّ

روز قیامت بر قاضی عادل ساعتی بگذرد که آرزو کند هرگز میان دو تن درباره خرمائی قضاوت نکرده بود.

۲۲۹۹ لیأتینّ علی الناس زمان لا یبالی المرء بما أخذ المال أمن

حلال أم من حرام.

روزگاری بمردم رسد که مرد اهمیت ندهد که مال چگونه به دست آرد، از حلال یا از حرام.

۲۳۰۰ لیأتینّ علی الناس زمان لا یبقی منهم أحد إلاّ أكل الربا فإن

لم یأکله أصابه من غباره

روزگاری بمردم رسد که یکی نماند مگر آنکه ربا خورد و اگر
نخورد غلبو آن بوی رسد.

۲۳۰۱ لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكْذِبُ فِيهِ الصَّادِقُ وَيَصْدَقُ فِيهِ
الْكَاذِبُ وَيَخُونُ فِيهِ الْأَمِينُ وَيُؤْتِمَنُ الْخَثُونُ وَيَشْهَدُ الْمَرْءُ وَلَمْ
يَسْتَشْهَدْ وَيَحْلِفُ وَإِنْ لَمْ يَسْتَحْلِفْ وَيَكُونُ أَسْعَدُ النَّاسِ بِالْذُّبَا لَكَع
بْنِ لَكَعٍ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

زمانی بر مردم رسد که راست گو را تکذیب کنند و دروغگو را
تصدیق کنند و امین را خائن شمرند و خائن را مؤتمن پندارند و
مرد بی آنکه شهادت از او خواهند شهادت دهد و بی آنکه قسم از
او خواهند قسم خورد و خوشبخت ترین مردم فرومایه پسر
فرومایه باشد که بخدا و پیغمبرش ایمان ندارد.

۲۳۰۲ لِيَأْخُذَنَّ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَحْتَطِبُ بِهَا عَلَى ظَهْرِهِ أَهْوَنَ عَلَيْهِ مِنْ
أَنْ يَأْتِيَ رَجُلًا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَيَسْأَلُهُ أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ.

اینکه یکیتان ریسمان خویش برگیرد و با آن به پشت خویش
هیزم کشد آسان تر است تا پیش مردی رود که خدایش از فضل

خویش چیزی داده و از وی سؤال کند بدهد یا ندهد.

۲۳۰۳ لِيَأْخُذَ الْعَبْدُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ مِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ مِنْ الشَّيْبَةِ
 قَبْلَ الْكِبَرِ وَ مِنْ الْحَيَوةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ فَمَا بَعْدَ الدُّنْيَا مِنْ دَارٍ إِلَّا الْجَنَّةُ
 وَ النَّارُ.

مرد باید از خویش برای خویش و از دنیای خویش برای آخرت
 خویش و از جوانی قبل از پیری و از زندگی قبل از مرگ بر
 گیرد که پس از دنیا خانه ای جز بهشت و جهنم نیست.

۲۳۰۴ لِيُبَشِّرَ فَقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْفَرَاغِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَبْلَ الْأَغْنِيَاءِ بِمَقْدَارِ
 خَمْسَمِائَةِ عَامٍ هَؤُلَاءِ فِي الْجَنَّةِ يَنْعَمُونَ وَ هَؤُلَاءِ يَحَاسِبُونَ.
 مؤمنان فقیر را بشارت که روز قیامت به اندازه پانصد سال زودتر
 از اغنیاء فارغ شوند آنان در بهشت متنعمند و اینان حساب پس می
 دهند.

۲۳۰۵ لِيَتَّقَ أَحَدُكُمْ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ.
 هر کس باید چهره خویش را از آتش جهنم مصون دارد و گر چه

بیک نیمه خرما باشد.

۲۳۰۶ لیردک عن الناس ما تعرف من نفسک و اخزن لسانک إلا
من خیر فائک بذلک تغلب الشیطان .

آنچه از خویش می دانی ترا از (معایب) مردم باز دارد، زبان
خویش را نگه دار مگر از خیر که بدین وسیله بر شیطان چیره می
شوی.

۲۳۰۷ لیستحیی أحدکم من ملکیه الذین معه کما یستحیی من
رجلین صالحین من جیرانه و هما معه باللیل و النهار.

شخص باید از دو فرشته خویش که با او هستند شرم کند چنانکه
از دو مرد پارسا از همسایگان خود شرم می کند که فرشتگان شب
و روز با او هستند.

۲۳۰۸ لیس الأعمی من یعمی بصره إنما الأعمی من تعمی بصیرته.
کور آن نیست که چشم او کور است بلکه کور آنست که
بصیرتش کور است.

۲۳۰۹ لیس الإیمان بالتّمنیٰ لکن هو ما وقر فی القلب و صدّقه

العمل.

ایمان داشتن به آرزو کردن نیست بلکه ایمان آنست که در قلب جای دارد و عمل آن را تصدیق کند.

۲۳۱۰ لیس البرّ فی حسن اللّباس و الزّیّ و لکن البرّ السّکینه و

الوقار.

نیکی بخوبی لباس و ظاهر نیست بلکه نیکی آرامش وقار است.

۲۳۱۱ لیس البیان کثره الکلام و لکن الخوض فیما یحبّ الله و

رسوله و لیس العیّ عن اللّسان و لکن قلّه المعرفة بالحقّ

بیان خوب بفرآوانی گفتار نیست بلکه به بحث از آن چیزها است که خدا و پیغمبرش دوست دارد، لکن بزبان نیست بلکه از قلت معرفت حقست.

۲۳۱۲ لیس الجهاد أن یضرب الرّجل بسیفه فی سبیل الله تعالیٰ،

إنّما الجهاد من عال والديه و ولده فهو في جهاد و من عال نفسه
فكفّها عن النّاس فهو في جهاد.

جهاد آن نیست که مرد در راه خدای والا شمشیر زند، بلکه جهاد آن می کند که بار زندگی پدر و مادر و فرزند می برد، هر که بار زندگی خویش می برد که از مردم بی نیاز شود جهاد می کند.

۲۳۱۳ لیس الخبر کالمعاینه، إنّ الله تعالی أخبر موسى بما صنع
قومه فی العجل فلم یلق الألواح، فلما عاین ما صنعوا ألق الألواح
فانکسرت.

خبر چون معاینه نیست خدای والا بموسی رفتار قومش را درباره گوساله خبر داد و الواح را نیفکند و چون رفتارشان عیان دید الواح را بیفکند و بشکست.

۲۳۱۴ لیس الخلف أن يعد الرجل و فی نیته أن یفی و لكنّ خلف
وعده آن نیست که مرد وعده دهد و در دل دارد وفا کند

۲۳۱۵ الخلف أن يعد الرجل و في نيّته أن لا يفي.

بلکه خلف آنست که مرد وعده کند و در دل دارد که وفا نکند.

۲۳۱۶ ليس الشديد بالصّرعة إنّما الشديد الذي يملك نفسه عند

الغضب.

نیرومندی بکشتی گرفتن نیست نیرومند آنکس است که هنگام
خشم خویشتن دار است.

۲۳۱۷ ليس الغنى عن كثرة العرض و لكنّ الغنى غنى النفس.

بی نیازی بفرآوانی مال نیست بی نیازی حقیقی بی نیازی ضمیر
است.

۲۳۱۸ ليس المؤمن الذي لا يأمن جاره بوائقه.

هر که همسایه اش از شرش در امان نیست مؤمن نیست.

۲۳۱۹ ليس المؤمن الذي يشبع و جاره جائع إلى جنبه.

هر که سیر باشد و همسایه اش پهلوی وی گرسنه باشد مؤمن

نیست.

۲۳۲۰ لیس المؤمن بالطَّعَان و لا اللَّعَان و لا الفاحش و لا البذیء

مؤمن طعنه زن و لعنتگر و بد گو و بد زبان نیست.

۲۳۲۱ لیس المسکین الذی يطوف على الناس فیرده اللّقه و

اللّقتان و التّمرة و التّمرتان و لكنّ المسکین الذی لا يجد غنی

یغنیه و لا یعطی له فیتصدّق علیه و لا یقوم فیسأل

مستمند آن نیست که میان مردم رود و یک لقمه یا دو لقمه و یک

خرما یا دو خرما بدو رسد بلکه مستمند آنست که چیزی ندارد و

بدو توجه نکنند که صدقه اش دهند و برای سؤال نخیزد.

۲۳۲۲ لیس أحد أحبّ إلیه المدح من الله و لا أحد أكثر معاذیر من

الله.

هیچکس ستایش را بیش از خدا دوست ندارد و هیچ کس بیش از

خدا عذر نپذیرد.

۲۳۲۳ لیس أحد من أمتی یعول ثلاث بنات أو ثلاث أخوات

فیحسن إلیهنّ إلاّ کنّ له سترا من النار.

هیچ کس از امت من نیست که سه دختر یا سه خواهر را تکفل کند و با آنها نیکی کند مگر که آنها حجاب وی از جهنم باشند.

۲۳۲۴ لیس أحد منکم بأکسب من أحد قد کتب الله المصیبه و

الأجل و قسم المعیشه و العمل

هیچ کس از دیگری بکسب تواناتر نیست که خدا مصیبت و مرگ را رقم زده و معیشت و کار را تقسیم کرده است.

۲۳۲۵ لیس أسرع عقوبه من بغی

عقوبتی از عقوبت ظلم سریعتر نیست.

۲۳۲۶ لیس بمؤمن مستکمل الإیمان من لم یعد البلاء نعمه و الرّخاء

مصیبه.

هر که بلا را نعمت و فراوانی را مصیبت نداند ایمان وی کامل نیست.

۲۳۲۷ لیس بحکیم من لم یعاشر بالمعروف من لا بدّ له من معاشرته
حتّی یجعل الله له من ذلک مخرجا.

هر کس با آنکه از معاشرت وی ناچار است بنیکی معاشرت نکند
تا خدا فرجی برای او پیش آرد خردمند نیست.

۲۳۲۸ لیس بخیر کم من ترک دنیاہ لآخرته و لا آخرته للدّنیّا حتّی
یصیب منهما جمیعا فإنّ الدّنیّا بلاغٌ إلى الآخرة و لا تكونوا کلاً علی
النّاس.

بهترین شما آن نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود
واگذارد و نه آخرت خویش را برای دنیا واگذارد تا از هر دو
بهره گیرد که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است و سربار مردم
نباشید.

۲۳۲۹ لیس بعد الموت مستعتب.
پس از مرگ عذر پذیری نیست.

۲۳۳۰ لیس بکذاب من أصلح بین اثنین فقال خیرا أو نمی خیرا.
 هر که میان دو تن اصلاح دهد و خیری گوید یا خیری نسبت دهد
 دروغگو نیست.

۲۳۳۱ لیس بین العبد و الشرک إلا ترک الصلّاء فإذا ترکها فقد
 أشرک.

میان بنده و شرک جز ترک نماز فاصله نیست و چون نماز را
 ترک کند مشرک است.

۲۳۳۲ لیس شیء أثقل فی المیزان من الخلق الحسن.
 در میزان اعمال، چیزی سنگین تر از خوی نیک نیست.

۲۳۳۳ لیس شیء أطیع الله فيه أعجل ثوابا من صلّة الرّحم و لیس
 شیء أعجل عقابا من البغی و قطیعة الرّحم و الیمین الفاجرة تدع
 الدّیار بلاقع.

پاداش هیچ کاری که بوسیله آن اطاعت خدا کند سریعتر از پیوند
 خویشان نیست و عقاب هیچ کاری سریعتر از ظلم و بریدن

خویشان نیست و قسم نادرست دیار را ویران می نهد.

۲۳۳۴ لیس شیء اکرم علی الله تعالی من المؤمن.

هیچ چیز نزد خدای والا گرامی تر از مؤمن نیست.

۲۳۳۵ لیس شیء اکرم عند الله من الدعاء.

هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از دعا نیست.

۲۳۳۶ لیس شیء خیرا من ألف مثله إلا الإنسان.

جز انسان هیچ چیز بهتر از هزار مثل خود نیست.

۲۳۳۷ لیس شیء من الجسد إلا و هو یشکو ذرب اللسان.

هیچ عضوی نیست مگر از آزار زبان شکایت دارد.

۲۳۳۸ لیس عدوک الذی إن قتلته کان لک نورا و إن قتلک

دخلت الجنة و لكن أعدی عدوک ولدک الذی خرج من صلبک

ثم أعدی عدو لک مالک الذی ملکت یمینک.

دشمن تو آن نیست که اگر او را بکشی نور تو خواهد شد و اگر ترا بکشد بهشت میروی بلکه بدترین دشمن تو فرزند تو است که از صلب تو در آمده و باز بدترین دشمن تو مال تو است که مالک آن شده‌ای.

۲۳۳۹ لیس فی الجنّة شیء ممّا فی الدّیّا إلّا الأسماء.

در بهشت از آنچه در دنیا هست چیزی نیست، مگر بنام.

۲۳۴۰ لیس لأحد علی أحد فضل إلّا بالدّین أو عمل صالح.

هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر بوسیله دین یا عمل شایسته.

۲۳۴۱ لیس للدّین روّاد إلّا القضاء و الوفاء و الحمد.

دین طلایه دار ندارد مگر وظیفه شناسی و وفا و حمد.

۲۳۴۲ لیس للمرأة أن تنتهک شیئا من مالها إلّا بإذن زوجها.

زن حق ندارد چیزی از مال خود را بی اجازه شوهرش ببخشد.

۲۳۴۳ لبس لفاسق غیبه.

غیبت فاسق ناروا نیست.

۲۳۴۴ لیس لك من مالک إلا ما أکلت فافیت أو لبست فأبلیت أو

تصدقت فأمضیت

از مال خویش بهره نداری جز آنکه بخوری و تمام کنی یا بپوشی
و کهنه کنی یا صدقه کنی و ادا کنی.

۲۳۴۵ لیس من أخلاق المؤمن التملق و لا الحسد إلا فی طلب العلم.

تملق و حسد بر مؤمن روا نیست مگر در طلب علم.

۲۳۴۶ لیس من المروّة الربح علی الإخوان.

از برادران سود بردن با جوان مردی سازگار نیست.

۲۳۴۷ لیس من خلق المؤمن الملق

تملق از اخلاق مؤمن نیست.

۲۳۴۸ لیس منّا من تشبّه بغیرنا.

هر که بغیر ما مانند شود از ما نیست.

۲۳۴۹ لیس منّا من غشّ مسلما أو ضرّه أو ما کره.

هر که با مسلمانی تقلب کند یا باو ضرر رساند یا با وی حيله کند از ما نیست.

۲۳۵۰ لیس منّا من لم يتغنّ بالقرآن

هر که قرآن به آهنگ نخواند از ما نیست.

۲۳۵۱ لیس منّا من لم یوقّر الکبیر و یرحم الصّغیر و یأمر

بالمعروف و ینه عن المنکر.

هر که بزرگتر را محترم ندارد و به کوچکتر رحم نکند و به نیکی و ا ندارد و از بدی باز ندارد از ما نیست.

۲۳۵۲ لیس منّا من وسع الله علیه ثمّ قتر علی عیاله.

هر کس خدا بدو گشایش دهد و باز بر عیال خود سخت گیرد از

ما نیست.

۲۳۵۳ لیس منی إلا عالم أو متعلم.

هیچ کس از من نیست بجز دانشمند یا دانش آموز.

۲۳۵۴ لیغشین اُمّتی من بعدی فتن کقطع اللیل المظلم، یصبح الرجل

فیها مؤمنا و یمسی کافرا، یبیع أقوام دینهم بعرض من الدّنیّا قلیل.

پس از من اتمم را فتنه ها خواهد گرفت چون پاره های شب
تاریک که در اثنای آن مرد به صبح مؤمن است و بشب کافر شود
و کسانی دینشان را بمال نا چیز دنیا فروشنند.

۲۳۵۵ لیکف الرجل منکم کزاد الرّاكب.

هر یک از شما باندازه توشه مسافری اکتفا کند.

۲۳۵۶ لیکن بلاغ أحدکم من الدّنیّا زاد الرّاكب.

بهره هر کدامتان از این دنیا چون توشه مسافر باشد.

۲۳۵۷ لینصر الرجل أخاه ظالما أو مظلوما إن كان ظالما فينهيهِ فإنّه
له نصره و إن كان مظلوما فينصره.

مرد باید برادر خویش را یاری کند چه ستمگر باشد چه ستم دیده
 اگر ستمگر باشد او را باز دارد که این بمنزله یاری کردن اوست و
 اگر ستمدیده باشد یاریش کند.

۲۳۵۸ ألّباس يظهر الغنى و الدّهن يذهب البوس و الإحسان إلى
المملوك يكبت الله به العدوّ.

لباس غنا را نمایان می کند و روغن خشبو فقر را می برد و نیکی با
 مملوک مایه سر شکستگی دشمن شود.

۲۳۵۹ ألّهو فی ثلاث: تأديب فرسك، و رميك بقوسك و
ملاعبتك أهلك.

بازی در سه چیز رواست اسبت را تربیت کنی و با کمان خود تیر
 اندازی کنی و با همسر خویش ملاعبه کنی.

۲۳۶۰ لیّ الواجد يحلّ عرضه و عقوبته.

سختگیری مرد دارا آبروی وی را بازیچه و عقوبت وی را آسان می کند.

۲۳۶۱ لا أجر إلا عن حسبه و لا عمل إلا بنیه.

پاداش در مقابل خلوص است و عمل به نیت وابسته است.

۲۳۶۲ لا أشتري شيئاً ليس عندي ثمنه.

چیزی که قیمت آن را ندارم نمی خرم.

۲۳۶۳ لا إيمان لمن لا أمانة له.

هر که امانت ندارد ایمان ندارد.

۲۳۶۴ لا إيمان لمن لا أمانة له و لا دين لمن لا عهد له.

هر که امانت ندارد ایمان ندارد و هر که پیمان نگه ندارد دین ندارد.

۲۳۶۵ لا بأس بالغنى لمن اتقى و الصّحة لمن اتقى خير من الغنى و

طیب النفس من النّعم .

هر که پرهیزگاری کند اگر ثروتمند باشد باک نیست و برای
پرهیزگار صحت از ثروت بهتر است و آسایش ضمیر از جمله
نعمتهاست.

۲۳۶۶ لا تخرقنّ علی أحد سترًا.

پرده هیچ کس را مدر.

۲۳۶۷ لا تخیفوا أنفسکم بالدّین.

خوشتن را از دین مترسانید.

۲۳۶۸ لا تدعنّ حقّا لغد فإنّ لكلّ یوم ما فیه.

کاری را برای فردا مگذار که هر روزی تکالیف خویش را دارد.

۲۳۶۹ لا تذهب حبیبتا عبد فیصبر و یحتسب إلّا دخل الجنّة.

بنده ای که دو چشم خویش از دست بدهد و صبر کند و برضای
خدا قانع شود ببهشت می رود.

۲۳۷۰ لا تَأْلُوا عَلَى اللَّهِ فَإِنَّهُ مَنْ تَأَلَّى عَلَى اللَّهِ أَكْذَبَهُ اللَّهُ.

بخدا سوگند نخورید که هر که بخدا سوگند خورد خدا او را تکذیب کرد.

۲۳۷۱ لا تَبَاغُضُوا وَ لَا تَدَابُرُوا وَ لَا تَنَافِسُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ

إِخْوَانًا.

دشمنی نکنید، از هم روی مگردانید همچشمی مکنید بندگان خدا برادران باشید.

۲۳۷۲ لا تَجَارِ أَخَاكَ وَ لَا تَشَارَّهُ وَ لَا تَمَارَهُ.

با برادر خویش مماطله مکن و با او دشمنی مکن و حيله گری مکن.

۲۳۷۳ لا تَجْتَمِعْ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكَذِبُ.

دو صفت در مؤمن فراهم نشود بخل و دروغ.

۲۳۷۴ لا تَجْلِسُوا بَيْنَ رَجُلَيْنِ إِلَّا بِإِذْنِهِمَا.

میان دو کس جز با جازه آنها منشینید.

۲۳۷۵ لا تجنی علی المرء إلا یده.

مرد جز از دست خویش بدی نمی بیند.

۲۳۷۶ لا تجوز شهادة بدوی علی صاحب قریة.

شهادت بادیه نشین برده نشین روا نیست.

۲۳۷۷ لا تحاسدوا و لا تناجشوا و لا تباغضوا و لا تدابروا و کونوا

عباد الله إخوانا و لا تكونوا عیّابین و لا مدّاحین و لا طعّانین.

حسد نورزید و در معامله بالا دست هم نزنید، دشمنی نکنید، راه
خلاف مپوئید، بندگان خدا! برادران باشید عیبجو و مدحگو و
طعنه زن مباشید.

۲۳۷۸ لا تحقرنّ من المعروف شیئا و لا تواعد علی أخیک موعدا

فتخلفه.

هیچ کار نیکی را حقیر مشمار با برادر خود خلف وعده مکن.

۲۳۷۹ لا تحلف بالله كاذبا و لا صادقا من غير ضرورة و لا تجعل
 الله عرضة ليمينك فإن الله لا يرحم و لا يرعى من حلف باسمه
كاذبا.

بی جهت بخدا راست یا دروغ قسم مخور و خدا را وسیله قسم
 خویش مکن که خدا کسی را که بنام وی بدروغ قسم خورد
 رحمت و رعایت نمی کند.

۲۳۸۰ لا تسبوا الدهر فإن الله هو الدهر.
 روزگار را دشنام مدهید که خدا همو روزگار است.

۲۳۸۱ لا تسبوا الشیطان و تعوذوا بالله من شره.
 شیطان را دشنام مگوئید و از شر وی بخدا پناه برید.

۲۳۸۲ لا تستبطوا الرزق فإنه لم یکن عبد لیموت حتی یبلغه آخر
 رزق هو له، فاتقوا الله و أجملوا فی الطلب: أخذ الحلال و ترک
الحرام.

مپندارید که روزی تان دیر می رسد که هیچ بنده ای نمیرد تا
آخرین بهره روزی او برسد، از خدا بترسید و در طلب ملایمت
کنید (ملایمت در طلب) گرفتن حلال و رها کردن حرام است .

۲۳۸۳ لا تردّوا السّائل و لو بشقّ تمرّة.

چیزی به سائل بدهید و گر چه نصف خرما باشد.

۲۳۸۴ لا ترضینّ أحدا بسخط الله و لا تحمدنّ أحدا علی فضل الله

و لا تذمّنّ أحدا علی ما لم یؤتک الله فإنّ رزق الله لا یسوقه إلیک

حرص حریص و لا تردّه عنک کراهه کاره .

رضایت هیچ کس را با خشمگین کردن خدا مجوی و هیچ کس را
بواسطه تفضلی که خدا کرده ستایش مگوی و هیچکس را برای
آنچه خدا بتو نداده مذمت مکن که روزی خدا را حرص حریص
سوی تو نمی کشاند و نا رضایت نارضائی آن را از تو دور نمی
کند

۲۳۸۵ لا تروعوا المسلم فإنّ روعة المسلم ظلم عظیم.

مسلمان را مترسانید که ترسانیدن مسلمان ستمی بزرگ است.

۲۳۸۶ لا تزال المسئلة بأحدكم حتى يلقي الله و ما فى وجهه مزعة

لحم.

هر که پیوسته به سؤال کوشد به پیشگاه خدا رود و قطعه گوشتی در چهره او نباشد.

۲۳۸۷ لا تزال طائفة من أمتى على الحق ظاهرين حتى يأتى أمر

الله.

پیوسته گروهی از امت من بر حق استوار باشند تا فرمان خدا بیاید.

۲۳۸۸ لا تزال نفس الرجل معلقة بدینه حتى يقضى عنه.

جان مرد (پس از مرگ) پیوسته بقرض وی آویخته است تا قرض وی ادا شود.

۲۳۸۹ لا تزوجنّ عجوزا و لا عاقرا فإنّی مكاثر بكم الامم.

با زن پیر و نازا ازدواج مکنید که از فزونی شما بر امتهای دیگر
تفاخر می کنم.

۲۳۹۰ لا تسأل الناس شیئا و لا سوطک إن سقط منك حتی تنزل
إليه فتأخذه.

از مردم چیزی نخواه، اگر تازیانه‌ات افتاد، فرود آی و آن را
بردار.

۲۳۹۱ لا تسبوا الأموات فإنهم قد أفضوا إلى ما قدّموا.
مردگان را دشنام مدهید که آنها باعملی که از پیش فرستاده اند
رسیده‌اند.

۲۳۹۲ لا تسبوا الأموات فتوذوا الأحياء.
مردگان را دشنام مدهید که زندگان آزرده شوند.

۲۳۹۳ لا تشربوا الخمر فإنها مفتاح کل شرّ.
شراب منوشید که کلید همه بدی هاست.

۲۳۹۴ لا تشغلوا قلوبکم بذکر الدّٰیّٰا.

دل‌های خویش را بذکر دنیا مشغول مدارید.

۲۳۹۵ لا تصاحب إلاّ مؤمنا و لا یأکل طعامک. إلاّ تقیّ

جز با مؤمن مصاحبت مکن و غذای ترا جز پرهیزگار نخورد.

۲۳۹۶ لا تصحبنّ أحدا لا یری لک کمثل ما تری له.

با کسی که ترا همسنگ خود نداند مصاحبت مکن.

۲۳۹۷ لا تصلح الصّنیعة إلاّ عند ذی حسب أو دین.

نکوئی جز پیش شریف و دیندار بثمر نمی رسد.

۲۳۹۸ لا تضربوا إماءکم کسر إنائکم فإنّ لها أجلا کآجال النّاس.

کنیزان خویش را برای شکستن ظرف‌هایتان مزید که ظرف‌ها را نیز مثل مردمان اجل‌هاست.

۲۳۹۹ لا تضعوا الحکمۃ عند غیر أهلها فتظلموها و لا تمنعوها أهلها
فتظلموهم.

حکمت بنا اهل مسپارید که بدان ستم میکنید و از اهلش باز ندارید
 که به آنها ستم میکنید.

۲۴۰۰ لا تطعموا المساکین ممّا لا تأکلون.
 آنچه خودتان نمیخورید به مستمندان مخورانید.

۲۴۰۱ لا تطلّقوا النساء إلّا من ربه فإنّ الله لا يحبّ الذّواقین و لا
الذّواقات .

زنان را جز در نتیجه بد گمانی طلاق مدهید که خدا مردان بسیار
 زن گیر و زنان بسیار شوهر گیر را دوست ندارد.

۲۴۰۲ لا تظهر الشّماتۃ لأخیک فیعافیه الله و یتلیک.
 برادر خویش را شماتت مکن که خدا او را معاف دارد و ترا مبتلا
 کند.

۲۴۰۳ لا تعجبوا بعمل عامل حتى تنظروا به يختم له.

از کار هیچکس شگفتی مکنید تا بنگرید عاقبت آن چه می شود

۲۴۰۴ لا يعجبكم إسلام رجل حتى تعلموا كنه عقله.

مسلمانی مردی شما را بشگفت نیارد تا کنه عقل وی بدانید.

۲۴۰۵ لا تغتابوا المسلمين ولا تتبعوا عوراتهم.

غیبت مسلمانان مکنید و در جستجوی عیوب آنها نباشید.

۲۴۰۶ لا تغضب فإن الغضب مفسدة

خشمگین مشو که خشم مایه فساد است.

۲۴۰۷ لا تقوم الساعة إلا على شرار الناس.

قیامت بپا نشود مگر بر اشرار خلق.

۲۴۰۸ لا تقوم الساعة حتى تقل الرجال و تكثر النساء.

قیامت بپا نشود تا وقتی مردان کم و زنان بسیار شوند.

۲۴۰۹ لا تقوم الساعة حتى تكون الولد غيظا و تفيض اللّثام فيضا
و تفيض الكرام غيضا و يجترى الصّغير على الكبير و اللّثيم على
الكریم.

قیامت به پا نشود تا وقتی فرزند مایه خشم شود و لثیمان فراوان
شوند و کریمان کمیاب کردند و کوچک بر بزرگ جسارت ورزد
و لثیم بر کریم جری شود.

۲۴۱۰ لا تقوم الساعة حتى يكون الزّهد و الورع تصنّعا.
قیامت بپا نشود تا وقتی که زهد و تقوی ساختگی باشد.

۲۴۱۱ لا تقوم الساعة حتى يكون أسعد الناس في الدّنيا لكع ابن
لكع.

قیامت بپا نشود تا خوشبختترین مردم جهان فرومایه پسر فرومایه
باشد.

۲۴۱۲ لا تقوم الساعة حتى يمرّ الرّجل بقبر الرّجل فيقول يا ليتني

مکانه.

قیامت به پا نشود تا مرد بقبر دیگری بگذرد و گوید کاش بجای
او بودم.

۲۴۱۳ لا تكثر الضحك فإن كثرة الضحك تميت القلب.

خنده بسیار مکن که خنده بسیار دل را بمیراند.

۲۴۱۴ لا تكثر همك ما قدر يكن و ما ترزق يأتك.

غم بسیار مخور که آنچه مقدر است می شود و آنچه روزیت کرده
اند بتو می رسد.

۲۴۱۵ لا تكرهوا البنات فإنهنّ المونسات.

دختران را مکروه مدارید که آنها مایه انسند.

۲۴۱۶ لا تكلفوا للضيف.

برای مهمان تکلف مکنید.

۲۴۱۷ لا تکن ممن یشدّ علی الناس و یخفّف علی نفسه.

از آن کسان مباش که بر مردم سخت و با خویش آسان گیرند.

۲۴۱۸ لا تکن زاهدا حتّی تکن متواضعا.

تا متواضع نباشی زاهد نباشی.

۲۴۱۹ لا تمارّ أخاک و لا تمازحه و لا تعدّه فتخلفه.

با برادر خویش حيله مکن و با او مزاح مکن و با او خلف وعده مکن.

۲۴۲۰ لا تمزح فیذهب بهاؤک و لا تکذب فیذهب نورک.

مزاح مکن که رونقت ببرد و دروغ مگو که روشنیت برود.

۲۴۲۱ لا تمسح یدک بثوب من لا تکسوه.

دست خویش بجامه کسی که او را نمی پوشانی خشک مکن.

۲۴۲۲ لا تمنعنّ أحدکم مهابة الناس أن یقوم بالحقّ إذا علمه.

ترس مردم شما را از رعایت حقّی که میدانید باز ندارد.

۲۴۲۳ لا تمیتوا القلوب بکثرة الطّعام و الشرّاب فإنّ القلب یموت
کالزّرع إذا کثر علیه الماء.

دلّهای خویش را بکثرت خوردن و نوشیدن نمی رانید که دل چون
زراعت است وقتی آب آن زیاد شد خواهد مرد.

۲۴۲۴ لا تنزع الرّحمة إلّا من شقیّ.
رحم را نگیرند مگر از بدبخت.

۲۴۲۵ لا حلیم إلّا ذو عثرة و لا حکیم إلّا ذو تجربة.
آنکه لغزش نکرده بردبار نیست آنکه تجربه نیندوخته خردمند
نیست.

۲۴۲۶ لا خیر لک فی صحبة من لا یری لک ما یری لنفسه.
در مصاحبت کسی که ترا همسنگ خود نداند خیری نیست.

۲۴۲۷ لا خیر فی صحبۃ من لا یری لک من الحقّ مثل ما تری له.

در مصاحبت کسی که حقی برای او قائلی و نظیر آنرا برای تو قائل نیست خیری نیست.

۲۴۲۸ لا خیر فی مال لا یزراء منه و جسد لا ینال منه.

در مالی که آفت بدان نرسد و تنی که مصیبت نه‌بند خیری نیست.

۲۴۲۹ لا خیر فیمن لا یضیف.

آنکه مهمان نپذیرد خیری در او نیست.

۲۴۳۰ لا دین إلاّ بمروّة.

دین جز بجوانمردی قوام نمی‌گیرد.

۲۴۳۱ لا دین لمن لا عهد له.

هر که پیمان نگاه ندارد دین ندارد.

۲۴۳۲ لا سهل إلا ما جعلت سهلاً.

هر چه آسان گیری آسان گذرد

۲۴۳۳ لا شيء أحقّ بالسّجن من اللّسان.

هیچ چیز بزندان شدن شایسته تر از زبان نیست.

۲۴۳۴ لا شيء أغیر من الله.

هیچکس غیرتمندتر از خدا نیست.

۲۴۳۵ لا صدقة و ذو رحم محتاج.

اگر خویشاوندی محتاج هست صدقه دادن روا نیست.

۲۴۳۶ لا طاعة لأحد فی معصية الله إنّما الطّاعة فی المعروف.

اطاعت هیچکس در معصیت خدا روا نیست اطاعت فقط در کار نیک است.

۲۴۳۷ لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق.

اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست.

۲۴۳۸ لا عقل کالتدبیر و لا ورع کالكفّ و لا حسب کحسن الخلق.

عقلی مانند تدبیر نیست و تقوائی چون خویشتن داری نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست.

۲۴۳۹ لا فقر أشدّ من الجهل و لا مال أعود من العقل و لا وحدة

أوحش من العجب و لا حسب کحسن الخلق و لا عبادة مثل التّفکر.

فقری سختتر از نادانی نیست و مالی سودمندتر از خرد نیست تنهائی ای موحشر از خودپسندی نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست و عبادتی چون تفکر نیست.

۲۴۴۰ لا مظاهره أوثق من المشاورة و لا إيمان کالحياء.

تعاونی بهتر از مشورت نیست و ایمانی چون حیا نیست.

۲۴۴۱ لا فاقة لعبد یقرء القرآن و لا غنی له بعده.

بنده‌ای که قرآن خواند فقیر نشود و او را بالاتر از قرآن بی نیازی

ای نیست.

۲۴۴۲ لا کبیره مع استغفار و لا صغیره مع إصرار.

با استغفار هیچ گناهی کبیره نیست و با اصرار هیچ گناهی صغیره نیست.

۲۴۴۳ لا ندم من إستشار و لا إفتقر من إقتصد.

هر که مشورت کند پشیمان نشود و هر که میانه روی کند فقیر نگردد.

۲۴۴۴ لا نعلم شیئا خیرا من ألف مثله إلاّ الرّجل المؤمن.

بجز مرد مؤمن چیزی را نمی شناسیم که از هزار مثل خویش بهتر باشد.

۲۴۴۵ لا همّ إلاّ همّ الدّین و لا وجع إلاّ وجع العین.

غمی چون غم قرض نیست و دردی چون درد چشم نیست.

۲۴۴۶ لا هجره بعد الفتح.

پس از فتح (مکه) هجرت نیست.

۲۴۴۷ لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه.

هیچکس از شما مؤمن نباشد تا هر چه برای خویش می خواهد
برای برادر خویش بخواهد.

۲۴۴۸ لا يؤمن عبد حتى يحب لنفسه من الخير ما يحب لأخيه

المسلم.

بنده ای مؤمن نباشد تا هر چیزی برای خویش می خواهد برای
برادر مسلمان خویش بخواهد.

۲۴۴۹ لا يبغي على الناس إلا ولد بغيّ و إلا من فيه عرق منه.

بر مردم ستم نکند جز فرزند زنا کار یا کسی که رگی از زنا کار
دارد.

۲۴۵۰ لا يبلغ العبد أن يكون من المتّقين حتى يدع ما لا بأس به

حذرا لما به البأس.

بنده بمقام پرهیزگاری نرسد تا از آنچه مباح است از بیم آنچه مباح نیست، صرفنظر کند.

۲۴۵۱ لا يبلغ العبد حقيقة الإيمان حتى يحزن من لسانه.

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا زبان خویش نگهدارد.

۲۴۵۲ لا يبلغ العبد حقيقة الإيمان حتى يعلم أن ما أصابه لم يكن

ليخطئه و ما أخطاه لم يكن ليصيبه.

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا بداند که آنچه بدو رسیده نمیشد نرسد و آنچه بدو نرسیده نمیشد برسد.

۲۴۵۳ لا يتجالس قوم إلا بالأمانة

هیچ گروهی جز به اعتماد متبادل مجالست نتواند کرد.

۲۴۵۴ لا يتكلفن أحد لضعفه ما لا يقدر.

هیچکس نباید آنچه را قدرت ندارد بتکلف برای مهمان فراهم کند.

۲۴۵۵ لا يتمنى أحدكم الموت أمّا محسنا فلعله يزاد و أمّا مسيئا
فلعله يستعتب.

هیچ یک از شما آرزوی مرگ نکند اگر نکو کار است شاید نیکی
فزون کند و اگر بد کار است شاید راه رضا سپرد.

۲۴۵۶ لا يتمنين أحدكم الموت لضرّ نزل به.

هیچکس نباید از مشقتی که بدو رسیده آرزوی مرگ کند.

۲۴۵۷ لا يجلس الرجل بين الرجل و ابنه في المجلس.

مرد نباید در مجلس میان دیگری و فرزندش بنشیند.

۲۴۵۸ لا يحتكر إلاّ خاطي.

جز خطاکار احتکار نمی کند.

۲۴۵۹ لا يحلّ الصدقة لغنيّ و لا لذي مرّة قويّ.

صدقه گرفتن بر غنی روا نیست و نیز برای آنکه طبعی نیرومند

دارد.

۲۴۶۰ لا يحلّ لمسلم أن يروّع مسلماً.

روا نیست که مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند.

۲۴۶۱ لا يحملنكم إستبطاء أمر على إستعجاله فإنّ الله عزّ و جلّ لا

يعجل بعجله أحد .

تصور تأخیر کاری وادارتان نکند که آن را بشتاب خواهید که
خدای عز و جل از عجله کسی عجله نمی کند.

۲۴۶۲ لا يخلون رجل بامرأة فإنّ ثالثهما الشّيطان.

مرد نباید با زن بخلوت نشیند که سومی شان شیطان است.

۲۴۶۳ لا يدخل الجنّة إلاّ رحيم.

هر که رحم ندارد بهشت نرود

۲۴۶۴ لا يدخل الجنّة خبّ و لا بخيل.

حيله گر و بخیل ببهشت نمی روند.

۲۴۶۵ لا یدخل الجنّة سیّء الملكة

بدخوی ببهشت نمی رود.

۲۴۶۶ لا یدخل الجنّة عبد لا یأمن جاره بوائقه.

بنده ای که همسایه از شرش در امان نباشد ببهشت نمی رود.

۲۴۶۷ لا یدخل الجنّة قاطع رحم.

هر که پیوند خویشان ببرد ببهشت نرود.

۲۴۶۸ لا یدخل الجنّة قتات.

دروغ زن ببهشت نمی رود.

۲۴۶۹ لا یرحم الله من لا یرحم الناس.

خدا بکسی که بمردم رحم نکند رحم نمی کند.

۲۴۷۰ لا یرد الرجل هدیة أخیه فإن وجد فلیکافئه.

هیچکس نباید هدیه برادرش را رد کند اگر توانست عوض آن دهد.

۲۴۷۱ لا یرد القضاء إلاّ الدعاء و لا یزید فی العمر إلاّ البرّ.

قضا جز بدعا دفع نشود و چیزی جز نیکوکاری عمر را افزون نکند.

۲۴۷۲ لا یزال العبد فی صلوّة ما انتظر الصلوة.

بنده مادام که منتظر نماز است در حال نماز است.

۲۴۷۳ لا یزال المسروق منه فی تهمة من هو بریء منه حتی یكون

أعظم جرما من السارق

دزد زده آنقدر کسانی را که از دزدی بی خبرند تهمت می زند که گناه او از دزد بیشتر می شود .

۲۴۷۴ لا یزداد الأمر إلاّ شدة و لا الدّنيا إلاّ إدبارا و لا الناس إلاّ

شَحّا.

در کارها جز سختی نمیافزاید و دنیا جز به ادبار نمی گراید و
مردم پیوسته بخیلتر می شوند .

۲۴۷۵ لا یستر عبد عبدا فی الدّٰیّا إلّا ستره الله یوم القیمه.

هر بنده ای که در دنیا برای دیگری راز پوشی کند، روز قیامت
خدا راز پوش وی شود.

۲۴۷۶ لا یستقیم ایمان عبد حتّٰی یستقیم قلبه و لا یستقیم قلبه حتّٰی

یستقیم لسانه.

ایمان بنده به استقامت نیاید تا قلب وی به استقامت گراید و قلب
وی به استقامت نگراید تا زبان وی به استقامت آید.

۲۴۷۷ لا یستکمل أحدکم حقیقه الإیمان حتّٰی یخزن لسانه.

هیچکس از شما حقیقت ایمان را کامل نکند مگر آنکه زبان
خویش نگهدارد.

۲۴۷۸ لا يستكمل العبد الإيمان حتى يكون فيه ثلاث خصال

الإنفاق من الإقتار و الإنصاف من نفسه و بذل السّلام.

تا سه صفت در بنده ای نباشد ایمان وی کامل نشود صدقه دادن در تنگ دستی و انصاف دادن به ضرر خویش و سلام بسیار کردن.

۲۴۷۹ لا يشبع المؤمن دون

جاره مؤمن نباید بدون همسایه خود سیر شود.

۲۴۸۰ لا يشبع عالم من علمه حتى يكون منتهاه الجنّة.

عالم از علم خویش سیر نگردد تا سرانجام بهشت رسد.

۲۴۸۱ لا يشكر الله من لا يشكر الناس.

هر که شکر مردم ندارد شکر خدا نگزارد.

۲۴۸۲ لا يصلح الملق إلا للوالدين و الإمام العادل لا تصلح الصّنیعة

إلا عند ذی حسب أو دین.

تملق گفتن جز از پدر و مادر و پیشوای عادل روا نباشد و نکوئی
جز پیش شرافتمند و دیندار بشمر نرسد.

۲۴۸۳ لا یغنی حذر عن قدر.

احتیاط چاره تقدیر نمی کند.

۲۴۸۴ لا یفتک مؤمن.

مؤمن بکمین خون کس نریزد.

۲۴۸۵ لا یفلح قوم تملکهم إمرأه

گروهی که زمامدارشان زن است رستگاری نبینند.

۲۴۸۶ لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین.

مؤمن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود.

۲۴۸۷ لا یقبل ایمان بلا عمل و لا عمل بلا ایمان.

ایمان بی عمل و عمل بی ایمان پذیرفته نیست.

۲۴۸۸ لا يموتنّ أحد إلاّ و هو يحسن الظنّ بالله.

هر که می میرد باید بخداوند خوش گمان باشد.

۲۴۸۹ لا ينبغي لذي الوجهين أن يكون أمينا عند الله.

دو رو نزد خدا مورد اعتماد نیست.

۲۴۹۰ لا ينبغي للصديق أن يكون لعانا.

سزاوار نیست که مرد راستی پیشه لعنت گر باشد.

۲۴۹۱ لا ينبغي لمؤمن أن يذلّ نفسه.

شایسته مؤمن نیست که خویشتن را خوار کند.

۲۴۹۲ لا يهلك الناس حتّى يعذروا من أنفسهم.

مردم هلاک نمی شوند مگر وقتی که حجت بر ایشان تمام شود.

۲۴۹۳ لا يهوى الضالّ إلاّ ضالّ.

گمراه را بجز گمراه دوست ندارد.

حرف م

۲۴۹۴ ما وقى به المرء عرضه كتب له به صدقة.

بعوض چیزی که انسان آبروی خویش بدان محفوظ دارد برای او صدقه‌ای نویسند.

۲۴۹۵ ما كانت فرحة إلاّ تبعثها ترحه.

مسرتی نیست که کدورتی به دنبال نداشته باشد.

۲۴۹۶ ما مثلى و مثل الدنيا إلاّ كراكب قال فى ظلّ شجرة فى يوم

حارّ ثمّ راح و تركها

حکایت من و دنیا چون سواری است که روز گرمی در سایه
درختی بنخوابد آنگاه برود و آن را بگذارد

۲۴۹۷_ ما من عبد یسترغیه الله رعیۃ ثم یموت یوم یموت غاشا
لرعیته إلاّ حرّم الله علیه الجنّة.

هر بنده ای که خدا رعیتی را به رعایت او سپارد و نمیرد و با رعیت خویش فریبکاری کرده باشد خدا بهشت را بر او حرام کند.

۲۴۹۸_ ما من جرعة أحبّ إلى الله من جرعة غیظ کظمها رجل أو
جرعة صبر علی مصیبة و ما من قطرة أحبّ إلى الله من قطرة دمع
أهریقت من خشية الله و قطرة دم أهریقت فی سبیل الله.

هیچ جرعه ای نزد خدا از جرعه خشمی که مردی فرو برد یا جرعه صبری که بر مصیبت نوشد محبوب تر نیست و هیچ قطره ای نزد خدا از قطره اشکی که از ترس خدا ریخته شود یا قطره خونی که در راه خدا ریخته شود محبوبتر نیست

۲۴۹۹_ ما ذئبان ضاریان فی زریبة غنم بأسرع فیها من حبّ الشرف
و المال فی دین المرء المسلم.

دو گرگ گرسنه در آغل برای گوسفندان خطرناکتر از حب جاه و مال برای دین مرد مسلمان نیست

۲۵۰۰ ما طلعت شمس قطّ إلاّ بجنيها ملكان يقولان أللهمّ عجل

لمنفق خلفا و عجل لممسك تلفا.

هر بار که خورشید طلوع می کند دو فرشته از دو سوی آن گویند
خدایا انفاق گر را زودتر عوض ده و بخیل را زودتر آفتی ده.

۲۵۰۱ قال داود إدخالك يدك في فم التّنين إلى أن تبلغ المرفق

فيقصمها خير لك من أن تسأل من لم يكن له شيء ثمّ كان.

داود فرمود اگر دست خویش را تا مرفق بکام اژدر کنی که آنرا
در هم شکند بهتر است تا از تازه بدوران رسیده چیزی بخواهی.

۲۵۰۲ کلّ معروف صدقه.

هر کار نیکی صدقه است.

۲۵۰۳ لا تؤذوا مسلما بستم کافر.

به وسیله بد گفتن به کافری، مسلمانی را آزار نکنید.

۲۵۰۴ لا تتمنوا الموت.

آرزوی مرگ مکنید.

۲۵۰۵ ما ينتظر أحدكم من الدّنيا إلّا غنى مطغيا أو فقرا منسيا أو

مرضا مفسدا أو هرما مفندا أو موتا مجهزا.

از دنیا چه انتظار دارید، جز غنائی که طغیان آرد یا فقری که
نسیان آرد یا مرضی که فساد آرد یا پیری ای که زبونی آرد یا
مرگی که به سرعت از پا در آرد.

۲۵۰۶ ما أسترذل الله عبدا إلّا حطّ عنه العلم و الأدب.

خدا بنده ای را پست نشمارد مگر آنکه علم و ادب را از او فرو
گذارد.

۲۵۰۷ ما أكرم شابّ شيخا لسنّه إلّا قيّض الله عند سنّه من يكرمه.

هر جوانی که پیری را برای سنش گرامی دارد خدا هنگام پیری
وی یکی را بیارد که وی را گرامی دارد.

۲۵۰۸ ما شقی عبد قطّ بمشورة و ما سعد باستغناء برأى.

هیچکس از مشورت بدبخت نشد و از خود رایی خوشبخت نشد.

۲۵۰۹ ما أصرّ من إستغفر و لو عاد فى اليوم سبعين مرّة.

هر که استغفار کند بر گناه اصرار نکرده و اگر چه در یک روز
هفتاد بار بگناه باز گردد .

۲۵۱۰ ما ترک بعدى فتنه أضرّ على الرّجال من النّساء.

پس از من برای مردان فتنه ای زیان انگیز تر از زنان نخواهد بود.

۲۵۱۱ ما ملأ آدمى وعاء شراً من بطن.

انسان ظرفی بدتر از شکم پر نکند.

۲۵۱۲ ما من أحد أفضل عند الله من إمام إن قال صدق و إن حكم

عدل.

هیچکس نزد خدا از پیشوائی که چون گوید راست گوید و چون حکم کند عدالت کند برتر نیست.

۲۵۱۳ ما من حلال أبغض إلى الله من الطلاق.

هیچ حلالی نزد خدا مبغوضتر از طلاق نیست.

۲۵۱۴ ما من رجل من المسلمين أعظم أجرا من وزير صالح مع إمام

يطيعه و يأمره بذات الله .

پاداش هیچ یک از مسلمانان از وزیر شایسته ای که با پیشوائی باشد و او را اطاعت کند و بفرمان خدا و او دارد بزرگتر نیست.

۲۵۱۵ ما عبد الله بشيء أفضل من فقه في الدين.

هیچ عبادتی بهتر از دانا شدن در کار دین نیست.

۲۵۱۶ ما الدنيا في الآخرة إلا كما يجعل أحدكم إصبعه السبابة في

اليمن فلينظر بم يرجع.

دنیا نسبت بآخرت چنانست که یکی تان انگشت بزرگ خویش را
به دریا نهد بنگرد از دریا چه بر میدارد.

۲۵۱۷ ما تقرّب العبد إلى الله بشيء أفضل من سجود خفيّ.

هیچکس بجیزی بهتر از سجده نهان بخدا تقرب نمی جوید.

۲۵۱۸ ما من شيء أطيع الله فيه بأعجل ثوابا من صلّة الرّحم و ما

من عمل يعصى الله فيه بأعجل عقوبة من بغى.

هیچ اطاعتی را که برای خدا کرده باشند زودتر از پیوند خویشان
ثواب ندهند و هیچ معصیتی را زودتر از ستمگری عقاب نکنند.

۲۵۱۹ ما قلّ و كفى خير ممّا كثر و ألهى.

اندکی که کفایت کند بهتر از بسیاری که مایه بطالت شود.

۲۵۲۰ ما نحل والد ولده أفضل من أدب حسن.

هیچ پدری مالی بهتر از ادب نیک بفرزند خود نداده است.

۲۵۲۱ ما من عمل أفضل من إشباع كبد جائع.
هیچکاری بهتر از سیر کردن شکم گرسنه نیست.

۲۵۲۲ ما خالطت الصدقة مالا إلاّ أهلكته.
صدقه بمالی نیامیزد مگر آنرا نابود کند.

۲۵۲۳ ما من مؤمن إلاّ و له ذنب يصيبه الفينة بعد الفينة لا يفارقه
حتّى يفارق الدّنيا .

هیچ مؤمنی نیست مگر گناهی دارد که گاه بگاه آن را مرتکب
شود و از آن دوری نکند تا از دنیا برود.

۲۵۲۴ ما كان الرفق في شيء قطّ إلاّ زانه و ما كان الخرق في
شيء قطّ إلاّ شانه.

مدارا در هر چه باشد آن را زینت دهد و خشونت در هر چه باشد
آن را خوار کند.

۲۵۲۵ ما ستر الله على عبد في الدّنيا ذنبا فيعيّره به يوم القيمة.

وقتی خدا در دنیا گناه بنده ای را بپوشانید در آخرت وی را بدان
سرزنش نخواهد کرد.

۲۵۲۶ ما صَلَّتْ امْرَأَةً صَلَوَةً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ صَلَوَتِهَا فِي أَشَدِّ بَيْتِهَا
ظَلَمَةٍ.

نمازی که زن در تاریکترین گوشه خانه خود کند از همه نماز های
او نزد خدا محبوبتر است .

۲۵۲۷ ما خَابَ مِنْ إِسْتِخَارٍ وَ لَا نَدَمٍ مِنْ إِسْتِشَارٍ وَ لَا آمَنَ بِالْقُرْآنِ
مِنْ إِسْتِحْلٍ مُحَارَمَةٍ.

هر که از خدا خیر جوید نومید نشود و هر که مشورت کند نادم
نگردد و هر که محارم قرآن را حلال شمارد بقرآن ایمان ندارد.

۲۵۲۸ مَا يَصِيبُ الْمُؤْمِنَ وَصَبٌ وَ لَا نَصَبٌ وَ لَا سَقَمٌ وَ لَا أَذَى وَ لَا
حُزْنَ إِلَّا كَفَرَ اللَّهُ بِهِ مِنْ خَطَايَاهُ.

رنج و سختی و مرض و آزاری و غمی بمؤمن نرسد مگر خدا در
قبال آن از گناهان وی محو کند .

۲۵۲۹ ما أعزّ الله بجهل قط و لا أذلّ الله بحلم قطّ.

خدا کسی را به نادانی عزیز ندارد و کسی را ببردباری ذلیل نکند.

۲۵۳۰ ما نقص مال من صدقة و لا عفى رجل عن مظلمة إلاّ زاده

الله بها عزّا.

هیچ مالی از صدقه کاهش نگیرد و هیچکس از مظلمه ای نگذرد
مگر خدا در قبال آن عزت وی بیفزاید .

۲۵۳۱ ما رزق العبد رزقا أوسع عليه من الصّبر.

هیچکس را روزی ای وسیعتر از صبر نداده اند.

۲۵۳۲ ما أنزل الله من داء إلاّ أنزل له شفاء.

خدا مرضی نفرستاده جز آنکه شفائی برای آن فرستاده است.

۲۵۳۳ ما أسترعى الله عبدا رعيّة فلم يحطها بنصحه إلاّ حرّم الله

عليه الجنّة.

وقتی خدا رعیتی را برعایت کسی سپارد و او بلوازم خیر خواهی رعیت قیام نکند خدا بهشت را بر او حرام کند.

۲۵۳۴ ما حسن الله خلق عبد و خلقه إلا استحيا أن يطعم لحمه النار.

وقتی خدا صورت و سیرت بنده ای را نیکو کند شرم دارد که گوشت وی را خوراک آتش کند.

۲۵۳۵ ما أحسن عبد الصدقة إلا أحسن الله الخلافة على تركته

وقتی بنده ای صدقه نیکو دهد خدا سرانجام تر که او را نیکو کند.

۲۵۳۶ ما فتح رجل على نفسه باب مسئلة إلا فتح الله عليه باب فقر.

هیچکس دری از سؤال بروی خود نگشاید مگر خدا دری از فقر بروی او بگشاید.

۲۵۳۷_ ما رأيت مثل النار نام هاربها و لا مثل الجنة نام طالبها.

چون جهنم چیزی ندیدم که گریزنده آن خفته باشد و نه چون بهشت که طالب آن خفته باشد.

۲۵۳۸ ما زان الله عبدا بزينة أفضل من عفاف في دينه و فرجه.

خدا ببنده خویش زینتی بهتر از عفت در دین و عورتش نداده است.

۲۵۳۹ ما عال من إقتصد.

هر که میانه روی کند فقیر نشود.

۲۵۴۰ ما الموت فيما بعده إلا كنطحة عنر.

مرگ نسبت بما بعد آن چون شاخ زدن بز است.

۲۵۴۱ ما أتى الله عالما علما إلا أخذ عليه الميثاق أن لا يكتمه.

خدا بعالمی علم نداده مگر آنکه از او پیمان گرفته که علم خویش را نهان ندارد.

۲۵۴۲ ما اجتمع الرجاء و الخوف في قلب مؤمن إلا أعطاه الله عزّ

و جلّ الرجاء و آمنه الخوف

امید و ترس در دل مؤمن مجتمع نشود جز آنکه خدا عز و جل
امید بدو عطا کند و از بیم ایمنش سازد.

۲۵۴۳ ما أحبّ عبد عبدا لله إلاّ أكرمه ربّه.

وقتی بنده ای بنده دیگر را برای خدا دوست دارد پروردگارش او
را گرامی کند.

۲۵۴۴ ما أحبّ أنّ أحدا تحوّل لي ذهابا يمكث عندي منه دينار

فوق ثلاث إلاّ دينار أرصده لدين.

دوست ندارم که کوه احد برای من مبدل بطلا شود و دیناری از
آن بیش از سه روز نزد من بماند مگر دیناری که برای قرض
ذخیره نگه دارم.

۲۵۴۵ ما أحد أكثر من الربّا إلاّ كان عاقبه أمره إلى قلّة.

هر که ربا فراوان خورد سر انجام او بفقر انجامد.

۲۵۴۶ ما أحسن القصد في الغنى، ما أحسن القصد في الفقر و

أحسن القصد في العبادة.

چه نیکست اعتدال هنگام بی نیازی، چه نیکست اعتدال هنگام نداری و چه نیکست اعتدال در عبادت.

۲۵۴۷ ما أحلّ الله شيئاً أبغض إليه من الطلاق.

خدا چیزی را حلال نکرده که نزد وی از طلاق دشمن تر باشد.

۲۵۴۸ ما أخاف على أمتي إلا ضعف اليقين.

بر امت خویش بیم ندارم مگر از ضعف ایمان.

۲۵۴۹ ما أخاف على أمتي فتنة أخوف عليها من النساء و الخمر.

از هیچ فتنه ای که خطرناکتر از زن و شراب باشد بر امت خویش بیم ندارم.

۲۵۵۰ ما أخشى عليكم الفقر و لكنني أخشى عليكم التكاثر و ما

أخشى عليكم الخطاء، و لكنني أخشى عليكم التعمّد.

از فقر بر شما بیم ناک نیستم بلکه بیم دارم به کثرت اموال تفاخر

کنید، از خطا بر شما بیم ناک نیستم بلکه از تعمد بیم دارم.

۲۵۵۱ ما أسترذل الله عبداً إلاّ خطر عليه العلم و الأدب.

خدا بنده ای را پست نشمارد مگر علم و ادب را از او باز دارد.

۲۵۵۲ ما أخذت الدّنيا من الآخرة إلاّ كما أخذ المخيط غرس في

البحر من مائه.

دنیا از آخرت آنقدر گرفته که سوزنی که در دریا فرو کنند از آب آن گیرد.

۲۵۵۳ ما استفاد المؤمن بعد بقوى الله عزّ و جلّ خيراً له من زوجة

صالحة إن أمرها أطاعته و إن نظر إليها سرّته و إن أقسم عليها أبرّته

و إن غاب عنها نصحته في نفسها و ماله.

مؤمن پس از پرهیزکاری خدای عز و جل چیزی بهتر از زن پارسائی که فرمانش دهد اطاعت کند و اگر بدو نگردد مسرورش کند و اگر درباره او قسم خورد قسمش را رعایت کند و اگر از او غایب شود مال وی و عفت خویش حفظ کند، چیزی بهتر از این

نیابد.

۲۵۵۴ ما أسرّ عبد سريرة إلاّ ألبسه الله رداءها إن خيرا فخير و إن
شرا فشرّ.

هر نیتی که بنده بدل گیرد خدا نشان آنرا بر او نمودار کند، اگر
 نیک باشد نیک و اگر بد باشد بد.

۲۵۵۵ ما أطعمت زوجتك فهو لك صدقة، و ما أطعمت ولدك
 فهو لك صدقة، و ما أطعمت خادمك فهو لك صدقة، و ما أطعمت
نفسك فهو لك صدقة.

هر چه بهمسر خویش بخورانی صدقه کرده ای و هر چه بفرزند
 خویش بخورانی صدقه کرده ای و هر چه بخدمتکار خویش
 بخورانی صدقه کرده ای، هر چه بخویش خورانی صدقه کرده
 ای.

۲۵۵۶ ما أعطى أهل بيت أُلِّفَق إلاّ نفعهم.
 مدارا نصیب هیچ خاندانی نشود مگر سودشان دهد.

۲۵۵۷ ما اکتسب مکتسب مثل فضل علم یهدی صاحبه إلی هدی أو

یرده عن ردی و لا استقام دینه حتی یتقیم عقله

هیچ کس چیزی چون مایه علمی که صاحب خویش را بهدایت
رساند یا از خطری برهاند به دست نخواهد آورد و دین شخص
استقامت نیابد تا عقل وی استقامت یابد.

۲۵۵۸ ما أكل أحد طعاما قطّ خيرا من أن يأكل من عمل يده و إن

نبیّ الله داود کان يأكل من عمل يده.

هیچ کس غذائی بهتر از آنچه از عمل خویش خورد، نخواهد
خورد داود پیغمبر نان از عمل خویش میخورد.

۲۵۵۹ ما أنت محدّث قوما حدیثا لا تبلغه عقولهم إلاّ کان علی

بعضهم فتنة.

وقتی با قومی سخنی گوئی که عقولشان بدان نرسد برای بعضیشان
مایه فتنه خواهد بود.

۲۵۶۰ ما أنعم الله على عبد نعمه فحمد الله عليها إلا كان ذلك

الحمد أفضل من تلك النعمة وإن عظمت.

وقتی خدا بنده ای را نعمتی دهد و خدا را بر آن ستایش کند این ستایش از آن نعمت، هر قدر بزرگ باشد بهتر است.

۲۵۶۱ ما الذي يعطى من سعة بأعظم أجرا من الذي يقبل إذا كان

محتاجا.

پاداش کسیکه در حال گشایش بخشش کند از آنکه بخشش را میپذیرد بیشتر نیست، بشرط آنکه محتاج باشد.

۲۵۶۲ ما أنكر قلبك فدعه.

هر چه را قلبت نمیپذیرد واگذار

۲۵۶۳ ما أهدى المرء المسلم لأخيه هدية أفضل من كلمة حكمة

يزيده الله بها هدى أو يرده بها عن ردى.

مرد مسلمان ببرادر خویش هدیه ای بهتر از سخن حکمت آمیزی که خدا بوسیله آن هدایت وی افزون کند یا خطری از وی

بگرداند نتواند داد.

۲۵۶۴ ما برّ أباه من شدّ إليه الطّرف بالغضب.

هر که نگاه خشمگین سوی پدر خویش افکند از فضیلت نیکی با وی بی نصیب است.

۲۵۶۵ ما أوذى أحد ما أوذيت فى الله.

هیچ کس آنقدر که من در راه خدا اذیت دیدم اذیت نکشید.

۲۵۶۶ ما تجالس قوم مجلسا فلم ينصت بعضهم لبعض إلاّ نزع من

ذلك المجلس البركة.

هر گروهی که مجالست کنند و بیک دیگر گوش فرا ندارند برکت از مجلسشان برخیزد.

۲۵۶۷ ما تجرّع عبد جرعة أفضل عند الله من جرعة غيظ كظمها

إبتغاء وجه الله.

هیچکس جرعه ای ننوشد که نزد خدا از جرعه خشمی که برای

رضای خدا فرو برد بهتر باشد.

۲۵۶۸ ما ترک عبد لله أمرا لا یترکه إلا لله إلا عوّضه اللّٰه منه ما هو خیر له منه فی دینه و دنیاہ.

هر که چیزی را برای خدا ترک آن بکند. که جز برای خدا ترک آن نکند خدا بعوض آن چیزی که برای دین و دنیای وی بهتر باشد بدو بدهد.

۲۵۶۹ ما تشهد الملائکۃ من لہوکم إلا الرّہان و النّضال.

فرشتگان از بازیهای شما جز در اسب‌دوانی و کشتی حضور نمیابند.

۲۵۷۰ ما تصدّق النّاس بصدقۃ أفضل من علم ینشر.

هیچ صدقه ای که مردم دهند از علمی که منتشر شود بهتر نیست.

۲۵۷۱ ما جاءنی جبرئیل قطّ إلا أمرنی بالسّواک حتی لقد خشیت أن أحفی مقدّم فمی.

هر وقت جبریل پیش من آمد مرا بمسواک کردن فرمان داد تا
آنجا که ترسیدم جلو دهان خود را ببرم.

۲۵۷۲ ما جلس قوم یدکرون الله تعالی فبقومون حتی یقال لهم
قوموا قد غفر الله لكم ذنوبکم و بدّل سیئاتکم حسنات.

گروهی که با هم بدکردار خدا بنشینند، از جا بر نخیزند مگر بایشان
بگویند برخیزید که خدای تان آمرزید و اعمال بدتان را باعمال
خوب مبدل کرد.

۲۵۷۳ ما جمع شیء إلى شیء أفضل من علم إلى حلم.
چیزی با چیز دیگر فراهم نیامده که از دانش و بردباری بهتر باشد.

۲۵۷۴ ما خرج رجل من بینه یطلب علما إلا سهل الله له طریقا إلى
الجنة.

هر کس از خانه خویش به جستجوی علمی برون شود خدا برای
وی راهی بسوی بهشت بگشاید.

۲۵۷۵ ما خَفَّفَتْ عَنْ خَادِمِكَ مِنْ عَمَلِهِ فَهُوَ أَجْرُ لَكَ فِي مُوَاظِنِكَ
یوم القيامة.

هر چه از کار خدمتگزار خویش سبک کنی پاداشی است که روز
 قیامت در میزان عمل تو نهند.

۲۵۷۶ ما خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ قَدْ خَلَقَ لَهُ مَا يَغْلِبُهُ وَ خَلَقَ رَحْمَتَهُ
تَغْلِبُ غَضَبَهُ.

خداوند هر چه آفریده چیزی دیگری برای غلبه بر آن آفریده و
 رحمت خویش را برای غلبه بر غضبش آفریده.

۲۵۷۷ ما رَفَعَ قَوْمٌ أَكْفَهُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَسْأَلُونَهُ شَيْئًا إِلَّا كَانَ حَقًّا
عَلَى اللَّهِ أَنْ يَضَعَ فِي أَيْدِيهِمُ الَّذِي سَأَلُوا.

هیچ گروهی دستان خویش با استدعای چیزی سوی خدا بر ندارند
 مگر آنکه خدا عهده دار است مسئولشان را بکفشان نهد.

۲۵۷۸ ما زَالَ جَبْرِيلُ يُوَصِّينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِثُهُ.
جَبْرِيلُ دَرْبَارَهُ هِمْسَايَهُ أَنْقَدَرَ سَفَارَتَهُ مَيَكْرَدُ كَهْ پَنْدَاشْتَمُ هِمْسَايَهُ

ارث خواهد برد.

۲۵۷۹ ما زان الله العباد بزينة أفضل من زهادة في الدنيا و عفاف

في بطنه و فرجه.

خدا بندگان خویش آرایشی بهتر از بی رغبتی به دنیا و عفت شکم و عورت نداده.

۲۵۸۰ ما زويت الدنيا عن أحد إلا كانت خيرا له.

دنیا را از کسی نگیرند مگر که خیر وی در آنست.

۲۵۸۱ ما ساء عمل قوم قطّ إلا زخرفوا مساجدهم.

چون عمل گروهی بد شود مساجد خویش را زینت کنند.

۲۵۸۲ ما سلط الله القحط على قوم إلا بتمرّدهم على الله.

خدا قحط را بر گروهی مسلط نکند مگر برای نافرمانی که از خدا کرده اند.

۲۵۸۳ ما شبّهت خروج المؤمن من الدّنيا إلّا مثل خروج الصّبيّ من
بطن أمّه من ذلك الغمّ و الظلمة إلى روح الدّنيا.

برون شدن مؤمن را از دنیا به برون شدن کودک از شکم مادر از
آن محنت و ظلمت بر راحت دنیا تشبیه میکنم.

۲۵۸۴ ما صدقة أفضل من ذكر الله تعالى.
صدقه ای بهتر از یاد کردن خدای والا نیست.

۲۵۸۵ ما ضاق مجلس بمتحابين.
هیچ نشیمن گاهی برای دو دوست تنگ نیست.

۲۵۸۶ ما ضلّ قوم بعد هدى كانوا عليه إلّا أوتوا الجدل.
هیچ قومی پس از هدایت بضلال نیفتاد مگر آنکه بجدل خو
گرفت.

۲۵۸۷ ما عظمت نعمة الله على عبد إلّا اشتدّت عليه مؤنة النّاس
فمن لم يحتمل تلك المؤنة للنّاس فقد عرض تلك النّعمة للزّوال.

وقتی نعمت خدا بر بنده ای بزرگ شود حاجت مردم بر او بیشتر شود و هر که این حاجات را تحمل نکند نعمت خویش را بمعرض زوال آورده است.

۲۵۸۸ ما علم الله من عبد ندامة على ذنب إلا غفر له قبل أن يستغفره.

چون خدا پشیمانی بنده را از گناهی بداند پیش از آنکه آمرزش بخواهد وی را بیامرزد.

۲۵۸۹ ما عمل ابن آدم شيئاً أفضل من الصلاة و صلاح ذات البين و خلق حسن.

بنده آدم کاری بهتر از نماز و آشتی میان کسان و نیکخوئی نمیکند.

۲۵۹۰ ما فتح رجل باب عطية بصدقة أو صلة إلا زاده الله تعالى بها كثرة، و ما فتح رجل باب مسئلة يريد بها كثرة إلا زاده الله تعالى بها قلة.

هر که با صدقه ای یا صله ای در بخششی گشاید خدای والا بسبب
آن مال وی بیفزاید و هر که در سؤالی بگشاید و از این راه فزونی
جوید خدای والا وی را نقصان فزاید.

۲۵۹۱ ما کان الفحش فی شیء قطّ إلاّ شانه و لا کان الحياء فی
شیء قطّ إلاّ زانه.

بدی و بد زبانی در هر چه باشد آن را خوار کند و حیا در هر چه
باشد آن را زینت دهد.

۲۵۹۲ ما کان الرفق فی شیء إلاّ زانه و لا نزع من شیء إلاّ شانه.
مدارا در هر چه باشد آن را زینت دهد و از هر چه دور شود آنرا
خوار کند.

۲۵۹۳ ما کرهت أن تواجه به أخاک فهو غیبه.
هر چیزی که دوست نداری رو بروی برادر خویش کنی غیبتست.
۲۵۹۴ ما کرهت أن یراه الناس منك فلا تفعله بنفسک إذا خلوت.

هر کاری که دوست نداری مردم از تو بینند وقتی بخلوت شدی
به تنهایی مکن.

۲۵۹۵ مالی و للدنیا، ما أنا و الدنیا إلا کراکب استظلّ تحت شجرة
ثمّ راح و ترکها.

مرا با دنیا چه کار من در دنیا چون مسافری هستم که در سایه
درختی نشست و برفت و آن را وا گذاشت.

۲۵۹۶ ما محق الإسلام محق الشّح شیء.
هیچ چیز مسلمانی را چون بخل پایمال نمیکند.

۲۵۹۷ ما من القلوب قلب إلا و له سحابة كسحابة القمر بینما القمر
یضیء أو غلته سحابة فأظلم أو تجلّت.

هر دلی پاره ابری چون پاره ابر ماه دارد هنگامیکه ماه نور پاشی
کند پاره ابری آن را بپوشاند و تاریک شود یا باز روشن شود.

۲۵۹۸ ما من آدمی إلا و فی رأسه حکمة بید ملک فإذا تواضع قیل

للملك إرفع حكمته و إذا تكبر قيل للملك ضع حكمته.

هر انسانی در سر خویش حکمتی دارد که به دست فرشته ایست
وقتی تواضع کند فرشته را گویند حکمت او را بر آر و چون
تکبر کند به فرشته گویند حکمت او را فرو بر.

۲۵۹۹ ما من أحد يموت إلاّ ندم إن كان محسنا ندم أن لا يكون

أزداد و إن كان مسيئا ندم أن لا يكون نزع.

هر که بمیرد پشیمان میشود، اگر نیکو کار بوده پشیمان است که
چرا بیشتر نکرده و اگر بد کار بود پشیمانست که چرا بس نکرده.

۲۶۰۰ ما من أحد يحدث في هذه الأمة حدثا لم يكن فيموت حتى

يصيبه ذلک.

هر کس در این امت بدعتی بد بدارد نمیرد تا سزای آن بدو رسد.

۲۶۰۱ ما من إمام يعفو عند الغضب إلاّ عفى الله عنه يوم القيامة.

هر پیشوائی که هنگام خشم ببخشد خدا روز قیامت او را ببخشد.

۲۶۰۲ ما من أحد يلبس ثوبا لباهی به فينظر الناس إليه إلا لم ينظر
إلّٰه إليه حتّٰی ينزعه.

هر که جامه ای پوشد که بدان مباحات کند و مردم بدو نگرند
خدا بدو ننگرد تا آن لباس را بکند.

۲۶۰۳ ما من إمريء يحيى أرضا فيشرب منها كبد حرّى إلاّ كتب
اللّٰه له بها أجرا.

هر که زمینی را احیا کند که تشنه ای از آن آب نوشد خدا در
قبال آن پاداشی برای وی ثبت کند.

۲۶۰۴ ما من أمير عشرة إلاّ و هو يؤتى به يوم القيمة مغلولاً حتّٰی
يفكّه العدل أو يوبقه الجور.

هر که زمامدار ده تن باشد روز قیامت در غل بیارندش تا عدالت
غل او باز کند یا ستم هلاکش کند.

۲۶۰۵ ما من جرعة أحبّ إلى الله تعالى من جرعة غيظ يكظمها
عبد، ما كظمها عبد إلاّ ملاء الله تعالى جوفه إيماناً.

هیچ جرعه ای نزد خدا از جرعه خشمی که بنده ای فرو برد.
محبوب تر نیست. هر بنده ای جرعه خشم فرو برد خدا ضمیر او
را از ایمان پر کند.

۲۶۰۶ ما من خارج خرج من بینه فی طلب العلم إلاّ وضعت له
الملائکة أجنحتها رضا بما يصنع حتی يرجع.

هر که از خانه خویش بطلب دانش بیرون شود فرشتگان بسبب
رضایتی که از رفتار او دارند بالهای خویش برای وی بگسترند تا
باز گردد.

۲۶۰۷ ما من دابة طائر و لا غیره یقتل بغیر حقّ إلاّ سنخاصمه یوم
القیمة.

هر حیوان پرنده یا غیر آن بناحق کشته شود روز قیامت با قاتل
خویش مخاصمه کند.

۲۶۰۸ ما من ذنب أجدر أن یعجل الله تعالى لصاحبه العقوبة فی
الدنیا مع ما یدخره له فی الآخرة من قطیعة الرّحم و الخیانة و

الكذب و إنّ أعجل الطّاعة ثوابا لصلّة الرّحم حتّى إنّ أهل البيت
ليكونوا فجره فتنموا أموالهم و يكثر عددهم إذا تواصلوا.

گناهی چون گسستن از خویشاوند و خیانت و دروغ نیست که خداوند بغیر از عقوبت آخرت، در این دنیا نیز مرتکب آنرا کیفر دهد. ثواب پیوند با خویشاوند زودتر از همه اعمال خوب میرسد. تا آنجا که خاندانی بد کارند اما اگر پیوسته شوند اموالشان فزونی گیرد و عددشان بیش شود.

۲۶۰۹ ما من ذنب إلّا و له عند الله توبه إلّا سوء الخلق فإنّه لا
یتوب من ذنب إلّا رجع إلّا ما هو شرّ منه.

هر گناهی نزد خدا توبه ای دارد مگر بد خوئی که بدخوی از گناهی بازنگردد مگر بدتر از آن رو کند.

۲۶۱۰ ما من ذی غنی إلّا سیوّد یوم القیامه لو کان إنّما أوتی من
الدّنيا قوتا.

هر ثروتمندی روز قیامت آرزو کند که در دنیا فقط قوت خویش می داشت.

۲۶۱۱ ما من رجل يغرس غرسا إلا كتب الله له من الأجر قدر ما
يخرج من ثمر ذلك الغرس .

هر که درختی بنشاند خدا به اندازه میوه ای که از آن درخت
برون میشود پاداش برای وی ثبت کند.

۲۶۱۲ ما من رجل يتعاطم في نفسه و يختال في مشيته إلا لقي الله
تعالى و هو عليه غضبان .

هر که در دیده خویش بزرگ نماید و در راه رفتن گردن افرازد
به پیشگاه خدای والا رود و خدا بر او خشمگین باشد.

۲۶۱۳ ما من رجل ينظر إلى وجه والديه نظر رحمة إلا كتب الله له
بها حجة مقبولة مبرورة

هر که از روی مهربانی بصورت پدر و مادر خویش نظر کند خدا
بپاداش آن برای وی حج مقبول نیکوئی رقم زند.

۲۶۱۴ ما من ساعة تمرّ بآدم لم يذكر الله فيها إلا حسر عليها

يوم القيامة.

ساعتی بی ذکر خدای بر آدمیزاد نگذرد مگر روز قیامت بر آن
حسرت خورد.

۲۶۱۵ ما من شيء في الميزان أثقل من حسن الخلق.

در میزان اعمال چیزی سنگین تر از نیکخوئی نیست.

۲۶۱۶ ما من شيء أحبّ إلى الله تعالى من شاب تائب و ما من

شيء أبغض إلى الله تعالى من شيخ مقيم على معاصيه.

هیچکس پیش خدای والا محبوبتر از جوان توبه گر نیست و
هیچکس پیش خدای والا چون پیری که بگناهان خویش مشغول
باشد مبغوض نیست.

۲۶۱۷ ما من صباح يصبحه العباد إلا صارخ يصرخ يا أيّها الناس

لدوا للتراب و اجمعوا للفناء و ابنوا للخراب.

هر صبحدم که بر بندگان در آید بانگزنی بانگ زند: ای مردم
برای خاک تولید کنید و برای نابودی فراهم آرید و برای ویرانی

بنا کنید.

۲۶۱۸ ما من صدقة أفضل من قول.

صدقه ای بهتر از گفتار نیک نیست.

۲۶۱۹ ما من صدقة أحبّ إلى الله من قول الحقّ.

نزد خدا صدقه ای محبوبتر از گفتار حق نیست.

۲۶۲۰ ما من عبد مسلم يدعو لأخيه بظهر الغيب إلا قال الملك و

لک بمثله

هر بنده مسلمانیکه در غیاب برادر خویش برای او دعا کند فرشته گوید برای تو نیز نظیر آن باد.

۲۶۲۱ ما من عبد يبيع قالدا إلا سلّط الله عليه تالفا.

هر بنده که چیز فاسد فروشد خدا تلف کننده ای را بر او مسلط کند.

۲۶۲۲ ما من عبد كانت له نيّة في أداء دينه إلّا كان له من الله
عون.

هر بنده که نیت ادای دین خویش داشته باشد، از جانب خدا تایید
شود.

۲۶۲۳ ما من عبد إبتلى ببليّة في الدّنيا إلّا بذنب و الله أكرم و أعظم
عفوا من أن يسأله عن ذلك الذّنب يوم القيامة.

هیچکس در دنیا ببلیه ای مبتلا نشود مگر در قبال گناهی که کرده
و خدا کریمتر و بزرگتر از آنست که روز قیامت او را از آن گناه
بازخواست کند.

۲۶۲۴ ما من عبد يظلم رجلا مظلمة في الدّنيا لا يقصّه من نفسه إلّا
قصّه الله تعالى منه يوم القيامة.

هر کس در دنیا به دیگری ظلمی کند که شخصا تلافی آن نکند
خدای والا در روز قیامت تلافی آن از وی بگیرد.

۲۶۲۵ ما من عبد إلّا و له صيت في السّماء فإن كان صيته في

السّماء حسنا وضع في الأرض و إن كان صيته في السّماء سيّئاً وضع في الأرض.

هر بنده ای در آسمان شهرتی دارد اگر شهرت وی در آسمان نیک باشد در زمین نهند و اگر شهرت وی در آسمان بد باشد در زمین نهند.

۲۶۲۶ ما من عبد استحيا من الحلال إلّا إبتلاه الله بالحرام.
هر که از حلال شرم کند خدا وی را بحرام مبتلا کند.

۲۶۲۷ ما من قاض من قضاء المسلمين إلّا و معه ملكان يسدّانه إلى الحقّ ما لم يرد غيره فإن أراد غيره و جار متعمّدا تبرّأ منه الملكان و وكلاه إلى نفسه.

هر یک از قضات مسلمانان دو فرشته موکل دارد که وی را مادام که جز حق نخواهد بر آن استوار کند و اگر غیر حق اراده کند و بعمد منحرف شود فرشتگان از او بری شوند و کار وی را بخودش واگذارند.

۲۶۲۸ ما من قلب إلاّ و هو معلق بين إصبعين من أصابع الرحمن إن شاء أقامه و إن شاء أزاغه، و الميزان بيد الرحمن يرفع أقواما و يخفض آخرين إلى يوم القيامة.

هر دلی به دو انگشت از انگشتان قدرت خدای رحمان آویخته اگر خواهد آن را ثابت دارد و اگر خواهد آن را بگرداند و میزان کارها به دست خداست که تا روز قیامت گروهی را بالا برد و گروهی دیگر را پائین برد.

۲۶۲۹ ما من قوم يعمل فيهم المعاصي هم أعزّ و أكثر ممّن يعمله ثمّ لم يغيّروه إلاّ عمّهم الله تعالى منه بعقاب.

هر گروهی که در میانشان گناه کند و ایشان از گناه کاران قوی تر و بیشتر باشند و جلوگیری نکنند، خدای والا از جانب خویش همه را عقوبت کند.

۲۶۳۰ ما من قوم يظهر فيهم الرّبا إلاّ أخذوا بالسّنة و ما من قوم يظهر فيهم الرّشا إلاّ أخذوا بالرّعب.

هر گروهی که ربا میانشان رواج گیرد بقسط مبتلا شوند و هر

گروهی رشوه میانشان رواج گیرد بترس دچار شوند.

۲۶۳۱ ما من مسلم يموت له ثلاثة من الولد لم يبلغوا الحنث إلاّ تلقّوه من أبواب الجنّة الثمانية من أيّها شاء دخل.

هر مسلمانی که سه فرزند وی قبل از آنکه بعقل رسند بمیرند بر هشت در بهشت باو برخورد کنند که از هر کدام خواهد در آید.

۲۶۳۲ ما من مسلم ينظر إلى امرأة أوّل رمقه ثمّ يغصّ بصره إلاّ أحدث الله تعالى له عبادة يجد حلاوتها في قلبه.

هر مسلمانی که یکبار به زنی بنگرد آنگاه چشم از او باز دارد خدای والایش با عبادتی انس دهد که لذت آن را در قلب خویش احساس کند.

۲۶۳۳ ما من مسلم تدرک له ابنتان فيحسن إليهما ما صحبتاه إلاّ أدخلتاه الجنّة.

هر مسلمانی که دو دختر وی ببلوغ رسند و تا در خانه ویند با آنها نیکی کند بهشتی میشود .

۲۶۳۴ ما ملاء آدمیّ وعاء شراً من بطنه يجب ابن آدم أكلات يقمن صلبه.

آدمی ظرفی بدتر از شکم پر نمیکند برای آدمی زاد همین قدر غذا که بنیه او را نگه دارد کافیست.

۲۶۳۵ ما نقصت صدقة من مال و ما زاد الله عبدا يعفو إلا عزاً و ما تواضع أحد لله إلا رفعه الله.

مال از صدقه کاهش نگیرد و بنده ای که عفو کند خدایش جز عزت نیفزاید و هر که برای خدا تواضع کند خدایش رفعت دهد.

۲۶۳۶ ما يحلّ لمؤمن أن يشدّ إلى أخيه بنظرة تؤذيه.

روا نیست که مؤمنی برادر خویش بتندی نظر کند که مایه آزار او شود.

۲۶۳۷ ما کرهته لنفسك فاکرهه لغيرك و ما أحببته لنفسك فأحبّه لأخيك.

هر چه بخود نمیپسندی بغیر خود میپسند و آنچه برای خود دوست داری برای برادرت دوست دار .

۲۶۳۸ ما هلك امرؤ عرف قدره.

هر که حد خویش بداند هلاک نشود.

۲۶۳۹ ما أملك تاجر صدوق.

تاجر راست گو فقیر نشود.

۲۶۴۰ ما نقص مال من صدقة.

مال از صدقه دادن نقصان نمی پذیرد.

۲۶۴۱ ما قلّ و كفى خير ممّا كثر و ألهى.

اندکی که کفایت کند از بسیاری که بطالت آرد بهتر است.

۲۶۴۲ ما عال امرؤ اقتصد.

هر که میانه روی کند فقیر نشود.

۲۶۴۳ ما آمن بي من بات شبعان و جاره جائع إلى جنبه و هو يعلم

به.

هر که سیر بخوابد و همسایه او پهلویش گرسنه باشد و او بداند
بمن ایمان ندارد.

۲۶۴۴ ما يكبّ الناس على مناخرهم إلا حصائد ألسنتهم.

حاصل زبان مردمان مایه هلاکشان میشود.

۲۶۴۵ ما خلق الله في الأرض شيئاً أقلّ من العقل و إنّ العقل في

الأرض أقلّ من الكبريت الأحمر.

خدا در زمین چیزی کمتر از عقل نیافریده که عقل در زمین از
گوگرد سرخ کمتر است.

۲۶۴۶ مثل المؤمن مثل السنبلة يحركها الريح فتقوم مرة و تقع

أخرى و مثل الكافر كمثل الارزّة لا تزال قائمة حتى تنقعر.

حکایت مؤمن چون خوشه است که باد آن را تکان دهد نوبتی

بایستد و نوبت دیگر بیفتد و حکایت کافر چون درخت صنوبر
است که پیوسته بپا باشد تا از ریشه بر آید.

۲۶۴۷ مثل الجلیس الصّالح مثل الدّاری إنّ لم یجدک من عطره
علّقک من ریحہ و مثل الجلیس السّوء مثل صاحب الکیر إنّ لم
یحرّقک من شرار ناره علّقک من نتنه.

حکایت هم نشین خوب مثل عطار است که اگر عطر خویش بتو
ندهد بوی خوش آن در تو آویزد و حکایت هم نشین بد مثل
آهنگر است اگر شرار آتش آن ترا نسوزد بوی بد آن در تو
آویزد.

۲۶۴۸ مثل أهل بیتی مثل سفینه نوح من ركب فیها نجی و من
تخلف عنها غرق.

حکایت خاندان من چون کشتی نوح است هر که در آن نشست
برست و هر که از آن باز ماند غرقه شد.

۲۶۴۹ مثل المؤمنین فی توادّهم و تراحمهم کمثل الجسد إذا

اشتکی بعضهم تداعی سائرهم بالسّهر و الحمی.

حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانیشان چون اعضای تن است
وقتی یکیشان رنجور شود دیگران بمراقبت و رعایت او هم داستان
شوند.

۲۶۵۰ مثل المؤمن کمثل المنخله لا تأکل إلاّ طیباً و لا تضع إلاّ طیباً
حکایت مؤمن چون غربال است جز پاکیزه نخورد و جز پاکیزه
ندهد.

۲۶۵۱ مثل القلب مثل ریشه بأرض تقلّبها الرّیاح.
حکایت دل چون رشته ای است در سرزمینی که بادهای آن را زیر و
رو کند.

۲۶۵۲ مثل المرأة كالضلع إن أردت أن تقيمه کسّرتة و إن
استمتعت به استمتعت به و فيه إود.

حکایت زن چون دنده است اگر بخواهی راستش کنی خواهد
شکست و اگر از آن بهره گیری با وجود کجیش بهره توانی

گرفت.

۲۶۵۳ مثل المؤمن القوىّ مثل النّخله و مثل المؤمن الضّعيف كخامه

الزرع.

حکایت مؤمن نیرومند چون نخل است و حکایت مؤمن ناتوان
چون ساقه کشت.

۲۶۵۴ مثل المنافق كمثل الشّاء العائره بين الغنمين.

حکایت منافق چون بز حیران میان دو گله است.

۲۶۵۵ مثل أمّتی مثل المطر لا یدری أوّله خیر أم آخره.

حکایت امت من چون باران است که ندانند اول آن بهتر است یا
آخرش.

۲۶۵۶ مثل المؤمن و الإیمان كمثل الفرس یجول فی أخیته ثمّ

یرجع فی أخیته.

حکایت مؤمن و ایمان چون اسب است که اطراف اخیه خویش

جولان کند آنگاه باخیه خویش باز گردد.

۲۶۵۷ مثل القرآن مثل الإبل المعقلة إن عقلها صاحبها أمسكها و إن
ترکها ذهب.

حکایت قرآن چون شتر بسته است که صاحبش اگر ببنددش
 محفوظ ماند و اگر ولش کند از دست برود .

۲۶۵۸ مثل الرافله في الزينة من غير أهلها كمثل ظلمة يوم القيامة
لا نور لها.

حکایت زنی که در زینت خویش برون خانه، دامن کشان رود چون
 ظلمتی است در روز قیامت که نور ندارد.

۲۶۵۹ مثل العالم الذي يعلم الناس الخير و ينسى نفسه كمثل السراج
يضيء للناس و يحرق نفسه.

حکایت دانشمندی که مردم را تعلیم دهد و خویشتن را فراموش
 کند چون چراغ است که مردم را روشن کند و خویش را
 بسوزاند.

۲۶۶۰ مثل الذی يتعلّم العلم ثمّ لا يحدث به كمثل الذی یکنز الكنز
فلا ینفق منه.

حکایت کسی که علم آموزد و از آن سخن نکند چون کسی است
 که گنجی نهد و از آن خرج نکند.

۲۶۶۱ مثل الذی يتعلّم العلم فی صغره كالنّش علی الحجر و مثل
الذی يتعلّم العلم فی کبره کالذی یکتب علی الماء

حکایت کسی که در کوچکی علم آموزد چون نقش بر سنگست
 حکایت کسی که در بزرگی علم آموزد چون کسی است که بر
 آب نویسد.

۲۶۶۲ مثل الذی یعلّم الناس الخیر و ینسی نفسه مثل الفتیلة تضیء
للناس و تحرق نفسها

حکایت آنکه چیز به مردم آموزد و خویشان را فراموش کند
 چون فتیله است که مردم را روشنی دهد و خویش را بسوزاند.

۲۶۶۳ مثل المؤمن كمثل العطار إن جالسته نفعك و إن مشيته
نفعك و إن شار كته نفعك.

حکایت مؤمن چون عطار است اگر با او نشینی سودت دهد اگر با
او روی سودت دهد و اگر با او شرکت کنی سودت دهد.

۲۶۶۴ مثل المؤمن مثل النخلة، ما أخذت منها من شيء نفعك
حکایت مؤمن چون نخل است هر چه از آن گیری سودت دهد.

۲۶۶۵ مثل المؤمن كمثل خامة الزرع، من حيث أتها الريح كفتها
فإذا سكنت إعتدلت و كذلك المؤمن يكفء بالبلاء و مثل الفاجر
كالارزة صماء معتدلة حتى يقصمها الله تعالى إذا شاء.

حکایت مؤمن چون ساق کشت. است از هر سو که باو وزد آنرا
منحنی کند و چون باد ساکت شود راست شود مؤمن نیز چنین
است که به بلیه منحنی شود و حکایت بد کار چون درخت صنوبر
است استوار و بر جا و تا وقتی که خدای والا اگر خواهد درهمش
شکند.

۲۶۶۶ مثل المؤمن مثل سبيكة الذهب إن نفخت عليها إحمّرت و
إن وزنت لم تنقص.

حکایت مؤمن چون شمس طلا است اگر بر آن بدمند تا سرخ شود
 و وزنش کنند کمتر نشده است.

۲۶۶۷ مثل المؤمن كالبيت الخرب في الظاهر فإذا دخلته وجدته
مونقا و مثل الفاجر كمثل القبر المشرف المجصص يعجب من رآه
و جوفه ممتی نتنا.

حکایت مؤمن چون خانه ای است به ظاهر خراب که چون وارد
 آن شوی بینی پاکیزه است و حکایت بد کار چون قبر مرتفع
 گچ کاری است بینده را بشگفت آرد و باطن آن از عفونت پر
 است.

۲۶۶۸ مثل المرأة الصالحة في النساء كمثل الغراب الأعصم الذي
إحدى رجله بيضاء.

حکایت زن پارسا در میان زنان چون کلاغ نشاندار است که یکپای
 آن سفید باشد.

۲۶۶۹ مثل هذه الدنيا مثل ثوب شقّ من أوله إلى آخره فبقي متعلّقا
 بخيط في آخره فيوشك ذلك الخيط أن ينقطع.

حکایت این دنیا چون جامه ایست که از اول تا آخر دریده و به
 نخ‌ی از آخر آویخته باشد و نزدیک باشد که آن نخ ببرد.

۲۶۷۰ مثلی و مثلکم کمثل رجل أو قد نارا فجعل الفراش و
 الجنادب يقعن فيها و هو يذبهنّ عنها و أنا آخذ بحجزكم عن النار و
 أنتم تفلتون من يدي.

حکایت من و شما چون مردی است که آتشی بیفروخت و پروانه
 ها و ملخها بنا کردند در آن بیفتند و وی آنها را از آتش نگه
 میداشت من کمر بندهای شما را گرفته ام که شما در آتش نیفتید
 و شما از دست من در میروید.

۲۶۷۱ مثل الأخوين مثل الیدین تغسل إحداهما الاخری.
 حکایت دو برادر چون دو دست است که یکی دیگری را بشوید.

۲۶۷۲ مداراة الناس نصف الإيمان و الرفق بهم نصف العيش.

مدارا کردن با مردم یک نیمه ایمانست و ملایمت با آنها یک نیمه خوش زیستن است.

۲۶۷۳ مداراة الناس صدقة.

مدارا کردن با مردم صدقه است.

۲۶۷۴ مروا بالمعروف و إن لم تفعلوه و انهوا عن المنكر و إن لم

تجتنبوه كله.

امر بمعروف کنید و گر چه خودتان نکنید و نهی از منکر کنید
گر چه از همه آن اجتناب نکنید .

۲۶۷۵ مسألة الغنى شين في وجهه يوم القيامة.

سؤال کردن بی نیاز روز قیامت عیبی بچهره اوست.

۲۶۷۶ مكارم الأخلاق من أعمال الجنة.

اخلاق خوب از اعمال بهشتست.

۲۶۷۷ مکارم الأخلاق عشرة يكون في الرجل و لا تكون في إبنه،
و يكون في الإبن و لا تكون في الأب، و يكون في العبد و لا
تكون في سيده يقسمها الله لمن أراد به السعادة: ، صدق الحديث،
و صدق البأس، و إعطاء السائل، و المكافأة بالصنائع، و حفظ
الأمانة، و صلة الرحم، و التذم للجار، و التذم للصاحب، و إقراء
الضيف و رأسهن الحياء.

اخلاق خوب ده چیز است که در مرد هست و در پسرش نیست در
پسرش هست و در پدرش نیست. در بنده هست و در آقای او
نیست. خدا هر که را سعادتمند خواهد، قسمت او کند: راستی
گفتار، پای مردی در جنگ، عطای سائل، نیکی در عوض نیکی،
حفظ امانت، پیوند خویشان، حمایت همسایه، حمایت دوست،
مهمانداری، و سر سلسله آن حیاست.

۲۶۷۸ ملاک الأمر خواتمه.
اعتبار کار بسرانجام آنست.

۲۶۷۹ ملعون من ألقى كَلَه على الناس.

هر کس همه بار خویش به دوش مردم افکند ملعونست.

۲۶۸۰ ملعون من ضارّ مؤمنا أو مکر به.

هر که بمؤمنی زیان رساند یا با او حيله کند ملعونست.

۲۶۸۱ ملعون من سبّ أباه، ملعون من سبّ أمّه.

هر که پیدر خویش ناسزا گوید ملعونست و هر که بمادر خویش ناسزا گوید ملعونست.

۲۶۸۲ مسئلة الغنىّ نار.

سؤال کردن بی نیاز جهنمست.

۲۶۸۳ مطل الغنىّ ظلم.

مماطله ثروتمند ظلم است.

۲۶۸۴ ملاک الدین الورع.

اعتبار دین بتقوی است.

۲۶۸۵ منهومان لا یشبعان: طالب العلم و طالب المال.

دو گرسنه اند که سیری نپذیرند طالب علم و طالب مال.

۲۶۸۶ من أذنب ذنبا فستره الله عليه و عفى عنه في الدنيا فالله

أكرم من أن يعود في شيء قد عفا عنه.

هر که گناهی کند و خدا در دنیا گناه وی را بپوشد و ببخشد، خدا کریمتر از آنست که در بخشیده خود باز نگردد.

۲۶۸۷ من إبتلى من هذه البنات بشيء فأحسن إليهن كنّ له سترا من

النار.

هر کس ببلیه دختر داری مبتلا شود و با آنها نیکوکاری کند، پرده وی از آتش جهنم شوند.

۲۶۸۸ من كثر كلامه كثر سقطه و من كثر سقطه كثر ذنوبه و من

كثر ذنوبه كانت النار أولى به.

هر که گفتارش بسیار باشد خطایش بسیار گردد و هر که خطایش بسیار باشد گناهانش بسیار شود و هر که گناهانش بسیار باشد جهنم برای او شایسته تر است.

۲۶۸۹ من كان ذا اللّسانين في الدّنيا جعل له يوم القيامة لسانان من النّار.

هر که در دنیا دو زبان باشد برای وی روز قیامت دو زبان از آتش نهند.

۲۶۹۰ من أولى معروفا فلم يجد جزاء إلاّ الثّناء فقد شكره و من كتمه فقد كفره.

هر که نیکی ای بیند و پاداشی جز ستایش نتواند شکر آن گزاشته است و هر که آنرا پنهان دارد کفران آن کرده است.

۲۶۹۱ من قدر رزقه الله و من بذّر حرّمه الله.

هر که اندازه نگه دارد خدایش روزی دهد و هر که اسراف کند خدایش محروم دارد.

۲۶۹۲ من اقترَب أبواب السَّلاطین إفتتن.

هر که بدربار پادشاهان نزدیک شود بفتنه افتد.

۲۶۹۳ من نفس من مسلم كربه من كرب الدّنيا نفس الله عنه كربه

من كرب يوم القيامة، و من يسّر على معسر يسّر الله عليه في الدّنيا

و الآخرة، و من ستر على مسلم ستر الله عليه في الدّنيا و الآخرة.

هر که غمی از غمهای دنیا را از مؤمنی بردارد خدا غمی از غمهای روز قیامت از او بردارد و هر که بر تنگدستی آسان گیرد خدا در دنیا و آخرت بر او آسان گیرد و هر که راز پوش مسلمانان شود خدا در دنیا و آخرت راز پوش وی شود.

۲۶۹۴ من لم يقبل العذر من متنصّل صادقاً كان أو كاذباً لم ينل

شفاعتی.

هر که عذر معتذری را راست باشد یا دروغ نپذیرد از شفاعت من بهره ور نشود.

۲۶۹۵ من تفاقر إفتقر.

هر که فقیری کند، فقیر شود.

۲۶۹۶ من سعادة المرء حسن الخلق

نیکخوئی از سعادت مرد است.

۲۶۹۷ من أعظم الخطايا اللسان الكذوب.

زبان دروغزن از گناهان بزرگست

۲۶۹۸ من سعادة المرء المسكن و الجار الصالح و المركب الهنيء.

مسکن و همسایه خوب و مرکب رام از سعادت مرد است.

۲۶۹۹ من عامل الناس فلم يظلمهم و حدثهم فلم يكذبهم و وعدهم

فلم يخلفهم فهو ممن كملت مروته و ظهرت عدالته و وجبت

أخوته و حرمت غيبته.

هر که زمامدار مردم شود و ستمشان نکند و با آنها سخن کند و

دروغشان نگوید و وعده شان دهد و تخلف نکند وی از جمله
کسانست که مروتش به کمال رسیده و عدالتش نمایان گشته و
برادری با وی واجب و غیبتش حرامست.

۲۷۰۰ من قتل عصفورا عبثا جاء يوم القيامة و له صراخ عند العرش
يقول ربّ سل هذا فيم قتلنی فی غیر منفعة.

هر که گنجشگی را بیهوده بکشد روز قیامت بیابد و نزد عرش
فریاد زند و گوید پروردگارا از این پیرس برای چه مرا بی فائده
کشت.

۲۷۰۱ من ستر علی أخیه ستره الله فی الدّنيا و الآخرة.
هر که پرده پوش برادر خویش شود خدا در دنیا و آخرت پرده
پوشی وی کند.

۲۷۰۲ من لم یکن له ورع یصدّه عن معصیة الله إذا خلا لم یعبا الله
بشیء من عمله.

هر که تقوائی ندارد که بخلوت او را از معصیت خدا باز دارد،

خدا باعمال وی اعتنا نکند .

۲۷۰۳ من نصر أخاه بظهر الغيب نصره الله في الدنيا و الآخرة.

هر که برادر خویش را به حفظ الغیب یاری کند خدایش در دنیا و آخرت یاری کند.

۲۷۰۴ من مشى إلى طعام لم يدع إليه فقد دخل سارقا و خرج

معيّرا.

هر که بی دعوت به طعامی رود دزد درون رود و ننگین بدر آید.

۲۷۰۵ من إشتاق إلى الجنة سارع إلى الخيرات، و من أشفق من

النّار لهی عن الشّهوات، و من ترقّب الموت لهی عن اللذّات، و من

زهد في الدّنيا هانت عليه المصیبات.

هر که مشتاق بهشت باشد به اعمال خیر شتابد و هر که از جهنم ترسد از خواستنیها در گذرد و هر که انتظار مرگ دارد از لذتها چشم پیوشد و هر که به دنیا بی رغبت باشد مصیبتها بر او آسان شود.

۲۷۰۶ من فارق الجماعة شبرا خلع الله ربقه الإسلام من عنقه.

هر که یک وجب از جماعت دور شود خدا طوق مسلمانی از گردن وی بردارد.

۲۷۰۷ من أنعم على عبد نعمة فلم يشكرها فدعا عليه استجيب له.

هر که نعمتی ببنده ای دهد که شکر وی نگذارد و او را نفرین کند نفرینش پذیرفته شود.

۲۷۰۸ من ولى على عشرة كان له عقل أربعين و من ولى أربعين

كان له عقل أربعمائ.

هر که زمامدار ده تن شود عقل چهل تن دارد و هر که زمامدار چهل تن شود عقل چهار صد تن دارد.

۲۷۰۹ من هجر أخاه فوق ثلاث فمات دخل النار.

هر که بیش از سه روز از برادر خویش قهر کند و بمیرد به جهنم رود.

۲۷۱۰ من تأتئ أدرك ما تمنئ.

هر که صبوری کند به آرزوی خویش برسد.

۲۷۱۱ من کان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليكرم جاره.

هر که بخدا و آخرت ایمان دارد باید همسایه خویش را گرامی دارد.

۲۷۱۲ من حکم بین اثنین تحاکما إلیه فلم یقض بینهما بالحقّ فعلیه

لعنة الله.

هر که میان دو کس که داوری بدو برند، داوری کند و بحق میانشان قضاوت نکند لعنت خدا بر او باد.

۲۷۱۳ من تعود کثرة الطّعام و الشراب قسا قلبه.

هر که به پر خوری عادت کند دلش سخت شود.

۲۷۱۴ من أکل و ذو عینین ینظر إلیه و لم یواسه ابتلی بلاء لا دواء

له.

هر که غذا خورد و دیگری بدو نگرد و چیزی بدو ندهد ببلائی مبتلا شود که دوا نداشته باشد.

۲۷۱۵ من کظم غیظا و هو قادر علی أن ینفذه ملأه الله أمانة و

ایمانا.

هر کس خشمی را که تواند آشکار کند فرو برد خدا وی را از امنیت و ایمان سرشار کند.

۲۷۱۶ من قلّ طعمه صحّ بدنه و من کثر طعمه سقم بدنه و قسا قلبه.

هر کس کم خورد سالم ماند و هر که بسیار خورد تنش بیمار و دلش سخت گردد.

۲۷۱۷ من غالب الله غلبه و من خادع الله خدعه.

هر که با خدا زور آزمائی کند خدا بر او غالب شود و هر که با خدا فریبکاری کند خدا سزای فریبش دهد.

۲۷۱۸ من نظر إلى أخيه نظر مودة لم يكن في قلبه إحنة لم يطرف
حتى يغفر الله ما تقدم من ذنبه

هر که بچشم مهربانی برادر خویش نظری کند که کینه در دل وی
نباشد از آن پیش که دیده برگردد خداوند همه گناهان گذشته وی
را آمرزیده باشد.

۲۷۱۹ من طلب الدنيا بعمل الآخرة فما له في الآخرة من نصيب.
هر که عمل آخرت کند و دنیا طلبد از آخرت بهره ای ندارد.

۲۷۲۰ من إلتمس رضى الله بسخط الناس رضى الله عنه و أَرْضَى
عنه الناس و من إلتمس رضى الناس بسخط الله سخط الله عليه و
أسخط عليه الناس.

هر که رضای خدا بخشم مردم جوید خدا از او خشنود شود و
مردم را از او خشنود کند و هر که رضای مردم بخشم خدا جوید
خدا بر او خشمگین شود و مردم را با وی خشمگین کند.

۲۷۲۱ من طلب محامد الناس بمعاصي الله عاد حامده من الناس

ذاما.

هر که ستایش مردم را به نافرمانی خدا جوید ستایشگرانش
مذمتگر شوند.

۲۷۲۲ من فرق بین والدۀ و ولدها فرق الله بينه و بين أحبته يوم

القيمة.

هر که میان مادر و فرزندی تفرقه اندازد خدا روز قیامت میان او
و دوستانش جدائی افکند.

۲۷۲۳ من أهان صاحب بدعة آمنه الله يوم الفزع الأكبر.

هر که بدعتگزاری را اهانت کند خدا روز وحشت بزرگ او را
ایمن دارد.

۲۷۲۴ من كانت له سريرة صالحة أو سيئة نشر الله عليه منها رداء

يعرف به.

هر که سیرتی نیک یا بد داشته باشد خداوند نشانی از آن بر وی
اندازد که بدان بشناسندش که بدان شناخته شود.

۲۷۲۵ من أنظر معسرا و وضع عنه أظله الله تحت ظلّ عرشه يوم لا ظلّ إلاّ ظله.

هر که تنگدستی را مهلت دهد و بار او سبک کند خداوند روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست، وی را بسایه عرش خویش در آورد.

۲۷۲۶ من عمره الله ستين سنة فقد أعذر إليه في العمر

هر که خدا شصت سال عمر بدو دهد از جهت عمر حجت بر او تمام کرده است.

۲۷۲۷ من لعب بالنرد شیر فهو كمن غمس يده في لحم الخنزير و دمه.

هر که نردبازی کند چنانست که دست خویش در گوشت و خون خوک فرو برده باشد.

۲۷۲۸ من كان وصله لأخيه المسلم إلى ذي سلطان في منهج برّ أو تيسير عسر أعانه الله على إجازة الصراط يوم تدحض فيه الأقدام.

هر کس پیش صاحب‌قدرتی برای برادر مسلمان خویش در موضوع خیری یا در گشودن مشکلی وسیله خیر شود روزی که قدمها بلغزد خدا وی را بر عبور از صراط اعانت کند.

۲۷۲۹ من عزّی مصابا فله مثل أجره.

هر که مصیبت زده ای را تسلیت گوید مانند پاداش او دارد

۲۷۳۰ من إستعاذکم باللّٰه فأعیدوه و من سئلكم باللّٰه فأعطوه و من

دعاکم فأجیبوه و من أتى إلیکم معروفا فكافئوه فإن لم تجدوه

فادعوا له حتّٰی تعلموا أنّکم قد کافأتموه

هر که به نام خدا بشما پناه آرد پناهِش دهید و هر که به نام خدا از شما سؤال کند چیزی باو بدهید و هر که شما را دعوت کند بپذیرید و هر که با شما نیکی کرده تلافی کنید و اگر نتوانید برایش دعا کنید تا مطمئن شوید که تلافی آن کرده اید.

۲۷۳۱ من یرد اللّٰه به خیرا یفقّھه فی الدّین.

هر که خدا برای او نیکی خواهد، وی را در کار دین دانا کند.

۲۷۳۲ من بنی مسجدا و لو مثل مفحص قطاء بنی الله له بیتا فی
الجنة.

هر که مسجدی بسازد گر چه باندازه جائی باشد که شتر مرغ در
آن تخم مینهد خدا در بهشت برای او خانه ای بسازد.

۲۷۳۳ من انقطع إلى الله كفاه الله كل مؤنة و رزقه من حيث لا
يحتسب و من انقطع إلى الدنيا و كله الله إليها.

هر که خاص خدا شود خدا همه حاجات او را کفایت کند و از
جائیکه انتظار ندارد روزیش دهد و هر که خاص دنیا شود خدا او
را به دنیا واگذارد.

۲۷۳۴ من يصبر على الرزية يعوضه الله و من يكظم غيظه يأجره
الله.

هر که بر مصیبت صبر کند خدایش عوض دهد و هر که خشم
خویش بخورد خدایش پاداش دهد.

۲۷۳۵ من أحبّ أن يكون أغنى الناس فليكن بما في يد الله أوثق منه بما في يده.

هر که دوست دارد از همه مردم بی نیازتر باشد اعتماد وی بآنچه نزد خدا است از آنچه بدست خویش دارد بیشتر باشد.

۲۷۳۶ من تواضع لله رفعه الله و من تكبر وضعه الله و من يتألّ على الله يكذّبه الله .

هر که برای خدا فروتنی کند خدایش بردارد و هر که گردن افرازد خدایش پست کند و هر که بخدا قسم دروغ خورد خدایش تکذیب کند.

۲۷۳۷ من أذنب في الدّنيا فعوقب به فالله أعدل من أن يثنى عقوبته على عبده.

هر که در دنیا گناهی کند و عقوبت آن ببیند خدا عادل تر از آنست که عقوبت خویش را بر بنده تکرار کند.

۲۷۳۸ من أهان سلطان الله أهانه الله و من أكرم سلطان الله أكرمه

الله.

هر که قدرت خدا را خوار کند خدایش خوار کند و هر که
قدرت خدا را گرامی دارد. خدایش گرامی دارد.

۲۷۳۹ من ألقى جلاباب الحياء فلا غيبه له.

هر که پرده حیا بدرد غیبتش رواست.

۲۷۴۰ من أصبح معافى فى بدنه آمنا فى سربه عنده قوت يومه

فكأنما خيّر له الدّنيا بحذافيرها .

هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت
روز خویش دارد جهان سراسر مال اوست .

۲۷۴۱ من تأنى أصاب أو كاد و من عجل أخطأ أو كاد.

هر که تامل کند بصواب رود یا تواند رفت و هر که شتاب ورزد
بنخطا رود یا تواند رفت.

۲۷۴۲ من سرّته حسنه و ساعته سيّئه فهو مؤمن.

هر که از اعمال خویش خرسند و از اعمال بد خویش دلتنگ شود
مؤمن است.

۲۷۴۳ من نوقش الحساب عذب.

هر که بحساب در آید عذاب بیند.

۲۷۴۴ من ساءته خطيئه غفر له و إن لم يستغفر.

هر که گناهش او را دلتنگ کند آمرزیده شود و گر چه آمرزش
نخواهد.

۲۷۴۵ من جعل قاضيا فقد ذبح بغير سكين.

هر که بقضاوت منصوب شود چنانست که بیکارد سرش بریده
اند.

۲۷۴۶ من يغفر يغفر الله له و من يعف يعف الله عنه.

هر که بیامرزد خدایش بیامرزد و هر که ببخشد خدایش ببخشد.

۲۷۴۷ من أحبّ عمل قوم خيرا كان أو شراً كان كمن عمله.

هر که عمل گروهی را خوب یا بد دوست دارد چنانست که آنرا انجام داده است.

۲۷۴۸ من يزرع خيرا يحصد زعبه و من يزرع شراً يحصد.

هر که خیری بکارد سود برد و هر که شری بکارد آنرا بدرود.

۲۷۴۹ من إستطاع منكم أن تكون له خبيئة من عمل صالح فليفع.

هر که از شما تواند ذخیره نهانی از عمل شایسته داشته باشد باید چنین کند.

۲۷۵۰ من كثرت صلوة باللیل حسن وجهه بالنهار.

هر که شب نماز بسیار کند بروز چهره اش نیکو شود.

۲۷۵۱ من كذب على متعمداً فليتبوء مقعده من النار.

هر که بعمد بر من دروغ بندد جایش از آتش پر شود.

۲۷۵۲ من خاف أدلج و من أدلج بلغ المنزل.

هر که بیم ناک باشد همه شب راه سپرد و هر که همه شب راه سپرد بمنزل رسد.

۲۷۵۳ من همّ بذنب ثمّ تركه كانت له حسنة.

هر که گناهی اراده کند آنگاه از آن در گذرد ترک گناه عمل نیک وی بحساب آید.

۲۷۵۴ من صمت نجا.

هر که خاموش ماند نجات یابد.

۲۷۵۵ من حلف علی یمین فرأی منها خیرا فلیکفر عن یمینه ثمّ

لیفعل الذی هو خیر.

هر که بکاری قسم خورد و بهتر از آن پیش آید کفاره قسم خویش دهد و کاری که بهتر است انجام دهد.

۲۷۵۶ من إنتهر صاحب بدعة ملأ الله قلبه أمنا و إيمانا.

هر که بدعتگزاری را تویخ کند خدا قلب وی را از امان و ایمان
پر کند.

۲۷۵۷ من أحبّ أن يكون أقوى الناس فليتوكل على الله.

هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد باید بخدا توکل
کند.

۲۷۵۸ من قتل دون ماله فهو شهيد.

هر که ضمن دفاع از مال خویش کشته شود شهید است.

۲۷۵۹ من سمع الناس بعلمه سمع الله به مسامع خلقه يوم القيمة و
حقّره و صغّره.

هر که از شهرت علم خویش گوش مردم را پر کند روز قیامت
خدا از فزاحت وی گوش مردم پر کند و حقیر و ناچیزش کند.

۲۷۶۰ من لم تنهه صلوته عن الفحشاء و المنکر لم يزد بها من الله
إلاّ بعدا.

هر که نمازش از ناسزا و بدی بازش ندارد به نماز از خدا دور تر شود.

۲۷۶۱ من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليقل خيرا و ليصمت.

هر که بخدا و آخرت ایمان دارد یا خبری گوید و یا خاموش ماند.

۲۷۶۲ من فطر صائما كان له مثل أجره.

هر که روزه داری را افطار دهد نظیر پاداش وی دارد.

۲۷۶۳ من حاول أمرا بمعصية الله كان أفوت بما رجا و أقرب

لمجىء ما اتقى.

هر که خواهد کاری را بوسیله نافرمانی خدا انجام دهد امیدش نومیسد شود و چیزی که از آن بیم دارد زودتر بدو رسد.

۲۷۶۴ من سرّه أن يسكن بحبوحة الجنة فليزم الجماعة.

هر که دوست دارد در دل بهشت سکونت گیرد هم آهنگ جماعت

باشد

۲۷۶۵ من أولى معروفا فليکافی به فإن لم يستطع فليذکره فإن
ذکره فقد شکره.

هر که نیکی بیند آنرا تلافی کند و اگر نتواند آنرا یاد کند که
اگر یاد کند شکر آن گزاشته است.

۲۷۶۶ من تشبه بقوم فهو منهم.
هر که بگروهی تشبه جوئ از آنهاست.

۲۷۶۷ من طلب علما فأدرکه له کفلان من الأجر و من طلب علما و
لم یدرکه کتب له کفل من الأجر.

هر که علمی جوید و بیابد برای او دو بهره پاداش نویسند و هر
که علمی بجوید و نیابد برای او یک بهره پاداش نویسند.

۲۷۶۸ من أدیلت إلیه نعمة فلیشکرها.
هر که نعمتی یابد باید شکر آن بگزارد.

۲۷۶۹ من مات علی خیر عمله فارجوا له خیرا و من مات علی شرّ عمله فخافوا علیه و لا تیأسوا .

هر که بر خیری که انجام داده بمیرد برای وی امیدوار باشید. و
هر که بر شری که عمل کرده بمیرد بر او بیمناک باشید و نومید
مشوید

۲۷۷۰ من شابّ شیبۀ فی الإسلام کانت له نورا یوم القیمۀ.

هر که مویش در اسلام سفید شود بروز قیامت نور وی خواهد بود

۲۷۷۱ من غشنا فلیس منا .

هر که با ما نادرستی کند از ما نیست

۲۷۷۲ من سرّه أن یسلم فلیزم الصّمت.

هر که دوستدارد سلامت ماند خاموشی گزیند.

۲۷۷۳ من أحسن صلوته حین یراه الناس ثمّ أساءها حین یخلو

فتلک إستهانه إستهان بها ربّه .

هر که در حضور مردم نماز خویش نیکو کند و چون بخلوت رود آن را بد گزارد این اهانتی است که بی‌رورد کار خویش میکند.

۲۷۷۴ من أخلص لله أربعين صباحا ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه

على لسانه.

هر که چهل صبحگاه خاص خدا شود چشمه های حکمت از قلب وی بر زبانش جاری شود.

۲۷۷۵ من أثر محبة الله على محبة الناس كفاه الله مؤنة الناس.

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد خدا گرفتاری مردم را از او کفایت کند.

۲۷۷۶ من أعطى حظّه من الرّفق فقد أعطى حظّه من خير الدّنيا و

الآخرة.

هر که را از ملایمت نصیبی دادند نصیب وی را از خیر دنیا و آخرت داده اند.

۲۷۷۷ من کذب بالشفاعة لم ينلها يوم القيمة.

هر که شفاعت را دروغ شمارد روز قیامت از آن بی نصیب ماند.

۲۷۷۸ من سئل عن ظهر غني فصداع في الرأس و داء في البطن.

هر که با وجود بی نیازی سؤال کند رنجی بسرش و دردی در شکمش افتد.

۲۷۷۹ من تبع الصيد عقله.

هر که بدنبال شکار رود آن را بدام آرد.

۲۷۸۰ من أبطأ به عمله لم يسرع به نسبه.

هر که عملش پیش آرد نسبش پیشش نبرد.

۲۷۸۱ من أحدث في أمرنا هذا ما ليس فيه فهو ردّ.

هر که در کار ما بدعتی پدید آرد مردود باشد.

۲۷۸۲ من کان آمرا بمعروف فلیکن أمره ذلک بمعروف.

هر که بنیکی وادار کند همین وادار کردنش نیز بنیکی باشد.

۲۷۸۳ من سئل الناس أموالهم تكثرًا فإِنما هی جمر فلیستقلّ أو

لیستکثر.

هر که برای فزون طلبی چیزی از مال مردم بخواهد آتشست کم
بر گیرد یا زیاد.

۲۷۸۴ من نظر فی کتاب أخیه بغیر إذنه فكأنّما ینظر فی النار

هر که بی اجازه برادرش در نامه او نگرد گوئی در جهنم نگریسته
است.

۲۷۸۵ من مشی منکم إلی طمع فلیمش رویدا.

هر که از شما بدنبال طمع می رود آهسته رود.

۲۷۸۶ من أصبح لا ینوی ظلم أحد غفر له ما جنی.

هر که صبح کند و قصد ستم کسی نداشته باشد گناهانش بخشیده

شود.

۲۷۸۷ مداراة الناس صدقة.

با مردم مدارا کردن صدقه دادن است.

۲۷۸۸ من سئل عن علم فكتمه ألجم بلجام من نار.

هر که از علمی پرسندش و مکتوم دارد لگامی از آتش بر او زنند.

۲۷۸۹ من نزل علی قوم فلا یصومن تطوعاً إلاّ بإذنهم.

هر که مهمان قومی شود بی اجازه آنها روزه دلخواه نگیرد.

۲۷۹۰ من أحبّ أن یكون أکرم الناس فلیتق الله.

هر که دوست دارد گرامی تر از همه مردم باشد از خدا بترسد.

۲۷۹۱ من سرّه أن یجد طعم الإیمان فلیحبّ المرء لا یحبّه إلاّ لله

تعالی.

هر که دوست دارد حلاوت ایمان بچشد کسی را فقط برای خدا

دوست دارد.

۲۷۹۲ من أحب لقاء الله أحب لقاءه و من كره لقاء الله كره

الله لقاءه.

هر که دیدار خدا را دوستدارد خدا دیدار وی را دوست دارد و
هر که دیدار خدا را ناخوش دارد خدا نیز دیدار وی را ناخوش
دارد.

۲۷۹۳ من فارق الجماعة مات ميتة جاهليّة.

هر که از جماعت ببرد به رسم جاهلیت بمیرد.

۲۷۹۴ من حسن إسلام المرء تركه ما لا يعنيه.

کسی که فضول نباشد اسلامش نکو باشد.

۲۷۹۵ من حفظ ما بين لحييه و ما بين رجله دخل الجنة.

هر که دهان و عورت خویش نگه دارد بهشتی شود.

۲۷۹۶ من كفّ لسانه عن أعراض الناس أقاله الله عشرته يوم
القيامة.

هر که زبان خویش از آبروی مردم نگاه دارد روز قیامت خدا
گناهان وی ببخشد.

۲۷۹۷ من رزق من شيء فليزمه

هر که چیزی نصیبش کرده اند در حفظ آن بکوشد.

۲۷۹۸ من أقال نادما بيعه أقاله الله تعالى عشرته.

هر که معامله پشیمانی را اقاله کند خدا از گناهانش بگذرد.

۲۷۹۹ من كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته.

هر که از پی حاجت برادر خویش باشد خدا از پی حاجت وی
باشد.

۲۸۰۰ من دعى على من ظلمه فقد انتصر.

هر که بر ظالم خویش نفرین کند یاری شود.

۲۸۰۱ من یشته کرامه الآخرة يدع زينه الدنيا.

هر که حرمت آخرت خواهد زینت دنیا رها کند.

۲۸۰۲ من طلب العلم تكفل الله برزقه.

هر که علم جوید خدا عهده دار روزی او شود.

۲۸۰۳ من جادل فی خصومه بغير علم لم یزل فی سخط الله حتی

ینزع.

هر که در مناقشه ای بدون علم مجادله کند در خشم خدا باشد تا دست بردارد.

۲۸۰۴ من حمل سلعته فقد برىء من الکبر.

هر که کالای خویش بر دارد از تکبر بری شود.

۲۸۰۵ من خاف الله خوفاً منه کلّ شیء.

هر که از خدا ترسد خدا همه چیز را از او بترساند.

۲۸۰۶ من أتاه الله خيرا فلير عليه.

هر که خدایش نعمتی دهد باید اثر نعمت بر او نمایان شود.

۲۸۰۷ من لم يشكر القليل لم يشكر الكثير.

هر که سپاس کم نگذارد سپاس بسیار نیز ندارد.

۲۸۰۸ من قتل دون دینه فهو شهيد

هر که ضمن دفاع از دین خود کشته شود شهید شده است.

۲۸۰۹ من مات غريبا مات شهيدا

هر که بغربت بمیرد شهید مرده است.

۲۸۱۰ من صام الأبد فلا صام و لا أفطر.

هر که روزه پیوسته دارد نه روزه داشته و نه افطار کرده.

۲۸۱۱ من مشى مع ظالم فقد أجرم

هر که با ظالمی راه رود گناه کرده است.

۲۸۱۲ من رفق بامتی رفق الله به

هر که با امت من ملایمت کند خدا با وی ملایمت کند.

۲۸۱۳ من یرد الله به خیرا یصب منه

خدا برای هر که نکوئی خواهد مبتلایش کند.

۲۸۱۴ من أصاب مالا من مهاوش أذهبه الله فی نهابر.

هر که مال از حرام بدست آرد در حوادث سخت از دست بدهد.

۲۸۱۵ من لم ینفعه علمه یضره جهله.

هر که علمش سودش ندهد جهلش زیانش رساند.

۲۸۱۶ من فتح له باب من خیر فلینتهزه فإنه لا یدری متی یغلق عنه.

هر که دری از خیر بر او گشودند فرصت غنیمت شمارد که نداند چه وقت بسته خواهد شد.

۲۸۱۷ من أسلم على يده رجل وجبت له الجنة.

هر که یکی بدست وی اسلام آورد بهشت بر او واجب شود.

۲۸۱۸ من أولى رجلا من عبد المطلب معروفا في الدنيا فلم يقدر

أن يكافئه كفاؤه عنه يوم القيمة.

هر که با یکی از خاندان عبد المطلب در دنیا نیکی کند و او نتواند تلافی آن کند من در روز قیامت تلافی آن خواهم کرد.

۲۸۱۹ من كنوز البرّ كتمان المصائب و الأمراض و الصدقة.

از گنجینه های نیکی نهان داشتن مصیبتها و مرضها و صدقه است.

۲۸۲۰ من رأى عورة فسترها كان كمن أحياء موءودة من قبرها

هر که عورتی را ببیند و مستور دارد چنانست که دختر زنده بگور کرده ای را از قبر زنده برآرد.

۲۸۲۱ من يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا و الآخرة.

هر که به تنگدستی گشایش دهد خدا در دنیا و آخرت باو گشایش دهد.

۲۸۲۲ من إعتزّ بالعبيد أذله الله.

هر که بوسیله مملوکان عزت جوید خدایش ذلیل کند.

۲۸۲۳ من لا یرحم لا یرحم و من لا یغفر لا یغفر له.

هر که رحم نکند رحمش نکنند و هر که نیامرزد او را نیامرزند.

۲۸۲۴ من لا یتحیی من الناس لا یتحیی من الله.

هر که از مردم شرم ندارد از خدا شرم نکند.

۲۸۲۵ من یتزوّد فی الدنّیا ینفعه فی الآخرة.

هر که از دنیا توشه بر گیرد در آخرت سودش دهد.

۲۸۲۶ من یتکفل لی أن لا یسأل الناس شیئا و أتکفل له بالجنة

کیست که تعهد کند از مردم چیزی نخواهد و من برای او بهشت

را تعهد کنم.

۲۸۲۷ من یرد الله به خیرا یفقّھه فی الدّین و یلهمه رشده.

خدا برای هر که نیکی خواهد وی را در کار دین دانا کند و راه
رشاد را باو الهام کند.

۲۸۲۸ من یعمل سوءا یجز به فی الدّنیا.

هر که عمل بد کند در دنیا سزای آن بیند.

۲۸۲۹ مناوَلَةُ الْمَسْکِینِ تَقْیَ مِیتَةَ السَّوْءِ.

عطا به مستمندان از مرگ بد جلوگیری میکند

۲۸۳۰ مَهْنَةُ إِحْدَاكُنَّ فِی بَیْتِهَا تَدْرُکُ جِهَادَ الْمُجَاهِدِینِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

(ای زنان) هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش اگر خدا
خواهد ثواب مجاهدان خواهد یافت .

۲۸۳۱ من نظر إلى مسلم نظرة یخیفه بها من غیر حق أخافه الله یوم

القیامۃ.

هر که بمسلمانی نظری تند کند که بناحق او را بترساند روز قیامت خدا او را بترساند.

۲۸۳۲ من نفس عن غریمه أو محی عنه کان فی ظلّ العرش یوم

القیامۃ.

هر که بقرضدار خویش مهلت دهد یا قرض او را قلم گیرد روز قیامت در سایه عرش باشد.

۲۸۳۳ من هجر أخاه سنه فهو کسفک دمه.

هر که یک سال از برادر خویش قهر کند چنانستکه خون وی را ریخته است.

۲۸۳۴ من وقاه الله شرّ ما بین لحييه و شرّ ما بین رجلیه دخل الجنّة.

هر که خدایش از شر دهان و عورت نگاه دارد بهشتی است.

۲۸۳۵ من وقر صاحب بدعة فقد أعان علی هدم الإسلام.

هر که بدعتگزاری را محترم دارد بویرانی اسلام کمک کرده است.

۲۸۳۶ من ولی شیئا من أمور المسلمين لم ينظر الله فی حاجته حتی ينظر فی حوائجهم.

هر که چیزی از امور مسلمانان را بعهده گیرد خدا در حاجت وی ننگرد تا وی در حوائج مسلمانان بنگرد.

۲۸۳۷ من لا یرحم الناس لا یرحمه الله.

هر که بمردم رحم نکند خدا باو رحم نخواهد کرد.

۲۸۳۸ من لا یرحم من فی الأرض لا یرحمه من فی السماء.

هر که بمردم زمین رحم نکند خدای آسمان باو رحم نکند.

۲۸۳۹ من کان يؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یروعنّ مسلما.

هر که بخدا و روز جزا مؤمن است مسلمانی را نترساند.

۲۸۴۰ من کتم شهادة إذا دعى إليها كان كمن شهد بالزور.

هر که شهادتی را که از او خواسته اند نهان دارد چنانست که شهادت دروغ داده باشد.

۲۸۴۱ من کنتم علما عن أهله ألجم يوم القيامة لجاما من نار.

هر که علمی را از اهل آن نهان دارد روز قیامت لگامی از آتش بر او زنند.

۲۸۴۲ من کرم أصله و طاب مولده حسن محضره.

هر که اصلش گرامی و مولدش پاکیزه باشد محضرش نیکست.

۲۸۴۳ من لم یرض بقضاء الله و لم یؤمن بقدر الله فلیتمس إلها غیر الله.

هر که بقضای خدا رضا نیست و بتقدیر خدا ایمان ندارد خدائی غیر خدای یکتا بجوید.

۲۸۴۴ من مات علی شیء بعثه الله علیه.

هر که بحالی بمیرد خدا وی را بهمان حال پانگیزد.

۲۸۴۵ من قضی لأخیه المسلم حاجه کان له من الأجر کمن حجّ و
اعتمر.

هر که حاجت برادر مسلمان خویش بر آرد چنانستکه حج کرده و
عمره گذاشته باشد.

۲۸۴۶ من قضی لأخیه المسلم حاجه کان له من الأجر کمن خدم
الله عمره.

هر که حاجت برادر مسلمان خویش را بر آرد چنانست که همه
عمر خویش را خدمت خدا کرده باشد.

۲۸۴۷ من قطع رحماً أو حلف علی یمین فاجرۃ رأی و باله قبل أن
یموت.

هر که از خویشاوند ببرد یا قسم دروغ خورد پیش از آنکه بمیرد
وبال آن ببیند.

۲۸۴۸ من کان حالفا فلا يحلف إلا بالله.

هر که قسم بایش خورد جز بخدا قسم نخورد.

۲۸۴۹ من کان سهّلا هيّنا ليّنا حرّمه الله على النار.

هر که آسان گیر و نرم و ملایم باشد خدا او را بهجهم حرام کند.

۲۸۵۰ من کان عليه دين فهم بقضائه لم يزل معه من الله حارس.

هر که قرضی داشته باشد و قصد پرداخت آن کند پیوسته نگهبانی از جانب خدا بر او گماشته باشد.

۲۸۵۱ من کان له قلب صالح تحنّ الله عليه.

هر که قلبی خوب داشته باشد خدا بوی مشتاقست.

۲۸۵۲ من کان له وجهان في الدنيا کان له يوم القيامة لسانان من

نار.

هر که در دنیا دو رو باشد روز قیامت دو زبان از آتش دارد.

۲۸۵۳ من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليحسن إلى جاره و من
 كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فليكرم ضيفه و من كان يؤمن بالله و
 اليوم الآخر فليقل خيرا أو ليسكت.

هر که بخدا و روز جزا ایمان دارد با همسایه خویش نکوئی کند
 هر که بخدا و روز جزا ایمان دارد مهمان خویش را گرامی دارد
 هر که بخدا و روز جزا ایمان دارد سخن بخیر گوید یا خاموش
 ماند.

۲۸۵۴ من قاد أعمى أربعين خطوة غفر له ما تقدم من ذنبه.
 هر که کوری را چهل قدم بکشد گناهان گذشته اش آمرزیده
 شود.

۲۸۵۵ من قبل بين عيني أمه كان له ستر من النار.
 هر که پیشانی مادر خویش را ببوسد از آتش جهنم مصون شود.

۲۸۵۶ من قتل عصفورا بغير حق سأل الله عنه يوم القيامة. من عفا
 عند القدرة عفا الله عنه يوم العسرة.

هر که گنجشکی را بناحق بکشد خدا روز قیامت از وی باز خواست کند. هر که هنگام قدرت ببخشد خدا در روز سختی او را ببخشد.

۲۸۵۷ من عِلْمٍ علما فله أجر من عمل به لا ينقص من أجر العامل.
هر که علمی یاد دهد، پاداش کسی که بدان عمل میکند از اوست و پاداش عامل کاسته نشود.

۲۸۵۸ من عَيَّرَ أخاه بذنب لم يمت حتى يعمله.
هر که برادر خویش را بگناهی سرزنش کند نمیرد تا مرتکب آن شود.

۲۸۵۹ من غرس غرسا لم يأكل منه آدمي ولا خلق من خلق الله إلا كان له صدقة.

هر که درختی بکارد هر بار که انسانی یا یکی از مخلوق خدا از آن بخورد برای وی صدقه ای محسوب شود.

۲۸۶۰ من غشنا فليس منا، ألمكر و الخداع فى النار.

هر كه با ما نادرستی كند از ما نیست مكر و خدعه در جهنمست.

۲۸۶۱ من طلب العلم كان كفارة لما مضى.

هر كه علم جوید كفاره گناهان گذشته وی باشد.

۲۸۶۲ من طلب العلم ليجارى به العلماء أو ليمارى به السفهاء أو

يصرف به وجوه الناس إليه أدخله الله النار.

هر كه علم جوید كه بوسیله آن با دانشوران همچشمی كند یا با سفیهان مجادله كند یا توجه عامه را بسوی خود جلب كند خدایش بجهنم برد.

۲۸۶۳ من عال ثلاث بنات فأدبهنّ و زوجهنّ و أحسن إليهنّ فله

الجنة.

هر كه سه دختر داشته باشد و تربیتشان كند و شوهرشان دهد و با آنها نیکوئی كند پاداش او بهشتست.

۲۸۶۴ من عدّ غدا من أجله فقد أساء صحبة الموت.

هر که فردا را از عمر خویش شمارد مرگ را خوب شناخته است.

۲۸۶۵ من حضر معصية فكَأَنَّمَا غاب عنها و من غاب عنها

فرضيها فكأنه حضرها

هر کس ناظر معصیتی باشد و آنرا منفور دارد چنانست که غایب بوده و هر کس از معصیتی که در غیاب او کرده اند خشنود باشد چنانست که ناظر آن بوده است.

۲۸۶۶ من حلف بغير الله فقد أشرك.

هر که بغير خدا قسم خورد مشرکست.

۲۸۶۷ من خَبَّ زوجة امرء أو مملوكه فليس منّا.

هر که همسر کسی یا مملوک او را فریب دهد از ما نیست.

۲۸۶۸ من دعا إلى هدى كان له من الأجر مثل أجور من تبعه لا

ينقص ذلك من أجورهم شيئاً و من دعا إلى ضلالة كان عليه من

الإثم مثل آثام من تبعه لا ينقص ذلك من آثامهم شيئا.

هر که به هدایتی دعوت کند پاداش وی چون پاداش همه کسانی است که پیروی آن کنند و از پاداش آنها چیزی نمیکاهد و هر که بضالّتی دعوت کند گناه وی مثل گناهان همه کسانیست که پیروی آن کنند و از گناه آنها چیزی نمیکاهد.

۲۸۶۹ من باع دارا ثم لم يجعل ثمنها في مثلها لم يبارك له فيها.

هر که خانه ای فروشد و با قیمت آن خانه دیگر نخرد برکت نیابد.

۲۸۷۰ من باع عيبا لم يبينه لم يزل في مقت الله و لم تزل الملائكة

تلعنه.

هر که چیز معیوبی فروشد و نگوید پیوسته در دشمنی خدا باشد و فرشتگان پیوسته او را لعنت کند.

۲۸۷۱ من باع عقر دار من غير ضرورة سلط الله على ثمنها تالفا

يتلفه.

هر که بدون ضرورت خانه ای را بفروشد خدا تلف کننده ای را

بگمارد که قیمت آنرا تلف کرد .

۲۸۷۲ من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجيبوه.

هر که پیش از سلام سخن آغازد جوابش مدهید.

۲۸۷۳ من ترك الرمي بعد ما علمه فإنها نعمة كفرها.

هر که تیراندازی را تعلیم گرفته باشد و ترک کند نعمتی را
کفران کرده است.

۲۸۷۴ من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان فليترك الله في النصف

الباقي.

هر که زن بگیرد یک نیمه ایمان خویش را کامل کرده از خدا در
باره نیم دیگر بترسد.

۲۸۷۵ من تمنى على أمّتي الملاء ليلة واحدة أحبّط الله عمله أربعين

سنة

هر که برای امت من یکشب آرزوی گرانی کند خدا چهل سال

عبادت او را باطل کند.

۲۸۷۶ من أفتى بغير علم كان إثمه على من أقتاه و من أشار على أخيه بأمر يعلم أنّ الرّشد في غيره فقد خانه.

هر که بدون علم فتوی دهد گناه حاصل از آن را بگردن دارد و هر که برادر خویش کاری سفارش کند و داند که مصلحت در غیر آنست بوی خیانت کرده است.

۲۸۷۷ من اقتصد أغناه الله، و من بذّر أفقره الله، و من تواضع رفعه الله، و من تجبّر قصمه الله

هر که میانه روی کند خدا بی نیازش کند و هر که اسراف کند خدا فقیرش کند و هر که فروتنی کند خدایش بر دارد و هر که بزرگی فروشد خدایش درهم شکند.

۲۸۷۸ من أكرم إمراً مسلماً فإنّما يكرم الله تعالى.

هر که مسلمانی را گرامی دارد خدای والا را گرامی داشته است.

۲۸۷۹ من أكثر من الإستغفار جعل الله له من كل هم فرجا و من كل ضيق مخرجا و رزقه من حيث لا يحتسب.

هر که استغفار کند خدا برای او از هر غمی گشایش و از هر تنگنایی مفری پدید آرد. و او را از جائیکه انتظار ندارد روزی دهد.

۲۸۸۰ من أكل بالعلم طمس الله على وجهه و ردّه على عقبه و كانت النار أولى به.

هر که بوسیله علم نان خورد خدا چهره او را دگرگون کند و کارش را واژگون کند و جهنم سزاوار او باشد.

۲۸۸۱ من أنظر معسرا إلى ميسرته أنظره الله بذنبه إلى توبته.

هر که تنگدستی را مهلت دهد تا گشایش یابد خدا گناهش را مهلت دهد تا توبه کند.

۲۸۸۲ من أطعم مريضا شهوته أطعمه الله من ثمار الجنة.

هر که غذای دلخواه مریضی را به او بخوراند خدا از میوه‌های

بهشت باو بخوراند.

۲۸۸۳ من أعان ظالما سلّطه الله عليه

هر که ستمگری را اعانت کند خدایش بر او مسلط کند .

۲۸۸۴ من أعان على خصومة بظلم لم يزل في سخط الله حتى ينزع

هر که بوسیله ستمی بر خصومتی کمک کند پیوسته مورد خشم خدا باشد تا دست بردارد.

۲۸۸۵ من أعان ظالما ليدحض بباطله حقّا فقد برئت منه ذمّة الله و

رسوله

هر که ستمگری را اعانت کند که بوسیله باطل خویش حقّی را پایمال کند، از حمایت خدا و پیغمبر برون باشد .

۲۸۸۶ من أعطى حظّه من الرّفق فقد أعطى حظّه من الخير و من

حرم حظّه من الرّفق فقد حرم حظّه من الخير.

هر که را از ملایمت بهره داده اند از نیکی بهره اش داده اند و هر

که را از ملایمت محروم کرده اند از نیکی بی نصیبش کرده اند .

۲۸۸۷ من اغتیب عنده أخوه المسلم فلم ينصره و هو يستطيع نصره
أذله الله تعالى في الدنيا والآخرة.

هر که برادر مسلمانش را در حضور او غیبت کند و تواند یاریش کند یاری وی نکند خدا او را در دنیا و آخرت خوار کند.

۲۸۸۸ من أصيب بمصيبة في ماله أو جسده و كتمها و لم يشكها
إلى الناس كان حقاً على الله أن يغفر له.

هر که در مال یا تن خویش بلیه ای داشته باشد و پنهان کند و شکایت آن بمردم نبرد بر خدا واجب است که بیامرزدش.

۲۸۸۹ من أطعم مسلماً جائعاً أطعمه الله من ثمار الجنة.

هر که مسلمان گرسنه ای را غذا دهد خدا از میوه های بهشت باو بخوراند.

۲۸۹۰ من إشتري سرقة و هو يعلم أنها سرقة فقد شرك في عارها

و اِثْمَهَا.

هر که مال دزدی را بخرد و بداند که دزدیست در ننگ و گناه آن شریکست.

۲۸۹۱ من أصاب حدًّا فعَجَّلَ عقوبته في الدّنيا فالله أعدل من أن

يثنى على عبده العقوبة في الآخرة، و من أصاب حدًّا فستره الله

عليه فالله أكرم من أن يعود في شيء قد عفا عنه.

هر که گناهی کند و در دنیا عقوبت آن ببیند خدا عادل تر از آنست که بار دیگر بنده خویش را در آخرت عقوبت کند و هر که گناهی کند و خدا آن را بپوشاند خدا کریمتر از آنست که به بخشیده خود باز گردد.

۲۸۹۲ من أصبح و همّة التقوى ثمّ أصاب فيما بين ذلك ذنبا غفر

الله له.

هر که روز آغاز دو سر پرهیزکاری داشته باشد و در این اثنا گناهی کند خدا وی را بیامرزد.

۲۸۹۳ من أصبح و همّة غير الله فليس من الله في شيء و من أصبح
لا يهتمّ بالمسلمين فليس منهم.

هر که روز آغازد و توجه او بغیر خدا باشد با خدا کاری ندارد. و
هر که روز آغازد و بکار مسلمانان توجهی نداشته باشد مسلمان
نیست.

۲۸۹۴ من أصبح مطيعاً لله في والديه أصبح له بابان مفتوحان من
الجنة و إن كان واحداً فواحد

هر که روز آغازد و در کار پدر و مادر خویش مطیع خدا باشد،
دو در از بهشت بر او گشوده باشد و اگر یکی باشد یکی.

۲۸۹۵ من استطاع منكم أن يستر أخاه المؤمن بثوبه فليفعل.

هر کس از شما تواند برادر مؤمن خویش را بجامه ای بپوشاند،
بپوشاند.

۲۸۹۶ من استعفف أعفّه الله و من استغنى أغناه الله.

هر که عفت جوید خدایش عفت دهد و هر که غنا طلبد خدایش

غنی کند.

۲۸۹۷ من أذنّب و هو یضحک دخل النار و هو یبکی.

هر که گنه کند و خندان باشد وارد جهنم شود و گریان باشد.

۲۸۹۸ من أراد أن یعلم ماله عند الله فلینظر ما لله عنده.

هر که خواهد بداند نزد خدا چه دارد بنگرد خدا نزد وی چه دارد.

۲۸۹۹ من أراد أن تستجاب دعوته و أن تکشف کربته فلیفرج عن

معسر.

هر که خواهد دعوتش مستجاب شود و غمش از پیش برخیزد
تنگ دستی را گشایش دهد.

۲۹۰۰ من أراد أمرا فشاور فیه امرءا مسلما وفقه الله لأرشد أموره.

هر که اراده کاری کند و با مرد مسلمانی درباره آن مشورت کند
خدایش بمعقولترین کارها توفیق دهد.

۲۹۰۱ من أرضی والديه فقد أرضی الله و من أسخط والديه فقد أسخط الله.

هر که پدر و مادر خویش را خشنود کند خدا را خشنود کرده و
هر که پدر و مادر خویش را خشمگین کند خدا را خشمگین کرده
است.

۲۹۰۲ من ازداد علما و لم تزدد فی الدنیا زهدا لم یزد من الله إلاّ بعدا.

هر که علمش فزون شود و بی رغبتی وی دنیا فزون نشود
دوریش از خدا بیشتر شود.

۲۹۰۳ من استطاع منکم أن یقی دینه و عرضه بماله فلیفعل.
هر که از شما تواند دین و آبرو را بمال خود حفظ کند، حفظ
کند

۲۹۰۴ من استطاع منکم أن ینفع أخاه فلینفعه.
هر که از شما تواند برادر خویش نفع برساند، برساند.

۲۹۰۵ من أخطأ خطيئة أو أذنب ذنبا ثم ندم فهو كفّارته.

هر که خطائی کند یا گناهی از او سرزند آنگاه پشیمان شود
پشیمانی کفاره اوست.

۲۹۰۶ من إدّان دينا ينوى قضاءه أدّاه الله عنه يوم القيمة.

هر که دینی بعهده دارد که نیت پرداخت آن دارد، خدا روز
قیامت قرض وی را ادا کند.

۲۹۰۷ من أذلّ نفسه فى طاعة الله فهو أعزّ ممّن تعزّز بمعصية الله

هر که خویشتن را در اطاعت خدا خوار کند از کسی که به
معصیت خدا عزت جسته باشد عزیزتر است.

۲۹۰۸ من أذلّ عنده مؤمن فلم ينصره و هو يقدر على أن ينصره

أذله الله على رؤس الأشهاد يوم القيامة.

هر که مؤمنی را پیش او خوار کنند و تواند یاری او کند و نکند
روز قیامت خدا پیش همگان خوارش کند.

۲۹۰۹ من أذنب ذنبا فعلم أنّ له ربّا إن شاء غفر له و إن شاء عذّبه
كان حقّا على الله أن يغفر له.

هر که گناهی کند و داند که پروردگاری دارد که اگر خواهد
 گناه وی بیامرزد و اگر خواهد عذابش کند بر خدا واجب است
 که بیامرزدش.

۲۹۱۰ من أذنب ذنبا فعلم أنّ الله قد إطلع عليه غفر له و إن لم
يستغفر.

هر که گناهی کند و داند که خدا ناظر وی بوده، خدا بیامرزدش
 و گر چه آمرزش نخواهد.

۲۹۱۱ من أحبّ أن يبسط له في رزقه و أن ينساء له في أجله
فليصل رحمه.

هر که دوست دارد که روزی وی گشاده کنند و زندگیش طولانی
 شود با خویشاوند پیوند گیرد.

۲۹۱۲ من إحتجب عن الناس لم يحجب عن النار.

هر که در ب مردم ببندد از جهنم مصون نماند.

۲۹۱۳ من إحتكر على المسلمين طعامهم ضربه الله بالجذام.

هر که خوراک مسلمانان را احتکار کند خدا بخوره مبتلاش کند.

۲۹۱۴ من أحسن فيما بينه وبين الله كفاه الله ما بينه وبين الناس و

من أصلح سريره أصلح الله علانيته.

هر که رابطه خویش را با خدا نیک کند خدا رابطه وی با مردم

نیک کند و کسیکه باطن خویش به صلاح آرد خدا ظاهر وی

بصلاح آرد.

۲۹۱۵ من أحسن الرّمي ثمّ تركه فقد ترك نعمه من النعم.

هر که تیر اندازی بداند و آن را ترک کند یکی از نعمتها را ترک

کرده است.

۲۹۱۶ من أخاف مؤمنا كان حقاً على الله أن لا يؤمنه يوم القيمة

هر که مؤمنی را بترساند بر خدا واجب است روز قیامت ایمنش نکند.

۲۹۱۷ من أخذ أموال الناس يريد أداءها أدّى الله عنه و من أخذها يريد إتلافها أتلفه الله.

هر که مال مردم بگیرد و اراده پرداخت آن داشته باشد خدا پرداخت آن کند و هر که بگیرد و اراده تلف کردن داشته باشد خدا آن را تلف کند.

۲۹۱۸ من اتقى الله كل لسانه و لم يشف غيظه.

هر که از خدا بترسد زبانش کند شود و خشم خویش آشکار نکند.

۲۹۱۹ من إتقى الله وقاه كل شيء

هر که از خدا بترسد خدا او را از همه چیز محفوظ دارد.

۲۹۲۰ من أجرى الله على يديه فرجا لمسلم فرج الله عنه كرب الدنيا والآخرة.

هر که خدا بدست وی گشایشی برای مسلمانی پدید آرد خدا محنت دنیا و آخرت از او بردارد .

۲۹۲۱ من أحبّ لله و أبغض لله و أعطى لله و منع لله فقد استكمل الإيمان.

هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا عطا کند و برای خدا منع کند به کمال ایمان رسیده است.

۲۹۲۲ من أحبّ شيئاً أكثر من ذكره.

هر که چیزی را دوست دارد یاد آن بسیار کند.

۲۹۲۳ من أحبّ دنياه أضرّ بآخرته و من أحبّ آخرته أضرّ بدنياه فآثروا ما يبقى على ما يفنى.

هر که دنیا را دوست دارد آخرت خود را زیان زند و هر که آخرت را دوست دارد بدنای خویش زیان زند، پس آنچه را باقیست بر آنچه فانیهست ترجیح دهید.

۲۹۲۴ من أحبّ قوما حشره الله في زمرةهم.

هر که گروهی را دوست دارد خدا وی را با آنها محشور کند.

۲۹۲۵ من أحبّ أن يجد طعم الإيمان فليحبّ المرء لا يحبّه إلاّ لله.

هر که دوست دارد لذت ایمان بچشد کسی را دوست دارد که او را جز برای خدا دوست ندارد.

۲۹۲۶ من ابتلى بالقضاء بين المسلمين فليعدل بينهم في لحظه و

إشارته و مجلسه.

هر که بقضاوت میان مسلمانان مبتلا شود میان آنها در نظر و اشاره و مجلس خویش برابری نهد.

۲۹۲۷ من ابتلى بالقضاء بين المسلمين فلا يرفع صوته على أحد

الخصمين إلاّ يرفع على الآخر .

هر که بقضاوت میان مسلمانان مبتلا شود صدای خویش بر یکی از مدعیان بلند نکند مگر اینکه بر دیگری نیز بلند کند.

۲۹۲۸ من إبتلى فصبر و أعطى فشكر، و ظلم فغفر و ظلم فاستغفر
أولئك لهم الأمن و هم مهتدون .

هر که مبتلا شود. و صبر کند و عطایش دهند و شکر کند و ظلم
بیند و ببخشد و ظلم کند و آمرزش طلبد آنان در امانند و آنها
هدایت یافتگانند.

۲۹۲۹ من أتى عرّافا أو كاهنا فصدّقه بما يقول فقد كفر بما أنزل
على محمد صلى الله عليه و آله.

هر که پیش غیبگو یا کاهن رود و گفته او را تصدیق کند بدین
محمد کافر شده است.

۲۹۳۰ من أتى إليكم معروفا فكافئوه فإن لم تجدوا فادعوا له.
هر که با شما نکوئی کرد عوضش دهید و اگر نتوانید برای او دعا
کنید.

۲۹۳۱ من أتاه أخوه متنصّلا فليقبل ذلك منه محقّا أو مبطلا فإن لم
يفعل لم يرد على الحوض .

هر که برادرش بعدر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را درست باشد یا نادرست بپذیرد و اگر نپذیرد بر من بحوض در نیاید.

۲۹۳۲ من إتقى الله أهاب الله منه كل شيء و من لم يتق الله أهابه الله من كل شيء.

هر که از خدا بترسد خدا همه چیز را ازو بترساند و هر که از خدا نترسد خدا وی را از همه چیز بترساند.

۲۹۳۳ من رمى مؤمنا بكفر فهو كقتله.

هر که مؤمنی را بکفر نسبت دهد چنانستکه او را کشته باشد.

۲۹۳۴ من روع مؤمنا لم يؤمن الله روعته يوم القيامة و من سعى بمؤمن أقامه الله مقام ذلّ و خزی يوم القيامة.

هر که مؤمن را بترساند خدا روز قیامت ترس او را با منیت بدل نکند و هر که از مؤمنی بدگوئی کند خدا روز قیامت او خوار و زبونش کند.

۲۹۳۵ من زرع زرعاً فأكل منه طير كان له صدقة.

هر که کشتی کند و پرنده ای از آن بخورد برای وی صدقه ای محسوب شود.

۲۹۳۶ من زنی خرج منه الإيمان فإن تاب تاب الله عليه.

هر که زنا کند ایمانش برود و اگر توبه کند خدا توبه او بپذیرد.

۲۹۳۷ من زنی أو شرب الخمر نزع الله منه الإيمان كما ينزع

الإنسان القميص من رأسه.

هر که زنا کند یا شراب بنوشد خدا ایمان از او بکند همچنانکه انسان پیراهن از سر خویش بیرون میکند.

۲۹۳۸ من زنی زنی به.

هر که زنا کند با کسان وی زنا کنند.

۲۹۳۹ من زهد في الدنيا علمه الله بلا تعلم و جعله بصيرا.

هر که از دنیا بگذرد خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت

دهد.

۲۹۴۰ من ساء خلقه عذب نفسه و من كبر همه سقم بدنه و من لا
می الرجال ذهب کرامته و سقطت مروته.

هر که خویش بد باشد خویشتن را معذب دارد و هر که غمش
بسیار شود تنش رنجور گردد و هر که با مردم منازعه کند
کرامتش برود و جوانمردیش نابود شود.

۲۹۴۱ من سأل من غير فقر فكأنما يأكل الخمر.

هر که فقیر نباشد و سؤال کند گوئی شراب خورده است.

۲۹۴۲ من دفع غضبه دفع الله عنه عذابه و من حفظ لسانه ستر الله
عورت.

هر که غضب خویش باز دارد خدا عذاب خویش از وی باز دارد و
هر که زبان خویش نگه دارد خدا عیب وی بپوشاند.

۲۹۴۳ من دفن ثلاثة من الولد حرم الله عليه النار.

هر که سه اولاد بنحاک بسپارد خدا آتش جهنم را بر او حرام کند.

۲۹۴۴ من دلّ علی خیر فله مثل أجر فاعله.

هر که به نیکی راهبر شود پاداش نکوکار دارد.

۲۹۴۵ من ذبّ عن عرض أخیه بالغیبه کان حقّاً علی الله أن یقیه

من النار.

هر که در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع کند بر خدا واجب است که او را از جهنم مصون دارد.

۲۹۴۶ من ذکر إمرأ بما لیس فیہ لیعیبه حبسه الله فی نار جهنم

حتّی یأتی بنفاذ ما قال .

هر که بعیب جوئی کسی را بصفتی که در او نیست یاد کند خدا او را در آتش جهنم محبوس دارد تا گفته خویش را مجری دارد.

۲۹۴۷ من ذکر رجلاً بما فیہ فقد إغتابه.

هر که مردی را بصفتی که در او هست یاد کند غیبت وی کرده

است.

۲۹۴۸ من رأى منكم منكرا فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن
لم يستطع فبقلبه و ذلك أضعف الإيمان.

هر کس از شما ناشایسته ای بیند بدست خویش مانع آن شود و
اگر نتواند بزبان و اگر نتواند بدل مانع شود که حداقل ایمان همین
است.

۲۹۴۹ من رأى بالله بغير الله فقد برىء من الله.

هر که بکار خدا برای غیر خدا ریا کند از خدا بیزارى جسته است.

۲۹۵۰ من ربى صغيرا حتى يقول: لا إله إلا الله لم يحاسبه الله.

هر که طفلى را تربیت کند تا لا اله الا الله گوید خدا از او حساب
نخواهد.

۲۹۵۱ من رحم و لو ذبيحة عصفور رحمه الله يوم القيمة.

هر که رحم کند و گر چه نسبت دربارہ سر بریدن بچه گنجشکى

باشد خدا در روز قیامت او را رحم کند.

۲۹۵۲ من ردّ عن عرض أخيه ردّ الله عن وجهه النار.

هر که از آبروی برادر خویش دفاع کند خدا آتش را از چهره وی باز دارد.

۲۹۵۳ من رزق تقى فقد رزق خير الدّنيا و الآخرة.

هر که را تقوی داده اند خیر دنیا و آخرت داده اند.

۲۹۵۴ من رزقه الله امرأةً صالحةً فقد أعانه على شطر دينه فليتق

الله فى الشّطر الباقي .

هر که را خدا زنی پارسا داده وی را بر نصف دین خویش یاری کرده و باید درباره نصف دیگر آن از خدا بترسد.

۲۹۵۵ من رضى من الله باليسير فى الرّزق رضى الله منه بالقليل من

العمل.

هر که از خدا بروزی اندک راضی شود خدا از او بعمل اندک

راضی شود.

۲۹۵۶ من رفع حجرا عن الطريق كتبت له حسنة.

هر که سنگی از راه بردارد عمل نیکی برای وی ثبت کند.

۲۹۵۷ من زنی بأمة لم يرها تزني جلّده الله يوم القيامة بسوط من

نار.

هر که با کنیزی که زناکاری وی ندیده زنا کند روز قیامت خدا وی را بتازیانه آتشین تازیانه زند

۲۹۵۸ من ستر أخاه المسلم في الدنيا فلم يفضحه ستره الله يوم

القيامة.

هر که در دنیا راز برادر مسلمان خویش بپوشد و او را رسوا نکند خدا روز قیامت راز وی بپوشاند.

۲۹۵۹ من سرّه أن يكون أقوى الناس فليتوكل على الله.

هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد بخدا توکل کند.

۲۹۶۰ من سرّه أن یسلم فلیلزم الصّمت.

هر که دوست دارد سالم ماند خاموشی گزیند.

۲۹۶۱ من سرّه أن یتجیب الله له عند الشّدائد و الكرب فلیکثر

الدّعاء فی الرّخاء.

هر که دوست دارد خدا هنگام سختی و مصیبت دعای وی اجابت کند هنگام گشایش دعا بسیار کند .

۲۹۶۲ من سعی بالنّاس فهو بغیر رشده أو فیه شیء منه.

هر که بد مردم گوید از عقل به دور است یا خللی در او هست.

۲۹۶۳ من سکن البادیة جفا.

هر که در صحرا سکونت گیرد خشن شود.

۲۹۶۴ من سلک طریقاً یلتمس فیه علماً سهّل الله له طریقاً إلى

الجنّة.

هر که بجستجوی علم راهی سپرد خدا برای وی راهی سوی بهشت بگشاید.

۲۹۶۵ من شرب الخمر أتى عطشان يوم القيمة.

هر که شراب نوشد روز قیامت تشنه بیارندش.

۲۹۶۶ من شرب خمرا خرج نور الإيمان من جوفه.

هر که شراب نوشد نور ایمان از ضمیرش برود.

۲۹۶۷ من شهد شهادة يستباح بها مال امرئ مسلم أو يسفك بها دم

فقد أوجب النار.

هر که شهادتی دهد که بسبب آن مال مرد مسلمانی را بخورند یا خونی بریزند مستحق جهنمست .

۲۹۶۸ من ضارّ ضارّ الله به و من شاقّ شاقّ الله عليه.

هر که زیان بکسان رساند خدا زیانش رساند و هر که سختگیری کند خدا با وی سخت گیرد.

۲۹۶۹ من ضرب مملو که ظالما أقید منه يوم القيامة.

هر که مملوک خویش را بستم بزند روز قیامت از او تقاص کنند.

۲۹۷۰ من ضرب بسوط ظلما أقتصّ منه يوم القيامة.

هر که بستم تازیانه زند روز قیامت از او تقاص کنند.

۲۹۷۱ من ضمّ یتیمًا له أو لغيره حتّی یغنیه الله عنه وجبت له الجنة.

هر که یتیم خویش یا یتیم دیگری را نگه دارد تا خدایش از رعایت او بی نیاز کند بهشت بر او واجبست

۲۹۷۲ من کرامة المؤمن علی الله تعالى نقاء ثوبه و رضاه بالیسیر.

از لوازم حرمت مؤمن نزد خدا است که جامه اش پاکیزه باشد و باندک خشنود گردد.

۲۹۷۳ من موجبات المغفرة إطعام المسلم السّغبان.

غذا دادن مسلمان گرسنه از موجبات آمرزیده شدن است.

۲۹۷۴ من أذى المسلمين في طرقهم وجبت عليه لعنتهم.

هر که مسلمانان را در راههایشان آزار کند لعنت وی بر ایشان واجب است.

۲۹۷۵ من أذى مسلما فقد أذاني و من أذاني فقد أذى الله.

هر که مسلمانی را آزار کند مرا آزار کرده و هر که مرا آزار کند خدا را آزار کرده است.

۲۹۷۶ من آوى ضالّة فهو ضالّ ما لم يعرفها.

هر که گمشده ای را جا دهد مادام که وجود آن را اعلام نکند گم راه است.

۲۹۷۷ من ابتاع طعاما فلا يبعه حتى يستوفيه.

هر که غذا میفروشد نفروشد یا کامل بفروشد.

۲۹۷۸ من أفضل العمل إدخال السرور على المؤمن تقضى عنه ديناً،

تقضى له حاجة، تنفس له كربۀ.

از بهترین عملها خوشحال کردن مؤمن است یعنی دین وی را ادا کنی، حاجتی از او بر آوری یا محنتی از او بر طرف کنی.

۲۹۷۹ من تمام التَّحِيَّةُ الأخذ باليد

کمال درود گفتن دست گرفتن است.

۲۹۸۰ من حسن عبادة المرء حسن ظنه.

از جمله عبادت نکوی مرد خوش گمان بودن او بخداست.

۲۹۸۱ من سعادة المرء حسن الخلق و من شقاوته سوء الخلق.

نیکخوئی نیکبختی مرد است و بدخوئی بدبختی است.

۲۹۸۲ من سعادة المرء أن يشبه أباه

از لوازم نیکبختی مرد آنست که مانند پدر خویش باشد.

۲۹۸۳ من شكر النعمة إفشاؤها.

از لوازم شکر نعمت داشتن نمودار کردن آنست.

۲۹۸۴ من فقه الرجل رفقه فی معیشته.

مدارا در معاش از دانش مرد است.

۲۹۸۵ من فقه الرجل أن یصلح معیشته و لیس من حبّ الدّیّا طلب

ما یصلحک.

اصلاح معیشت از دانش مرد است و جستجوی چیزیکه معاش تو را
بصلاح آرد دنیا پرستی نیست.

۲۹۸۶ من إنقطع رجاؤه ممّا فات إستراح بدنه و من رضی بما قسمه

الله قرّت عینه.

هر که از نابود شده امید ببرد راحت شود و هر که بقسمت خدا
راضی شود آسوده گردد.

۲۹۸۷ من خاف الناس لسانه فهو من أهل النار.

هر که از زبانش بترسند از اهل جهنمست.

۲۹۸۸ من لم تنتفع بدینه و لا دنیاہ فلا خیر لک فی مجالستہ و من

لم یوجب لک فلا توجب له و لا کرامۃ.

هر که از دین یا دنیای او سودی نبوی در مجالست او خیری نیست.

۲۹۸۹ من أحسن فیما بینہ و بین اللّٰہ کفاه اللّٰہ ما بینہ و بین النّاس و

من أصلح سریرتہ أصلح اللّٰہ علانیتہ و من عمل لآخرتہ کفاه اللّٰہ

دنیاہ.

هر که روابط خویش با خدا نیکو دارد خدا روابط او را با مردم به صلاح آرد و هر که پنهان خویش اصلاح کند خدا عیان او را بصلاح آرد و هر که برای آخرت خویش کار کند خدا دنیای وی را کفایت کند.

۲۹۹۰ من تنفعہ ینفعک و من لا یعدّ الصّبر لنوائب الدّٰہر یعجز و

من قرّض النّاس قرّضوه و من ترکهم لم یتروکوه

هر که را سود دهی سودت دهد و هر که در حوادث دنیا صبوری

نکند عاجز ماند هر که بد مردم گوید بدش گویند و هر که آنها را رها کند رهایش نکنند.

۲۹۹۱ من أراد السَّلامَةَ فليحفظ ما جرى به لسانه و ليخرس ما

أنطوى عليه جنانه و ليحسن عمله و ليقتصر أمله.

هر که سلامت خواهد مراقب گفتار خویش باشد و از آنچه در دل دارد چیزی بزبان نیارد عمل نیک کند و آرزو کوتاه دارد.

۲۹۹۲ من تواضع لله رفعه الله و من تكبر وضعه الله.

هر که برای خدا فروتنی کند خدایش رفعت دهد و هر که تکبر کند خدا او را پست کند.

۲۹۹۳ من أذاع فاحشَةً كان كمتديها و من عيّر مؤمنا بشيء لم

يمت حتى يركبه.

هر که عمل بدی را شایع کند چون عامل آنست و هر که مؤمنی را بکاری عیب کند نمیرد تا مرتکب آن شود.

۲۹۹۴ من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحة.

هر که ملامت بر او چیره شود راحت از او دور شود.

۲۹۹۵ من حرم الرفق فقد حرم الخير كله.

هر که از مدارا بی نصیب باشد از همه خوبیها بی نصیب مانده است.

۲۹۹۶ من عمل علی غیر علم کان ما یفسد أكثر مما یصلح.

هر که بی علم عمل کند بیش از آنچه اصلاح میکند افساد خواهد کرد.

۲۹۹۷ من رزق حسن صورة و حسن خلق و زوجة صالحة و سخاء

فقد أعطی حظّه من خیر الدنیا و الآخرة.

هر که را صورت نیک و سیرت نیک و جفت پارسا و سخاوتی دادند بهره او را از خیر دنیا و آخرت داده اند.

۲۹۹۸ من یزرع خیرا یحصد زعبه و من یزرع شرّا یحصد ندامة

هر که نیکی کارد سود برد و هر که بدی کارد پشیمانی درود.

۲۹۹۹ من لا أدب له لا عقل له.

هر که ادب ندارد عقل ندارد

۳۰۰۰ من طلب شیئا وجدّ وجد.

هر که چیزی بجوید و بکوشد بیاید.

۳۰۰۱ من لا یرحم لا یرحم.

هر که رحم نکند رحمش نکنند

۳۰۰۲ من أراد الله به خيرا رزقه الله خلیلا صالحا.

هر که خدا خیر او خواهد دوستی شایسته نصیب وی کند.

۳۰۰۳ من یدم قرع الباب یوشک أن یفتح له.

هر که بکوفتن در ادامه دهد بر او بکشایند.

۳۰۰۴ ملعون ذو الوجهین ملعون ذو اللسانین.

دو رو ملعون است دو زبان ملعون است.

۳۰۰۵ من البرّ أن تصل صديق أییک

از جمله نکوئی اینست که با دوست پدر خویش دوستی کنی

۳۰۰۶ من الصدقة أن تسلّم على الناس و أنت طلق الوجه.

از جمله صدقه اینست که بمردم سلام کنی و گشاده رو باشی.

۳۰۰۷ من الصدقة أن یعلم الرجل العلم فیعمل به و یعلمه.

از جمله صدقه اینست که مرد علم آموزد و بدان عمل کند و تعلیم دهد.

۳۰۰۸ من المروّة أن ینصت الأخ لأخیه إذا حدّثه و من حسن

المماشاة أن یقف الأخ لأخیه إذا أنقطع شمع نعله.

از لوازم جوانمردی اینست که برادر بگفتار برادر خویش وقتی با او سخن میکند، گوش فرا دارد و از نیک رفتاری اینست که برادر

با برادر خویش وقتی بند کفش وی بریده (و رفتن نتواند) توقف کند.

۳۰۰۹ من أسوء الناس من أذهب آخرته بدنیا غیره.

از جمله بدترین مردم کسیست که آخرت خویش را بدنای دیگری تلف کند.

۳۰۱۰ من أشرط السّاعة الفحش و التّفحش و قطیعة الرّحم و

تخوین الامین و ایتمان الخائن.

از علایم قیامت بد گوئی و بد کاری و بریدن خویشان و خائن شمردن امین و امین پنداشتن خائن است.

۳۰۱۱ من أفضل الشّفاعه أن تشفع بین اثین فی النّکاح.

از جمله بهترین وساطت میان دو کس در کار زناشوئی است

۳۰۱۲_ موت الغریب شهادة.

مرگ غریب، شهادت است.

۳۰۱۳ موضع الصلوة من الدین کموضع الرأس من الجسد.

مقام نماز نسبت بدین چون مقام سر نسبت به تن است.

۳۰۱۴ ألمجاهد من جاهد نفسه فی طاعة الله.

مجاهد آنست که در کار اطاعت خدا با ضمیر خویش جهاد کند.

۳۰۱۵ المرء علی دین خلیله.

مرد بر روش دوست خویشتن است.

۳۰۱۶ المرء کثیر بأخیه.

مرد ببرادر خویش نیرو میگیرد.

۳۰۱۷ المسبّان ما قالا فهو علی البادی ما لم یعتد المظلوم.

گناه دو ناسزا گو بر کسی است که آغاز کرد بشرط آنکه مظلوم تجاوز نکند.

۳۰۱۸ المسلم من سلم المسلمون من لسانه و يده.

مسلمان کسی است که مسلمان از دست و زبانش در امان باشد.

۳۰۱۹ المسلم أخو المسلم لا يظلمه و لا يسلّمه.

مسلمان برادر مسلمانست بدو ستمش نکند و تسلیمش نکند.

۳۰۲۰ المسلمون يد واحدة على من سواهم.

مسلمانان بر ضد غیر مسلمانان همسخنند.

۳۰۲۱ المسجد بيت كلّ تقىّ.

مسجد خانه هر پرهیزکار است

۳۰۲۲_ ألمعدة بيت الدّاء و الحمیة رأس كلّ دواء.

معهده خانه مرض است و پرهیز سر آمد دواهاست.

۳۰۲۳ المؤمن من آمنه الناس على أنفسهم و أموالهم و دمائهم.

مؤمن آنست که مردم او را بر جان و مال و خون خویش امین
شمرند.

۳۰۲۴ المؤمن للمؤمن كالبنیان یشدّ بعضه بعضا.

مؤمن نسبت بمؤمن چون بناست که قسمتی از آن قسمت دیگر را
محکم کند.

۳۰۲۵ المؤمن غرّ کریم و الفاجر خبّ لئیم.

مؤمن شریف و کریم است و فاجر فریبکار و فرومایه است.

۳۰۲۶ المؤمن يوم القيمة فی ظلّ صدقته.

مؤمن روز قیامت در سایه صدقه خویش است.

۳۰۲۷ المؤمن کیس فطن حذر.

مؤمن هوشیار و دقیق و محتاط است.

۳۰۲۸ المؤمن یسیر المؤمنه.

مؤمن کم حاجتست.

۳۰۲۹ المؤمنون أطول الناس أعناقاً يوم القيمة.

مؤمنان روز قیامت از همه مردم گردن فرازترند.

۳۰۳۰ ألموت كفارة لكل مسلم و مسلمة.

مرگ برای هر فرد مسلمان و هر زن مسلمانی کفاره گناهانست.

۳۰۳۱ المهاجر من هجر ما نهى الله عنه.

مهاجر آنست که از هر چه خدا نهی کرده دوری کند.

۳۰۳۲ المرء مع من أحبّ و له ما اكتسب.

مرد در صف دوستان خویش است و نتیجه اعمالش بدو میرسد.

۳۰۳۳ المستشار مؤتمن فإن شاء أشار و إن شاء سكت فإن أشار

فليشر بما لو نزل به فعله

کسی که با وی مشورت کنند امانتدار است اگر خواهد رأی دهد

و اگر خواهد خاموش ماند و اگر داد همان گوید که اگر خود او بود میکرد.

۳۰۳۴ المشاورة حصن من الندامة و أمن من الملامة.

مشورت حصار ندامت است و ایمنی از ملامت.

۳۰۳۵ المؤمن أخوا المؤمن لا يدع نصيحته على كل حال.

مؤمن برادر مؤمنست و به هر حال از خیر خواهی او چشم نپوشد.

۳۰۳۶ المؤمن هين لين حتى تخاله من اللين أحق.

مؤمن نرمخو و ملایمست تا آنجا که از نرمخویی احمقش پنداری.

۳۰۳۷ المؤمن منفعة إن ما شيته نفعك و إن شاورته نفعك و إن

شاركته نفعك و كل شيء من أمره منفعة.

مؤمن مایه سود است اگر همراهش شوی سودت دهد و اگر با وی

مشورت کنی سودت دهد و اگر شریکش شوی سودت دهد و

همه کار وی مایه سود است.

۳۰۳۸ المؤمنون هينون لينون كالحمل الألف إن قيد إنقاد و إذا

أنخ على صخرة إستناخ .

مومنان نرمخو و ملايمند چون شتر دست آموز که اگر بکشندش
برود و اگر بر سنگی به خوابانندش بخوابد.

۳۰۳۹ المتعبّد بغير فقه كالحمار فى الطّاحون

کسی که بی دانش عبادت کند چون الاغ آسیاست .

۳۰۴۰ المرض سوط الله فى الأرض يؤدّب به عباده.

بیماری تازیانه خدا در زمین است که بوسیله آن بندگان خویش را
ادب میکند.

۳۰۴۱ المؤمن مرآة المؤمن و المؤمن أخو المؤمن يحوطه من

ورائه.

مؤمن آئینه مؤمنست مؤمن برادر مؤمنست از پشت سر مراقب
اوست.

۳۰۴۲ المؤمن للمؤمن كالبنیان المرصوص یشدّ بعضه بعضا.

مؤمن نسبت بمؤمن چون بنای محکم است که اجزای آن یکدیگر را استحکام بخشد.

۳۰۴۳ المؤمن یألف و لا خیر فیمن لا یألف و لا یؤلف.

مؤمن الفت گیرد و هر که الفت نگیرد و الفت نیارد خیری در او نیست.

۳۰۴۴ المؤمن یغار و الله أشدّ غیرا.

مؤمن غیرت میبرد و غیرت خدا شدیدتر است.

۳۰۴۵ المؤمن من أهل الإیمان بمنزلة الرأس من الجسد یألم المؤمن

لأهل الإیمان كما یألم الجسد لما فی الرأس.

مؤمن نسبت باهل ایمان چون سر نسبت بتن است مؤمن از رنج مؤمنان رنجور شود چنانکه تن از رنج سر رنجور گردد.

۳۰۴۶ المؤمن بخیر علی کلّ حال، ینزع نفسه من بین جنبیه و هو
یحمد الله.

مومن همیشه خوبست جاناش از تن میرود و خدا را ستایش می
 کند.

۳۰۴۷ المؤمن الذی یخالط الناس و یصبر علی أذاهم أفضل من
المؤمن الذی لا یخالط الناس و لا یصبر علی أذاهم.

مؤمنی که با مردم آمیزش کند و بر آزارشان صبر کند از مؤمنی
 که با مردم آمیزش نکند و بر آزارشان صبر نکند بهتر است.

۳۰۴۸ المؤمن أکرم علی الله من بعض ملائکته.

مؤمن نزد خدا از بعض فرشتگان او عزیزتر است.

۳۰۴۹ المستشار مؤتمن إن شاء أشار و إن شاء لم یشر.

کسی که با او مشورت کنند امانت دار است اگر خواهد رأی دهد
 و اگر نخواهد ندهد.

۳۰۵۰ المسلم مرآة المسلم فإذا رأى به شيئاً فليأخذه.

مسلمان آئینه مسلمانست وقتی چیزی در او دید باید برطرف نماید.

۳۰۵۱ المسلمون إخوة لا فضل لأحد على أحد إلا بالتقوى.

مسلمانان برادرانند هیچکس بر دیگری جز به پرهیزکاری برتری ندارد.

۳۰۵۲ المسلمون عند شروطهم ما وافق الحق من ذلك.

مسلمانان باید بشرایط خویش که مطابق حق باشد وفا کند.

۳۰۵۳ ألمصائب و الأمراض و الأحزان في الدنيا جزاء.

بلیه و بیماری و غم کیفر دنیااست.

۳۰۵۴ المعروف باب من أبواب الجنة و هو يدفع مصارع السوء.

نیکی دری از درهای بهشت است و از مرگ بد جلوگیری میکند.

۳۰۵۵ ألمعك طرف من الظلم.

تأخیر پرداخت دین، شمه ای از ظلم است.

۳۰۵۶ المقيم على الزنا كعابد وثن.

آنکه بر زنا اصرار ورزد چون بت پرست است.

۳۰۵۷ المکر و الخديعة و الخيانة في النار.

مکر و فریب و خیانت در جهنمست

۳۰۵۸_المنافق يملک عينه يبکی کما يشاء.

منافق بر دیدگان خویش مسلط است چنانکه بخواهد گریه می کند.

۳۰۵۹ ألميت يعذب في قبره بما يناح عليه.

میت در قبر از ناله و فریادی که بر مرگ او کنند معذب میشود.

حرف ن

۳۰۶۰ نَجَاءُ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالْيَقِينِ وَ الزَّهْدِ وَ يَهْلِكُ آخِرُهَا بِالْبَخْلِ وَ الْأَمَلِ.

متقدمان این امت بیقین و زهد نجات یابند و متأخرانش به بخل و آرزو هلاک شوند.

۳۰۶۱ نَحَّ الْأَذَى عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ
آزار از راه مسلمانان دور کن.

۳۰۶۲ نَصَفَ مَا يَحْفَرُ لَأَمْتِي مِنَ الْقُبُورِ مِنَ الْعَيْنِ وَ الْمَعْدَةِ.
یک نیمه قبرها که برای امت من حفر می شود از چشم بد و پرخوری است.

۳۰۶۳ نَصَرَ اللَّهُ امْرَأَ سَمِعَ مِّنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ.
خدا مردی را که چیزی از ما بشنود و همانطور که شنیده بدیگران برساند، یاری کند.

۳۰۶۴ نَصَرَ اللَّهُ امْرَأَ سَمِعَ مِّنَّا حَدِيثًا فَحَفَظَهُ حَتَّى يَبْلُغَهُ غَيْرُهُ فَرَبَّ

حامل فقه إلى ما هو أفقه منه و ربّ حامل فقه ليس بفقيه.

خدا مردی را که سخنی از ما بشنود و بخاطر سپارد تا بدیگری
برساند یاری کند بسا کس که دانائی بداناتراز خود برد و بسا کس
که حامل دانائیست و دانا نیست.

۳۰۶۵ نعم الشیء الهدیّة أمام الحاجة

چه نیکوست هدیه بهنگام حاجت.

۳۰۶۶ نعم العطيّة كلمة حقّ تسمعها ثمّ تحملها إلى أخ لك مسلم

چه نیکو عطائیست سخن حقّی که بشنوی و ببرادر مؤمن خویش
برسانی.

۳۰۶۷ نعم سلاح المؤمن الصّبر و الدّعاء.

چه نیکو سلاحی است صبر و دعا برای مؤمن.

۳۰۶۸ نعمتان مغبون فیهما کثیر من النّاس: الصّحّة و الفراغ.

دو نعمتست که بسیاری مردم در آن مغبونند صحت و فراغت.

۳۰۶۹ نعم المال الصّالح للرجل الصّالح.

چه نیکست مال شایسته برای مرد شایسته.

۳۰۷۰ نعم صومعه المسلم بینه.

خانه مسلمان برای او چه نیکو صومعه ایست

۳۰۷۱ نعم الهدیّة الكلمة من كلام الحكمة.

چه نیکو هدیه ایست یک کلمه گفتو حکمت آموز

۳۰۷۲ نعم الأدام الخلّ.

چه نیکو نان خورشی است سرکه

۳۰۷۳ نعم الشّفع القرآن لصاحبه يوم القيمة.

چه نیکو شفیع است قرآن در روز قیامت برای کسی که قرآن خوانده باشد.

۳۰۷۴ نعم المال النّخل الرّاسخات فی الوحل.

چه نیکو مالیست نخل که در کل محکمست.

۳۰۷۵ نعم العون علی تقوی الله المال

مال برای پرهیزکاری خدا چه نیکو یاور است.

۳۰۷۶ نفقه الرّجل علی أهله صدقه

خرجی که مرد برای کسان خود کند صدقه است.

۳۰۷۷ نوم العالم أفضل من عبادة العابد.

خواب دانشمند از عبادت عابد بهتر است.

۳۰۷۸ نوم الصّائم عبادة و صمته تسبیح و عمله مضاعف و دعاؤه

مستجاب و ذنبه مغفور.

خواب روزه دار عبادت است و سکوت وی تسبیح است و عملش

مضاعفست و دعایش مستجابست و گناهش آمرزیده.

۳۰۷۹ نوم علی علم خیر من صلاة علی جهل.

خواب با علم بهتر از نماز با جهل است.

۳۰۸۰ نوروا بالفجر فإنه أعظم للأجر.

صبحدمان چراغ روشن کنید که پاداش شما بیشتر شود.

۳۰۸۱ نیّه المؤمن خیر من عمله و عمل المنافق خیر من نیّته و کلّ

یعمل علی نیّته فإذا عمل المؤمن عملاً نار فی قلبه نور.

نیت مومن از عمل او بهتر است و عمل منافق از نیت او بهتر است
و هر کدام بر نیت خود کار می کنند و چون مومن عملی کند در
قلب وی نوری روشن شود.

۳۰۸۲ ألتأجش آكل ربا ملعون.

بازار گرم کن رباخوار ملعونی است.

۳۰۸۳ ألتأس ولد آدم و آدم من تراب.

مردم فرزند آدمند و آدم از خاک است.

۳۰۸۴ أَلنَّاسُ رَجُلَانِ عَالَمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ لَا خَيْرَ فِيمَا سَوَاهُمَا.

مردم (قابل اعتنا) دو کسند عالم و علم آموز و در غیر آنها خیری نیست.

۳۰۸۵ أَلنَّاسُ مَعَادِنٌ وَ الْعَرَقُ دَسَّاسٌ وَ أَدَبُ السَّوِّءِ كَعَرَقِ السَّوِّءِ.

مردم چون معدن‌ها گونه‌گونند و نژاد در کسان نافذ است و تربیت بد چون نژاد است.

۳۰۸۶ أَلنَّاحِ فِي قَوْمِهِ كَالْمَعْشَبِ فِي دَارِهِ.

آنکه از خاندان خویش زن گیرد چنانست که در خانه خویش علف چیند.

۳۰۸۷ نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أَبْلَغُ مِنْ عَمَلِهِ.

نیت مومن از عمل وی شایسته‌تر است.

۳۰۸۸ أَلنَّاسُ كَأَسْنَانِ الْمَشْطِ.

مردم چون دندانه های شانه اند.

۳۰۸۹ النَّاسُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ.

مردم همگی کسان خداوند و محبوبتر از همه پیش خدا کسی است که برای کسان او سودمندتر باشد.

۳۰۹۰ النَّاسُ أَشْبَهُ بِزَمَانِهِمْ.

مردم بروزگار خویش مانند.

۳۰۹۱ النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ.

مردم معدن‌هایند چون معدن طلا و نقره.

۳۰۹۲ النِّسَاءُ حِبَالَةُ الشَّيْطَانِ.

زنان دامهای شیطانند.

۳۰۹۳ النَّاسُ كَالْإِبِلِ تَرَى الْمَاءَ لَا تَرَى فِيهِ رَاحِلَةً.

مردم چون شترانند صد شتر بینی و یک باربردار در آنمیان نه

بینی.

۳۰۹۴ أَلنَّاسُ يَعْمَلُونَ الْخَيْرَاتِ وَ إِنَّمَا يُعْطُونَ أَجُورَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
على قدر عقولهم.

مردم کارهای نیک کنند اما روز قیامت پاداششان را بقدر عقولشان
 میدهند.

۳۰۹۵ أَلْتَصِرُ مَعَ الصَّبْرِ وَ الْفَرَجِ مَعَ الْكُرْبِ وَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.
 فیروزی قرین صبر است و گشایش قرین رنج است و همراه هر
 سختی گشایشی هست.

۳۰۹۶ أَلْنَدَمُ تَوْبَةً وَ التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.
 پشیمان شدن چون توبه کردن است و هر که از گناه توبه کند
 چنانست که گناه نداشته.

۳۰۹۷ أَلنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ يُزِيدُ فِي الْبَصَرِ.
 بسبزه نگریستن بینائی را افزون میکند.

۳۰۹۸ أَلنَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ.

نگاه بد تیری زهر آگین از تیرهای شیطانست.

۳۰۹۹ أَلنَّظَرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ الْخَضِرَةِ يَزِيدَانِ فِي الْبَصَرِ.

دیدن زن خوبروی و سبزه بینائی را افزون میکند.

۳۱۰۰ أَلنَّظَافَةُ مِنَ الْإِيْمَانِ.

پاکیزگی از ایمانست.

۳۱۰۱ أَلنِّيَاحَةُ مِنْ عَمَلِ الْجَاهِلِيَّةِ.

نوحه گری از عمل جاهلیت است.

۳۱۰۲ أَلنِّيَّةُ الْحَسَنَةُ تَدْخُلُ صَاحِبَهَا الْجَنَّةَ.

نیت خوب صاحب خویش را به بهشت می برد.

حرف و

۳۱۰۳ واضع العلم عند غیر أهله کمقلّد الخنازیر الجوهر و اللؤلؤ و الذهب.

آنکه علم بناهل سپارد چنانست که گوهر و مروارید و طلا
بخوکان آویزد.

۳۱۰۴ و الله مال دنیا فی الآخرة إلاّ مثل ما يجعل أحدکم إصبعة هذه فی الیمّ فلینظر بم یرجع

بخدا قسم دنیا نسبت به آخرت چنانست که یکیتان انگشت خویش
به دریا نهد، بنگرد چه میآورد؟

۳۱۰۵ و الله لأن تهدی بهداک رجل واحد خیر لک من حمر النعم.

بخدا قسم اینکه مردی را هدایت کنی از داشتن شتران سرخ مو
بهتر است.

۳۱۰۶ و الله لا تجدون بعدی أعدل علیکم منی.

بخدا قسم پس از من، کسی را نخواهید یافت که درباره شما عادلتر
از من باشد.

۳۱۰۷ و اکلّی ضیفک فإنّ الضیف یتحیی أن یأکل وحده.

همراه مهمان خویش غذا خور زیرا مهمان شرم دارد که تنها غذا خورد.

۳۱۰۸ و الشّاء إن رحمتها یرحمک الله

حتی به بزاگر رحم کنی خدا بتو رحم کند.

۳۱۰۹ و أیّ داء أدوی من البخل.

و چه مرضی از بخل بدتر است.

۳۱۱۰ و أی المؤمن حقّ واجب.

و عده مؤمن حقّی است (که ادای آن) واجب است.

۳۱۱۱ و جبت محبّة الله علی من غضب فحلم.

کسی که خشم آرد و بردباری کند، بصف محبان خداست.

۳۱۱۲ وزن خبر العلماء بدم الشهداء فرج.

مرکب دانشوران را با خون شهیدان همسنگ کردند اولی سنگین تر بود.

۳۱۱۳ و صَلُّوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ قَرَابَةً بِكَثْرَةِ ذِكْرِكُمْ إِيَّاهُ.

با اقارب خویش بوسیله مکرر یاد کردنشان پیوستگی کن.

۳۱۱۴ وَصَبَ الْمُؤْمِنُ كَفَّارَةَ الْخَطَايَا.

بیماری مؤمن کفاره گناهان است.

۳۱۱۵ وَقَرُّوا مِنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ وَ وَقَرُّوا مِنْ تَعَلَّمُونَهُ الْعِلْمَ.

کسی را که علم از او می آموزید محترم دارید و کسی را که علم بدو می آموزید محترم دارید .

۳۱۱۶ وَلَدَ الرَّجُلُ مِنْ كَسْبِهِ، مِنْ أَطْيَبِ كَسْبِهِ فَكُلُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.

فرزند مرد از جمله کسب او است، از نکوترین کسب او است، از اموال فرزندان بخورید.

۳۱۱۷ ولد الزنا شرّ الثلاثة إذا عمل بعمل أبويه.

زنا زاده اگر زنا کند از پدر و مادر خویش بدتر است.

۳۱۱۸ ویل للأغنياء من الفقراء.

وای بر ثروتمندان از فقیران!

۳۱۱۹ ویل للعالم من الجاهل، و ویل للجاهل من العالم.

وای بر عالم از جاهل! و وای بر بر جاهل از عالم!

۳۱۲۰ ویل للذی یحدّث فیکذب فیضحک به القوم، ویل له، ویل

له.

وای بر آنکه سخن کند و دروغ گوید که کسان از آن بخندند وای
بر او! وای بر او.

۳۱۲۱ ویل للنساء من الأحمرین: ألذهب و المعصفر.

وای بر زنان از دو چیز رنگین طلا و جامه زیبا.

۳۱۲۲ ویل لا مّتی من علّماء السّوء

وای بر امت من از علمای بد.

۳۱۲۳ ویل لمن استطال علی مسلم فانتقص حقّه.

وای بر آنکه به مؤمنی تطاول کند و حق او را بکاهد.

۳۱۲۴ ویل لمن لا یعلم و ویل لمن علم ثمّ لا یعمل.

وای بر آنکه نداند و وای بر آنکه بداند و عمل نکند.

۳۱۲۵ ألوحده خیر من جلیس السّوء و الجلیس الصّالح خیر من

الوحده، و إملاء الخیر خیر من السّکوت و السّکوت خیر من إملاء

الشرّ.

تنهایی از همنشین بد بهتر و همنشین شایسته از تنهایی بهتر نگو

گفتن از سکوت بهتر و سکوت از بد گفتن بهتر.

۳۱۲۶ ألورع الذی یقف عند الشّبهه.

پرهیز کار کسی است که کار شبهه ناک نکند.

۳۱۲۷ أَلَوْدُ يَتَوَارَثُ وَ أَلْبَغْضُ يَتَوَارَثُ

دوستی را بارت میبرند و دشمنی را بارت میبرند.

۳۱۲۸ أَلْوَرَعُ سَيِّدُ الْعَمَلِ.

پرهیزکاری سرآمد اعمالست.

۳۱۲۹ أَلْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ بَعْدَهُ يَنْفِي اللَّيْمَ وَ يَصَحِّحُ

الْبَصَرِ.

وضو پیش از غذا فقر را ببرد و بعد از غذا وسواس را زایل کند و چشم را نیرو دهد.

۳۱۳۰ أَلْوُضُوءُ شَطْرُ الْإِيْمَانِ وَ السَّوَاكِ شَطْرُ الْوُضُوءِ.

وضو نصف ایمان است و مسواک کردن نصف وضو است.

۳۱۳۱ أَلَوْلَدُ ثَمَرَةُ الْقَلْبِ وَ أَنَّهُ مَجْبَنَةٌ مَبْخَلَةٌ مُحْزَنَةٌ

فرزند میوه دل است و مایه ترس و بخل و غم است.

۳۱۳۲ أولد من ریحان الجنّة.

فرزند از ریحان بهشت است.

۳۱۳۳ أولیل لمن ترک عیاله بخیر و قدم علی ربّه بشرّ.

وای بر آنکه خیر برای عیال خود نهد و با شر بنزد خدا رود.

حرف هـ

۳۱۳۴ هدیه الله إلى المؤمن السائل علی بابه.

گدا هدیه خداست که بر در مؤمن آید.

۳۱۳۵ هل تنصرون إلاّ بضعفائکم بدعوتهم و أحلامهم.

شما را بدعا و عقل ضعیفانان یاری میکنند.

۳۱۳۶ هل من أحد یمشی علی الماء إلاّ ابتلت قدماؤ؟ کذلک

صاحب الدّنيا لا یسلم من الذّنوب .

مگر کسی هست که بر آب رود و پاهایش تر نشود؟ همچنین
دنیا دار از گناه مصون نخواهد ماند .

۳۱۳۷ هلکت الرّجال حین أطاعت النّساء.

مردان که اطاعت زنان کنند بهلاکت افتند.

۳۱۳۸ هنّ أغلب، یعنی النّساء.

آنها، یعنی زنان، چیره تراند.

۳۱۳۹ ألهدیّة تعور عین الحکیم.

هدیه چشم خردمند را ببندد.

۳۱۴۰ ألهدیّة تذهب بالسمع و البصر و القلب.

هدیه گوش و چشم و دل را از کار بیندازد.

۳۱۴۱ ألهدیّة رزق من الله فمن أهدى الیه شیء فلیقبله.

هدیه روزی خداست هر که چیزی بدو هدیه دادند بپذیرد.

۳۱۴۲ ألهوی مغفور لصاحبه ما لم يعمل به أو يتكلم.

پندار بد اگر بکردار و گفتار نیاید بخشوده است.

۳۱۴۳ ألهم نصف الهرم.

غم یک نیمه پیری است.

حرف ی

۳۱۴۴ يا عجا كلّ العجب للمصدق بدار الخلود و هو يسعى لدار

الغرور.

سخت در عجبم از آنکه خانه جاوید را باور دارد و برای خانه
غرور بکوشد.

۳۱۴۵ يا معشر التجار إنّ الله باعثكم يوم القيامة فجّارا إلّا من صدق

و أدّى الأمانة.

ای گروه بازرگانان خدا روز رستاخیز بدکار محشورتان میکند
مگر آنکه راست گوید و امانت نگه دارد.

۳۱۴۶ یأتی علی الناس زمان الصّابر منهم علی دینه کالقابض علی
الجمر.

روزگاری بر مردم بیاید که هر که خواهد دین خود نگهدارد چنان
باشد که آتش بدست گرفته باشد.

۳۱۴۷ یأتی علی الناس زمان المؤمن فيه أذلّ من شاته.
روزگاری بر مردم بیاید که مؤمن از بزش خوارتر باشد.

۳۱۴۸ یبعث الناس یوم القیمه علی نیّاتهم.
روز رستاخیز مردم را بکیفیت نیت‌هایشان برانگیزند.

۳۱۴۹ یبصر أحدکم ألقدی فی عین أخیه و یدع الجذع فی عینه
یکیتان خس را در خشم برادرش ببیند و تنه درخت را در چشم
خویش ندیده گیرد.

۳۱۵۰ یبعث شاهد الزور يوم القيمة مدلعا لسانه.

شاهد دروغ روز قیامت آویخته زبان مبعوث میشود.

۳۱۵۱ يتبع المیت ثلاثة فيرجع إثنان و يبقى واحد: يتبعه أهله و

ماله و عمله، فيرجع أهله و ماله و يبقى عمله.

سه چیز بدنبال میت روند دو تا باز گردند و یکی بماند. اهل و مال و عمل وی بدنبال روند اهل و مالش باز گردند و عملش بماند.

۳۱۵۲ يد الله على الجماعة.

دست خدا همراه جماعتست.

۳۱۵۳ يذهب الصّالحون أسلافا لأوّل فالأوّل حتّى لا يبقى إلّا حتالة

كحتاله التّمرو الشّعير لا يبالى الله بهم.

شایستگان طبقه بطبقه روند تا جز پوستی چون پوست خرما و جو نماند که خدا به آنها اعتنا نکند.

۳۱۵۴ یسّروا و لا تعسّروا.

سهل گیرید و سخت مگیرید.

۳۱۵۵ يطبع المؤمن على كلّ خلق ليس الخيانة و الكذب.

مؤمن هر خوئی تواند داشت مگر خیانت و دروغ گوئی.

۳۱۵۶ يعجب ربك من الشاب ليست له صبوة.

پروردگار تو جوانی را که جوانی نکند دوست دارد.

۳۱۵۷ يمن الخيل في شقرها.

برکت اسب در رنگ کهر است.

۳۱۵۸ يحبّ الله العامل إذا عمل أن يحسن.

خدا دوست دارد که وقتی کسی کاری میکند کمال کند.

۳۱۵۹ يدور المعروف على يد ماء رجل آخرهم فيه كأولهم.

نیکی بدست صد مرد میرود که پاداش آخریشان مانند اولیست.

۳۱۶۰ یمینک علی ما یصدّقک علیه صاحبک.

سوگند درباره چیزی توانی خورد که مصاحب تو تصدیق آن کند.

۳۱۶۱ ینبغی أن یكون للمؤمن ثمانیة خصال: وقار عند الهزائز و

صبر عند البلاء و شكر عند الرّخاء و قنوع بما رزقه الله عزّ و جلّ،

لا یظلم الأعداء و لا یتحامل علی الاصدقاء بدنه فی تعب و الناس

منه فی راحة.

مؤمن باید هشت صفت داشته باشد وقار در حوادث سخت و صبر

به هنگام بلیه و شكر به هنگام گشایش و قناعت به روزی ای که

خدای والا داده است بدشمنان ستم نکند و مزاحم دوستان نشود،

تنش برنج باشد و مردم از او در آسایش باشند.

۳۱۶۲ یهرم ابن آدم و یبقی معه اثنتان أحرص و الأمل.

فرزند آدم پیر میشود و دو چیز با وی میماند حرص و آرزو.

۳۱۶۳ یوزن یوم القيامة مداد العلماء و دم الشهداء فيرجح مداد العلماء على دم الشهداء .

روز قیامت مرکب دانشوران و خون شهیدان را همسنگ کنند و مرکب دانشوران بر خون شهیدان مرجح شود.

۳۱۶۴ یهرم ابن آدم و يشبّ منه اثنتان الحرص على المال و الحرص على العمر.

فرزند آدم پیر میشود و دو چیز از او جوان می شود حرص مال و حرص عمر.

۳۱۶۵ أليد العليا خير من اليد السفلى و أبدأ بمن تعول.

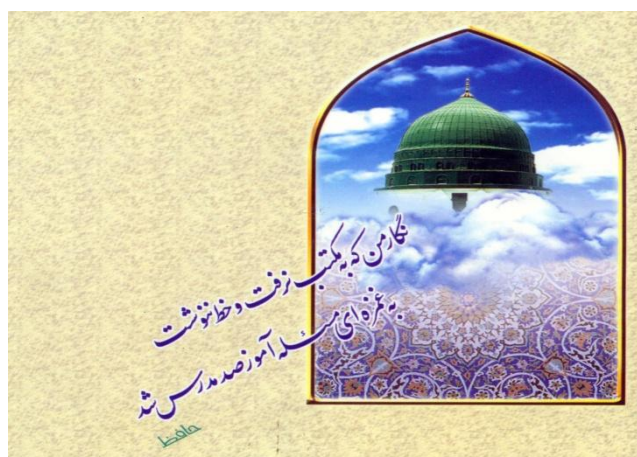
دست دهنده از دست بگیر که بهتر است و صدقه را از نانخوران خویش آغاز کن.

۳۱۶۶ أليمن الكاذبة منفقة للسلعة ممحقة للكسب.

قسم دروغ کالا را تلف کند و کسب را از میان ببرد.

۳۱۶۷ أَلَيْمِينَ عَلَى نِيَّةِ الْمُسْتَحْلِفِ.

قسم مربوط به نیت قسم خور است.



ترجمه خطبه شعبانیه

حضرت امام رضا علیه السلام از پدر گرامی خود و او از پدران
بزرگوارش، و آنان هم از امیرالمؤمنان امام علی علیه السلام نقل کرده
اند که آن حضرت چنین فرمود: یکی از روزهای آخر ماه شعبان و در
آستانه ی رمضان پیامبر خدا، خطاب به ما، خطبه ی مهمی خواند که

مضمونش چنین است:

۱- ای مردم، ماه خدا، همراه برکت و رحمت و آمرزش گناهان به شما روی آورده است.

۲- ماهی است که از همه ماه‌ها ارزشمندتر و با فضیلت تر است.

۳- روزهایش ارزشمندترین روزهاست.

۴- و شبهایش با فضیلت ترین شب هاست.

۵- و ساعت هایش از همه ی ساعت ها ارزشمند تر و ارجمندتر است.

۶- ماهی است که شما به میهمانی خدا دعوت شده اید.

۷- و خدا شما را در این ماه گرامی داشته است.

۸- نفس های شما در ماه رمضان تسبیح است.

۹- و خوابتان عبادت خداست.

۱۰- و عمل شما مورد قبول درگاه خداست.

۱۱- و دعایتان در این ماه عزیز مستجاب است.

۱۲- با نیت های درست و دل‌های پاک، خواسته هایتان را از خدا

بنخواهید.

۱۳- و بنخواهید که شما را در این ماه به گرفتن روزه توفیق دهد.

- ۱۴- و نیز به تلاوت قرآن موفق سازد.
- ۱۵- انسان شقی کسی است که در این ماه مورد بخشش و آمرزش خدا قرار نگیرد.
- ۱۶- با گرسنگی و تشنگی این ماه، به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت بفتید.
- ۱۷- و به فقرا و محرومان صدقه بدهید.
- ۱۸- در ماه رمضان به بزرگانتان احترام کنید.
- ۱۹- و به کودکان و افراد کوچک تر، از هیچ محبتی دریغ نورزید.
- ۲۰- در این ماه بیشتر صله ی رحم نمایید.
- ۲۱- زبان خود را از گفتار ناپسند و زشت نگهدارید.
- ۲۲- و از آنچه خدا بر شما حلال نکرده است، چشمانتان را ببندید.
- ۲۳- و آن چه را که شنیدنش بر شما حلال نیست، گوش ننمایید.
- ۲۴- و به یتیمان مهر و محبت کنید تا بر یتیمان شما مهرورزند.
- ۲۵- و از گناهانتان توبه کنید.
- ۲۶- به هنگام نماز، دو دست خود را به دعا به پیشگاه خدا بلند کنید.
- ۲۷- چه آن که آن لحظه ها بهترین لحظه هاست.

۲۸- خداوند در آن لحظات با مهر و لطف بر بندگان می نگرد.

۲۹- و اگر از او درخواست کنند، جواب می دهد.

۳۰- و وقتی او را بخوانند، لبیک می گوید.

۳۱- و دعای آنان را اجابت می کند.

۳۲- ای مردم! جانتان در گروه اعمال شماست، با طلب مغفرت از خدا، آزادش کنید.

۳۳- و شانه های شما از وزر و وبال گناه و زشتی های سنگینی می کند، با سجده های طولانی، آن وزر و وبال را سبک کنید.

۳۴- بدانید که خداوند به عزت خود قسم یاد کرده است که نمازگزاران و سجده کننده گان را عذاب نکند.

۳۵- ای مردم! هر کسی از شما روزه دار مؤمنی را افطار دهد، چنان است که گویا بنده ای را آزاد کرده، و خداوند از لغزش های گذشته اش می گذرد.

۳۶- یکی عرض کرد! ای رسول خدا، همه ی ما قدرت افطار دادن و سیر کردن شکم افراد را نداریم. پیامبر فرمود: با پاره ی خرما، و مقداری آب، آتش را از خود دور کنید.

۳۷- ای مردم! اگر کسی در این ماه اخلاق خودش را نیکو و اصلاح

کند، جواز عبور از پل صراط برای او خواهد بود.

۳۸- و آن کسی که در این ماه بر زیردستان خود آسان گرفته و سخت

گیری نکند، خداوند حساب را بر او آسان می گیرد.

۳۹- و کسی که در این ماه مردم از شرش در امان باشند، خداوند در

قیامت غضب خود را از او باز می دارد.

۴۰- و کسی که یتیمی را نوازش نماید، در قیامت مورد نوازش خداوند

خواهد بود.

۴۱- و کسی که صله‌ی رحم کند، خداوند رحمتش را در قیامت بر او

فرومی فرستد.

۴۲- و کسی که قطع رحم کند، خداوند رحمتش را در قیامت از او دور

دارد.

۴۳- و کسی که یک نماز مستحبی به قصد اطاعت و بندگی به جا

آورد، خداوند برآت آزادی از آتش جهنم را برای او صادر می کند.

۴۴- و کسی که یک واجب را انجام دهد ثواب هفتاد واجب به او داده

می شود.

۴۵- و کسی که در این ماه بر من زیاد درود فرستد، خداوند کفه ی میزان عمل نیک او را در قیامت سنگین می کند.

۴۶- و کسی که یک آیه در این ماه از قرآن تلاوت کند، پاداش یک ختم قرآن را خواهد داشت.

۴۷- ای مردم، درهای بهشت در این ماه باز است، از خدا درخواست کنید که آن را بر روی شما نبندد.

۴۸- و درهای جهنم بر روی شما بسته است، از خداوند بخواهید که آن را بر روی شما نگشاید.

۴۹- و شیطان در این ماه درغل و زنجیر است، از خداوند بخواهید که آن را بر شما مسلط نکند.

۵۰- امیرالمؤمنین گفت: از جا برخاستم و عرض کردم: ای رسول خدا، کدام عمل در این ماه ارزشمند تر است؟

فرمود: ای ابالحسن، ارجمندترین عمل در رمضان آن است که انسان از آن چه خدا حرام کرده است، دوری جوید.

آن گاه گریه کرد. عرض کردم: چه چیزی باعث گریه ی شما شد؟

فرمود: علی جان، گریه ی من برای این است که در این ماه در حالی

که به نماز ایستاده ای فرق سرت به دست شقی ترین انسان شکافته می شود، و محاسن شریف تو خضاب می گردد.

امیرالمؤمنین عرض کرد: ای رسول خدا، آیا دین من سالم است؟
رسول خدا فرمود: آری، در سلامت کامل دینی قرار داری.

۵۱- سپس فرمود: یا علی، قاتل تو، قاتل من است، و کسی که بر تو غضب کند بر من غضب کرده است.

۵۲- و کسی که به تو دشنام دهد به من دشنام داده است، تو برای من به منزله ی جان من هستی، روح تو از روح من است و طینت تو از طینت من است.

۵۳- خدای تبارک و تعالی، من و تو را آفرید و انتخاب کرد.

۵۴- مرا برای نبوت و پیامبری، و تو را برای امامت امت اسلامی اختیار کرد، و هر کسی امامت تو را انکار کند، در حقیقت منکر نبوت من شده است.

ترجمه خطبه غدیر

بخش اول: حمد و ثنای الهی

ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود، بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست.

اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزله از خصایص آفریده هاست و در منزله بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست.

به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

کریم و بردبار و شکیباست. رحمت اش جهان شمول و عطایش منت گذار. در انتقام بی شتاب و در کیفر سزاواران عذاب، صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست بر درون ها دانا فراگیری و چیرگی بر هر هستی. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه اوست. او را همانندی نیست و هموست ایجادگر هر موجود در تاریکستان لاشیء. جاودانه و زنده و عدل گستر. جز او خداوندی نباشد و اوست ارجمند و

حکیم.

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها. بر پنهانی ها آگاه و بر کارها داناست. کسی از دیدن به وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیابد مگر، او - عزوجل - خود، راه نماید و بشناساند.

و گواهی می دهم که او «الله» است. همو که تنزهش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش ابدیت را شامل است. بی مشاور، فرمانش را اجرا، بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور سامان دهی فرماید. صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است.

پس اوست «الله» که معبودی به جز او نیست. همو که صنّعش استوار است و ساختمان آفرینش زیبا. دادگری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارها به او بازمی گردد.

و گواهی می دهم که او «الله» است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزّتش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند. پادشاه هستی ها و چرخاننده سپهرها و رام کننده آفتاب و ماه که هریک تا آجل معین جریان یابند. او پرده شب را به روز و پرده روز را - که شتابان در پی شب اوست شکننده هر ستمگر سرکش و نابودکننده هر شیطان - است - به شب پیچد رانده شده.

نه او را ناسازی باشد و نه برایش انباز و مانندی. یکتا و بی نیاز، نه زاده و نه زائیده شده، او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به

انجام رساند. اراده کند و حکم نماید. بداند و بشمارد. بمیراند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند. بخنداند و بگریاند. نزدیک آورد و دور برد. بازدارد و عطا کند. او راست پادشاهی و ستایش. به دست توانی اوست تمام نیکی. و هموست بر هر چیز توانا.

شب را در روز و روز را در شب فرو برد. معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛ اجابت کننده دعا و افزاینده عطا، بر شمارنده نفس ها؛ پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید، فریاد فریادکنندگان او را آزرده نکند و اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد.

نیکوکاران را نگاهدار، رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی و به او و فرشتگان و نبشته ها و فرستاده هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می گذارم و اطاعت می کنم؛ و به سوی خشنودی او می شتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به فرمانبری او شائق و از کیفر او ترسانم. زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از بی عدالتیش ترسان نباشد (زیرا او را ستمی نیست).

بخش دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم

و اکنون به عبودیت خویش و پروردگاری او گواهی می دهم. و وظیفه خود را در آن چه وحی شده انجام می دهم مباد که از سوی او عذابی فرود آید که کسی یاری دورساختن آن از من نباشد. هر چند توانش بسیار و دوستی اش (با من)

خالص باشد.

معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی) - نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برایم تضمین کرده و البته که او بسنده و بخشنده است.

پس آنگاه خداوند چنین وحی ام فرستاد: ((به نام خداوند همه مهرِ مهرورز. ای فرستاده ما! آن چه از سوی پروردگارت درباره ی علی و خلافت او بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، و گرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.))

هان مردمان! آنچه بر من فرود آمده، در تبلیغ آن کوتاهی نکرده ام و حال برایتان سبب نزول آیه را بیان می کنم: همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام، پروردگارم - که تنها او سلام است - فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده. جایگاه او نسبت به من به سان هارون نسبت به موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود او (علی)، صاحب اختیاران پس از خدا و رسول است.

و پروردگارم آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و ایمانیانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

و من از جبرئیل درخواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید. زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسۀ ملامت گران و مکر مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصفشان فرموده: ((به زبان آن را می گویند که در دل هایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است.)) و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدانجا که مرا اُذُن [سخن شنو و زودباور] نامیده اند، به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من، تا بدانجا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو او سخن فرستاده: ((و از آنانند کسانی که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند شنو و زودباور است. بگو: آری سخن شنو است. - بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماست، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راستگو می انگارد.))

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می توانستم. لیکن سوگند به خدا در کارشان کرامت نموده لب فروبستم. با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی عیه السلام سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خواند: . فرو فرستاده به گوش شما برسانم ((ای پیامبر ما! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی - ابلاغ کن؛ و گرنه کار رسالتش را انجام نداده ای. و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.))

بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

هان مردمان! بدانید این آیه دربارهٔ اوست. ژرفی آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر صحرانشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است.

(هشدار که) اجرای فرمان و گفتار او لازم و امرش نافذ است. ناسازگارش رانده، پیرو و باورکننده اش در مهر و شفقت است. هر آینه خداوند، او و شنوایان سخن او و پیروان راهش را آمرزیده است.

هان مردمان! آخرین بار است که در این اجتماع به پا ایستاده ام. پس بشنوید و فرمان حق را گردن گذارید؛ چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛ و پس از خداوند ولی شما، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر شماست و با شما سخن می گوید. و پس از من به فرمان پروردگار، علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست. آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد بود. این قانون تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد.

روا نیست، مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند؛ و ناروا نیست مگر آن چه آنان ناروا دانند. خداوند عزوجل، هم روا و هم ناروا را برای من بیان فرموده و آن چه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من آموخته در اختیار علی نهاده ام.

هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را

در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی، ضبط کرده ام. او (علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سورۀ یاسین یاد کرده که: ((و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم...))

هان مردمان! از علی رو برنتابید. و از امامتش نگریزید. و از سرپرستی اش رو برنگردانید. او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید. او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد. او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته. و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود.

اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

هان مردمان! او را برتر دانید، که خداوند او را برگزیده؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده است.

هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد. این است روش قطعی خداوند درباره ناسازگار علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند. از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی درخواهید شد که آتش گیرۀ آن مردمانند؛ و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است.

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است، و شک و نابوری در امامت یکی از امامان، به سان شک و نابوری در تمامی آنان است. و هرآینه جایگاه ناباوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان! خداوند عزوجلّ از روی منتّ و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد و البته که خدایی جز او نیست. آگاه باشید: تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام ویژه اوست .

هان مردمان! علی را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است؛ تا آن هنگام که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید.

دور دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد!

هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: «هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد!» البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده. [هان!] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی بپرهیزید. مباد که گام هایتان پس از استواری درلغزد. که خداوند بر کردارتان آگاه است.

هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده و درباره ستیزندگان با او فرموده: ((تا آنکه مبادا کسی در روز رستخیز بگوید: افسوس که درباره همجوار و همسایه ی خدا کوتاهی کردم...))

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر محکماتش نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید. پس به خدا سوگند که باطن ها و تفسیر آن را آشکار نمی کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده ام و اعلام می دارم که: هر آن که من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست. و او علی بن ابی طالب است؛ برادر و وصی من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

هشدار که من وظیفه ی خود را ادا کردم. هشدار که من آن چه بر عهده ام بود ابلاغ کردم و به گوشتان رساندم و روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مؤمنان بری کسی جز او روا نباشد.

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید! آن که من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را؛ و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

بخش چهارم: بلند کردن امیرالمومنین علیه السلام بدست رسول خداصلی الله علیه و

آله

هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان، رویگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین پیکار کند. خداوند فرماید: ((فرمان من دگرگون نخواهد شد.))

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می گویم: خداوندا! دوستداران او را دوست دار. و دشمنان او را دشمن دار. پشتیبانان او را پشتیبانی کن. یارانش را یاری نما. ناباورانش را از مهرت بران و خودداری کنندگان از یاری اش را به خود رها کن بر آنان خشم خود را فرود آور.

معبودا! تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» «و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود.» خداوندا، تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

بخش پنجم: تاکید بر توجه امت به مسئله امامت

هان مردمان! خداوند عزّوجلّ دین را با امامت علی تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی - خواهند بود، به گونه ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

هان مردمان! این علی یاورترین، سزاوارترین و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من است. خداوند عزّوجلّ و من از او خشنودیم. آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره ی اوست. و خدا هرگاه ایمان آوردگان را خطابی نموده به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدی متعال بوده است]. و آیه ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره ی او. و خداوند در سوره ی «هل أتی علی الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر بری او، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

هان مردمان! او یاور دین خدا و دفاع کننده ی از رسول اوست. او پرهیزکار پاکیزه و رهنمی ارشاد شده [به دست خود خدا] است. پیامبرتان برترین پیامبر، وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند.

هان مردمان! فرزندان هرپیامبر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است.

هان مردمان! به راستی که شیطانِ اغواگر، آدم را با رشک از بهشت رانده مبادا شما به علی رشک ورزید که کرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهد شد. آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده ی خدی عزّوجلّ بود. پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شما یید و دشمنان خدا نیز از میان

شمايند.

آگاه باشيد! كه با علي نمي ستيزد مگر بي سعادت. و سرپرستي او را نمي پذيرد
مگر رستگار پرهيزگار. و به او نمي گروود مگر ايمان دار بي آلايش.

و سوگند به خدا كه سوره ي والعصر درباره ي اوست: «به نام خداوند همه مهر
مهر ورز. قسم به زمان كه انسان در زيان است.» مگر علي كه ايمان آورده و به
درستي و شكيبائي آراسته است.

هان مردمان! خدا را گواه گرفتم و پيام او را به شما رسانيدم. و بر فرستاده وظيفه
ي جز بيان و ابلاغ روشن نباشد!
هان مردمان! تقوا پيشه كنيد همان گونه كه بايسته است. و نميريد جز با شرفِ
اسلام.

بخش ششم: اشاره به كارشكني هاي منافقين

هان مردمان! «به خدا و رسول و نور همراهش ايمان آوريد پيش از آن كه چهره ها را
تباه و باژگونه كنيم يا چونان اصحاب روز شنبه ((يهوديا ني كه بر خدا نيرنگ
آوردند)) رانده شويد.» به خدا سوگند كه مقصود خداوند از اين آيه گروهی از صحابه
اند كه آنان را با نام و نسب می شناسم ليكن به پرده پوشی كارشان مأمورم. آنك هر
كس پايه كار خویش را مهر و يا خشم علی در دل قرار دهد (و بداند كه ارزش عمل او
وابسته به آن است).

مردمان! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آن
گاه در نسل او تا قائم مهدي - كه حق خدا و ما را می ستاند - جای گرفته. چرا كه

خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است. هان مردمان! هشدارتان می دهم: همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری گشته اند. آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت عقب گرد می کنید؟ آن که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زیانی نخواهد رسانید و خداوند سپاسگزاران شکیباگر را پاداش خواهد داد. بدانید که علی و پس از او فرزندان من از نسل او، داری کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند.

هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ که اعمال شما را بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس شما را به شعله ی از آتش و مس گذاشته گرفتار خواهد نمود. همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند. هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم.

هان مردمان! آنان و یاران و پیروانشان در بدترین جی جهنم، جایگاه متکبران خواهند بود. بدانید آنان اصحاب صحیفه اند. اکنون هر کس در صحیفه ی خود نظر کند.

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به جی می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز. و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده اند و بر تمامی مردمان باشد. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به

فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند.

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده. آن را غصب کرده و به تصرف خویش درآورند.

هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله هی آتش و مس گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند.

هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن [حق] هان مردمان را، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی خواهد سپرد. و هر آینه خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد.

هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده ی آیندگان است.

او خود در کتابش آورده: ((آیا پیشینیان را تباه نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختم؟ با مجرمان این چنین کنیم. وای بر ناباوران!))

هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید. به سوی هدف او حرکت کنید.

راه هی گونه گون شما را از راه او بازندارد!

بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده. و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم» - تا آخر سوره

هان! به خدا سوگند این سوره درباره ی من نازل شده و شامل امامان می باشد و به آنان اختصاص دارد. آنان اولی خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست، آگاه باشید: البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که: ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین اند. بری گمراهی مردمان، سخنان بیهوده و پوچ را به یکدیگر می رسانند. بدانید که خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کرده: «[ی پیامبر ما] نمی یابی ایمانیان به خدا و روز بازپسین، که ستیزه گران خدا و رسول را دوست ندارند، گرچه آنان پدران، برادران و خویشانانشان باشند. آنان [که چنین اند] خداوند ایمان را در دل هایشان نبشته است.» - تا آخر آیه

هان! دوستان امامان ایمانیان اند که قرآن چنان توصیف فرموده: ((آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده اند، در امان و در راه راست هستند.)) هشدار! یاران پیشوایان کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود.

هشدار! اولی امامان آنانند که با آرامش و سلام به بهشت درخواهند شد و فرشتگان

با سلام آنان را پذیرفته، خواهند گفت: ((درود بر شما که پاک شده اید. اینک داخل شوید که در بهشت، جاودانه خواهید بود.))

هان! بهشت پاداش اولی آنان است و در آن بی حساب روزی داده خواهند شد.

هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش در آیند. و همانا ناله ی افروزش جهنم را می شنوند در حالی که شعله هی آتش زبانه می کشد و زفیر (صدای بازدم) جهنم را نیز درمی یابند.

هان! خداوند درباره ی ستیزگران با آنان فرموده: ((هرگاه امتی داخل جهنم شود همتی خود را نفرین کند.))

هشدار! که دشمنان امامان همانانند که خداوند درباره ی آنان فرموده: ((هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ی نیامد؟! می گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ)) تا آن جا که فرماید: ((هان! نابود باد دوزخیان))

هان! یاران امامان در نهان، از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ بری آنان خواهد بود.

هان مردمان! چه بسیار راه است میان آتش و پاداش بزرگ!

هان مردمان! خداوند ستیزه جویان ما را ناستوده و نفرین فرموده و دوستان ما را ستوده و دوست دارد.

هان مردمان! بدانید که همانا من انذار گرم و علی مژده دهنده.

هان! که من بیم دهنده ام و علی راهنما.

هان مردمان! بدانید که من پیامبرم و علی وصی من است.

هان مردمان! بدانید که همانا من فرستاده و علی امام و وصی پس از من است. و
امامان پس از او فرزندان اویند.

آگاه باشید! من والد آنانم ولی ایشان از نسل علی خواهند بود.

بخش هشتم: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره
خواهد بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.

هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها.

هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمی آنان.

هشدار! که او خونخواه تمام اولیی خداست.

آگاه باشید! اوست یاور دین خدا .

هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه هایی افزون گیرد.

هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او، و به هر نادان و بی ارزشی به
اندازه ی نادانی اش نیکی کند.

هشدار! که او نیکو و برگزیده ی خداوند است.

هشدار! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست.

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه هی او را
برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار.

بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده
است.

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند.
 آگاه باشید! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود. درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست.
 هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده ی او یاری نخواهد گشت.
 آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است.

بخش نهم: مطرح کردن بیعت

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفهیم نمودم. و این علی است که پس از من شما را آگاه می کند. اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید. آگاه باشید من با خداوند و علی با من پیمان بسته و من اکنون از سوی خدی عزوجل بری امامت او پیمان می گیرم. ((ای پیامبر)) آنان که با تو بیعت کنند هر آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بالی دستان آنان است. و هر کس بیعت شکند، بر زیان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد.

بخش دهم: حلال و حرام، واجبات و محرمات

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند.
 هان مردمان! در خانه ی خدا حج گزارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی

نیاز شد و مزده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید.

هان مردمان! مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منا) نمآند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامرزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک] کار خود را از سر گیرد.

هان مردمان! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه هی سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید. و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد.

هان مردمان! خانه ی خدا را با دین کامل و دانش ژرفی آن دیدار کنید و از زیارتگاهها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماست. خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفریدگانش نهاده. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش هی شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم. از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام درباره علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند. و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است

که او با خداوند قدر و قضا دیدار کند.

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز برنمی گردم. بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید. هشدار که دوباره می گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید. و زکات بپردازید. و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

و بدانید که ریشه ی امر به معروف این است که به گفته ی من [درباره ی امامت] برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد.

هان مردمان! قرآن بر شما روشن می کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما شناساندم که آنان از او و از من

اند. چرا که خداوند در کتاب خود می گوید: ((امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...)) و من نیز گفته ام که: ((مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.))

هان مردمان! تقوا را، تقوا را رعایت کرده از سختی رستخیز بهراسید همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: ((البته زمین لرزه ی روز رستخیز حادثه ی بزرگ است...))

مرگ، قیامت، و حساب و میزان و محاسبه ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش

کیفر را یاد کنید. آن که نیکی آورد، پاداش گیرد. و آن که بدی کرد، بهره ی از بهشت نخواهد برد.

بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی

هان مردمان! شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید. از این روی خداوند عزوجل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان ولایت علی امیرالمؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ همان گونه که اعلام کردم که ذریّه من از نسل اوست. پس همگان بگویید:

البته که سخنان تو را شنیده پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن گذار و بر آن چه از سوی پروردگارمان در امامت امامان علی امیرالمؤمنین و به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و ایمان دیگر - از صلب او - زبان و دست هایمان. با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می شویم. و هرگز آن را دگرگون نکرده شکّ و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم.

(ای رسول خدا) ما را به فرمان خدا بپند دادی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان از نسل خود و او، که حسن و حسین و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستانمان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست. و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم

گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.

هان مردمان! چه می گوئید؟ همانا خداوند هر صدایی را می شنود و آن را که از دل ها می گذرد می داند. «هر آن کس هدایت پذیرفت، به خیر خویش پذیرفته. و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته.» و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته؛ که ((دست خدا بالای دستان آن هاست.))

هان مردمان! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از آنان از نسل آنان که نشانه ی پایداری در دنیا و آخرت.

خداوند مکاران را تباه می کند و به باوفایان مهر می ورزد. ((هر که پیمان شکنند جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهده ی که با خدا بسته پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد.))

هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگوئید و به علی با لقب امیرالمؤمنین سلام کنید و بگوئید:

((شنیدیم و فرمان می بریم. پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است.))

و نیز بگوئید: «تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود و گرنه راه نمی یافتیم» - تا آخر آیه.

هان مردمان! هر آینه برتری هی علی بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم. پس هر کس از

مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید.
هان مردمان! آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی
کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

هان مردمان! سبقت جوینان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب
امیرالمؤمنین، رستگارانند و در بهشت هی پر بهره خواهند بود.
هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند بگویید. پس اگر شما و تمامی زمینیان
کفران ورزند، خدا را زیانی نخواهد رسانید.
پروردگارا، آنان را که به آن چه ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرزد. و
بر منکران کافر خشم گیر! و الحمد لله رب العالمین.